كتاب مفتاح الجنان

٧١٩٧



٧١٩٧
٥٤

بسم الله الرحمن الرحيم

حمد بی حد و ثنای بی عد مر خالق احد و رازق صمد را که برگزید بشر را
از کل مخلوقات کم و لقد کرمنا بنی آدم و برکشید بدرجات عالیه بعضی را
بر بعضی کم و رفعنا بعضهم فوق بعض دنیا فرید آدمی و پدی را مکرم از
برای بندگی را کم و ما خلقت الجن و الانس الا لیعبدون و دنیا فرید
از برای بازی را کم افحسبتم انما خلقناکم عبثا و انکم الینا لا ترجعون و رزق
را پیش از وجود ایشان متکفل شده کم و ما من دابة فی الارض الا علی الله
رزقها شکر و سپاس بی قیاس مر پروردگاری را که از رحمت قدیم و کرم
عمیم خویش عاصیان رانده و غاستان درمانده را بقبول توبه و عفو گناه امید
وار کرد قوله عز و جل غافر الذنب و قابل التوب و باحسان و بعطای جمیل
از برای درد دل مجرمان مسموم بخطیه و عاصیان مغموم را بتریاک رحمت و
بشربت مغفرت بشارت داد کم لا تقنطوا من رحمة الله ان الله یغفر
الذنوب جمیعا و بلطف [illegible] نیکوکاران را برگزید و پرهیزکاران را برکشید کم
ان اکرمکم عند الله اتقیکم و بدخول بهشت عنبر سرشت و بدرجات
عالیه مخصوص گردانید کم ان المتقین فی جنات و نهر فی مقعد صدق
عند ملیک مقتدر و نعیم باقی ان الابرار یشربون من کاس کان
مزاجها کافورا و بشربت قربت عینا یشرب بها المقربون در دار خلود
وعده فرمود قوله الحق و وعده الصدق جل جلاله و عم نواله فتبارک الله

احسن الخالقین و صلوات بی نهایت و تحیات بی غایت بروح مقدس
و قالب مطهر سیدی که متوج بتاج و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین است
و مدقج بدواج لولاک لما خلقت الافلاک است سید المرسلین و خاتم
النبیین محمد رسول رب العالمین صلی الله علیه و علی آله و سلم و بر
صحابه کرام و اولاد عظام او که مصابیح ظلم و مجادیح کرم اند رسانیده
گردان و بعد همی گوید بنده ضعیف گناه کار امیدوار برحمت
پروردگار جل جلاله محمد مجیر وجیه ادیب غفر الله لوالدیه اصغر و احق
خدام درگاه سلطان المشایخ و الاولیا قدوة البرهان و الاتقیا کاشف
الحقایق مظهر الدقایق حجة الحق علی الخلق قطب الاقطاب فی الارضین ملک
المشایخ فی العالمین وارث علوم الانبیاء و المرسلین ختم الواصلین زبدة
العارفین نصیر الحق و الشرع و الدین رضی الله و ارضاه و جعل الجنة
الفردوس مثواه چون دیدم که درین زمانه بعضی عوام الناس عربی نمی خوانند
و اکثر می خوانند بمعانی او اطلاع ندارند و از فایده او محروم می مانند این
ضعیف فایده چند در فضیلت نماز و روزه و زکوة و صدقه و کلمه تهلیل
و ذکر و ورد و ادعیه و غیر آن از کتب معتبره از تفاسیر و اخبار و فقه
و سلوک و اوراد مشایخ عظام و مرحدی که از والد بزرگوار معظم خود مولانا ضیاء
الدین صاحب تفسیر مغنی علیه الرحمة و الغفران دیده و شنیده بودم جمع کردم
و از برای فواید عوام خلق این درویش بقدر فهم خویش مر جمه پارسی بود

عین از کتاب نقل کردم و عربی را بپارسی در قلم آوردم تا عوام خلق و
فرزندانِ ایشان درین رغبت نمایند و از فایده بی بهره نمانند و مداومت
و مواظبت کنند تا بمطالب و مقاصد رسند و این مجموع مختوم را
مفتاح الجنان نام کرده شد و فهرست این کتاب بر بیست و پنج باب
با فصول در قلم آمد التماس از مخدومان و کریمانِ زمانه آنست که
درین اوراق بنظرِ تصویب مشاهده کنند و اگر سهو و خطا یابند
بقلمِ کرم اصلاح فرمایند و عیب و منقصت او را بذیل عفو
بپوشند تا اجر و مزدِ او را از خالق علی الاطلاق بتمامی یابند
و شایستهٔ درگاه و مقبول بارگاه حق گردند الله ولیُّ التوفیق والاجابة

فهرست الابواب

فصل سیوم در تواضع — فصل چهارم در حرص — فصل پنجم در حسد

باب نهم در حیا

باب دهم در صدق ومذمت کذب وغیبت وحفظ زبان ومعصیت وریا واین باب مشتملست بر شش فصل

فصل اول در صدق — فصل دوم در کذب

فصل سیوم در غیبت — فصل چهارم در حفظ زبان — فصل پنجم در معصیت

فصل ششم در ریا

باب یازدهم در صلهٔ رحم وحقوق مادر وپدر وحسن خلق ورفق واین باب مشتملست بر سه فصل

فصل اول در صلهٔ رحم — فصل دوم در حقوق مادر وپدر — فصل سیوم در حسن خلق

باب دوازدهم در فضیلت شکر

باب سیزدهم در صبر ورضا

باب چهاردهم در مناجات ودعا واوقات استجابت دعا واین باب مشتملست بر هفت فصل

فصل اول در مناجات

فصل دوم در فضیلت دعا — فصل سیوم در آداب دعا — فصل چهارم در شرایط استجابت دعا

فصل پنجم در اوقات استجابت دعا — فصل ششم در دعاء کسانی که مستجاب است — فصل هفتم در بیان آنچه مانع اجابت دعاست

باب پانزدهم در بیان دعا ونماز بجهت قضاء حاجات وکفایت مهمات ویافتن دولت وسعادت واین باب مشتملست بر پنج فصل

فصل اول در نماز حاجات — فصل دوم در دعاء حاجات

فصل سیوم در ادعیهٔ حزن وغم — فصل چهارم در خلاص محبوس — فصل پنجم در دعاء پیش رفتن بدکان

باب شانزدهم در ادعیهٔ عصمت وعافیت وظفر

ونصرت

ونصرت یافتن بر دشمنان واین باب مشتملست بر هشت فصل

فصل اول در ادعیهٔ که هر روز بامداد وشبانگاه خوانند — فصل دوم در ادعیهٔ که با خود دارند — فصل سیوم در ادعیه بوقت سواری مرکب

فصل چهارم در ادعیهٔ که بوقت خوف در سفر وحضر خوانند — فصل پنجم در ادعیهٔ ظفر یافتن بر دشمنان — فصل ششم در ادعیهٔ که بوقت نشستن در کشتی خوانند

فصل هفتم در ادعیهٔ که در میان رخت وقماش نهند — فصل هشتم در فضیلت وخاصیت اسامی اصحاب کهف

باب هفدهم در بیان ادعیهٔ بعضی از رنجها وعلتها ودفع موذیات ویافتن گم شده وگریخته واین باب مشتملست بر یازده فصل

فصل اول در دفع بادها — فصل دوم در دفع رنجها

فصل سیوم در دفع جراحتها — فصل چهارم در دفع بادها — فصل پنجم در دفع علتها

فصل ششم در افزونی شیر عورت وگرفتن حمل — فصل هفتم در علاج طفلان — فصل هشتم در دفع مرضها

فصل نهم در دفع موذیات — فصل دهم در عصمت چهارپایان — فصل یازدهم در یافتن گم شده وگریخته

باب هژدهم در زیادة شدن حفظ

باب نوزدهم در فضیلت متفرقات

باب بیستم در عصمت از عذاب وفتنه وضغطهٔ گور وامان یافتن از منکر ونکیر وسوال وصفت ایشان وآسانی سکرات موت وزیارت قبور وسلامتی ایمان ودر آمدن در بهشت ودعاها که در کفن میت نویسند واین باب مشتملست بر شش فصل

فصل اول در عصمت از عذاب وضغطهٔ گور وسبب زوال ایمان — فصل دوم در امان بودن از منکر ونکیر وسوال وصفت ایشان

فصل سیوم در آسانی موت وعلامتهاء او وآمدن ملایکه بر اثر ملک الموت — فصل چهارم در ثواب زیارت قبور

فصل پنجم در سلامتی ایمان ودخول بهشت — فصل ششم در دعاهایی که در کفن میت نویسند

باب بیست و یکم در اسباب غنا و فقر و قضاء دین
این باب مشتمل هست بر سه فصل فصل اول در اسباب توانگری
فصل دوم در اسباب فقر فصل سیوم در قضای دین
باب بیست و دوم در حکایات عدل کردن بعضی خلفاء
راشدین رضی الله عنهم و ملوک ماضیه رضی الله عنهم باب بیست و
سیوم در فضیلت هر چیزی از خوردنیها از اطعمه و اشربه و از فواکه
و مشمومات باب بیست و چهارم در علامات قیامت باب بیست و
پنجم در نماز و دعاء مواسم و شهور متبرکه و فصول متعینه ماه محرم
مشتملست بر پنج فصل ماه صفر مشتمل است بر پنج فصل ماه رجب
مشتملست بر نه فصل ماه شعبان مشتمل است بر پنج فصل ماه رمضان
مشتملست بر پنج فصل عشرهٔ ذی الحجه مشتملست بر هشت فصل

باب اول در بیان کلمهٔ تهلیل و ذکر و استغفار و دعاهای
هر روزه که در سحرگاه و در بامداد و شبانگاه خوانند و در فضیلت درود
و این باب مشتمل است بر پنج فصل فصل اول در بیان کلمهٔ تهلیل
مرویست که حضرت رسالت صلی الله علیه و سلم فرمودند که هر که گوید
هر روزی و هر بامدادی و شبانگاهی که بسم الله الرحمن الرحیم
لا اله الا الله محمد رسول الله کرامت کند حق تعالی آن بنده را هفت
درجه بهفت جای اول آنکه روح او را بر اسلام قبض کند سیوم

قبر

قبر وی را منور کرداند چهارم آنک منکر و نکیر را به بهترین صورتی پیش او
او فرستند پنجم نامهٔ اعمال او را بدست راست او دهند ششم
ترازوی او را بحسنات گران کرداند هفتم او را از پل صراط چون
برق جهنده گذرانند نقل از خالصة الحقایق رسول علیه السلام
فرمودند که شفاعت روز قیامت مران کسی راست که گوید که لا اله الا الله
نقل از حذیفة الیمانی رضی الله عنه گفت مردی را از قوم موسی
پیغامبر صلوات الله علیه روز قیامت بیارند حق تعالی گوید فرشتگان را
که نظر کنید در نامهٔ اعمال این بنده که هست چیزی از نیکی تا امروز از آن
نیکی رستگاری یابد بسبب آن نیکی امروز بس فرشتگان گویند یا رب
نیافتیم در نامهٔ اعمال وی چیزی که بدان رستگاری یابد امروز بجز
آنک در انگشتری او این نقش می بینیم که لا اله الا الله فرمان کند حق
تعالی که در آید بندهٔ مرا در بهشت بدرستی که آمرزیدم او را روایت
میکند امیر المؤمنین ابو بکر صدیق رضی الله عنه که پیغامبر
علیه السلام فرمودند بر شما باد که بسیار گویید کلمهٔ لا اله الا الله را
و استغفار گویید بدرستی که شیطان علیه اللعنه گفت هلاک کردم من
مردمان را به گناه و ایشان هلاک کردند مرا بگفتن کلمهٔ لا اله الا الله پس
هر وقتی که نگویند این کلمه را پس من هلاک کنم ایشان را بهوا و بدعتها
عبد الله عباس رضی الله عنهما میگوید که پیغامبر علیه السلام فرمودند که

تلقین کنید مرده کان خود را یعنی بیماران خود را کلمهٔ طیبه لا اله الا الله هر که
این کلمه را در وقت رفتن گوید واجب شود او را بهشت صحابه پرسیدند که
هر که گوید این کلمه را در حال او را چه درجه باشد رسول علیه السلام فر
مودند دو بار که او را بهشت واجب شود او را این وجوب از وی
کم باشد **از تفسیر مغنی** در حدیث است که تلقین کنید مرده کان
خود را یعنی بیماران خود را نزدیک مردن کلمهٔ طیبه لا اله الا الله محمد رسول الله
و ایشان را امر مکنید بتلقین کلمه شاید که او را در آن حال دشوار آید یا
در غضب شود و منکر شود و نگوید نعوذ بالله منه اما باید که شما نزدیک
او کلمه را بلند گویید تا او در آن حال شنود بزبان آهسته یا در دل گوید
از خالصة الحقایق روایت میکند امیر المومنین علی رضی الله عنه
که رسول علیه السلام گفت مردی را در قیامت نامهٔ اعمال او را بدست او دهند آن روز
نامه را از شب تاریک سیاه تر بینند و هر وی چه نمی باشد که نور از و
چون چراغ روشن تابد و آن کلمهٔ طیبه لا اله الا الله باشد پس حق تعالی
گوید که بندهٔ من مبالغت کرد در ثنای من پس امروز من مبالغت کنم در
رضای او **کعب احبار** رضی الله عنه گفت که وحی کرد خدای تعالی سوی
ادریس پیغامبر علیه السلام که بگوی مر قوم خود را تا این کلمه را گویند
که لا اله الا الله و هر چه خواهند کنند قوم او گفتند اگر بند از بندهٔ ما
جدا کنید ما نگوییم لا اله الا الله حق تعالی بایشان عذاب فرستاد تا همه

هلاک

هلاک شدند و ناچیز گشتند نعوذ بالله من غضب الله **مرویست** از انس ابن
مالک رضی الله عنه که او گفت رسول علیه السلام فرمودند که خبر کرد
مرا جبرئیل صلوات الله علیه و گفت بشارت باد مر امتان ترا بدرستی که هر که
لا اله الا الله وحده لا شریک له گوید در آید در بهشت و حرام شود بر وی
آتش دوزخ و علما گفته اند باقی نماند در آخر الزمان چیزی از طاعتها
فضیلتی مگر دو چیز یکی شهادت لا اله الا الله و دیگر درود بر رسول
علیه السلام زیرا که طاعتها بیشتر خالی نباشد از ریا و عجب مگر این
دو چیز است که در وی ریا و عجب نیست **شیخ فضیل** رحمة الله علیه گفت
که بسا بنده باشد که گوید لا اله الا الله و من می ترسم بر وی از آتش
دوزخ گفتند چگونه یا ابا علی گفت چون پیش او کسی غیبت مردی کند
او را خوش آید گوید لا اله الا الله یا گوید سبحان الله یا گوید زیادت
کن و این کس در گناه افتاده باشد و او را خبر نبود **مرویست** از
پیغامبر صلی الله علیه و سلم که گفت بیارند روز قیامت نود و نه
نامهٔ اعمال یک بنده که در آن همه گناهان و خطاها باشد درازی هر نامه
از مشرق تا بمغرب باشد پس بنهند این همه نامها را در یک پلهٔ میزان
سیئات و در پلهٔ دوم حسنات او را نهند پس راجح آید سیئات او بر
حسنات او پس روان کنند او را سوی دوزخ پس فرمان دهند باری
تعالی فرشتگان را که باز گردانید بندهٔ مرا نزدیک من پس گوید حق عز و جل که

ای بنده

هست ترا نزدیک من از چیزی که نهاده ام در ترازوی تو پس این بنده گوید
الهی مرا نزدیک تو چیزی نیست و تو آن پادشاهی که ظلم از تو روا نیست مقدار
ذرّه پس گوید حق تعالی که نزدیک من ترا ذخیره ایست پس بیرون آرد
حق تعالی بیاضی یعنی کاغذ پاره مقدار انگشت بر آن کاغذ نوشته که
لا اله الا الله محمد رسول الله پس بنهد این کاغذ پاره را در یک پلهٔ میزان
او نهاده شود نود و نه نامه را در یک پلهٔ دیگر پلهٔ کلمهٔ شهادت را بچربد
بر پلهٔ دیگر بعد از آن روان کنند این بنده را سوی بهشت نقل از
کفایهٔ شعبی در خبرست که موسی کلیم صلوات الله علیه مناجات کرد
و گفت یا رب مرا بیاموزی بر عملی که از بجای آوردن آن مشقتی بر نفس
برسد خدای تعالی وحی کرد بسوی موسی که بگوی لا اله الا الله موسی علیه السلام
این کلمه را بگفت هیچ مشقتی او را لاحق نشد بار دوم و سیوم دعا کرد
همین فرمان میشد که بگوی لا اله الا الله گوشت چهارم دعا کرد یا رب من
عملی میخواهم که در وی مشقتی باشد باز وحی کرد حق تعالی بسوی موسی که
یا موسی بدان بدرستی که من آسان کرده ام گفتن این کلمه را بر تو فاما گفتن
این کلمه بر کافران سخت تر و دشوارترست از بریدن کوه بدندان آورده
اند که از بنی اسرائیل جوانی کسی خواستی که کلمهٔ لا اله الا الله بگوید جهل
روز اصلا گوشت نخوردی و جهل روز با خاتون خود جمع نشدی و
جهل روز گناهی نکردی آنگاه اذن شدی تا بگفتی لا اله الا الله در حدیث

مرویست که

مرویست که هر که بگوید کلمهٔ طیبهٔ لا اله الا الله را با مدّ بیامرزد خدای تعالی
چهار هزار گناه او را از کبایر در بدیع المعانی آورده است که مدّ مبالغت
مدّ کلمهٔ لا اله الا الله است و بر مذهب ابن کثیر رحمة الله علیه مد
مقدار دو الف است مر مبالغت را در نفی الههٔ غیر خدای تعالی در تفسیر
درر و تفسیر مغنی آورده است که دو مرد دعوی خصومت کردند و بخدمت
پیغامبر صلی الله علیه و سلم آمدند پس یکی سوگند خورد بر دعوی صاحب
خود و گفت بالله الذی لا اله الا هو بعد گفتن سوگند خورد
جبرئیل علیه السلام آمد و گفت که این شخص سوگند دروغ خورده است
و لیکن خدای عز و جل از وی عفو کرد او را بیامرزید از جهت آنکه در کلمه مد
آورد و بعد خواند شیخ ابو اللیث رحمة الله علیه در کتاب تنبیه آورده است که
واجب است بر همه مسلمانان که بسیار گویند قول لا اله الا الله و درخواست
کنند از حق تعالی در ساعتهای شب و روز که تا باز نگیرد این کلمه را از ایشان
و نگاه دارد نفس ایشان را از معاصی در مضمرات آورده است که اگر مسلمان
مر مسلمانی را گفت که بگوی لا اله الا الله و او نگفت کافر شود اگرچه معتقد
ایمان باشد از تفسیر منیر خبریست مشهور و در کتب مسطور از پیغامبر
صلی الله علیه و سلم با سناد درست که خدای تعالی کتابی بیان فرمود و نوشته است
آورد چنانکه خواست و لادت او موجود پیش از آنکه خلق را آفریند بدو هزار سال
و این کتاب را بر عرش مجید نهاد ندا کرد یا امّت محمّد پیش از آنکه از من عطا

خواستید عطا یافتم و پیش از آنکه آمرزش خواستید آمرزیدیم که هر که کلمه طیبه
لا اله الا الله محمد رسول الله گوید در بهشت در آید **از کفایه شعبی** حذیفه الیمانی
رضی الله عنه گفت که من نزدیک رسول علیه السلام در آمدم و رسول را علیه السلام
رنجی بود که بدان رنج رحلت خواست کرد و حضرت امیر المومنین علی رضی الله
عنه پیش پیغامبر صلی الله علیه وسلم نشسته بود پیغامبر علیه السلام فرمود
که مرا تکیه کنید تا بنشینم حذیفه میگوید من گفتم یا شاه مردان بگذار تا من
پشت مبارک رسول علیه السلام را در کنار گیرم رسول علیه السلام فرمود که
بگذار تا علی بگیرد که او اولیترست بدین کار پس رسول علیه السلام گفت یا
یا حذیفه نزدیک من آی حذیفه میگوید نزدیک رفتم رسول علیه السلام فرمود که
هر که را ختم کار او بکلمه شهادت شود یعنی بکلمه طیبه لا اله الا الله آن بنده در آید
در بهشت و هر که را ختم کار او بطعام دادن یک مسکین شود در آید در بهشت پس من
گفتم یا رسول پوشیده دارم این حدیث را یا آشکارا کنم رسول علیه السلام فرمود
آشکارا کن **شیخ عبد الله** در کتاب شرف النبی چنین آورده است که بر پیشانی
صد هزار و بیست هزار و چهار هزار پیغامبر نوشته بود که لا اله الا الله محمد
رسول الله چنانک ما بهمه پیغامبران ایمان داریم امت پیشین بمحمد رسول الله
صلی الله علیه وسلم ایمان داشته اند **سوال از خلاصة الحقایق جواب**
پرسیده شد حضرت پیغامبر را علیه السلام که ثمن جنت چیست گفت لا
اله الا الله فرمود هر بنده که بگوید لا اله الا الله هر ساعتی از ساعت شب و روز

البته

البته محو کرده شود گناهان گذشته او را از نامه اعمال او و ثبت کرده شود بجای
او نیکیها **ایضا** عبد الله عباس رضی الله عنهما گفت که پیغامبر صلی الله علیه وسلم
فرمود که خدای عز و جل فرشته آفریده است از آن روز که زمین و آسمانها آفریده است
و او را امر کرده است که بگوید لا اله الا الله و او دایم همین کلمه را میگوید و در
گفتن هیچ قطع نمیکند و باز نمی ایستد و دم نمی زند و تمام نمی کند پس هر
گاه که تمام کند این کلمه را پس همان ساعت خدای عز و جل امر کند اسرافیل
را صلوات الله علیه تا صور در دمد و قیامت قایم شود **از تفسیر مغنی**
در حدیث است که هر که گوید کلمه لا اله الا الله را در شب یا در روز الا آنکه محو
شود آنچه در صحیفه اوست از گناهان و بیافریند خدای عز و جل از آن کلمه
مرغی سبز در بهشت و بخورد این مرغ از درختها میوه های بهشت و بیاشامد از
جویهای بهشت چون قبض کرده شود جان این بنده را بگوید آن مرغ که
الهی بیافریدی مرا از تسبیح این بنده پس بگردان روح او را قرین من خدای
خدای عز و جل روح او را قرین آن مرغ گرداند تا طواف کند و بچرد آن مرغ با آن
روح مطهر در بوستانهای بهشت تا روز قیامت **ایضا از تفسیر مغنی** در حدیث
است بدرستی که خدای تعالی ستونی آفریده است از نور سر آن ستون در زیر عرش با عظمت است
و اسفل او بزیر هفتم زمین چون بنده بتوفیق حق عز و جل کلمه شهادت گوید که
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله
لا اله الا الله محمد رسول الله آن ستون در جنبش آید حق عز و جل گوید یا ستون

ساکن شو آن ستون گوید یا رب ساکن نشوم تا مادام که گوینده این کلمه را نیامرزی

از تنبیه فقیه ابو اللیث رحمة الله علیه [رسول صلی الله علیه] و سلم گفت که یا جبرئیل چگونه باشد
مر دمان را احوال در روز قیامت جبرئیل گفت یا رسول الله بر زمین
سفید باشند که بران زمین هرگز گناه نکرده باشند آنگاه دوزخ یکی خروشیدن
بخروشد فرشتگان در عرش آویزند و هر فرشته گوید یا رب هیچ چیز نخواهیم
مگر خود را نجات از دوزخ و کوهها هم بگدازند از هول دوزخ یا محمد دران
روز با هیبت بیارند دوزخ را هفتاد هزار فرشته و بدارند پیش درگاه حق
عز و جل ندا آید از حضرت حق عز و جل که یا دوزخ سخن گوی دوزخ بسخن آید
گوید لا اله الا الله بعزت و عظمت تو که امروز کینه کشم از آن کسانی که در دنیا
روزی تو خدای عز و جل میخورده اند و کسی دیگر را می پرستیدند من امروز بفرمان
تو سزای ایشان را بدهم و دیگر آنکه امروز هیچکس از من در نگذرد بی جواز رسول
علیه السلام گفت یا جبرئیل جواز چه باشد گفت بشارت مر ترا باد یا محمد که روز
قیامت امت تو با جواز آیند یعنی هر آنکس که بگوید لا اله الا الله از صراط و
دوزخ بسلامت بگذرد رسول صلی الله علیه و سلم گفت شکر مر آن خدای را که
الهام داد مر امت مرا بگفتن کلمهٔ شهادت اشهد ان لا اله الا الله انس ابن
مالک رضی الله عنه روایت میکند از رسول صلی الله علیه و سلم که فرمود که مردی بود
در بنی اسرائیل عابدتر از همهٔ مردمان بنی اسرائیل و شخصی دیگر بود فاسق تر
از همهٔ بنی اسرائیل این دو مرد را زمان مهلت بسر آمد موسی کلیم الله صلوات

علیه

علیه خبر کردند که فلان عابد فرمان یافت و نیز گفتند که فلان فاسق
فرمان یافت موسی علیه السلام تدبیر آن کرد که بران عابد نماز گزارد و بخاک
دفن کند جبرئیل علیه السلام بفرمان حق عز و جل آمد و گفت ای موسی جای این
مرد عابد در دوزخ است و جای این مرد فاسق در بهشت است موسی علیه السلام در تعجب
فرو ماند پس آنگاه آمد نزدیک زن آن عابد و سوال کرد از حال عابد و گفت
ای زن این عابد درین خانه چه کار داشت چه کردی و عبادت او چگونه بودی
در نهان از مردمان زنش گفت وی عابدترین مردمان بود چنانک بر شما پوشیده
نیست موسی علیه السلام گفت عمل وی چگونه بود زن گفت یا رسول الله چون
در جامهٔ خواب در آمدی گفتی خوشا مرا که آخر موسی کلیم آورد نزدیک ما مهم
را عمل کردیم موسی صلوات الله علیه چون این بشنید گونهٔ او از این گفتار
متغیر شد زیرا که در عمل عجب آورده است پس موسی علیه السلام نزدیک زن
فاسق آمد و پرسید از حال شوهرش آن زن گفت شوهر من فاسق تر از
همهٔ فاسقان بود چنانک بر شما پوشیده نیست موسی گفت ای زن در خانه
کردار و عمل او چگونه بود زن گفت یا رسول الله چون در جامهٔ خواب در آمدی
از غفلت گفتی لا اله الا الله موسی علیه السلام گفت نجات این بندهٔ فاسق از این
جهت بوده است بر حکمت جهان آفرین آفرین خواند رسول صلی الله علیه و سلم
فرموده اند که هر کرا توفیق رفیق وی شود تا بگوید قول لا اله الا الله از دهان
وی مرغی بیرون آید سبز و مر آن مرغ را دو پر سفید باشد موکل بزر و یاقوت

بافته آن مرغ پران شود تا بزیر عرش و صوت آن مرغ را بانگی بود چون بانگ زنبور
فرشتگان گویند ای مرغ بیارام گوید نیارامم تا گوینده مرا حق عز و جل
نیامرزد حق تعالی خطاب کند که آمرزیدم بعد از آن این مرغ را هفتاد هزار
زبان آفریند تا گوینده لا اله الا الله را آمرزش همی خواهند تا روز قیامت
چون روز قیامت شود آن مرغ بیاید و دست گوینده لا اله الا الله را بگیرد
و بهشت عنبر سرشت برد **مرویست که** ابوذر غفاری رضی الله عنه گفت که
من گفتم یا رسول الله مرا عملی آموز که به بهشت نزدیک گرداند مرا و از دوزخ
دور گرداند رسول علیه السلام فرمودند که یا اباذر چون از تو کار بدی در وجود
آید جهد کن که از پس آن نیکی کنی تا ده چندان مزد یابی گفتم یا رسول الله
لا اله الا الله گفتن از نیکی هست رسول علیه السلام فرمودند که گفتن لا اله الا الله
از همه نیکوییها نیکوترست والله الهادی **فقیه ابو اللیث** رحمة الله علیه
در تنبیه آورده است که واجبست بر همه مسلمانان که بسیار گویند قول لا اله الا الله
را و از خدای تعالی همی خواهند در شب و روز که این قول را از ایشان باز نگیرد
و مر خود را از معصیتها نگاه دارند اندر دنیا که بسیارند که این قول را همی گویند
و چون بآخر عمر میرسند از وی باز می ستانند از سبب کارهای بد و شومی گناه
اندر دنیا بیرون می برندشان با کافران نعوذ بالله کدام معصیت باشد بزرگتر
ازین که مردی بود نام وی از مسلمانان و در همه عمر خویش تا بمیرد قول لا اله الا الله
را گوید و چون روز قیامت شود برخیزد نام وی از کافران باشد این است

حسرتی

حسرتی عظیم چگونه حسرتی از همه حسرتها بدتر و حسرت آن نبود که شخصی را از
بیرون آرند و یا از آتش کده و بدوزخ برند و لیکن حسرت آن کسی را بود که
او را از مسجد بیرون آرند و بآتش برند و آن همه از سبب بدکرداری است
و بر حرامها دلیری کردن بسیار کسی هست که چیزی از آن کسی دیگر بدست او افتد
و وی آن را بر خویش نفقه کند و گوید این را بفرصت بدهم و بحلی خواهم ناگاه
اندرین میان بمیرد و حق در ذمه او بماند پیش از آنک خصم را خوشنود کند
و بسیار کسی هست که میان وی و میان جفت وی حرام افتاده باشد گوید
چگونه رها کنم این زن را که مادر فرزندان منست و از وی فرزندان دارم و بدین
کارها حکم ایستد ناگاه مرگ اندر آید و وی بران حرام میمیرد و باشد که ایمان را
از وی باز ستانند ای برادر جهد کن در صلاح باز آوردن کار خویش پیش از آنک
مرگ آید و تو هیچ چیزی از اسباب ناساخته و تو ندانی که این مرگ کی آید ای برادر
بدانک عمر اندکست و حسرت بسیار بر تو باد که بسیار گویی قول لا اله الا الله
از فواید الاسلام بدانک کلمه طیبه لا اله الا الله محمد رسول الله را اول یکبار
گفتن بوقت گرویدن فرض است و بعد ازان تکرار کردن سنت است لا اله نفی آلهه
باطل است و الا الله اثبات اله حق است ای لا معبود للخلق و لا یستحق الالوهیة
الا الله و لا واجب للعبودیة الا الله یعنی نیست سزای پرستش مگر خدای
عز و جل و نیست و نبود و نباشد سزای خدایی جز خدای واحد احد صمد
فرد و تر جل جلاله و عم نواله و بدانک بگفتن کلمه طیبه لا اله الا الله کفر صد ساله

تا فرصت میشود باید که بنده این کلمه را ورد سازد تا اگر ازین کس چیزی از صفت
کفر در وجود آمده باشد بدین کلمه تجدید ایمان شود و ایمان وی مدام در عصمت
خدای تعالی بود و چون در گفتن این کلمه در حال حیات عادت داشته باشد امید
بود که بوقت نقل از دنیا همین کلمه بر زبان رود چنانک حضرت رسالت
صلی الله علیه وسلم فرموده اند کما تعیشون تموتون تحشرون و ختم
کار وی بدین کلمه شود درخبرست که من ختم بلا اله الا الله دخل الجنة
نقل از کتاب تقویم هرکه ایمان آرد برسالت محمد رسول الله صلی الله
علیه وسلم و نشناسد او را و نداند که کدام محمدست پس بدرستی که آن کس
نباشد مومن و نباشد از امت او یعنی نام پدر و جد محمد را علیه السلام
نداند درعقیده مولانا حافظ الدین رحمة الله علیه آورده است که بدرستی که
پیغامبر ما و برگزیده هر دو سرا محمد بن عبد الله بن عبد المطلب بن هاشم
بن عبد مناف است و او رسول برحق است نامه شیخ المشایخ جلال الدین
تبریزی بجانب شیخ الاسلام بهاء الدین زکریا قدس الله روحهما بسم الله
الرحمن الرحیم لا اله الا الله تبارک و تعالی برکات دلهای خواص را که محرم
اسرار این کلمهٔ طیبه اند برهنه کناد این عزیز احسن الله له فی الدارین واکرمه
فی المنزلین برساناد دل عزیز آن برادر از کدورات محبت این خاکدان فانی
که ذات غرور است نه دانسته نور پاک گرداناد تا دیدهٔ دل کشاده کرده و باطن
نظر باخرت نکرد که کارگاه حقیقی آنست و مشتاق آن عالم نورانی بنظر پاک کرد

بس معلوم شد که رفتن بدان عالم طیب بی آنک کلمهٔ طیبه گوید ممکن نگردد
زیراکه اورا ازان عالم فرستاده اند تا بنور او ان تاریکی این خرابهٔ فانی
وظلمت نفس نجات یابیم و بدان عالم منور رسیم چنانک مهتر صلی الله علیه وسلم
می فرماید بعثت علی قول لا اله الا الله محمد پس آن برادر باید که دل وزبان
دانا و گویای این کلمه گرداند چون از مخلوقات تنها ماند باواز بلند میگوید
وچون در میان خلق باشد آهسته میگوید چنانکه کسی نشنود زیراکه حروف
این کلمه که با لب برده حروفست کار نیست ولب را جنبانند در بارگاه و آبگاه
و در خلا و ملا هرجاکه باشد بی او نباشد تا دران وقت که پیک حضرت
الوهیت در رسد و بدان عالم خوانند او با تو باشد و دلیل راه بر جانب تو
کند و ترا بدان جای رساند که حضرت عزت وعده کرده است در کلام مجید
وفرقان حمید خود که فی مقعد صدق عند ملیک مقتدر مرویست که
بر جملهٔ درهای بهشت اول این کلمه نوشته اند که لا اله الا الله محمد رسول الله و
بر در بهشتم نوشته اند که لا اله الا الله محمد رسول الله من اراد السلامة فی
الدارین فلیعتصم بقول لا اله الا الله محمد رسول الله ازوسیلة القلوب
در حدیث آمده است بروایت ابو هریره رضی الله عنه ان رسول صلی الله علیه وسلم
که گفت هرکه بگوید لا اله الا الله محمد رسول الله ولا حول ولا قوة الا بالله و
می شمرد و عقد می گیرد بانگشتان تا پنج انگشت اگر این بنده دران روز یا دران
شب یا دران ماه بمیرد که این کلمه را گفته است خدای تعالی گناهان او را بیامرزد

فصل دوم در بیان فضیلت ذکر و تفکر و فضیلت خواندن قرآن و فضیلت بسم الله الرحمن الرحیم

از خالصة الحقایق رسول صلی الله علیه وسلم
فرمودند که خدای تعالی میفرماید که من با بندهٔ خودم چون او را یاد میکند
و در ذکر من هر دو لب را می جنباند رسول علیه السلام ابوذر را رضی الله عنه
فرمود که نشستن تو ساعتی نزدیک خلقی که ذکر خدای عز و جل میگویند
بهترست از عبادت هزار ساله و مؤمن چون بنشیند نزدیک قومی که ذکر خدای
تعالی کنند خدای گشاید بران مؤمن درهای رحمت را و بر نخیزند از ان
مقام آن مؤمنان مگر که خدای عز و جل همه را بیامرزد بر منادی ندا
کند که عملها از سر گیرید بدرستی که آمرزیدیم جملهٔ گناهان شما را از عبد الله
عباس رضی الله عنهما روایت میکنند از رسول صلی الله علیه وسلم که وحی
کرد خدای تعالی بسوی موسی کلیم صلوات الله علیه که یا موسی بدرستی که من می
خواهم با تو جلیس بودن را و من میخواهم با تو سخن گویم چون موسی علیه السلام
این خطاب را شنید بتعظیم برخاست و بنشست پس وحی کرد خدای
تعالی که یا موسی چون تو مرا یاد کنی بدرستی که من با تو جلیس شوم و خدای
تعالی خطاب میکند که اَنَا جَلِیسُ مَنْ ذَکَرَنِي یعنی من جلیس کسی ام که مرا یاد کند
کعب احبار رضی الله عنه گفت که مؤمن را از شیطان سه حصارهست اول
ذکر خدای تعالی و دوم قرآن و سیوم مسجد مرویست که مردی بخدمت
رسول علیه السلام آمد و گفت یا رسول الله شرایط اسلام بسیارهست مرا وصیت

کن

کن بچیز اندکی از روی لفظ و بمعنی کثیر رسول علیه السلام فرمود که همیشه
زبان خود را تر دار بذکر خدای تعالی آن مرد گفت یا رسول الله مرا این قدر
بسنده است رسول علیه السلام فرمودند که بسنده است مر ترا در خبرست که
جبرئیل علیه السلام گفت مر پیغامبر را صلی الله علیه وسلم بدرستی که خدای تعالی
میفرماید چیزی دادم امت ترا که هیچ امتی را از امتان دیگر نداده ام رسول
علیه السلام پرسید که یا برادر جبرئیل آن چیست گفت خدای تعالی در کلام مجید خود
فرمود فَاذْکُرُونِي اَذْکُرْکُمْ یاد کنید مرا تا شما را یاد کنم غیر از امت هیچ امت
دیگر را بدین تشریف مشرف نکرده است از تفسیر مغنی رسول علیه السلام
فرمود که ذکر گویید مر خدای عز و جل را ذکر خامل گفتند یا رسول الله
ذکر خامل چیست گفت ذکر خفی ایضا رسول علیه السلام فرمود هر چیزی
را صیقل است و صیقل دل ذکر خدای است عز و جل ایضا پیغامبر علیه السلام
فرمودند هر که مطیع باشد خدای عز و جل را پس او ذکر خدای عز و جل
گوید اگرچه اندک باشد او را نماز و روزه و تلاوة قرآن و هر که عاصی شود
خدای عز و جل را پس او فراموش کرد خدای عز و جل را اگرچه بسیار بود
او را نماز و روزه و تلاوة قرآن رسول علیه السلام فرمودند که بهترین ذکر
کلمهٔ طیبهٔ لا اله الا الله است و بهترین دعا الحمد لله است در مرصاد العباد
آورده است که بسیار مشایخ لا اله الا الله را اختیار کرده اند و این کلمه
را خاصیتی آورده است در تنویر باطن در معرفة المریدین آورده است که

جمیع ذکر در میان مشایخ طبقات سه ذکر است یکی ذکر لا اله الا الله محمد رسول الله
دوم سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر سیوم یا حی
و یا قیوم لیس کمثله شیء وهو السمیع البصیر اگر کسی ذکر لا اله الا الله
اختیار کند نه بار لا اله الا الله گوید کرت دهم محمد رسول الله گوید
اگر ذکر سبحان الله اختیار کند بیست و یکبار سبحان الله گوید و بعد از
بیست و یکبار گوید رب الهمنی خیرک و رشدک و اگر ذکر گوید یا حی یا قیوم
اختیار کند سی بار بگوید و بیشتر در وقت سحر گوید با آواز بلند تا
اهل و جیران او حظی گیرند اگر ایشان نگویند باری شنوند و برکت
این چنین ذکر گفتن بسیار است و بعضی میگویند که باید که آهسته
گویند اما کلمه الله را با آواز بلند گویند مرد باید که چنان ذکر گوید که
هر تار موئی که بر تن وی است زبان گردد چنانکه پندارد که گویا همه جوارح
او زبان شده است در فضیلت بسم الله الرحمن الرحیم در کفایه شعبی
آورده است که در هر موضعی و در هر کاری که تسمیه گویند یعنی بسم الله الرحمن الرحیم
شیطان را در آن حظی و نصیبی نباشد در خبر آمده است که چون یکی از شما در
خانه در آید شیطان هم بدنبال شما در خانه در آید چون بوقت خانه در آمدن
بنده توفیق یابد که گوید بسم الله الرحمن الرحیم شیطان گوید مرا
درین خانه مدخل نیست و چون طعام پیش آید گوید بسم الله الرحمن الرحیم
شیطان گوید مرا درین طعام نصیب نیست و همچنین در آب خوردن و در وقت

خفتن

نیست
خفتن بسم الله الرحمن الرحیم گوید شیطان گوید خوابگاه مرا اینجا
و اگر کسی تسمیه را ترک کند در وقت در آمدن در خانه شیطان برابر او در خانه
در آید و اگر در طعام تسمیه نگوید شیطان با او هم کاسه شود و برابر او بخورد
و همچنین در آب خوردن اگر تسمیه نگوید شیطان در کوزه آب دهان خود
زند بعد از آب خورنده و اگر در وقت جماع با حلال خود تسمیه نگوید
شیطان برابر او جماع کند و دلیل صحت این قول کلام خدای است عز و جل
قوله تعالی وَشَارِكْهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ در اموال مشارکت در اکل
و شرب است و اما مشارکت در اولاد آنست هر فرزندی که معتوه و کم
عقل یا سفیه و مجنون بود یا عضوی از اعضای او شکسته و معیوب
بود آن همه از اثر شیطانست شیطان گوید خانه یافتم و طعام و آب و
خوابگاه یافتم ازین خانه بیرون نیایم و اگر همچنین کسی در وقت بیرون
آمدن از خانه بگوید بسم الله الرحمن الرحیم شیطان از وی بگریزد
آورده اند که دیوی دیو دیگر پیش آمد یکی از ایشان فربه بود و آن دیو
دیگر لاغر بود فربه پرسید مر دیو لاغر را که تو چرا اینچنین لاغری گفت
من به نزدیک مردی می باشم که اگر در خانه می باشد در آید میگوید بسم الله الرحمن الرحیم
و اگر از خانه بیرون می آید میگوید بسم الله الرحمن الرحیم و اگر طعام
میخورد میگوید بسم الله الرحمن الرحیم و اگر خواب میرود میگوید
بسم الله الرحمن الرحیم من از وی شب و روز گرسنه می باشم از آن

جهت

مشارکت
الرحیم
و آب

از غم خوردن لاغرم پس پرسید دیو فربه را که حال تو اینچنین از کجاست
که فربه و خوشحال می بینم تراآن دیو گفت من نزدیک شخصی مسلّط
شده ام که در خانه می درآید غافلانه و بسم الله نمیگوید و طعام و آب
میخورد شکر بجای نمی آرد و در خواب میرود بطریق غفلت و از
خانه بیرون میرود و نمیگوید بسم الله الرحمن الرحیم من با او
درین همه شریکم اکنون از خانه بیرون می آید برکردن او سوار می
شوم و او را بکارهای بدحالت میکنم از این سبب چنین فربهم پس
سنت اینست که بنده چون از خانه بیرون آید گوید بسم الله الرحمن الرحیم
تَوَکَّلْتُ عَلَی اللهِ وَعَلٰی مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ حَسْبِيَ اللهُ وَلَاحَوْلَ وَلَاقُوَّةَ
اِلَّابِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اَللّٰهُمَّ اعْصِمْ دِینِي وَدُنْیَايَ وَآخِرَتِي این بنده هرکجا
رود فرشته با او برود تا آنگاه که بخانه باز آید **از تفسیر مغنی در فضیلت**
کلمهٔ سبحان الله عبدالله عباس رضی الله عنهما گفت که حق تعالی فرموده که ای
محمد بگوی سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَکْبَرُ وَلَاحَوْلَ وَلَاقُوَّةَ
اِلَّابِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ عَدَدَ مَاعَلِمَ اللهُ وَزِنَةَ مَاعَلِمَ اللهُ وَمِلْأَ مَاعَلِمَ اللهُ
پس گفت هرکه گوید این تسبیح را بنویسد خدای تعالی نام این بنده را از الذاکرین
الله [illegible] والذاکرات و بفضل او بیشتر از آن باشد که شب و روز خدای
تعالی را یاد کند و از برای وی در بهشت درختان نشانند و گناهان وی بریزد
چون برگ درختان و خدای تعالی بنظر رحمت در وی نگرد هرکرا حق تعالی بنظر

رحمت نگریست هرگز عذاب نکند **از تفسیر مغنی** رسول علیه السلام فرمودند صحابه را
که بگیرید سپر خود را صحابه گفتند یا رسول الله از برای دشمنان گفت نی از برای
آتش دوزخ گفتند چیست سپر ما از آتش دوزخ رسول علیه السلام فرمودند
سبحان الله والحمد لله تا آخر **ایضاً** پیغامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند
چون شب معراج شد بسوی آسمان ابراهیم خلیل را صلوات الرحمن علیه
گفت بگوی امت خود را تا بسیار کنند غذای آش بهشت گفت سبحان الله
والحمد لله تا آخر **در خبرست که** مردی گفت یا رسول الله من قرآن خواندن
نمیدانم مرا چیزی آموز که بدان ثواب قرآن خواندن دریابم رسول علیه السلام
فرمودند که بگوی سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر آن مرد
گفت بهره و نصیب من چیست این همه حق تعالی راست رسول علیه السلام
فرمودند که در عقب این بگوی اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَعَافِنِي **از ملفوظ شیخ**
الاسلام فریدالدین قدس الله سره العزیز فرمودند که وقتی بخدمت قطب
المحققین شیخ مرشد شهاب الدین سهروردی قدس الله روحه العزیز حاضر
بودم فرمود که چون بنده را حق تعالی خواهد که دوست گیرد درهای ذکر را بروی
گشاده کرده اند پس او را در سرای فردانیت فرود آرد و محل او عظمت جلال باشد
و دیگر فرمود که در حدیث است که ذکر مولی بر زبان داشتن نشان ایمان است
و بیزاریست از نفاق و حصاریست بنده را از آتش شیطان و حرزیست
او را از آتش دوزخ بعد از آن فرمود که در شرح مشایخ نوشته دیده ام که

چون مردمان دعا باز کنند بدگو خدای تعالی ندا برآید از آسمان که برخیزید
و شادیها کنید که خدای عز و جل شما را آمرزید و گناهان شما را عفو کرد **از**
تفسیر مغنی پیغامبر علیه السلام فرمودند که هر که عاجز شود از آنکه شب
را بیدار دارد و دیگر آنکه دلیری ندارد که با دشمن جهاد کند و قوت آن ندارد که
مال را نفقه کند پس بر وی باد که ذکر خدای عز و جل را بسیار گوید که ذکر
خدای تعالی سلاح مومن است از ابلیس لعین **از تفسیر منیر** هر که در ابتدا
خوردن طعام بسم الله گوید و چون از طعام فارغ شود الحمد لله گوید
و چون گناهی کند استغفر الله گوید و چون قرآن خواند اعوذ بالله گوید
و چون شیطان وسوسه کند لا اله الا الله گوید خدای عز و جل گوید آن بنده
را از جمیع بلاها در امان خود دارد **ایضاً** رسول علیه السلام فرمودند که
ذکر گوینده در میان غافلان چون مرد تیغ زننده است در میان گریزندگان
نقل از وصایا رسول علیه السلام فرمودند که یا علی هر که هر روز بیست و
یکبار گوید اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ وَفِيمَا بَعْدَ الْمَوْتِ خدای عز و جل با او
حساب نکند بدانچه داده است در دار دنیا **از تنبیه** فقیه ابو اللیث رحمة الله علیه
در خبر است که موسی کلیم صلوات الله علیه گفت که یا رب چون دانم آنکس را که
تو دوست داری و آنکس را که تو دشمن داری ندا آمد که یا موسی هر آنکسی که من
دوست دارم دو علامت در وی پدید آرم اول او را الهام دهم بذکر خود
تا مرا یاد کند پس فرشتگان را فرمان دهم تا او را یاد کنند در آسمانها و دیگر او را

نگاه

نگاه دارم از جملهٔ جرمها و از چیزی که مستوجب خشم من شود تا غضب و خشم من
بر وی فرود نیاید و هرگاه که بنده را دشمن دارم در وی دو علامت پیدا آرم اول
آنکه ذکر خود را بر زبان وی فراموش گردانم دوم او را بدو گذارم و کارش را
با و گذارم تا در چاهها افتد ناگاه ببینی که عذاب من بر وی فرود آید نعوذ
بالله من غضب الله **ایضاً** روایت میکند ابو الفتح از پدر خویش که مردی
از صحابهٔ رسول صلی الله علیه و سلم بر ستوری نشست آن ستور بسر در آمد
آن مرد گفت لعنت بر تو باد رسول علیه السلام شنید و گفت ای چنین
مگوی که بچنین گفتار دیو بزرگ گردد تا چندان شود که خانه از وی پر شود
و لیکن بگوی بسم الله الرحمن الرحیم زیرا که دیو بدین کلام ضعیف گردد
از خالصة الحقایق ابو هریره رضی الله عنه گفت که پیغامبر علیه السلام
فرمودند که اهل آسمان خانهای اهل زمین را بستاره‌گان می بینند هر
جایگاه که در خانه ذکر خدای تعالی بسیار گویند آن خانه را منور گردانند و
صاحب آن خانه را آمرزش خواهند **ایضاً** آورده اند که مردی بحج روان شد
در راه بمسجدی در آمد و دو رکعت نماز گزارد و گفت اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ
آوازی شنید که ای بنده ساکن باش زیرا که مشغول کردی تو صف صف از
فرشتگان آسمان را بنوشتن ثواب حمد اول که تو گفته بودی فرشتگان
هنوز از آن فارغ نشده اند **شیخ حاتم اصم** رحمة الله علیه گفت که سلاح
شیطان بر تو صلح کردن مردمانست و ثنا گفتن ایشان اما سلاح تو
بر شیطان

ذکر خدای است عز وجل **از خالصة الحقایق** بدانکه حق تعالی نفاق را ابدی
کرد و پیدا کرد مقام منافقان را در آتش دوزخ به سبب چه چیز بنده بیرون
آید از نفاق **جواب** ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده از پیغامبر علیه السلام
که هر که بسیار گوید ذکر خدای عز وجل را آنکس مبرا باشد از نفاق
سوال بدانکه مؤمنان مأمورند بذکر گفتن بسیار چیست بیان کن که ذکر
در ذکر **جواب** سلطان العارفین شیخ ابویزید بسطامی قدس الله روحه
العزیز فرموده که ذکر کثیر نیست بعدد و شمار ولیکن ذکر کثیر چیزی بود
دلست بی غفلت **ایضا** ابوهریره رضی الله عنه گفت که پیغامبر صلی الله علیه
وسلم فرموده‌اند که چون بنده سه بار گوید یارب یارب یارب خدای تعالی
گوید لبیک عبدی **در فضیلت تفکر** در تفسیر زاهدی آورده است که تفکر بر
سه نوع است یکی تفکر در عیبهای نفس خود است تا آنرا باصلاح آرد و این
بمنزلهٔ عبادت یکساله است دوم تفکر در آلائی و نعمتهای حق تعالی است سیوم
تفکر در آفرینش آسمانها و زمینها است و بر دلایل وحدانیت حق تعالی است
و این تفکر اثبات ایمانست و این بمنزلهٔ عبادت شصت ساله است **از تفسیر**
مغنی پیغامبر علیه السلام فرموده‌اند که تفکر یکساعت بهتر از عبادت هفتاد
ساله است **ایضا** پیغامبر علیه السلام فرموده‌اند که تفکر یکساعت بهتر از عبادت
آدمیان و پریانست **نقل** آورده‌اند که در بنی اسرائیل عابدی بود که سی سال
عبادت کرده بود و در میان ایشان رسم اینچنین بود که اگر کسی در میان ایشان

سی سال

سی سال عبادت کردی خدای تعالی ابری را نام زد وی کردی تا بر سر وی سایه افکندی
آن عابد چون سی سال عبادت کرد اثر آن ندید با مادر خود شکایت کرد
مادرش گفت درین مدت هیچ گناهی کرده گفت هیچ گناهی نکرده‌ام و قصد بگناه ام
نکرده‌ام مادرش گفت بسوی آسمان نظر کردهٔ بغیر فکرت گفت بلی تا د
بچنین کرده‌ام مادرش گفت کسی که چنین کند اگر این کرامت نیابد عجب
باشد این همه از برای تعلیم بندگانست **در فضیلت قرآن خواندن از تفسیر منیر**
در خبرست که هر که قرآن را امام و پیش رو خود سازد بقیامت قرآن در پیش او می
رود و او را بسوی بهشت رهنمونی میکند و هر که قرآن را ملازمت و مواظبت
نکند و در پس پشت اندازد فرشته در قیامت می آید و برگردن او میزند تا
او را بسوی دوزخ می برد نعوذ بالله منها **در خبرست که** عدد درجه بهشت باندازهٔ
قرآن خواندنست می آرند که اگر کسی نیمهٔ قرآن داند یا کلی از قرآن داند بر خواند
وی را درجات عالیه در بهشت دهند و گویند که اگر از قرآن زیادت ازین می
دانستی درجهٔ تو زیادت تر بودی **عقبة العامر** رضی الله عنه میگوید که از پیغامبر
علیه السلام شنیدم که گفت هر که قرآن خواندن پنهان بود همچنان باشد که
صدقهٔ پنهان داده باشد و هر که قرآن آشکارا خواند همچنان باشد که آشکارا
صدقه داده بود و اگر پنهان خواند فاضلتر و ثواب بیشتر رسول علیه السلام
فرموده‌اند که در شب معراج گناهان امت مرا بر من عرضه کردند ندیدم هیچ گناهی
بزرگتر از آن کسی که قرآن داند و نخواند رسول علیه السلام گفت هر که قرآن داند

ونخواند

و بعد از آن فراموش کند هر آیتی که فراموش کرده باشد درجه از نامهٔ اعمال
وی محو کرده و روز قیامت قرآن بدوی خصمی کند رسول صلی الله علیه وسلم
فرموده هرکه قرآن بیاموزد و فراموش کند روز قیامت او را بیارند
بینی بریده امام اعظم ابو حنیفهٔ کوفی رحمة الله علیه گفت هرکه توفیق
یابد که در سالی دو بار ختم قرآن کند حق قرآن را ادا کرده بود از برآنک پیغامبر
علیه السلام گفت که جبرئیل صلوات الله علیه عرضه کرد قرآن را بر من دو بار
در آن سال که مرا فرمان حق تعالی رسید از خلاصة الحقایق انس بن مالک
رضی الله عنه گفت بدرستی که پیغامبر علیه السلام فرموده اند که بدرستی که عرضه کرده
میشود بر من اعمال و ثواب امت مرا تا خسی را که بیرون می آرند از مسجد
و عرضه کرده می شود بر من اعمال گناه امت مرا پس نمی بینم هیچ گناهی بزرگتر از آنک
کسی آیتی یا سورهٔ یاد میگیرد و باز آن را فراموش میکند خواجه امام احمد حنبل
رحمة الله علیه گفت که من دیدم در خواب حضرت عزت را جل جلاله هزار بار پس گفتم
یا رب بنده بکدام عبادت در حضرت پاک تو قرب یابد فرمان آمد که بخوانده
ختم کند معانی او را و خوانده فهم نکند هر دو بحضرت ما قبولست رسول علیه السلام
فرموده اند که اگر خواهی که تو با خدای عز وجل سخن گویی نماز گزار و اگر خواهی که
خدای عز وجل با تو سخن گوید قرآن خوان از تفسیر مغنی در حدیث آمده است که
هرکه شبی یا روزی سه آیت از قرآن بخواند نام او را نوشته شود از غافلان
و دانایان و هرکه صد آیت از قرآن بخواند مر او را ثواب قیام شب دهند

و هرکه دویست آیت از قرآن بخواند نویسند نام او را از مطیعان و مخلصان
و هرکه سیصد آیت از قرآن بخواند نویسند نام او را از خاشعان و هرکه چهار
صد آیت بخواند نویسند نام او را از عابدان و هرکه پانصد آیت از قرآن
بخواند نویسند نام او را از عارفان و عالمان و هرکه ششصد آیت از
قرآن بخواند نویسند نام او را از ترسکاران و هرکه هفتصد آیت از قرآن
بخواند نویسند نام او را از متواضعان و هرکه هشتصد آیت از قرآن بخواند
نویسند نام او را از صدیقان و هرکه نهصد آیت از قرآن بخواند نویسند
نام او را از شهیدان و هرکه هزار آیت از قرآن بخواند نویسند بنام او
ثواب صدقهٔ قنطار و قنطار مال کثیر را گویند و بقولی پوست گاو پر زر را
گویند این مقدار ثواب مر این بنده را دهند و هرکه دو هزار آیت از قرآن
بخواند نویسند نام او را از کسانی که ایشان را یقین بکمال باشد همچو
شاه مردان امیر المؤمنین علی رضی الله عنه که فرموده لَوْ كُشِفَ الْغِطَاءُ
مَا ازْدَدْتُ يَقِيناً یعنی اگر گشاده شود پوشش من زیاده نشود در یقین
یعنی یقین من بکمالست که هیچ تغیّر نیابد در فضیلت بسم الله الرحمن الرحیم
از صلوة مسعودی روایت میکند خواجه امام محمد طیار رحمة الله علیه که
فردای قیامت که اهل عصات مستوجب عقوبت شده باشند و فرشتگان
عذاب در ایشان آویخته باشند جوانان مر پیران را گویند شما پیش باشید
که شما در دنیا مقتدایان ما بوده اید باز پیران مر نارسیدگان را پیش فرستند

وعورتانرا کوبید شما پیش باشید که ضعیفانید باشد که خدای تعالی
بر ضعیفی شما ببخشاید همچنان روند تا کرانهٔ دوزخ بندهٔ مومن چون عادت
کرده باشد در دنیا بسم الله الرحمن الرحیم گفتن قدم در دوزخ نهد و
گوید بسم الله آتش دوزخ پانصد ساله راه از وی کرانه کند مالک بانگ
بر آتش زند که چرا نمی‌گیری ایشانرا گوید من چگونه گیرم ایشانرا که نام بزرگ
پروردگار مرا میخوانند و او را برحمانی و رحیمی یاد میکنند خطاب حضرت
عزت در رسد که ایشان بندهٔ منند و آتش نیز بندهٔ منست آتش نام مرا
عزت میدارد و ایشانرا نمی‌سوزد من بعزت داشتن نام خود اولیترم
ببرکات بسم الله الرحمن الرحیم خداوند عز وجل فرمان کند که همه را
آزاد کردم بسم الله الرحمن الرحیم نوزده حرف است و زبانیهٔ دوزخ نیز نوزده
اند هر بندهٔ مومن که بسم الله الرحمن الرحیم گوید خداوند عز وجل وی را
از نوزده زبانیهٔ دوزخ نگاه دارد خواجه امام زاهد [illegible] رحمة الله علیه
حدیثی روایت کرده است باسناد درست از رسول صلی الله علیه وسلم که فردای
قیامت آمنا به وصدقنا هران بندهٔ مومن را که در جریدهٔ اعمال او هفتصد
کرت بیرون آید که بسم الله الرحمن الرحیم گفته باشد خدای عز وجل او را
از آتش دوزخ آزاد کرده اند از خالصة الحقایق مرویست که چون آدم صفی
صلوات الله علیه در دنیا آمد بترسید که فرزندان خود از عذاب چون
بسم الله الرحمن الرحیم منزل شد گفت الحمد لله که فرزندان من از

عذاب خدای عز وجل سلامت مانند در زاد الارواح آورده است که [illegible]
لعین پیش از آنکه دعوی خدایی کند بر در بیرون قصر خود بسم الله الرحمن الرحیم
نویسانیده بود بعد از آن چون دعوی خدایی کرد موسی صلوات الله
علیه بنزدیک وی آمد و او را دعوت کرد باسلام او قبول نکرد موسی علیه
السلام چون او را قابل رحمت ندید بهلاک وی دعا کرد حق تعالی وحی کرد
و گفت یا موسی تو هلاک وی میخواهی تو نظر بر کفر او میکنی و من نظر میکنم
بسوی آنچه نوشته است بر در او پس کسی که بسم الله الرحمن الرحیم بر در خانه
او نوشته بود از هلاک ایمن شده باشد اگرچه کافر بود پس مومنی که
بسم الله الرحمن الرحیم را بر صحیفهٔ دل او نوشته باشد و این نام بزرگ را
دایم میگوید می توان دانست که وی را در حضرت پادشاه کریم چه کرامت باشد
در خبرست که وحی کرد خدای عز وجل بسوی موسی کلیم صلوات الله علیه که یا موسی
هر نفس که از دنیا بیرون می آید تشنه میرود مگر کسی که بسم الله الرحمن الرحیم گفته
باشد مظفر دریا گفت پرسیدم از خواجه خضر علیه السلام از فضیلت بسم
الله الرحمن الرحیم و از فضیلت امت رسول علیه السلام مهتر خضر گفت
ای مظفر دریا محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود که در شب
معراج از حق تعالی سوال کردم که الهی ترا بر امت من فضل و کرم و صنع
بسیارست کدام منتست که هیچ نعمت ورای آن نیست فرمان آمد که یا
محمد از امروز تا آن زمان که دنیا سر آید هر که از امت تو متولد شود

او را نامی نهند که یک حرف از حروف بسم الله الرحمن الرحیم در نام او باشد
چون فردای قیامت شود آمنّا و صدّقنا که خلق اولین و آخرین جمع
شوند و حشر و نشر شود و فرمان وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا در رسد
و جملهٔ خلایق بحکم فرمان روی بدوزخ آرند چون از امت تو که یک
حرف از حروف بسم الله الرحمن الرحیم در نام او باشد قدم در دوزخ
نهد آتش دوزخ هزار ساله راه از پیش قدم او بکریزد ای عزیز من آن کس
که بسم الله الرحمن الرحیم را بزبان راند آتش دوزخ بروی کار نکند
آن کس که جملهٔ قرآن را از بر یاد دارد توان دانست که منزلت او چند باشد
مظفر دریا گفت از مهتر خضر پرسیدم که مهتر عالم صلی الله علیه و سلم چه
فرموده گفت امت من به بهشت نروند مگر بجوان بسم الله الرحمن الرحیم
گفتم جوان بسم الله چه گونه باشد گفت ای مظفر دریا تا درین معنی سخنی گویم
که کس نشنوده باشد مگر من و لقمان حکیم و پسر لقمان حکیم و آن چنان
بود که روزی لقمان حکیم مر پسر خود را پند میداد که هر کاری که کنی
بگوی بسم الله الرحمن الرحیم و هیچ کاری مکن بی گفتن بسم الله الرحمن الرحیم
لقمان پسر خود را این پند داد و بعد از سه روز برحمت حق تعالی رسید
پسر او همیشه وصیت او را بجای می آورد برکتها در روزگار او حاصل شد
و بدولت ایمان از جهان بیرون شد مهتر خضر علیه السلام گفت ای مظفر
دریا از لقمان حکیم شنیدم که بهشت را هشت درست معروف و یک در دیگر است
که

که نام آن فردوس ریان است و از آن در کسی به بهشت نرود مگر روزه داران ماه رمضان
و دیگر آن کسانی که باخلاص گفته باشند که بسم الله الرحمن الرحیم
از تفسیر مغنی در حدیث است که هر که بسم الله الرحمن الرحیم نویسد و کور
نکند چشمهای آن را یعنی هر سه حرف میم را و حرفهایی که در اسم الله است
با چشمه نویسد و کور نکند بعدد خدای عز و جل مر این بنده را که بدین
عمل کرده است بنویسد در نامهٔ اعمال او هزار هزار نیکی و محو کند هزار
هزار بدی و برآرد برای او هزار هزار درجه در بهشت مرویست که بر کنگرهٔ
عرش بسم الله الرحمن الرحیم نوشته است و حق سبحانه و تعالی از آنجا چهار
چشمه روان کرده است چشمهٔ آب از میم بسم و چشمهٔ شیر از هاء الله و
چشمهٔ خمر از میم الرحمن و چشمهٔ شهد از میم الرحیم این هر چهار چشمه
روانست و در حوض کوثر می ریزد و آن حوض کوثر حوض پیغامبر ماست
صلی الله علیه و سلم سوال علما گفته اند تخصیص این چهار جوی چیست
جواب آنست که چون اهل بهشت در بهشت در آیند ایشان تلخی مرگ چشیده
باشند و در آتش در آمده و خایف و ضعیف شده ایشان را اول آب دهند
تا تازه و زنده شوند و بعد از آن هرگز نمیرند که حیات هر چیزی از آب است
و حق عز و جل در کلام مجید خود فرموده است که وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ
بعد از آن شیر دهند تا پرورش یابند و ضعیف نگردند بعد از آن خمر
دهند تا خوش صحبت شوند و اندوه و غم از باطن ایشان بکلی برود

آورده‌اند که شخصی مر شخصی را سحر تعلیم کرد او را گفت باید که تو ذکر خدای تعالی را جمله روز نگویی تا ترا این سحر دست دهد روزی این شخص بمکتبی گذشت شنید که فرزندان رسیده میخوانند که بسم الله الرحمن الرحیم چون مردان بنجا گذشت عمل سحر ازوی رفت اکنون بدان ای عزیز که این حال کسی هست که نام بزرگ خدای عز وجل را شنیده هست پس بنگر که چگونه بود حال کسی که بسم الله را دایم میگوید و یاد میدارد رسول علیه السلام فرموده‌اند بدرستی که چون معلم فرماید مر صبی را تا بگوید بسم الله الرحمن الرحیم و آن صبی بگوید خدای عز وجل خط آزادی دهد از آتش دوزخ مر آن صبی را و مادر و پدر و مر استاد وی را والله الهادی الی الرشاد فصل سیوم در استغفار از خالق الخلایق رسول صلی الله علیه و سلم فرموده بدرستی هر درد را دوایی هست و داروی درد گناه نیست مگر استغفار درخبرست که هیچ کس نیست از بنی آدم مگر که او را دو صحیفه هست در یک صحیفه فرشتگان عمل روز را می نویسند و در یک صحیفه دیگر عمل شب را می نویسند پس می بیچند آن هر دو صحیفه را اگر در آن صحیفه استغفار باشد روشنایی نور او در آن صحیفه بتابد و اگر استغفار نباشد پس بو بیچند آن هر دو صحیفه را سیاه و تاریک رسول علیه السلام فرموده‌اند هر که استغفار نگوید یعنی استغفر الله هر روز ده بار بدرستی که ظلم کرده باشد بر نفس خود رسول علیه السلام معصوم

بود از جمله گناهان سوگند یاد کرده هست بخدای عز وجل که من هر روزی هفتاد بار استغفار میگویم این از برای تعلیم امت راست رسول علیه السلام فرموده‌اند که هر که استغفار گوید یعنی توبه کند از گناه و مصر بگناه نباشد او تایب باشد اگرچه در آن روز هفتاد بار باز همان گناه را کند درخبرست که ابلیس علیه اللعنه گفت که من شکستم پشت بندگان خدای را عز وجل بگناهان و ایشان شکستند پشت مرا باستغفار از تفسیر مغنی لقمان حکیم مر پسر خود را وصیت کرد و گفت ای پسر زنهار که غافل نباشی بدرستی که خروس از تو زیرک ترست که ندا میکند در سحرگاه و تو غافل خفته باشی ایضاً در حدیث هست که سه آواز را خدای تعالی دوست میدارد یکی بانگ خروس و دوم آواز خواندن قرآن و سیوم آواز استغفار گوینده‌گان بسحرگاه ایضاً پیغامبر صلی الله علیه و سلم گفت که خدای عز وجل فرموده هست که هر که بداند که من قادرم بر آمرزیدن بنده‌گان من بفضل خود او را آمرزم و باک ندارم از وسیلة القلوب در حدیث آمده هست پیغامبر علیه السلام گفت بخدای که من بیش از هفتاد بار استغفار میگویم و توبه میکنم گفت ای مردمان بازگردید بسوی حضرت عزت و توبه کنید که من هر روز صد بار توبه میکنم و سوی حق عز وجل باز میگردم یعنی میگویم أَسْتَغْفِرُ اللهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ عبد الله عمر رضی الله عنهما گفت که ما شمردیم در مجلس رسول علیه السلام که

رسول علیه السلام همه یکجای سجده صدبار گفت رَبِّ اغْفِرْ لِي وَتُبْ
عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ در حدیث آمده است که حق تعالی دوست
ندارد بنده را گفتن اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي وَتُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ
مگر آنکه حق تعالی میخواهد که بیامرزد او را در خبر آمده است که خدای
تعالی مر موسی کلیم را صلوات الله علیه گفت که یا موسی هر که استغفار گوید
سحرگاه آمرزش خواهند مر او را هر چیزی که بدان آفتاب و ماه می
تابد تا ماهیان در دریا آمرزش خواهند یا موسی بدرستی که من
سوگند خورده ام که رحمت کنم و بیامرزم مر گناه کاری را که گوید استغفار
سحرگاه یا موسی چون جمع شوند خلق اولین و آخرین من جدا
کنم اهل بهشت از اهل دوزخ بروزه ایام بیض و گوینده گان استغفار
سحرگاه یا موسی حق است آنچه من گفته ام بدرستی که روزه داران ایام
بیض و گوینده گان استغفار سحرگاه ببینند سیراب و برخیزند
سیراب از گور و در آیند در بهشت سیراب و بیرون نروند از دنیا
تا عرض کرده نشود بر ایشان مقام ایشان در بهشت یا موسی گوینده گان
استغفار سحرگاه و روزه داران ایام بیض چشم کرده شوند بر
شتری از شتران بهشت و رویهای ایشان چون ماه شب چهارده
تابان باشد و بدهم من ایشان را برائتی از آتش دوزخ و امان از
عذاب الیم یا موسی گوینده گان استغفار سحرگاه را کنان کرداغم :

میزان ایشان را روز قیامت و ثابت گردانم قدم ایشان را بر پل صراط و اگر چه
بودم من در اول عمر ایشان بخشم و غضب اما خشنود شوم در آخر عمر بسبب
گفتن استغفار سحرگاه در کفایهٔ شعبی آورده است که محمد بن مسیب رحمة الله
علیه گفت روزی در اصحم من نزدیک محمد بن منکدر صوبری رحمة الله علیه و من
در نفس خود میگفتم اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ پس بشنود آن خواجه محمد بن منکدر چون
نشستم نزدیک او گفت که تو استغفار روان میگوئی این توبه کذاب است گفتم
یا شیخ چگونه است استغفار گفت بدانک استغفار را هفت چیز باید اول آنک
ندامت باشد دوم فرمان برداری کند او امر حق عز وجل سیوم باز ایستد
از آنچه حق تعالی نهی کرده است چهارم فوایت را در یابد پنجم حقوق بنده گان را
ادا کند تا فارغ باشد نفس او در روز قیامت ششم گداختن نفس در
طاعتها هفتم آنکه چشاند هر عضو را حلاوت طاعت چنانکه چشانیده است حلاوت
معصیت پس هر جاه بعد از آن استغفر الله گوید باشد مر آن استغفار را
بانگی چون بانگ زنبوران انگبین پس بالا شود بحجاب از تفسیر مغنی
در حدیث است که هر که گوید اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ بصدق دل و اعتقاد
تمام آمرزیده شود گناهان او اگر چه بازرجوع کند باز بدان گناهان مقاتل
ابن سلیمان گفت که رسول علیه السلام اهل مکه را فرمود که توبه کنید
و استغفار گوئید ایشان فرمان رسول را صلی الله علیه و سلم بجای نیاوردند
و توبه و استغفار نگفتند حق تعالی ایشان را مبتلا کرد بقحط هفت سال تا

و گوشت سگ و ... حادی و ابخورند **ایضاً** در حدیث است که هر که این استغفار را
بگوید که استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم واتوب اليه آمرزیده شود
گناهان او اگرچه مثل کف دریا باشد **مرویست که** مردی نزدیک امیر المؤمنین
حسین رضی الله عنه آمد و گفت که من صاحب مالم و هیچ فرزندی ندارم
مرا چیزی تعلیم کن تا باشد که خدای تعالی مرا فرزندی روزی کند مرا گفت بر
تو باد بگفتن استغفار او هر روز استغفار بسیار میگفت چنانکه هفصد
گفته هر روز استغفار گفتی خدای تعالی ویرا ده پسر روزی کرد **از تفسیر مغنی**
در حدیث است که هر کرا مال بسیار نبود که صدقه دهد پس بر وی
باد که استغفار گوید مر مؤمنین و مؤمنات را بدرستی که آن بجای
صدقه است **در فضیلت سید الاستغفار** رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که
هر که این استغفار را در روزی یکبار بخواند اگر در آن روز پیش از شبانگاه
بمیرد از اهل بهشت باشد و اگر در شب بخواند پیش از صبح قضاء اجل باشد
از اهل بهشت باشد **ابن عباس** رضی الله عنهما گفت این استغفار را
از زبان مبارک رسول صلی الله علیه وسلم شنودم در عقب هر نماز فریضه
ترک نکردم و این استغفار را ورد خود ساختم بعد از نقل از دار فنا او را
در خواب دیدند پرسیدند که خدای عز و جل با تو چه کرد فرمود که حق
جل و علا مرا آمرزید برحمت و کرم خود مرا بهشت روزی گردانید از برکت
این استغفار **و استغفار اینست** اللهم انت ربي لا اله الا انت خلقتني

وانا

وانا عبدك وانا على عهدك ووعدك ما استطعت اعوذ بك من شر
ما صنعت وابوء لك بنعمتك علي وابوء لك بذنبي فاغفر لي فانه لا يغفر
الذنوب الا انت **از تفسیر زاهدی** استغفار آدم صفی صلوات الله علیه
چون آدم علیه السلام را زلت در وجود آمد و او را از بهشت بدنیا فرستادند
سیصد سال بگریست بعد از آن حق تعالی ورا این استغفار الهام کرد
و بیاموخت تا چون آدم علیه السلام این استغفار را گفت حق تعالی او را
آمرزید چنانکه حق عز و جل در کلام مجید خود خبر میدهد **قوله تعالی**
فتلقى آدم من ربه كلمات فتاب عليه انه هو التواب الرحيم
مرویست که امیر المؤمنین علی رضی الله عنه فرمود هر که این استغفار
را گوید در وجود وی هیچ گناهی نماند اگرچه گناهان وی بیش از ریگ
بیابان و موج دریا باشد **استغفار اینست** لا اله الا انت سبحانك وبحمدك
رب عملت سوءا وظلمت نفسي فتب علي انك انت التواب الرحيم لا اله
الا انت سبحانك وبحمدك رب عملت سوءا وظلمت نفسي فارحمني
فانت خير الراحمين **در خلاصة الصلوة** آورده است که رسول علیه السلام
فرمودند که هر کرا نباشد نماز او مثل نماز من آن نماز در دست بر صاحب
نماز پرسیدند یا رسول الله چگونه کنیم مثل نماز تو رسول علیه
السلام فرمودند هر که این استغفار را بعد از نماز گزاردن سه بار گوید نماز
او مثل نماز من باشد گفتند یا رسول الله این استغفار کدام است

رسول علیه السلام این استغفار را فرمود و این را اسناد بسیار است بنده
باید که در سحرگاه و بعد از اداء هر پنج وقت نماز سه بار بخواند استغفار اینست
أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ عَمْدًا أَوْ خَطَأً سِرًّا أَوْ عَلَانِيَةً وَأَتُوبُ
إِلَيْهِ مِنَ الذَّنْبِ الَّذِي أَعْلَمُ وَمِنَ الذَّنْبِ الَّذِي لَا أَعْلَمُ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ
از احیاء العلوم در خبر است که هر که خواهد که هر روز مؤمنان از امرزش طلبد
باید که هر روز بیست و شش بار این استغفار بگوید ایزد تعالی همه خصمان
او را خشنود کرداند که او را خبر نباشد استغفار اینست اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ
لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ حَيِّهِمْ وَمَيِّتِهِمْ شَاهِدِهِمْ
وَغَائِبِهِمْ صَغِيرِهِمْ وَكَبِيرِهِمْ وَأُنْثَاهُمْ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ از
خالصة الحقایق ابن عباس رضی الله عنهما گفت که رسول علیه السلام
فرمود هر که استغفار کند مؤمنین و مؤمنات را هر روزی بیست و
پنج بار خدای تعالی بیرون آرد غل و غش و کینه را از سینه او و نویسد نام
او را از ابدالان ایضاً مرویست که رسول علیه السلام بعیادت مریضی
رفت از انصار دیان و زبان او از کار مانده بود نمیتوانست گفتن که
توبه کردم بعد از ساعتی پیغامبر علیه السلام تبسم کردند امیر المؤمنین
عمر خطاب رضی الله عنه ازین حال سوال کرد پیغامبر علیه السلام فرمود
که تعجب کردم از فضل خدای عز و جل بدرستی که این بیمار را زبان بتوبه
کار نمیکرد سر سوی آسمان کرد و در دل تفکر کرد و ندامت کرد خدای

تعالی

تعالی این بنده را بدان سبب آمرزید فرمان حق تعالی در رسید که بنده من
عاجز شد زبان از گفتن توبه و من میدانم ندامت دل او را پس بفضل
خود آمرزیدم او را ایضاً ابو عبد الله بن ابو حفص رحمهما الله گفت که
پدر من ابو حفص نزد بیماری در آمد و من برادر او بودم و این مریض در
حالت نزع بود پس گفت آن مریض را یا ابو محمد بگوی أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِي
لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ آن بیمار بسیار جهد کرد و گفت
و این استغفار را گفت و از دنیا نقل کرد بعد از آن او را در خواب دیدند
و از حال وی پرسیدند که خدای تعالی با تو چه کرد گفت مرا خدای تعالی آمرزید
گفتند بکدام عمل گفت بتلقین ابو حفص رحمة الله علیه و ابو عبد الله
گفت پدر من هر بار همین گفتی که اگر شما را با مریضی ملاقات شود استغفار
تلقین کنید که دو چیز درین جمع شد هم استغفار و هم ذکر و اگر کلمه تهلیل
تلقین کنید شاید که از هیبت مرگ او را گران نماید و جان بدشواری دهد
نعوذ بالله منها والله الهادی

فصل چهارم در ورد صبح از اوراد

مرویست که مشایخ کبار رحمهم الله گفته اند چون صبح صادق دمد بنده باید که
سه آیت از اول سوره انعام بخواند بسم الله الرحمن الرحیم الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا
بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَى أَجَلًا وَأَجَلٌ مُسَمًّى
عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ وَهُوَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ يَعْلَمُ

سِرَّكُمْ

وَجَهْرَكُمْ وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ و اين آيت ديگر را نيز بخوانند فَالِقُ الْإِصْبَاحِ
وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ
و اين دعا را نيز بخوانند كه اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي ذَهَبَ اللَّيْلُ مُظْلِمًا بِقُدْرَتِهِ
وَجَاءَ النَّهَارُ مُبْصِرًا بِرَحْمَتِهِ اَللّٰهُمَّ هٰذَا خَلْقٌ جَدِيدٌ وَيَوْمٌ جَدِيدٌ
فَافْتَحْهُ عَلَيَّ بِطَاعَتِكَ وَاخْتِمْهُ لِي بِمَغْفِرَتِكَ وَرِضْوَانِكَ وَارْزُقْنِي
فِيهِ حَسَنَةً تَقَبَّلْهَا مِنِّي وَزَكِّهَا وَضَعِّفْهَا لِي وَمَا عَمِلْتُ فِيهِ مِنْ
سَيِّئَةٍ فَاغْفِرْهَا لِي وَتَجَاوَزْ عَنِّي اِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ شيخ سفيان ثوري
رحمة الله عليه گفت هر كه بامداد برخيزد و زاري و تضرع مكند بحضرت
خداى تعالى باين سه دعا بدرستى كه آن بنده غرق شود در درياى فتنهٔ دنيا
و هلاك شود اول دعا گويد كه يَا رَبِّ اَنْتَ اِلٰهٌ عَالِمٌ وَاَنَا عَبْدٌ جَاهِلٌ
اَسْأَلُكَ اَنْ تَرْزُقَنِي عِلْمًا نَافِعًا حَتّٰى اَعْبُدَكَ بِعِلْمِكَ وَاِلَّا هَلَكْتُ
دوم دعا گويد يَا رَبِّ اَنْتَ اِلٰهٌ غَنِيٌّ اَنَا عَبْدُكَ فَقِيرٌ اَسْأَلُكَ اَنْ تُخَفِّفَنِي
حَتّٰى لَا اَدْنُوَ مِمَّا اَحْتَاجُ اِلَيْهِ بِشَيْءٍ مِنْ اُمُورِ الدُّنْيَا وَاِلَّا هَلَكْتُ
سيوم دعا گويد يَا رَبِّ اَنْتَ اِلٰهٌ قَوِيٌّ وَاَنَا عَبْدُكَ ضَعِيفٌ اَسْأَلُكَ
اَنْ تُعِينَنِي اَغْلِبُ الشَّيْطَانَ بِقُوَّتِكَ وَاِلَّا هَلَكْتُ مرويست كه پيغامبر
عليه السلام گفت هر كه بامداد برخيزد و اين چهار تحميد را بگويد
خداى عز و جل وى را از زوال نعمت ايمن كرداند و الا خوف باشد
بر وى از زوال نعمت تحميدات اينست اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي ذَهَبَ اللَّيْلُ
مُظْلِمًا

مُظْلِمًا بِقُدْرَتِهِ وَجَاءَ النَّهَارُ مُبْصِرًا بِرَحْمَتِهِ خَلْقًا جَدِيدًا وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ
الَّذِي رَزَقَنَا مَعْرِفَةً وَلَمْ يَجْعَلْنَا عُمْيَانَ الْقُلُوبِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي
سَتَرَ عَلَيْنَا عُيُوبَنَا وَلَمْ يَفْضَحْنَا بَيْنَ عِبَادِهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي
جَعَلَ اَرْزَاقَنَا بِيَدِهِ وَلَمْ يَجْعَلْهَا بِيَدِ غَيْرِهِ از ملفوظ ملك المشايخ
و الاوليا فريد الحق و الدين قدس الله سره العزيز مذكورست كه در آثار
تابعين نوشته ديدم كه جوانى بود از جد فاسق در گذشته و پيوسته
در معصيت بودى اما وقت صبح و وقت شام اين كلمات را خواندى
و بعد از آن بكار ديگر مشغول شدي آن جوان از دار فنا بدار بقا
رحلت كرد بعد از نقل او را بخواب ديدند كه در بهشت ميخرامد خلق را
عجب آمد از آن جوان سوال كردند كه اين دولت از كجا يافتي جوان جواب
داد كه اگرچه من بدمردي بودم ليكن يك كار نيك ميكردم كه در وقت صبح
كلمهٔ مَا شَاءَ اللّٰهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ را بسيار گفتمي هر سعادتى
كه يافتم از گفتن اين كلمه يافتم در فوايد الفواد مذكورست و در ام
المعاني نيز مسطورست كه هر كه بامداد برخيزد از جامه خواب و هفت
بار سورهٔ فاتحه را با تسميه بخواند و بر اطراف خود دمد حق تعالى او را
دران روز از هژده هزار بلا نگاه دارد از تفسير مغني انس بن مالك رضي
الله عنه گفت كه پيغامبر عليه السلام فرموده اند كه هر كه توفيق يابد
كه بامداد برخيزد و ده بار گويد اَعُوذُ بِاللّٰهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ
الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ خدای عز وجل فرشتهٔ گماره تا شیطان را
از وی دور میدارد و اگر شبانگاه خواند حکم همین است عبد الله
عمر رضی الله عنهما روایت میکنند که مردی نزدیک رسول علیه السلام
آمد و از فقر بنالید و گفت یا نبی الله دنیا از من روی گردانیده
است و هیچ چیزی از دنیا وی مرا نیست رسول صلی الله علیه وسلم
فرمودند مر او را که کجایی تو که خبر نداری از نماز و تسبیح خلایق
و بدانکه منفذ می شود رزق از آسمان بسبب وی باید که بعد
از دمیدن صبح و پیش از گزاردن سنت نماز بامداد صد بار
این تسبیح را بگوید که سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللهِ الْعَظِيمِ
وَبِحَمْدِهِ أَسْتَغْفِرُ اللهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ دنیا بدر تو آید خوار خورده و هر
کرت که بنده این کلمه را بگوید حق تعالی ازان فرشتهٔ آفریند که
تا قیامت خدای تعالی را تسبیح میگوید و عبادت میکند و ثواب
آن در نامهٔ این ذاکر می نویسند بسی دعنکار نکنند که آن کسی که
این تسبیح را ورد ساخته باشد توانگر شود و از خلقان بی
نیاز گردد و محتاج به هیچ خودی نشود از تفسیر مغنی در حدیث هست
که دو کلمه است که دوستند نزدیک رحمن و سبک اند بر زبان و
گرانند در میزان سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ
از مشارق پیغامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند که هر که در بامداد

وشبانگاه

وشبانگاه صد بار گوید سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ هیچکس در روز قیامت فاضلتر
از وی نباشد مگر کسی که با اخلاص این تسبیح را گفته باشد و زیادت تر از وی
گفته باشد هر که این تسبیح را هر روز صد بار بگوید محو شود گناهان او اگرچه
مثل کفک دریا باشد رسول علیه السلام فرمودند هر که گوید هر روز صد بار که
لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
حق تعالی او را ثواب آزاد کردن ده بنده دهد و نوشته شود در دیوان او
صد نیکی و محو کرده شود و باشد مر او را حصاری از شیطان آن روز تا
شب و نیاید کسی فاضلتر از وی در روز قیامت مگر مردی که این کلمات را
زیادت تر از و گفته باشد در فواید الفواد آورده است که هر که هر روز این
کلمه را بگوید صد بار اسباب او خوش گردد و روزگار او بسعادت بگذرد
در ترغیب الصلوة آورده است خواجه امام زاهد فخر رحمة الله علیه حدیثی
روایت کرده است با سناد درست از مهتر عالم صلی الله علیه وسلم که بندهٔ مؤمن
چون بامداد برخیزد ده بار گوید که اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم
خدای تعالی فرشتگان فرستد تا این بنده را از شر دیوان نگاه دارد در حدیث
دیگر آمده است بندهٔ مؤمن چون بامداد برخیزد دیوان در وی آویزند
چنانک زنبوران در عسل چون این بنده گوید اعوذ بالله من الشیطان الرجیم
بسم الله الرحمن الرحیم خدای تعالی فرشتگان فرستد تا دیوان را از
بنده دور گردانند و از پیش وی برانند چنانک به بادبیزن عسل فروش مگس را

براند

از ملفوظ شیخ الاسلام قدس الله سره بر لفظ مبارک خود که در اوراق
شیخ معین الدین سجزی نور الله مرقده نوشته دیدم بروایت عبد الله مسعود
رضی الله عنهما که هر که ده آیت از سورة البقره هر روز بدین ترتیب خواند که
چهار آیت از اول سورة و آیت الکرسی و دو آیت دیگر بعد از آیت الکرسی
و سه آیت از آخر سورة در آن روز شیطان در آن خانه در نرود و تا شب و اگر شب
خواند همچنین بود تا روز مرویست که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که حق
عز وجل خطاب کرد و گفت یا محمد بگوی مر امت خود را تا بگویند لا حول
و لا قوة الا بالله ده بار نزدیک صبح و ده بار نزدیک در آمدن شب و ده بار وقت
خفتن هر که این وظیفه را نگاه دارد حق تعالی فرمود که من بعنایت خود دفع
کنم در وقت خوف بلاهای دنیا را از وی و هر نزدیک شب بود دفع مکر و کید
شیطان از وی و بوقت صبح ایمن باشد از غضب حق که پروردگارم از وسیلة
القلوب در حدیث آمده است که هر که بامداد ده بار گوید که بسم الله الرحمن الرحیم
لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم صد فرشته در آن روز عبادت خود را
صدقه کنند بر وی و هر که در شب بوقت خفتن ده بار بگوید این کلمات را آن بنده
بیرون آید از گناهان چنانکه گویی آن روز از مادر آمده است از منافع
قرآن جعفر صادق رضی الله عنه گفت هر که سورة جمعه را نویسد و با خود
دارد یا هر بامداد و شبانگاه بخواند از وسوسه شیطان ایمن باشد و از آن
گناه که در آن روز و شب کرده باشد آمرزیده شود از تفسیر مغنی رسول علیه السلام

فرمودند

فرمودند مر صحابه را که شما عاجز می آیید از آنکه عهد کنید با خدای عز وجل هر روزی
درست پس بر شما باد که هر بامدادی و شبانگاهی این عهد نامه را بخوانید
شما عهد درست کرده باشید عهد نامه اینست اَللّٰهُمَّ فَاطِرَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ
عَالِمَ الْغَیْبِ وَالشَّهَادَةِ اِنِّیْ اَعْهَدُ اِلَیْکَ فِیْ هٰذِهِ الْحَیٰوةِ الدُّنْیَا بِاَنِّیْ اَشْهَدُ
اَنَّکَ اَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ وَحْدَکَ لَا شَرِیْکَ لَکَ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا
عَبْدُکَ وَرَسُوْلُکَ فَلَا تَکِلْنِیْ اِلٰی نَفْسِیْ فَاِنَّکَ اِنْ تَکِلْنِیْ اِلَیْهَا تُقَرِّبْنِیْ مِنَ
الشَّرِّ وَتُبَاعِدْنِیْ مِنَ الْخَیْرِ وَاِنِّیْ لَا اَثِقُ اِلَّا بِرَحْمَتِکَ فَاجْعَلْهُ لِیْ عِنْدَکَ عَهْدًا
تُؤَدِّیْهِ اِلٰی یَوْمِ الْقِیٰمَةِ اِنَّکَ لَا تُخْلِفُ الْمِیْعَادَ چون این بنده کلمات را بگوید
فرشته بفرمان خدای تعالی این بنده را مهر کند و در زیر عرش بنهد چون
روز قیامت شود منادی ندا کند که کجا اند آن کسانی که مرا پیش از این نزد
خدای تعالی عهد درست بس در آیند در بهشت بی حساب ایضا از تفسیر مغنی
رسول علیه السلام فرمودند که هر که هر بامداد ده بار این تسبیح بخواند که
سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ سُبْحَانَ اللّٰهِ وَبِحَمْدِهِ وَاَسْتَغْفِرُ
اللّٰهَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ هُوَ الْاَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ یُحْیِیْ
وَیُمِیْتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَهُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ بدهد خدای مر این بنده را شش
خصلت نیکو اول آنکه نگاه دارد او را از ابلیس و لشکر و اعوان او علیه اللعنة
دوم گرد بر گرد او دوازده فرشته باشند که نگاه دارند او را از بلاها سیوم گران
گردانند میزان او را بحسنات چهارم بر آرد برای او درجه در بهشت که آن از آن

بوند نیکوکاران

بحشم حور ان بهشت را جفت او کرداند ششم او را ثواب خواندن جمیع قرآن
دهند و توریت و انجیل بر عدد با شعرهای او را ثواب حج و عمره مقبول و اکر
دران شب بمیرد شهید مرده باشد **نقل از وصایا** رسول علیه السلام فرموده اند که
یا علی هر که بخواند ذکر خدای تعالی را پیش از صبح و بعد از طلوع آفتاب و
پیش از غروب بهر روز کار ما جل جلاله شرم دارد که او را عذاب کند با آتش
اکرچه باشد کناه او بعدد ستاره های آسمان هفتاد بار **از تنبیه**
فقیه ابو اللیث رحمة الله علیه از رسول علیه السلام کفت هر که بامداد بر خیزد
و بر سه چیز اندوه وی دنیا بود خدای تعالی دران بنده سه خصلت نهد
اول اندوهی که هرکز تمام نشود از وی دوم شغلی که از وی فارغ نبود سوم
درویشی و فقر و فاقه دهدش تا پایان نباشدش **از وسیلة القلوب** در حدیث
آمده است که مَن نَامَ حَتّیٰ أَصْبَحَ بَالَ الشَّيْطَانُ فِي أُذُنَيْهِ رسول علیه السلام فرموده اند
هر که بخسبد تا صبح دمد و همچنان خفته باشد تا روز برآید شیطان در هر دو
کوش او بول کند تا صبح صادق دمد خفتن و سخن دنیاوی کفتن و نماز تطوع
کزاردن هر سه دران وقت مکروه هست اما بذکر و تسبیح و قرآن خواندن
مشغول باید بودن تا او را روز بر تو مبارک کردد و اندر روزی و علم و عمل
خود یابی **از خالصة الحقایق** سلیمان دارانی رحمة الله علیه روایت کرد
از صالح ابن عبد الجلیل که او کفت وحی کرد خدای تعالی بسوی داود پیغامبر
صلوات الله علیه و کفت یا داود بعزت و جلال من که نظر نکنم در روی

مرد سیه بامدادی و شبانکاهی و میکوید مر او را که ای بنده من موی
تو سفید شد و استخوان تو سست شد و تن تو ضعیف شد و مرک
تو نزدیک شد و هنکام آن رسید که آمدن تو نزدیک من باشد ای بنده
شرم دار بدرستی که من شرم میدارم از تو که ترا عذاب کنم زهی بی شرم
بنده که حق تعالی با کمال قدرت و توانایی این چنین مرحمت کند و این
بنده با کمال عیب و نقصان بدرکاه او کناه برد الهی همه را بیدار کن
از خواب غفلت پیش از مرک روزی کردان بحق النبی و آله اجمعین و الله
اعلم **فصل پنجم در فضیلت درود بر رسول علیه السلام**
نقل از ملفوظ ملک المشایخ والاولیا فرید الحق والدین نور الله مرقده
بلفظ مبارک خود رانده اند که در آثار مشایخ آمده است و نوشته دیدم هر که یک بار
بر رسول علیه السلام صلوات فرستد از کناهان همچنان پاک کردد که کویی
این زمان از مادر زاده است و صد هزار نیکی در نامه اعمال او بنویسند
آنکاه نام او را از اولیاء الله نویسند بعد از آن هم درین محل فرموده که مذکور
است که وقتی خلیفه هارون الرشید را انار الله برهانه زحمت شده بود
و مرضی هایل واقع شده که یکسال و شش ماه در رنج و زحمت بود آخر
الامر وقتش نزدیک آمد و وقت نزع دررسید قضا را شیخ ابو بکر شبلی رحمة الله
علیه در پیش او میکذشت این خبر بسمع همایون او رسید که ابو بکر شبلی میکذرد
کسان فرستاد تا بمعذرت تمام خواجه شبلی را طلبیدند همین که هارون الرشید

دید

کفت خاطر جمع دار که اکنون نیکو شدی یکبار این درود را خواند و بر هرون
الرشید دمید و دست بر وی فرود آورد در حال هارون الرشید از رحیت
نیکو شد و از رنج خلاص یافت از برکت درود بر حضرت رسالت علیه
افضل الصلوات واکمل التحیات اگر کسی این پنج درود را ملازمت کند
همچنان باشد که همه درودها بر رسول علیه السلام کفته باشد زیرا که
این صلوات بهترین همه صلوات است و فاضلترست از همه از روی ثواب.
اگرچه همه درودها یکی است اما در هر درودی فضیلت دیگرست معلوم باد
ودیگر هم شیخ الاسلام بر لفظ مبارک خود راندند که مولانای اعظم فقیه
ابوالحسن یحیی زندوسی رحمة الله علیه در کتاب روضه خود این فضیلت را
نوشته است که امام مسلمانان امام شافعی را رحمة الله علیه بعد از نقل
او بخواب دیدند پرسیدند که خدای تعالی با شما چه معامله کرد امام شافعی
فرمود که مرا حق عز وجل آمرزید از برکت این پنج صلوات که بر خواجه
عالم صلی الله علیه وسلم فرستادم اما فضیلت دیگر آنست که روزی
مصطفی صلی الله علیه وسلم نشسته بود و یاران کرد بر کرد او جمیع
بودند وحضرت امیر المومنین ابوبکر صدیق رضی الله عنه بر دست
راست رسول علیه السلام نشسته بود جوانی در آمد و بر خواجه عالم
علیه السلام سلام کفت خواجه علیه السلام فرمان داد که تا بلند تر از
ابوبکر نشیند صحابه پنداشتند که مگر این جوان خواجه خضرست علیه السلام

جوان

چون آن جوان برخاست آمد پیغامبر علیه السلام روی سوی امیر
المومنین ابوبکر صدیق کرد و کفت ای مقتدای صحابه بر دل تو کران
نیامده باشد که من این جوان را بالاتر از تو فرمودم نشستن کفت یا رسول
الله چه جای این سخن است فرمان شما را بر سر و العین قبول کنم
آنکاه رسول علیه السلام فرمودند یا ابابکر معلوم تو باد که این جوان
هر روز بیست که آن مقدار درود بر من میفرستد که هیچکس دیگر را قوت
وطاقت آن نیست ابوبکر رضی الله عنه کفت یا رسول الله مگر این
جوان بهیچ کاری مشغول نمیشود غیر از درود کفتن بر حضرت شما
رسول علیه السلام فرمود بهمه مصالح خود مشغول می باشد اما در روز
یکبار این صلوات را بر من میفرستد و یکبار شب بر همین طریق عمل
میکند این درجه او را از جهت صلوات کفتن است صلوات اینست
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ مَنْ صَلَّى عَلَيْهِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ مَنْ لَمْ
يُصَلِّ عَلَيْهِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَصَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ كَمَا أَمَرْتَنَا بِالصَّلَوٰةِ عَلَيْهِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا يَنْبَغِي الصَّلَوٰةُ عَلَيْهِ
از تفسیر مغنی رسول علیه السلام فرمودند که اگر قومی نشینند در مجلسی پس
خیزند و متفرق شوند بی آنکه بر من صلوات فرستند پس از آن منزل
خیزند ایشان مگر آنکه بوی کنده مرداری تر شده باشند رسول
علیه السلام فرمودند هر که درود مرا در کتاب نویسد فرشتگان همه او را

آمرزش خواهند

مادام که نام من در آن کتاب باشد رسول علیه السلام فرموده‌اند که هر که بر
من این صلوات را گوید که اللهم صل علی محمد سید الانبیاء و علی اسمه
فی الاسماء و علی جسده فی الاجساد و علی قبره فی القبور و علی روحه
فی الارواح نوشته شود در صحیفه اعمال او هزار نیکی و پاک کرده شود
هزار بدی و برابر ده شود برای او هزار درجه رسول علیه السلام
فرموده‌اند که هر که درود کنید بر من در روزی صد بار روا کرده شود مر او را
در آن روز صد حاجت از دینی و دنیایی و هر که فراموش کند درود را
بر من بدرستی که راه بهشت را گم کرده باشد ایضاً از تفسیر مغنی رسول
علیه السلام فرموده‌اند که صلوات گوید بر من خدای تعالی از آن درود
او فرشته آفریند که مر او را دو بال باشد یکی بال او بمشرق رسد و یک
بال دیگر او بمغرب و سر او بزیر عرش باشد آن فرشته گوید که ای
بار خدای بیامرز بنده خود را مادام که او صلوات میگوید بر پیغامبر
تو از تفسیر منیر پیغامبر علیه السلام فرموده‌اند که مؤمن نباشد آن
کسی که من بنزد وی دوست‌تر از مادر و پدر و فرزندان و عیال و تن و مال
او نباشم و از همه آدمیان نیز در خبر دیگر مذکور است که هیچ کس
ایمان نیابد تا آنکه من بنزد او دوست‌تر از مادر و پدر و فرزندان
و عیال و تن و مال وی نباشم و از همه آدمیان نیز از تفسیر مغنی
رسول علیه السلام فرموده‌اند چون من یاد کرده شوم نزدیک کسی و او
بر

بر من صلوات نفرستد در آید در آتش و دور بود از رحمت خدای تعالی
رسول علیه السلام فرموده‌اند بدرستی که خدای تعالی موکل کرده است بر
من دو فرشته را پس هر که صلوات می‌فرستد بر من آن دو فرشته او را
دعا میکنند و آمرزش میخواهند و میگویند خدای تعالی ترا آمرزد
و فرشتگان آمین میگویند رسول علیه السلام فرموده که هر که
درود گوید بر من یکبار درود گوید خدای تعالی بر وی صد بار
یعنی صد رحمت خود را قرین وی گرداند و هر که درود گوید بر
من صد بار خدای تعالی وی را براتی از نفاق بدهد و براتی از آتش
دوزخ و برانگیزاند روز قیامت او را با شهیدان شیخ عبدالله
در کتاب شرف النبی آورده است که هر مؤمنی که روز قیامت به
بهشت آید اگر نام محمد را صلی الله علیه و سلم در پیشانی او نقش کرده
بینند او را بگذارند در بهشت و اگر نام او را نه بینند او را نگذارند
پس در هر شب و روز بر امت محمد صلی الله علیه و سلم واجب است
که نام مهتر عالم را علیه السلام بر زبان رانند و شفاعت خواهند
زیرا که هر پیغامبری را شغلی پیش آمدی نام محمد رسول الله را صلی
الله علیه و سلم شفیع آوردی مقصود بر آمدی از کفایه شعبی رسول
علیه السلام فرموده هر که درود گوید بر من یکبار من درود گویم بر وی
ده بار ایضاً هم در کفایه شعبی آورده است که خواجه ابراهیم نخعی را
رحمة الله علیه

شاکردي بود فقيه عالم آن دانشمند از دنيا رحلت کرد او را در خواب ديدند
که در سر وي کلاه مجوسي بود از وي سوال کردند که ترا چه رسيد که بدين
حال مي بينيم جواب داد که چون من نام محمد عليه السلام ميگفتم درود
نمي فرستادم از شومي آن خداي تعالی مرا عقوبت کرد بسلب معرفت
از تفسير مغني آورده اند که حمزة بن محمد رحمة الله عليه گفت که من مي
نوشتم حديث رسول را عليه السلام و در نام رسول عليه السلام مينوشتم
اما وسلم را نمي نوشتم پس رسول را صلی الله عليه وسلم بخواب ديدم مرا گفت
يا حمزه چيست مر ترا که تمام نميکني درود مرا حمزه ميگويد بعد از آن تمام
مينوشتم از تمس کتاب پيغامبر صلی الله عليه وسلم **در خبرست که**
رسول عليه السلام فرمودند اي بار خداي هر که مرا دوست دارد و بر من
صلوات گويد او را روزي بده بقدر کفاف و پارسايي و هر که صلوات
نگويد بر من پس زياده کن مال او را تا بحساب قيامت درمانده کرد د
نقل از وصايا رسول عليه السلام فرمودند که يا علي هر که در ورد من بستد
بر من هر روزي و هر شبي صد بار دو بار گفت که واجب شود او را شفاعت
من اگرچه از اهل کباير باشد **از تنبيه** فقيه ابو الليث رحمة الله عليه
روايت ميکند از فقيه ابو جعفر رحمة الله عليه که رسول صلی الله عليه وسلم
فرمودند هر که صلوات گفتن بر من فراموش کند راه بهشت را گم کرده
باشد **از وسيلة القلوب** أبي کعب رضي الله عنه گفت من پرسيدم

از رسول عليه السلام که چه فرمايي يا رسول الله من وظايف خود را چهار
قسم کنم يک قسمت از آن بر حضرت پاک تو صلوات فرستم گفت اگر
زيادت کني بهتر گفت اگر دو قسم صلوات گويم گفت اگر زيادت کني
بهتر گفتم اگر سه قسم صلوات گويم گفت اگر زيادت کني بهتر گفتم اگر چهار
قسم صلوات گويم گفت چون چنين کردي آنگاه همه مهمات تو کفايت
شود و گناهان تو آمرزيده شود پس مومن را نيز دو غنيمت يکي
کفايت شدن مهمات و دوم آمرزيده شدن سيآت چون همه و
غرض از صلوات گفتن حاصل آيد بر عاقل آنست که آنرا بر خود لازم گيرد
از تفسير مغني رسول عليه السلام فرمودند هر که بميرد بر محبت من و آل من صلی الله
عليه وسلم آنکس شهيد ميرد و مغفور و تايب و مومن ميرد و با کمال
ايمان و با سنت و جماعت ميرد و بشارت دهد او را ملک الموت عليه السلام
ببهشت و با عزاز و اکرام تمام برند او را ببهشت چنانکه عروس را بخانه شوهر
و گشاده شود در گور او دو در از سوي بهشت و گور او زيارتگاه
فرشتگان رحمت باشد و هر که بميرد بر بغض محمد و آل محمد صلی
الله عليه وسلم چون بيايد روز قيامت آنکس و نوشته باشد بر
پيشاني او که نوميد ست اين شخص از رحمت خداي تعالی و کافر ميرد و
بوي بهشت نيابد آورده اند که مردي دختري داشت او لعبت بازي
ميکرد يک روز آن مرد در غضب شد بر خاست و جمله لعبت آن دختر را بشکستند

و بیکان یکان را در آتش می انداخت و یکی لعبتی بود در میان جملهٔ آن
لعبتها که او را بشبیه سیدان دو گیسو کرده بود چون آن لعبت را بدید
از جهت دو جعد که مشابهت سادات داشت در آتش نا انداخت چون
آن مرد اندر دنیا نقل کرد او را بخواب دیدند پرسیدند که چگونه گفت حال
تو گفت چون مرا در پیش کردگار قضا بردند من بغایت ترسان بودم
فرمان آمد از حضرت عزت جل جلاله که ما ترا آمرزیدیم بدان تعظیم
دو جعد که مشابهت سادات داشت که کردی و آن لعبت را عزت داشتی
و نسوختی ما ترا نیز از آتش دوزخ نجات دادیم الهی جملهٔ مسلمانان را
از آتش دوزخ نجات دهی بحق محمد و آله اجمعین **باب دوم**
در فضیلت وضو و غسل و پست داشتن موی لب و مسواک کردن
و این باب مشتمل است بر سه فصل **فصل اول در**
فضیلت وضو و غسل بدان اسعدک الله فی الدارین که بنده
باید که مدام با وضو باشد و خود را عادت کند با وضو بودن زیرا که
هر که با وضو باشد بهیچ بلایی مبتلا نشود و هر بلایی که رسد و او
بی وضو باشد ملامت نکند مگر نفس خود را چنانکه پیغامبر علیه
السلام فرموده اند من اصابته بلیّة وهو محدث فلا یلومنّ الّا
نفسه **رسول** فرموده اند که فرشتگان آمرزش خواهند آنکس را که با
وضو باشد مادام که حدث نرسیده است قال النبی علیه السلام

الوضوء حصن المؤمن و قال النبی علیه السلام الوضوء سلاح
المؤمن پیغامبر علیه السلام فرموده اند که وضو حصار مؤمن است
و سلاح مؤمن است پس کسی که در حصار باشد و با سلاح باشد هیچ
دشمنی بروی دست نیابد **رسول** علیه السلام فرموده هر که طهارت
سازد یا غسل کند آن موضع او را دعا کند تا روز قیامت **رسول**
علیه السلام گفته اند روز قیامت مردی را آرند و اعمال او را وزن کنند
سیئات او بر حسنات او راجح آید بعد از آن بیارند دو دی مال یا فوطه
که بعد از غسل اعضا را پاک کرده باشد در پلهٔ حسنات وی نهند
پس راجح آید حسنات او بر سیئات او و لهذا مکروه نیست نزد
امام اعظم ابو حنیفه رحمة الله علیه مسح کردن در وضو و غسل بخرقه
جامه **رسول** علیه السلام فرمود که هر که با وضو خسبد فرشته در جامهٔ
خواب او برابر او خسبد پس بیدار نشود آن بنده ساعتی از خواب
مگر آنکه آن فرشته ساعتی دعا کند مر او را و گوید ای بار خدای بیامرز
این بندهٔ خود را که با وضو خفته است **از صلوة مسعودی** رسول علیه
السلام میفرمایند که من از حضرت پروردگار خود شنوده ام که هر کرا
حدث رسد و وضو نکند بدرستی که بر من جفا کرده باشد و هر کرا
حدث رسد و وضو کند و دو رکعت نماز نگزارد بر من جفا کرده باشد
و هر کرا حدث رسد و وضو کند و دو رکعت نماز گزارد و حاجت خواهد

و حاجت دینی و
خود نخواهد

اکر من که خدایم دعای ترا اجابت نکنم بدرستی که من جفا کرده باشم و من نیستم بر
جفا کننده این بر طریق وعده است بر طریق وجوب نی چرا که اصلح بنده بر حق
تعالی واجب نیست و بحکم حق عز و جل مر بنده را حجت نی از خالصة الحقایق
بعضی از اهل معرفت کفته اند هر که مدام با وضو باشد خداوند عز و جل
او را بهفت خصال پسندیده مخصوص کرداند اول آنک فرشتکان
بصحبت او رغبت کنند دوم همیشه قلم کاتبان اعمال او از نوشتن ثواب
او تر باشد سیوم همه اعضا و جوارح او تسبیح کویند چهارم تکبیر اول از
وی فوت نشود پنجم چون بخسبد حق تعالی فرشتکان فرستد تا او را از
شر آدمیان و دیوان و پریان نکاه دارند ششم حق تعالی سختی جان کندن
را آسان کرداند بروی هفتم این بنده مادام که با وضو باشد در امان خدای
تعالی باشد شیخ فرقد سبخی رحمة الله علیه کفت که در خواب دیدم که انکشت
خورد دست من با من خصومت میکند و از من می پرسد و میکوید مرا
چه شد که از جملهٔ اعضاء تو من عذاب کرده میشوم شیخ فرقد کفت نمی
دانم که چرا در عذابی انکشت خرد من کفت چون تو وضو کردی انکشتری را
نکردانیدی از آن جهت من در عذابم امیر المؤمنین علی رضی الله عنه
کفت پیغامبر علیه السلام فرموده اند اول چیزی که در آتش سوزد از تن
امتان من موضع انکشترین باشد و دیکر ناف که در وضو و غسل کردن
احتیاط آنرا ترک کرده است و خشک مانده کفته اند طهارت ظاهر بآب

وخاک

وخاک است یعنی آب موجود باشد بآب طهارت سازند و در عدم آب بخاک
تیمم کنند فاصل خلقت بشر ازین هر دو چیز است و بدین هر دو و آتش آخرت
را هم کشته شود اما طهارت باطن چیست توبه و تنی و شکستکی و خوف حق
در دل مرویست که ام المؤمنین عایشهٔ صدیقه رضی الله عنها پشم رشتی
هر جاه که بانک نماز شنیدی همان زمان دست از آن باز داشتی و باری
که رشته بودی همچنان کشاده کذاشتی و برخاستی و بوضو مشغول شدی
از وی حال سوال کردند کفت از رسول صلی الله علیه و سلم شنیده ام که چون
موذن بانک نماز کوید هر عملی را که بنده کند در حالت بانک نماز آن نصیب
شیطان است از ترجمان الصلوة چون بنده از آبدست فارغ شود این
کلمات را بکوید در خبر چنین مذکورست که خداوند عز و جل وعده کرده
است که هر که در عقب آبدست این دعا را بخواند او را بیامرزم و از وی
خوشنود کردم عایشهٔ صدیقه رضی الله عنها میکوید که کفتم یا رسول الله
کلماتی می شنوم که پیوسته میکویی که پیش ازین نمی کفتی رسول علیه
السلام کفت در سورهٔ اذا جاء نصر الله بدین کلمات فرموده شده ام
و کفته اند فسبح امر است بدین کلمات کلمات اینست سبحانک
اللهم و بحمدك اشهد ان لا اله الا انت استغفرك و اتوب الیك و اشهد
ان محمدا عبدك و رسولك هر که از مجلسی برخیزد و این کلمات را بکوید
اکر آن مجلس مجلس خیر باشد پذیرفته شود و اکر مجلس شر باشد خدای

عز وجل ایشانرا توبه دهد وآمرزیده شوند **روایت میکند** امیر المؤمنین
علی رضی الله عنه که من از پیغامبر صلی الله علیه شنیده ام این حدیث را بسیار
نفع داد مرا خدای تبارک وتعالی ازین حدیث وهمچنین حدیث هست که
ابو بکر صدیق رضی الله عنه گفت که از پیغامبر علیه السلام شنیده ام که
نیست گناهی مر مردی را که وضو کند و وضوء نیکو با احتیاط و در وقت
شستن هر عضوی دعاء آنرا بخواند و دو رکعت نماز گزارد وبخواند در رکعت
اول این آیت را که أَعُوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا
أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللهَ يَجِدِ اللهَ غَفُورًا رَحِيمًا و در رکعت دوم
بعد از فاتحه این آیت را بخواند که بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ وَالَّذِينَ
إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ
وَمَنْ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَى مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ
بعد آن استغفار گوید حق تعالی بفضل خود آمرزد مر این بنده را و این نماز
را نماز توبه گویند **از کفایهٔ شعبی** مرویست که پیغامبر علیه السلام فرمود
مر صحابه را که چیست پنج چیز بنیم پنج چیز گفتند خدای و رسول خدای
داناترست پس رسول علیه السلام فرمود یکی از آن آنست که کشتن
هست بی تیغ ودوم آمرزش هست بی توبه سیوم رضای خدای تعالی هست
بی خدمت و عبادت چهارم بسیاری مالست بی کسب و بی تجارت پنجم
حاصل شدن پاکی هست بی آب **اما بدانک** قتل بی تیغ آنست که بنده گوید

بسم الله

بسم الله الرحمن الرحیم شیطانرا کشتی بی تیغ بدرستی که هرکه گوید
بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ گوید شیطان بگدازد چنانک ارزیز در آتش
گدازد **اما** آمرزش بی توبه آنست که چون کسی بقضای حاجت انسانی نشسته
باشد مستقبل قبله بعد از آن او را یاد آید همان ساعت روی خود را
از طرف قبله بگرداند از برای حرمت و عزت داشت قبله را بدرستی که خدای تعالی
او را آمرزد **اما** رضای حق تعالی بی خدمت آنست که بنده استنجا کند بی آب
بعد از آن که بکلوخ خود را پاک کرده باشد **اما** بسیاری مال بی کسب و تجارت
آنست که بنده دو رکعت سنت نماز بامداد را در خانه گزارد و فریضه نماز
بامداد را در مسجد بجماعت گزارد **اما** حاصل شدن طهارت بی آب
آنست که بنده در آغاز وضو گوید بسم الله الرحمن الرحیم چون بگوید پاک
شود جملهٔ اعضاء او و هرکه بسم الله نگوید و وضو کند پاک نشود مگر
همین اعضای وضو **در خبرست که** رسول علیه السلام فرمود که وضو بر
وضو نور است بر نور در روز قیامت **در حدیث دیگر** فرمود که هرکه وضو
کند بر وضو نوشته شود مر او را ده نیکی **مرویست** از شیخ الشیوخ اوحد الدین
کرمانی طیب الله ثراه که هرکه بیست بیست سال رساند وعمر او در طاعت و
عبادت حق تعالی گذرد **دعا اینست** اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مَحْبُوبًا فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ وَ
بَلِّغْنِي إِلَى مِائَةٍ وَعِشْرِينَ سَنَةً برحمتك یا ارحم الراحمین وصلی الله علی خیر خلقه
محمدٍ وآله اجمعین **رسول** علیه السلام فرمود که نیکمردان امت من کسانی اند که

آست که
وضو کنند تا ب اندک که در شریعت آن مقدر باشد و بدترین امت من
آب وضو را اسراف کند **مظفر دریا** پرسید از حضرت خضر علیه السلام که
خداي تعالی در کلام مجید خود کفته است خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ من
شما را از خاک و آب آفریدیم درین حکمت چیست کفت حکمت آنست که تا با آب
طهارت کنی و بخاک تیمم کنی تا چون فرداي قیامت شود از تو هم بوي خاک
آید و هم بوي آب آتش دوزخ کوید الهی ازین بندکان تو د بوي می آید که
بوي پیغامبران را ماند و کوشت تن پیغامبران علیهم السلام بر آتش حرام است
فرمان رسد از حق تعالی که چون حکم و فرمان چنین است تو نیز ایشان را مسوز
که تا بدین سبب همه از آتش دوزخ نجات یابند و بهشت رسند و دیکر
کفت اي مظفر دریا آتش را بدو چیز توان کشت با آب و خاک و تو بهر دو طهارت
کن تا آتش دوزخ کشته کردد والله الهادي **نقل از دوازده مسئله** مسئله
اول هفتم آنست که ابلیس علیه اللعنة حضرت خضر را علیه السلام کفت که چون
مؤمن موحد خود را نکاه دارد بوجه حلال و بنکاح مشغول کردد تا چون
بمجامعت مشغول کردد غسل از جنابت بروي واجب شود چون از براي غسل
کردن بجاي خالی رود و خود را برهنه کند ابلیس لعین میکوید من بر سر
وي ایستم و دل وي را از وسوسه مشغول کنم تا شرط غسل را بجاي نیارد
و سنتها و فریضها را فراموش کند و اکر کسی باشد که در همه احتیاط کند
و خاطر و دل خود را جمع دارد دست دراز کنم و انکشت خود را بر یک موضع

تن

تن او بنهم تا بر همه اندام او آب برسد و آن موضع انکشت خشک ماند و او
پندارد که همه اندام را شسته ام و غسل کرده ام او خود همچنان جنب باشد
و او بدان نماز میکند تا از شومی آن کافر کردد نعوذ بالله منها **جواب**
رسول صلی الله علیه و سلم کفتند یا خضر علاج او آنست که بنده بوقت جنابت
باید که هشیار باشد و غافل نکردد تا بجهد امکان کوشد چون دو بار آب را
بر خود ریخته باشد بار سیوم کلمهٔ تمجید را بسیار کوید و آب ریزد تا وي
نکوید و غسل او درست باشد و از جنابت پاک کردد و بعد از غسل این
دعا را بخواند اَللّٰهُمَّ طَهِّرْنِي مِنَ الدَّنَسِ وَالْاَقْذَارِ وَاغْسِلْنِي مِنَ الذُّنُوبِ
الصِّغَارِ وَالْكِبَارِ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **نقل از دوازده مسئله**
دوم مسئلهٔ هشتم آنست که ابلیس کفت علیه اللعنة که بوقت آبدست بر راه
کذر بول و غایط ایشان درایم و بعضی از بول ایشان را باز دارم تا او پندارد که
آبدست پاک کرده ام چون در نماز حاضر شود من دست از ان موضع دور کنم
تا بقیهٔ بول بیرون آید و او را خبر نباشد یا بادي از وي جدا شود که آبدست
او تباه شود و او بی آبدست نماز کند تا در دنیا و آخرت کرفتار کردد و
پندارد که نماز را تمام کزارده ام و فریضه همچنان در کردن او ماند و او را خبر
نباشد نعوذ بالله منها **رسول** صلی الله علیه و سلم فرمودند که یا خضر علاج
او آنست که در ابتداي آبدست کردن بنده بجهد امکان کوشد و شرایط استنجا
و استبرا را نکاه دارد و سه بار کلمهٔ تمجید کوید و این دعا را بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّي

اَعُوذُ بِكَ

مِن شَرِّ الشَّيْطَانِ الَّذِي خَلَقْتَهُ لِي عَدُوًّا يَكِيدُ فِي كَيْدًا وَأَبْرَءُ مِن مَجْرَى الدَّمِ
حَتَّى يَأْتِيَنِي مِن حَيْثُ لَا أَرَاهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ نقل
از وصايا رسول عليه السلام كفتند مر علي را كه يا علي چون تو وضو كردي
بعد از وضو بكوي بسم الله الرحمن الرحيم اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ تَمَامَ الْوُضُوءِ
وَتَمَامَ الصَّلٰوةِ وَتَمَامَ رِضْوَانِكَ وَمَغْفِرَتِكَ بدرستي كه اين زكوة وضوست
شيخ فضيل عياض رحمة الله عليه كفت بلا را هفتاد درست كمترين آن
فقرست هركه تمام كند وضو را وسه بار كويد لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ
الْعَظِيمِ لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنْجَا مِنَ اللّٰهِ إِلَّا إِلَيْهِ بفرمان خداي عز وجل آن همه
بلاها از وي دفع شود نقل امير المؤمنين علي رضي الله عنه كفت چون
بنده خواهد كه وضو سازد پنج نوع وضو سازد اول وضوي دلست يعني بشويد
دل خود را از غل وغش وخيانت ومكر وحديث وحسد دنيا وغير آن
لقوله تعالى وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ يعني قلبك واصلحه دوم وضوء زبانست از
دروغ وغيبت وسخن فضول وسخن چيني ولعنت كردن ومانند آن لقوله
تعالى وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ سيوم وضوء پاك شكم هست از حرام وشبهه
لقوله تعالى كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ چهارم وضوء پشت هست از
لباس حرام بدرستي كه نماز قبول نيست مكر بلباس حلال لقوله تعالى
وَلِبَاسُ التَّقْوَى ذٰلِكَ خَيْرٌ پنجم وضوء باب پاكست در اعضاء اربعه لقوله
تعالى يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلٰوةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ الآيه

رسول عليه السلام فرموده اند هركه با وضو خفتد فرموده شود روح اورا
تا طواف كند بر عرش وسجده كند مر خداي را عز وجل در خبرست كه آب
بر اعضاء متوضي تسبيح ميكويد مادام كه خشك نشده هست از تفسير منير
در خبر آمده هست باسناد درست از ابو امامه باهلي رضي الله عنه كه پيغمبر
عليه السلام كفت چون مسلماني آبدست كند كناه از چشم وكوش ودست
وپاي او فرو مي ريزد تا از كناه پاكيزه وآمرزيده كردد وآبدست كفارتست
هر كناهي را كه پيش از آن كرده باشد آن نماز كه كند اورا درجه زيادتي باشد
روايت ميكند عقبة بن عامر رضي الله عنه از امير المؤمنين عمر
رضي الله عنه كه پيغامبر عليه السلام كفت هركه از آبدست فارغ شود
از پس آن بكويد اشهد ان لا اله الا الله واشهد ان محمدا عبده ورسوله
كشاده شود از بهر او روز قيامت درهاي بهشت را تا از هر دري كه خواهد
در رود از صلوة مسعودي رسول عليه السلام فرموده اند كه ده چيز از جمله
جفاهاست اول آنك هركرا حدث رسد وطهارت نسازد جفا كرده هست
واكر طهارت ساخت دو ركعت نماز نكزارد جفا كرده هست واكر نماز كزارد
دعا نكويد جفا كرده هست چون بمسجد در آيد نماز نكزارد جفا كرده هست [margin: ونشيند]
چون مصحف باز كند نا خوانده فراز كند جفا كرده هست اكر فرزند مادر
وپدر را بنام خواند جفا كرده هست اكر كسي ويرا بدعوتي خواند وي اجابت
نكند جفا كرده چون نام محمد بشنود يا بوي كلي بمشام وي رسد صلوات
[margin: نكويد جفا كرده هست]

جون دو کس با یکدیکر دوستی دارند و نام یکدیکر را نپرسند جفا کرده باشند

از وصایا رسول علیه السلام فرموده اند که یا علی بر تو باد که جون از طهارت کردن

فارغ شوی سورهٔ اِنَّا اَنزَلنَاهُ را بخوانند بعد از آن که قد شستی باشی خدا وند

عز وجل در هر طهارتی ثواب پنجاه ساله طاعت کرامت کند **مرویست که** امیر المومنین

علی رضی الله عنه طهارت ساخت و فضالهٔ آب طهارا ایستاده خورد

و این حدیث روایت کرد که هر که زیادتی آب طهارت را بخورد خدای

عز وجل آنرا علاج بیماریها کرداند که اطبا از معالجت آن عاجز آمده

باشند **ایضاً** از صلوة مسعودی امیر المومنین عمر رضی الله عنه

روایت کرد که پیغامبر علیه السلام فرموده اند که هر که طهارت سازد و بعد

از آن که تمام کرده باشد آب تازه بر کیرد و بر کردن خود مسح کشد و این

تسبیح را بخواند سُبحَانَکَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمدِکَ اَشهَدُ اَن لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنتَ

وَحدَکَ لَا شَرِیکَ لَکَ وَاَستَغفِرُکَ وَاَتُوبُ اِلَیکَ و سوی زمین نظر

کند و کوید اَشهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبدُکَ وَرَسُولُکَ خدای تعالی کناهان خورد

و بزرک او را بیامرزد **از خالصة الحقایق** پیغامبر علیه السلام فرموده

که وضوء برابر غذاییست یکسان است **ایضاً** ابو امامهٔ باهلی رضی الله عنه

کفت که پیغامبر علیه السلام فرموده اند خوردن بقیهٔ آب وضوء مومن

را شفاست از هفتاد درد که کمترین آن تا سام است **در خبرست که** رسول

علیه السلام ابلیس را پرسید که دشمن ترین مردمان نزدیک تو کدام است

کفت

کفت آن کسی که دایم با وضوست پرسید که جرا ازو دشمن داری او را کفت که

از برای آنکه سبب بر پای داشتن نمازست تا مادام که او با وضوست

نماز فوت نشود مرا غمیست ازین جهت غمی سخت دشوار **در خصال غسل**

از تفسیر مغنی دو جیزست که روز قیامت بیاید غسلی که از احتلام باشد

در صورتی که مثل آن صورت کسی ندیده باشد بر سر او تاجی باشد از

نور که روشنایی او از مشرق تا بمغرب رسد و مر آن تاج را هفتاد

هزار رکن باشد در هر رکنی دری سفید و یا قوت سرخ و زبرجد سبز

باشد پس آن صورت کوید ای فلان می شناسی مرا آنکس کوید نمی

شناسم تو کیستی کوید من غسل توام از سبب غسل احتلام که تو کرده بودی

پس این بنده را بر دارد و بر کتف خود نشاند و از پل صراط بکذرد جون برق

و پیش در بهشت رود و در بزند کوید تو کیستی کوید من غسل پاک فلان بنده ام

پس باز کنند بر وی در بهشت را و کویند در آی در بهشت از هر دری که

خواهی و شفاعت کند این بندهٔ غسل آرنده بعدد هر موئی که بر تن اوست

هفتاد عاصی را و بدهد خدای تعالی بعدد هر قطرهٔ که از تن او جکیده است

در بهشت و بدهد خدای تعالی قصرها بعدد ستارکان آسمان و قطره

های باران و کفک دریا و بدهد خدای تعالی او را بعدد هر قصری حوری

که هیچ جشمی ندیده است و هیچ کوشی نشنیده است و در دل هیچ بشر نکذشته است

اما باید که در غسل جنابت جنین نیت کند که نویتُ اَن اَغتَسِلَ مِنَ الجَنَابَةِ

و در غسل جمعه کوید نویت ان اغتسل تنظیفا للجمعة و در غسل عیدین
نیز همچنین کوید تنظیفا للعید و دیکر باید که در غسل جنابت و احتلام
اول آب در دهان و بینی احتیاط کند اکر روزه دار نباشد و استنجا
کند و در ان کوشد که آب در بن هر تار موی او رسد که زیر هر موی جنابت
هست اکر در تنک یک موی آب نرسد از عهده غسل بیرون نیامده باشد
والله اعلم بالصواب **فصل دوم در پست داشتن موی لب**
از صلوة مسعودی بدانک موی لب پست داشتن سنت هست و دراز داشتن
بدعت از شومی بدعت هست که آب بلب نرسد طهارت درست نبود و نماز
روا نی **رسول** علیه السلام فرمودند هر که موی لب را پست دارد خدای عز و جل
وی را چهار نوع نور کرامت کند یکی نور در روی وی یکی نور در کور و یکی نور
در دل و یکی نور در قیامت و از روی ثواب چنان بود که صد اشتر سرخ
موی خرید ستی و همه را در راه رضای خدای تعالی صرف کردستی **رسول**
علیه السلام فرمودند که هر که موی لب را دراز دارد خدای تعالی او را سه
چیز عقوبت کند اول از شفاعت من بی نصیب ماند دوم از حوض
من آب نخورد سیوم حق تعالی منکر و نکیر را بغضب بروی کمارد **در خبر**
آمده هست که رسول علیه السلام فرمودند هر که موی لب را پست دارد
و کلمه شهادت کوید این کلمه شهادت از آسمان کذرد و همچنان میرود
تا زیر عرش و چندانک زنبور عسل می نالد او بنالد خطاب حضرت عزت در رساله که

خبرا

جرا ساکن نمی شوی کوید ای پروردکار من چکونه ساکن باشم تا کوینده
مرا نیامرزی فرمان رسد که کوینده ترا آمرزیدیم آنکاه ساکن شود بان
اکر موی لب را دراز دارد و کلمه شهادت کوید آن کلمه کرد دهان وی کردد
و بیرون نتواند آمدن کاتبان اعمال او را کویند چرا بیرون نمی
آیی تا ثواب ترا نویسیم کوید چکونه بیرون آیم چون این پلید بر راه هست
رسول علیه السلام فرموده اند که فردای قیامت اهل عرصات هر دو کار
خود سجده تحیت آرند مکر کافران سجده نیارند که ایشان همچو سر روی
کاو راست مانده باشند و دیکر کسانی که موی لب را دراز داشته باشند
آن مویها در زمین استوار شده باشد همچون نیزه ها و ایشانرا مانع
باشد از آوردن سجده تا اهل عرصات ایشانرا فرق کنند از مردم
دیکر نعوذ بالله منها والله اعلم **فصل سیوم در فضیلت مسواک**
از صلوة مسعودی رسول علیه السلام فرمود که پاک کنید دهانهای
خود را بمسواک زیراک دهان راه قرآنست **رسول** علیه السلام فرموده
اند که مسواک پاک کننده دهانست و شادی فرشتکانست و سبب رضا و
خشنودی رحمانست **رسول** علیه السلام فرمودند که چهار چیز سنت
انبیاست که پیش از من بوده اند از مرسلان یکی نکاح کردن دوم شرم
داشتن سیوم بوی خوش بکار داشتن چهارم مسواک کردن **رسول**
علیه السلام فرمودند دو رکعت نماز کزاردن با مسواک فاضلترست

از هفتاد رکعت بغیر مسواک و مسواک شفاء جمله بیماریهاست مگر مرگ
رسول علیه السلام فرمود ند که برادرم جبرئیل علیه السلام در چهار کار بر مرا
جندانی مبالغت کرد که گمان بردم که بر امتان فریضه شده یکی در نیکو داشتن
اهل بیت یعنی در حق خاتونان جندانی مبالغت کرد که مگر طلاق بد
امتان حرام شد و دوم در نیکو داشتن همسایه جندانی مبالغت کرد
که گمان بردم که مگر در حق امتانم فریضه شد دیگر باید داشت که رسول
علیه السلام آخرین تسبیح جه گفت و آخرین دعا جه گفت و آخرین
وصیت جه کرد و آخرین فعل جه کرد بدانک آخرین تسبیح این گفت که
سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر ولا حول ولا قوة
الا بالله العلی العظیم و آخرین دعا این بود که اللهم هون علینا سکرات
الموت و آخرین وصیت این کرد که الصلاة وما ملکت ایمانکم
یعنی نماز را بر پای دارید و زیر دستان را نیکو دارید و آخرین فعل مسواک
کرد روایت میکند مادر مومنان عایشه صدیقه رضی الله عنها که رسول
صلی الله علیه وسلم در سکرات موت دست مبارک خود را بر زمین نهاده
بود ناگاه عبد الرحمن بن ابی بکر رضی الله عنهما اندر حجره در آمد مسواک در دست داشت
کرده بود رسول علیه السلام در ان مسواک نگاه کرد گفتم یا رسول الله بمسواک
رغبتی هست رسول گفت بلی هست من مسواک را از برادر خود گرفتم در دهان
مبارک رسول علیه السلام آب نمانده بود از آب دهان خود تر دادم

ودهان

ودهان مبارک رسول را علیه السلام مسواک کردم رسول علیه السلام از دار
فنا بدار بقا رحلت کرد از ینجاست که مادر مومنان عایشه صدیقه رضی الله
عنها بر عیالان دیگر مفاخرت کردی بدو مرتبه یکی آنک آب دهان من
در دهان مبارک رسول صلی الله علیه وسلم در آمد و دیگر آنک پیغمبر
علیه السلام در کنار من جان داد ابراهیم نخعی رحمة الله علیه رسول را علیه
السلام در خواب دید از خود بنالید که یا رسول الله چیزی میخوانم و یاد
نمیتوانم گرفتن رسول علیه السلام فرمود که کجایی از جندین چیزی خبری
اندک خورد و اندک خسب و قرآن بسیار خوان و نماز بسیار گذار و برای
هر نمازی طهارت میساز و بهر طهارتی مسواک کن ابراهیم نخعی
میگوید که جون از خواب اندر آمدم و این وصیت را بجای آوردم در
میان اندک فرصت مقتدای عالم و عالمیان شدم عبد الله مبارک
مروزی رحمة الله علیه گفته است که مسواک سنتی است از سنتهای رسول
علیه السلام هر که سنت بورزد و [illegible] شاید که پادشاه باقی
چوب کند همچنانک با چوب بیان حرب میکند و مقاتله میکند می آرند که
عبد الله مبارک همه عمر خود را سه قسم کرده بود یکسال حج رفتی و یکسال رحمة الله علیه
غزوات رفتی و یکسال علم درس گفتی مرویست که یکسال غزو رفته بود و
هیچ نوع بر قلعه کبران ظفر نمی یافت در ان اندیشه بخواب رفت رسول
را علیه السلام بخواب دید رسول علیه السلام فرمود در جه اندیشه و گفت

یا رسول الله بدین قلعهٔ کبران دست نمی یابیم رسول علیه السلام فرمودند که کجاید
که خبر ندارید از طهارت با مسواک عبد الله مبارک از خواب بیدار شد و طهارت
با مسواک ساخت و غازیان را فرمود که تا طهارت با مسواک ساختند در وقت
بانگ از بالای قلعه نگاه کردند آن حالت را دیدند خدای عز و جل در دل ایشان
هیبتی انداخت فرود آمدند و با امیر قلعه گفتند که جماعتی آمده اند که
آدمی خوارند دندانها تیز میکنند تا اگر بر ما ظفر یابند ما را بخورند ما را
خدای عز و جل خوفی و ترسی عظیم در دل ایشان افکند قاصدی بیرون فرستاد
که از ما مال میخواهید یا جان عبد الله مبارک گفت نه مال میخواهیم نه جان
بلکه آن میخواهیم که همه اسلام آرید همه اسلام آوردند ببرکات اقامت سنت
رسول صلی الله علیه وسلم و آن مسواک است **نقل از شرح السنه** روایت
از ابو درداء رضی الله عنه و نیز مذکور است در وصایای امیر المؤمنین علی
رضی الله عنه که پیغامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند بر شما باد که مسواک کنید
و غافل مباشید از وی و مداومت کنید بر وی بدرستی که در وی بیست و چهار
سنت پسندیده است اول آنکه خوشنود میگرداند رحمان را و هر که رحمان
جل جلاله خوشنود بود بدرستی که او بهشت در آید دوم بجای آوردن سنت
و هر که سنت رسول را علیه السلام بجای آرد رسول علیه السلام از وی خوشنود
باشد سیوم نماز با مسواک تضعیف درجات میشود یعنی رکعت نماز
با مسواک برابر هفتاد و پنج رکعت است بغیر مسواک چهارم فراخی در روزی

و توانگری

و توانگری در احوال آرد و فقر و فاقه را ببرد و با کسی محتاج نشود
پنجم بوی دهان را خوش کند ششم گوشت بن دندان را سخت کند هفتم
درد سر را دفع کند هشتم درد دندان را دفع کند نهم فرشتگان با او مصافحه
کنند چون نور و صفا در روی او ببینند دهم دندان را پاکیزه و روشن
کند یازدهم فرشتگان دنبال او روند از خانه تا بمسجد و از مسجد
تا بخانه و او را از بلاها محافظت کنند دوازدهم فرشتگان حمله عرش
او را استغفار گویند سیزدهم بجمیع پیغامبران اقتدا کرده باشد
و متابعت ایشان کرده باشد چهاردهم گشاده شود بروی دری از
از درهای بهشت و در آید در بهشت بی حساب پانزدهم نوشته شود
مر او را نیکی بعدد هر که مسلمان شود از آن روز باز که او مسواک
میکند تا روز قیامت شانزدهم بسته شود بروی درهای دوزخ
هفدهم آمرزش خواهند او را همه پیغامبران علیهم السلام هژدهم ملک
الموت علیه السلام روح او را قبض کند طاهر و مطهر نوزدهم
ملک الموت علیه السلام بنزدیک وی آید بجهت قبض روح در صورتی
که زیبا باشد و بدان صورت قبض کرده ارواح پیغامبران را علیهم السلام
بیستم این بنده بیرون نرود از دنیا تا سیراب نکنند او را از رحیق
مختوم و این شرابیست از شرابهای خالص بهشت و مهر کرده شده
بمشک بیست و یکم حفظ او را زیادت کند و در دل او حکمت پیدا آرد

ببیند دوم چون این بنده بمیرد گور او را فراخ گرداند بمقدار دنیا
سیوم هیچ جنبنده زمین مار و گژدم زیان نرساند او را ببیند چهارم
بلباس پیغامبران پوشانیده شود و گرامی کرده شود در صف پیغامبران
و در آید در بهشت بی حساب **از وصایا** رسول علیه السلام فرموده‌اند مر
امیر المؤمنین علی را رضی الله عنه که یا علی مسواک مکن وقتی که ایستاده
باشی زیرا که از آن درد دندانها خیزد و مسواک مکن در حالتی نشست کرده
که از آن درد پشت خیزد و مسواک مکن در حمام که بوی دهانرا گنده کند
و مسواک مکن در حالتی که پهلو بر زمین آورده باشی که از آن علت سپرز
پیدا شود و مسواک مکن چون تو در مزبله باشی بدرستی که آنکس دشمن
در محیط آورده است که باید مسواک اندر درخت تلخ باشد که بوی دهانرا
خوش کند و بیخ دندانرا محکم کند و معده را قوی گرداند و لیکن چوب
مسواک باید که بزرگ باشد بمقدار انگشت خورد دست و بدرازی یک
بدست بود و با وجود مسواک انگشت را قایم مسواک نکند و اگر مسواک
نباشد آنگاه انگشت را بجای مسواک کند **از ترجمه احیا** پیغامبر صلی الله
علیه وسلم گفته اند که دندانهای شما راه گذر قرآنست بمسواک کردن آنرا
خوشبوی باید داشتن و باید که در وقت مسواک نیت آن باشد که
دهان خود را پاک میگردانم برای خواندن قرآن و ذکر خدای تعالی در نماز
از تفسیر مغنی در حدیث است که در مسواک ده خصلت خوبست اول خوشنودی

پروردگار

پروردگار است جل جلاله و دشمنادگی و خشم است مر شیطانرا و شادیست
مر فرشتگانرا و محکم کننده است مر گوشت بیخ دندانرا و تباهی و خستگی بن دندانرا
دفع کند و بینایی دیده را روشن کند و بوی دهانرا خوش کند و بلغم
را کم کند و مسواک کردن سنت است و مزید حسنات است **رسول** علیه
السلام فرموده‌اند که در شب معراج گذشتم در بهشت دیدم حوران با لطافت
چون مرا دیدند مرا سلام کردند من جواب سلام ایشان گفتم مرا گفتند
یا محمد بگوی مر امتان خود را که تا مسواک کنند بدرستی که هرگاه که ایشان
مسواک میکنند حسن ما زیاده میشود

باب سیوم

در فضیلت نماز و فضیلت صف اول و فضیلت جماعت و قرائة و ورد
و دعاها که در وقت هر نمازی خوانده شود و فضیلت شب جمعه و روز
جمعه و فضیلت مسجد و بانگ نماز و جواب و این باب مشتمل است بر
چهارده فصل **فصل اول در فضیلت نماز** و بجای آوردن امر و صفت
آداب نماز و وعید ترک نماز و وسواس و غفلت و ریا و صفت
اخلاص و صدق و اعتقاد و راستی در نماز **ذکر فضیلت نماز** رسول
صلی الله علیه وسلم فرموده‌اند که نماز ستون دین است هر که نماز را بر پای دارد
خانهٔ دین او سلامت ماند و هر که نماز را ترک آرد خانهٔ دین او خراب
شود پس وای بر کسی که خانهٔ دین خود را خراب دارد و عمارت خانهٔ دنیا
فانی او را هیچ مفید آید **از خالصة الحقایق** رسول صلی الله علیه وسلم

و پاکیزه

رو

فرمودند که اول چیزی که حساب کنند با بنده روز قیامت از نماز کنند
اگر نماز او را کامل یابند اعمال او را کامل یابند و اگر بنقصان یابند
خدای تعالی فرمان دهد ملائکه را که بو بینید بندهٔ مرا که هیچ طاعتی از
نوافل و تطوع بجای آورده است آنرا بجای فریضه که ضایع کرده است و از
وقت تأخیر کرده بنویسند و اعمال دیگر را نیز همین حکم است رسول
علیه السلام فرمود بدرستی که مر خدای را عز و جل فرشته ایست که ندا می
کند بوقت هر نمازی که برخیزید سوی عزو نشاندن آتشها که بر
افروخته اند آنرا از برای نفسهای شما عبد الله عباس رضی الله عنهما
گفت که هر که دو رکعت نماز گزارد و شادی گزاردن نماز در دل او اندک
نباشد از در آمدن بهشت آنکس چون بیرون رود از دنیا خدای
عز و جل از وی بیزار باشد بدرستی که در نماز رضا و خوشنودی خدای
تعالی است و در دخول بهشت رضای نفس است ابن سیرین رحمة الله علیه
گفت اگر مرا مخیّر کنند در میان بهشت و دو رکعت نماز من البته دو
رکعت نماز را اختیار کنم زیرا که در نماز رضای پروردگارست و در
بهشت رضای نفس منست نعمان بن نوفل رضی الله عنه گفت بخدمت
رسول صلی الله علیه وسلم آمدم و گفتم یا رسول الله اگر من نمازهای
فرایض را گزاردم و حلال را حلال دانم و حرام را حرام دانم و بر این چیزی
زیادت نکنم من در بهشت درآیم رسول علیه السلام گفت بلی در بهشت درآیی

از تنبیه منیر

از تنبیه منیر در خبرست که از داود پیغامبر صلوات الله علیه وسلامه که
حق تعالی خطاب کرد با داود که هر که هر روز میخواهم که عذاب فرستم بر اهل
زمین اما بسه گروه از بندگان خوشنودم و عذاب را از همه باز دارم یکی بر آن
مؤمنان که از بهر خدای تعالی بیکدیگر دوستی دارند دوم بران مؤمنان که
در سحرگاه مرا استغفار کنند سیوم بران مؤمنان که مسجدها را آبادان
دارند یعنی نمازها را بجماعت گزارند رسول علیه السلام فرمودند قید
کنید چهار چیز را بچهار چیز ایمان را بنماز و مال را بزکوة و صحبت را بصدقه
و علم را بکتابت در خبرست که رسول علیه السلام فرمودند بدرستی که مرا
صد و هشتاد سنت است بر عمل کنید بدین سنتها اگر امید میدارید شفاعت
مرا اگر نمی توانید که همه را عمل کنید پس چاره نیست شما را غیر آنکه عمل کنید
بدین سنتها شش سنت مرا از همه سنتها پس هر که این شش سنت مرا
عمل نکند شفاعت مرا در نیابد و در بهشت در نرود اول علم است بدرستی که میراث
منست دوم نمازست و آن نور چشم منست سیوم ذکرست و آن میوه دل
منست چهارم خواندن قرآنست و آن روشن کنندهٔ دل منست و زداینده
غم و اندوه منست پنجم غزاست بدرستی که آن حرفت و صنعت منست
ششم فقرست و آن اختیار و افتخار منست بعد از آن رسول علیه السلام
فرمودند که بوسع و طاقت خود نگاه دارید دوازده سنت مؤکده را در هر
روزی و شبی بدرستی که جبرئیل صلوات الله علیه مرا خبر کرد و گفت یا محمد

اگر خواهد امت تو تا دریابد روز قیامت ثواب پیغامبران و مرسلان پس
مواظبت و ملازمت کنند این دوازده رکعت سنت را اول دو رکعت پیش
از فریضهٔ نماز بامداد و چهار رکعت سنت پیش از فریضهٔ نماز پیشین
و دو رکعت بعد ازان و دو رکعت بعد از فریضهٔ نماز شام و دو رکعت
بعد از فریضهٔ نماز خفتن **آورده اند که** مردی نزدیک ابوهریره رضی الله
عنه آمد و گفت که من از مرگ میترسم گفت مر او را که تو هیچ وقت نماز
میگزاری بجماعت گفت بلی میگزارم گفت بنماز جمعه میروی گفت می
روم گفت بمیر هر چگونه باشد و بر تو باکی نیست **از صلوة مسعودی**
امیر المومنین علی رضی الله عنه از پیغامبر علیه السلام پرسیدند که علامات
ایمان مومن چیست رسول علیه السلام فرمودند که یا علی مومن را سه علامت
است نماز گزارد و صدقه دهد و روزه دارد مراد ازین روزه روزهٔ ماه
رمضانست و مراد ازین صدقه زکوة مالست **مرویست که** مادر مومنان
عایشهٔ صدیقه رضی الله عنها سوال کردند که این چه معنی است که خدای عز و جل
نماز را در قرآن مجید بسیار ذکر کرد و هیچ عبادتی را این مقدار ذکر نکرد
مادر مومنان عایشه گفت که رسول علیه السلام فرمود که هر که چیزی
را دوست دارد ذکر آن چیز را بسیار کند چون حق سبحانه و تعالی نماز را
دوست داشت ذکر او بسیار فرمود قَالَ النَّبِیُّ علیه السلام مَنْ اَحَبَّ شَیْئاً
اَکْثَرَ ذِکْرَهُ **اُبَیِّ کعب** رضی الله عنه روایت کرد از رسول صلی الله علیه و سلم

که اول حسابی که خدای عز و جل روز قیامت با بنده کند از نماز کند هر که از
عهدهٔ نماز بیرون آمد امید بود که حسابهای دیگر بروی آسان شود
و نجات یابد و بدرجات عالیه رسد و اگر بعقبهٔ صلوة در ماند حسابهای دیگر
بروی دشوار شود و در دوزخ بماند **گفته اند** اصحاب دست راست که
ایشان در بهشت باشند بدکردارانرا بینند در دوزخ گویند که شما را چه آورد
بدین جای ایشان گویند ما نبودیم از جملهٔ نماز کنندگان **نقل از وصایا**
پیغامبر علیه السلام فرمودند که یا علی دوسترین بندگان نزد خدای تعالی
آنست که سجده کند و در سجده گوید یا رَبِّ اِنِّی ظَلَمْتُ نَفْسِی فَاغْفِرْ لِی فَاِنَّهُ
لَا یَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلَّا اَنْتَ **از تنبیه** فقیه ابو اللیث رحمة الله علیه روایت
کرده اند از دانیال پیغامبر علیه السلام که صفت کرد پیش قوم خود امت محمد را
علیه السلام و گفت قوم خود را که نماز کنید که اگر قوم نوح علیه السلام نماز
کردندی باب طوفان غرق نشدندی و اگر قوم عاد نماز کردندی هرگز بباد هلاک
نشدندی و اگر قوم هود نماز کردندی هرگز صیحه مر ایشانرا نگرفتی **از خالصة
الحقایق** روایت آمده است که عیسی پیغامبر صلوات الله علیه عابدی را دید
که سالها عبادت کرده بود عیسی علیه السلام وی را گفت که در آخر الزمان پیغامبری است
و مر ویرا امتی است که عمرهای ایشان اندک باشد از شصت تا هفتاد سال
و غایت عمر یکی از ایشان تا صد سال بود بدین عمر اندک زنان خواهند خدای
تعالی مر ایشانرا فرزندان دهد و عمارتها بنا کنند آن عابد در تعجب ماند گفت

درچنین مدت اند که چون مشغول شوند بدین چیزها که اگر عمر من آن مقدار
باشد در دو رکعت نماز صرف کنم عیسی علیه السلام گفت ای عابد اگر چه حال
چنین است اما ایشان را درجات بسیار است دو رکعت نماز جماعت که ایشان
گزارند ثواب آن بیشتر از عبادت چندین ساله تو باشد والله اعلم

ذکر فضیلت بجای آوردن امر از خالصة الحقایق مرویست که ابراهیم
خلیل صلوات الله علیه زراعت میکرد و زمین را آب میداد وقت نماز
رسیدی بنماز مشغول شدی حق تعالی فرمود ملایکه را بو بینید سوی
بندهٔ من که او هم زراعت دنیا میکند وهم زراعت آخرت شیخ ابوبکر
وراق ترمذی رحمة الله علیه گفت که من چهار کتاب آسمانی وهزار
صحیفه را که حق تعالی بر انبیا منزل کرده است خواندم و معانی او را نیکو
فهم کردم مقصود ازین همه مرا این بود که دانم که چیست مراد حق تعالی
از آفریدن این خلق بس یافتم مراد آن همه را در دو چیز یکی تعظیم کردن
فرمانهای خدای تعالی و دوم تعظیم خلق خدای و آن شفقت است بر خلق
خدای عز وجل درخبرست که نیست هیچ روزی که میکند مگر آن روز ندا
میکنند و میگویند که ای فرزند آدم غنیمت شمار مرا شاید که روز دیگر
مر ترا بعد از من نباشد و نیست هیچ شبی از شبها که میگوید ای فرزند
آدم غنیمت دار مرا شاید که بعد از من شب دیگر نباشد ترا از تفسیر
مغنی درخبر آمده است که چون مومن از گور برانگیخته شود نیکیهای وی را

بصورت حسن گردانند آن صورت گوید او را که متاع من باش بنده ام از پس
او میرود تا او را به بهشت برد وکارهای بد و افعال زشت کافر را بصورت
با هیبت گردانند او را نیز همچنین بدوزخ برد ایضا رسول علیه السلام
گفت که خدای تعالی فرمود ای بندهٔ من آفریدم ترا تا تو مرا پرستی و یکی دانی
و امید از من داری من آمرزگار توم تو هرچه داری در حضرت ما قبول هست
واگر درویش من آیی و روی زمین پر گناه آری من آمرزش بیش از تو دارم
بعد از آن که با من شرک نیاورده باشی مرویست که عیسی پیغامبر علیه السلام در سایه
دیواری خفته بود عورتی آمد و بانگ زد و بیدار کرد گفت برخیز از ین
سایه که وقت طاعت آمد عیسی علیه السلام برخاست و در آفتاب نشست
و می گریست آن زن عذر گفتن گرفت عیسی علیه السلام گفت من از آن نمی
گریم که تو بر من بانگ زدی و بیدار کردی لیکن از لطف پروردگار خود میگریم
که مرا نگذاشت غافل از طاعت خود و ترا امر کرد تا مرا بیدار کردی از
خالصة الحقایق آورده اند که مردی ابن سماک را رحمة الله علیه گفت که مرا
وصیتی کن گفت وصیت میکنم ترا بسه چیز که آن بهترست مر ترا از هزار
حدیث نوشته ام اول مشغول باشی بفراغ دل بخدمت پروردگار عالم
جل جلاله تا مشغول شوند مردمان بخدمت تو دوم دور کن طمع خود را
از خلق تا مردمان عداوت را از تو دور کنند سیوم نگاه دار خلق خوب خود را
تا نجات یابی از خشم خدای تعالی سفیان ثوری را رحمة الله علیه گفتند کدام چیز

عجب تو هست نزدیک تو گفت این عجب تر است از مردی که خدای عز و جل را می شناسد
و او را طاعت نمیکند مرویست که حق تعالی در توریت گفته است که ای فرزند
آدم بدان بدرستی که تو هرگز امید بهشت نداری مگر بصبر کردن بر طاعت
و هرگز نجات از آتش نداری مگر بصبر از معصیت بس هر که صبر کند
از معصیت نجات دهم او را از آتش مقاتل بن سلیمان رحمة الله علیه گفت
که در توریت یافته ام که خدای تعالی گفته است ای فرزند آدم اگر امید از رحمت
من داری بس لازم گیر طاعت مرا و اگر میترسی از عذاب من بس پرهیز
کن از بی فرمانی من تا در آخرت کرامت و فضل مرا یابی از تفسیر منیر
پیغامبر علیه السلام فرموده اند که حق تعالی در شب معراج مرا گفت یا محمد
کفارات چیست من باالهام ربانی جواب دادم و گفتم گزاردن قدمها ست
بسوی جماعتها و چشم داشتن نماز ست از پس نماز و بآب سرد آبدست
تمام کردن ایزد تعالی گفت راست گفتی ای محمد بس گفت درجات
چیست گفت بارخدایا درجات آنست که سلام را آشکارا کردن و مردمان را طعام
دادن و نماز شب گزاردن بس گفت راستی گفتی یا محمد بس گفت منجیات
چیست من باالهام گفتم در نهان و آشکارا از خدای تعالی ترسیدن و میانه
بودن در حال توانگری و درویشی و حق گفتن در حال خوشنودی و خشمگینی
بس گفت راست گفتی ای محمد بس گفت موبقات چیست من باالهام
گفتم در بخیلی و فرمان کردن هوا و برای خود معجب بودن گفت راست گفتی یا محمد

بس

بس بر سان این جمله را با امت خود نقلست که حبیب عجمی رحمة الله علیه
عادت داشت که چون از شب یک پاس یا دو پاس بگذشتی عورتی خود را گفتی یا عیاله
برخیز تا راه آخرت قطع کنیم بدرستی که قافله گذشت و سفری بعید و توشه
اندک آورده اند که سفیان ثوری رحمة الله علیه چون شب طعام سیر
خوردی با نفس خود گفتی که ای نفس اگر چهار پا را علف زیاده داده شود
او را کار هم زیادت شود شب تمام را تا صبح بقیام آخر کردی وهب بن
منبه رضی الله عنه گفت در توریت یافته ام که خدای تعالی فرموده است که ای
فرزند آدم منم آنکه مرا ست عزت و نیست زوال مر عزت مرا بس بشتاب
و مرا عبادت کن تا عطا کنم ترا عزتی که آنرا هرگز زوال نباشد ای فرزند
آدم منم آنکه مرا ست ملک و پادشاهی و نیست زوال ملک مرا بس بشتاب
و مرا عبادت کن تا عطا کنم ترا ملکی که آنرا زوال نباشد منم آنکه موت را آفریدم
و موت در دنیا بد مرا بس بشتاب و مرا عبادت کن تا عطا کنم ترا حیاتی که در دنیا
ترا هرگز موت والله الهادی ذکر ترک آوردن و تاخیر داشتن نماز
از تفسیر مغنی آورده اند که ابلیس علیه اللعنه در زمان پیشین در میان خلق
خود را پیدا کردی و آشکارا نمودی مردی ابلیس را دید و گفت چکنم که من
همچو تو شوم ابلیس گفت وای بر تو این چه آرزو ست که میکنی هیچکس
از من این مراد نخواسته است چگونه است که تو از من این میطلبی آن مرد گفت
من دوست میدارم که همچون تو شوم ابلیس علیه اللعنه گفت و یرا اگر میطلبی که مثل من

شوی دو چیز اختیار کن یکی آنک نماز را خوار مدار و دیگر از خوردن سوگند
دروغ و راست هیچ باک مدار و سوگند خوردن عادت کن پس آن مرد
گفت من عهد کردم با خدای عز و جل که نماز را ترک نکنم و هم هرگز سوگند
نخورم ابلیس گفت هیچ کس مرا چنین خراب و فضیحت نکرد که تو کردی
از خالصة الحقایق امیر المومنین علی رضی الله عنه گفت هر که بانگ
نماز شنود و اجابت نکند یعنی نماز نگزارد بغیر عذر او مسلمان نیست
و هر که ترک جماعت گیرد و در بدعت افتد خدای تعالی برکت را از نفس و مال
وی بیرون آرد **از تفسیر مغنی** رسول علیه السلام گفت هر که ترک آرد
نماز را تا از وقت در گذرد و آنرا قضا کند در غیر وقت خدای تعالی عذاب
کند این بنده را بسبب این خصلت یک حقب در دوزخ و در لغت حقب هشتاد
سال را گویند هر سالی سیصد و شصت روز و هر روزی هزار سال این دنیا
رسول علیه السلام فرمود هر که بکشد هفتاد هزار ولی را از اولیای
خدای تعالی و بسوزد هفتاد هزار مصحف را و زنا کند به هفتاد هزار دختر
بکری بکشد هفتاد هزار فرشتهٔ مقرب را پس این کس برحمت خدای
تعالی نزدیکتر باشد از آن کس که ترک کند نماز را از وقت بی هیچ عذری
از سالک السلوک روزی شخصی پیش حضرت رسالت صلی الله علیه وسلم
آمد و گفت یا رسول الله هر چند چیزی بیشتر میجویم گرسنه تر میشوم
پیغامبر علیه السلام گفتند مگر تو نماز نمیگزاری گفت یا رسول الله میگزارم

گفتند

گفتند که اهل و عیال تو میگزارند گفت بلی یا رسول الله میگزارند و ایشان
از من نماز گزارنده تر اند رسول علیه السلام در تعجب ماند و گفت در خانهٔ
که نماز گزارند در آن خانه درویشی و فقر و فاقه چه کند فرمان آمد که وقتی
بی نمازی از اینجا میگذشت در خانهٔ این شخص باز بود نظر آن بی نماز
در خانهٔ این مرد افتاد و چهل سالست که برکت را از خانه واده او برگرفته اند
از شومی آن بی نماز **از خواجه ابو حفص کبیر بخاری** رحمة الله علیه
سوال کردند که کسی که نماز نگزارد مسلمان باشد یا نی گفت نظر کردم در
جملهٔ کتابها و جمیع قرآن که بیابم این حجت را که کسی که نماز نگزارد مسلمان
باشد نیافتم **از تفسیر مغنی** پیغامبر علیه السلام گفت چون بندهٔ مومن
پنج وقت نماز گزارد بوقت و حق آنرا نگاه دارد همیشه بر عهد خدای
عز و جل باشد و هر که نماز را نگزارد و ترک کند و کار دنیا را بر نماز برگزیند
خدای تعالی از عهد او بیزار باشد **مرویست که** یحیی پیغامبر را علیه السلام
کودکان گفتند بیرون آی تا بازی کنیم و او چهار ساله بود گفت من
از برای بازی آفریده نشده ام مرا بگذارید که عمل آخرت کنم و درجه حاصل
کنم **ذکر وسواس و غفلت در نماز از خالصة الحقایق** آورده اند که مردی
پرسید بزرگی را از بزرگان دین که این چه حکمت است سلف که بوده اند چون
از نماز و طاعات دیگر فارغ می شدند بر آن ترسان می بودند که آن
قبول شده است یا نی و ما در این زمان بر آن خوش وقت می شویم و خوف

نداریم

آن بنده ک گفت بدانک سلف عمل منکر دند عمل بنده کان مطیع مر مولی عز وجل راست
و ما عملی میکنیم عمل مکروه جون از مکروه اکراه برود دل وی بدان خوش میشود
در خبرست که جون وقت نماز میرسد ابلیس علیه اللعنه لشکرهای خود را
میکوید که متفرق شوید و بروید و مردمان را از نماز باز دارید و مشغول کنید
بکارهای دنیا پس این شیاطین پریشان میشوند دیوی می آید سوی کسی که
میخواهد که نماز گزارد او را مشغول میکند بکارهای دنیا تا تاخیر کند نماز را
واز وقت ببرد و اگر این نتواند او را وسوسه کند تا رکوع و سجود و قرائت
و دعا و تسبیح را تمام نیارد و اگر این هم نتواند دل او را در نماز مشغول کند
تا بغفلت گزارد و اگر برین هیچ کدام قدرت نیابد شیطان باز گردد کور و خجل
شده پس لازم بود مومن را که شناسد افعال شیطان را و از آن فعل اجتناب
نماید و توکل کند بخدای عز وجل در کل احوال و هر که خواهد که از شر شیطان
و از وسواس او ایمن گردد ساعةً فساعةً بخدای عز وجل پناه جوید
و گوید اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِکَ مِنْ شَرِّ نَفْسِیْ وَمِنْ شَرِّ الشَّیْطٰنِ وَوَسْوَاسِهٖ
از وسواس او ایمن شود بقدرت خدای عز وجل از تفسیر مغنی در حدیث
آمده است که هر که وضوء کند و وضوء تمام کند و نماز گزارد و رکوع و سجود تمام
و قرائت را بخضوع دل خواند آن نماز او را گوید خدای تعالی ترا نگاه دارد
چنانک تو مرا نگاه داشتی پس بالا رود آن نماز بسوی آسمان و مر او را
روشنایی و نور باشد پس گشاده شود مر او را درهای آسمان پس آن نماز

درود و در حضرت عزت شفاعت کند مر صاحب خود را و اگر کسی نماز را ضایع کرده
باشد و رکوع و سجود تمام نیاورده باشد و قرائت تمام نیاورده باشد
پس بگوید آن نماز که ضایع کند خدای تعالی ترا چنانک ضایع کردی مرا
پس برود بسوی آسمان تاریک و سیاه آن نماز چون بآسمان رسد
درهای آسمان بروی بسته شود پس پیچیده شود آن نماز را چنانک
جامهٔ کهنه را بپیچند و زده شود بر روی او از کفایهٔ شعبی در خبر آمده
است که سه چیز وزنی و قدری ندارد نزدیک حق تعالی مقدار پر پشه اول
نماز بعادت گزاردن و دوم ذکر بغفلت گفتن سیوم درود گفتن بر رسول
علیه السلام بی عزت و حرمت از تفسیر مغنی رسول علیه السلام فرمود که
چون بنده از برای نماز برخیزد و بنماز شروع کند حجاب از میان دور
شود بدرستی که بنده در نماز در پیش نظر رحمانست پس چون بنده در نماز
بسوی دیگر نگرد پروردگار عالمیان گوید مر او را که سوی من می نگری کیست
که او بهتر از منست ترا ای فرزند آدم بسوی حضرت من بیا بدرستی که من
بهترم ترا از آنک می نگری بسوی او پس چون بنده کرت دوم هم مثل این نگرد
از حق تعالی فرمان رسد چون کرت سیوم نگرد باز همین خطاب رسد چون
کرت چهارم نگرد حق عز وجل اعراض کند از وی نعوذ بالله منها از تفسیر منیر
در حدیث آمده است که دیوی است که او را متقاضی گویند ابلیس علیه اللعنه
او را گماشته است تا هر وقتی که طاعت کنند گرد ایشان در آید و تقاضا
میکند

و وسواس میکند تا آن طاعت نهانی را در پیش کسی گوید و اظهار عبودیت کند
تا آن همه عمل او حبط گردد و تباه شود **از تفسیر مغنی** در بیان آیت قد
أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَوٰتِهِمْ خَاشِعُونَ مذکور است عبد الله
عباس رضی الله عنهما گفت که خاشع در نماز آنکس بود که چپ و راست
نظر نکند سعید بن جبیر رضی الله عنه گفت چهل سال است که نماز میکنم
ندیده ام که بر راست من که بوده است و بر دست چپ که معاذ جبل رضی الله
عنه گفت هر که از عمدا ببیند که بر چپ و راست وی کیست او را نماز نیست
از تفسیر منیر آورده است که مردی در نماز با ریش خود بازی میکرد پیغامبر
علیه السلام گفتند اگر این مرد را دل او خاشع بودی اندام او نیز خاشع گشتی
خواجه حسن بصری رحمة الله علیه گفت بسی صد مرد را دیدم از صحابه
رسول علیه السلام از آن جمله هفتاد تن از بدریان بودند یعنی در حرب
بدر با پیغامبر علیه السلام بودند شبها نماز گزاردندی تا وقت سحر
آنگاه گریستن گرفتندی و گفتندی که خداوندا بعز و جلالت از ما
قبول کن این طاعات بنقصان ما را شیخ حسن رحمة الله علیه گفت
پرسیدم که شما چندین زاری چرا میکنید گفتند از بیم آنک ناگاه حضرت
عزت طاعات ما را قبول نکند و ما مضطر و عاجز بمانیم **مرویست**
از عایشه صدیقه رضی الله عنها که گفت پرسیدم از رسول صلی الله علیه وسلم
از تفسیر این آیت که وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ الآیه

یعنی

یعنی آنکسان که میکنند و دلهای ایشان می ترسند گفتم یا رسول الله
این طایفه گناه کاران باشند که گناه میکنند و از خدای عز و جل میترسند
گفت نی یا عایشه بدانک خایفان و خاشعان آن کسان باشند که نماز
میکنند و زکوة میدهند و روزه میدارند و با وجود این همه می ترسند
که حق عز و جل ناگاه قبول نکند **مسئله چهارم** آنست که ابلیس علیه اللعنه
گفت ای مهتر خضر علیه السلام بدانک گناهان کبیره چون ترک کردن
نماز فریضه است و محرمات شرع و دیگر گناهان بدانک من بر دل بنده
آسان گردانم و سبک کنم و او را بلذات و شهوات ترغیب کنم تا در نهان
فساد کند و در آشکار بر مردمان خود را مصلح و پارسا و زاهد نماید
و او بپندارد که مسلمانم و نزدیک خدای عز و جل منافق باشد و غرض
از وی حاصل آید نعوذ بالله منها مهتر خضر علیه السلام میگوید این
دوازده مسئله را که ابلیس با من گفته بود بحضرت پیغامبر صلی الله علیه
وسلم گفتم چون این سخن شنید اول گریست بعد از آن هر یک مسئله را
علاج فرمود **جواب** این مسئله را پیغامبر صلی الله علیه وسلم چنین گفت
یا خضر علاج آنست که چون بنده خود را درین حال یابد باید که کلمه توحید
را بسیار گوید و این دعا را بسیار بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّكِّ
وَالنِّفَاقِ وَمِنْ غَلَبَةِ الشَّقَاوَةِ عَلَى السَّعَادَةِ بِحَقِّ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ اَرْسَلَهُ بِالْهُدٰى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ
وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

مسئلهٔ پنجم آنست که شیطان گفت زاهدان و عابدان را در دریاهای گناه
انداختم و وسوسه کنم که هر طاعت و عبادتی که میکنی چنان کن که خلق دانند
تا مردمان ترا بچشم تعظیم نگرند و صدقه چنان ده که مردمان ترا جوان
مرد خوانند تا چنان شود باهستگی که همه عمل او ریا شود و رضای خدای
تعالی را بخوش آمد نفس بدل کند و در پیش مردمان نماز را بحضور دل
گزارد و قراءت را دراز خواند و در رکوع و سجود تسبیحات را تمام بجای آرد
و در خلوت نماز را زود زود گزارد و ارکان نماز را بتمامی بجای نیارد از
شومیٔ ریا و بدبختی و خذلان او را در یابد و همه طاعات او حبط شود
نعوذ بالله منها جواب رسول صلی الله علیه و سلم چون این کلمات
شنیدند فرمودند نعوذ بالله من الشّرک الخفیّ گفتند یا رسول الله شرک
خفی چیست گفتند شرک خفی ریاست پس فرمود که علاج وی آنست
که چون بنده حال خود را بدین صفت یابد باید که کلمهٔ تمجید را بسیار
گوید و این دعا را بخواند که اللّهمّ احفظنا و لا تفضحنا و اعصمنا من
الرّیاء و متابعة الهوی و وفّقنا بطاعتک خالصة لمرضاتک یا ارحم
الرّاحمین مسئله ششم آنست که ابلیس علیه اللعنه گفت ای مهتر
خضر بدانک بوقت گزاردن نماز فریضه بسینهٔ او در آیم و دلش را بکار
های دنیا پریشان کنم تا از حضرت حضور نماز باز ماند و نماز او
فوت شود بسهو و لغو افتد و چنان بود که در آن نماز وی را هیچ ثواب

نباشد

نباشد و رکوع و سجود را تمام بجای نیارد غافل وار در نماز در آید و غافل
وار بیرون آید او پندارد که از عهدهٔ نماز بیرون آمدم و نداند که
نماز همچنان در گردن او مانده است فردای قیامت در وادی ویل در
دوزخ با من یکجا باشد نعوذ بالله منها جواب رسول علیه السلام
فرمودند یا خضر علاج او آنست که مصلی پیش از تکبیر سه بار کلمهٔ تمجید
گوید و سورهٔ قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ النَّاس را بخواند و این دعا را نیز بخواند اَللّٰهُمَّ
اِنِّی اَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ الشَّیْطَانِ الَّذِی یُوَسْوِسُ فِی الصَّلٰوةِ اَللّٰهُمَّ اَللّٰهُمَّ
قَهِّرْهُ بِسُلْطَانِکَ سُلْطَانُهُ عَلَیَّ حَتّٰی اَفُوزَ بِنَجَاتِکَ وَاَنْتَ تُنْجِی الْمُؤْمِنِینَ
یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ در خبرست که شیطان بخدمت پیغامبر علیه السلام
آمد بفرمان حضرت عزت و رسول علیه السلام از وی چیزهای می پرسیدند
او جواب میگفت و افعال خود را بیان میکرد و میگفت یا رسول الله بدانک
اگر یکی از امتان تو قصد نماز کند و خواهد تا نماز را در وقت گزارد من
بروی موکل کنم شیطانی را که بگوید وقت هنوز دورست او را بهر نوع مشغولی
پیش خاطر او آرد تا وقت نماز گذرد و اگر بدین باز نماند کسی را از فرزندان
آدم بروی گمارم تا او را مشغول بکلام دنیا و بیع و شرا و بسببی از اسباب
چون آخر وقت نماز شود بیاید و نماز گزارد چنانک مرغ دانه چیند رکوع
و سجود را تمام نیارد پس رد کند خدای تعالی نماز او را بدو روز قیامت
و باز زنند بر روی او مگر آنک روز قیامت خدای تعالی او را توبه دهد که توبه

محو کنندهٔ جملهٔ گناهانست

تعالی

از تفسیر منیر درخبر آمده است که زایل نشود قدمهای بنده از پیش خداوند روز قیامت تا پرسیده نشود او را از پنج خصلت اول از جوانی پرسند که
همه عمر خود را بچه صرف کردی و از عمر پرسند که در کدام کار کذرانیدی و از
مال پرسند که از کجا کسب کردی و از نفقه پرسند که این مال را در کدام محل
خرج کردی و از علم پرسند که چه عمل کردی بدانچه دانستی والله اعلم واحکم

ذکر آداب نماز در شرح اوراد مذکور است که آداب نماز اینست که
بوقت برخاستن در نماز بر هر دو ساق تکیه نکند یعنی هر دو دست را
بر زمین ننهد و نه برخیزد دوم آداب آنست که راست دارد هر دو
قدم را مقابل قبله و باید که فرجه میان دو قدم چهار انکشت کذارد و دیکر
بیرون آرد دستها را از آستین نزدیک کفتن تکبیر سوم دیکر سر را در قیام پیش نه
افکند چنانک زنخ بسینه رسد و نظر در قیام بموضع سجود و نظر کردن
بر پشت پای در حالت رکوع و نظر کردن بر نوک بینی در حالت سجده
و نظر کردن در کنار خود در حالت قعده و دیکر پوشیدن دهان نزدیک فازه
آمدن و دفع کردن سرفه تا آن مقدار که تواند و حد نظر کردن در سلام
اول بسوی کتف راست و نظر کردن در سلام دوم بسوی کتف چپ و بر
خاستن امام چون موذن علی الفلاح کوید و شروع کردن امام
بنماز فریضه چون موذن قد قامت الصلوة کوید انس بن مالک
رضی الله عنه کفت که ادب در عمل علامت قبول عمل است شیخ عبدالله

مبارک رحمة الله علیه کفت هر که خود دارد ادب را او را عقوبت کرده شود بحرمان
معرفت حق عز وجل نعوذ بالله منها ذکر صفت نماز علما کفته اند که مصلی را
احتیاجست در دو رکعت نماز بدوازده مسئله هر که این را نداند او را نماز
جایز نیست از برای آنک این دوازده مسئله را از دوازده هزار مسئله استنباط
و استخراج کرده اند همه ارکان و افعال طهارت نماز بدان تمام میشود اول
آن علم است و تمام علم سه چیزست حلال را از حرام دانستن و فریضه را از سنت
فرق کردن دوم وقت است و تمام وقت بسه چیزست مهیا بودن مر وقت را
و انتظار زوال وقت بودن و شنیدن بانک نماز سیوم وضوست و تمام
وضو بسه چیزست رسانیدن آب بمواضع فریضه و اداء سنت و فضایل
با فریضه کردن و پاک کردانیدن باطن را بنور معرفت چنانک پاک میکند ظاهر
را باب چهارم جامه پاک است و تمام او بسه چیزست اصل او از حلال باشد
و دوختن او بشکل بود و پوشیدن او با خلاص باشد پنجم معرفت
قبله است و تمام او بسه چیزست اول داند که کعبه مومنانست هر کرا در نماز
روی او از سمت کعبه بکردد نماز او فساد پذیرد و هر کرا دل او از راه حق
بکردد دین او فساد پذیرد دوم باید که مصلی نیت کند بیت را و مقام را و
نیت نکرد نمازش روا نباشد لقوله تعالی فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ
سیوم داند که پیغامبر علیه السلام امام مسلمانست و همچنین اعتقاد کند
که ایستاده است در مقام ابراهیم علیه السلام ششم نیت است لقوله علیه السلام

تکبیر

نیت را

الاعمال بالنیات و تمام او سه چیز ست بدانک این کدام نماز ست فریضه است
یا سنت و دیگر داند که مرا بدین امر کرده اند تا نمیگذارم از گردن ساقط نمی شود
سیوم بداند که پیش ایستاده شده است و مقتدا ست **هفتم** تکبیر ست
و تمام او سه چیز ست اول فراغ از شغل دنیا و برداشتن دستها در تکبیر
اولی و سیوم نظر کردن سوی موضع سجود در حالت قیام **هشتم** قرائت ست
و تمام او سه چیز ست اول سورهٔ از قرآن بخواند آنچه را که آسان تر باشد
بروی و دیگر بترتیل بخواند و سیوم فاتحه خواند با سه آیت کوتاه **نهم**
رکوع ست و تمام او سه چیز ست برابر داشتن پشت و گردن را و نهادن
هر دو کف دست و کردن و نهادن هر دو کف زانو و برابر داشتن هر دو
دست و هر دو پای مقابل قبله و سه بار سبحان ربی العظیم گفتن **دهم**
سجود ست و تمام او سه چیز ست اول زانوها را بر زمین نهادن بس
دستها را بس پیشانی با بینی نهادن بر زمین سیوم سه بار سبحان
ربی الاعلی گفتن **یازدهم** خواندن التحیات لله ست و تمام او سه چیز
ست نشستن بر پای چپ و بالا داشتن پای راست و خواندن التحیات
لله تا عبده و رسوله سیوم سلام گفتن بسنت و نیت کردن ملائکه را
و امام را و جملهٔ اهل طاعات را **دوازدهم** اخلاص است و تمام او سه چیز
ست چون مصلی تنها باشد نماز را نیکو گذارد چنانک در نظر مردم گذارد
و با مردمان چنان نگذارد که در خلوت گذارد سیوم نیت کردن نمازی که بعد

ازین

ازین بگذارم بهتر ازین گذارم بس این وضوء تمام و نماز تمام است چنانک
حق تعالی در کلام مجید خود فرموده است فَأَقِمِ الصَّلٰوةَ إِنَّ الصَّلٰوةَ تَنْهَىٰ
عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ **و بدانک** این چنین نماز نماز با مواصلت است
هر کرا نماز او باز دارد از فحش و منکر پس آن نماز مر وی را مواصلت است
و هر کرا باز ندارد از فحش و منکر آن نماز مر او را بعد ست قرب نیست
والله اعلم **از صلوة مسعودی** چون آدم صفی را صلوات الله علیه از
بهشت بدنیا آورده اند آدم علیه السلام در بهشت شب ندیده بود هوا
تاریک شد ازان اندیشه مند گشت چون صبح دمید او را معلوم شد
که این شب و روز دمرکب است روشنه و آینده شکرانهٔ این دو حال را
دو رکعت نماز کرد آن بر ما فریضه شد آن دو رکعت نماز بامداد ست
دیگر پدر ملت ابراهیم خلیل صلوات الرحمن علیه چون بخواب دید
کفتند فرزندت قربان کن آن قصه مشهور ست و در کتب مسطور
بعد ازان خداوند عز و جل فدا فرستاد و از خوف منجنیق و آتش
نمرود نجات یافت و خلیل رب جلیل شکرانهٔ آن چهار رکعت نماز
گذارد بر ما فریضه شد پیشین **دیگر** یونس پیغامبر علیه السلام چون
از خوف زلت و ظلمت دریا و از شکم ماهی نجات یافت گفت و بشارت
ایمان قوم خویش شنید شکرانهٔ این چهار حالت را چهار رکعت نماز
گذارد بر ما فریضه شد چهار رکعت نماز دیگر **دیگر عیسی پیغامبر**
علیه السلام

فریضه شد چها

شکرانه آنرا که من بنده ام و پیغامبر مرسل و مادر من بنده هست و پیغامبر نی
نی و خداوند عز و جل مرا از گفتن ثالث ثلاثه که ترسایان گفتند نگاه داشت
سه رکعت نماز گزارد بر ما فریضه شد سه رکعت نماز شام **دیگر موسی**
کلیم صلوات الله علیه از مداین بمصر میرفت و صفورا را که خاتون موسی
پیغامبر بود درد ولادت گرفته بود و هوا تاریک شده و ابر باریدن گرفت
و برق جستن و رعد غریدن گرفت و گرگ در رمه افتاد هر چند موسی
سنگ را بر آهن زد آتش پدید نیامد موسی صلوات الله علیه بر طور سینا
نوری دید بلند شد که نار ست قدم زد از انجا که وی بود تا آنجا سی صد
فرسنگ بود خدای عز و جل در ساعتی او را بدانجا رسانید چون کلام حق
تعالی شنید از انجا باز گشت با شارت پیغامبری هوا را صاف شده و گرگ
از رمه بیرون رفته و صفورا را بار نهاده شکرانه این چهار حالت را
چهار رکعت نماز گزارد بر ما فریضه شد چهار رکعت نماز خفتن **دیگر**
چون رسول علیه السلام از معراج باز آمد فرمود که خدای عز و جل
نمازی بر شما زیادت گردانید و آن نماز وتر ست و وقت وی بعد
از نماز خفتن هست تا صبح دم و بدانک وتر طاق را گویند و خداوند عز
و جل طاق هست و طاق را دوست میدارد چون بنده مومن بقیامت
سر از خاک تیره بر دارد براقی بیند نورانی بر سر خاک وی ایستاده
و میگوید که بر من نشین زیرا که من ثواب نماز بامداد توام بروی بر

نشیند

نشیند او می بردش تا بنزدیک آدم صفی صلوات الله علیه از انجا براقی
دیگر پیش آید همچنان نورانی گوید بر من نشین که من ثواب نماز پیشین
توام بروی نشیند او می بردش تا بنزدیک پدر ملت ابراهیم خلیل علیه السلام
از انجا براقی دیگر پیش آیدش همچنان نورانی گوید بر من نشین که من ثواب
نماز دیگر توام بروی نشیند می بردش تا بنزدیک یونس پیغامبر علیه السلام
از انجا براقی دیگر پیش آیدش همچنان نورانی گوید بر من نشین که من ثواب
نماز شام توام بروی نشیند وی می بردش بنزدیک عیسی پیغامبر علیه السلام
از انجا براقی دیگر پیش آیدش همچنان نورانی گوید بر من نشین که من ثواب
نماز خفتن توام وی می بردش تا بنزدیک موسی پیغامبر صلوات الله علیه
از انجا براقی دیگر پیش آیدش همچنان نورانی گویدش بر من نشین که من
ثواب نماز وتر توام بروی نشیند می بردش تا بنزدیک محمد رسول الله
صلی الله علیه و سلم تا بمقام شفاعت **ایضا** از صلوة مسعودی بدانک
در وقت تکبیر اول دست بر آوردن سنت هست چون دست بر آورد
تا کجا برارد بر قول امام طاوس یمانی رحمة الله علیه زبر سر و بر قول
امام مالک رحمة الله علیه برابر سر و بر قول امام شافعی رحمة الله
علیه تا بکتف و بر قول علماء ما رحمهم الله تا نرمهٔ گوش امام اعظم ابو
حنیفه کوفی رحمة الله علیه گفته هست که حدیثی بمن رسیده هست مشهور
امید وار چنانک روز قیامت آمنا به و صدقنا بنده مومن بود که مستوجب

عذاب

معقوبت شده باشد فرشتکان عذاب ویرا سوي دوزخ می برند خطاب
حضرت عزت در رسد که اي فرشتکان دست از بندهٔ من بدارید که ویرا در خزانهٔ
ما طاعتی هست که وي ازان طاعت خبر ندارد دست ازان بنده بدارند چون
آن بنده نجات یابد مناجات کند که الهی او پروردکارا این چه طاعت بود که
مرا هیچ ازین خبر نیست خطاب مستطاب رب الارباب در رسد که بندهٔ
از بندکان ما در دایره دنیا نماز میکزارد و در وقت تکبیر اول دست را تا
کتف برآورد تو ویرا امر معروف کردی که دست را تا نرمهٔ کوش برآوردن
اولیتر بود دیکر بدانک سه جاي دست برهنه باید داشتن که سنت است
یکي در وقت تکبیر اول دوم در وقت مناجات سیوم در وقتي که دست خود را
در دست برادر مسلمان نهد امام ابو یوسف القاضی رحمة الله علیه می
کوید که من این سه سنت را اقامت کردم پروردکار عالم مرا سه چیز کرامت
کرد یکي آنک توانکر شدم دوم آنک عزیز شدم سیوم آنک مقتدای عالمیان
شدم در فواید و زواید خوجه امام ابو الحسن رستغفنی و خوجه امام
یحیی بشاغوی رحمهما الله آورده است که بسیار جهد کردیم تا دل خود را
در نماز حاضر یابیم نیافتیم مکر بچند خصلت یکی آنک طهارت را از نقصان
نکاه داشتیم و جامه را از نجاست الله ک نکاه داشتیم و زبان را از لهو
و غیبت نکاه داشتیم و در حال قیام چشم را بر جاي سجده نکاه داشتیم تا
دل خود را در نماز حاضر یافتیم هر که این خصلتها بجاي آرد خدای عز و جل

ایمانرا

ایمانرا بروي نکاه دارد مرویست که پیغامبر علیه السلام ابلیس را دید
کفت ای ملعون تو بچه کار ملعون شدي کفت بسه کار یکی آنک در سجده
چشم را پوشیده داشتمی و چون بقیام برخاستمی قدمها را بجای سجده نهادمی
و در قیام پای خود را بر بالاي پای داشتمی بشومی این سه عمل بود که
بسه خصلت کرفتار شدم بکبر و بخل و حسد از کبر این بود که انا خیر
در خود دیدم و از حسد آن بود که خواستم که آدم علیه السلام نبودي و از بخل
آن بود که باوردن یک سجده بخیلی کردم تا ملعون شدم مظفر دریا کفت از
مهتر خضر پرسیدم که در شبا روزي هفده رکعت نماز فریضه را حکمت چیست
کفت اي مظفر دریا بدانک حکمت آنست که در شبا روزي پانزده رکعت
نماز فرض است هشت در روز و هفت در شب بسبب هشت رکعت نماز
روز هشت در بهشت را بر تو کشایند و بهفت رکعت نماز شب هفت در دوزخ را
بر تو بسته کردانند و این جملهٔ نمازهاي چهار رکعت نماز پیشین است و چهار
رکعت نماز دیکر است و سه رکعت نماز شام است و چهار رکعت نماز خفتن
است ازان سبب که بهشت روشن است بامید وي هشت رکعت نماز در
روز روشن کزارد و ازان سبب که دوزخ تاریکیست از خوف وي هفت
رکعت نماز بتاریکیٔ شب کزار و ازان سبب که اکنون باقی ماند دو رکعت
نماز بامداد این نماز از شب است نه از روز و هم از شب است هم از روز
از روز نیست جرا که خورشید بر نیامده است و از شب نیست جرا که نماز

بامداد

را میتوان گزارد اما سعی نمی توان خورد این دو رکعت نماز از برای آنست که
حق تعالی بیک رکعت گناه روز را آمرزد و بیک رکعت گناه شب را آمرزد
از خالصة الحقایق سوال چیست در نماز بنده بی حضور دل جواب آمده است که
بدرستی که مردی نماز گزارد لیکن نه نویسند او را مگر ثواب نصفی از نماز
یا چهارم حصه یا پنجم حصه یا دهم حصه از نماز و این مرتبه بحضور دلست در
نماز و الله اعلم ذکر اخلاص از تفسیر مغنی پیغامبر علیه السلام فرموده است که
هر که عمل کند عملی از برای دنیا بس مر او را در آخرت نصیبی نباشد و این
سخن دلالت میکند که روا نباشد گرفتن اجره بر تعلیم قرآن و امامتی و بانگ
نماز و حج و جز آن زیرا که اجره گرفتن از حظ و عمل دنیاست ایضاً در
حدیث است که چون روز قیامت شود امت مرا سه گروه گردانند یک
گروه آن طایفه باشند که عبادت کرده باشند خدای تعالی را باخلاص و دوم
گروه آن طایفه باشند که عبادت کرده باشند خدای تعالی را بریا و سمعه و
سیوم گروه آن طایفه باشند که عبادت کرده باشند خدای تعالی را از برای
حضور دنیا بس خدای تعالی فرمان کند و بگوید آن طایفه را که عبادت
کرده باشند از برای دنیا که چگونه عبادت کردید مرا ایشان گویند الها
و پروردگارا تو دانا تری که مقصود ما دنیا بود خطاب حضرت عزت در رسد که
هر چه خواستید شما رسید در دنیا بس ایشانرا سوی دوزخ روان کنند
آنگاه خطاب کند حق عز و جل که آن طایفه را که عبادت کرده اند بریا و سمعه

گوید

گوید چگونه عبادت کردید مرا گویند خدایا تو دانا تری که ما بریا عمل کردیم
خدای تعالی فرمان کند که ایشانرا نیز سوی دوزخ برید بعد از این
خطاب کند آن طایفه را که عبادت خالص از برای حق عز و جل کرده اند
فرمان کند که چه خواستید بعبادت من گویند الهی تو میدانی که نیت
ما و عقیدت ما چه بوده است عبادت خالص از برای تو کردیم بس حق
تعالی خطاب کند که راست گفتید ای مومنان ایشانرا سوی بهشت روان
کنند آورده اند که مردی نیم شب بیدار شد دو رکعت نماز تهجد گزارد
برخاست تا دو رکعت دیگر گزارد مردی نزدیک وی گذشت این مصلی را در
خاطر خوش آمد که این مرد مرا در خدمت مولی دید نماز را تمام کرد
و در خواب شد بخواب دید که وی را میگویند این دو رکعت نماز که تو کردی
شایستهٔ حضرت ما نیست شایستهٔ حضرت ما عملی است که خالص از برای
ما باشد و خالی از ریا باشد از تفسیر مغنی پیغامبر علیه السلام فرموده اند
که از جبرئیل علیه السلام پرسیدم که اخلاص چیست جبرئیل گفت من از پر
وردگار عالم سوال کردم که اخلاص چیست ایزد تعالی فرمود اخلاص سریست
از اسرار من که آنرا ودیعت نهاده ام در دل بنده کان برگزیده خود رسول
علیه السلام فرموده اند که ای فرزند آدم الاخلاص الاخلاص یعنی اخلاص
را لازم گیر بدرستی که بنده روز قیامت نجات نیابد مگر باخلاص در خبر
آمده است که همه مردمان مرده کانند مگر عالمان و عالمان خفتگانند

و عاملان همه غافلانند مگر مخلصان و مخلصان در خطر عظیم اند و مخلص
کسی هست که نیست در ایمان او هیچ نقصانی و شکی و در عملی او ریایی و عجبی
شیخ فضیل رحمة الله علیه گفت ترک عمل از جهت مردمان ریاست و عمل
از جهت مردمان شرکست و اخلاص اینست که بنده را از هر دو در عصمت
خدای تعالی دارد خواجه ابو الحسن بوسنجی رحمة الله علیه گفت که اخلاص سریست
که فرشتگان آنرا نتوانند نوشت و شیطان آنرا ابطال نتواند کرد و نفس
و مردمانرا در آن اطلاع نیست بزرگی گفته است که بدرستی که من شرم میدارم
از پروردگار خود که او را عبادت کنم از خوف دوزخ پس من بنده باشم
بغایت بد اگر ترسانیدم کاری کنم و اگر نترسانیدم نکنم و بدرستی که من شرم
میدارم از پروردگار خود که عبادت کنم او را از امید بهشت پس من
اجیر بد باشم اگر اجره دهند عمل کنم و اگر ندهند نکنم نعوذ بالله منها
فصل دوم در فضیلت صف اول از کفایهٔ شعبی مرویست که مردی
بخدمت رسول علیه السلام آمد و گفت یا رسول الله مرا عملی بگوی که بآن
آن در بهشت روم رسول علیه السلام فرمود که امامت کن و اگر نتوانی
موذنی کن و اگر این را هم نتوانی در صف اول نمازگزار در قفای امام یا بر
دست راست امام در فتاوی نسفی مذکورست که صف اول افضل است از
صف دوم و صف دوم افضلست از صف سیوم و علی هذا الی آخره در خبرست که
رحمت حق تعالی اول بر امام فرود می آید پس از آن بر تمام صف اول پس

درصف

درصف دوم و سیوم تا آخر پس واجب بود بنده را که در صف اول نشیند تا
بعد از امام رحمت بر وی فرود آید در تهذیب آورده است که اولیتر
مقام در صف اول نزدیک امام است در پس امام و راستای امام اگر کسی
در صف اول فرجه نیابد در صف دوم ایستد از مضمرات اگر کسی در صف
اول فرجه یابد پاره کند صف دوم را و در صف اول گیرد و این درجه را
بگیرد زیرا که حرمت و عزت نیست صف دوم را مقدار صف اول بسبب
تقصیر ایشان که فرجهٔ صف اول را گذاشته اند از عوارف هر که ترک
آرد صف اول را از خوف آنکه جای تنگ شود بر مردمان و در صف دوم
ایستد بدهد خدای تعالی مر او را ثواب صف اول بی نقصان از تفسیر
زاهدی رسول علیه السلام فرمود که هر که ترک آرد صف اول را از خوف
آنکه ضرری بر مسلمانی نرسد و در صف دوم ایستد و سیوم بگذارد
بدهد او را خدای تعالی دو چندان ثواب صف اول از خلاصة الحقایق
مرویست از وهب بن منبه رضی الله عنه که گفت کعب احبار رضی الله
عنه در صف آخر نماز گزاردی سوال کردم که چرا چنین میکنی گفت من
در توریت یافته ام که از امت محمد صلی الله علیه و سلم مردانی باشند که
چون سجده کنند یکی از آن جمله سر بر نداشته باشد که حق تعالی بیامرزد
آنکس را که در عقب او باشد گفت بر نیت من در صف آخر می ایستم
تا باشد که کسی بود که پیش از من ایستاده بود بسبب سجده او آمرزیده شوم

از تفسیر منیر پیغامبر علیه السلام گفت سه چیزست که اگر بندگان دانند
که چه مقدار ثواب هست جز بقرعه با یکدیگر کار نکنند یکی بگاه رفتن بسوی
مسجد دوم بانگ نماز گفتن سیوم در صف اول ایستادن درخبرست که
هرکه فرجه را در صف ببندد خدای تعالی برای او در بهشت خانه برآرد و بدهد
مر او را درجه عالی از کفایه شعبی درخبرست که پنج قدم زدنست که کسی نداند
ثواب او را مگر خدای تعالی یکی آنکه قدم زند تا فرجه صف اول را ببندد دوم
آنکه قدم زند بطلب علم سیوم آنکه قدم زند از برای پیوستن رحم چهارم
آنکه قدم زند در غزات پنجم آنکه قدم زند از جهت اصلاح میان دو کس
بدرستی که ثواب این قدمها را کسی نداند مگر خدای تعالی درخبرست که فضل صف
اول بر سایر صفوف آنچنانست که فضل نبی بر سایر ناس رسول علیه السلام
فرموده اند بدرستی که بهترین صف مردان صف اول هست و بدترین ایشان صف
آخرین هست و بهترین صف زنان صف آخرین هست و بدترین ایشان
صف اولست ایضا مرویست که رسول صلی الله علیه وسلم فرموده اند که قومی
باشند از امت من که همیشه در آخرین صفها ایستند خدای تعالی ایشانرا در
دوزخ تاخیر دارد پس بسبب این خبر مستحب هست که از صفها کنار چون
ممکن باشد و ببندد فرجه را و این حکم در پنج نماز هست اما در نماز جنازه
مستحب هست که در صف آخر ایستند زیرا که صف آخر فضیلت دارد بر صف
اول درخبرست که هر که در صف اول در پس امام نشیند بنویسند او را ثواب

صد

صد نماز و هر که در صف اول برابر است امام ایستد بنویسند او را ثواب
هفتاد و پنج نماز و هر که در صفهای دیگر ایستد بنویسند او را ثواب بیست و
پنج نماز بدرستی که صف اول مرتبه دارد بیک شرط و آن اینست که طعام
او و لباس او از حلال باشد اما چون شکم او از حرام پر باشد پس او را
صف اول و آخر برابرست از خالصة الحقایق آورده اند که سعید بن
مسیب را رضی الله عنه هرگز نماز جماعت فوت نشده بود مدت چهل
سال در صف اول نماز گزارده بود روزی در مسجد درآمد کسی دیگر سابق شده
بود و مقام او را گرفته بسیار تاسف خورد ندایی شنید که ای سعید بن مسیب
همانجا قرار گیر و نماز گزار بدرستی که تو دریافتی ثواب صف اول را و اجر مصیبت را
و آمرزیده شدی از تفسیر منیر عبد الله عباس رضی الله عنهما گفت روزی
پیغامبر علیه السلام فرموده اند که خدای عز و جل با فرشتگان خود درود دهد
و رحمت کند بر آن کسان که در نماز در صف اول باشند مردمان چون این
وعده را شنیدند در صف اول رغبت کردند قومی را که خانها دور بود
گفتند که فروشیم و نزدیک مسجد خانه سازیم تا در صف اول جای گیریم از
حضرت حق عز و جل این خطاب آمد که ما آن خداییم که صف اول را می بینیم و
میدانیم و صف آخر را می بینیم و میدانیم ما بندگانرا مکافات بقدر
نیت ایشان میدهیم شیخ سفیان ثوری رحمة الله علیه گفت که صحابی
که در قدیم بوده اند اگر از ایشان نماز جماعت فوت شدی یک هفته تعزیت

داشتندی

و اگر تکبیر اول فوت شدی سه روز تعزیت داشتندی و اگر صف اول فوت
شدی یک روز تعزیت داشتندی از خالصة الحقایق سوال کیست از
اهل صف اول در مسجد جواب ابو سعید خدری رضی الله عنه گفت :
پیغامبر علیه السلام فرموده اند اول گروه که در آیند در مسجد ایشان از اهل صف
اول باشند اگرچه در صف اول نماز نکنند مرویست که رسول علیه السلام
از ابلیس علیه اللعنه پرسید که کیست که ترا میرنجاند گفت آنکس که در صف
اول نماز میگزارد از تفسیر منیر مرویست که رسول علیه السلام مردمان را
ثواب و فضیلت صف اول بیان میکردند قومی که خانها از مسجد دور داشتند
گفتند که خانها را فروشیم و نزدیک مسجد خانه گیریم تا صف اول را دریابیم پس
رسول علیه السلام فرموده که سوی مسجد می آید مر او را در هر قدمی چندین
نیکی می نویسند چندین و چندین درجه در بهشت بنام او می برارند چون مردمان
این حدیث شنیدند خانها را از مسجد دور خریدند تا بهر قدمی ثواب
بیشتر یابند رسول علیه السلام فرموده اند چون قسمت میکند خدای تعالی
رحمت را اول منزل میشود بر سر امام همچنانک ذکر کرده شد در نزدیکی
والله الهادی

فصل سیوم در فضیلت نماز جماعت

از خالصة الحقایق رسول صلی الله علیه فرموده اند که مرا امر کرد جبرئیل صلوات الله علیه
بنماز جماعت و ترغیب کرد مرا بدان یعنی چندان حدیث فرمود که من
ترسیدم که نماز قبول نیست مگر بجماعت از عبد الرحمن بن ام مکتوم

رضی الله

رضی الله عنه مرویست که او مردی بود نابینا بخدمت رسول صلی الله علیه وسلم
آمد و گفت یا رسول الله من مردی نابینا ام و میان من و میان مسجد شما
در اثنای راه درختان انبوه در هم پیچیده و مرا دست گشی نیست مرا رخصت
ده در نماز خفتن و نماز بامداد که در مسجد حاضر شوم رسول علیه السلام
فرموده اند که تو بانگ نماز می شنوی گفت آری می شنوم رسول علیه السلام
او را رخصت نکرد از فواید الفواد سخن در نماز جماعت افتاد در ان
باب شیخ علیه الرحمة نیک تأکید کرد که اگر دو کس باشند هم جماعت یابد
اگرچه دو کس جماعت نباشند اما ثواب جماعت باشد اما دو تن باید که
برابر ایستند در صلوة مسعودی آورده است که نماز جماعت گزاردن سنت
موکده است نا آوردن نشر معصیت و بدعت و ضلالت است و بر پای داشتن
جماعت سنن هدی و سبب سعادت است در روضه آورده است که نزدیک
شیخ داود طائی و امام احمد حنبل رحمهما الله نماز جماعت فریضه است اگر
کسی تنها گزارد نمازش روا نبود بقول ایشان از کفایهٔ شعبی علماء ما رحمهم الله
گفته اند اگر امام در رکوع باشد مرد محتشمی در آید و امام توقف کند در رکوع
تا او دریابد رکوع را بدرستی که امام کافر شود ولیکن امام نمیداند که وی
کیست پس اگر منتظر باشد تا او رکعتی را دریابد بعضی از مشایخ گفته اند
که مکروه است و بعضی گفته اند که مکروه نیست رسول علیه السلام فرموده اند که
هر که روان شود بسوی مسجد از برای طلب جماعت رضاء الله تعالی پس مر

او راست

بر قدمی از آمدن و رفتن ده نیکی و پاک شود از وی ده بدی ابوهریره رضی الله عنه
گفت که رسول علیه السلام فرمودند که تارک جماعت ملعونست در زبور
و ملعونست در توریت و انجیل و ملعونست در قرآن اگر این کس راه رود
بر روی زمین زمین بر وی لعنت کند روایت کرده عبد الله عباس
رضی الله عنهما از پیغامبر صلی الله علیه وسلم که مردی سوال کرد و گفت یا رسول
الله اگر مردی نماز شب قیام کند و روز روزه دارد و نماز را بجماعت حاضر
نشود حکمش چیست رسول علیه السلام فرمودند او در آتش باشد سفیان
ابن عیینه گفت مردی بود در کوفه از اغنیا بنماز جماعت حاضر نشدی وقتی
او مهمانی کرد و خلق را طلب کرد هیچکس بر وی حاضر نشدند و دعوت
او را اجابت نکردند گفتند ما دعوت کسی را اجابت نکنیم که او دعوت
خدای تعالی را اجابت نکند آورده اند که قبول نکنند خدای تعالی روز قیامت
عذر چهار کس را یکی مردی که بانگ نماز شنود و بجماعت حاضر نشود بی عذر
و دوم مردی که بر وی حج واجب شود و حج نکند سیوم کسی که بدست طعام
خوردن باشد و سایلی رسد و او از آن طعام ندهد چهارم کسی که وی را
منکری پیش آید و او تواند که منع کند و از آن باز دارد اما منع نکند عذر
این طایفه مقبول نیست از تفسیر منیر در فضیلت جماعت ابن عباس
رضی الله عنهما فرمود که از رسول علیه السلام شنیدیم که گفتند اگر شما بدانید که
در نماز جماعت چه چیزست یعنی چه تشریف و چه فضیلت است البته حاضر

شوید

شوید اگر چه بزانو باید خزیدن رسول علیه السلام فرمودند که اگر امام باشد
و دو تن دیگر باشند از پس او که نماز کنند حق تعالی فرماید فرشتگان را
که بنویسید در نامهٔ هر یکی از ایشان بهر رکعتی ثواب هزار رکعت نماز
و هزار شهرستان بنام او بنا کنند با هزار حور العین همچنین اگر سه تن
نماز گزارد دو هزار چهار تن سه هزار و به پنج تن چهار هزار علی هذا القیاس
چون ده تن شدند برافزایند و هر یکی را سی و شش هزار نویسند و سی و
شش هزار شهرستان بنا کنند و سی و شش هزار حور العین دهند
چون از ده زیادت شدند اگر همه دریاها مداد گردد و درختان قلم شوند
و همه آدمیان و پریان نویسنده گردند ثواب یک رکعت نماز ایشان را نتوانند
نوشت صحابه گفتند یا رسول الله زیادت کن تا خدای عز و جل شرف
تو را زیادت گرداند گفت بدان خدایی که تن و جان من در فرمان اوست که
یک رکعت نماز که مومن موحد بجماعت گزارد مرا و را بهتر بود از هزار
حج و عمره و بهتر از آنکه هم سنگ خویش زر بدرویشان دهد و بهتر از
عبادت یکساله و بهتر از هزار بنده آزاد کردن و بهتر از هزار اسب بر
غازیان سبیل کردن و بهتر از یکسال مجاور مکه نشستن و هر مومنی که
بسنت و جماعت میرد او را عذاب گور نباشد و شدت قیامت نباشد
و هر که نماز جماعت را دوست دارد فرشتگان او را دوست دارند و درهای
بهشت بر وی او گشاده باشد و بامداد آمرزیده خیزد و شبانگاه آمرزیده

خسبد

وخداي تعالی بوقت مرک او ملک الموت را علیه السلام سوی او فرستد همچنانک
سوي پیغامبران فرستد و مرکش چون مرک شهیدان باشد وخداي تعالی
کور را بروی مرغزاري کرداند از مرغزارهاي بهشت وازین جهان نرود
تا جای خود را در بهشت نه بیند وازجویهاي بهشت آب نخورد وازمیوه
هاي بهشت لذت نکیرد ودر روز قیامت او را در حق هزارتن از
اهل و بیت او شفاعت دهند وچون از قبر برخیزد حلهٔ از نور پوشانندش
و تاجي از نور بر سر او نهند و روئیش چون ماه شب چهارده تابان باشد
واو را با صدیقان و شهیدان درسایه عرش جاي دهند رسول علیه السلام
فرمودند بدان خدایی که مرا براستی بخلق فرستاده که هرکه در راه سنت
وجماعت میرد درهاي بهشت را بر روي وي کشایند تا از هر دري که
خواهد در اید بی حساب و رفیق او ابراهیم خلیل صلوات الله علیه باشد
وچون مومن موحد نماز بامداد بجماعت کزارد در امان خدای تعالی
باشد تا نماز پیشین همچنین هر پنج نماز را همین حکم هست اما بدانک درین
باب اخبار و فضایل بی شمار هست و وعده والطاف وکرم بی شمار هست
ولیکن اختصار کرده شد وبالله التوفیق از صلوة مسعودي انس بن
مالک رضی الله عنه روایت میکند از رسول علیه السلام هرکه پنج نماز را
بجماعت نکاه دارد خداي عز وجل ثواب هزار شهید در دیوان اعمال وی
ثبت کرداند ایضا امیرالمومنین ابوبکر صدیق رضی الله عنه کفته هست که

رسول

رسول علیه السلام فرمودند که هرکه یکختم قرآن کند بعد هر حرفی که در قرآنست
خدای عز وجل امر فرماید تا بنام این بنده کوشکی در بهشت بنا کنند واکر
من توفیق یافتمی که هزار ختم قرآن کردمی و این هم از من فوت شدی
بدل من آن رنج نشدي که یک تکبیر اول از من فوت شدي امیرالمومنین
عمر رضی الله عنه کفته هست که رسول علیه السلام فرمودند که هرکه کرسنهٔ
را یا روزه داري را طعام دهد بعد هر ذرهٔ که دران طعام باشد خدای
عز وجل امر فرماید تا بنام آن بنده در بهشت کوشکی بنا کنند و من توفیق
یافتمی که همهٔ کرسنکانرا و روزه دارانرا طعام دادمی وآن هم از من فوت
شدی بدل من آن رنج نرسیدي که یک تکبیر اول یا یک نماز جماعت
از من فوت شدی وامیرالمومنین عثمان رضی الله عنه کفته هست که
رسول علیه السلام فرمودند که هرکه بدنهٔ قربان کند بعدد هر موبي که
بدان بدنه هست خداي تعالی فرماید که بنام آن بنده کوشکی در بهشت بنا کنند
واکر من توفیق یافتمی که جملهٔ بدنهٔ عالم را قربان کردمی وآن هم از من فوت
شدی بدل من آن رنج نرسیدي که یک تکبیر اول از من فوت شدي و
امیرالمومنین علی رضی الله عنه کفته هست که رسول علیه السلام فرمودند
هرکه کافریرا در معرکه بکشد بعدد هر موبي که بر اعضاء آن کافر باشد
خداي تعالی امر فرماید تا بنام آن بنده در بهشت کوشکی بنا کنند واکر من
توفیق یافتمی که جملهٔ کافران عالم را در معرکه کاه کشتمی وآن هم از من

فوت شدی

برود لعن آن رنج نرسیدی که یک تکبیر اول از من فوت شدی بنا برین معنی است که
رسول علیه السلام فرمودند که تَكْبِيرَةُ الْأُولَى خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا
یعنی تکبیر اول بهترست از دنیا و کنجی در دنیاست **ایضا** عبد الله مسعود
رضی الله عنه از رسول علیه السلام روایت کرد هر که را در دنیا تکبیر اول
فوت شود بقیامت او را چندان حسرت و ندامت و مشقت بود که
گویی چهل هزار بار بسوال منکر و نکیر مشغول شده ستی این بنده را حسرت
و ندامت زیاده ازان بود بنا بر اصل آن که رسول علیه السلام فرمودند که
تکبیر اول بهتر از دنیاست و کنجی در دنیاست **مرویست که** در عهد رسول
علیه السلام دو مرد بودند میان ایشان برادر خواندگی و محبت بود
یکی از ایشان نقل کرد آن یار دیگر دعا کرد الهی مرا بدو برسان که من طاقت
فراق او ندارم او هم نقل کرد پس این یار دوم را بخواب دیدند پرسیدند که
رسیدی بدان یار خود گفت نی گفتند بچه سبب گفت بمرتبهٔ از من بالاتر دست
بهفتاد درجه گفتند او از چه سبب این درجات یافت گفت روزی ما
هر دو یار سوی مسجد میرفتیم تا نماز گزاریم یار من از من سابق شد
و تکبیر اول را دریافت و من در نیافتم ازین سبب بیار خود نتوانم رسیدن
علما گفته اند سختترین مصیبت در دنیا پنج است یکی فوت برادری که محبت
در میان ایشان برای خدا باشد و دیگر فوت مجلس علم و سیوم فوت
شدن تکبیر اول چهارم فوت شدن حج با وجود استطاعت و توانایی پنجم

کسی

کسی که نعوذ بالله سلب ایمان شود در وقت نزع و یا آنکه بی ایمان بمیرد **از
وصایا** رسول علیه السلام فرمود که یا علی نیکبخت را سه علامت است
یکی آنکه قوتش از حلال بود دوم نشست او و خاست او با علما بود و
سیوم پنج نماز بجماعت گزارد و دیگر یا علی بدبخت را سه علامت
است قوت وی از حرام بود و از علما دور باشد و نماز را تنها گزارد
رسول علیه السلام فرموده اند که نصرت خدای عز و جل در جماعت است
هر که نماز را تنها گزارد تنها در دوزخ رود **عبد الله عباس** رضی الله
عنهما روایت کرد که سایلی از رسول علیه السلام سوال کرد که مردی است
که زکوة میدهد و روزهٔ ماه رمضان میدارد و حج میکند ارد و چهار نماز
را در قضاء شما میگزارد و لیکن نماز خفتن را بجماعت نمی آید رسول
علیه السلام فرمودند هُوَ فِي النَّارِ یعنی وی در آتش است تا یکماه آن
سایل همین سوال میکرد رسول علیه السلام وی را همین جواب میفرمودند
رسول علیه السلام فرموده اند هر که چهل شبا روز جماعت را نگاه دارد
که هیچ تکبیر اول از وی فوت نشود خدای عز و جل امر فرماید تا وی را دو
براة دهند یکی بیزاری از نفاق دوم بیزاری از آتش **رسول علیه السلام**
فرموده اند که هر که دو نماز را بتاریکی بجماعت نگاه دارد وی مومن است
و هر که نماز بجماعت نگاه ندارد منافق است و آن دو نماز یکی نماز
خفتن است و یکی نماز بامداد **قال النبی علیه السلام** اِنَّ اَثْقَلَ الصَّلٰوة

عَلَى الْمُنَافِقِينَ صَلَوٰةُ الْعِشَاءِ وَصَلَوٰةُ الْفَجْرِ رسول علیه السلام فرموده اند که
هر که اقتدا کند با امام متقی چنان بود که به پیغامبری اقتدا کرده است و هر که
اقتدا کند با امام عالم چنان بود که بمن اقتدا کرده است پس بدین خبر معلوم
شد که عالم از عابد فاضلترست فاما مقتدی نشاید که پیش از امام
سر بر گیرد و اگر بی اختیار واقع شود و معلوم گرددش که هنوز پیش
از امام سر بر نداشته است باز گردد و سر بسجده نهد و با امام موافقت
کند رسول علیه السلام فرموده اند که هر که پیش از امام سر از سجده بر
دارد در گور سر وی همچون سر خر شود از صلوة مسعودی رسول علیه
السلام فرموده اند که سه وقت آسمانها و زمینها بحضرت خداوند عز و جل
بنالند و عرش با عظمت در جنبش آید یکی در وقتی که یتیمی را بی موجبی
گریانند دوم در وقتی که زانی از زنا غسل بیارد سیوم در وقتی که تکبیر
اول را مومنی بی عذری فوت کند در ان حال آسمان بنالد که خداوندا
مرا فرمان ده تا بر سر وی فرود آیم فرمان آید از خدای عز و جل که ای
آسمان ساکن باش که او بنده منست باشد که توبه کند و من برحمت
آمرزمش اگر چنین کرده باشد ظلم نی از وصایا رسول علیه السلام گفتند
یا علی جبرئیل علیه السلام آرزو برده است که با بنی آدم شش یک باشد در
هفت خصلت اول در پنج نماز بجماعت برابر امام دوم مجالست کردن
با علما سیوم عیادت کردن مریض چهارم در پس جنازه رفتن پنجم

مر تشنه را آب دادن ششم صلح کردن میان دو کس هفتم یتیم را گرامی کردن
یا علی حریص باش بدانچه جبرئیل تمنا کرده است از تنبیه فقیه شیخ ابو اللیث
رحمة الله علیه میگوید هر که پیوسته نماز را بجماعت گزارد خدای تعالی
مر او را پنج خصلت کرامت کند اول آنکه تنگی معیشت را از وی ببرد دوم
عذاب گور را از وی بردارد سیوم نامه او را بدست راست دهند چهارم
از صراط آسان گذرانند او را پنجم بیحساب در بهشت در آرند او را هر که
نماز را بجماعت نگزارد با وی دوازده چیز دشوار قرین گردد سه چیز در
دنیا و سه چیز بوقت مرگ و سه چیز در گور و سه چیز در قیامت اما
آن سه چیز که در دنیا بود اول برکت را از وی ببرد دوم سیمای روی او
متغیر شود سیوم آنکه خدای تعالی او را در دل مردمان دشمن گرداند اما
آن سه چیز که بوقت مرگ بود اول جان او را گرسنه و تشنه بردارد و اگر
خلقان دانندی احوال نزع را از آدمی و بری یک نماز را از دست ندهندی
دوم جان کندن بر وی دشوار آید (گردد) سیوم کلمهٔ شهادت را نیابد نعوذ
بالله منها اما آن سه چیز که در گور بود اول پرسیدن منکر و نکیر با هول
و فزع دوم تاریکی گور بود و سیوم گور بر وی تنگ بود اما آن سه
چیز که در قیامت بود اول خشم و غضب خدای عز و جل بر وی بود دوم
عذابش سخت بود سیوم حساب کردن بر وی دشوار بود از خالصة
الحقایق خواجه معاذ نسفی نور الله مرقده گفت که شیخ شقیق را رحمة الله

علیه

نماز پیشین بجماعت فوت شد پنجاه درم صدقه داد و یکماه تعزیت داشت
میگریست و میگفت اللّهمّ اعطنی اجرهما فاتنی مرویست که ربیع ابن
خیثم رحمة الله علیه میگفت باد فالج داشت هر دو جانب را میگرفتند تا شیخ
قدم زدی بچنین حال دشوار پنج وقت نماز را بجماعت حاضر شدی
وی را گفتند یا شیخ ترا رخصت است اگر نماز را در خانه گزاردی گفت چگونه
کسی باشد که حیّ علی الفلاح بشنود و اجابت نکند اگرچه بزانو رفتن
تواند آورده اند که مردی بود نابینا روان شد تا نماز خفتن را با خیر
المجالس بجماعت گزارد در شبی که باران بود و لای و گل بسیار شده بود
زن وی را گفت که چرا در خانه نماز نمیگزاردی که چشم نداری گفت بمسجد روم
تا شکر حسرت سلامتی دستها و پایهای خود را ادا کنم پس چون از مسجد
در خانه آمد در خواب شد چون بامداد از خواب بیدار شد در هر دو
چشم او بینایی ظاهر شد در شب نابینا خفته بود بامداد بینا برخاست
پس گفت نیکو بین مرد کار یعنی پیر مرد کار من که چون شکر نعم او را در
نعمتهای وی جزا داد مرا بر شکر من از ملفوظ خیر المجالس از خدمت
شیخ العالمین نظام الحق والدین نور الله مرقده روایت کردند که گفت از حضرت
شیخ شنیدم مذکّری بود که از سخن او خلق خدای را رقّتی و ذوقی بود و هر دماغ
راحت بسیار کسب میکردند و هیچ مجلسی نبود که چندین خلق تایب
نشدندی و هیچ تذکیری نبودی که چندین خلق پیراهن پاره نکردندی

او را

او را اتفاق کعبه معظّمه شد از آنجا رفت مردم آن شهر مشتاق شدند
مولانا را این چنین سخن گیرا و موثر بود اگرچه حج گزارد و بیاید تا چه غایت
عارف و عاشق خواهد آمدن چون حج اسلام بجای آورد و باز آمد عشر
عشیر آن قبولی که داشت نمانده بود خلق هم در آن مجلس جمع شدند و حلقه
کردند و با او گفتند که ما مشتاق بودیم که مولانا بیا بیند و در سخن او راحتی
گیریم چون کسی زیارت کعبه کند و باز گردد هوا بین سخن او مقبول‌تر خواهد
بود و یکی بصد خواهد شد چون باز آمدی کار بر عکس ده یک آن قبول است
نمانده است این را چه جهت است و بشومی کدام عمل اینچنین رانده شده
مولانا گفت خدای میداند تا من رفته ام و باز آمده ام جرمی و معصیتی
از من در وجود نیامده است مگر آنکه یک چیز واقع شد و من همان زمان
دانسته بودم که بهترین نعمتها از دست من برود و فی الواقع همچنان شد
گفتند یا مولانا آن چه کار بود گفت این بود که مرا یک نماز از جماعت فوت
شد در وقت گزاردم اما بجماعت نرسیدم درین محل خواجه بگریسیت و
حاضران مجلس هم بگریستند که از برای یک نماز که بجماعت گزارده نشد
اینچنین شومی و تیره گی روی داد بیچاره آنکه اصلا بجماعت نمیرود
یا آنکه بیشتری از ماه بجماعت حاضر نمیشود و تنها میگزارد و از کاهلی جماعت
را ترک میکند حال او چه خواهد بود خواجه مناسب این حال فایده دیگر
فرمودند یعنی آنکه رعایت حفظ اوقات خمسه یعنی و برکتی و کاری عظیم دارد

می آرند که شیخ بود در روزگار گذشته خلق بسیار رجوع کردند و غلبهٔ
خلق بروی شد اگرچه دران وقت مشایخ کبار بسیار بودند اما خلق بر و
توجه کردند او با خود گفت من در طاعتی و عبادتی که مشایخ را لایق بود نسبت
این توجه خلق از کجاست هاتفی آواز داد که ای عزیز قبولیت و شش که
در تو پیدا شده است ازان شده است که در رسیدن جماعت جهد بسیار
می نمایی و ما این عمل را از تو قبول کردیم ازان معنی خلق بصحبت تو رغبت
می نمایند و این حکایت در فواید الفواد هم مذکور است والله الهادی
فصل چهارم در وِرد بعد از سنت نماز بامداد نقل از کافی
مرویست که پیغامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند هر که سنت نماز بامداد را در خانه
گزارد حق تعالی او را سه چیز کرامت کند اول رزق او را فراخ گرداند و دوم
منازعت را از میان او و از میان اهل او کم گرداند و سیوم ختم کار او
با ایمان باشد نقل از کتاب الفرج هر که در سنت نماز بامداد
بعد از فاتحه در رکعت اول الم نشرح بخواند و در رکعت دوم بعد از فاتحه سورهٔ
الم تر کیف بخواند و برا بادِ نا سور زحمت نرسد و اگر مدام بخواند هم عمر
زحمت نا سور نشود مجرب کرده اند و اگر خصمی باشد غالب به نیت او بخواند
آن خصم مغلوب گردد خواجه امام اجل محمد علی حکیم ترمذی قدس الله
روحه العزیز گفت که من بخواب دیدم حضرت عزت را جل جلاله هزار
بار سوال کردم از زوال ایمان بدرستی که من ترسیدم ازین حالت با هیبت

بس امر کرد پروردگار من جل جلاله بگفتن این تسبیح در میان سنت
و فریضهٔ نماز بامداد چهل و یکبار هر که این را وظیفه کند حق تعالی او را
از زوال ایمان نگاه دارد تسبیح اینست یَا حَیُّ یَا قَیُّومُ یَا بَدِیعَ السَّمٰوَاتِ
وَالْاَرْضِ یَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ یَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَسْاَلُکَ اَنْ تُحْیِیَ قَلْبِی
بِنُورِ مَعْرِفَتِکَ یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ شیخ ابوبکر کتانی رحمة الله علیه
گفته است که شبی حضرت رسالت را صلی الله علیه وسلم در خواب دیدم
گفتم یا رسول الله چه دعا کنم تا حق تعالی دل مرا زنده دارد و هرگز نمیراند
رسول علیه السلام همین تسبیح مذکور را فرمودند که هر روز چهل و یکبار
بخوانند در میان سنت و فریضهٔ نماز بامداد تا مرادات حاصل آید و از
زوال ایمان نجات یابی زنهار باعتقاد بخوانند و شک میاور اگر شک آری
بمراد نرسی وعملها حبط گردد فصل پنجم در ورد بعد از نماز
بامداد از خالصة الحقایق رسول علیه السلام فرمودند که گران ترین
نمازها بر منافقان دو نمازست نماز بامداد و نماز خفتن و اگر بدانند که
درین هر دو نماز چه مقدار ثواب است هرآینه تقصیر نکنند والبته گزارند اگر چه
بزانو باید رفتن از تفسیر منیر رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که نماز
بامداد را گزارد پس او در حرز و امان خدای تعالی باشد ایضًا پیغامبر
علیه السلام فرمودند هر که نماز بامداد را گزارد و بنشیند و ذکر خدای تعالی
گوید تا آفتاب برآید مر این بنده را حجابی و ستری از آتش باشد و او را
در جنت الفردوس هفتاد
درجه باشد

میان هر درجه آن مقدار فاصله باشد که اسب تازی هفتاد سال بتازد
بپایان او نرسد و مر او را ثواب حج و عمره مقبول حق عز و جل روزی کند
رسول علیه السلام فرمودند هر که نماز بامداد را گزارد بجماعت بدهد
مر او را حق تعالی پنج چیز اول رزق حلال دوم برکت در رزق سیوم نجات
از عذاب گور چهارم از پل صراط چون برق جهنده بگذرد پنجم در آید در بهشت
بی حساب از وسیلة القلوب در حدیث آمده است بروایت ابو ذر غفاری
رضی الله عنه از رسول صلی الله علیه و سلم که فرمودند هر که بگوید ده بار
بعد از نماز بامداد که هنوز سخن دنیا نگفته باشد و زانو بالا نکرده باشد
که لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ لَهُ الْمُلْکُ وَ لَهُ الْحَمْدُ یُحْیِی وَ یُمِیتُ وَ
هُوَ حَیٌّ لَا یَمُوتُ ذُو الْجَلَالِ وَ الْاِکْرَامِ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَ هُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ
حق تعالی ثبت کرده اند در نامهٔ او که هر کلمت که بخواند ده نیکی و برآرد
در بهشت از برای او ده درجه و باشد مر او را از روی ثواب آزاد کردن
بندهٔ و آن روز در حفظ و عصمت حق تعالی باشد از دیو و پری و از شومی
جمیع گناهان در امان باشد از ترجمان الصلوة در خبر مشهور و مذکور
و مسطور است که خدای تعالی فرمود که بعزت و بزرگی و جلالی شان و
بلندی فرمان من که هر بندهٔ که توفیق رفیق وی گردد که این آیتها را
بخواند و سورهٔ فاتحه را بخواند بعد از هر فرضی منکه خداوندم در روزی
هفتاد بار بنظر رحمت در وی نظر کنم و هفتاد هزار حاجت او را روا

کردانم

کردانم و در دار الجلال که وعده گاه دیدار ست او را ساکن گردانم با همه گناهان که
در وی باشد چون پنج نماز را بشرط گزارد و این آیتها را بخواند اگرچه
او خود را گناه کار نداند ما بفضل خود همه گناهان او را محو کردانیم
آیتها اینست فاتحه و آیت الکرسی و آمن الرسول و شهد الله و قل
اللهم مالک الملک از خلاصة الحقایق پیغامبر علیه السلام فرمودند
که هر که بعد از نماز بامداد هر روز صد بار گوید که لا اله الا الله
الْمَلِکُ الْحَقُّ الْمُبِینُ حق تعالی او را سه چیز کرامت کند اول آنکه غنی گرداند
که هرگز محتاج نشود دوم آنکه او را عذاب گور نباشد سیوم آنکه بهشت
جای او باشد از تفسیر منیر پیغامبر علیه السلام فرمودند هر که
نماز بامداد را بگزارد و سخن نگوید تا نخست ده بار قل هو الله احد را
بخواند این بنده را در نیابد در آن روز هیچ گناهی اگرچه او را شیطان تن
و وسوسه کند ابو امامه باهلی رضی الله عنه گفت که پیغامبر علیه السلام
فرمودند هر که بخواند آیت الکرسی را بعد از هر نمازی نباشد میان او و
میان بهشت حایلی مگر موت عبد الله عمر رضی الله عنهما گفت که
پیغامبر علیه السلام فرمودند هر که آیت الکرسی را بخواند در عقب هر نمازی
خدای عز و جل روح او را قبض کند بید قدرت خود امام جعفر صادق
رضی الله عنه گفت که پیغامبر علیه السلام فرمودند هر که آیت الکرسی را
بخواند بعد هر نمازی تا هُمْ فِیهَا خَالِدُونَ ایمن بود از وسوسهٔ شیطان

واگر فقیر باشد خدای تعالی او را غنی کرداند و رزق او را رساند انجایی که او
هرگز نداند و نمیرد تا جای خود را در بهشت نبیند **مرویست** از ابن عباس
رضی الله عنهما که جبرئیل علیه السلام نزدیک موسی کلیم صلوات الله علیه آمد و
گفت که خدای عز وجل فرموده است هر که بگوید در عقب هر نماز فریضه
یکبار این دعا اللهم انی اقدم الیک بین یدی کل نفس ولحظة ولحظة
وطرفة یطرف بها اهل السموات واهل الارض وکل شیء هو فی علمک
کائن او قد کان اقدم الیک بین یدی ذلک کله بعدد ذلک کله
ومتصل از آیت الکرسی را بخوانند بدرستی که شب وروز بیست و چهار
ساعتست بهر ساعتی بدل این بنده رسد از حضرت منکه خداوندم هفتاد
هزار رحمت و هفتاد هزار نیکی تا آنگاه که صور دمیده شود فرشتگان
مشغول باشند بشمار نیکیهای وی والله اعلم **فضیلت مسبعات**
عشرات اوراد شیخ الشیوخ نور الله مرقده مذکورست که پیش از
طلوع آفتاب و پیش از غروب ده چیزست هر یکی را هفت بار بخوانند
بدین ترتیب اول سوره فاتحه دوم قل اعوذ برب الناس سیوم قل
اعوذ برب الفلق وچهارم قل هو الله احد پنجم قل یا ایها الکافرون
ششم آیت الکرسی هفتم سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله
اکبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم ویکبار بخوانند این دعا را که
عدد ما علم الله وزنة ما علم الله وملأ ما علم الله هشتم

اللهم

اللهم صل علی محمد عبدک ونبیک ورسولک النبی الامی وعلی آله
وبارک وسلم نهم اللهم اغفر لی ولوالدی ولمن توالدا وارحمهما
کما ربیانی صغیرا اللهم اغفر لجمیع المؤمنین والمؤمنات و
المسلمین والمسلمات الاحیاء منهم والاموات برحمتک یا ارحم
الراحمین دهم اللهم یا رب افعل بی وبهم عاجلا وآجلا فی
الدین والدنیا والآخرة ما انت له اهل ولا تفعل بنا یا مولانا ما
نحن له اهل انک غفور حلیم جواد کریم رؤف رحیم سه بار دیگر
بگوید سبحان الله العلی الدیان سبحان الله فی کل مکان سبحان من
لا یشغله شان عن شان سبحان من یذهب باللیل ویأتی بالنهار
ویکبار دیگر گوید سبحان الله وبحمدک علی حلمک بعد علمک سبحان الله
بحمدک علی عفوک بعد قدرتک سبحان من له الطاف خفیة فسبحان الله
حین تمسون وحین تصبحون وله الحمد فی السموات والارض
وعشیا وحین تظهرون یخرج الحی من المیت ویخرج المیت
من الحی ویحیی الارض بعد موتها وکذلک تخرجون سبحان ربک
رب العزة عما یصفون وسلام علی المرسلین والحمد لله رب
العلمین فلله الحمد رب السموات ورب الارض رب العلمین
وله الکبریاء فی السموات والارض وهو العزیز الحکیم والحمد لله
نحمده ونستعینه ونستغفره ونؤمن به ونتوکل علیه ونشهد

المصطفی

اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیْكَ لَهُ وَنَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُوْلُهُ
المُجْتَبىٰ اَرْسَلَهُ بِالْهُدىٰ وَدِیْنِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَى الدِّیْنِ كُلِّهٖ وَلَوْ كَرِهَ
الْمُشْرِكُوْنَ مَنْ یَهْدِی اللّٰهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ وَمَنْ یُضْلِلْهُ فَلَا هَادِیَ لَهُ
نَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنْ شُرُوْرِ اَنْفُسِنَا وَمِنْ سَیِّاٰتِ اَعْمَالِنَا از بستان
المحبین و از قوت القلوب و از احیاء العلوم ابراهیم تیمی رضی الله عنه
میکوید که روزی نشسته بودم از پس خانهٔ کعبه و خدای عز و جل را
عبادت میکردم مردی را دیدم که آمد و بردست راست من نشست نگاه
کردم نیکوروی و خوشبوی بود من او را نشناختم کفتم یا عبد الله
از کجا آمدی و چه نامی کفت من خضرم پیغامبر علیه السلام چون وی این سخن
کفت هیبتی در دل من افتاد کفتم یا نبی الله چون بود که خود را بمن
نمودی و بدیدم مهمان نمایی کفت از بهر آنک تو دوست خدایی و
دوست پیغامبران آنکاه خضر علیه السلام کفت یا ابراهیم اکر من ترا
هدیهٔ دهم نکاه داری کفتم دارم بتوفیق خدای عز و جل کفت یا ابراهیم
هر روز پیش از طلوع آفتاب و پیش از غروب مسبعات عشر را
بخوان و هر یک سوره و دعا را بیان کرد چنانک درین نزدیکی بالا نوشته
شده است پس کفت یا ابراهیم اکر همهٔ عمر خود یکبار بخوانی ترا بسنده
و اکر توفیق یابی که هر روز بخوانی ثواب آنرا کس نداند مکر خدای
تعالی پس ابراهیم کفت یا نبی الله این را بتو که آموخت مهتر خضر کفت از

محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم شنیده ام ابراهیم کفت خبر کن از ثواب این
مسبعات عشر مهتر خضر کفت من ثواب او را بیان نمیتوانم کردن اکر
تو محمد مصطفی را صلی الله علیه و سلم بخواب بینی از حضرت رسالت صلی
الله علیه و سلم این را سوال کن تا ترا از ثواب این مسبعات عشر خبر
کند پس ابراهیم کفت یا نبی الله مرا چیزی آموز که محمد مصطفی را
صلی الله علیه و سلم بخواب بینم پس مهتر خضر کفت یا ابراهیم چون نماز
شام کزاری با هیچکس سخن مکوی تا آنکاه که نماز خفتن کزاری پس دو
رکعت نماز کن در هر رکعتی فاتحه یکبار و هفت بار قل هو الله احد پس
از سلام سجده کن و در سجده هفت بار بکوی سبحان الله و الحمد لله
و لا اله الا الله و الله اکبر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم پس
سر از سجده بردار و این دعا را بخوان که یَا حَیُّ یَا قَیُّوْمُ یَا ذَا الْجَلَالِ وَ
الْاِكْرَامِ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ یَا رَحْمٰنَ الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ وَرَحِیْمَهُمَا یَا اِلٰهَ
الْاَوَّلِیْنَ وَالْاٰخِرِیْنَ وَالْاَوَّلُ اَنْتَ قَبْلَ كُلِّ شَیْءٍ وَالْاٰخِرُ بَعْدَ كُلِّ
شَیْءٍ یَا رَبِّ یَا رَبِّ یَا رَبِّ یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ یَا رَحْمٰنُ و آنکاه بر
خیز و دو رکعت دست را برار و هرچه که نشسته خوانده باشی بر
پای ایستاده بخوان و آنکاه بر پهلوی راست بخسب و روی خود را
بسوی قبله کن و بر پیغامبر صلی الله علیه و سلم درود میکوی تا آنکاه
که در خواب شوی پس ابراهیم کفت هرچه مهتر خضر کفته بود بدان

واین دعا را الحاح نمودم و چنانچه فرموده بود بخفتم در خواب دیدم که فرشتگان
از آسمان فرود آمدند و مرا بر آسمان بردند و بهشت را بمن نمودند
و در بهشت کوشکی دیدم از یاقوت سرخ و کوشکی دیگر دیدم از زمرد
سبز و کوشکی دیگر دیدم از مروارید سفید بهر کوشکی جویهای روان
دیدم از شیر و انگبین و بهر کوشکی کنیزکان حور العین بی قیاس
نشسته دیدم و رویهای ایشان تابنده تر از آفتاب دیدم پرسیدم از
فرشتگان که این کوشکها و این حوران کراست گفتند مر آن کس را که این
عمل کند که تو کردی آنگاه از آن میوه ها و شرابها خوردم بعد از آن پیغامبر
را علیه السلام بخواب دیدم که نزدیک من آمد با هفتاد پیغامبر و هفتاد
صف فرشته هر صفی هم چندانک از مشرق تا مغرب همه بر من سلام
کردند و پیغامبر صلی الله علیه وسلم دست مرا بگرفت و بخوش منظری
ولطف پیش آمد و من نیز دست مبارک او را گرفتم و بوسیدم
و گفتم یا رسول الله مهتر خضر علیه السلام از لفظ شیرین و عبارت
شکرین شما شنیده بود این حدیث مسبعات عشر را که مرا خبر کرد
پس پیغامبر علیه السلام گفت یا ابراهیم آنچه خضر گفت همه حق است
و صدق و درستی که او عالم اهل زمین است و او پیش رو ابدالانست و از لشکرهای
باری تعالی است در زمین و درستی که من این مسبعات عشر را از جبرئیل
آموختم پس ابراهیم تیمی گفت یا رسول الله چه ثواب باشد مر آن کسی را که این

عمل

عمل کند رسول علیه السلام سوگند یاد کرد و گفت بدان خدایی که مرا براستی
به پیغامبری فرستاده هر که بدین نوع عمل کند که تو کردی او ببیند مرا چنانک
تو دیدی و ببیند بهشت را چنانک تو دیدی و بخورد از طعام و شراب
بهشت چنانک تو خوردی و خدای عز و جل بیامرزد گناهان کبیره و
صغیره ویرا و بردارد خدای تعالی از وی غضب خود را و فرماید بعزت
و جلال خود مر فرشته دست راست را که ننویسد گناه او را تا سال دیگر
و بدان خدایی که مرا به پیغامبری فرستاد بحق که عمل نکنند این مسبعات
عشر را مگر کسی که خدای تعالی او را سعید آفریده باشد می آرند که ابراهیم
تیمی رحمة الله علیه گفت ترک نیاورد و اعتقاد نکنند این را مگر آنک حق عز و جل بد
بخت آفریده باشد آنکس را می آرند که ابراهیم تیمی رحمة الله علیه بعد از
دیدن آن خواب چهار ماه دیگر بزیست و درین مدت هیچ از طعام و شراب
دنیا نخورد زیرا که او را بطعام و آب حاجت نشد از آن سبب که او
طعام و شراب بهشت خورده بود **در احیاء العلوم** آورده است که قادر
نشود بر خواندن و عمل کردن این مسبعات عشر مگر کسی که او از اهل
رحمت و عصمت حق تعالی باشد و از دنیا نرود تا مقام خود را در بهشت
بخواب نه بیند و نمیرد تا طعام بهشت نخورد **از فواید الفواد** خواجه
علیه الرحمه فرموده اند که برای بر آمدن حاجات را مسبعات عشر خواندن
آمده است بنده عرضه داشت که هر روز در وقت معین خوانده میشود

فرمود که اگر مهمی پیش آید دینی و دنیاوی به نیت آن مهم علی حده بخوانند
آن مهم بکفایت رسد **ایضاً** از فواید الفواد خواجه علیه الرحمه فرمودند که
در فضیلت مسبعات عشر بسیار تاکید فرمود آنگاه گفت مردی بود که
پیوسته مسبعات عشر را خواندی وقتی در راهی افتاد طایفه دزدان
و راه زنان پیش آمدند خواستند تا او را هلاک کنند درین میان ده
سوار مبارز مردانه پیدا شدند و آن دزدان را هلاک کردند آن مرد دید که ایشان
ده مرد سر برهنه بودند از ایشان پرسید که شما کیستید ایشان گفتند ما
مسبعات عشریم ما آن ده دعاییم که هر روز هفت کرت میخوانی این
مرد گفت شما سر برهنه چرا یید ایشان گفتند از انجهت که تو در وقت
خواندن بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْم نمیگویی مصنف میگوید در حال بنده
عرضه داشت که تسمیه را کجا گویند خواجه علیه الرحمة فرمودند که بر
سر هر سوره که گویند آنگاه حکایت فرمود که قاضی کمال الدین جعفری
بداونی علیه الرحمه را وظیفه بود که با چندان شغل قضا و کارهای دیگر
قرآن بسیار خواندی و چون پیر شد و از ان خواندنها فرو ماند از و
پرسیدند که اوقات چون میکنی و آن وظایف را عمل میکنی گفت بر
مسبعات عشر بسنده کرده ام که جامع اوراد است **رسول صلی الله علیه و سلم**
فرمودند که مرض کل را نود و نه جربه است هر جربه بزرگتر از زخم زدن
شمشیر بود بر هر که خلاصد از ان جربها سلامت ماند بروی باد که

بعد

بعد هر فرض نماز این دعا را بخوانند بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ اَعْدَدْتُ
لِكُلِّ هَوْلٍ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَ لِكُلِّ هَمٍّ وَ غَمٍّ مَا شَاءَ
اللّٰهُ وَ لِكُلِّ كَرْبٍ لَا رَبَّ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ وَ لِكُلِّ ذَنْبٍ
اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَ لِكُلِّ ضِيقٍ حَسْبِيَ اللّٰهُ وَ لِكُلِّ مُصِيبَةٍ اِنَّا لِلّٰهِ وَ
لِكُلِّ نِعْمَةٍ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ لِكُلِّ رَخَاءٍ اَلشُّكْرُ لِلّٰهِ وَ لِكُلِّ اُعْجُوبَةٍ
سُبْحَانَ اللّٰهِ وَ لِكُلِّ قَضَاءٍ وَ قَدَرٍ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ وَ لِكُلِّ طَاعَةٍ وَ
مُصِيبَةٍ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ وَ لِكُلِّ رَغْبَةٍ وَ رَهْبَةٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ عَلٰى مَنْ وَالَاهُ **از خالصة الحقایق** انس ابن مالک رضی الله
عنه گفت که پیغامبر علیه السلام فرمودند که فرشتگان کاتبان اعمال
عمل بنده را می نویسند و صحیفه اعمال را بحضرت حق تعالی میبرند حق
سبحانه و تعالی در ان صحیفه بنظر رحمت می بیند که در اول صحیفه و آخر
صحیفه چه چیز است فرشتگان را فرمان می شود از حضرت عزت که ای ملایکه
من شما گواه باشید که آمرزیدم من آنچه را که در میان دو طرف این صحیفه
است **از ملفوظ شیخ الاسلام** فرید الدین قدس الله سره العزیز بلفظ
مبارک خود چنین راند که صاحب ورد باید که آنچه را که وظیفه خود کرده
باشد اگر روز نتواند شب خواند و اگر شب نتواند خواندن و عمل کردن
روز بخواند و عمل کند بهمه حال باید که تا تواند وظیفه خود را ترک نکند
و اگر ترک کند شومی آن بهمه ساکنان شهر اثر کند و آن شهر خرابی

پذیرد

بعد ازان هم درین محل فرمودند که وقتی سیاحی نزد دعاگو آمده بود از جانب
دمشق او حکایت کرد که ازان نیمهٔ دمشق شهریست آنجا رسیدم همه آن شهر را
خراب یافتم اندکی آبادان بود دیکر همه ویران از خرابی آن شهر تفحص
کردم بزرکی بود او حکایت کرد که درین شهر مسلمانان سنی بودند همه صاحب
ورد و وظایف بسیار داشتند چند نفر مسلمانان وردی که وظیفهٔ ایشان بود
ترک دادند بسی بر نیامد که ترک و مغول در آمد و جملهٔ شهر را خراب کردند و
مسلمانانرا اسیر کردند از شومی ایشان

فصل ششم در نماز اشراق

از تفسیر درر این حدیث مذکورست رسول علیه السلام
فرمودند هر که نماز بامداد بکزارد و بنشیند و بذکر خدای تعالی مشغول
باشد تا آن زمان که آفتاب طلوع کند باشد مرین بنده را حجاب و ستر
از آتش دوزخ و مر او را در جنت الفردوس هفتاد درجه باشد ایضا
درخبرست که هر که نماز بامداد کزارد و توقف کند تا آن زمان که آفتاب
طلوع کند از روی ثواب چنان باشد که چهار کس را از فرزندان اسمعیل
علیه السلام بها داده باشد و خریده و آزاد کرده در تنبیه فقیه ابو اللیث
رحمة الله علیه آورده است که پیغامبر علیه السلام فرمود هر که نماز بامداد
بکزارد و بنشیند در جای نماز تا آنگاه که آفتاب طلوع کند پس آنگاه
برخیزد و دو رکعت نماز بکزارد خدای تعالی مر او را حجابی از آتش
دوزخ دهد در یواقیت آورده است که انس ابن مالک رضی الله عنه

روایت

روایت میکند از پیغامبر علیه السلام که شنیدم که کفت هر که نماز بامداد
کزارد و بنشیند تا آنگاه که آفتاب بر آید آنگاه برخیزد و دو رکعت
نماز کزارد خدای تعالی حرام کرداند تن او را از آتش دوزخ از تفسیر مغنی
رسول علیه السلام فرمودند هر که نماز بامداد کزارد و در مسجد نشیند
و بذکر خدای تعالی مشغول باشد تا آفتاب طلوع کند چون طلوع
کرد مر خدای عز و جل را حمد کوید آنگاه برخیزد و دو رکعت نماز
کزارد بدهد خدای تعالی او را بسبب هر رکعتی هزار قصر در بهشت
در هر قصری هزار هزار حور و هر حوری را هزار هزار خادم باشد
از فواید الفواد درخبرست که چون روز قیامت بر آید فرشته بر بام
بیت المقدس بر آید و ندا کند که ای بنده کان خدای وای امتان
محمد حق عز و جل شما را روزی بخشید نو و شما را روزی در پیش هست
و آن روز روز قیامت است برای ذخیرهٔ آن روز را درین روز کاری
کنید و آن آنست که دو رکعت نماز کزارید بعد از طلوع آفتاب شکر
روز در هر رکعتی بعد از فاتحه پنج بار قل هو الله احد بخوانید از روضه
روایت که رسول علیه السلام نماز بامداد کزارد روز دوشنبه هشتم
ماه ربیع الاول پس آنگاه پشت مبارک خود را بمحراب آورد
و کفت هر که بکزارد نماز بامداد را و بنشیند بر جای نماز تا آفتاب
طلوع کند مقدار یک نیزه پس برخیزد و دو رکعت نماز کزارد

نوشته شود

نام او را در دیوان متعبدان و مطیعان و اگر شش رکعت نماز گزارد
نوشته شود نام او را در دیوان مسبحان و مخلصان که رجوع ایشان از هر
چیزی بجناب حق تعالی باشد و اگر هشت رکعت نماز گزارد نوشته شود نام
او را در دیوان رستگاران و نجات یابندگان و اگر ده رکعت نماز
گزارد نوشته شود نام او را از اولیاء الله که ایشان را در روز قیامت
هیچ ترسی و اندوهی نیست **از اوراد شیخ الشیوخ** نور الله مرقده
گفته است در اوراد که ده رکعت نماز اشراق را بدین ترتیب گزارد اول
نماز شکر دو رکعت گزارد چنین نیت کند نَوَيْتُ اَنْ اُصَلِّيَ شُكْرًا
لِلّٰهِ تعالی عِبَادَةً لَهُ وَمُتَوَجِّهًا اِلَى بَيْتِ الله تعالی در رکعت اول بعد از
فاتحه آیت الکرسی بخوانند تا الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ و در رکعت دوم آمَنَ الرَّسُولُ
بخوانند تا آخر سوره و دیگر آیت اَللّٰهُ نُورُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ
بخوانند تا آنجا که وَاللّٰهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ و بعد از سلام صلوات گوید
و این دعا را بخوانند اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَصْبَحْتُ مُرْتَهِنًا الى الاستطيع لَا اَسْتَطِيعُ
دَفْعَ مَا اَكْرَهُ وَلَا اَمْلِكُ نَفْعَ مَا اَرْجُوا اَصْبَحْتُ مُرْتَهِنًا بِعَمَلِي وَ
اَصْبَحَ الْاَمْرُ بِيَدِ غَيْرِي فَلَا فَقِيرَ اَفْقَرُ مِنِّي اَللّٰهُمَّ لَا تُشْمِتْ
بِي عَدُوِّي وَلَا تَسُوءْ بِي صَدِيقِي وَلَا تَجْعَلْ مُصِيبَتِي فِي دِينِي وَ
دُنْيَايَ وَلَا فِي الْآخِرَةِ وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا اَكْبَرَ هَمِّنَا وَلَا مَبْلَغَ عِلْمِي
وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ مَنْ لَا يَرْحَمُنِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ

بك

بِكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تُزِيلُ بِهَا النِّعَمَ وَمِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تُوجِبُ
بِهَا النِّقَمَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **نماز استعاذه** دو رکعت گزارد نیت
چنین کند که نَوَيْتُ اَنْ اُصَلِّيَ رَكْعَتَيْنِ صَلٰوةَ الْاِسْتِعَاذَةِ مُتَوَجِّهًا اِلَى
الْقِبْلَةِ بخوانند در رکعت اول بعد از فاتحه سورة الفلق و در رکعت دوم
سورة الناس و بعد از سلام صلوات گوید و این دعا را بخوانند اَللّٰهُمَّ
اِنِّي اَعُوذُ بِكَ بِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ وَكَلِمَتِكَ التَّامَّةِ مِنْ شَرِّ السَّامَّةِ وَ
الْهَامَّةِ وَاَعُوذُ بِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ وَكَلِمَتِكَ التَّامَّةِ مِنْ شَرِّ عِبَادِكَ وَ
مِنْ شَرِّ عَذَابِكَ وَاَعُوذُ بِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ وَكَلِمَتِكَ التَّامَّةِ مِنْ شَرِّ
مَا يَجْرِي بِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ اِنَّ رَبِّيَ اللّٰهُ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ
عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ **ایضا** اِلٰهِي اِنَّكَ سَلَّطْتَ عَلَيْنَا
عَدُوًّا بَصِيرًا بِعُيُوبِنَا يَرَانَا هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا نَرَاهُمْ اَللّٰهُمَّ
فَآيِسْهُ مِنَّا كَمَا آيَسْتَهُ مِنْ رَحْمَتِكَ وَقَنِّطْهُ مِنَّا كَمَا قَنَّطْتَهُ مِنْ عَفْوِكَ
وَاَبْعِدْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ كَمَا اَبْعَدْتَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ جَنَّتِكَ اِنَّ اللّٰهَ عَلَى
كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَبِالْاِجَابَةِ جَدِيرٌ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِا
الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ **نماز استخاره** دو رکعت نماز گزارد و نیت چنین کند
که نَوَيْتُ اَنْ اُصَلِّيَ رَكْعَتَيْنِ صَلٰوةَ الْاِسْتِخَارَةِ مُتَوَجِّهًا اِلَى الْقِبْلَةِ در رکعت
اول بعد از فاتحه قُلْ يَا اَيُّهَا الْكَافِرُونَ بخوانند و در رکعت دوم سورة
الاخلاص بخوانند و بعد از سلام صلوات گوید و این دعا را بخوانند

اللهم اني استخيرك بعلمك واستقدرك بقدرتك واسالك من
فضلك العظيم فانك تقدر ولا اقدر وتعلم ولا اعلم وانت
علام الغيوب اللهم اني لا املك لنفسي ضرا ولا نفعا ولا موتا
ولا حيوة ولا نشورا ولا استطيع ان اخذ الا ما اعطيتني ولا
ان اتقي الا ما وقيتني اللهم وفقني لما تحب وترضى من القول
والعمل في عاقبة اللهم خر لي واختر لي ولا تكلني الى اختياري
اللهم اجعل خيرة في كل قول وعمل اريد في هذه اليوم والليلة

نماز استجابت دعا دو رکعت نماز گزارد و نیت چنین کند که نویت
ان اصلي ركعتين صلوة الاستجابت متوجها الى القبلة بخوانند در رکعت
اول بعد از فاتحه سورة الواقعه ودر رکعت دوم سبح اسم ربك الاعلى
خوانند وبعد از سلام صلوات فرستد واین دعا را بخوانند وحاجت
خواهد حق عز وجل حاجت او را بر آورده گرداند بفضل وکرم خویش
دعا اینست اللهم اجعل حبك احب الاشياء الي وخشيتك اخوف
الاشياء عندي اللهم اذا قررت عيون اهل الدنيا بدنياهم
فاقرر عيني بك وبعبادتك واقطع عني كلذة الدنيا بانسك والشوق
الي لقائك واجعل طاعتك في كل شيء مني اللهم ارزقني حبك وحب
من احبك وحب من يحبك وحب عمل يقربني الى حبك واجعل
حبك احب الي من الماء البارد للعطشان الوارد يا ذا الجلال والاكرا

م

نماز

نماز شکر روز گفته اند دو رکعت نماز گزارد نیت چنین کند که
نویت ان اصلي ركعتين شكر النهار متوجها الى القبلة در هر
رکعتی بعد از فاتحه پنجگان بار سوره اخلاص بخوانند وبعد از سلام
صلوات گوید وسه بار گوید الحمد لله على حسن الصباح والحمد
لله على حسن المساء ویکبار گوید اللهم لك الحمد حمدا دائما
خالدا مع خلودك ولك الحمد حمدا لا منتهى له دون علمك ولك
الحمد حمدا لا جزاء لقائله الا رضاك ولك الحمد حمدا عند كل طرفة
عين وتنفس نفس الحمد لله على نعمائه والصلوة على رسوله
محمد خير خلقه الهي رحمتك ارجوا فلا تكلني الى غيرك طرفة
عين ولا اقل من ذلك واصلح شاني كله بلا اله الا انت وحدك
لا شريك لك وتب علي واغفر وارحمني انك انت ارحم الراحمين
اللهم لك الحمد واليك المشتكى وانت المستعان وبك المستغاث
وعليك التكلان ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم

فصل هفتم در نماز چاشت از فواید الاسلام رسول
عليه السلام فرموده اند که سه چیز با سه چیز جمع نیاید اول گناه با توبه
جمع نیاید دوم توانگری با نماز جمع نیاید سیوم درویشی و دست
تنگی و فقر وفاقه با نماز ضحی جمع نیاید **از صلوة مسعودی** بدانک
نماز چاشت بر رسول صلی الله علیه وسلم فریضه بوده است اما بر ما سنت است

اگر گزاردی

ثواب ودرجه یابی واگر نگزاری بزه کار نشوی اما در عدد رکعات وی
علمارا اختلافست از دو رکعت تا دوازده رکعت آمده است لیکن ظاهر
روایت چهار رکعت آمده است خواندنی درو اگر نخوانند فریضه را
روا بود اما مستحب آنست که در رکعت اول سوره والشمس خوانند
ودر رکعت دوم واللیل ودر رکعت سیوم والضحی ودر رکعت چهارم
الم نشرح **از اوراد** چون ربع روز گذرد بنده باید که دوازده رکعت
نماز چاشت گزارد اول چهار رکعت گزارد ودر هر چهار رکعت بخواند
بعد از فاتحه آیت الکرسی یکبار وسوره اخلاص سه بار ودر هر
چهار رکعت دیگر بخواند بعد از فاتحه در رکعت اول سوره والشمس
ودر رکعت دوم واللیل ودر سیوم والضحی ودر چهارم الم نشرح
ودر چهار رکعت دیگر بخواند در هر رکعتی الم نشرح یکبار وسوره اخلاص
سه بار وبعد از فراغ نماز صد بار گوید اللهم اغفر لی وارحمنی
وارزقنی وتب علی انک انت التواب الرحیم **از صلوة مسعودی**
خواجه امام ابوالقاسم سمرقندی رحمة الله علیه گفته است که ما چند
چیز را در چند چیز یافتیم اول صحت تن را در داشتن روزه یافتیم
قال النبی علیه السلام صوموا تصحوا وغفلت را در بسیار خوردن
یافتیم وعلم وحکمت را در شکم تهی یافتیم ورضای خدای عز وجل را
در مخالفت هوای نفس یافتیم وبرکت روزی را در نماز چاشت یافتیم

از

از ثواقیت پیغامبر علیه السلام فرموده اند بهشتی که در بهشت دریست که نام
آن در ضحی است چون روز قیامت شود آن در ندا کند که کجا اند آن کسانی که
دایم نماز ضحی را گزارده اند این باب مبارک بر روی شما گشاده شد پس
در آیید در بهشت برحمت خدای عز وجل **در خبرست که** رسول علیه السلام
شیطان لعین را پرسید که کدام اعمالست که نزدیک تو از همه اعمالها دشمن
ترست گفت نماز چاشت وروزه ایام بیض **از تفسیر مغنی** رسول علیه السلام
فرموده اند که در آدمی سیصد وشصت مفاصل است هر یکی را از آن مفاصل
صدقه واجبست گفتند کیست که طاقت آن دارد که همه صدقها را بجای
آرد گفت آنکس که خلم بینی را در مسجد نیندازد وراه را پاک کند از آن چیزی
که بمردمان زیان رساند واگر این نتواند باری دو رکعت نماز چاشت گزارد
مقابله همه صدقها باشد **رسول** علیه السلام فرموده اند نماز ضحی را نگاه
ندارد مگر آنکسی که از ابرار ومتقیان باشد **رسول** علیه السلام فرموده اند
هر که نماز چاشت را دوازده رکعت گزارد حق عز وجل از برای او قصری از زر
در بهشت بنا کند **فصل هشتم در ورد نماز پیشین از تفسیر مغنی**
پیغامبر علیه السلام فرموده اند هر که نماز پیشین بجماعت گزارد خدای تعالی
اورا ثواب بیست وپنج نماز بدهد وهفتاد درجه باشد مر اورا در جنت
الفردوس که میان هر درجه صد ساله راه باشد **رسول** علیه السلام فرموده اند
بدرستی که مر خدای عز وجل راست در آسمان دنیا درها که در آن درها چون

آفتاب حلقه میگردد

بس جوف آفتاب کشت تسبیح میگویند هر چیز که هست هر بود وهرچه کار عالم
بس امر میکند خدای تعالی بماند دران ساعت که باز شده است درهای آسمان
وبسته نمیشود تا آن زمان که نماز پیشین بگزارند ودران ساعت دعا
مستجاب می شود رسول صلی الله علیه وسلم فرموده اند هر که بعد از نماز پیشین
صد بار گوید که اللهم صل علی محمد وعلی آل محمد وبارک وسلم حق تعالی اورا
سه چیز کرامت کند اول آنک وام دارش نکند واگر وامش افتد از گنج خود
بی هیچ رنج آن وام را دوخته گرداند دوم آنک ایمان اورا از زوال نگاه
دارم سیوم آنک بهیچ نعمتش فردای قیامت حساب نکند وبتقصیرات
عتاب نکند از فواید الفواد خواجه قدس الله روحه العزیز فرموده اند که
بعد از ادای صلوة الظهر ده رکعت نماز گزارد به پنج سلام ودران ده رکعت ده
سورهٔ آخرین قرآن بخوانند یعنی از سورهٔ الم تر کیف تا آخر قرآن بخواند
بعد ازان فرموده اند که آن نماز را صلوة الخضر خوانند حقیقت اینست که
این نماز مهتر خضر است علیه السلام تا هر که این نماز را پیوسته گزارد با خضر
صلوات الله علیه همنشین وملاقی شود از اوراد شیخ الشیوخ فی العالم
قطب المحققین شیخ شهاب الدین سهروردی قدس الله روحه العزیز
از برای حفظ ایمان فرموده است که بعد از نماز پیشین دو رکعت نماز
گزارد بخوانند در رکعت اول بعد از فاتحه آیت إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ
السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ

النهار

النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا
لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً
إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ
خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ودر رکعت دوم
بعد از فاتحه بخوانند آیت إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا
حِوَلًا قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ
أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ
مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ
فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا وبعد از سلام
صلوات گوید واین تسبیح را بخوانند سُبْحَانَ مَنْ لَمْ يَزَلْ كَانَ كَمَا هُوَ
الْآنَ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَزَالُ يَكُونُ كَمَا كَانَ وَكَمَا هُوَ الْآنَ لَا يَتَغَيَّرُ بِذَاتِهِ
وَلَا فِي صِفَاتِهِ وَلَا فِي أَسْمَائِهِ بِحُدُوثِ الْأَكْوَانِ سُبْحَانَ الدَّائِمِ
الْقَائِمِ سُبْحَانَ الْحَيِّ الْقَيُّومِ سُبْحَانَ الَّذِي لَا يَمُوتُ سُبْحَانَ الَّذِي
يُمِيتُ الْخَلَائِقَ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ سُبْحَانَ الْأَوَّلِ الْمُبْدِئِ سُبْحَانَ
الْبَاقِي الْمُغْنِي سُبْحَانَ مَنْ تَسَمَّىٰ قَبْلَ أَنْ تُسَمَّىٰ سُبْحَانَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَىٰ سُبْحَانَهُ
وتعالی سُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ
روایت میکند جابر بن عبد الله انصاری رضی الله عنه که جبرئیل صلوات

الله علیه

نزدیک رسول صلی الله علیه وسلم آمد وگفت یا رسول الله درود خدای عز وجل
بر تو باد خوشا مر آن بندهٔ که از امت تو که توفیق یابد تا بگوید در پس
هر نماز فریضه لا اله الا الله وحده لا شریک له تا آخر سه بار نقل
از راحة القلوب در احادیث مسطور هست ودر کتب مذکور است
حضرت رسول با صفا محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم که هر که بعد
از فریضه هر نمازی سه بار سورهٔ اخلاص بخواند و سه بار درود
فرستد بعد از آن یکبار این آیت را بخواند که اعوذ بالله من الشیطان
الرجیم وَمَنْ یَتَّقِ اللّٰهَ یَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَیَرْزُقْهُ مِنْ حَیْثُ لَا
یَحْتَسِبُ وَمَنْ یَتَوَکَّلْ عَلَی اللّٰهِ فَهُوَ حَسْبُهُ اِنَّ اللّٰهَ بَالِغُ اَمْرِهِ قَدْ
جَعَلَ اللّٰهُ لِکُلِّ شَیْءٍ قَدْرًا بعده سوی آسمان نظر کند و برخود
دمد حضرت عزت آن بنده را سه نعمت دهد اول عمر دراز در خوشی
دلی و شادکامی و مال بسیار و برخورداری از آن و بی‌حساب در
آخرت بهشت رود انشاء الله تعالی تسبیح ابراهیم خلیل اینست
بعد از نماز پیشین بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ قَبْلَ کُلِّ اَحَدٍ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ بَعْدَ
کُلِّ اَحَدٍ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰی کُلِّ حَالٍ چون بندهٔ مؤمن گوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
قَبْلَ کُلِّ اَحَدٍ امر آید از پروردگار عالم مر کاتبان اعمال را که بعدد
هر چیزی که در آسمانها آفریده شده است نیکی در دیوان وی ثبت کنند
وچون گوید وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ بَعْدَ کُلِّ اَحَدٍ فرمان رسد از پروردگار

عالم

عالم مر کاتبان اعمال ویرا تا نیکی در دیوان وی ثبت کنند بعدد هر
چیزی که در زمینها آفریده شده است وچون گوید والحمد لله علی کل حال
فرمان رسد از پروردگار عالم مر کاتبان اعمال ویرا که شما نتوانید
ثواب آنرا نوشتن من دهم جزای ویرا که بخواهم ای بنده کلام تشریف
وعزت از این بالاتر است باید که عمل صالح چندین درجه حاصل میگردد
والله الهادی فصل مهم در ورد نماز دیگر از فتاوی حجة
رسول علیه السلام فرمود هر که گزارد پیش از فریضهٔ نماز دیگر چهار
رکعت سنت این نماز سپر شود مر او را از آتش دوزخ در حدیث دیگر
آمده است هر که چهار رکعت نماز تطوع پیش از نماز دیگر گزارد خدای تعالی
بنا کند از برای او خانهٔ در بهشت هر که نگاه دارد و ملازمت کند چهار رکعت
نماز پیش از نماز دیگر حرام شود تن وی بر آتش دوزخ از عوارف
و از فواید الفواد خواجه علیه الرحمة فرمود هر که در سنت نماز دیگر
والسماء ذات البروج را بخواند حق تعالی او را از ریش دنبل نگاه دارد
ایضا از فواید الفواد خواجه علیه الرحمه فرمود که در چهار رکعت سنت
نماز دیگر ده بار سورهٔ والعصر بخوانند در رکعت اول بعد از فاتحه
والعصر چهار بار ودر رکعت دوم سه بار ودر رکعت سیوم دو بار ودر
چهارم یکبار از شیخ الاسلام بهاء الدین زکریا قدس سره العزیز منقول است که
هر که بدین صفت ده بار سورهٔ والعصر را در چهار رکعت سنت نماز دیگر بخواند

موت او بسعادت شهادت باشد ایضًا از فواید الفواد خواجه علیه الرحمه
فرمود که هرکه بعد از نماز دیگر سورهٔ والنازعات را بخواند خدای عز وجل
در گور او را تنها ندارد و در گور نباشد مقدار یک نماز بعد از آن خواجه
چشم پر آب کرد و گفت میدانید کسی که در گور نماند چگونه باشد گفتند
فرمایید گفت آنچنان باشد که روح او بکمال رسد چون روح کامل
شد قالب را جذب کند و بحضرت واصل گرداند هرکه بعد از نماز دیگر
پنج بار سورهٔ عمّ یتساءلون را بخواند آنکس اسیر محبت حق عز وجل
شود رسول علیه السلام فرمود هرکه سورهٔ عمّ را بعد از دیگر بخواند
خدای تعالی آسان کند بروی سکرات موت را و او را از نابینا شدن نگاه
دارد رسول علیه السلام فرمودند هرکه بعد از نماز دیگر صد بار استغفر
الله من کل ذنب واتوب الیه گوید حق تعالی او را سه چیز کرامت کند
اول آنکه گناه یکساله وی را آمرزد دوم آنکه روزی را بروی فراخ کرداند سیوم
آنکه هر دعایی که کند مستجاب شود منقولست از شیخ الاسلام خواجه رکن
الدین قدس الله روحه العزیز که پیغامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند
هرکه بعد از نماز دیگر روز جمعه هفت بار گوید اللهم انت ربی
وانا عبدک اسالک ان تصلی علی محمد عبدک ورسولک خدای
تعالی گناهان هفتاد سالهٔ وی را آمرزد و تا جمعهٔ دیگر هیچ گناهی را
بروی ننویسند رسول علیه السلام فرمودند هرکه نماز جمعه را بگذارد

و نماز

و نماز دیگر روز جمعه را بجماعت بگذارد پس بروی باد که تعزیت نفس
خود دارد از روز شنبه تا جمعهٔ دیگر درخبرست که هرکه بعد از نماز
دیگر دوازده بار سورهٔ اخلاص را بخواند این بنده در وقت نزع البته
با ایمان رود از تفسیر غریب پیغامبر علیه السلام فرمودند هرکه را
نماز دیگر فوت شود بدبختی که چنان باشد که اولاد و اهل او را کسی
کشته باشد و تمام مال و اسباب او را ستانده باشد از تفسیر مغنی
پیغامبر علیه السلام فرمودند هرکه فوت کند نماز دیگر را حبط شود
عمل او یعنی عمل آن روز او ناچیز کرده خبر قال النبی علیه السلام
مَنْ صَلّی اَرْبَعَ رَکَعَاتٍ قَبْلَ الْعَصْرِ کَانَ لَهُ جُنَّةٌ مِنَ النَّارِ رسول
علیه السلام فرمودند هرکه چهار رکعت نماز گزارد پیش از فریضهٔ نماز
دیگر خدای عز وجل او را چندان ثواب دهد که گویی هشت کس را از
فرزندان اسماعیل پیغامبر علیه السلام که در دست کافران اسیر
بوده باشند این کس سبب نجات ایشان شده باشد سید امام
ابو شجاع رحمة الله علیه حدیثی روایت کرده است باسناد صحیح تا بحضرت
مهتر عالم صلی الله علیه وسلم که هرکه چهار رکعت نماز گزارد پیش از فریضهٔ
نماز دیگر خدای عز وجل ثواب ده سال عبادت در دیوان وی ثبت
کرد اند و خواندنی دران نماز آنست که در هر رکعتی فاتحه یکبار و سورهٔ
والعصر سه بار و گزاردن این نماز سبب بقاء ایمانست مرویست که

حجاج بن یوسف علیه ما یستحق بود هزار مسلمان سنّی و یکی صحابهٔ بزرگ را که
نام او سعید بن جبیر است رضی الله عنه بناحق کشته بود او را بخواب دیدند
که شکم او جوف دهل آماسیده بود و بوی ناخوش از وی همی آمد ازوی
سوال کردند که خدای عزّ وجلّ با تو چه معاملت کرد گفت از برای هر خونی که
بناحق کرده بودم یکبار باز کشتند و از برای خون سعید بن جبیر رضی الله
عنه مرا هفتاد بار کشتند گفتند ای حجاج تو ایمان برده گفت برده ام
و گفت خدای تعالی مرا آمرزید گفتند بچه خصلت گفت بسبب آنکه چهار
رکعت سنت پیش از نماز دیگر را نگاه میداشتم و پیوسته میگذاردم
از تفسیر مغنی پیغامبر علیه السلام فرموده هر که نماز دیگر را بجماعت
گذارد پس توقف کند و ذکر خدای تعالی گوید تا آن زمان که آفتاب غایب
شود از روی ثواب چنان باشد که ده کس را از فرزندان اسماعیل پیغامبر
علیه السلام آزاد کرده باشد **از کنز الیواقیت** پیغامبر علیه السلام
فرموده اند که خدای عزوجل فرموده است که ای بنی آدم یاد کن مرا یعنی نماز کن
من باش بعد از نماز بامداد ساعتی و بعد از نماز دیگر ساعتی تا بکنم
کافی است مر ترا میان این دو ساعت از برای آمرزیدن گناهان تو
از خالصة الحقایق سوال بعضی مردمان تاخیر میکنند نماز دیگر را تا
وقت غروب آفتاب چگونه است حال نماز ایشان **جواب** انس ابن
مالک رضی الله عنه گفت که پیغامبر علیه السلام فرموده اند بدانک خبر

میکنم

قرن شاخ

میکنم شما را از نماز منافقان هرجگاه یکی از شما تاخیر دارد و بگذارد نماز
دیگر را تا نزدیک غروب شمس در آن وقتی که باشد آفتاب در میان قرن
شیطان پس گذارد چنانک مرغ دانه چیند و در آن حالت ذکر خدای تعالی
نگوید مگر اندک این سخن دلیلست بر آنک نشاید کردن **روایت است** که ابلیس
علیه اللعنه بخدمت پیغامبر صلی الله علیه وسلم آمد گفت ای ملعون
بچکار آمدهٔ گفت یا رسول الله فرشته آمد و مرا از حضرت عزت جل جلاله
فرمان رسانید و مرا گفت برو بخدمت رسول علیه السلام و هر چه
از تو سوال کند جواب آنرا بصدق گویی و اگر نه ترا خاکستر گردانم رسول
علیه السلام هر چه از وی پرسید او بصدق جواب میگفت رسول علیه
السلام پرسیدند که نزدیک پیران چه نوع میدرآیی گفت یا رسول الله
پیران را چنین نمی فرمایم که ایشان را دشوار آید بعد و مرا بدان طاعت نتوانند
کردن اما بدرستی که فرمایم بدروغ گفتن و غیبت کردن و مسخرگی کردن
و گواهی دروغ دادن و تاخیر کردن نماز دیگر و در طاعت خدای عزوجل
کاهلی کردن اما جوانان را امر کنم بفسق و فساد و جور و ظلم و عجب و تکبر
و مباهات نمودن و بسوی حرم مسلمانان نظر کردن اما بچگان ایشان
در زیر بغل منند بازی می کنانم ایشان را چنانک میخواهم اما زنان کننده
پیر را امر کنم ببهتان و سخن مالا یعنی گفتن و سحر و دروغ گفتن و طعن
کردن در مردمان و خوار داشتن نماز و جز آن اما عورات جوان را [illegible]

میان من و میان ایشان خلافی مگر آنک از هنرمندان یکی زن باشد که بگفت
من کار نکنند و اگر نی ایشانرا امر کنم تا روی خود را بنا محرم نمایند و
زنا کنند و دروغ گویند و خیانت و میان مسلمانانرا براندازند و اما
از مردان از صد مرد یک مرد باشد که گفت مرا خلاف کند والله اعلم
فصل دهم در ورد نماز شام از تفسیر مغنی رسول
صلی الله علیه و سلم فرموده اند هر که نماز شام با جماعت گزارده باشد
مر او را ثواب بیست نماز و هفتاد درجه در جنات عدن او را
باشد میان هر درجه صد ساله راه باشد **از کفایة الاسلام** پیغامبر
صلی الله علیه و سلم فرموده اند هر که بعد از سنت نماز شام دو رکعت
نماز نفل گزارد البته من شفاعت او بکنم اگرچه فرزندان مرا کشته
باشد یزید علیه ما یستحق این حدیث را در دل نقش بست و قصد
کشتن فرزندان رسول علیه السلام کرد بعده همت بست که دو رکعت
نماز نفل بعد از نماز شام بگزارد و بشفاعت پیغامبر علیه السلام
مشرف گردد چون فرض و سنت نماز شام ادا کرد حضرت حق جل
جلاله او را بعلت سکته مبتلا گردانید چون وقت نماز شام گذشت
و وقت نماز خفتن در آمدی آن زمان بهوش آمدی مقصود آنک
از شفاعت محمد رسول الله صلی الله علیه و سلم محروم ماند و در بین
درجه نوسد **چنین می آرند** از خواجه حسن بصری رحمة الله علیه که او را

در خواب دیدند بعد از وفات وی از وی سوال کردند که ای امام مسلمانان
ما را از حال موت مسلمانان خبر کن که چه دیدی خواجه حسن بصری رحمة الله
علیه گفت که دشوار دیدم احوال مسلمانانرا از این جهت که از هزار
مسلمان که می میرند سیصد مسلمان با ایمان درست میروند لیکن هفتصد
دیگر نعوذ بالله بی ایمان میروند پرسیدند که یا امام مسلمانان چه
تدبیر کنیم گفت بعد از نماز شام دو رکعت نماز گزارید فاتحه یکبار
و بعد از فاتحه پنج آیت از سوره انعام بخوانند در رکعت اول اَلْحَمْدُ
لِلّٰهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمٰتِ وَالنُّورَ ثُمَّ
الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَى
أَجَلًا وَأَجَلٌ مُسَمًّى عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ وَهُوَ اللّٰهُ فِي السَّمٰوَاتِ
وَفِي الْأَرْضِ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ وَمَا تَأْتِيهِمْ
مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ فَقَدْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ
فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ و در رکعت دوم أَلَمْ
يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ تا آنجا [illegible] فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ
مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ خدای تعالی ایمان او را از غارت شیطان نگاه دارد
و امید است از کرم حق تعالی که این بنده را از کرم خود مخصوص گرداند و
این نماز را صلوة النور گویند **از صلوة مسعودی** هر که بعد از نماز شام
دو رکعت نماز گزارد بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه قل یا ایها الکافرون

دارد نگاه

هرکه این نماز را گزاردن عادت دارد حق تعالی آن بنده را از سه تاریکی
اول از تاریکی گور و تاریکی عرصات و تاریکی دوزخ و حق عز وجل
او را ببهشت رساند و این نماز را شکر اللیل گویند درخبرست که
چون شب در اید فرشته بر بام کعبه ندا کند که ای بنده گان خدای و ای امتان
محمد خدای عز وجل شما را شبی بخشید نو و شما را شبی در پیش هست و آن
شب گورست از برای ذخیرهٔ آن شب را درین شب کاری کنید و آن آنست
که دو رکعت نماز گزارید در هر رکعتی بنجاه بار سورهٔ قل یا ایها الکافرون
بخوانید از فواید الفواد روزی خواجه علیه الرحمة روی سوی حاضران
کردند و فرمودند دو رکعت نمازیست که بجهت نگاه داشتن ایمان می باید
گزاردن بعد از صلوة مغرب در رکعت اول بعد از فاتحه هفت بار سورهٔ
اخلاص بخوانند و یکبار قل اعوذ برب الفلق و در رکعت دوم بعد از
فاتحه هفت بار سورهٔ اخلاص بخوانند و یکبار قل اعوذ برب الناس و بعد
از ان سر بسجده نهد و سه بار گوید یا حی یا قیوم ثبتنی علی الایمان
خدای عز وجل ایمان آن بنده را نگاه دارد بعد از ان خواجه علیه الرحمة
دو رکعت دیگر یاد کرد هم بعد از صلوة مغرب برین نهج که مرا یاری بود
هم درس و او را مولانا تقی الدین گفتندی مردی بود صالح و دانشمند
و او پیوسته بعد از نماز شام دو رکعت نماز گزاردی در رکعت اول بعد
از فاتحه والسماء ذات البروج خواندی و در رکعت دوم بعد از فاتحه و السماء

و الطارق خواندی چون این دانشمند از دنیا نقل کرد خواجه فرمودند که من
او را در خواب دیدم گفتم که خدای عز وجل با تو چه کرد گفت چون کار من
تمام شد فرمان آمد که ما او را بدین دو رکعت نماز بخشیدیم و ان نماز
را صلوة البروج خوانند از فتاوی حجه معلمی گفت دیدم بخط مبارک
عبد الله عباس رضی الله عنهما نوشته که هرکه بعد از نماز شام دو رکعت
نماز گزارد بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه سورهٔ اخلاص و معوذتین
هر یکی را سه گان بار و بعد از سلام این دعا بخواند که اللّٰهُمَّ اجْعَلْ
هٰذِهِ الصَّلٰوةَ سِرَاجًا فِي قَبْرِي وَفِي قُبُورِ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ هرکه
این نماز را گزارد خدای تعالی در گور وی نوری فرستد همچون چراغ
تا روز قیامت روشنایی دهد رسول علیه السلام فرمودند هرکه
میان نماز شام و نماز خفتن دو رکعت نماز گزارد بخواند در هر رکعتی
بعد از فاتحه سورهٔ اخلاص را سه بار خدای عز وجل سکرات موت را
بروی آسانی کرداند از تفسیر زاهدی پیغامبر علیه السلام فرمودند
هرکه بعد از نماز شام دو رکعت نماز گزارد بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه
سورهٔ اخلاص شانزده بار چون روز قیامت شود این بنده حاضر
کردد هم گویند که این مرد از صدیقان نیست پس از صادقان بگذرد
گویند این مرد از شهیدان نیست چون از شهیدان بگذرد گویند این
مرد از پیغامبران نیست چون از پیغامبران بگذرد او را حجابی نباشد

تا بن یر عرش رحمن جل جلاله رسد **صفت صلوة الاوابین** از (صلوة)

مسعودی خواجه امام زاهد فخر از صلوة خواجه امام اجل سرخسی

رحمهما الله درس میفرمود این حدیث بیرون آمد که هر که بعد از

نماز شام دو رکعت نماز گزارد بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه یکبار

آیة الکرسی و یکبار آیة شهد الله و پنج بار قل هو الله احد و یکبار قل

اعوذ برب الفلق و یکبار قل اعوذ برب الناس خدای عز وجل آن

بنده را از وقت دادن جان تا وقت در آمدن در بهشت جمله دشواریها

را بروی آسان کرداند و این نماز را نماز اوابین میخوانند از آن معنی

که در بهشت دریست که آن در را باب الاوابین میخوانند چون بنده

مؤمن در دنیا عادت کرده باشد که این نماز را بگزارد چون بقیامت

سر از خاک تیره بردارد آن در ندا میکند که ای ولی خدای بر من گذر که

طریق تو بر منست **از اوراد** در بیان حفظ **ایمان** هر که بعد از ادای

فریضه و سنت نماز شام دو رکعت نماز گزارد بخواند در هر رکعتی پنج بار

آیت رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً

إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ و بعد از آن پنج بار بخوانند این آیت را رَبِّ قَدْ

آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ

وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيِّي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِي

بِالصَّالِحِينَ و بعد از این پنج بار گوید سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا

اله

إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ خدای تعالی

ایمان او را از غارت شیطان در عصمت خود دارد **از تفسیر منیر**

ابن عباس رضی الله عنهما گفت که از پیغامبر صلی الله علیه وسلم شنیدم

که هر که این سه آیت فَسُبْحَانَ اللّٰهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ

را تا آخر آیه وَكَذٰلِكَ تُخْرَجُونَ و سه آیت سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا

يَصِفُونَ را تا آخر سوره از پس نماز شام بخواند هر تقصیری که در روز آمده

باشد همه را تدارک کرده باشد و جمله گناهان از وی عفو کنند و بعبادت

حق تعالی آن بنده مشغول شده باشد و اگر بامداد بخواند همین حکم است

و اگر پس هر نماز بخواند نمازهای او قبول شود و ثواب بی شمار در

دیوان او بنویسند **عبد الله عباس** رضی الله عنهما فرمود که هر کرا

وعده دهند از رحمت حق و بنده بر امید آن کار کند حق تعالی آن ثواب

او را بدهد اگرچه خبر درست نباشد و سوگند یاد کرد که من هیچ حدیثی

نشنیده ام از پیغامبر علیه السلام که البته چشم من بدان روشن شده است

و دلم شادمانه شده است اما از این حدیث روشن تر شده است و شاد

مانه تر گشته است **رسول** علیه السلام فرمود هر که بعد از نماز شام صد

بار گوید که لا اله الا الله محمد رسول الله حق تعالی او را سه چیز کرامت کند

اول آنکه هیچ گناه ایمان او را زوال نیارد دوم آنکه از وی خوشنود گردد

سیوم آنکه عذاب بر وی نباشد والله الهادی **فصل یازدهم**

پیغامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند
در ورد نماز خفتن از تفسیر مغنی
هر که نماز خفتن را بجماعت گزارد مر او را قیام شب قدر باشد رسول
علیه السلام فرمودند هر که بگزارد نماز دو سنت درآید در بهشت یعنی نماز
بامداد و نماز خفتن از صلوة مسعودی امام زاهد غفر رحمة
الله علیه حدیثی روایت کرده است باسناد درست از حضرت رسالت
صلی الله علیه وسلم هر که بعد از وتر دو رکعت نماز گزارد در هر رکعتی
بعد از فاتحه یکبار آیت اَلَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا تا آخر که اِلَّا هُوَ
الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ و در آخر گوید وَاَنَا عَلٰى ذٰلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ این نماز سبب
بقاء ایمانست و این نماز را در مسجد نباید گزارد در خانه باید گزاردن
قَالَ النَّبِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا صَلٰوةَ فِي الْمَسْجِدِ اِلَّا الْمَكْتُوبَةَ و اگر طالب
علمی را حفظ نباشد این نماز را بجهت حفظ گزارد خدای عز و جل
ورا حفظ بخشد روایت میکند حفصه بنت امیر المؤمنین عمر
رضی الله عنهما که یکی از خاتونان رسول است صلی الله علیه وسلم که او از
رسول علیه السلام نقل میکند که هر که بعد از وتر سه بار این تسبیح
را گوید که تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
خدای عز و جل ثواب هشتاد ساله نماز پذیرفته در دیوان اعمال
او ثبت کرد اند مرویست که پیغامبر صلی الله علیه وسلم مرخاتون قیامت
فاطمه زهرا را رضی الله عنها فرمودند که ای نور چشم من بدانکه هر

مؤمنی و مؤمنه که دو سجده کند بعد از نماز وتر و بگوید در سجده
اول پنج بار سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ پس سر از
سجده بردارد و یکبار آیة الکرسی بخواند پس سجده دوم کند و بگوید
پنج بار دیگر سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ بدان خدایی
که جان محمد در فرمان اوست این بنده از جای خود برنخیزد مگر
آنکه خدای عز و جل او را آمرزیده باشد و خدای تعالی او را ثواب صد
حج پذیرفته دهد و خدای تعالی مر او را ثواب شهیدان دهد و خدای
تعالی هزار فرشته فرستد سوی او تا نویسند بنام او نیکیها و از
روی ثواب چنان باشد که صد بنده آزاد کرده است در راه رضای حق
سبحانه و تعالی و خدای تعالی دعای او را مستجاب کند و مقام شفاعت
دهد او را در روز قیامت رسول علیه السلام فرمودند هر که بعد
از نماز خفتن صد بار گوید سبحان الله و الحمد لله تا آخر حق تعالی او را
سه چیز کرامت کند اول آنکه هر شبی دو هزار و پانصد گناه او را آمرزد
دوم آنکه دو هزار و پانصد کوشک در بهشت بنام او بنا کردن فرماید سوم
آنکه دو هزار و پانصد درجه در بهشت بنام او برارند از تفسیر منیر خبر بسیت
مسند که امام اعظم ابو حنیفه کوفی رحمة الله علیه روایت میکند
از ابو ایوب عابد و از محارب بن دثار و ایشان از عبد الله عمر رضی الله عنهما
از پیغامبر علیه السلام که فرمودند هر که بعد از نماز خفتن چهار رکعت

بگزارند در هر رکعتی اول بعد از فاتحه سوره الم تنزیل السجده بخوانند
در رکعت دوم بعد از فاتحه سوره یس و در رکعت سیوم بعد از فاتحه
سوره الدخان و در رکعت چهارم بعد از فاتحه سوره تبارک چنان بود
که این بنده شب قدر را دریافته باشد و او را از عذاب گور ایمن دهند
و هفتاد تن از اهل وی بشفاعت وی از آتش نجات یابند الحاصل این
نماز را در سالی یکبار گزارند صلوة السعادة مشایخ رحمهم الله بگزارند
این نماز و مثبت بسیار کرده اند هر که خواهد که گزارد این نماز را باید که
در شب گزارد پیش از وتر چهار رکعت نماز گزارد بگزارند در رکعت اول
بعد از فاتحه قل هو الله احد ده بار و در رکعت دوم بعد از فاتحه قل هو الله
احد بیست بار و در رکعت سیوم سی بار و در رکعت چهارم چهل بار چون
از نماز فارغ شود سر بسجده نهد و گوید اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِی سَعَادَةَ الدُّنْیَا
وَالْآخِرَةِ و این نماز سنت حضرت آدم صفی و نوح نجی و ابراهیم
خلیل صلوات الله علیهم اجمعین گزارده اند و پیغامبر علیه السلام
فرموده اند که این نماز را بفاسقان میاموزید که بر فسق خود دلیر شوند
و یاری و استعانت خواهند حق تعالی از برکت این نماز حاجات ایشان
روا کرده اند و شما را و بالغ نظیم باشد از روضه در خبرست که حق تعالی
وحی کرد سوی داود پیغامبر صلوات الله علیه که یا داود هر که تمام شب
بخسبد او شایسته بهشت نباشد صلوة التهجد از تفسیر منیر

انس

انس بن مالک رضی الله عنه گفت که پیغامبر علیه السلام فرموده اند هر که
در شب بیدار شود برخیزد و طهارت سازد و دو رکعت نماز گزارد
و عیال خود را نیز بیدار کند تا وی این دو رکعت نماز را بگزارد ایزد
تعالی نام او را و نام عیال او را آن شب از جمله ذَاکِرِینَ اللّٰهَ کَثِیرًا وَ
الذَّاکِرَاتِ نویساند از تفسیر مغنی پیغامبر صلی الله علیه وسلم فرموده اند
که چون بنده در شب از خواب برخیزد و سجده کند و گوید یا رب
خدای عز و جل فرمان کند و گوید که بعزت و جلال من و بجود و کرم من که
خداوندم بعد از این ترا هیچ رنجی نرسد رسول علیه السلام فرموده اند
که فاضلترین نمازها بعد از فریضه نماز میانه شب است رسول
صلی الله علیه وسلم گفتند دو رکعت نماز که بنده گزارد در میانه شب
بهترست مرا و را از دنیا و آنچه در دنیاست و اگر نه دشوار بودی بر امت
من بدرستی که آنرا بر ایشان فریضه میگفتم در فتاوی آورده است که
اقل تهجد چهار رکعت هست نشسته باید گزاردن چندانک تواند گزارد
و بعد از هر دو رکعتی که گزارد بنشیند و تسبیح و استغفار میگوید
و صلوات میفرستد تا درجات عالیه یابد و بهشت جای او گردد
آورده اند که زنی بحضرت پیغامبر صلی الله علیه وسلم آمد و گفت من
عهد کرده ام که شوهر نخواهم مگر مردی را که در شب هزار رکعت
نماز گزارد مردی برخاست و گفت یا رسول الله شما بلفظ مبارک

خود

هر شب

دعایی آموختید و کفتید که هرکه هرشب این دعا را بخواند چنان بود که
هزار رکعت نماز کذارده باشد وحق هرشبی این دعا را میخواند رسول
علیه السلام فرمودند که راست کفتی و این مرد آن زنرا بنکاح خواست
دعا اینست بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ سُبْحَانَ اللهِ الْمُقْتَدِرِ لِمَا
يَشَاءُ بِقُدْرَتِهِ فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ بِعِزَّتِهِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
از تفسیر منیر در خبرست که هرکه آیت آمن الرسول را تا آخر سوره
بخواند بعد از نماز خفتن دو بار چنانستی که از بنده قیام شب کرده است
در خبرست که هرکه آیت شهد الله را در وقت خفتن بخواند حق
تعالی از ثواب آن آفریند هفتاد هزار خلق را که آمرزش خواهند
مر او را تا روز قیامت از وصایا رسول علیه السلام فرمودند که
یا علی هرکه در وقت خفتن آخر سوره کهف را بخواند یعنی قُلْ إِنَّمَا أَنَا
بَشَرٌ مِثْلُكُمْ را تا آخر سوره خدای تعالی از برای این بنده بنا کند قصرها
از نور از تفسیر منیر هرکه این آیت را وقت خفتن خواند وخسبد
و نیت کند که بکدام وقت برخیزد حق عزوجل بدان وقت او را از خواب
بیدار کند ایضا هرکه این دعا را در وقت نماز خفتن ورد سازد او
را در کور تنها نمانند و در کور او روشنایی بود از نور دعا اینست
بسم الله الرحمن الرحيم يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ يَا حَلِيمُ يَا عَلِيمُ يَا جَلِيلُ يَا جَمِيلُ
يَا كَبِيرُ يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ يَا مَنِيعُ يَا وِتْرُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ

وعلى

وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ لَا تَدَعَنِي فِي قَبْرِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ وصلى الله
على خير خلقه محمد وآله اجمعين وهرکه در اثناء شب بیدار شود وکوید
لا اله الا الله وحده لا شريك له له الملك وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
قدير سبحان الله والحمد لله تا آخر بخواند بعد از آن هر حاجتی که خواهد
باجابت مقرون شود وهرکه در شب از پهلو بپهلو کردد وکوید یا الله
حق تعالی او را آمرزد از کنز العباد شیخ الاسلام بهاء الدین زکریا
رحمة الله علیه فرمود هرکه بوقت خفتن کهیعص این حروف را کوید
و در پنج انکشت دست راست یکان یکان عقد کیرد و در پنج انکشت دست
چپ حم عسق این حروف را کوید و عقد کیرد و در هر دو کف دست
خود بدمد و در سر و روی فرود آرد و بر اندام خود دمد از جمیع جهات
خود خداوند عزوجل آن بنده را از بلاهای شب و روز در عصمت خود
دارد از وسیلة القلوب عقبة ابن عامر رضی الله عنه کفت که رسول علیه
السلام مرا دیدند وکفتند یا عقبه بیا معلوم تا بهترین سوره ها سه سوره
که منزل شده است در توریت وانجیل وزبور وفرقان کفتم بلی یا رسول
الله فرمودند که بخوان قل هو الله احد وقل اعوذ برب الفلق وقل
اعوذ برب الناس را بعد از آن فرمودند که فراموش مکن ومخسب
هیچ شبی تا آنکاه که این سوره را نخوانی بدرستی که این سوره ها امان است
از جمیع بلاها عایشه صدیقه رضی الله عنها کفت که چون رسول

صلی الله علیه وسلم

بخواستی خفت این هر سه سوره را خواندی و کف هر دو دست را بر هم آوردی و در آن میان دمیدی و بر سر مبارک و جمیع اعضای خود هر کجا که دست مبارک او رسیدی مالیدی از پیش و پس سه بار چنین کردی و خفتی و گفتی که این دفع جمیع بلاهاست **ایضا** در حدیث آمده است که هر که بر سر جامه خواب ده بار گوید بسم الله الرحمن الرحیم لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم بیرون آید از گناهان چنانکه آن روز از مادر زاده بود **در حدیث** آمده است که هر که بر سر جامه خواب سه بار گوید أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِی لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ وَأَتُوبُ إِلَیْهِ گناهان او آمرزیده شود اگر هم چند کف دریا باشد **از وصایا** پیغامبر علیه السلام فرموده اند که یا علی هر شب باید که پنج کار بکنی و بخسپی اول چهار هزار درم صدقه کنی و ختم قرآن کنی و بهشت را بها بستانی و حج بجای آری و پنجم خصمانرا خشنود کنی امیر المؤمنین علی رضی الله عنه گفت یا رسول الله در این فرصت اندک کی توانم این جمله کار را بجای آوردن رسول علیه السلام گفت ای علی باید که در وقت خفتن چهار بار سوره فاتحه را خوانی تا چهار هزار درم صدقه کرده باشی و سه بار سوره اخلاص را خوانی تا جمیع قرآن را ختم کرده باشی و ده بار صلوات فرستی تا بهشت را خریده باشی و چهار بار کلمه سبحان الله و الحمد لله را تا آخر خوانی تا حج بجای آورده باشی و ده بار استغفار گویی تا جمله

خصمانرا خوشنود کرده باشی **رسول** علیه السلام گفتند مر حضرت خضر را که یا خضر چون خواهی که شب بخفتی سوره فاتحه و آیة الکرسی و آمن الرسول را تا آخر سوره بخوانی و چهار قل را بخوانی من ترا ضامنم ببهشت و الله التوفیق **ذکر وعید تارک نماز خفتن مرویست که** عقیل برادر امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه با رسول صلی الله علیه و سلم بسفری رفت تشنگی بر وی غالب شد گفت یا رسول الله بغایت تشنه شده ام در حال آهویی آمد رسول علیه السلام از آهو پرسید که آب کجاست آهو گفت یا رسول الله آب مسافتی دورست رسول علیه السلام گفت ای آهو ما را راهبر شو بطرف آب آهو گفت یا رسول الله بچگان خرد دارم بروم و ایشانرا شیر دهم و باز آیم و راه آب را با شما نمایم رسول علیه السلام گفت برو همچنان کن عقیل گفت یا رسول الله شاید که آهو برود و نیاید رسول علیه السلام گفت ای آهو باشد که باز نیایی گفت یا رسول الله هرگز خلاف نکنم و سخنی در گوش مبارک رسول علیه السلام گفت و رفت عقیل گفت که یا رسول الله آهو چه گفت پیغامبر علیه السلام گفتند میگوید که اگر من باز نیایم از تارک نماز خفتن بدتر باشم زهی خسارت و بدبختی مران کسانی را نمازها را بی عذر ترک کنند **از صلوة مسعودی** رسول علیه السلام فرموده اند هر که نماز خفتن بگزارد و بنشیند

همه مردم بیرون روند آنگاه وی بیرون آید خدای عز و جل امر کند
مر فرشتگان را تا علمی از نور پیش وی برند چون بخانه رود و
خسپد فرشتگان آن علم را بر سر بالین وی زنند و تا روز
این بنده را آمرزش خواهند چون بامداد برخیزد و طهارت سازد
و سوی مسجد روان شود همان علم نور را در پیش وی می برند تا
بمسجد چون نماز گزارد این بنده چندانی نشیند که آفتاب برآید
آنگاه دو رکعت نماز گزارد و بیرون رود فرشتگان همان
علم نور را در پیش وی می برند و اگر کسی بتعجیل نماز گزارد
و بیرون رود دیوان علم خیانت را در پیش وی می برند و فاقه
و درویشی را در خاطر وی می آرند و وی را از فاقه و دست تنگی
می ترسانند چنانکه خدای عز و جل در کلام مجید خود میفرماید
قوله تعالی اَلشَّیطَانُ یَعِدُکُمُ الفَقرَ وَیَأمُرُکُم بِالفَحشَاءِ و بخل
و حسد را در پیش وی می آرند نعوذ بالله منها ایضاً از صلوة
مسعودی بخبر آمده است که در دوزخ دریایی است سیاه و آب وی
تلخ آماده کرده اند الله از برای کسانی که بی عذر شرعی نماز خفتن
را ناگزارده خسپند انخالصة الحقایق سوال اگر کسی نماز خفتن
نگزارد و خسپد با وجود صحت تن چیست حال او و چیست وعید
در حق او جواب انس بن مالک رضی الله عنه گفت که پیغامبر

صلی

صلی الله علیه و سلم فرمودند هر که نماز خفتن را نگزارد و خسپد تا وقت
وی از دست رود جمیع فرشتگان او را دعای بد کنند و گویند خسپد
چشمهای تو از سبب درد کردن و هرگز روشن نشود و خدای تعالی ترا
حبس کند در دوزخ چنانک مار را حبس کردی از تفسیر مغنی مرویست که
پیغامبر علیه السلام شتری را دید که در دیواری سخت بسته بودند چون
پیغامبر علیه السلام دید بنالید چنانکه بچه نالد بر پدر و مادر خود رسول
علیه السلام از آن طایفه پرسید که او را چرا بسته اید ایشان گفتند
که این شتر ما را می گزد و بعضی از کسان ما را گزیده است از خوف آنک
ما را نکشد او را اینچنین بسته ایم رسول علیه السلام آن شتر را
گفت چرا ایشان را گزیدی گفت بدرستی که ایشان نماز خفتن ناگزارده
بخواب رفته اند من ترسیدم که نباید که عذاب نازل شود بر ایشان و
من هلاک شوم من ایشان را رنجانیدم تا باخبر شوند از کار بد خویش
پس رسول علیه السلام فرمودند که دعا کنید این شتر را که بر شما
نیکویی خواسته است و شما بر عکس آن پنداشته اید والله اعلم

فصل دوازدهم در فضیلت شب جمعه

از تفسیر مغنی رسول صلی الله علیه و سلم فرمودند هر که در شب جمعه صد بار
برمن صلوات فرستد خدای عز و جل صد حاجات وی را روا کند از حاجتهای
آخرت و سی حاجت او را از حاجتهای دنیا و خدای تعالی موکل کرداند که

از بهر درود فرشته را که می آرد آن درود را نزدیک من چنانکه نزد شما آورده می شود
هدیها بطبقها و بدرستی که علم و دانستن من از بعد موت همچنانست که
مرا در حیوة بود و ثبت میکنند فرشته آن صلوات را در صحیفهٔ سفید
پس آن صلوات نزدیک من بود تا روز قیامت رسول علیه السلام
فرمودند بدرستی که مر خدای عز و جل را فرشتگانند که آفریده شده اند
از نور ایشان فرود نیایند مگر در شب جمعه یا روز جمعه و بدستهای
ایشان قلمها باشد از زر و دوات از نقره و کاغذها از نور ایشان
نمی نویسند مگر درود من پس بسیار گویید در شب جمعه و در روز
جمعه صلوات را بر من پس هر که توفیق رفیق وی شود تا بر من
صلوات گوید در شب جمعه یا در روز جمعه خدای تعالی سرد گرداند بروی
آتش دوزخ را و بسته گرداند بروی درهای دوزخ را و گشاده گردانند
بروی او درهای بهشت را رسول علیه السلام فرمودند هر که بگزارد
دو رکعت نماز در شب جمعه و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه قل هو الله
احد هفتاد بار چون از نماز فارغ شود هفتاد بار استغفار گوید
پرسیدند یا رسول الله چیست ثواب این دو رکعت نماز پیغامبر
علیه السلام گفتند بدان خدایی که مرا براستی فرستاده است بخلق
اگر جمله امت من بمیرند بگناه کبیره و دعا کنند مرا ایشان را این گزارنده
نماز استغفار بدرستی که خدای تعالی ایشان را در بهشت در آرد بشفاعت

او و الله اعلم رسول علیه السلام فرمودند بدرستی که مر خدای عز و جل را
فاضل مالها است که زیاده بر روزیهای بندگان که قسمت کرده است میان
بندگان داده نمیشود از آن مالها کسی را مگر آن کسی را که خواهد از
حق عز و جل در پنجشنبه و شب جمعه تضرع و نیاز عرضه کند بحضرت
بی نیاز رسول علیه السلام فرمودند هر که در شب جمعه نماز وتر را در
خانه گزارد نوشته نشود گناه او تا جمعهٔ دیگر و اگر در میان این دو جمعه
بمیرد شهید مرده باشد و بیامرزد خدای تعالی بهر رکعتی گناه یکسالهٔ
او را و نویسد مر او را ثواب عبادت یکساله و بنا کند از برای او مدینهٔ
در بهشت رسول علیه السلام فرمودند هر که بگزارد در شب جمعه میان
نماز شام و نماز خفتن دو رکعت نماز و بخواند در رکعت اول بعد از
فاتحه آیة الکرسی یکبار و قل هو الله احد بیست و پنج بار و در رکعت دوم
بر همین نهج بخواند و چون از نماز فارغ شود هفتاد بار لا حول و لا
قوة الا بالله العلی العظیم گوید این بنده بیرون نرود از دنیا تا جای
خود را در بهشت نبیند بدانک بعضی از فضیلت نماز شب جمعه جهت
آسانی موت و حساب قیامت و سوال منکر و نکیر در باب بستیم
در عصمت از عذاب نوشته شود انشاء الله و بالله التوفیق

فصل سیزدهم در فضیلت ورد نماز جمعه و غسل روز جمعه و ذکر وعید فوت نماز جمعه از فواید الفواد

بدانک در نا رفتن نماز جمعه هیچ تاویلی نیست مگر کسی که بنده باشد یا مسافر
یا مریض یا کود اما آنک تواند که رود و نرود قوی سخت دل سیاه عمر باشد
اگر کسی یک جمعه نماز نرود نقطهٔ سیاه در دل او پیدا شود واگر دو جمعه نرود
دو نقطهٔ سیاه بر دل او پیدا شود واگر سه جمعه نرود تمام دل او سیاه
شود نعوذ بالله منها از تفسیر مغنی امیر المؤمنین علی رضی الله عنه
فرمود هرکه ترک آرد یک جمعه را بی عذری او را دیگر تا روز قیامت هیچ
کفارت نیست از صلوة مسعودی پیغامبر علیه السلام فرمودند هرکه
یک نماز جمعه را بعمدا نگذارد ثلث دلش سیاه شود وهرکه دو نماز جمعه را
بعمدا نگذارد ثلثان دلش سیاه شود وهرکه سه نماز جمعه را بعمدا نگذارد
کل دلش سیاه شود ورسول علیه السلام فرمودند که اینچنین کس را
نماز نیست وزکوة نیست وروزه نیست وحج نیست وی از ما نیست
وما از وی نیستیم بر صحت آنکه خبر دهد که پیغمبر رسول علیه السلام
فرمودند که هرکه سه آدینه را ترک کند بعمدا نگذارد وی منافقست
قال النبی علیه السلام مَنْ تَرَكَ الْجُمُعَةَ ثَلَاثًا بِغَيْرِ عُذْرٍ فَهُوَ مُنَافِقٌ
این وعید در حق کسی است که باعتقاد ترک کند ونگذارد اما اگر بافعال
مانده بود وآنرا گناه دانسته توبه کند خدای تعالی توبهٔ او را قبول کند
واو را بیامرزد بفضل وکرم خویش ذکر خواندن ادعیهٔ روز جمعه
از تفسیر مغنی رسول علیه السلام فرمودند هرکه خواند در وقت صبح روز

جمعه

جمعه پیش از نماز بامداد این استغفار را که أَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلٰهَ
إِلَّا هُوَ الْحَيَّ الْقَيُّومَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ سه بار گوید خدای تعالی بیامرزد او را
و مادر و پدر او را اگرچه گناه ایشان مثل موج دریا باشد رسول علیه
السلام فرمودند هرکه یکبار بخواند در شب جمعه قل هو الله احد را بدستی که
دریافته باشد شب قدر را نقل از مطلوب المسلمین از ثقات
معتبر نقل کرده شده است که هرکه در روز جمعه بعد سلام نماز گوید
پیش از انک برخیزد و با کسی سخن گوید هفت بار فاتحه و هفت بار
قل هو الله احد و هفت بار قل اعوذ برب الفلق و هفت بار قل اعوذ
برب الناس درین اثر وارد است از سلف که هرکه همچنین کند از ین
جمعه تا جمعهٔ دیگر ایمن باشد از همه بلاها و از همه چیزی شود از شیطان
لعین علما گفته اند مستحب است مر مصلی را که بعد از نماز جمعه گوید اللّٰهمّ
يَا غَنِيُّ يَا حَمِيدُ يَا مُبْدِئُ يَا مُعِيدُ يَا رَحِيمُ يَا وَدُودُ أَغْنِنِي بِحَلَالِكَ
عَنْ حَرَامِكَ وَبِطَاعَتِكَ عَنْ مَعْصِيَتِكَ وَبِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ
در اسناد این دعا آمده است که هرکه مداومت کند بر خواندن این دعا
حق تعالی او را از خلق بی نیاز کرده اند وروزی او را از جائی رساند که
کس نداند رسول علیه السلام فرمودند هرکه صد بار گوید بعد از نماز
جمعه که سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ خدای تعالی
صد گناه او را آمرزد و بیست و چهار هزار گناه مادر و پدر او را بیامرزد

رسول علیه السلام فرمودند هر مسلمانی که بعد از نماز دیگر جمعه هفت بار
بگوید که اَللّٰهُمَّ اَنْتَ رَبِّي وَاَنَا عَبْدُکَ اَسْئَلُکَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ
وَرَسُوْلِکَ خدای تعالی هفتاد ساله گناه وی را آمرزد و نشو نوشته نشود مر او را
هیچ گناهی از وسیلة القلوب در حدیث آمده است که هر که بر من صلوات
گوید روز آدینه صد بار آمرزیده شود خطاهای هشتاد ساله آن بنده
از تفسیر مغنی پیغامبر صلی الله علیه وسلم فرموده هر که پیش از زوال روز
آدینه سورة الکهف را خواند حق تعالی او را و فرزندان او را و املاک و اسباب
او را از جمله بلاها و آفتها نگاه دارد و از شر دجال اعور تا جمعهٔ دیگر
او را سلامت دارد در ترجمهٔ احیا آورده است که عبد الله عمر و عبد الله
عباس و ابو هریره رضی الله عنهم روایت کرده اند که هر که شب آدینه
یا روز آدینه سورة الکهف را بخواند وی را نوری دهند از آنجا که خواند
وی تا مکهٔ معظمه و تا آدینهٔ دیگر گناهان وی آمرزیده شود و هفتاد
هزار فرشته برای وی آمرزش خواهند و عافیت یابد از جملهٔ بلاها
و آفتها مثل پیسی و جذام و از شر فتنهٔ دجال خدای عز و جل او را
نگاه دارد ان شاء الله تعالی و بالله العصمة والتوفیق ذکر فضیلت روز
جمعه و غسل از تفسیر مغنی پیغامبر علیه السلام فرموده اند هر که
غسل کند در روز جمعه بغیر جنابت نوشته شود مر او را بعدد هر
موئی که بر تن اوست نوری در روز قیامت رسول علیه السلام فرموده اند

غسل کنید در روز جمعه اگرچه یک کاسه آب را بدیناری فروشند رسول
علیه السلام فرموده اند هر که غسل کند در روز جمعه و مسواک کند و موی
لب را پست کند خدای عز و جل او را از درد پهلو و از قولنج و فالج نگاه
دارد و از جذام و از برص و از فتنهٔ دجال نگاه دارد رسول علیه السلام
فرموده اند که طعام مخورید تکیه زده که من دیدم در شب معراج بزیر عرش هفتاد
مدینه هر مدینه هفتاد چند جوف دنیای شما این همه مداین پر از
فرشتگان این همه تسبیح و تقدیس میگویند و ورد کار خود را و در تسبیح
خود میگویند که ای بار خدای بیامرز آن کسی را که غسل کند در روز جمعه
ذکر منع پای نهادن بر گردن مردمان روز جمعه در مسجد از تفسیر مغنی
پیغامبر صلی الله علیه وسلم فرموده اند هر که پای بر گردن مسلمان نهد و گذرد در
مسجد آدینه روز جمعه حق تعالی او را در دوزخ پل گرداند نقل امیر المؤمنین
علی رضی الله عنه گفت خوردن قدحی خمر دوست تر است نزد یک من از ترک
کردن نماز جمعه و ترک آوردن نماز جمعه دوست تر است نزد یک من از
پای نهادن بر گردن مردمان رسول علیه السلام فرموده اند هر که غسل
کند روز جمعه و جامهٔ خوب پوشد و بوی خوش بکار برد دا کس دست
رس باشدش پس بیرون آید و بمسجد آدینه رود و پای بر گردن
مردمان ننهد یعنی بگاه بمسجد رود و نماز آدینه گزارد و خاموش
باشد هر جا که خطیب بخطبه خواندن بیرون آید او سخن نگوید

این جمله افعال پسندیده کفارت گناه آن بنده باشد تا جمعهٔ دیگر
رسول علیه السلام فرمودند که طعام مخورید تکیه زده و طعام
مخورید در غربال و مگیرید در مسجد جای نماز را مگر در همانجای نماز
گزارید و تخطی رقاب مکنید یعنی در مسجد پای بر گردن مسلمانان
منهید که خدای تعالی در روز قیامت آنکس را پل گرداند تا خلق
قدم بروی نهند و گذرند نعوذ بالله منها ذکر منع از سخن گفتن در
مسجد جمعه از تفسیر مغنی رسول علیه السلام فرمودند چون
کسی در حالت خطبه سخن گوید و یا کسی را از سخن گفتن بزبان منع
کند و گوید که خاموش باش او را از ثواب جمعه هیچ نصیب نباشد
در شرعة الاسلام آورده است که باشارت انگشت هم منع مکنند
ذکر فضیلت نماز جمعه از تفسیر مغنی رسول علیه السلام گفتند
هر که نماز جمعه گزارد او را اجر و ثواب صد شهید باشد رسول علیه
السلام فرمودند که خبر کنم شما را از اهل بهشت صحابه گفتند یا رسول
الله کیانند اهل بهشت رسول علیه السلام فرمودند کسی که او را
از جمعه باز ندارد گرمای سخت یا سرمای سخت و باران و گل
رسول علیه السلام فرمودند هر که نماز جمعه را گزارد و روزه دار
باشد و مریض را پرسد و نماز جنازه گزارد و در ختنه سور
حاضر شود واجب شود مر او را بهشت رسول علیه السلام فرمودند

بدرستی

بدرستی که خدای تعالی فرشتگان او درود میگویند و آمرزش میخواهند مر آن
کسانی را که دستار بسته در شب جمعه میگذارند نقل امیر المؤمنین علی رضی الله
عنه گفت چون روز جمعه شود بامداد بگاه دیوان هم در بازارها میروند
و مردمان را می گیرند و بکار دنیا مشغول می سازند و چنینها ایشان را باز
میدهند که از نماز باز دارد و منع میکنند ایشان را از رفتن بنماز جمعه و فرشتگان
نشینند با علمهای نور بر درهای مسجد هر مردی که بگاه در مسجد میدر آید می
نویسند که فلان بن فلان در اول ساعت آمد و فلان ابن فلان در
دوم ساعت آمد تا آن زمان که امام بر منبر بر آید جهت خطبه خواندن بعد
از آنکه خطبه تمام شود فرشتگان می برخیزند و اندرون مسجد می درایند
و با مؤمنان در نماز موافقت میکنند و هر ثوابی که خدای تعالی ایشان را
می بخشد آن جمله ثواب را مر مؤمنان امت محمد را می بخشند والله الهادی
ذکر ساعت مرجوه از تفسیر مغنی پیغامبر علیه السلام فرمودند که
آمد نزدیک من جبرئیل علیه السلام و بر کف دست او چیزی همچون آیینه
بود سفید و درو نقطه سبز بس گفتم یا اخی جبرئیل این چیست گفت این روز
آدینه است عرض میکند پروردگار عالم جل جلاله آنرا بر تو و امتان تو و باشد
از آدینه مر ترا و مر امتان ترا عید بعد از تو من گفتم یا اخی جبرئیل آن
نقطه چیست گفت آن ساعتی است مبارک در روز آدینه هر که در آن ساعت
از حق عز و جل هر چه خواهد که خیر باشد خدای تعالی او را عطا کند بفضل خود

از پیغامبر صلی الله علیه وسلم سوال کردند که آن ساعت کدامست رسول علیه السلام
فرمودند که بعد از نماز دیگر است تا غروب آفتاب بیشتر اقوال برین است
و بیک قول رسول علیه السلام فرموده که در حالت تکبیر اول نماز جمعه است
مرویست که خاتون قیامت فاطمه زهرا رضی الله عنها در روز جمعه بعد از
نماز دیگر چون قرص آفتاب نیم غروب کردی دعا کردی و غلام را گفتی
تا بر بالای بلندی رفتی و نظر کردی چون قرص آفتاب را غروب شدی
خبر کردی آنگاه فاطمه دعا کردی **ذکر فضیلت نمازهای نفل روز**
جمعه از تفسیر مغنی هر که در روز جمعه چهار رکعت نماز نفل گزارد و بخواند
در هر چهار رکعت فاتحه یکبار و سوره اخلاص پنجاه بار در هر چهار رکعت
دویست بار قل هو الله احد را خوانده باشد بدرستی که آنکس ادا کرده باشد حق جمعه را
چنانکه ادا کرده اند فرشتگان و فضیلت این نماز بسیار است و خواجه امام
غزالی رحمة الله علیه در زاد الآخرة آورده است که هر که این نماز را گزارد
نمیرد تا جای خود را در بهشت نه بیند والله الهادی **کفارت نمازها**
قضا روایت کرده اند باسناد صحیح از پیغامبر صلی الله علیه وسلم که هر که
را نماز قضا بسیار گذشته باشد و عدد آن نداند چون روز آدینه شود
پیش از نماز آدینه چهار رکعت نماز گزارد بیک سلام بخوانند در هر رکعتی
بعد از فاتحه آیة الکرسی یکبار و سوره انا اعطینا پانزده بار امیر
المومنین ابوبکر صدیق رضی الله عنه گفت که من از پیغامبر صلی الله علیه وسلم

شنیدم

شنیدم که گفت کفارت دویست ساله نماز قضاء وی شود و بروایت امیر المومنین
عمر رضی الله عنه چهارصد ساله و بروایت امیر المومنین عثمان رضی الله
عنه پانصد ساله و بروایت امیر المومنین علی رضی الله عنه هفتصد ساله
نماز قضا را کفارت شود صحابه گفتند یا رسول الله عمر امت شما هفتاد
سال یا هشتاد سالست چندین نماز که بیان می کنید کدام است پیغامبر
صلی الله علیه وسلم فرمودند که نماز مادر و پدر و جد و آبا و اقربا و فرزندان
او را کفارت شود و قبول افتد بدان ای بنده که این خبر بطریق وعده است
مر آن کسانی را که بتقصیر نماز را قضا کرده اند و عذری داشته اند اما
تو برین اعتماد نکنی و پشت جهالت بر دیوار غفلت ننهی و نماز را
بالقصد قضا نکنی و از وقت نبری زیرا که وعید و خوف در حق تارک
نماز صد چندین است ای بنده از غضب خداوند عز وجل ترس که چنانکه
رحمان و رحیم است جبار و قهار نیز هست سعی کن و فرمان خدای
تعالی را بوقت بجای آر تا رحمت حق عز وجل را یابی و آمرزیده شوی
انشاء الله تعالی و بعد از نماز این دعا بخوانند و صلوات فرستد بسم الله الرحمن الرحیم
اَللّٰهُمَّ یا سابِقَ الْفَوْتِ و یا سامِعَ الصَّوْتِ وَیا مُحْیِیَ الْعِظامِ بَعْدَ
الْمَوْتِ صَلَّی اللّٰهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَعَلی آلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ لِی فَرَجًا وَمَخْرَجًا مِمّا
اَنا فِیهِ اِنَّکَ تَعْلَمُ وَلا اَعْلَمُ وَاَنْتَ تَقْدِرُ وَلا اَقْدِرُ وَاَنْتَ عَلّامُ
الْغُیُوبِ یا ناحِمَ الْعَطایا یا غافِرَ الْخَطایا سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ

الملائكة والروح رب اغفر وارحم وتجاوز عما تعلم فانك انت العلي الاعظم
يا ساتر العيوب يا ارحم الراحمين وصلى الله على خير خلقه محمد وآله
اجمعين اما نيت نماز را چنين كند كه نويت ان اصلي لله تعالى
اربع ركعات صلوة النفل تكفير صلوة القضاء التي فاتت في جميع
عمري متوجها الى الكعبة الله اكبر در فضيلت نماز اعرابي روز جمعه
از تفسير مغني روايت ميكند زيد ابن ثابت رضى الله عنه كه روزي
اعرابي بخدمت رسول صلى الله عليه وسلم آمد وكفت يا رسول الله
ما مردمانيم كه در باديه مى باشيم دور از مدينه ودر هر جمعه بنماز نمى
توانيم رسيدن مارا رهنموني كن تعليمي كه جون باز كرديم بسوي قوم
خود خبر كنم ايشانرا ازان حال بدرستى كه ما دران باديه ساكنيم واز
سبب نماز جمعه بسى غمكين مى باشيم رسول صلى الله عليه وسلم فرمود
كه اي اعرابي جون روز جمعه شود بكزار دو ركعت نماز نزديك بلند
شدن آفتاب وبخوان در ركعت اول بعد از فاتحه قل اعوذ برب
الفلق يكبار ودر ركعت دوم بعد از فاتحه قل اعوذ برب الناس
يكبار وبعد از نشستن هفت بار آيت الكرسي بخوان وبعد ازان
برخيز وهشت ركعت نماز كزار جهار ركعتي بخوان در هر ركعتي سوره
اذا جاء نصر الله يكبار وقل هو الله احد بيست وپنج بار وجون از نماز
فارغ شوي هفتاد بار بكوى كه لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم

خداى تعالى
نيت كردم كه كزاردم نفل
جهار ركعت نماز
كفارت نماز قضايي كه
فوت شده است در جميع
عمر من روي آوردم
بقبله قبله من جهت
كعبه الله اكبر

بعد ازان

بعد ازان حضرت رسالت عليه التحية والسلام سوكند ياد كردند كه بدان
خدايي كه جان من بيد قدرت اوست هر مومني يا مومنه كه اين نماز
را كزارد در روز جمعه من كه محمدم ضمان آن بنده باشم ببهشت واين بنده بر
برخيزد از جاي نماز مكر آنكه حق تعالى او را آمرزيده باشد ومادر وپدر او را
رحمت كرده باشد اكر مسلمان بوده باشند ومنادي ندا كند از زير عرش
كه اي بنده خداي از سر كير عمل را بدرستي كه خداى تعالى آمرزيد كناهان كذشته
ترا وكناهان آينده ترا وچنان باشد كه اين بنده جهار ركعت كتاب خداى
عز وجل را يعني توريت وانجيل وزبور وفرقان ختم كرده باشد وبعدد
هر بنده را خداي تعالى بعدد هر مومني ومومنه عبادتي ونوري بنويسد
بنام او وثواب آن كسانى كه درين روز صدقه داده باشند وروزه داشته
وبدهد خداي تعالى مر او را ثواب كسانى كه درين سال حج وعمره كزارده باشند
وطواف كعبه كرده وچنان نسبتي كه او بنا كرده باشد خانه كعبه ومسجد مدينه
را وخانه بيت المقدس را بدست خود بنا كرده باشد وبنويسانند خداى
تعالى كاتبان اعمال را بنام او بعدد هر حرفي وزني از مسلمان ثواب
حجي وعمره وبنويسانند خداي تعالى بنام اين بنده بعدد هر سنكي وكلوخي
وبرك درختى نيكيها در ديوان اعمال او وچنان باشد كه دريافته باشد
مر حضرت موسى كليم وداود خليفة الله وايوب پيغامبر را صلوات الله
عليهم اجمعين وخداى تعالى او را در دنيا وآخرت سلامتى روزي كند

وابن بنده در روز قیامت صد کس را از اهل و بیت و همسایکان خود شفاعت
کند و از دنیا بیرون نرود تا از حوض کوثر آب نخورد و از میوه های بهشتی
نخورد تا جای خود را در بهشت نه بیند رسول علیه السلام فرمودند که ای
اعرابی هر که توفیق یابد که کزارد این نماز را از روی ثواب جنان باشد که
شب قدر را دریافته باشد و جنان باشد که هم اسیران امت مرا خریده
باشد و آزاد کرده و بهتر ازان باشد مر او را که مجاوری کرده باشد خانه
کعبه را شست سال و بهتر ازان باشد که هزار دینار در راه رضای حق
تعالی صدقه داده باشد و نباشد در کور او تنکی و تاریکی و نباشد او را هیچ
خوفی از منکر و نکیر و در کور او شست در از رحمت و دو در از جنت کشاده
رسول علیه السلام فرمودند که ای اعرابی هر که کزارد این نماز را خدای تعالی
دعای وی را مستجاب کند و حاجات دنیا و آخرت او را برآورده کند و او را نویسند
بنام او بهر روزی عبادت یکساله و خدای تعالی تن او را بر آتش دوزخ حرام
کرداند جون رسول علیه السلام این حدیث را تمام کردند پس زید بن
ثابت رضی الله عنه برخاست و دوازده مرد دیکر از صحابه رسول صلی
الله علیه وسلم برخاستند و بوسیدند سر اعرابی را و اعرابی نیز سر
مبارک رسول را صلی الله علیه وسلم ببوسید هفت بار و پای ان هم پس
مبارک رسول را علیه السلام بوسیدند و ثنا کفتند و دعا کردند و هم
صحابه پیش آن اعرابی آمدند و کفتند که ما یافتیم این فضیلت و این

کرامت

کرامت بسبب تو و امروز تو سود کردی و ما هم سود کردیم پس عبد الرحمن
عوف رضی الله عنه دو جامه و هزار درهم بدان اعرابی داد و صحابه دیکر
یک برد یمانی و هفتاد دینار داد پس اعرابی بشارت تمام و خوشدلی
سوی قوم خود باز کشت نقل از کتاب جایزة المختار امیر المومنین
علی رضی الله عنه کفت که پیغامبر علیه السلام فرمودند هر که کزارد
نماز چاشت را در روز آذینه جهار رکعت در عمر خود یکبار و بخواند
در هر رکعتی بعد از فاتحه جهار قل هر یکی را ده بار جون از نماز فارغ
شود هفتاد بار استغفار کوید و هفتاد بار سبحان الله والحمد لله
کوید تا العلی العظیم و هفتاد بار بر پیغامبر صلی الله علیه وسلم صلوات
فرستد رسول علیه السلام کفتند هر که کزارد این نماز را خدای تعالی
دفع کند از وی شر اهل آسمان و شر اهل زمین و شر دیوان و پریان
و شر آدمیان و شر سلطان ظالم رسول علیه السلام فرمودند بدان
خدایی که مرا براستی بخلق فرستاد هر که این نماز را کزارد خدای تعالی هم
وی را بیامرزد اکرچه عاق باشد مر مادر و پدر را و روا کرداند هفتاد
حاجت او را از حاجات آخرت و آزاد کرداند خدای تعالی در ساعات شب
و روز این جمعه بکرامت این مصلی هفتاد عاصی که مستوجب آتش
شده باشند و اکر این نماز کزارنده در مقبره مسلمانان کذرد مر رحمت
حق تعالی مخصوص کردند ازان جهت کرامتی که این بنده را باشد نزد خداوند
تبارک و تعالی رسول علیه السلام فرمودند هر که کزارد این نماز را فرستد

خدای تعالی

سوی او بهر جرمی که خوانده است درین نماز فرشته تا نویسد مر او را حسنات
و محو کرده اند از وی سیئات و برارند برای او درجات و آمرزش خواهند برای
او تا آنگاه که بمیرد رسول علیه السلام فرمودند بدان خدایی که براستی مرا بخلق
فرستاده هر که این نماز را گزارد اگر جمله ساحران فرعون نزد وی آیند شفاعت کنند
که وی را از یادتی رهانند و اگر مردی یا زنی باشد که ایشانرا فرزندی نباشد
چون این نماز را گزارند و از حق تعالی فرزند خواهند حق عز و جل بعظمت
و جلال و بزرگواری خود ایشانرا فرزند روزی کند و قبول کند خداوند
تعالی عبادتی را که پیش از این نماز کرده است و هر عبادتی را که بعد از آن خواهد کرد
تا آن زمان که بمیرد و اگر مردم را از سر نا دانی غیبت کرده باشد خدای تعالی بیامرزد
گناهان صغیره و کبیره وی را و گناهان پنهان و آشکاره او را بیامرزد و اگر بعد از
گزاردن این نماز بمیرد شهید مرده باشد فضیلت این نماز بسیار است اختصار
کرده شد و الله التوفیق ذکر ناخن چیدن و حجامت کردن روز جمعه
رسول علیه السلام فرمودند هر که روز جمعه ناخن چیند خدای تعالی از جمله
انگشتان او درد را ببرد و شفا دارد و درد را از جمله اندام او بیرون آرد و صحت
دارد رسول علیه السلام از حجامت روز شنبه و چهارشنبه و آدینه منع کرده است
هر که کند ملامت زده و اندوه گین گردد ذکر فضیلت روز جمعه از
تفسیر مغنی ضحاک رضی الله عنه چنین روایت کرد که بموسی کلیم صلوات
الله علیه وحی آمد از حضرت عزت که یا موسی روزی دادم ترا و امتان ترا و
آن روز روز آدینه است امتش گفتند که ما را بدین روز حاجتی نیست ما

روز شنبه خواهیم موسی گفت یا رب امت من آدینه را قبول نمی کنند شنبه را
برایشان عطا کردان و قوم عیسی پیغامبر صلوات الله علیه نیز گفتند که عید
ما در عقب عید جهودان باید یکشنبه اختیار کردند و خدای تعالی چون روز
آدینه را نصیب این امت نهاده بود که تواند که بپذیرد لاجرم این روز مبارک
برایشان وبال گشت و بر امت محمد صلی الله علیه و سلم همه زیب و جمال شد
خبر انس ابن مالک رضی الله عنه گفت که از پیغامبر علیه السلام شنیدم که هر که
در هر روز آدینه خدای عز و جل ششصد هزار بنده را که مستوجب آتش شده
باشد آزاد کرده اند عبد الله عباس رضی الله عنهما گفت که از پیغامبر علیه السلام
شنیدم که خدای تعالی در هر روزی از ماه رمضان بوقت روزه گشادن هزار هزار
بنده را از آتش آزاد کرده اند چون روز آدینه و شب آدینه در آید در هر ساعتی
از ساعت وی هزار هزار بنده را از آتش دوزخ آزاد کرده اند از صلوة
مسعودی می آرند که روز آدینه بود که حق تعالی مر آدم را صلوات الله علیه آفرید
و جان بقالب وی در آورد چون بدماغ وی رسید آدم بنشست و عطسه
داد و گفت الحمد لله ما را معلوم شد که عطسه نعمتی است که وی را حمد لازم
می آید و هم روز آدینه بود که ملایکه را فرمان آمد تا آدم را علیه السلام سجده
آوردند و هم روز آدینه بود که آدم را علیه السلام به بهشت در آوردند و هم
روز آدینه بود که ام المؤمنین حوا را رضی الله عنها از پهلوی چپ آدم صلوات
الله علیه در وجود آوردند و هم روز آدینه بود که آن ذلت بی قصد از ایشان در

وهم روز آدینه بود که ایشانرا از بهشت بدنیا آورده اند و تسبیح آدم صفی صلوات
الله علیه این بود که رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ
مِنَ الْخَاسِرِينَ پس ما را نیز بسنّت پدر باید رفتن و هرکجا نعمتی رسد
حمد باید گفتن و هرکجا ذلّتی در وجود آید استغفار باید کردن والله الهادی

فصل چهاردهم در فضیلت مسجد و بانگ نماز و جز آن

ذکر آداب در آمدن در مسجد و کفش و نعلین کشیدن و نهادن آن بجایگاه
و پاک داشتن در مسجد **در فتاوای سراجی** آورده است که در آمدن در مسجد
کفش و نعلین پوشیده مکروه است قال الله تعالی فاخلع نعلیک انک بالواد المقدس
طوی **در خلاصة الصلوة** آورده است که بوسد آستانهٔ در مسجد را و پای برهنه
در آید از برای ادب را کما قال الله تعالی فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ واگر نداند که صحن مسجد سلامت
نیست از لوث بسبب در آمدن خلق عام گفته اند آنگاه در مسجد کفش و نعلین
پوشیده در آمدن روا باشد واگر در مسجد و کفش و نعلین پوشیده در آید
اول باید که نعلین را بیرون در مسجد بر زمین مالد و پاک کند و بعد از آن
در آید **از صلوة مسعودی** نماز را با موزه گزاردن اولیتر است و نعلین و کفش
را در پیش نهادن سنّت است تا اگر ناگاه کژدمی بیرون آید قدم با موزه
بر وی نهد و آن کژدم را هلاک کند تا با آن کفش و نعلین **در ترجمهٔ احیا
و فتاوی تتمه** آورده است تا اگر که نعلین و کفش را باید که جانب دست
راست و چپ نهد و در پیش نهد چو که جای نماز گزاردن را تنگ کند و صف

را

را منقطع کرده اند بلکه در پیش خود نهد و در قفا ننهد از جهت آنکه دل وی
بدان متعلق نشود و دیگر باید که مقابل روی خود ننهد منحرف نهد چرا که
مکروه است در میان مصلّی و میان قبله چیزی نهادن تا که گفته اند مصحف
را نشاید مانند **از اوراد** چون مصلّی بر در مسجد رسد ایستد و این
دعا بخواند که إلهي عبدك ببابك مذنبك ببابك مسيئك ببابك ويرجو
رحمتك ويخاف من عقوبتك يا محسن قد أمرت المحسن منا أن يتجاوز
المسيء فتجاوز عن قبيح ما عندي يا كريم بعد از آن پای راست را در مسجد
نهد و گوید بسم الله والحمد لله والصلوة والسلام على رسول الله اللهم
اغفر ذنوبي وافتح لي أبواب فضلك ورحمتك بسم الله دخلنا وعلى الله
توكلنا واگر کسی باشد در مسجد سلام گوید واگر نباشد گوید السلام علينا
من ربنا وعلى عباد الله الصالحين **از وسیلة القلوب** از امیر المؤمنین
حسین بن علی رضی الله عنهما منقولست که چون در مسجد در آمدی ایستادی
و گفتی الهی عبیدک ببابک مسکینک ببابک سائلک ببابک گفتی بنده تو بر در تست
گدای تو بر در تست سایل تو بر در تست آنگاه بسیار گریستی و تضرع
کردی و تواضع نمودی آنگاه با خجالت تمام قدم در مسجد نهادی و در آمدی
بدان ای عزیز آنکه شاه زادهٔ دنیا و آخرت است در درگاه بی نیازی چنین
عرضه میکند و تو غافل وار در مسجد در مسجد قدم می نهی هر که حضور
قلب داشته است همچنین مسجد را حرمت داشته است بواسطهٔ آنحضرت است

بجای رسیده است

وسرور عالميان شده است از صلوة مسعودي رسول عليه السلام فرموده الله که
جون يکی از شما در مسجد خواهد در آمدن بايد که قدمهارا در بيرون در زمين
مالد تا اگر نجاستی رسيده بود پاک شود که زمين پاک کننده است اگر چه نعلين
وکفش پاک بود هر دو را در زمين مالد از براي اقامت سنت را دليل بدانک امير
المومنين علی رضی الله عنه پای ايشان از گل پاک آلوده بود در زمين ماليد
آنگاه در مسجد در آمد ونماز گزارد ما را معلوم شد که اگر قدمها پاک بود بايد
در زمين ماليدن از براي اقامت سنت را مرويست که امام اعظم ابو
حنيفه کوفی رحمة الله عليه در مسجد نشسته بود شخصی در مسجد در آمد وقدمها
را در زمين مسجد ماليد امام اعظم رحمة الله عليه گفت اي شخص اگر قدمهای
خود را در محاسن من می ماليدي دوست تر از آن داشتمی که در زمين مسجد
پای خود را ماليدي از آن معنی که از دو وجه خالي نيست پای تو پاکست يا پليد
اگر پليد ست پليد کردي زمينی را که از حق تعالی امر ست بپاک داشتن وي و اگر
پای تو پاکست خوار داشتی زمينی را که خداوند تعالی عزوجل وي را عزيز داشته
است هر که عزيز کرده خداي عزوجل را خوار دارد وي خوار خواهد شدن
از سلک سلوک چنين می آرند که در بنی اسرائيل صد و چهار سال باران
نباريد و دعاء کسی مستجاب نشد گفتند خداوندا چه چيزست که دعاي هيچ
کسی بدرگاه تو مستجاب نميشود پيغامبر آن عهد را خطاب رسانيدند که اين
قوم کوههای خود را پاک نميدارند و هم در آن را بمسجد ميروند و مسجد را

آلوده

آلوده می سازند از آن سبب دعای ايشان را اثری نيست ذکر تحيت مسجد
وحرمت داشتن مسجد از فوايد الفواد اگر کسی در اوقات مکروهه
در مسجد در آيد و تحيت مسجد گزاردن نتواند چهار بار اين کلمات را گويد که
سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ تا آخر حق سبحانه وتعالی او را ثواب تحيت مسجد روزی
کرداند در فتاوی ظهيری آورده است که تحيت مسجد سنت است نزديک
علماء ما رحمهم الله ونزديک امام شافعی رحمه الله واجب است وگفته اند
تحيت هر روز دو رکعت بسنده است اما علما اختلاف کرده اند در آوردن
تحيت مسجد چون مصلّی در آيد نخست بنشيند پس برخيزد و تحيت گزارد
يا آنکه اول تحيت گزارد پس بنشيند بعضی گفته اند اول بنشيند آنگاه
برخيزد و تحيت مسجد آرد وعامهٔ علما گفته اند نخست تحيت آرد هرگاه
در مسجد در آيد از تنبيه فقيه ابو الليث رحمة الله عليه گويد که مسجد را
پانزده حرمتست اول آنکه چون در مسجد درآيي سلام کنی اگر کسی باشد يا
نباشد اگر جماعتی در نماز باشند گويد السلام علينا وعلی عباد الله الصالحين
و دوم چون در مسجد در آيد دو رکعت نماز گزارد پيش از آنکه بنشيند
زيرا که در خبرست از پيغامبر صلی الله عليه وسلم که فرموده اند هر چيزي را تحيت
است و تحيت مسجد دو رکعت نماز گزاردن است سيوم آنکه در مسجد خريد
و فروخت نکنی چهارم آنکه بکسی شمشير نکشی پنجم در وي گم شده را نجوئي
ششم در مسجد بانگ بلند نکنی بسخن دنيايي مکن بياد کرد حق عزوجل هفتم

دروی حرکت ناپسندیده نکنی هشتم دروی پای بدکردن مردمان ننهی نهم دروی
منازعت وخصومت نکنی دهم صف برمردمان تنگ نکنی یازدهم پیش نماز
کسان نگذری دوازدهم خیو نیندازی سیزدهم انگشتان بانگ نیاری چهاردهم
مسجد را از پلیدی نگاه داری واز کودکان ودیوانگان محافظت کنی پانزدهم
دروی خدای تعالی را بسیار خوانی والله الهادی الی التوفیق **ذکر تعظیم
کردن غیری در مسجد** رسول علیه السلام فرمودند هر که قیام کند در مسجد
مرملی را بدرستی که جنانستی که او بندگی کرد غیر خدای را عز وجل **در
صلوة نخشبی** آورده است که مصلی باید که دیگری را تعظیم نکند که در خانهٔ خدای
عز وجل غیر خدای تعالی را تعظیم کرده است قال النبی علیه السلام لا
تُعَظِّمُوا فِي بَيْتِ رَبِّي جای که حضرت رسالت علیه التحیة والسلام این
می فرماید که مرا در خانهٔ خدا و نحن تعظیم مکنید یعنی برای من برمخیزید
خاصه برای دیگری برخاستن غایت بی ادبی بود و بهیچ وجه روا نبود
ولهذا ائمهٔ سلف رحمهم الله چون در مسجد سبق گفتندی وصیت کردندی
شاگردان را که برای ما پیش مخیزید اما در وقت در آمدن مسجد می باید
اول پای راست را پیش نهادن و در وقت بیرون آمدن پای چپ را
مرویست که وقتی شیخ احمد حضری رحمة الله علیه اول پای چپ را درون
مسجد نهاد صد غلام آزاد کرد از برای کفارت آنرا **شیخ سفیان ثوری را**
رحمة الله علیه در قدیم سفیان زاهد گفتندی وقتی بفراموشی اول پای

چپ

چپ را در مسجد نهاد آوازی شنید که یا ثور چون بیرون آمد هر که او را
دید سفیان ثوری میگفت از جهت آن یک بی ادبی که از وی بخطا در وجود آمد
ذکر سلام گفتن در مسجد در بیان الاحکام آورده است که در اینده در
میان جماعت بیند اگر جماعت در نماز نباشند وقرآن بلند نمی
خوانند یا ذکر بلند نمیگویند وخاموش نشسته اند برایشان سلام گوید
بدین لفظ که السَّلامُ علیکم یا سلامٌ علیکم و ایشان جواب گویند بدین
لفظ که علیکم السلام ورحمة الله وبرکاته واگر کسی وَعَلَيْكُمُ السلام
گوید و پس از عهده جواب بیرون آید اما بهتر اولین است که ایشان
خاموش باشند وجواب سلام نگویند زیرا که ترک واجب کرده باشند
و آثم شوند و اگر یک کس از جماعت جواب گوید از دیگران ساقط
شود واگر جماعت بقرآن خواندن مشغول باشند یا بذکر گفتن آینده
گوید السلام علینا وعلی عباد الله الصالحین **در روضه** آورده است که
مکروه است سلام گفتن در پنج جای و سلام گوینده بزه کار شود وجواب
سلام بر حاضران لازم نیاید یکی در وقت خطبه در روز جمعه دوم چون
قوم در نماز باشند سوم چون جماعتی قرآن بلند میخوانند اما
اگر یکی میخواند و دیگران می شنوند درین مقام اگر جواب سلام گوید
شاید زیرا که ممکن است دریافتن هر دو فضیلت چهارم در وقت وعظ
گفتن وبحث علم کردن اما اگر یکی علم بیان میکند و دیگران می شنوند حکم

همانست که بیان کرده شد بنجم در وقت کفتن بانک نماز و اقامت سلام کفتن
مکروه است زیراکه جماعت بجواب بانک نماز و بثناء تکبیر مشغول باشند
وجواب سلام نتوانند کفتن اما علما کفته اند اکر یکی ازین جماعت
جواب سلام کوید روا باشد زیراکه قدرت هست بر تحصیل دو کار و الله اعلم

ذکر سخن کفتن در مسجد در فتاوی سراجی آورده است که مکروه است
سخن کفتن در مسجد و در عقب جنازه و در خلاجای و در حالت جماع از
صلوة مسعودی در خبرست که هرکه سخن دنیا کوید در مسجد عبادت
چهل سالهٔ خود را حبطه کرداند کعب الاحبار رضی الله عنه کفت چون
روز قیامت شود دابهٔ از دوزخ بیرون آید نام او حریش سر او بالا
تر از هفت آسمان و دم او فروتر از هفت زمین و دهان او از مشرق
تا مغرب بود و این دابه باواز بلند فریاد کند جبرئیل علیه السلام کوید
یا حریش که را میطلبی کوید بنج طایفه را میطلبم یکجاست آنکه نماز نکزارده است
و نماز را از وقت برده است و دیکر یکجاست آنکه زکوة مال نداده است
و دیکر یکجاست آنکه ربوا خورده است و دیکر یکجاست آنکه خمر خورده است
و دیکر یکجاست آنکه در مسجد سخن دنیا کفته است بس جمع کند جبرئیل
علیه السلام ایشانرا بس آن دابه فرو برد این طایفه را چنانکه فرو برد
بس باز کردد و در دوزخ رود از صلوة مسعودی در مسجد سخن
دنیایی نشاید کفتن که در حدیث صحیح آمده است که هرکه در مسجد سخن

دنیا

دنیا کوید آن مسجد بوی ناخوش کیرد چنانکه فرشتکان نتوانند قرار کرفت در وی
از بوی دهان ناخوش ایشان بیرون روند و مناجات کنند که الها پروردکارا
این بندکان تو مارا از خانهٔ تو بیرون کرده اند خدای عز وجل قسم یاد کرد
که بعزت و جلال من که بر ورحکار دم بر ایشان جماعتی را کمارم از تنک چشمان
بی رحم که ایشانرا از خانها بیرون آرند چنانکه شمارا از خانهٔ من بیرون
کردند والله اعلم ذکر فضیلت بانک نماز کفتن از تفسیر منیر در خبرست
موذنانرا در روز قیامت از مردمان دیکر کردنها درازتر و قامتها بلندتر
باشد در میان مردمان ایشان چنان نماید که کویی بر مرکبان سوارند
و مردمان دیکر بیاده و ایشان سر بالا کرده باشند و سر فرود نیفکنند
تا مردمان بینند و این دلیل است بر زیادتی درجه هرکرا عز و جاه و منزلت
و رفعت و دولت و شادی باشد سر بالا کرده باشد و هرکرا غم و خواری
و اندوه بود سر فرود افکنده باشد ایضاً از تفسیر منیر بیغامبر علیه
السلام فرمود که هرکه هفت سال بانک نماز کوید رضاء لله تعالی خدای عز وجل
او را براتی از آتش دهد و هرکه یکسال بانک نماز کوید به نیت صادق
روز قیامت او را در بهشت مقام دهند و کویند مر او را که امروز شفاعت
کن هرکرا که میخواهی رسول علیه السلام فرمود که سه کس را فردای
قیامت بسیار حساب نباشد و در روز قیامت نترسند و اندوه کین
نباشند از فزع اکبر یکی حاملان قرآن یعنی حافظان و دوم موذنی که

هفت سال بانک نماز کفته باشد بی طمع وهیچ مزد و اجره نکرفته باشد
وسیوم بندهٔ مملوکی که عبادت خدای تعالی را نیکو کرده باشد وحق خواجه را بوا جبی
کزارده باشد آورده اند که موذنی بود فقیر ثواب بانک نماز خود را فروخت
وثمن آنرا کرفت بعد از آن خواست تا بانک نماز کوید خدای عز وجل
بانک نماز را از دل وی محو کرد وتمام بانک نماز ویرا فراموش شد هر چند
که خواست تا بانک نماز کوید قادر نشد بر کفتن بانک نماز حکایت
روزی بلال رضی الله عنه بانک نماز میکفت در مدینه چون آغاز کرد که
اشهد ان محمدا رسول الله یهودی تیره روزکاری شنید وکفت بسوزد
خدای تعالی دروغ کوی را چون شب در خانه در آمد دید که چراغ کشته میشود
خواست تا بیفروزد بفرمان خدای تعالی آتش شعله زد وآن یهودی
تمام از سر تا قدم بسوخت بدرستی که او دروغ کوی بود از تنبیه رسول
علیه السلام فرموده اند که پنج کروه را من ضامنم بهشت اول زن پارسا را که
طاعت دارد مر خدای عز وجل را ومر شوهر خود را دوم فرزندی را که مادر
وپدر خود را مطیع باشد سیوم کسی را که او خوش خوی باشد چهارم کسی را
که در راه مکه وفات یابد پنجم موذنی را که در مسجد از بهر خدای عز وجل
موذنی کرده باشد حکایت از رسول علیه السلام فرموده اند هر
شهری که موذن بسیار شود سرما در آن شهر کم شود از صلوة مسعودی
رسول علیه السلام فرموده اند هر که خواهد که اداء نماز قضا کند وبانک نماز و

قامت

قامت نکوید اقتدا نکنند باوی الا همان دو فرشته که کاتبان اعمال وی باشند
واکر بانک نماز وقامت کوید خدای تعالی مثل کوهها فرشتکان فرستد
تا بدو اقتدا کنند آن فرشتکان مناجات کنند وکویند الها پروردکارا ما که
معصومیم از صغیره وکبیره ووی آلوده کناهانست ما بوی چکونه اقتدا
کنیم خطاب حضرت عزت در رسد که ای فرشتکان بار کناه را از کردن آن بنده
برکیرید آن جمله کناه را از وی برکیرند خطاب مستطاب رب الارباب
در رسد که بندهٔ من از کناهان پاک شد وشما نیز پاکیت بوی اقتدا کنید
چون نماز کذارند آن فرشتکان مناجات کنند الها پروردکارا فرمان
چیست این کناهانرا باز بر کردن وی نهیم یا نی خطاب حضرت عزت در رسد که
کریم مطلق منم وکرم صفت منست از کرم من روا نبود که بار کناه را از کردن
ضعیفی در مانده برکیرم وباز بر کردن وی نهم کناهانش را بدوزخ اندازید تا
بسوزد وبندهٔ من بقیامت پاک بحضرت من آید والله الهادی ذکر فضیلت
بانک نماز وجواب او از کفایهٔ شعبی روایت کرده اند که زبیده خاتون که
جفت خلیفه هرون الرشید بود نور الله مرقدهما چون نقل کرد اورا بخواب
دیدند کفتند ای ضعیفهٔ مستوره خدای تعالی با تو چه کرد کفت خدای عز وجل
مرا بیامرزید کفتند بسبب صدقات بسیار که تو دادی کفت نی کفتند
بسبب آن حوضها که در بادیه فرمودی کندن کفت نی کفتند پس بچه سبب
خدای تعالی ترا بیامرزید کفت روزی شکم من مرا زحمت میداد وتقاضا مرا

میدوانید

وبتوضی حاجت بود خواستم که دوم بانگ نماز آغاز شد من ایستاده
ماندم و درنگ کردم با زحمت بسیار تا آن زمان که موذن از بانگ نماز
فارغ شد وجواب بانگ نماز میگفتم بعد الان بقضای حاجت رفتم بسبب
تعظیم آن بانگ نماز خدای تعالی مرا آمرزید **نقل از مظفر دریا** مسئله یازدهم
مهتر خضر گفت ای مظفر دریا دانی که بانگ نماز چرا پیدا آمد گفت نی گفت
بدان سبب که بنده فراموش کارست وغافل وشرک خفی در راهست بنده
بسیار چیزها گوید که نداند که چه گفته است چون بانگ نماز شنود وجواب
بانگ نماز گوید کفارت آن گفتها شود **از وسیلة القلوب** جابر بن عبد الله
انصاری رضی الله عنهما گفت که رسول صلی الله علیه وسلم فرمودند هر که بانگ
نماز شنود تمام بعد ازان گوید اَللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ وَالصَّلٰوةِ
الْقَائِمَةِ آتِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ وَالدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ وَابْعَثْهُ الْمَقَامَ
الْمَحْمُودَ الَّذِي وَعَدْتَهُ رسول علیه السلام گفت حلال گردد شفاعت من
روز قیامت او را **ایضًا** در حدیث است که هر که بانگ نماز شنود چون موذن
گوید اشهد ان لا اله الا الله او نیز همچنین گوید پس در عقب آن گوید رَضِيتُ
بِاللّٰهِ رَبًّا وَبِالْاِسْلَامِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه وعلی آله وسلم نَبِيًّا آمرزیده
شود گناهان او **وایضًا** در حدیث است که هر که آواز موذن را شنود گوید
الله اکبر الله اکبر او گوید مرحبا بالقائلین عدلا وبالصلوة مرحبا واهلا
هزار هزار نیکی در نامه او نوشته شود **نقلست** از مشایخ کبار رحمهم الله گفته اند

هرکه

هرکه جواب بانگ نماز گوید چون موذن گوید اشهد ان محمدا
رسول الله چون این کلمات را گوید مرحبا بحبیبی قرة عینی بک
یا سیدی محمد صلی الله علیه وعلی آله وسلم وهر دو ناخن انگشت نر را
بر هر دو چشم نهد آن بنده را در همه عمر درد چشم نباشد **از صلوة**
مسعودی چون موذن کرت اول گوید اشهد ان محمدا رسول الله
تو بگوی صلی الله علیک یا رسول الله چون کرت دوم گوید تو بگوی
قرة عینی بک یا رسول الله بعده هر دو ناخن هر دو انگشت نر را
بر هر دو چشم نه بر طریق وضع نه بر طریق مد یعنی انگشت نر را بر چشم
بمان ومکش واین دعا بخوانی اَللّٰهُمَّ مَتِّعْنِي بِالسَّمْعِ وَالْبَصَرِ حضرت
رسالت صلی الله علیه وسلم میفرمایند مَنْ سَمِعَ اِسْمِي فِي اَذَانِهِ وَوَضَعَ
اِبْهَامَيْهِ عَلَى عَيْنَيْهِ فَاَنَا طَالِبُهُ فِي صُفُوفِ الْقِيَامَةِ وَقَائِدُهُ اِلَى الْجَنَّةِ
پیغامبر علیه السلام فرمودند هر که شنود نام مبارک مرا در بانگ نماز و
نهد هر دو ناخن انگشت نر را بر هر دو چشم خود پس من که محمدم در طلب
او باشم در صفهای قیامت و روان کنم او را سوی بهشت و راه بر او شوم
گفته اند که هر دو ناخن انگشت نر را بر هر دو چشم نهد ولیکن نکشد و نه
بوسد **از وسیلة القلوب** در حدیث آمده است که لَوْ اَنَّ الْمُؤَذِّنَ لَمْ
[illegible] الْاُمَّةَ طَرْفَةَ عَيْنٍ لی رسول علیه السلام فرمودند که
الا مو [illegible] ندی هلاک کردندی این امت را در طرفة العین اما

نشان نداد نبی یعنی چون ایشان موذن را اجابت میکنند ما بلا را از ایشان دفع میکنیم **ایضاً** در حدیث است که رسول علیه السلام مرحبا تو نا نرا گفت چون بلال بانگ نماز گوید هرچه او گوید شما نیز همان می گویید تا هزار نیکی در نامهٔ شما نوشته شود **ایضاً** در جواب حی علی الصلوة و حی علی الفلاح گوید لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم یعنی حیله دور بودن است از معصیت و قوت نزدیک شدن است بطاعت این هردو نیست کسی را مگر بعون و نصرت حق تعالی

ذکر فضیلت مسجد و بیان کردن آن از صلوة مسعودی

رسول صلی الله علیه وسلم فرموده اند که مسجدها بازارهای آخرت است و ساکنان در وی چون بازرگانند هر کسی سود کند بقدر مایهٔ خود خوش آنکه بازرگانی با حق عز وجل کند چون بمسجد درآیی تعجیل نشاید کردن به بیرون آمدن رسول علیه السلام فرموده اند که مومن در مسجد چون ماهی است در آب و منافق در مسجد چون مرغ است در قفص **خواجه امام زاهد فخر** رحمة الله علیه فرموده است که بحدیث آمده است که هر که پیش از بانگ نماز بمسجد حاضر آید سیصد و بیست و پنج هزار نماز پذیرفته خدای عز وجل در دیوان اعمال وی ثبت کرده اند و اگر بوقت بانگ نماز درآید ثواب بیست و پنج هزار نماز پذیرفته در دیوان اعمال وی ثبت کرده اند و اگر در وقت قامت آوردن آید ثواب یک نماز حاصل کرده و اگر کسی پیش از امام سر برآرد و سر فرود آرد هیچ ثواب ننویسند

نقل مهتر خضر علیه السلام گفت ای مظفر دریا بدانک از کعب احبار رضی الله عنه شنیده ام که گفت رسول علیه السلام فرمودند که مومن را از شیطان سه حصار است یکی یاد کردن نام خدای عز وجل دوم مسجد سیوم خواندن قرآن ای مظفر دریا از مهتر عالم صلی الله علیه وسلم شنیدم که گفت چون بلایی از آسمان نازل شود کسانی که مسجد را آبادان دارند از آن بلا در امان باشند یعنی نماز گزارندگان در مسجد در عصمت حق تعالی باشند **ابو دردا** رضی الله عنه روایت میکند از پیغامبر علیه السلام که هر که برگزیند نشستن را در مسجد بر کارهای دیگر خدای تعالی او را گرامی کند به سه چیز اول فراخ کرداند بروی عیش را و رزق او را گشاده کرداند و دوم برداید از وی عذاب را و سیوم بدهد نامهٔ اعمال او را بدست راست و بگذرانند او را از پل صراط چون برق جهنده و بنجم درارد او را در بهشت بیحساب **مرویست** که چون بلایی از آسمان نازل شود سوی زمین در عافیت باشند از آن بلا قرآن خوانان و معموردارندگان مسجد **از خالصة الحقایق** وهب بن منبه رضی الله عنه گفت که در بنی اسرائیل مسجدی بود مردمان در آن مسجد نماز میکردند و بروی التفات و مرمت نمیکردند تا خراب شد پس آن مسجد را بر آسمان برآوردند در حضرت بنالید و شکایت کرد از آن قوم فرشتگان گفتند چرا می نالی گفت آمده ام تا شکایت کنم از همسایگان خود که بسوی من التفات نمی کنند فرشتگان گفتند باز گرد که با نصاف

جون باز کشت آن قوم بفرمان خداي عز وجل در زمین فرو شده بودند
از تفسیر منیر جون روز قیامت شود قومی آیند بر پل صراط و وقفه
کنند و دلیری نتوانند کردن بر کذشتن پل صراط ایشانرا کویند جرا نمی کذرید
کویند ما می ترسیم پس جبرئیل کوید ایشانرا که آکر در دنیا شما را دریای عظیم
پیش آید جکونه ازان میکذشتید کویند که بکشتی میکذشتیم پس مسجد
ها را حاضر کرده اند که دران نماز کزارده اند آن مساجد جون کشتیها شود
مومنان آنجا نشینند و از پل صراط بکذرند درخبرست که هرکه بنا کند
مسجدی از برای رضای خدای عز وجل بنا کند خدای تعالی از برای او خانهٔ در بهشت
درخبرست که هرکه بنا کند از برای رضای خدای تعالی مسجدی اکرجه مقدار
خانهٔ کنجشک شکرخورک بود از برای او خانهٔ در بهشت بنا کنند ایضا درخبر
آمده است که در مسجد حاجبانند یعنی دربانند بیشتر از حجاب بادشاهان
از فرشتکان که مومنان که در مسجد آمرزش میخواهند مر نماز کزارنده کان را
از نمازی تا بنمازی و ندا میکنند که بشتابید ای بندهکان خدای سوی
جیزهای بسیار و مسارعت نمایید سوی مغفرت پروردکار خود پس
هرکه باشد مر اهل مسجد را بانک میزنند و طرقوا میکویند جنانکه در
پیش بادشاهان میکویند و مینویسند از سابقان هرکه بیشتر بمسجد
می آید بنام او ده هزار نیکی می نویسند و هرکه آخر می آید می نویسند
بنام او یک نیکی و هرکه اهل نباشد مر ایشانرا زخم طبانجهٔ بر روی وی می

زنند و باز میکردانند و در پس فرشتکان دیوانند هرکرا ملایکه میرانند
و رد میکنند دیوان بروی جمع میشوند و اورا مشغول میکنند بعمل
فضول تا نماز از دست او رود و جون قامت میکویند در مسجد های
از ثواب محروم می ماند رسول علیه السلام فرموده اند جون امام سلام
نماز میدهد هرکه شتاب میکند و زود بیرون می آید از مسجد بکار
دنیا آنکس شریک باشد در دعا با مومنان و فرشتکان و در رحمت حق تعالی
و هرکه اول از مسجد بیرون می آید می نویسند بنام او یکی نیکی و بعد
ازان دو نیکی علی هذا و هرکه آخر هم بیرون می آید می نویسند بنام
او ده هزار نیکی هم ازین معنی کفته اندی باید که مومن در مسجد اول
در اید و آخر بیرون آید تا درجات حاصل کند ذکر فضیلت جاروب
کشیدن در مسجد درخبرست که هرکه جاروب زند مسجد را بدرستی که
جنانستی که جهارصد غزات کرده باشد و جهارصد حج کزارده باشد
و جهارصد بنده آزاد کرده باشد و جهارصد سال روزه داشته باشد
و بیافریند خدای تعالی ازین ثواب زعفرانرا و بیافریند ازان زعفران
جهارصد حور تا بنکاح دهند این بنده را ایضا درخبرست که هرکه
جاروب زند مسجد را خدای تعالی او را پاک کرداند از کناهان و
خطاها از خالصة الحقایق عبد الله عباس رضی الله عنهما کفت که
پیغامبر علیه السلام فرموده اند هرکه در مسجد را جاروب زند و رفته را

از مسجد بیرون اندازد خدای عز وجل گناهان کبیره را از نفس وی دور
کرداند در خبرست که هر که بیرون اندازد خس ناشایسته را از مسجد او را
دو کفل دهند از اجر یک کفل هفتاد هزار نیکی است آورده اند که در بدخشان
مردی بود او شمس مفتی گفتندی و او هر روز در مسجدها گشتی و جاروب
زدی و پاک کردی و رفته را بیرون انداختی چون او از دنیا نقل کرد
خواستند که بتکفین و تجهیز او مشغول شوند او را در آن جایگاه که وفات
کرده بود نیافتند جای او را خالی دیدند همه خلق در تعجب و تحیر ماندند
آوازی شنیدند که ای بندگان هر که رضاء ما طلبد و کار ما کند ما او را
ضایع نمانیم و تنها نگذاریم ذکر فضیلت چراغ دادن در مسجد در خبرست که
هر که چراغی در مسجد نهد حق تعالی او را در روز قیامت نوری دهد
در خبرست که هر که قندیلی در مسجد آویزد دعا کنند و آمرزش خواهند
او را هفتاد هزار فرشته و بنویسد خدای تعالی مر او را بهر قطرهٔ از
روغن ده نیکی و محو کند ده بدی و برارد برای او ده درجه و بدهد
خدای تعالی او را ده شفاعت و بدهد او را بعدد هر که نماز کرده است
در مسجد بروشنایی آن چراغ نوری تمام در قیامت و بدهد او را
برائی از آتش ذکر فضیلت بوریا دادن در مسجد و بوی خوش کردن
در خبرست که هر که بساطی دهد در مسجد خدای تعالی او را هفتاد هزار
بساط دهد از نور تا بگسترانند روز قیامت از برای او در خبرست که

هر که

هر که بوریا دهد در مسجد دعا کنند و آمرزش خواهند مر او را هفتاد هزار
فرشته تا آن زمان که آن بوریا در مسجد باشد در خبرست که که بر در
بهشت این کلمات نوشته است که لا اله الا الله محمد رسول الله هر که خواهد که
بمرگ و بسعادت بمیرد بس او سخن خوش گوید با مردمان و هر که خواهد که
لحد او تاریک نباشد بس او مسجدها را روشن دارد و هر که خواهد که
گور او پاک باشد و او را کرمان نخورند او مسجدها را جاروب زند
و هر که خواهد که تازه ماند و تن وی در خاک نریزد بس او در مسجدها
صف نماز را بدیگران عطا دهد در خبرست که هر که خوش بوی کند
مسجد را چون روز قیامت شود او را از بوی خوش شناسند از
پانصد ساله راه والله اعلم باب چهارم در بیان
فضیلت روزهٔ نفل و روزهٔ ایام بیض و روزهٔ ماه رمضان و این
باب مشتمل است بر سه فصل فصل اول در فضیلت روزهٔ نفل از
تفسیر منیر رسول صلی الله علیه وسلم فرمودند هر که یک روز روزهٔ
تطوع دارد چنانک آدمیان اگر شنوند پسندند خدای عز وجل او را بهشت
جاودانه دهد مظفر قریشی گفت روزه بر سه نوع است صوم روح و آن
قطع امل است و صوم عقل و آن خلاف کردن هوای نفس است
و صوم نفس است و آن باز بودن است از خوردن و آشامیدن و
از مباشرت کردن مروست که سعید بن جبیر رضی الله عنه وصیت

کرد

نزدیک موت و گفت منجیات چهارست روزهٔ بی غیبت و نماز بی سهو
و دل بی خیانت و قوت از حلال **از خالصة الحقایق** رسول صلی الله
علیه وسلم فرمودند هر که یک روز روزهٔ نفل دارد که مطلع نباشد
بدان روزه مگر خدای عز وجل راضی نبود خدای عز وجل مر اورا بدادن
ثواب مگر بهشت **رسول** علیه السلام فرمودند بدرستی که روزه و قرآن
شفاعت کنند روز قیامت مر روزه دار و قرآن خوان را روزه گوید یا
رب من باز داشته ام اورا از طعام و شراب بروز قرآن گوید یا
رب من باز داشته ام اورا از خواب بشب پس هر دو شفاعت کنند
مر آن بنده را **رسول** علیه السلام فرمودند که صایم در عبادت است اگرچه
خفته باشد در فراش **رسول** علیه السلام گفتند روزه که در وی ریا
نیست خدای عز وجل فرمود آن روزه مراست و جزای روزهٔ او منم
بدرستی که او طعام و شراب و جماع و جملهٔ کار ناشایست را از برای
رضای من گذاشته است **رسول** علیه السلام فرمودند که روزه دار در
عبادت است از صبح تا شام اگرچه ایستاده است یا نشسته و یا در نماز
است و یا در خواب و یا در کلام است پس او صایم است ما دام که غیبت
نگفته است چون غیبت کند صوم او درست نباشد یعنی از روی
تقوی **رسول** علیه السلام گفتند بدرستی که مر خدای عز وجل
را مائده ایست که هیچ چشمی آنرا ندیده است و هیچ گوشی صفت آن نشنیده

و در

و در دل هیچ بشر نگذشته است نه نشینند بر آن مایده مگر روزه داران
از فواید الفواد سخن در فضیلت صوم افتاد و این حدیث در نظر آمد که
پیغامبر صلی الله علیه وسلم فرموده اند که لِلصّائِمِ فَرْحَتانِ فَرْحَةٌ عِنْدَ
الإفْطارِ وَفَرْحَةٌ عِنْدَ لِقاءِ الجَبّارِ بعد از آن خواجه علیه الرحمه فرمود
که این فرحت صایم عند الافطار فرحت اکل و شرب نیست این فرحت
بر اتمام صوم است یعنی صایم چون صوم را تمام کند اورا فرحی آید
گوید الحمد لله که این طاعت از من تمام شد و امیدوار نعمت
رؤیت شدم بعد از آن خواجه قدس الله سره فرمود هر طاعتی را
جزائی معین است چون جزای روزه نعمت دیدار است هر اینه
روزه دار با تمام روزه شاد شود بامید آن نعمت اما بدانکه بعضی
از صفت روزه را در باب ادب بیان کرده شده است والله الهادی
الی الرشاد

فصل دوم در فضیلت روزهٔ ایام بیض از نهاخین

امیر المؤمنین علی رضی الله عنه گفت که پیغامبر علیه السلام فرمودند که
جبرئیل مرا گفت چون آدم صفی صلوات الله علیه در زمین نزول کرد
اندام مبارک او رنگین شده بود از تاب آفتاب چون انگشت و روز
سیزدهم از ماه بود که آدم صفی صلوات الله علیه بگریست چنانک آب
دیدهٔ او چون جوی روان شد و میگفت یا جبرئیل کجا شد حسن من و کجا
شد حلّهای من و کجا شد زوجهٔ من یعنی حوا رضی الله عنها جبرئیل علیه
السلام گفت یا آدم مرا علم نیست خداوند عز وجل عالم الغیب است و اسرار

نهان داند

بس وحي کرد حق تعالی سوي جبرئیل که بگوی مر آدم را که امروز روزه
دارد و آن روز روز سیزدهم از ماه بود آدم صفی آن روز روزه داشت
یکحصه از اندام مبارک او سپید شد چنانک در اول بود بس روز
چهاردهم روزه داشت دو حصه از اندام مبارک او سپید شد بس روز
پانزدهم روزه داشت تمام اندام او سپید شد و بازگشت بان حسن و جمالی که
اورا بود این روزه را ایام بیض از آن جهت میگویند بس هر که یک روز
روزه دارد از ایام بیض محو شود یکحصه از گناهان او و هر که دو روز
روزه دارد محو شود دو حصه از گناهان او و هر که سه روز روزه دارد
بیرون آید از گناهان پاک شده جبرئیل گفت مر پیغامبر را صلی الله علیه وسلم
که بشارت است مر امت ترا بس امر کن مر ایشانرا بروزهٔ ایام بیض بدرستی که
روشن شود دلهای ایشان و سفید شود رویهای ایشان می آرند که
آدم صفی صلوات الله علیه مدام روزهٔ ایام بیض داشتی تا از دنیا
رحلت کرد نقل از وصایا رسول علیه السلام فرموده امیر المؤمنین
علی را رضی الله عنه یا علی روان دارد در هر ماهی سه روز سیزدهم
و چهاردهم و پانزدهم نوشته شود مر ترا در روز اول ثواب ده هزار
سال و در روز دوم ثواب سی هزار سال و در روز سیوم ثواب صد
هزار سال از تفسیر منیر در سورهٔ احزاب که خدای تعالی صفت کرده است
اعمال صالح مؤمنین و مؤمنات را وانرا اخلاص و صدق و
غیر آن بیان فرموده و ذکر صوم کرده و گفته که والصائمین و

الصائمات

الصائمات مراد روزه فرض و نفلست یعنی روزهٔ ماه رمضان
که وی فرض است و سه روز روزهٔ ایام بیض که وی نفل است ایضا
هم در تفسیر منیر آورده است که خدای عز و جل گفت موسی کلیم را
صلوات الله علیه که یا موسی چون جمع شوند روز قیامت خلق
اولین و آخرین بس من جدا کنم اهل بهشت را از اهل دوزخ بروزه و
ایام بیض و باستغفار سحرگاه یا موسی حق است که من گفته ام بدرستی که
روزه‌داران ایام بیض و گوینده‌گان استغفار سحرگاه بمیرند سیراب و
برخیزند سیراب از قبر سیراب و در آیند در بهشت سیراب و این
مسلمانان بیرون نروند از دنیا تا عرض کرده نشود بر ایشان مقام
ایشانرا از بهشت یا موسی روزه‌داران ایام بیض و گوینده‌گان استغفار سحرگاه حشر
کرده شوند روز قیامت بدرستی از شتران بهشت و رویهای ایشان تابان
باشد چون ماه شب چهاردهم و بدهم مر ایشانرا براتی از آتش و امان از
عذاب از ریاحین عبد الله عباس رضی الله عنهما گفت که پیغامبر
علیه السلام افطار نکردندی در ایام بیض در سفر و در حضر ایضا عبد الرحمن
بن سمره رضی الله عنه گفت سوال کردم از رسول صلی الله علیه وسلم
یا رسول الله چیست صوم شما گفت سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم
مرویست که مردی آمد نزدیک ابن عباس رضی الله عنهما و سوال کرد از صوم
ابن عباس گفت که پیغامبر علیه السلام چنین فرموده الا که اگر خواهی تو

روزهٔ پسر او سلیمان پیغامبر علیه السلام پس سه روز روزه دار از اول
ماه و اگر خواهی تو روزهٔ مریم رضی الله عنها پس دو روز روزه دار
و یک روز افطار کن و اگر خواهی تو روزهٔ پسر او عیسی پیغامبر صلوات
الله علیه پس صیام دهر دار و اگر خواهی تو روزهٔ افضل بشر محمد مصطفی
صلی الله علیه وسلم پس روزه دار از هر ماهی ایام بیض را سیزدهم
و چهاردهم و پانزدهم **از فواید الفواد** از ماه مبارک رمضان ذی
الحجه سنه ثمان عشر و سبعمائه بسعادت دست بوس خواجه قدس الله
سره رسیده شد بنده عرضه داشت کرد که سیزدهم این ماه مبارک افطار
کرده میشود بسبب ایام تشریق حال روزهٔ بیض چگونه بود ایشان
فرمودند که شانزدهم روزه باید داشت بعد از آن فرمود که امام شافعی
رحمة الله علیه پیوسته سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم را ایام بیض
میدارد اما درین ماه باتفاق شانزدهم باید داشت **در حقایق** آورده که
از آداب روزه یکی آنست که چون روزه دار باشی جایی نروی که مردمان
آنجا طعام خورند یا خواهند خورد اگر بی قصد افتی نشاید که روزه کشایی
و آن سخن مشنو که ترا گویند دل مسلمانی نگاه داشتن فاضلتر زیرا که در
خبر است که اگر جایی افتی که مردمان طعام خورند و تو روزه دار باشی بخور
اگر چنان افتد که کسی ترا دعوت کرده باشد و مقصود تو باشی و قومی را
بطفیل تو خوانده باشند اگر روزه نیت کرده باشی تا توانی مرو و اگر رفتی ناچار

طعام

طعام باید خورد و آن قوم را غمگین نباید کرد و روز دیگر آن روزه را قضا
باید کرد این حکم وقتی باشد که روزهٔ تطوع باشد فاما اگر روزهٔ نذر
باشد یا ادای فریضه آنجا نشاید البته کشادن والله اعلم **فصل
سیوم در فضیلت ماه مبارک رمضان** در تفسیر مغنی آورده که
موسی کلیم صلوات الله علیه گفت الهی من در توریت یافته ام که

امتی باشند که

از برای رضای تو روزهٔ ماه رمضان دارند آمرزیده شود گناهان ایشان
آنچه از آن کرده باشند بار خدایا ایشان را امت من گردان فرمان شد
از حضرت عزت که ایشان امت محمدند صلی الله علیه وسلم پس موسی گفت
یا رب آن ماه مبارک را مرا عطا کن فرمان آمد که آن ماه خاص مر
امت محمد راست پس موسی گفت یا رب چیست ماه رمضان حق تعالی
فرمود که ماه رمضان ماهی است که از جملهٔ ماهها آن ماه را اختیار
کرده ام از برای خود و عطا کرده ام در آن ماه از فضل و رحمت مر امت
محمد را که عطا نکرده ام هیچکس را از امتان دیگر پس اگر من اذن
کنم آسمانها را بدرستی که مر ایشان را شفاعت کنند در آن ماه و اگر من اذن
کنم زمین را بدرستی که شفاعت کنند مر ایشان را در آن ماه و اگر من
اذن کنم ملایکه را بدرستی که شفاعت کنند ایشان را درین ماه **از خالصة
الحقایق** مرویست از عبد الله جابر بن انصاری رضی الله عنه که گفت
رسول علیه السلام فرمودند بدرستی که داده شد مر امت مرا در ماه رمضان

پنج چیز که داده نشده است هیچ امتی را پیش از این یکی آنکه هرگاه که شود
شب اول ماه رمضان نظر کند خدای تعالی سوی ایشان بنظر رحمت
و سوی هر که خدای تعالی نظر کند عذاب نکند او را هرگز دوم آنکه بوی
دهان ایشان خوشبوی ترست نزدیک حق تعالی از مشک سیوم آنکه فرشتگان
آمرزش خواهند مر ایشان را در شب و روز چهارم آنکه امر کند خدای تعالی
بهشت را که ساخته شو و آراسته کن خود را از بهر بندگان من نزدیک
شد که تا برود از ایشان رنجها و زحمتهای دنیا و در ایند در بهشت عنبر
سرشت با کرام من و پنجم آنکه چون باشد شب آخرین از ماه رمضان
خدای تعالی آمرزد همه ایشان را گفتند یا رسول الله آن شب شب قدرست
که همه آمرزیده شوند فرمود که شب قدر نیست اما نمی بینید سوی
عمال که چون کاری تمام می شود و فارغ میشوند اجرت ایشانرا میدهند
اما بعضی از اهل حقیقت گفته اند که حق تعالی فرموده است که من برحمت
خود آمرزیدم یازده برادر را بدعای یک برادر و این قصه یوسف پیغامبر
ست علیه السلام که در حق یازده برادر دعا کرد اکنون بدانکه یکماه رمضان
شفیع آن یازده ماه دیگر می شود والله الهادی **از ملفوظ**
شیخ الاسلام فرید الدین قدس الله سره روحه العزیز بر لفظ مبارک
خود راند که ماه رمضان بزرگ ماهی است درین ماه هر شبی یک فرشته
طبق رحمت گرفته از آسمان فرود می آید فرمان میشود که چون

بنده

بندگان ما افطار میکنند آن طبق رحمت را بر سر ایشان نثار کنید هر که
در آمدن ماه رمضان شاد شود خدای تعالی او را هیچ وقتی غمناک نکند
و برکت و خیر در کسب و کار او زیاده کرداند و هر که در وقت رفتن ماه
رمضان دل تنگ کردد او را شادمانی دو جهان دهد چنانکه هیچ وقتی
غمناک نگردد **از خالصة الحقایق** پیغامبر علیه السلام فرموده اند هر که
شاد شود بآمدن ماه مبارک رمضان و غمناک گردد برفتن ماه رمضان
خدای تعالی او را آمرزد **در کفایهٔ شعبی** مذکورست که چون جمع شوند
خلایق در روز قیامت منادی ندا کند که ای روزه داران امت محمد
بیرون آیید از میان جملهٔ امتان دیگر پس بیرون آیند آنگاه منادی
ندا کند و گوید ایشانرا بدرستی که خدای عز و جل میفرماید آمرزیدم
من شما را آنچه که میان من و میان شماست و شما هم عفو کنید آنچه
که میان شماست و در آیید در بهشت امتان دیگر گویند ایشان کیانند
فرشتگان گویند ایشان امت محمد اند صلی الله علیه و سلم روزه داران پس امتان
دیگر دست بر دست مالند و تاسف خورند و گویند ای کاشکی پیغامبر
ما هم ماه رمضان آمدی تا ما نیز این کرامت امروز یافتیمی چنانک
امت محمد صلی الله علیه و سلم یافتند **آورده اند که** مهدی بود در زمان سلف
که او را وهب بن زود گفتندی روزی در مقابر میگذشت آوازی
شنید از قبری که میگفت زهی اندوه و زهی حسرت که ماه مبارک رمضان
رسید

ومارا اذن واجازت نرسید بروزه داشتن امان قبود بکرا وانی شنید که
اکرچه مارا اذن نیست بروزه داشتن لیکن مارا فرزندانند صالح ایشان
روزه خواهند داشت از سبب روزه داشتن ایشان ثواب بنام ما
خواهند نوشت مهتر خضر علیه السلام کفت ای منظفر دریا ان لقمان
حکیم شنیده ام که بهشت را هشت درست معروف ویک در دیکر هست که نام
آن در ریانست وازان در کسی دیکر در بهشت نشود مکر روزه داران ماه
رمضان ودیکر کسانی که باخلاص کفته باشند که بسم الله الرحمن الرحیم
منظفر دریا کفت من ومهتر خضر علیه السلام در زمین بیت المقدس
افطار میکردیم کفتم یا خضر در فضیلت ماه رمضان چیزی بکوی کفت
ای منظفر دریا حق تعالی مر جبرئیل را فرماید که ای جبرئیل قدحی شراب
طهور ببر وبحظیره مطهر منور محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم بر
وبکوی که حق عز وجل سلام میکوید ومیفرماید که امتان تو افطار
میکنند تونیز افطار بکن جبرئیل علیه السلام آید وتحیت سلام
کند وقدح شراب طهور را بدست رسول ملک غفور دهد رسول
علیه السلام کوید ای جبرئیل این شراب طهور مرا بی امت کوارنده
نیست پس جبرئیل علیه السلام با حق تعالی کوید پس حق عز وجل کوید که ای
جبرئیل محمد را بکوی که امت ترا نصیب کنم آنکاه رسول صلی الله علیه وسلم
آن شراب طهور برلب نهند وخورند اما آنکه علما کفته اند که تعجیل

افطار شرط حکمت آنست که مومنان با افطار رسول الله برابر افتد
در شربت خوردن چون رسول علیه السلام بخورد جبرئیل بقیه شربت را
کیرد وکوید که الهی این را بحکم حق تعالی فرمان کند که تا هر فرشته قطره
کیرد برکف دست تا هر مومن که روزه کشاید فرشته آن قطره را در انجا
افکند آن ساعت که آن مومن آن قطره را بخورد حق تعالی فرمان کند که ای
مومن من ترا از آتش آزادی اکر یکی از امت محمد صلی الله علیه وسلم مانده باشد
جبرئیل علیه السلام رود ودر جمله خانهای مسلمانان نظر کند اهل آن خانه
از آتش دوزخ آزاد شوند مکر دوازده خانه نظر نکند اول در خانه که
خمر بود دوم در خانه که اسباب فساد بود سیوم در خانه که در وی دروغ
وغیبت بود چهارم در خانه که در وی سک باشد پنجم در خانه که در وی
جرس آویخته باشند ششم در خانه که در وی خاک روبه باشد هفتم
در خانه که در وی در ان سال زنا کرده باشند هشتم در خانه که در وی
صورت باشد نهم در خانه که در وی ربوا باشد یا غله احتکار باشد
دهم در خانه که در وی یتیم را آزارند یا درویشی از در محروم باز کردد
آنجا که ممکن بود که طعام زیاده آید یازدهم در خانه که در وی حال با
ودر وام دادن کاهلی کنند دوازدهم در خانه که در وی مادر و پدر را آزارند
با این همه کار دو کروه را بغایت دشوار باشد وحق تعالی برایشان رحمت
نکنند یکی بران قوم که مادر و پدر را آزارند دوم قومی را که بی نمازی را
عادت دارند

نقل اند دوازده مسئله مسئلهٔ دهم آنست که ابلیس علیه اللعنه کفت
ای مهتر خضر بدانک در روزهٔ مؤمن خلل افکنم پیش از انک نیت
روزه کند در نفس او در ایم که بعد از نیت مرا در تن او راه نباشد
بوقت نیت دل او را وسوسه کنم تا نیت را فراموش کند و روزهٔ
بی نیت روا نباشد و اکر نیت نکند حسد و کینه و بغض و عداوت
برادر مسلمان در دل او افکنم تا بغیبت مشغول شود و غیبت روزه
را تباه کند و دران روزه داشتن او را ثواب نباشد و او پندارد که
من روزه داشته و آن روزه همچنان در کردن او بماند با من بیکجا در
دوزخ در آید نعوذ بالله منها **جواب** رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
که یا خضر علاج وی آنست که پیش از روزه نیت صادق کند و دل را
حاضر دارد و ده بار کلمهٔ تمجید را کوید و استغفار کوید و توبه کند و
این دعا را خوانند که اَللّٰهُمَّ اِنِّی اُرِیدُ اَنْ اَصُومَ بِاَمْرِکَ وَقُوَّتِکَ یَا اَللّٰهُ
اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَعُوذُ بِکَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّیَاطِینِ وَاَعُوذُ بِکَ رَبِّ اَنْ
یَحْضُرُونِ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ **آورده اند که** دران جایکاه که حضرت
امیر المؤمنین عثمان رضی الله عنه شهید شد در خانهٔ صندوقی
یافتند مهر کرده چون کشادند دیدند در صندوق جامهٔ حریر بود
و در وی پنج سطر نوشته در سطر اول نوشته بود که کر باد هردو
کوش عثمان رضی الله عنه اکر نشنیده است از رسول صلی الله علیه وسلم

که

که کفت هرکه قرآن خواند ظاهرا و باطنا خدای تعالی او را بیامرزد البته البته البته
و در سطر دوم نوشته بود که هر جوانی که پیر [illegible] در اسلام و شرک
نیارد بخدای عز و جل او را بیامرزد البته البته [illegible] و در سطر سیوم نوشته
بود که هرکه دریابد مادر و پدر را و خدمت کند چنانک ایشان راضی باشند
خدای تعالی او را بیامرزد البته البته البته و در سطر چهارم نوشته بود که هرکه
شادی در آرد در دل بندهٔ مؤمن خدای تعالی او را بیامرزد البته البته البته
و در سطر پنجم نوشته بود که هرکه دریابد [illegible] رمضان را و بروزها روزه
دارد و بشبها قیام کند خدای تعالی آن بنده را بیامرزد البته البته البته
ایضا از وصایای رسول علیه السلام کفتند یا علی هرکه روزه دارد ماه
رمضان و پرهیز کند از حرام و بهتان خدای تعالی از وی خوشنود بود
و او را بهشت واجب کرداند **از تنبیه** فقیه ابو اللیث رسول صلی الله علیه وسلم
کفتند امت مرا پنج چیز داده اند در ماه رمضان که هیچ امتی را نداده
اول بوی خوش دهان روزه دار نزدیک خدای تعالی خوشتر از بوی
مشک بود و دوم فرشتکان آمرزش خواهند ایشان باشند بوقت
روزه کشادن و سیوم دیوان را از برای عزت ایشان بند کنند
و چهارم بهشت را از برای ایشان آرایند و پنجم ایشان را حق تعالی ثوابهای
عظیم کرامت کند چون شب قدر شود حق تعالی فرماید مر جبرئیل را
که با کروه فرشتکان بر زمین فرود آیند و علمهای سبز بیارند

وبربام کعبه زنند وجبرئیل علیه السلام را سیصد پر بود ازان جمله پرها
دو پر ست که هرگز باز نکند مگر در شب قدر ودران شب آن هر دو
پر را باز کند از مشرق تا بمغرب برسد ودر کنرد وجبرئیل علیه السلام
مرین فرشتگانرا گوید تا پراکنده شوند در بلاد واطراف واکناف
عالم وبر امت محمد صلی الله علیه وسلم سلام کنند وبر هر ایستاده و نشسته
وبر هر نماز کننده ودعا گوینده وبر هر صدقه دهنده وموء منانرا ای
فرشتگان کنار می گیرند ودعاء ایشانرا آمین میگویند تا وقتی که
صبح دمد جبرئیل علیه السلام ندا کند که یا معشر الملائکة الرحیل الرحیل
فرشتگان گویند مر جبرئیل را که یا جبرئیل حق تعالی با امت محمد چه
تشریف کرد جبرئیل گوید که حق تعالی بنظر رحمت سوی ایشان نگریست
و گناهان ایشانرا عفو کرد وآمرزید مگر چهار گروه را فرشتگان
گویند یا جبرئیل آن چهار گروه کیانند گوید یکی آنکس که خمر خورد
وتوبه نکند تا بران بمیرد ودوم آنکس که مادر وپدر ازوی ناخشنود
باشند وسیوم آنک صلهٔ رحم نکند چهارم آنکس که از برادر مسلمان
سخن باز گیرد وکینه دارد زیاده از سه روز چون روز عید شود
خدای تعالی فرشتگانرا فرستد تا بر سر قبرهای ایشان ایستند
وندا کنند که چنانک همه خلق شنوند الا آدمیان وپریان نشنوند
فرشتگان گویند یا امت محمد بیرون روید بسوی رحمت خدای

کریم

کریم تا بستانید وبیابید ثواب عظیم وحق عز وجل آمرزد گناهان
همه خلایق را وچون بندگان بنمازگاه عید بیرون آیند خدای
عز وجل گوید فرشتگانرا که شما گواه باشید که ثواب روزه
داران ماه رمضانرا ونماز کنندگانرا من بعنایت خود بخشیدم
واز ایشان خوشنود گشتم وهمه را آمرزیدم پس حق عز وجل
فرمان کند که ای بندگان من حاجت خواهید که جملهٔ حاجات
شما روا کنم رسول علیه السلام گفتند ای صحابه حدیثی خبر هم
کرد شما را از شب قدر اما ترسم که شما تکیه بروی کنید وفضیلت
شب قدر بیش ازانست که گفته شود اگر شما شب قدر را طلب کنید
در دهه آخر طلب کنید در شب بیست وسیوم یا پنجم یا هفتم یا
نهم وعلامت شب قدر آن بود که شبی باشد که نه گرم ونه سرد
بامداد که آفتاب برآید او را شعاع کمتر بود هر که دران وقت نماز
کند به نیت صادق واعتقاد خالص خدای تعالی آمرزد گناهانی
که کرده بود از خالصة الحقایق انس بن مالک رضی الله عنه گفت که
پیغامبر علیه السلام فرمودند براستی وراستی که خدای عز وجل
وحی کرد بسوی فرشتگان کاتبان اعمال که هیچ گناه منویسید
بر بندهٔ روزه دار بعد از نماز دیگر ایضاً رسول علیه السلام
گفتند هر که روزه دارد یک روز از ماه رمضان وخاموش کند

و زبان خود را از فحش و بهتان و مالا یعنی نگاه دارد و سکوت و وقار
ورزد و تسبیح و تهلیل و تحمید و تکبیر گوید و خدای را عز و جل و حلال
را حلال داند و حرام را حرام داند نوشته شود مر او را بعوض هر
تسبیحی خانه در بهشت از زبرجد سبز و از یاقوت سرخ **ایضاً**
انس بن مالک رضی الله عنه گفت که من پیش رسول صلی الله
علیه و سلم نشسته بودم با جماعتی از صحابه رضوان الله
علیهم اجمعین نفری چند از یهود آمدند و سوال کردند و
گفتند یا رسول الله چرا فرض کرد این خدای تعالی بر تو و امتان
تو یکماه رمضان را رسول علیه السلام فرمودند بدرستی که چون
آدم صفی صلوات الله علیه خورد از آن شجره که او را نهی کرده بودند
چون در دنیا آمد آنچه خورده بود در شکم او یکماه باقی مانده بود
پس حق تعالی فریضه کرد این فرزندان او را از این امت بروزه
داشتن آن مقدار روز پس ایشان گفتند راست گفتی یا محمد
صلی الله علیه و سلم **مرویست که** یکی از صلحا در روز عید جامهٔ کهنه
و ریمناک پوشیده بود بنماز عید رفت او را گفتند ای مرد در روز
عید جامهٔ نو و شسته پوشیدن سنت است گفت این کرامت در حق
آن طایفه است که شاد باشند من اندوهگینم و مصیبت زده ام
پرسیدند که ترا چه اندوه و مصیبت رسیده است گفت مصیبت

گذشتن ماه مبارک رمضان نمیدانم که از من قبول کرده اند یا بر روی
من باز زده اند من دانم راه خدای عز و جل را اینچنین خورده اند ما و تو
عمر را بر غفلت میگذرانیم و هیچ اندیشه نیز نداریم الهی اگر چه ما را
همه را توفیق عملی بخش که مرضی رضای تو باشد و روزه و نماز با
نقصان همه را در حضرت قبول گردان و همه را هم عنان بصدر جنان
برسان یا اله العالمین و یا خیر الناصرین **اما بدانک** بعضی از فضیلت
شب قدر و سحر و فضیلت شش روز شوال در آخر باب ماه رمضان
نوشته شد اینجا باید طلب کردن تا مقصود حاصل گردد والله الهادی

باب پنجم در بیان زکوة و صدقه و در فضیلت جود
و سخاوت و در مذمت بخل و در بیان ضیافت و این باب مشتمل است
بر پنج فصل **فصل اول** در بیان زکوة **از خالصة الحقایق**

رسول صلی الله علیه و سلم فرمودند که حصار کنید مالهای خود را بزکوة
و دارو کنید بیماران خود را بصدقه **رسول** علیه السلام فرمودند که
نماز نیست کسی را زکوة نیست و هر که زکوة مال خود ندهد پس بمیرد
گوسته و بیست فرسنگ در بیست فرسنگ از رحمت خدای تعالی
دور بود بدرستی که مانع زکوة را گرفته شود چون او در روز قیامت
بعد از آن رسول علیه السلام فرمودند نماز نیست مر کسی را که زکوة
نیست یعنی هر که نماز گزارد و زکوة مال ندهد نماز او فضیلت و قبولیت

زیراکه نماز وزکوة را حق تعالی بیکجا یاد کرده بس هرجاه که در مکی خلل باشد
در دوم نیز خلل باشد رسول علیه السلام فرموده اند قومی که زکوة
مال را نگاه دارند و بمصرف ومستحقان ندهند خدای تعالی آب باران
از ایشان باز گیرد اگر بهایم وحیوانات ونباتات نبودندی البته باران
نباریدی رسول علیه السلام فرموده اند که چهار طایفه باشند که از
گور بیرون آیند ودر دوزخ در آیند بی حساب صحابه گفتند یا
رسول الله ایشان کیانند رسول علیه السلام فرموده اند یکی آنکسان
که بوقت نماز بامداد خوب روند و نماز را بعمدا ترک کنند و دوم
آنکسان که زکوة مال را ندهند وسیوم آنکسان که می دوی شهوت تمام
کنند وچهارم آنکسانکه غفلت ورزند و نماز خفتن را نگذارند
مرویست که بر مردم پیشین زکوة مال ربع مال بود در عهد پیغامبر
صلی الله علیه وسلم از دو سیت درم پنج درم شد مردم پیشین در دادن
ربع مال هیچ مضایقه وحیله نکردند و ترا که فرمانست که ربع عشر
بده صد نوع حیله می انگیزی که تا ندهی وحق تعالی گفته است که ضمان
مال تو منم مال ترا زیاده کنم واز نقصان نگاه دارم واز تو قرض
میطلبد بدین شرط گفته اند که امروز بده تا فردا بتو باز دهم
واین جمله مال اوست که ترا عطا کرده است و بدست تو امانت نهاده
بس تو آنرا مالک شدی وهم از مال خود از دو سیت درم پنج درم

میطلبد به بین که از برای خود نمی طلبد زیراکه او ازین مستغنی است
وبی نیازست وترا زکوة دادن بکسی فرموده است که هم جنس تست و
برادر تست که اَلْمُؤْمِنُ اَخُ الْمُؤْمِنِ بس چگونه کسی باشد که از مروت
و همت خود چیزی ندهد و بدانچه فرمانست دران هم مضایقت کند
و بوعده خدای تعالی اعتقاد و استواری ندارد پیغامبر علیه السلام این جهت
دنیا را مردار خوانده اند تا هیچ عاقلی مردار را دوست ندارد وجمع
نیارد الا آنکه اورا نیاز دارد قال النبی علیه السلام اَلدُّنْیَا جِیفَةٌ
وَطَالِبُهَا کِلَابٌ وَشَرُّ الْکِلَابِ من وقفها علیها بس هر که دنیا را
دوست دارد وجمع آرد و بمصرف صرف نکند و بفقرا ومساکین
ندهد ومحبت اورا از محبت خدا و رسول خدا غالب دارد بیشک
او سگ باشد بلکه از سگ بدتر باشد مشایخ رحمهم الله هم ازینجا
فرموده اند که زکوة بر سه نوع است زکوة شریعت وزکوة طریقت
و زکوة حقیقت زکوة شریعت آنست که از دو سیت درم پنج درم
دهند وزکوة طریقت آنست که از دو سیت درم پنج درم را نگاه
دارد و باقی را ایثار کند اما زکوة حقیقت آنست که همه را در راه رضای
حق تعالی بدهد و هیچ چیزی را نگاه ندارد و بر سروی شکرانه نیز
دهد که از مال دنیاوی خلاص یافت اهل تحقیق گفته اند که هر
چیز را زکوة است و زکوة خانه آنست که جهت مهمان منزلی باشد

و زکوة جاه و سلطنت فریاد رسیدن مظلومانست چنانک پیغامبر علیه السلام
میفرمایند بدرستی که خدای عز وجل فریضه کردانید بر شما زکوة جاه
و قدر و مرتبهٔ شما را چنانک فریضه کردانید بر شما زکوة مال شما و زکوة
عمل کردن هست بدان **نقل از دوازده مسئله مسئلهٔ یازدهم**
آنست که ابلیس علیه اللعنه کفت ای مهتر خضر بدانکه من بنده کان را
در وقت دادن زکوة و صدقات راه زنم و در وقت دادن زکوة در
چهار کوشهٔ دل او نشینم و او را از درویشی و بیری ترسانم و
دوستیٔ مال و جاه در دلش افزایم تا زکوة مال ندهد و حق خدای تعالی
در کردن او بماند تا با من در دوزخ رود نعوذ بالله منها **جواب**
رسول علیه السلام فرمودند یا خضر علاج او آنست که اکر حال دارد
و بشرایط صحت زکوة رسیده باشد نیت صادق کند و از مالش
زکوة بیرون آرد و سه بار کلمهٔ تمجید کوید و این دعا را بخواند که
اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَعُوْذُ بِکَ مِنْ شَرِّ الشَّیْطَانِ الرَّجِیْمِ وَشَرِّ اِبْلِیْسَ
اَنَا عَبْدُکَ وَابْنُ عَبْدِکَ اَسْتَعِیْنُ بِکَ فِي اَدَاءِ الزَّکوٰةِ الَّذِي فَرَضَ
عَلَيَّ اللّٰهُمَّ بَارِکْ مَالِي وَاَعْمَالِي یَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ یَا خَیْرَ النَّاصِرِیْنَ
بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ **از تنبیه** فقیه ابو اللیث رحمة الله
علیه عکرمه کفت رضی الله عنه که از کعب احبار رضی الله عنه شنیدم
که رسول علیه السلام کفت مر ابن عباس را رضی الله عنهما که چون

شمشیرها برهنه شود و خونها ریخته شود بدانید که شما بنده کان از حکم
حق تعالی دست باز داشته باشید و زکوة مال نداده چون حق تعالی
قومی را بر قومی کمارد و باران از آسمان باز دارد بدانید که شما
زکوة مال را باز داشته اید و نداده اید و چون بیند که مرک مفاجا
پدید آید بدانید که در میان شما سود خوردن آشکارا شده است
از خالصة الحقایق مرویست که موسی کلیم صلوات الله علیه کذر کرد
بر جوانی که نماز را نیکو میکزارد تعجب کرد و کفت این جوان چه نیکو
نماز میکزارد بعد از مدتی باز موسی علیه السلام آن جوان را دید
کفت چه نیکو نماز را حق تعالی وحی کرد سوی موسی که یا موسی بلکه
که نماز و زکوة هر دو توامانند یعنی دو فرزند بیک شکم منکه خدا و ندم
قبول نکنم نماز را بی زکوة اکرچه این جوان نماز را نیکو میکزارد
اما زکوة مال نمیدهد بدانک نماز بی زکوة شایسته حضرت ما نیست
والله اعلم بالصواب **فصل دهم در صدقه از فواید الفواد**
می آرند که روزی سخن در صدقه افتاد شیخ المشایخ فرمود که چون
در صدقه پنج چیز موجود شود بیشک آن صدقه قبول باشد و این
پنج شرط دو پیش از عطاست و دو در حالت عطاست و یکی بعد از
عطاست اما آنچه پیش از عطاست یکی شرط آنست که آنچه خواهد
داد از وجه حلال حاصل کند دوم شرط آنست که نیت کند که بهر

میکزارد این جوان

که در وجه فساد خرج نکند اما آنچه در حالت عطاست اول آنست که با نشراح

دل وکشاد پیشانی بدهد دوم شرط آنست که خفیه دهد اما آن شرط که

بعد از عطاست آنست که چون داد بعد از آن آنرا بر سر زبان نیارد

وذکر نکند و منت ننهد **از خالصة الحقایق** رسول علیه السلام

فرموده اند بدرستی که در بنی آدم سیصد و شصت استخوانست در هر

استخوانی از آن در هر روز صدقه واجب است گفتند یا رسول الله

چگونه توانیم ادا نمودن رسول علیه السلام فرمودند که راه نمودن

مرد راه گم کرده را صدقه است ونگاه داشتن زبان را از گفتن چیزی که در

وی بزه وگناه باشد صدقه است **رسول** علیه السلام فرمودند صدقه دهید

بدرستی که آید بر شما زمانه که مردان صدقه را بدست گرفته گردانند کسی

نباشد که صدقه را قبول کند بر هر که عرض کنند گوید اگر دیروز صدقه

در شب پیوه یابم هر آینه قبول کنم اما امروز مرا بآن حاجتی نیست

رسول علیه السلام فرمودند که رد مکنید سایل را اگر بسبب چشم سوخته

یا دانه خرما باشد **رسول** علیه السلام فرمودند که اگر صدقه را بمسکین

اجنبی دهی یک ثواب باشد واگر خویشاوندان مسکین را دهی دو ثواب

باشد یکی ثواب صدقه ودوم ثواب صلهٔ رحم **ابو هریره** رضی الله

عنه گفت که پیغامبر علیه السلام فرمودند که بر هر نفسی نوشته شده

است بروی صدقه در هر روزی که آفتاب طلوع میکند پس هر که عدل

کند

کند میان دو کس آن صدقه است یعنی هرچه گوید و دهد در حق هر دو

برابر باشد بجانبی میل نکند واگر کسی ضعیفی وناتوانی را بیند که او

سوار نمیتواند شد او را سوار سازد بر ستور او ویا رخت او را بر

ستور او نهد آن صدقه است دور کردن چیزی از سنگ وکلوخ و

خار وآنچه بدین ماند که مردمانرا زیان دارد آن نیز صدقه است

وکلمهٔ طیبه گفتن یعنی سخن نرم وشیرین گفتن آن نیز صدقه است

وبهر قدمی که جهت نماز بسوی مسجد میرود صدقه است **از تفسیر

مغنی در حدیث** است که بر هر مسلمانی بهر روز صدقه است پس مردی

برخاست وگفت یا رسول الله کیست که طاقت آن دارد رسول علیه

السلام فرمودند دور کردن از راه چیزی که مردمانرا زیان رساند صدقه

است امر معروف ونهی منکر بجای آوردن صدقه است وجواب سلام

گفتن صدقه است وپرسیدن بیمار صدقه است ودر پی جنازه رفتن

صدقه است وشنوانیدن سخن مرگ صدقه است ومجامعت کردن

با حلال خود صدقه است پس مردی گفت چگونه صدقه بود با زن

خود مجامعت کردن که قضاء شهوت میکند رسول علیه السلام

فرمودند از آنکه از حرام پرهیز میکند وخود را در حلال میدارد

از خالصة الحقایق پیغامبر علیه السلام فرمودند که هرچه نفس

تو بخورد از وجه حلال آن ترا صدقه است وهر طعامی که بخادم دهی

آن مر ترا صدقه است

مرویست که عبد الله عمر رضی الله عنهما شکر صدقه دادي اورا کفتند
که اکر بهاي ان را بفقیر دهي نفع بیشتر باشد کفت میدانم اما از رسول
صلی الله علیه وسلم شنیدم که کفتند از کلام قوله تعالی لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتّٰى
تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ یعنی هرکز امید مدارید نیکویی را یعنی بهشت را
تا صدقه ندهید از انچه شما دوست میدارید بدرستی که خدای عز وجل
میداند که من شکر دادوست میدارم ازان صدقه میدهم رسول
علیه السلام فرمودند که بدهید سایل را چیزی از طعام اکرچه بمانند
سر کنجشک باشد وسایل را هیچ وجهی محروم مکردانید مرویست که
خواجه حسن بصری رحمة الله علیه نجاشی را دید که نزدیک او جاریه جمیله بود
خواجه حسن رحمة الله کفت ای نجاشی راضی شوي تو بهاي این جاریه را
بیکدرم یا بدو درم که صدقه دهی صالح مری کفت که من خواجه حسن را کفتم
که سایلان بسیار شده اند ما صدقه کراد هم خواجه حسن رحمة الله
کفت بکسی ده که دل تو بروي رحم خورد ودانی که او مستحق هست عبد الله
مبارک رحمة الله علیه کفت که هرکه هر روز دوازده رکعت نماز کزارد
بدرستی که آنکس ادا کرده باشد حق نماز را وهرکه از هر ماه سه روز
روزه دارد بدرستی که ادا کرده باشد حق صیام را وهرکه هر روز دویست
آیت قرآن بخواند بدرستی که آنکس ادا کرده باشد حق صدقه را مالک
دینار رحمة الله علیه کفت عورتی بچه داشت کرک آن بچه را در ربود

[illegible]

آن

آن عورت دران حال برخاست ویک نانی بدرویشی صدقه داد کرک آن بچه را
کذاشت ورفت عورت بچه خود را سلامت یافت آوازی شنید که ای
عورت بلقمه که از برای رضاء ما بدرویشی دادی ما بچه ترا که لقمه کرک
شده بود سلامت بتو دادیم رسول علیه السلام فرمودند که از آسمان
بلاها فرود می آید وصدقه از زمین ببالا میرود وهر دورا بایکدیکر
ملاقات میشود پس صدقه میکوید مر بلارا که سوی که میروی کوید
سوي فلانکس پس صدقه کوید که من صدقه اویم ترا نکذارم سوی
او رفتن بایکدیکر ملاحق شوند ودر هوا بمانند تا روز قیامت وبنده
آساید واز رنج خلاص یابد از خالصة الحقایق پیغامبر علیه السلام
فرموده اند که بیماران را دارو کنید بصدقه ومالها را حصار کنید بدادن
زکوة وپیش از آمدن بلا دعا کنید ایضا سعید بن المسعود الکندی
روایت کرده از رسول علیه السلام که هرکه صدقه دهد در شب یا در روز
البته آنکس نکاه داشته آید ازان روز تا آن روز که بمیرد از کزیدن
مار واز فرود آمدن دیوار واز مرک مفاجا ایضا ابو هریره رضی الله
عنه کفت شنیدم از رسول علیه السلام که مر آدمی را سیصد وشست
پاره استخوانست بر هر استخوانی صدقه واجب هست صحابه کفتند یا
رسول الله اکر کسی را قوت اداء این نباشد چکند کفتند بعدد آیتها
تسبیح یا تهلیل کوید کفتند اکر نتواند کفت درمانده را یاری دهد ویا

کسی که

درخرید وفروخت زیرکی ندارد اورا یاری دهد ویا در دعوی وخصومت
درمانده باشد وجواب بصواب نتواند کفتن اورا بسخن یاری دهد کفتند
اکر این نتواند کفت راههای مسلمانانرا پاک دارد وناپاکی را دور کند کفتند
اکر این نیز نتواند کفت بخ خود را ازخلق باز دارد آن بجای صدقه هست
اما معنئ این خبر از روی حقیقت آنست که هر نعمتی راشکری هست وشکر
هفت اندام درست اینهاست که بیان کرده شد **ایضاً** درخبرست که
مردی هفتاد سال عبادت کرده بود وروزی از صومعه بیرون آمد
زنی فاحشه اورا پیش آمد با او کار بد کرد بعد ازان سایلی پیش آمد
قرصی داشت بدو داد برپیغامبر آن زمان وحی آمد که آن بنده را
بکوی که بسبب یک زنا طاعت هفتاد ساله را حبط کرده بودی بدین قرص
که بدرویش دادی وازان کار فاحشه توبه کردی ما هفتاد ساله عبادت در
اعمال تو باز نوشتیم **از تفسیر مغنی** رسول علیه السلام فرمود بهترین
صدقه آنست که بنده صدقه دهد در حالتی که با صحت باشد وحال او چنان
باشد بمال وامید بود بحیات وعیش در روزکار ونترسد از فقر
مرویست که عبد الله عمر رضی الله عنهما جاریهٔ خرید وبسیار دوست
نزد خود داشت دل او بوی مایل شد پس ازان اورا آزاد کرد ومردی را
بنکاح داد آن جاریه ازوی فرزندی آورد آن فرزند را ابن عمر رضی الله عنه
درکنار کرفت وکفت که از تو من بوی ما در تو می یابم اورا کفتند که خدای

عز وجل

عز وجل این جاریه را از حلال روزی تو کرده بود تو اورا دوست میداشتی
جدا از خود جدا کردی کفت این آیت خواندم که قوله تعالی **لَنْ تَنَالُوا
الْبِرَّ حَتّٰى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ** وَمَا تُنْفِقُوا اورا آزاد کردم از
برای وعدهٔ آخرت که حق هست وراست **ایضاً** از تفسیر مغنی پیغامبر
علیه السلام فرمودند هر کرا مال نباشد که صدقه کند پس لعنت کند
یهودانرا بدرستی که آن لعنت کردن بجای صدقه هست **ایضاً** درخبرست که
چون روز قیامت شود کفته شود مر فقیرانرا که نظر کنید کسی را که شما را
پارهٔ نان خورانیده هست ویا کوزهٔ آبی داده هست ویا جامهٔ پوشانیده هست
پس بکیرید دست اورا بسوی بهشت برید **از کفایهٔ شعبی** درخبرست که
مردی بخدمت رسول علیه السلام آمد وکفت یا رسول الله من مال
جمع کرده ومرا وارثی نیست ومن میخواهم که مال خود را صدقه دهم
که را دهم پیغامبر علیه السلام کفت کسی را بده که از تو سوال نکند
پس آن مرد کفت که من آنکس را چکونه دانم رسول علیه السلام
کفت کسب او بدان دلیل میکند **ایضاً** در حدیث آمده هست که
حضرت رسول علیه السلام وصحابکان شبی در مسجد حاضر بودند
سایلی فقیر آمد وسوال کرد رسول علیه السلام فرمودند صحابه را
که هر کسی بقدر وسع وطاقت خود این سایل را صدقه دهید
یاران هم قبول کردند ودرخانه رفتند یاری بود که او هیچ نداشت

درخانه رفت وچیزی طلب کرد هیچ چیز از قلیل و کثیر نیافت در حضرت
عزت مناجات کرد و کفت الهی تو میدانی مهمانی رسیده است و من چیزی
ندادم که صدقه کنم اکر چیزی ملک من بودی با او میدادم و لیکن من مالک
نیستم مکر نفس خود و جان خود را پس من خود را در راه رضای خدای تعالی
صدقه دادم بر بندکان خدای عز و جل که صالحند هر کسی از صحابه صدقه
آورده اند پیش رسول علیه السلام نهادند آن مرد آمد و در کوشه مسجد
نشست سر افکنده غمکین جبرئیل علیه السلام آمد و رسول را علیه السلام
خبر کرد و کفت آن مرد که خود را در راه رضای خدای عز و جل صدقه
داده است بشارت بوی رسان و بکوی که خدای عز و جل صدقه ترا قبول
کرد و جمله صدقات دیکرانرا نیز بسبب حسن نیت تو قبول کرد و مر
ترا بهشت واجب کردانید پس رسول علیه السلام فرمود کجاست
آن مرد که نفس خود را در راه رضای خدای تعالی صدقه داده است آن
مرد از شرم جواب نداد رسول علیه السلام کرت دوم و سیوم باز فرمود
آن مرد از شرم جواب نمیداد بعد از آن رسول علیه السلام فرمود که
یا فلان بن فلان و نام او را کفت که جواب کوی آنکاه سر بالا کرد رسول
علیه السلام کفتند ای مرد چه صدقه کردی وی از آن حال خبر داد رسول
علیه السلام مر او را فرمودند که بشارت مر ترا که بدرستی که خدای تعالی
صدقه ترا از تو قبول کرد و جمله صدقات دیکرانرا نیز بسبب حسن نیت

تو

تو قبول کرد **درخبرست که** هر که صدقه دهد پاره از خرمای حلال بدرستی که
خدای تعالی آنرا پرورد تا روز قیامت تا آن صدقه بمثل کوه احد کردد
پس آنرا در میزان اعمال او نهند تا درجه حاصل در یابد **درخبر**
آمده است که اصحاب فقرای رسول علیه السلام پیش پیغامبر
آمدند و شکایت کردند و کفتند یا رسول الله اغنیا صدقه میدهند
و کرسنکانرا طعام میدهند و برهنکانرا جامه می پوشانند و ما
این چیزها نداریم رسول علیه السلام کفتند بدرستی که خدای تعالی
عطا کرده است شما را چیزی که افضل است و بهترست از آنچه اغنیا
دارند کفتند یا رسول الله آن چه چیزست رسول علیه السلام
کفتند سبحان الله والحمد لله و لا اله الا الله والله اکبر ولا حول ولا
قوة الا بالله العلی العظیم **از حقایق** درخبرست که هر جا که درویش
یکبار کوید سبحان والحمد لله تا آخر و توانکر نیز این کلمات را بکوید
توانکر را ده هزار درم صدقه باید داد تا بثواب با درویش برابر
شود **از خالصة الحقایق** مر وصیت از حارث شاکرد امیر المؤمنین
علی رضی الله عنه که او کفت من شاه مردانرا دیدم بر در خانه ایستاده
میکریست کفتم یا امیر المؤمنین چرا میکریید کفت از جهت
آن میکریم که سه روزست که بر در خانه من سایلی نیامده است میترسم
که ناکاه عقوبت خدای عز و جل را شایسته نشده باشم **نقل** مهتر

خضر علیه السلام کفت

ای مظفر دریا دانی که کار درویش بی ترتیب چرا ست گفت از برای آنک
میان نان و میان نان خورش حق تعالی هفتاد روز دوری نهاد در عید
فطر نان دهد و در عید اضحی نان خورش یعنی گوشت پس چگونه کار
درویش بترتیب شود که بسیار انتظار می باید کشید تا
مقصود حاصل شود مظفر دریا خضر را علیه السلام پرسید که
عمر دراز چگونه یافتی فاکذبوا طلبند کجا یابند گفت ای مظفر دریا
هرکجا دروغ گویند از شومی دروغ گفتن ایشان بوی گنده ناخوش
آید من از ایشان گریزم و هرکه راست گوید و جایی که راستی باشد من
که خضرم آنجا باشم چنانک روزی درویشی در مسجدی در آمد و گفت
یا قوم مرا چیزی دهید از برای رضاء حق عز و جل هیچ کس چیزی نداد
همه از مسجد بیرون رفتند من که خضرم گفتم ای درویش بعظمت
و جلال حق عز و جل مرا در ملک نانی نیست و من هیچ طعامی را مالک
نیستم من نفس خود را بتو بخشیدم مرا ببازار بر و فروش درویش
سخن مرا قبول کرد از [illegible] که من از سر صدق گفتم مرا ببازار برد
و فروخت زنگی مرا از درویش خرید و بخانه برد گفتم یا خضر ترا
فروختن روا بود که [illegible] بجلال و عظمت حق عز و جل که هفتاد
بار تن خود را [illegible] و مرا به بندگی فروختند که در آن دین
روا بوده است عاقبت خدای تعالی مرا آزادی روزی کرد و بآزادی

عمر

عمر دراز یافتم القصه چون زنگی مرا بخانه برد و گفت ای غلام بدانک
بروستا میروم تو این توده خاک را از اینجا برگیر و بیرون انداز چون
زنگی از انجا برفت خضر علیه السلام گفت من سبد و کلند برگرفتم
و خاک می بردم هاتفی آواز داد که ای خضر تو دور باش تا ما کار را
کفایت کنیم تو نفس خود را تسلیم کردی بردن خاک بر ماست من
از انجا دور شدم در سبد پر می شد هیچ دست در میان نی و کلند
احتیاج نی در میان زنگی چیزی فراموش کرده بود بطلب آن بخانه
باز آمد آن خاک را دید برداشته شده بود که بیک سال برگرفته نشدی
متحیر شد گفت ای غلام تو کیستی گفت من بنده درم خریده تو گفت
این چه حالتست گفتم فضل خدایست جل جلاله گفت از مال خود آزادت
کردم که چون تو عزیزی در بندگی مخلوق دریغ باشد برو که آزادی
خضر علیه السلام گفت چون از خانه زنگی بیرون آمدم و بصحرا
شدم بگوشه نشستم و سر بر زانو نهادم و با خود گفتم که سبحان الله
من چه بنده ام که هیچ مخلوق مرا به بندگی قبول نمیکند در ساعت
جبرئیل علیه السلام آمد و گفت یا خضر خدای تعالی میفرماید که من ترا
به بندگی قبول کردم و پادشاه زمانه کردانیدم از جهت که تو خود
را یکساعت از برای رضاء من به بندگی دادی [illegible] جمله عالم را اقطاع
تو کردانیدم و زیر قدم تو جای ساختم تا هر که صادق و راست گوی
باشد

نودقم ایشان باشی آورده اندکه مردی بود از اغنیاء نیشابور چون
خواستی که صدقه دهد دینار زر جعفری که در وزن و قیمت زیادت
بود در کاغذ پیچیدی و بفقرا دادی از وی این حال را پرسیدند گفت
این کار را از برای آن میکنم که درین نوع کار سایل چهار کرت شاد شود
یکی آنکه چون کاغذ را بدست گیرد گمان نماید داند که درمی ست دل
خوش شود چون گشاید دینار زر یابد دوم بار خوش شود چون
نظر کند دینار زر جعفری بیند که آن بغایت عزیز ست سیوم بار
دل خوش شود چون خواهد که صرف کند در وزن و نرخ زیادت بیند
چهارم بار خوش دل شود از خالصة الحقایق پیغامبر علیه السلام
فرمودند بر شما باد ابدادن صدقه بدرستی که یک تا نان که در صحت
تن بدهید بهتر ازانست که هزار درم در حالت رنج و زحمت بدهید
و یکدرم که در حالت رنج و زحمت بدهید صدقه بهتر ازانست که هزار
درم بعد از موت شما بدهند از تفسیر منیر صاحب تفسیر منیر
میگوید که در سورة الروم درین آیت که وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ
تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ ابن عباس رضی الله عنهما میگوید که مراد اینجا
صدقه است هرچند بنده صدقه را زیادت کند خدا وند عز و جل
ثواب را افزاید ده مرتبه و بصد مرتبه و بهفتصد و زیاده
ازان روایت نزد انس بن مالک رضی الله عنه از پیغامبر علیه السلام

که

که فرمودند که چون صدقه بدرویش دهی بدست راست وی بدهی ایزد
تعالی آن صدقه را قبول کند و بپروراند چنانکه شما کرهٔ اسب را یا
شتر بچه را پرورید تا آن صدقه هم چون کوه احد شود بقیامت
در ترازوی این بنده نهند ترازوی نیکیش گران آید ایضا درین ولا این
آیت کلام ربانی و تنزیل سبحانی که وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا
وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا بعضی مفسران گفته اند این آیت در شان شاه مردان
علی مرتضی رضی الله عنه آمده است و آن قصه چنان بود که شاه زادگان
دنیا و آخرت امیر المومنین حسن و حسین رضی الله عنهما بیمار شدند
اقربا و خویشاوندان بپرسیدن آمدند امیر المومنین علی را
رضی الله عنه گفتند که نذری کنید تا حق سبحانه و تعالی شاه زادگانرا
صحت دهد شاه مردان گفتند اگر فرزندان مرا حق تعالی صحت دهد
من نذر کردم که سه روز روزه دارم خاتون قیامت فاطمهٔ زهرا
رضی الله عنها همچنین نذر کرد نیز خادمه بود مر ایشانرا فضه نام او
نیز همچنین نذر کرد حق تعالی شاه زادگانرا صحت داد وفای نذر
لازم آمد امیر المومنین علی رضی الله عنه از شمعون جهود سه صاع
جو وام ستاند و نیت روزه کرد فاطمه رضی الله عنها ازان یک صاع
را آس کرد و نان پخت و وقت روزه گشادن پیش آورد درویشی
بر در آمد و گفت یا اهل بیت رسول الله مسکینم و چیزی ندارم

وگرسنه ام شاه مردان نصیب خود را بدان مسکین داد فاطمه و فضه نیز
موافقت کردند و هر سه خفتند روز دوم روزه دار برخاستند شبانگاه
شد نان پیش آوردند تا تناول کنند یتیمی بر در آمد و گفت یا اهل
بیت رسول الله یتیم و حاجتمندم هر سه کس نانهای خود را بوی
دادند و گرسنه خفتند روز سیوم همچنان اسیری بر در آمد و سوال
کرد هر سه کس نانهای خود را بدو دادند سه شبانه روز گرسنه بودند
این آیت در حق ایشان آمد که بیان کرده شد از تفسیر مغنی در حدیث
آمده است که صدقهٔ نهانی خشم و غضب پروردگار را فرو نشاند و دیگر
فرو نشاند گناه را چنانک آب آتش را فرو نشاند و هفتاد بلا را
بر روی آنکس ببندد از وصایا پیغامبر علیه السلام فرمودند که یا علی
صدقهٔ نهانی فرو نشاند خشم پروردگار را و صدقهٔ آشکارا حجاب
است از آتش یا علی گواهی جار همسایه را اگرچه کافر باشد و گواهی
دار مادر و پدر را اگرچه کافر باشند و رد مکن سایل را اگرچه کافر
باشد یا علی صدیق را سه علامت است پوشیده دارد عبادت را
و پوشیده کند معصیت را و پوشیده دهد صدقه را از تفسیر مغنی
پیغامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند هدیهٔ خدای تعالی است سوی مؤمن
درویشی که بر در او آید رسول علیه السلام فرمودند مر سایل را حق است
اگرچه با سب سوار آید یعنی شاید که آن اسب عاریت باشد مرویست که

چون سایلی بر در صحابه آمدی گفتندی که کاذری آمده است که از ما سهل چیزی
گیرد و گل گناه ما را شوید در حدیث است که هرکه درختی نشاند اگرچه از آن
درخت میوه نخورد هیچ انسانی یا دابه یا طایری الا آنک نویسند
بنام او ثواب صدقه تا روز قیامت مالک دینار رحمة الله علیه گفته در
توریت نوشته دیدم که خوشا مران کسی را که از میوه دست خورد یعنی از
رنج بر خود خورد از تنبیه فقیه ابو اللیث رحمة الله علیه روایت کند
از رسول علیه السلام که فرمودند چون سایلی از شما چیزی خواهد سخن
را بروی بریده مگردانید بمانید تا تمام گوید پس آنگاه جواب دهید
زیراک شاید که آدمی نباشد فرشته باشد بنگرد که تا کار شما در بندگی
حق تعالی چگونه است بر آنچه ایزد تعالی مر شما را داده است ایضا روایت کرده اند که
بر در بهشت سه خط نوشته شده است که خط اول اینست که لا اله الا
الله محمد رسول الله و خط دوم اینست که أُمَّةٌ مُذْنِبَةٌ وَرَبٌّ غَفُورٌ
و خط سیوم اینست که رَبِحْنَا مَا قَدَّمْنَا وَخَسِرْنَا مَا خَلَّفْنَا یعنی سود
کردیم هرچه پیش فرستادیم و زیان کردیم آنچه پس گذاشتیم ایضا
عبد الله عباس رضی الله عنهما گفت دو چیز از حق تعالی است جل جلاله
و دو چیز از شیطان است علیه اللعنه پس برخواند این آیت را که اَلشَّيْطَانُ
يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ یعنی دیو مر شما را از صدقه دادن
باز میدارد و درویشی و فقر و فاقه را در پیش چشم شما می آرد و باین

معصیت می فرماید اما این دو چیز که از حق تعالی است اینهاست وَاللّٰهُ یَعِدُكُمْ
مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا و حق تعالی فرموده است بصدقه دادن تا بنده
آمرزد و فضل آمرزش وی پدید آید وَاللّٰهُ وَاسِعٌ عَلِیمٌ یعنی خدای
تعالی را فضل بسیار است و داناست بثواب دادن مر آن کسانی را که
صدقه دهند **ایضاً** در روایت آمده است که روزی بخدمت عایشه صدیقه
رضی الله عنها عبد الله زبیر آمد و هشتاد هزار درم آورد عایشه
رضی الله عنها روزه دار بود و آن مال را میان مردمان قسمت کرد و
تا شب اندر آمد یکدرم از الجمله نقود باقی نماند چون شبانگاه
شد گفت ای خادمه چیزی بیار تا روزه کشاییم کنیزک در آن حالت
نان آورد و روغن زیت تا روزه کشاید کنیزک گفت ای خاتون قیامت
چه شدی اگر از آن مبالغ نقود که امروز قسمت کردی یکی درم از جهت
ما گوشت بایستی خریدی تا بدان روزه کشادی عایشه رضی الله عنها
گفت ای کنیزک بر من چنین سخت مگیر که اگر یاد کنم کرده بودی این
هم بکردمی **روایت** کند عروة بن زبیر که خاتون قیامت عایشه صدیقه
رضی الله عنها دیدم که هفتاد هزار درم صدقه کرد و پیراهنی که پوشیده بود
با پیوندها بود **مرویست که** روزی ام المؤمنین عایشه صدیقه رضی الله
عنها نشسته بود زنی در آمد دست خود را در آستین کشیده میداشت
عایشه رضی الله عنها گفت ای زن چیست که دست را بیرون نمی کنی

گفت

گفت یا ام المؤمنین بدانکه مرا مادری بود منعم و صدقه دادن را
دوست نداشتی و پدرم پیوسته صدقه بدرویشان دادی تا روزی
چنان اتفاق افتاد که پاره پیه و یک پیراهن کهنه بدرویش داده بود
چون هر دو ازین دنیا رحلت کردند شبی بخواب چنان دیدم که قیامت
شده استی و مادرم در آن عرصهٔ عرصات پاره پیه بدهان گرفته
و می لیسیدی و آن پاره جامهٔ کهنه را در عورت خود نهاده بود و بانگ
میکرد که واه از تشنگی و پدر خود را دیدم بر کرانهٔ حوض کوثر ایستاده
بود و آب میداد و در دنیا هیچ صدقه را ندیدم که پدرم دوست
داشتی بهتر از آب دادن و من یک قدح آب از پدر خود ستاندم و بمادر
دادم آوازی شنیدم از بالای سر خود که هر که او را آب داد دستش
شل باد چون از خواب بیدار شدم دست من شل بود **از خالصة
الحقایق** روزی رسول علیه السلام ذکر آتش دوزخ میکرد فرمود که
پرهیزید از آتش دوزخ و صدقه دهید اگر چه پاره از خرما باشد و اگر
نیابید کلمهٔ طیبه گویید **مرویست که** داود پیغامبر صلوات الله علیه
از حضرت عزت خواست که او را میزان قیامت را بنماید او را نمودند
در خواب میزان قیامت را چون بنگریست او را دید بیهوش گشت چون
بهوش باز آمد گفت الهی کیست آنکه او را مقدور باشد که هر دو
پلهٔ این ترازو را از حسنات پر کرداند حق تعالی فرمود که یا داود هم

جون من راضی شوم از بندهٔ بیک خرما که صدقه داده باشد من این هر دو
پله را از حسنات پر کردانم روایت کرده اند از کعب الاحبار که او کفت
سایلی در مسجدی از مساجد بنی اسرائیل سوال کرد جند روز کرسنه
بود هیچکس او را طعام نداد از کرسنکی هم دران شب بمرد اهل آن
مسجد پشیمان شدند و او را غسل کردند و جامهٔ پاکیزه کفن کردند
و دفن کردند جون بامداد شد می بینند که همان جامه که او را
کفن کرده بودند در پیش محراب نهاده و بروی نوشته که این جامه را
رد کرده شد بشما و بپروردکار عالم جنشم است بشما جرا که مردی از
شما جیزی سوال کرد او را طعام ندادید ببینید احوال خود را فردای
قیامت از خالصة الحقایق سوال کفته اند که مرد فقیر را درجات
است پس جکونه باشد درجات فقیر جواب بعضی از اهل معرفت
کفته اند که مرد فقیر را جهار صد درجه است ادنی ترین درجات آنست که
اکر تمام دنیا را بفقیری دهند و او همان روز او را نفقه کند اکر در
خاطر او کذرد که کاشکی قوت یکروزه نکاه داشتمی پس او صادق
نبود در فقر در خبر است که شیطان علیه اللعنه بخدمت رسول
علیه السلام آمد و رسول صلی الله علیه و سلم هرجه سوال میکرد
جواب آن میکفت رسول علیه السلام پرسید که صدقه میدهد کسی
نزدیک تو جون است کفت یا رسول الله کسی که صدقه میدهد او

مرا

مرا میکشد یا کوییا مرا دو نیمه میکند نیمی در دوزخ سعیر می اندازد
و نیمی در دوزخ جحیم رسول علیه السلام کفت جرا ای ملعون کفت
یا محمد بدان بدرستی که در صدقه شش خصلت پسندیده است اول
آنکه حق تعالی دعا را مستجاب میکند و دوم آنکه خدای تعالی در مال
او برکت میکند سیوم اجل او را تاخیر داشته شود جهارم خدای
تعالی هفتاد در از مکروهات را بر روی او بسته کرداند پنجم
او را خدای تعالی نصیبی از دعای بندکان صالح دهد ششم
آنکه خدای عز و جل میان او و میان آتش حجابی کرداند و
مرخامانرا حق تعالی حشر کند روز قیامت در میان صدقات
ایشان پس ازینجهت من دشمن میدارم صدقه دهندکانرا رسول
علیه السلام تبسم کردند یعنی هر که نزدیک ابلیس دشمن است نزدیک
حق تعالی دوست است بعد از ان ابلیس لعین سوکند یاد کرد و
کفت بدان خدایی که مرا آفرید و مهلت داد مرا تا روز قیامت که هر که
نیت کند یکی از امتان تو تا خیری کند موکل کردانم بروی هفتاد
دیو را تا که هر دیوی بروی دری کشایند از شهوت و غفلت و باز
دارند او را از ان خیر و صدقه و دیو دیکر بروی مسلط کرداند که نام
او متقاضی است تا او وی را همیشه وسوسه میکند و تقاضا میکند
تا اکر خیری کند خیر خود را پیش خلق کوید و بران کس که خیر کند و بر

حق تعالی

منت نهد تا ثواب خیر او حبط شود چنانکه تو میدانی یا رسول الله که
چه آفت است منت نهنده را پرسیدم که کدام مسلمان دوست ترند نزد یک
تو گفت مردم مرائی یعنی آنکس که بکسی چیزی دهد از برای مدح و
ثنا که مردم وی را گویند مردی نیک است از تفسیر مغنی آورده اند که یکی
از ابدالان گفت من دیدم ابری سفید را که میرفت آوازی شنیدم که مر آن
ابر را میگفت که برو در زمین فلان این آب را بریز پس دیدم که آن
ابر برآمد و در آن زمین آب ریخت پس من طلب کردم صاحب آن
زمین را و گفتم مر او را که چیست عمل تو که بدرستی که من اینچنین آوازی
شنیدم و این چنین عمل دیدم این مرد گفت ای شیخ بدانکه عادت من
چنانست که چون وقت درودن غله میشود من غله خود را سه قسم می
کنم یک قسم را از برای رضاء خدای تعالی بفقرا و مساکین میدهم و یک
قسم دیگر را از برای احتیاج زراعت میداشتم و یک قسم دیگر را برای نفقه
نفس و فرزندان نگاه میدارم پس آن ابدال گفت چون تو ایثار
میکنی حق تعالی بر تو ایثار میکند و نگاه میدارد ترا از جمیع بلاها
ایضاً رسول علیه السلام گفت دیدم بر در بهشت نوشته که قرض را
هژده ثواب است و صدقه را ده پرسیدم از جبرئیل علیه السلام که چه سبب
است که قرض را اجر بیشتر است از صدقه گفت بدان بدرستی که صاحب
قرض نزد تو نمی آید مگر محتاج و بسیار باشد که صدقه بغیر محتاج
می رسد والله اعلم فصل سیوم در فضیلت سخاوت
از خالصة الحقایق رسول علیه السلام فرمودند بدرستی که خدای
تعالی را فرشته ایست بر دری از درهای بهشت هر روز ندا میکند که هر که
قرض دهد امروز قرض حسنه جزا داده شود فردا او را حسنات بی
شمار رسول علیه السلام فرمودند که خدای عز و جل گفته است بدرستی که
دفع میکنم از سختیٔ عذاب گور و سختیٔ قیامت را او در بامداد و
شبانگاه آمرزیده شده باشد و برانگیزانم او را از زمرهٔ پیغامبران
و برم او را سوی بهشت ایضاً عبدالله عباس رضی الله عنهما گفت
که پیغامبر علیه السلام فرمودند که بدرستی که خدای عز و جل امر کند
بکافر سخی در دوزخ و گوید مر خازن مالک دوزخ را که عذاب کن او را
فاما تخفیف کن عذاب را از و بمقدار سخاوت او که کرده باشد در
دار دنیا رسول علیه السلام فرمودند بدرستی که دوست دارد خدای
تعالی سخاوت را اگر بخرمائی باشد و دوست دارد شجاعت را اگر چه
بکشتن ماری باشد رسول علیه السلام فرمودند که سخی در جوار
رحمت حق تعالی باشد در بهشت و من رفیق او باشم و بخیل در آتش
دوزخ باشد و رفیق او ابلیس لعین باشد در خبر است که وحی
کرد خدای تعالی بسوی جبرئیل علیه السلام و گفت اگر فرستم ترا بدنیا
و گردانم ترا از اهل دنیا چه عمل کنی آنجا جبرئیل علیه السلام گفت یا رب

و هیچ ستری بر تو پوشیده نیست و لیکن من سه کار کنم اول آنک یاری کنم
صاحب عیال را بنفقهٔ عیال او و دیگر آنک بپوشم همه عیبهای خلق را تا ایشان نیز
او را یکی از بنده کان تو مکر تو دانی که عالم السر والخفیاتی و سیوم
تشنکان را از آب سیر کردانم **در خبر است که** وحی کرد خدای تعالی سوی
موسی کلیم علیه السلام که چرا کشتی سامری را که او سخی بود **مرویست** از
رسول علیه السلام که اسیران بنی غنیه را امر کرد بکشتن ایشان و جدا
کرد یک مرد را از ایشان صحابه کفتند یا رسول الله چرا چنین کردید رسول
علیه السلام فرمودند که جبرئیل علیه السلام همین ساعت بنزدیک من
آمد و کفت حق تعالی سلام میکوید و میفرماید که همهٔ ایشانرا بکش
و آن یک مرد را کذار بدرستی که خدای تعالی جزا داده است مر او را بسبب
سخاوتی که در وی بود و او مسلمان شد و سخاوت سبب اسلام او شد
امام شافعی رحمة الله علیه کفت مر پسر خود را که سوکند بخدای
اکر من دانم که آب سرد رخنه میکند مروت و سخاوت را من هرکز
آب سرد نخورم تا آن زمان که از دنیا رحلت کنم **مرویست که** عبد الله
ابن عقبه زمینی ملک خود داشت آن را بهشتاد هزار درم فروخت
و آن همه درمها را بار باب حاجت داد او را کفتند که از برای فرزندان
چیزی ذخیره نکردی کفت این مال را ذخیرهٔ خود کرده ام نزدیک حق
تعالی و حق عز و جل ذخیرهٔ فرزندان منست **آورده اند که** ابو سفیان

بنجاه و دو هزار درم نقره میراث یافته بود تمام این درمها را بسبیل کرد
و ببرادران و دوستان داد و هیچ ازین نقود بجهت نفس خود نکاه
نداشت کفت من برای برادران خود از خدای تعالی در جنان بهشت می
خواهم پس بر ایشان بدنیای بخیلی چون کنم **آورده اند که** بر خواجه
لیث بن سعید هر روز هزار دینار در امدی همه را بفقرا و مساکین
صرف کردی تا زکوة بر وی واجب نشدی و هر روز سیصد و شصت
مسکین را طعام دادی نور الله مرقده **آورده اند که** امام شافعی رحمة
الله علیه بوقت رحلت از دنیا وصیت کرد که مرا فلان مرد بشوید
بعد از نقل امام آن مرد را از آن حال خبر کردند آن مرد حاضر شد
و فرزندان امام شافعی را رحمة الله علیه کفت که تذکرهٔ او را نزد
من بیارید چون آوردند هفتاد هزار درم دین بود در ذمهٔ امام
شافعی رحمة الله علیه آن مرد همان ساعت تمام آن دین را از مال
خود ادا کرد و کفت اینست شستن من که امام وصیت کرده بود
آورده اند که خواجه محمد بن واسع رحمة الله علیه کفت می کذشتم بدیواری
در بالای دیوار غلامی سیاه نشسته دیدم و بدست او نانی و در پیش
او سکی یک لقمه خود میخورد و یک لقمه بر سک می انداخت پس کفتم
مر او را که ای غلام نه که زیان میرسانی بنفس خود آن غلام کفت که
چشمهای این سک در مقابلهٔ چشمهای منست و مرا شرم می آید از وکه
چیزی بوی ندهم

بعد ازان خوجه محمد بن واسع رحمة الله علیه طلب کرد خواجهٔ آن غلام را و بهای
تمام از و خرید و کفت ای غلام ترا آزاد کردم و این باغ را ملک تو کردا ندم
بس آن غلام کفت ای خوجه اکر تو صادقی در ین که میکوئی بدانک این
باغ را بر فقیران و مسکینان سبیل کردم از فواید الفواد بدانک
طاعت بر دو نوعست طاعت لازمست و طاعت متعدیه اما طاعت
لازم آنست که منفعت او همان یک تن طاعت کننده را باشد و آن
نمازست و روزه و حج و اوراد و تسبیحات و آنچه بدین ماند اما طاعت
متعدیه آنست که ازو منفعتی و راحتی بدیکری رسد چون انفاقی
و اشفاقی و بدانچه دست رسد لطف کردن در حق غیری این را
طاعت متعدیه کویند و ثواب این بیحد و بی اندازه است اما در
طاعت لازم اخلاص می باید تا قبول شود لیکن درین طاعت متعدیه
بهر نوع که عمل کند ثواب یابد مرویست که وقتی امیر المومنین
عمر رضی الله عنه بیکی مرد اسب بخشیده بود آن اسب نزد او لاغر
شد چنانکه خیالی ماند امیر المومنین عمر رضی الله عنه خواست که
آن اسب را ازان مرد بخرد بهای آنکه بخشیده بود چون این معنی
بحضرت رسول علیه السلام رسید امیر المومنین عمر را رضی الله عنه
منع کرد و کفت مخر که داده خود را نباید خرید اکر همه بدانکی فروشند
از تفسیر مغنی درحدیث هست که چون فرزند آدم بمیرد فرشتکان کویند

بعضی مر بعضی را که چه پیش فرستاد این مرد اما مردمان کویند که چه
پس کذاشت مرویست که روزی امیر المومنین علی رضی الله عنه
در مقابر مسلمانان در آمد اول سلام کفت که السلام علیکم یا اهل
القبور بعد ازان کفت ای مومنان بدانید که مالهای شما را
دیکران مالک شدند و در خانهای شما دیکران سکونت کردند و عورتان
شما شوهران دیکر کردند این خبر شماست نزدیک ما بس چیست خبر
ما نزدیک شما آوازی شنید که وعلیکم السلام یا امیر المومنین
ربحنا ما قدمنا و خسرنا ما خلفنا آنچه خوردیم و صدقه کردیم سود
کردیم و آنچه پیش فرستادیم یافتیم و آنچه کذاشتیم زیان کردیم
در خبرست که یکدینار که تو عطا کنی در راه رضای خدای تعالی و یکدینا ری
که عطا کنی بر مسلمانان و مسکینان و یکدیناری که عطا کنی بندهٔ را که
بدان تن خود را آزاد کرداند و دیناری که نفقه کند بر اهل خود یعنی
بر دو رحم محرم و بر قرابت خود بدرستی که این یک دینار بهترست
و اجر این بهترست از صد دیناری که بنا جایکاه صرف کرده شود
در کفایهٔ شعبی آورده هست که رسول علیه السلام فرموده که دو
خصلت هست که نیست بالاتر ازان چیز چیزی یکی ایمان آوردن
بخدای تعالی و دوم نفع رسانیدن ببندکان او و دو خصلت هست
که نیست بالاتر ازان شر چیزی یکی شرک آوردن بخدای تعالی و دوم

به بنده‌کان خدای عز وجل مرویست که امیر المؤمنین علی رضی الله عنه
نماز میکزارد دید فقیری سایلی تو رسید که نباید که پیش از اتمام نماز برود
در انکشت مبارک او انکشتری بود بدان اشارت کرد بفقیر در درون نماز
او آمد و انکشتری را از دست او بیرون کرد و این دلیل هست بکمال
سخاوت شاه مردان رضی الله عنه درخبرست که بر در بهشت این چهار
کلمه نوشته هست عفو کردن درحالت قدرت و تواضع نمودن درحالت
دولت و سخاوت کردن درحالت قدرت از اندک و بسیار و عطا دادن
بغیر منت از سلک سلوک وقتی پادشاهی درویشی را کفت مرا پندی
بده درویش کفت تو مال خود را دوست میداری یا خصم خود را کفت مال
خود را درویش کفت چون نیست که تو هم مال خود را اینجا میکذاری
و هم خصمان خود را با خود می بری انصاف آن باشد که مال خود را
با خود بری و خصمان را هم اینجا کذاری مظهر دریا کفت از مهتر خضر
علیه السلام پرسیدم که مرد کیست و نیم مرد کیست کفت در روزکار
شیخ هری قدس الله سره پیری بود از مریدان او بسفر رفته بود
مدت شست سال چون باز آمد شیخ کفت تا کجا رسیدی کفت
تا قطب رسیدم کفت از قطب هیچ پرسیدی کفت پرسیدم که مرد
کیست و نیم مرد کیست قطب کفت مرد آن کسی است که کرده در دست پیش
مسلمانی نهد و نیم مرد کسی هست که بر هوا پرد و با سجاده بر روی آب رود

از خیر المجالس بعد از آن خواجه قدس الله روحه العزیز حکایت
فرمودند که بزرکی از بزرکان دین بحج رفته بود بعد از آن که ایام حج
تمام شد و همه خلق باز کشتند این بزرک در حرم کعبه در مراقبه
شد دید که دو فرشته فرود آمدند یکی بر دست راست این
بزرک ایستاد و یکی بر دست چپ آن فرشتهٔ چپ مر فرشتهٔ
راست را پرسید که امسال حج چند کس قبول شد کفت امسال
حج هیچ حاجی قبول نشد اما یکمردی در مصرست که او را علی موفق
کویند کفش دوزی میکند از برکت حج او جملهٔ حاجیان را حج قبول شد
این بزرک چون بخود آمد کفت بشهر مصر روم و علی موفق را
دریابم و معاینه بینم که حال او چیست چندین حاجیان مشقت
راه دیدند چنانک از آن مشقت حق تعالی در کلام مجید خود خبر
میدهد که لَمْ تَكُونُوا بَالِغِيهِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ یعنی نمیرسند بنده
کان من بکعبه الا بمشقت نفس چندین حاجیان مشقتها دیده الله
حج ایشان قبول نمی‌کن بطفیل حج او درینجا اشارتی عظیم هست
بعد از آن این بزرک از کعبه بیرون آمد و بطرف مصر روان
شد چون بمصر رسید دوکان علی موفق را پرسید و با او ملاقات
کرد و کفت بنده را با تو سخنی نهانی است و آن اینست که من بزیارت
کعبهٔ معظمه رفتم و حج اسلام بجای آوردم همه خلق باز کشتند

من در حرم کعبه در مراقبه بودم که دو فرشته را دیدم از آسمان فرود آمدند
یکی بر دست راست من ایستاد و یکی بر دست چپ من آن فرشته که بر جب
از فرشته راست پرسید که امسال حج چند کس قبول شد او جواب داد که
امسال حج هیچکس قبول نشد مگر حج علی موفق بطفیل حج او حج
همهٔ حاجیان قبول شد الحال تو با من بیان کن که چه معامله کردهٔ
گفت ای شیخ بدانکه من هرگز حج نرفته ام و امسال حج نکرده ام اما معامله
از من در وجود آمده است شاید که از برکت آن حج مرا قبول کرده الله
و آن اینست سالها باشد که اتفاق حج اسلام دارم با خود گفتم که من
مردی کفش دوزم آن قدر ساز و استعداد از کجا خواهد شد که هم
خرج خانه سازم و هم خرج راه کنم بعد ازین هرچه هر روز حاصل
شود چیزی ذخیره کنم و چیزی بخرج صرف کنم کوزه در زمین دفن
کردم مدت پانزده سال آنچه ذخیره کردم دران کوزه انداختم تا امسال
رسید دیدم آن قدر چیزی حاصل شده است که هم در خانه بدهم و هم
خرج راه سازم درین میان عورت من خانهٔ همسایه رفته بود از
برای آتش در خانهٔ همسایه گوشت گوسفند بریان کرده بوده اند
و نشسته میخوردند و این عورت من حامله بود زنان حامله را
هوسها می باشد بسی هوس کرده که پارهٔ ازین گوشت بر دست
وی بنهند ایشان مروت نکرده اند تحمل نتوانست کردن از ایشان

طبیب

طبیب نداده اند زن در خانه آمد دیدم که بشرهٔ او متغیر بود پرسیدم که
چیست که احوال تو بغایت متغیرست بگو پس احوال گذشته را تقریر
کرد علی موفق گفت این سخن شنیدم بخانهٔ همسایه رفتم و گفتم ای
برادر چندین سالست که ما را حق جوارست عورت من با حمل در
خانهٔ شما آمده بود و شما گوشت گوسفند بریان کرده میخوردید
او را هوس آمد قدری خواست شما را مروت و کرم تقاضا نکرد که
در حق وی انعامی کنید این چه محبت و دوستی و این چه حق جوارست
همسایه گفت ای علی اگر احوال را با تو حکایت کنم البته دلت بر ما بسوزد
بدانکه چند روزست که فرزندان من در آرزوی گوشت بسر می بردند
و موافقت و طاقت آن نبود که قوتی از برای ایشان حاصل کنم
گوسفندی مرده در مزبله افتاده بود یک ران او را بریدم و پیش
فرزندان آوردم ایشان آنرا بریان کردند آن گوشت مردار بود لیکن
ما را مباح بود ما خوردیم اما نزد تو لایق نبود که بدهیم ما مردار را
بوی چگونه دهیم علی موفق گفت که چون این سخن را شنیدم در
خانه آمدم و آن کوزه را بیرون آوردم و شکستم گفتم حج من اینجاست
من کجا سرگردان شوم خدای عز و جل کریم است بکرم لایزالی خود قبول
خواهد کرد آنچه دران کوزه بود بردم و بهمسایه دادم و گفتم سودایی
بکن و روز خود را بگذران ایشان چون این حج را مشاهده کردند

مرادهایی بسیار کردند

وشادمان شدند [illegible] آن معاملهٔ من قبول شده است اکنون اگر دست
میدهد تقصیر را بجا [illegible] ح تا سعادت دنیا و آخرت یابی از تفسیر حسینی
ابوهریره رضی الله عنه گفت مرا پیغامبر علیه السلام حدیث کرد و گفت
چون خداوند تعالی روز قیامت حساب کند نخستین کسی را که پیش
آرند مردی مر باشد که همه [illegible] آنرا داند و علم بسیار خوانده باشد و دیگر
مردی را بیارند که در سبیل خدای تعالی کشته شده باشد و دیگر مردی را
بیارند که مال بسیار در کار دنیا صرف کرده باشد قرآن خواننده را بیارند که
ما ترا کلام خود عطا کردیم [illegible] دادیم بدین قرآن که دانستی چه عمل کردی
آن بنده گوید الها پروردگارا تو میدانی که شب و روز کلام تو می
خواندم و بران قیام می نمودم از برای رضاء تو و از برای لقای تو
خداوند عز و جل گوید دروغ میگویی و فرشتگان گویند دروغ
میگویی بدان خواندن و عمل کردن مراد تو این بود که ترا مردمان قرآن
خوان گفتندی و ترا عزت داشتندی ترا در دنیا آن مراد حاصل شد
اکنون ببرید او را بدوزخ بعد از ان غازی را بیارند و از وی سوال
کنند که ما ترا قوت و شجاعت دادیم و مردانگی در وجود تو تعبیه کردیم
تو در راه ما چه عمل کردی گوید یا رب از برای رضای تو غزات کردم
با کافران و شب و روز جهد کردم تا دین تو قوی گردد و در راه رضای
تو کشته شدم فرشتگان گویند دروغ میگویی و حق تعالی گوید دروغ

ای برادر عزیز معلوم تو باد که [illegible]

میگویی

میگویی بلکه از ان حرب کردن و کارزار کردن مرادی تو آن بود که ترا مردم
دلیر و مبارز خوانند یافتی در دنیا آنچه مراد تو بود اکنون ببرید او را
بدوزخ بعد از ان توانگر را پیش آرند و سؤال کنند که ما ترا مال
داده بودیم و با قوانی خود بدکنییه و از [illegible] ست تنگی و عاجزی
نجات داده بودیم این مال را در چه کار [illegible] ی و در کدام خیر نفقه
کردی گوید یا رب بدان مال صلهٔ رحم کردم و صدقها دادم و پل
و رباط و مسجد ساختم از بهر رضاء تو خداوند عز و جل گوید دروغ
میگویی و فرشتگان گویند دروغ میگویی بلکه مراد تو از ان مال
صرف کردن آن بود که ترا مرد سخی گویند و نام تو در عالم مشهور گردد
یافتی در دنیا آنچه مراد تو بود ببرید و او را ببرید بدوزخ پس آنگاه
رسول علیه السلام دست مبارک [illegible] ابر زانوی ابوهریره نهاد و
گفت یا ابا هریره این سه گروه هند [illegible] نخست آتش دوزخ برایشان
افروزند این وعید مکافات مرایی [illegible] ست نعوذ بالله منها نقل
از وصایا پیغامبر علیه السلام فرموده اند که علی هر جگاه آفرید خدای
تعالی بهشت را بهشت گفت یا رب مرا برای [illegible] که آفریدی فرمان آمد که
برای هر سخی و متقی بهشت گفت من راضی شدم آنگاه دوزخ گفت یا
رب مرا برای که آفریدی گفت از برای هر بخیل و متکبر دوزخ گفت
زود باشد که من هم سزای ایشان بدهم از [illegible] صنة الحقایق مطرف
سجزی رحمة الله علیه

گفت مر یاران خود را که اگر یکی از شما را بمن حاجتی باشد در حضور
از من سوال مکنید از برای آن معنی که من روا ندارم خوار مندی
شما را و کراهیت می آید مرا که بینم ذل سوال شما را اما اگر حاجتی
دارید رقعهٔ سوی من نویسید که آن شایسته ترست آورده اند که
زنی فقیره پیش حسان بن ابی سفیان آمد و از وی یکدرم سوال
کرد چون حسان بن ابی سفیان روی این عورت را دید چهار صد
دینار زر بدان عورت داد وی را گفتند این زن از تو یکدرم سوال
کرده بود تو او را چهار صد دینار دادی گفت از بجهت که این عورت
صاحب جمال است ترسیدم که نباید که جای دیگر سوال کند و مردم
بروی فتنه کردند و فسادی واقع شود چهار صد دینارش دادم تا
وی غنیه شود و از جهت تمنا کسی را بنکاح وی رغبت شود و
او ازین ذل و اهانت نجات یابد آورده اند که سایلی نزدیک
شعبة بن حجاج آمد و سوال کرد شعبه در خانهٔ خود چیزی جست
که او را دهد نیافت تیری بالا از سقف خانه بیرون آورد و
بدان سایل داد و عذر خواهی کرد تا محروم نرود آورده اند که مردی را
بخواب دیدند وی را گفتند که خدای تعالی با تو چه معامله کرد گفت با
من حساب کرد پلهٔ حسنات من سبک آمد ناگاه درین میان دراز
پلهٔ بدی افتاد آن پله گران گشت گفتم این چیست گفتند آن یک کف

خاک

خاکست که تو در گور مسلمانی انداخته بودی در وقت دفن کردن ما ان
مقدار عمل ترا ضایع نکردیم بس پلهٔ حسنات تو گران آمد بسبب
آن نیکویی که کردی در حق برادر مسلمان آورده اند که قیس بن سعد
بیمار شد بعیادت او هیچکس نیامد قیس ازین حال تعجب کرد
گفتند که خلق همه وام دار تواند از شرم آن به پرسیدن تو نیامده اند
قیس گفت خیر نیست در مالی که میان مومن و میان برادران من جدایی
اندازد فرمود تا ندا کردند که هر که وام دار قیس بود همه وام او را
بخشید بعد ازان همه بعیادت او آمدند مرویست که مردی نزد
عبد الله مبارک آمد و سوال کرد که هفتصد درم دین دارم عبد الله
بر وکیل خود نوشت که غلهٔ انبار را فروشد و این سایل را هفت
هزار درم دهد وکیل سایل را پرسید که تو چه سوال کردی گفت
هفتصد درم خواستم وکیل بجانب عبد الله نوشت که سایل
هفتصد درم سوال کرده است و تو هفت هزار درم فرموده و غلهٔ
انبار بفروختن این مبلغ منتهی خواهد شد عبد الله مبارک رحمة
الله علیه جواب نوشت که اگر غله منتهی خواهد شد عمر من منتهی نخواهد شد
نقل حکایت کرد زیاد بن جبیر که دیدم طلحة بن عبد الله را که صد هزار
درم نقره را در یک مجلس نفقه کرد و پیراهنی که خود پوشیده بود آنرا
پیوند میکرد آورده اند که در بلاد شاعری نزدیک ابو مزید یحیی آورد

واین ابومعن یده یکی از اسخیا بود گفت والله نزد من چیزی موجود نیست
که تو را دهم اما فلان دو تک قاضی ببر و بر من ده هزار درم دعوی کن من
اقرار خواهم کرد مرا حبس کن اهل بیت من و اقربای من مرا در حبس نخواهند
گذاشت آن شاعر همچنان کرد و او محبوس شد اهل بیت او جمع شدند
وده هزار درم آن شاعر را دادند و او را شب در حبس نگذاشتند
و بیرون آوردند آورده اند که عدی بن حاتم نان شکستی و در سوراخ
مورچگان خانهٔ خود انداختی و گفتی که اینها همسایگان منند و مر
همسایه را حق هست رسول علیه السلام فرمودند چون ارادت و
خواست حق تعالی بقومی خیر باشد ایشانرا بسخاوت و صدق تو
فیق دهد یحیی بن معاذ رازی رحمة الله علیه گفت خداوند عز
وجل بر بنده درهای توفیق را بر بعضی بندگان خود بسبب شش
چیز اول آنکه علم آموزند و عمل بدان نکنند ودوم نعمتهای خدای تعالی
را خورند و شکر نگزارند وسیوم صحبت با صالحان ندارند و اقتدا
با ایشان نکنند وچهارم گناه کنند و توبه نکنند وپنجم مردگانرا دفن
کنند و عبرت نگیرند وششم مالها جمع کنند و از آن توشهٔ آخرت
حاصل نکنند شیخ جنید رحمة الله علیه گفت دولت برده وجه
هست دو قیم هست یکی ایمان ودوم توفیق عمل و دو در وقت نزع
هست یکی شهادت ودوم بشارت و دو در گور هست یکی امن ودوم

راحت

راحت و دو در قیامت یکی رحمت ودوم شفاعت و دو در بهشت هست
یکی خلود یعنی همیشگی و دایمی ودوم زیاده یعنی دیدار حق عز وجل ان
وصایا رسول علیه السلام فرمودند یا علی غیور باش که حق تعالی
دوست دارد غیرت را و دیگر سخی باش بدرستی که خدای تعالی دوست
دارد سخاوت را و دیگر شجاع باش بدرستی که خدای عز وجل دوست
دارد شجاعت را آورده اند که سلطان شمس الدین انار الله برهانه حصار
گوالیور را فتح کرد فرمود تا کافرانرا از بالای حصار بیرون اندازند
و حصار بر سر کوهی هست بلند کافرانرا از حصار بیرون می انداختند از
حصار در کمر کوه می افتادند و از آنجا بر زمین می افتادند و پاره پاره
میشدند یک کافر را از حصار بیرون انداختند در بالای کوه افتاد
سلامت ماند و از کوه در زمین افتاد هم سلامت ماند هیچ جایی
آسیبی بوی نرسید همه خلق در تعجب ماندند او را پیش سلطان
آوردند و از حال او پرسیدند گفت چون مرا از حصار بیرون
انداختند بر کمر کوه رسیدم گویا تودهٔ پشم بود که بر بالای آن افتادم
مرا هیچ آسیبی نرسید سلطان پرسید که تو چه کار میکردی گفت من
گوسفندان داشتم هر پشم که از آن حاصل شدی بفقیران میدادم
سلطان وی را رها کرد و خلعت بخشید اکنون بدان ای عزیز من
کافری با وجود کفر خود با کافران فقیر احسان میکند خلعتها و تشریفها

می یابد

اگر تو با مسلمان فقیر احسان کنی از کرم خداوندی انعام و الطاف بسیار یابی
هیچ عجیب و غریب نباشد **فصل چهارم در مذمت بخل**
از خالصة الحقایق پیغامبر علیه السلام فرموده اند که دو خصلت در
مؤمن نباشد یکی بخل و دوم خلق بد **رسول** علیه السلام فرموده اند که
بدرستی که مر خدای عز و جل را فرشتگانند در زیر عرش که الهام میکنند
ایشانرا تا ایشان ندا میکنند هر روز دو بار پیش از طلوع آفتاب
و پیش از غروب و میگویند هر که نفقه فراخ کند عیال خویش را و بر
اقربا و همسایگان خویش احسان کند حق تعالی بر این بنده فراخ گرداند
درهای رزق را در دنیا و آخرت و هر که تنگ گیرد و بخیلی کند حق تعالی بر وی
تنگ گرداند گور وی را **رسول** علیه السلام گفتند هر که سایل را نومید
و محروم باز گرداند فرشتگان در خانه وی هفت روز حاضر نشوند
رسول علیه السلام فرموده اند هر که باز دارد طعام را از گرسنه خدای
تعالی باز دارد از وی فضل خود را روز قیامت و عقوبت کند
او را در آتش **رسول** علیه السلام فرموده اند که بدترین مردمان آنست
که چیزی را تنها خورد و بیگناه بنده خود را عقوبت کند و عطا و لطف
را از سایلان منع کند **رسول** علیه السلام فرموده اند که سه طایفه اند
که ایشانرا خدای عز و جل دوست ندارد و رسول خدای نیز ایشانرا
دوست ندارد و ایشان در لعنت خدای تعالی باشند و در لعنت فرشتگان

و در لعنت همه آدمیان یکی بخیل دوم متکبر سیوم بسیار خوار **بعضی**
از اهل تحقیق گفته اند که بخل سه حرف است با و خا و لام حرف با از بلاست
و حرف خا از خسران است و حرف لام از لؤم است و این هر سه بغایت
شوم است پس بخیل همیشه در بلاست و در زیان است و در ملامتست
آورده اند که در بنی اسرائیل توانگری بود همیشه فقرا را از در براندی و چیزی
ندادی و ضرر رسانیدی و اغنیا را اکرام کردی و تعظیم بجای آوردی و عطا
دادی خدای تعالی فرشته را بصورت مرد فقیر بنزد وی فرستاد آن
توانگر او را از پیش خود راند و ضرر رسانید و ناسزا گفت آن فرشته باز
گشت و باز آمد نزد وی بصورت مرد غنی پس آن مرد او را اکرام
کرد و تعظیم بسیار بجای آورد پس آن فرشته گفت او را که من آن
فرشته ام که اول نزد تو آمدم و تو مرا اهانت کردی و بچشم حقارت
نظر کردی بدرستی که تو مر فقیر را خوار می پنداری و اغنیا را عزیز میداری
و تعظیم بجای می آری بدانکه تو از رحمت خدای تعالی نومیدی **در خبر است که**
ابلیس علیه اللعنه گفت دشمن ترین مردمان نزد من فاسق سخی است و دوست ترین
مردمان نزد من عابد بخیل است **از کفایه شعبی** در خبر است که هر که شب
سیر خفتد و همسایه او گرسنه باشد روز قیامت همسایه در وی آویزد
و دعوی کند و گوید یا رب بپرس این بنده که چرا خود شکم سیر بخفت
و من گرسنه بودم مرا دستگیری نکرد و عنایت نفرمود حق عز و جل

تا عقوبت کنند از برای این کار **از کنز الیواقیت** رسول علیه السلام
فرمودند که نیست هیچ شبی و روزی الا که دو فرشته از آسمان دنیا
ندا کنند که ای اهل دنیا زیستن از برای مردنست و بنا کردن از برای
خراب شدنست و جمع کردن از برای دشمنانست و شما عذاب کرده
شوید و حساب کرده شوید در روز قیامت **از وصایا** رسول
علیه السلام فرمودند یا علی دیدم من بر در های بهشت نوشته که ای
بهشت تو حرامی بر بخیل را و بر مرائی را و بر عاق را و بر نمام را یا علی
بر بخیل را سه علامت است یکی آنکه بترسد از گرسنگی یعنی اگر فقیر
را چیزی دهد گرسنه ماند دوم بترسد از سایل که نزدیک وی مرحبا
گوید سیوم نترسد بزبان سخن خوب گفتن تا نباید که کسی از وی چیزی
طمع کند **مرویست** از امیر المومنین علی رضی الله عنه که گفت
پیغامبر علیه السلام فرمودند که خدای تعالی دشمن دارد بخیل را در حیات
او و دوست دارد سخی را که نزدیک مردن سخاوت کند **روایت کرد**
ابو هریره رضی الله عنه که پیغامبر علیه السلام فرمودند که یاد آورد
الکه دست خود را در دهان اژدها کنی تا بخاید بهتر از آن بود مر ترا که
چیزی طلبی از مرد نو کیسه که مر ویرا نیایی نبوده باشد بعده مر ویرا
چیزی شود **مرویست** از امیر المومنین علی رضی الله عنه که پیغامبر
علیه السلام فرمودند براستی که خدای تعالی نیافرید بدست قدرت خود

مکر

مگر سه چیز و دیگر جمله اشیا بحکم و فرمان او شده است اول قلم را و آدم را
و بهشت فردوس را بید قدرت خویش آفریده است و گفت مر فردوس
را که در نیاید در تو بخیل و مرکز نیاید بوی ترا دیوث و دیوث کسی را
گویند که ویرا غیرتی و رشکی و حمیتی نباشد در کار اهل و عیال
و در کار شریعت و دین **در خبرست که** ابلیس علیه اللعنه بخدمت
رسول علیه السلام آمد پیغامبر صلی الله علیه و سلم از وی پرسیدند که
بکدام خصلتها میدانی هلاکت امت مرا و نجات امت مرا ابلیس گفت
که چون قبول کنند از من سه خصلت را البته هلاک شوند در
روز قیامت یکی بخل که سر گناه کبیره است و دوم بازی کردن چیزی که
در شریعت حرام است زیرا که شاخی است از کفر و سیوم فراموش کردن
گناهان این سه کار بنده را در دوزخ دارد نعوذ بالله منها والله اعلم

فصل پنجم در ضیافت و آداب طعام خوردن

در آداب دست شستن از خلاصة الحقایق ام المومنین عایشه
صدیقه رضی الله عنها گفت از پیغامبر صلی الله علیه و سلم شنیدم که
گفتند براستی که فرشتگان همیشه دعا میکنند بر یکی از شما مادام که
خوان طعام او نهاده است **رسول** علیه السلام فرمودند هر که بدهد
برادر مسلمان را نانی تا او سیر خورد و بدهد از آب تا او سیر گردد
آب شود حق تعالی او را از آتش دوزخ دور دارد و میان او و میان

آتش دوزخ

هفت خندق پدید آرد پهناء هر خندقی پانصد ساله راه باشد
عایشهٔ صدیقه رضی الله عنها گفت از پیغامبر صلی الله علیه وسلم شنیدم
که فرمودند اگر مردمان دانند که نزدیک حق تعالی از کرامت طعام
خوردن با مهمان چه مرتبه است وچه درجه است هرگز طعام تنها نخورند
واگر مهمان نیاید باید که با همسایه خورد واگر همسایه نباشد باید
که با عیال خود خورد ابو دردا رضی الله عنه روایت میکند از پیغامبر
علیه السلام بدرستی که گفت هر که طلبد برادر مسلمان را جهت طعام خوردن
واو روزه دار باشد روزهٔ نفل از برای برادر مسلمان روزه
را افطار کند بنویسد خدای تعالی بنام صاحب طعام بعوض هر
روزی ثواب دادن طعام هزار روز واگر این مهمان قضاء روزه را
که خورده است دارد بنویسد خدای تعالی مر او را ثواب دو هزار
روزه گفتند یا رسول خدای چگونه باشد این چون روزه خورد
ثواب دو هزار روزه یابد رسول علیه السلام فرمودند که این
خوردن وی بسبب گرامی داشتن مهمانست بدرستی که هر که
گرامی کند برادر مسلمان را خدای عز وجل را گرامی کرده باشد وهر که
خدای عز وجل را گرامی کند خدای عز وجل او را در هر دو جهان
عظیم ومکرم گرداند جابر انصاری رضی الله عنه گفت که پیغامبر
علیه السلام فرمودند که این از سنت منست چون طعام پیش

او

اما آنکه بخوانند کسی را اگر بر کرد او باشد مرویست از ابو هریره رضی الله عنه
که پیغامبر علیه السلام فرمودند اگر کسی نزد من هدیه آرد اگرچه آن
هدیه گنجشکی بود من قبول کنم واگر کسی مرا بخوانند تا کراع البته اجابت
کنم در احیاء العلوم آورده است که کراع اسم موضعی است در مدینه
وکراع چند میل را هم گویند مرویست از ابو هریره رضی الله
عنه که پیغامبر علیه السلام فرمودند که بدترین هر چه طعام مهمانی
عروسی آنست که در وی اغنیا را طلبند وفقرا را نطلبند وهر که اجابت
نکند دعوت را یعنی اگر برادر مسلمان در خانهٔ خود طلبد واو نرود
بدرستی که او عاصی شود بخدای عز وجل وبرسول او ابو هریره
رضی الله عنه گفت که پیغامبر علیه السلام فرمودند هر که آید بدعوت
کسی طلب ناکرده وبخورد از طعام او وصاحب طعام را از آمدن
او خوش نیاید روز قیامت پر کرده شود شکم او را با آتش رسول
رسول علیه السلام فرمودند که ثرید را بر طعامهای دیگر چندان
فضل است که مرا بر همهٔ انبیا علیهم السلام وعایشه را بر همهٔ خاتونان
دیگر رضی الله عنهن از تفسیر مغنی رسول علیه السلام فرمودند که هر
چیزی را زکوة است وزکوة خانه آنست که مهمان دران خانه نزول
کند رسول علیه السلام گفتند که نیست هیچ قومی که نیاید بر ایشان
مهمان وصاحب خانه بمهربانی نظر کند سوی مهمان الا آنکه حرام
گرداند خدای تعالی بروی
آتش دوزخ را

رسول علیه السلام فرمودند هرکه دشمن دارد مهمان را خدای تعالی دشمن
دارد او را و هرکه دوست دارد مهمان را خدای تعالی او را دوست دارد
رسول علیه السلام فرمودند چون یکی از شما طعام با مهمان خورد
پس بنهد لقمه را بدست او یا بدهان او یا بکف او نهد باکرام و
تعظیم هرکه اینچنین کند بنویسد خدای تعالی بنام او بسبب آن لقمه
عبادت شصت ساله که روزها روزه داشته باشد و شب قیام کرده
رسول علیه السلام فرمودند چون حق تعالی خواهد فرستد مهمانی
بسوی اهل بیتی پیش از آن فرشته را فرستد بصورت مرغ سفید
پس آید آن مرغ و بایستد بر آستانهٔ در آن خانه و گوید السلام علیکم
یا اهل الدار پس جبرئیل علیه السلام او را اجابت کند و گوید که چیست
حاجت تو بر اهل آن خانه آن مرغ گوید بدرستی که خدای تعالی فرستاده
است مرا برسولی سوی اهل این خانه و سلام گفته است [illegible]
و فرموده است بدرستی که فلان کس بر شما مهمان می آید تا چهل روز
جبرئیل علیه السلام برکت رزق او را از بهشت آرد و در آن خانه نهد
و در منقار آن مرغ رقعهٔ باشد نوشته جبرئیل علیه السلام گوید او را
که این رقعه چیست آن مرغ گوید این براتی است از آتش دوزخ که
نوشته است خدای تعالی مر اهل این خانه را نقل از کتاب الکسب
و از خلاصة الفتاوی آورده است که اسراف در طعام منهی است و

از

از اسراف یکی آنست که طعام را بر پس سیری خورد مگر آنک از جهت
مهمان خورد تا مهمان خجل نشود یا او را نیت روزه باشد که فردا
روزه دارد و دیگر علما گفته اند که برداشتن ذله حرام است بحل حال
مگر آنک صاحب طعام اجازت کند از فواید الفواد در فضیلت
طعام خواجه علیه الرحمه فرمود که بزرگی گفته است که اگر مردی یک
درم طعام سازد و پیش یاران و مهمان آرد بهتر از آن باشد که بیست
درم صدقه کند در خبر است که وحی کرد خدای تعالی بسوی داود پیغامبر
علیه السلام که یا داود گرامی دار همسایه را اگرچه کافر باشد و گرامی
دار مهمان را اگرچه کافر باشد از کنز العباد بدانک در طعام خوردن
فریضه است و سنت و مستحب و ادب و منهی و مکروه اما فریضه
چهار است خوردن از حلال و دانستن نعمت از حق تعالی و راضی بودن
ببلغ رسد و عاصی ناشدن مر خدای تعالی را مادام که قوت طعام
در و باشد اما سنت بیست و سه وجه است اولین نعلین یا کفش
از پا کشیدن و شستن هر دو دست پیش از طعام مر دفع فقر را
و نهادن طعام بالای سفره و نهادن سفره بر زمین و باید که کاسه
از گل یا از چوب باشد و دیگر باید که سرکا و تره بر حاشیه باشد
رسول علیه السلام فرموده اند که هر که سرکا خورد فرشته
بر سر او ایستاده استغفار گوید از برای او تا آن زمان که از
خوردن فارغ شود

وبزرگان گفته اند که فرشتگان حاضر شوند بر مائده که تره باشد و دیگر
سنت آنست که بر پای چپ نشیند و پای راست را ایستاده کند و اگر بر
سر دو پای نشیند روا باشد که رسول علیه السلام بر سر دو پای و
زانو نشسته است و بسم الله الرحمن الرحیم گوید که اگر در آغاز
طعام خوردن فراموش کند در میانه یا در آخر گوید و بلند گوید تا
هر که در پیش او باشد او نیز گوید و اگر تسمیه نگوید شیطان در
طعام خوردن با او شریک شود و این دعا را بعد از تسمیه خواند
که اَللّٰهُمَّ بَارِکْ لَنَا فِیهِ وَأَطْعِمْنَا خَیْرًا مِنْهُ و اگر شیر باشد گوید اَللّٰهُمَّ بَارِکْ
لَنَا فِیهِ وَزِدْنَا مِنْهُ و بدست راست خورد زیرا که رسول علیه السلام
فرموده اند هر که چیزی خورد از شما از طعام و آب باید که بدست
راست خورد و چون گیرد بدست راست گیرد و چون دهد بدست راست
دهد بدرستی که شیطان بدست چپ میخورد و بدست چپ می گیرد
و بدست چپ میدهد و دیگر باید که ابتدا بنمک کند و ختم هم بنمک
در خبر است که رسول علیه السلام فرموده اند که یا علی ابتدا بنمک کن و
ختم هم بنمک کن بدرستی که نمک شفاست هفتاد درد را مثل دیوانگی
و جذام و برص و درد شکم و درد دندان و دیگر مکروه است نهادن نمک
دان بر بالای نان و باید که نان را بهر دو دست نشکنند و اگر نان شکسته
باشد نان درست را نشکنند و بسر انگشت نخورد آنچه را که پیش او

و نزدیک او باشد مگر میوه که در آن عیب نیست هر کلام را که رغبت باشد
بخورد و طعام را از گرد بر گرد خورد و از میانه و بالا نخورد که برکت
در میانه و بالای طعام منزل می شود و رسول علیه السلام منع
کرده اند از چنین خوردن و دیگر بتعظیم خورد نان ریزه را که از
مایده افتد زیرا که رسول علیه السلام فرموده اند هر که همیشه نان
ریزه خورد مر ویرا در رزق فراخی باشد و نگاه داشته شود حمق را
از وی و از فرزندان و از نبیره گان وی بدرستی که کابین حوران بهشت
است و خدای تعالی دور کرده اند از وی جذام و برص و دیوانگی را و دیگر
سنت آنست که کاسه را بلیسد در خبر است که هر که کاسه را لیسد کاسه
مر او را استغفار گوید و آمرزش خواهد و چون از طعام خوردن
فارغ شود حمد گوید و انگشتان را لیسد پیش از آنکه در جای پاک
کند در خبر است که هر که انگشتان را لیسد پیش از آنکه در جای پاک کند
فرشتگان او را دعا کنند و دندانرا از طعام خلال کند اما خلال
نکند از چوب مورد و از چوب انار و از چوب گز و از چوب مرد
وندانی و بید و از خس جاروب و ریحان اما آنچه از خلال بیرون
آید باز فرو نبرد بیرون اندازد چنانکه بر جامه مردمان نرسد
و یا در طشت اندازد و بعد از طعام دستها را بشوید تا بند دست
فایده او آنست که هرگز دیوانه نشود و علل و امراض از وجود او

ودیگر باید که همه در یک طشت دست بشویند از برای هر یکی طشت را
خالی نکنند که آن رسم مجوس است اما مستحب چهار است یکی آنکه همه
بجمع یکجا طعام خورند اگرچه اهل و فرزندان باشند زیراکه رسول
علیه السلام فرموده‌اند که چون بر طعام جمعیت شود برکت پیدا
شود در طعام و دوسترین طعام نزدیک حق تعالی آنست که در وی
دستها بسیار باشد و طعام خوردن با برادران دینی جمله دردها را
دواست و بدترین مردمان کسی است که طعام را تنها خورد و دوم
مستحب آنست که در مجلس طعام کسی باید که باشد که او را نامی از
نامهای پیغامبران علیهم السلام باشد سیوم آنکه دست نکند در
طعام پیش از جمع چهارم آنکه چون دست شوید تری دستها را
بر روی و چشم مردمان نیفشانند و دیگر هردو ساعد را مسح کنند
اما ادب بیست و شش وجه است اول طعام خورد مگر گرسنگی و دست
از طعام باز دارد پیش از سیری چون دستها پیش از طعام بشوید
بجامه پاک نکند چون [illegible] مهد که طعام خورد اول این دعا را
بخوانند که بسم الله خیر الاسماء بسم الله رب الارض و رب
السماء بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض و
لا فی السماء و هو السمیع العلیم اگرچه دران طعام زهر باشد
هیچ زیان ندارد و دیگر ادب آنست که اول بطعام دست دراز نکند

تا نخست بزرگی و پیری که دران جمع باشد دست نیارد و دیگر لقمه را
خورد بر گیرد و در کاسه از جانب خود [illegible] و لقمه را نیکو خاید
و لقمه دیگر بر نگیرد تا لقمه دهان را فرو نبرد و سر بلند نکند و
دهان را بسیار نگشاید و نظر در پیش خود دارد هم بران طرف که می‌خورد
اگر سرفه و عطسه آید روی را از طرف سفره و از پیش مردم گرداند
و اگر چیزی ناموافق یا استخوانی در دهان آید روی را گرداند و بدست
چپ دور کند و لقمه چرب را در سرکه نزند و دست در کاسه در نیارد
تا دیگری دست از کاسه بیرون نیارد و استخوان و پوست خربزه
و جزان را بیرون نه اندازد و در پیش خود دارد و جهد بسیار و
الحاح بسیار نکند مهمانرا یا بیمار را در طعام خوردن و دیگر لقمه را چنان
بردارد که از و در سفره و کاسه نچکد و آفتابه را در وقت دست شستن
بدست راست گیرد و بعد از شستن دستها را نیفشاند و دعا کند
کسی را که بر دستها آب ریزد گوید طهرک الله عن الذنوب و آب را از
دهان در طشت چنان اندازد که سرشک بجامه کسی نرسد و آب خورد
در حالتی که دستها را می‌شوید تا بیرون برد طشت را از پیش ایشان
و بعد از طعام خوردن دو رکعت نماز گزارد در شکر نعمت خدای تعالی را
اما منهی چهارده وجه است اول کراهت کردن از طعام مگر از چیزی که زیان
دارد کراهت کند روا باشد و عیب کردن طعام را کراهت است و منهی است

و دیگر نان را از میانه خوردن و کرانه گذاشتن باید که از کرانه خورد
و در تاریکی خوردن و اگر مگسی در طعام افتد ترک کردن و نا خوردن
منهی است و ایستاده طعام خوردن و در راه رفتن طعام خوردن
و بریدن گوشت بکارد یا بدندان بریدن نان بکارد و افشاندن
دست در کاسه و سر بلند کردن در وقت لقمه در دهان کردن و بر سر
طعام کسی را قیام کردن و در اثنای طعام جهت کاری از دنیاوی بر
خاستن مگر آنک فوت جماعت باشد یا کار خیری بود و برخاستن
پیش از آنک سفره بردارند این جمله از منهیات است اما مکروه
دوازده وجه است اول طعام خورد در خنور دو بینه و مسینه
و نهادن کاسه بر بالای نان و طعام گرم کشیده را تا خیر داشتن و در میدن
در طعام و بوی کردن طعام و طعام را گرم خوردن و بسوی لقمهٔ
غیری نظر کردن و در وقت خوردن طعام خاموش بودن و طعام
بسیار خوردن و شکم پر کردن و پاک کردن انگشتان و کارد در نان
مگر آنک نان را خورد و پاک کردن دست در کاغذ که کتابت کنند و طعام
خوردن در میان راه و این جمله از مکروهات است اما حرام بر دو نوع است
یکی آنک خوردن بر سر سیری مگر آنک از جهت مهمان خورد تا او
خجل نشود یا آنک بامدادان نیت روزه کند اما طعام را در وقت
بامداد خوردن فایده است مر نفس را و طبع را و طعام شب بیگاه

خوردن

ترک کند

خوردن مردم را پیر و ضعیف کند باید که اندکی در شب خورد و بخسبد و
از تفسیر مغنی در حدیث است که عزیز دارید نان را و عزیز داشتن نان
آنست که منتظر نانخورش نباشد رسول علیه السلام فرمودند که چون
نهاده شود نان در پیش شما پس آن را خورید و نان را سر پوش کاسه مسازید
چرا که در آن اهانت نانست پس هر که همچنین کند او مبتلا شود بگرسنگی
از خالصة الحقایق مرویست که امیر المومنین عمر را رضی الله عنهما مهمانی
رسید برخاست و خدمت مهمانرا بنفس خود میکرد از وی ازین حال سوال
کردند گفت از رسول علیه السلام شنیدم که چون در خانه مهمانی برسد
فرشتگان در آن خانه آیند و ایستند و مرا شرم می آید که بنشینم و فرشتگان
ایستاده باشند رسول علیه السلام فرمودند هر که پس روی مهمان کند را
یعنی در عقب مهمان رود هفت گام خدای تعالی بروی بندد هفت در دوزخ
و هر که هشت قدم در عقب مهمان رود خدای تعالی گشاید بروی هشت در
بهشت را تا از هر دری که خواهد در آید ایضاً سوال چیست اذن در خوردن
طعام بیک انگشت باید خورد یا بدو انگشت یا بسه انگشت جواب ابو
هریره رضی الله عنه گفت پیغامبر علیه السلام فرمودند که خوردن طعام بیک
انگشت خوردن شیطانست و خوردن بدو انگشت خوردن متجبرانست
و خوردن بسه انگشت خوردن پیغامبرانست گفته اند که مکروه است
ذکر موت و مرض و ذکر عذاب دوزخ در وقت طعام خوردن خاصه

سخن فحش

ومالا یعنی کفتن زیراکه حرمت وعزت طعام را زیان دارد اما بعضی کفته اند
که از ادب صاحب طعام آنست که نماید مهمانرا قدم جای ومقام وصول
ودیکر تعلیم کند اوقات نمازرا وجهت قبله را ان غزا یا الفواد ساقی
القوم آخرهم شربا یعنی آنکه قوم را آب دهد باید که خودش آخر همه
آب خورد اما در طعام واجب است که پیش از دیکران تناول نکند بعد از آن
خواجه علیه الرحمه فرمود که میزبانرا دست شستن واجب است که
مهمانرا خود دست شویاند اول باید که خود دست شوید زیراکه چون
دست دیکرانرا خواهد شویانیدن اول دست او پاک باید اما حکم
این دست شستن برخلاف آب خورانیدن است اینجا اول دست خود را
شوید بعد از آن دست دیکرانرا اما در آب خورانیدن اول دیکرانرا آب دهد
آخر خود خورد بعد از آن فرمود که هم درین معنی کفته اند که دست شویا
باید که ایستاده دست شویاند یا نشسته فرمود ایستاده بعد از آن
فرمود که پیش شیخ جنید آمد رحمة الله علیه وآب آورد تا دست
شویاند بنشست چون او نشست شیخ ایستاد کفتند شیخا چه کردی
کفت اورا واجب بود که ایستادی ودست شویانیدی چون او
نشست مرا بایست خاست در فتاوی سراجی آورده است که دست شستن
پیش از طعام وبعد از طعام سنت است وهم این سنت است که در
دست شستن پیش از طعام آغاز از جوانان کند وختم به پیران

وبعد

وبعد از طعام آغاز از پیران وختم از جوانان در فتاوی نوادر آورده است که
اکر پیش از طعام اول پیران دست شویند انتظار پیران لازم آید از
بهر طعام بجهت جوانان واین نشاید بخلاف آنکه جوانان شویند اینجا انتظار
جوانان بود از بهر طعام بجهت پیران وبعد از طعام انتظار نخواهد
بود پس ابتدا از پیران کند رسول علیه السلام فرموده اند هرکه طعامی
خورد پس بکوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أَطْعَمَنِي هٰذَا الطَّعَامَ وَرَزَقَنِيهِ مِنْ غَيْرِ حَوْلٍ
وَلَا قُوَّةٍ مِنِّي وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ خدای تعالی بیامرزد
آنچه کذشته است از کناهان او رسول علیه السلام فرموده اند هرکه چیزی
خورد وچشم کسی بران چیز ناظر باشد ووی اورا ندهد خدای تعالی اورا
مبتلا کند بلایی که اورا دوا نباشد مرویست که مردی بود از صحابه رضی الله عنهم
شبی نزد وی مهمانی آمد ونزد وی طعام آن مقدار نبود که وی را وعیال
وی را بس کند آن مرد زن خود را کفت اکر ما این را خوریم مهمان کرسنه
ماند واکر برابر خوریم مهمان سیر نشود ضعیفه کفت اورا که طعام را پیش
مهمان داریم وچراغ را کشیم وما دست سوی طعام بریم ونخوریم از برای
تعظیم مهمانرا مهمان کمان برد که ما خوریم وما نخوریم رها کنیم تا همه را
مهمان خورد شوهر را این سخن پسندیده آمد همچنان کردند چون بامداد
شد رسول علیه السلام آن مرد را کفت که دوش چه عمل نیک کردی با
مهمان که فرشتکان تعجب کردند از نیکو کاری تو وقصه حال را باز کفت رسول
علیه السلام فرموده اند که

سعادت و دولت قرین تو شد رسول علیه السلام فرمودند که در خانهٔ
که مهمان در نبود در ان خانه فرشتگان در نیایند مرویست که مردی
امیر المومنین علی را رضی الله عنه بمهمانی خواند شاه مردان گفت اجابت
کنم بدان شرط که چهار چیز را از من ضمان کنی و من از تو چهار چیز را
ضمان کنم اول آنچه خورانی حلال بود دوم چندانک خورم تکلیف نکنی
سیوم چون وقت نماز شود بر من تنگ نگیری چهارم بوقت رفتن
مرا باز نداری تا من از تو ضمان کنم چهار چیز را اول آنک در حرم تو نظر
نکنم دوم عیب خانهٔ ترا بیرون نبرم سیوم بدانچه پیش آری رضا
دهم چهارم آنک بقوت طعام تو خدای تعالی را نیازارم از تنبیه فقیه
ابو اللیث رحمة الله علیه روایت کنند از عبد الله عمر رضی الله عنهما که
روزی میرفت اندر راه پارهٔ نان یافت غلام را گفت که بر گیر این
پارهٔ نان را و پاک کن چون روزه کشایم مرا ده چون شب اندر آمد خواست
که روزه کشاید غلام را گفت چه کردی آن پاره را گفت که خوردم ابن عمر
رضی الله عنه گفت آزادت کردم که از رسول علیه السلام شنیدم که گفتند
هر که نان پارهٔ یابد زود بر گیرد و بخورد هنوز بشکم او نرسیده باشد که
خدای تعالی او را آمرزد و من دوست ندارم که خدمت فرمایم کسی را که
خدای تعالی او را آمرزیده باشد ایضا از تنبیه ابو اللیث رحمة الله
عطا گوید که چون ابراهیم خلیل صلوات الله علیه خواستی که چاشت کردی

کسی

کسی جستی تا با وی نان خوردی اگر کسی نیافتی یک میل یا دو میل برفتی
تا کسی یافتی که با وی چاشت خوردی عکرمه رضی الله عنه گوید که
ابراهیم خلیل را صلوات الرحمن علیه ابو الضیفان نام بود یعنی
پدر مهمانان می آنند که کوشک او را چهار در بود تا مهمان از هر دری
خواستی در آمدی روایت کنند از امیر المومنین عمر خطاب رضی الله
عنه که چون طعام موجود کردی اگر مردی بر وی گذشتی که خداوند مال
بودی او را نخواندی اگر مسکینی بودی او را پیش خواندی و گفتی که این
طعام ترا سزاوارتر است انس ابن مالک رضی الله عنه گفت که رسول
علیه السلام فرمود که چهار نفقه است که بقیامت آنرا حساب نخواهد بود
اول نفقه که به پدر و مادر کند و دوم نفقهٔ که در ماه مبارک رمضان بکار
دارد و سیوم نفقهٔ که مرد با عیال خود کند و چهارم نفقهٔ که در سبیل
خدای عز و جل صرف کند رسول علیه السلام فرمودند که دیناری
صدقه کردن در سبیل خدای عز و جل و دیناری که بر مسکینان نفقه کنی
و دیگر دیناری که بر اهل خویش نفقه کنی از همه فاضلتر آنست که بر عیال
و کودکان خویش نفقه کنی و ثواب این بیشتر از آن دیگرهاست که
یاد کردیم مهتر خضر علیه السلام گفت ای مظفر دریا بدانک درین حکمت
بود که انگشت موسی صلوات الله علیه ریش شد چنانک تا فرعون
نمرد نیکو نشد حکمت آن بود که تا انگشت بر نان و نعمت فرعون نزند که

حق نان و نمک بسیارست

بر همه مردمان لازم است و واجب که حق نان و نمک نگاه داشتن از خیر المجالس
آورده اند که روزی مجلس طعام بود این آیت را خواندند که وَكُلُوا مِمَّا
رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا از خواجه علیه الرحمه سوال کردند که طعام حلال
طیب کدام است گفت آنک طعام خوری و دانی که خدای تعالی می بیند و می
داند و طعام را از برای رضاء حق تعالی خوری و نیت تو آن باشد که
هر قوتی که ازین طعام حاصل شود در طاعت و عبادت حق تعالی صرف کنی
نقل از قول بزرگی چنین گفته است که اَنَا آكُلُ وَاَنَا اُصَلِّي این واو
واو حال است فرمود هر که طعام خورد و داند که خدای تعالی ناظر است می
بیند و می داند با حضور و خشوع خورد و نیت طاعت و عبادت
کند گوییا این مرد در عین صلوة است بعد ازان خواجه علیه الرحمه
فرمود که روزی صحابه رضوان الله علیهم اجمعین بخدمت پیغامبر
علیه السلام آمدند و گفتند یا رسول الله طعام میخوریم و سیر
نمی شویم نَحْنُ نَأْكُلُ وَلَا نَشْبَعُ رسول علیه السلام فرمودند که لَعَلَّكُمْ
تَفْتَرِقُونَ عَلَى طَعَامِكُمْ یعنی شما مگر تنها تنها میخورید قَالُوا نَعَمْ
گفتند آری متفرق طعام میخوریم قال النبی علیه السلام اجْتَمِعُوا
عَلَى طَعَامِكُمْ وَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ تَعَالَى يُبَارَكْ لَكُمْ یعنی شما جمع شوید
بر طعام و بسم الله الرحمن الرحیم گویید تا برکت پیدا شود
بعد ازان فرمودند که مومن لاغر است و شیطان کافر فربه باید که

ملاقات کنند شیطان کافر مومن را گوید چیست ترا که لاغری گوید
بدرستی که از طعام مومن مرا هیچ بهره و نصیب نیست زیراک او بسم الله
الرحمن الرحیم میگوید ازین سبب لاغر شده ام پس شیطان کافر گوید
مرا در همه چیزهای وی نصیب است زیراک نام خدای تعالی را در وقت طعام
بر زبان نمیرانند و من آسوده خاطرم ازین جهت فربهم والله اعلم

باب ششم در ثواب نیت دل مومن از خالصة الحقایق

بدانک نیت خطره ایست که در دل می آید و غیر خدای عز و جل
کسی بر وی مطلع نیست رسول علیه السلام فرمودند که برانگیخته شوند
مردمان در روز قیامت بر نیتهای خویش روایت میکند عبد الله
عمر رضی الله عنهما از پیغامبر علیه السلام که فرمودند هر که ترک آرد
از چهار چیز یکی را پس او در آتش است صحابه گفتند یا رسول الله آن
چهار چیز کدام است گفت یکی نیت دل مومن دوم سخن حق سوم
عمل نیک چهارم سنت من که رسولم صلی الله علیه وسلم در حدیث است که
آرند مردی را روز قیامت در مقام حساب و نامه بدست او دهند
و گویند بخوان نامه خود را پس او نظر کند دران نامه نوشته بود
همه اعمال خیر از حج و عمره و غزات و صدقات و جز آن گوید
یا رب من این چیزها را نکرده ام پس گویند او را که این روزیست که
درین روز خطا و غلط و فراموشی روا نیست این نامه تست که تو
در دنیای نیت کرده بودی

که الله خداي تعالی ترا مال روزی کند ان خیرها کی ما بفضل خود نیت ترا صنایع
نکردیم ازین معنی حضرت رسالت صلی الله علیه وسلم میفرمایند که نِيَّةُ المُؤمِنِ
خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ در خبرست که موسی علیه السلام مناجات کرد و گفت الهی
رهنمونی کن مرا بنزدیک ترین راهی بسوی حضرت خود پس وحی کرد
خدای تعالی سوی او و گفت جوف تو قصد نیت نیک کردی بمقصود رسیدی
رسول علیه السلام فرموده اند هرکه نیت کند که امروز دشمن خدای
تعالی را طاعت و عبادت کنم خدای تعالی بد هد مرین بنده را ثواب طاعت
آنروز اگرچه دران روز عاصی شود عکرمه رضی الله عنه گفت مر بنده
راست نیت او اگرچه دست ندهد بر عمل او زیرا که نیت ریایی نیست
و در عمل ریا آمیخته است رسول علیه السلام فرموده اند که آب زمزم را
بر نیتی که خورده شود غرض حاصل آید هرکه بسبب گرسنگی خورد
خدای تعالی او را سیر کرداند که بطعام حاجت نباشد و اگر بیماری
به نیت شفا خورد شفا یابد و اگر حاجتمند خورد خدای تعالی حاجت
او را برآرد مرویست که سلیمان پیغامبر علیه السلام روزی میگذشت
گنجشکی خانکی را دید که با ماده خود میگفت نزدیک من شو تا با تو جفت
کردم شاید که حق تعالی فرزندی روزی کند که ذکر خدای تعالی گوید که
ما را اسال دریافته است سلیمان پیغامبر علیه السلام ازین سخن در تعجب
ماند و گفت این نیت بهترست از جمیع مملکت من در خبرست که

رسول

رسول علیه السلام فرموده اند هرکه بامداد برخیزد از خواب و نیت کند که
ظلم نکند بر یکی از مسلمانان خدای تعالی مر آن بنده را بیامرزد آورده اند که
سه کس بودند از زهاد بزیارت دوستی از دوستان روان شدند
در میان راه آبی بزرگ پیش آمد راه نمی یافتند که گذر ند هر سه کس
اتفاق کردند و گفتند هر یکی از ما نیتهای خویش را اظهار کنیم و عصا در
آب زنیم شاید که راه یابیم پس مقدم ایشان که پیر و بزرگ بود اول
او بنزدیک آب رفت و چیزی گفت و عصا در آب زد هیچ راه نداد
یار دوم همچنین کرد گفت و عصا در آب زد آب ایستاد و راه داد
بفرمان خدای عز و جل ایشان هر سه گذشتند باز آب یکجا شد
و روان شد بعد ازان هر یکی از نیتهای خود پرسیدند یار اول
که مهتر بود گفت نیت من آن بود که من جمله مسلمانان را بدعا یاد کنم
یار دوم گفت نیت من آن بود که همیشه من میخواهم آنچه خلق را میخواهم
بر نفس خود و راضی می باشم بر خلق بدانچه راضی می باشم بر نفس
خود ولیکن اختیار نمیکنم نفس خود را بر ایشان اما یار سیوم گفت
بدرستی که من همه این میگفتم که یا بار خدای اگر یکی از امت محمد را
خواهی که در آتش درآری مرا در عوض او در آتش درآر و او را در بهشت
جای ده حق تعالی بسبب این نیت صحیح گشادی بخشید از تنبیه
فقیه ابو اللیث سمرقندی رحمة الله علیه آورده اند که در بنی اسرائیل
عابدی بود بر یک توده گذشت با خود اندیشه کرد که اگر الله همه ریگ توده
آرد بودی

[margin: ... نیت بعد ازان با ریگ که از ایشان نخورد تر بود آمد و نیت کرد انشاء ... من قوم بنی اسرائیل]

دادمی قضا را آن سال در بنی اسرائیل قحط بود خدای تعالی پیغامبر آن زمانه را
وحی کرد که فلان عابد را بگوی که بدین نیت که تو کردی ما ترا چندین ثواب
ومزد واجب کردیم که اگر بمقدار بلندی این ریگ توده آرد بودی وتو این
همه را بدرویشان نفقه کردی و شفقت ومهربانی بر خلق ما بجای آوردی والله الهادی

باب هفتم در بیان ادب از خالصة الحقایق در

خبرست که رسول علیه السلام همیشه این دعا گفتی که اللهم حسنت خلقی
فحسن خلقی علما این کلام را معنی گفته اند که کمال نعم در حسن خلق است و
کمال ادب نیز در حسن خلق مرویست که ایوب پیغامبر علیه السلام
از رنجی نالید بحضرت عزت مناجات کرد وگفت انی مسنی الضر وانت
ارحم الراحمین ادب نگاه داشت و نگفت ارحمنی درخبرست که چیزی
خوردن در بازار از خساست ودون همتی است که گفته اند که این چنین
کردن ترک ادب است اگر باختیار کند بزرگی گفته است که بپرهیزید از
چهار لعنت بچهار جای یکی آنک از حدث کردن پرهیز کنید در راه مسلمانان
ودوم در آب بول کردن پرهیز کنید وسیوم در خانه که راه گذری نزول
کند همچون رباط در انجا بول مکنید وچهارم در زیر درختی که مسلمانان
فرود آیند یا در زیر درخت میوه دار بول مکنید ابراهیم تیمی رحمة الله
علیه گفت که یک حصه از ادب بهترست از دو حصه علم بزرگی جدا که
بعلم مرد موقر شود اما با ادب مقرب شود شیخ گفت بزرگترین گناه
نزدیک حق تعالی آنست که ذکر کند بنده چیزی را از گناه که حق تعالی بروی

پوشیده

پوشیده کرده است از هر نوع گناه که باشد باشکوه شیخ عبد الله مبارک
رحمة الله علیه گفت هر که خدمت کند سلطانرا چون نزدیک سلطان رود باید که
خود را کور کرداند وچون بیرون آید خود را کنگ سازد از فواید الفواد در
بیان آداب مجلس ودر آمدن بخدمت پیر وبا ادب نشستن ومقام گرفتن
خواجه قدس الله روحه العزیز فرمود که ادب بخدمت آنست که چون مریدی
بمجلس در آید هر جا که خالی یابد نشیند یعنی چون مرید بخدمت پیر آید هر جا که
دربند آن نباشد که بالا فرود نشیند هر جا که فرجه یابد نشیند که جای آینده
همان باشد بعد از ان فرمود که رسول علیه السلام وقتی بمقامی
نشسته بودند سه کس آمدند یکی در دایره نشست دوم در ان حلقه جای نیافت
در پس دایره نشست سیوم روی از اینجا تافت وباز رفت ساعتی شد
پیغامبر علیه السلام فرمودند که این ساعت جبرئیل علیه السلام آمد ومرا
خبر کرد که خدای عز وجل میفرماید که آنکس که آمد ودر دایره جای یافت
ما او را در پناه رحمت خود جای دادیم وآنکس که در دایره جای نیافت و
از شرم در پس دایره نشست ما از رحمت خود شرم داریم که فردای قیامت
او را فضیحت کنیم اما آنکس که روی تافت وباز رفت از رحمت
بیزار رست بعد ازان خواجه علیه الرحمة فرمودند که ادب آنست که چون
مردی در مجلس آمد هر کجا جایی یابد نشیند واگر جایی نیابد در پس دایره
نشیند باید که در دایره نه نشیند که هر که در میانه نشیند از جهت نشستن

او مؤمنی را ضرر رسد

این کس از رحمت دور است **در فتاوی سراجی** آورده است که نمی‌شاید مر
جاهل را اگرچه سال یافته و پیر باشد که مقدم کند بر جوان عالم در رفتن
و نشستن و سخن گفتن مکرر وقتی که این جوان عالم در عزت نگاه دارد
شاید پیر جاهل را مقدم گذشتن **از کفایهٔ شعبی** آورده اند که سوال کرد
از پیغامبر علیه السلام که در رفتن پیش دست بزرگان لایق کیانند فرمود
که علما و صلحا زیرا که علما نگاه بانان دینند و صلحا عاملان دین اند پس ترک
تعظیم ایشان ترک تعظیم کار دین است **در شرعه** آورده است که مقدم است حق
استاد بر حق مادر و پدر و جملهٔ مسلمانان **از صلوة مسعودی** در خبر آمده
است که روزی رسول علیه السلام در مسجد نشسته بودند جوانی را خوب
روی بو شبه اعرابی آمد و از در مسجد در آمد و بر رسول علیه السلام سلام
گفت رسول صلی الله علیه وسلم جواب سلام باز دادند آن مرد در خواست کرد
که یا رسول الله دستوری هست تا در آیم و بخدمت شما بیایم رسول علیه السلام
دستوری دادند تا در آمد هر قدمی که مینهاد از رسول علیه السلام دستوری
میخواست تا چندانک بحضرت رسالت قربت یافت گفت یا رسول الله
دستوری هست تا بنشینم رسول علیه السلام فرمودند که اجازت است
بنشین آنگاه بنشست چنانک زانوی او با زانوی رسول علیه السلام
می بسود گفت یا رسول الله دستوری هست تا سوال کنم فرمودند بلی
هست آنگاه آن مرد اعرابی گفت یا محمد بگوی که ایمان چیست و اسلام

واحسان

واحسان چیست رسول علیه السلام فرمودند که ایمان آنست که بگروی
بخدای عز وجل و بفرشتگان وی و بکتابهای وی و برسولان وی و
بروز قیامت و بدانی که تقدیر نیکی و بدی از خدای است عز وجل و او
آفریدگار همه چیزهاست گفت صدقت یا رسول الله و دیگر پرسید که
اسلام چیست رسول علیه السلام فرمودند که بدانک بناء اسلام بر پنج
چیز است اول کلمهٔ شهادت گفتن و پنج نماز بر پای داشتن و زکوة مال
دادن و روزهٔ ماه رمضان داشتن و حج اسلام بجای آوردن چون
استطاعت بود و یک روایت آنست که فرمود چون جنابت رسد
غسل کردن گفت صدقت یا رسول الله دیگر پرسید که احسان چیست
رسول علیه السلام فرمودند که احسان آنست که خدای عز وجل را
چنان پرستی که گویا او را می بینی و اگر تو او را نمی بینی بحقیقت بدانک
خدای عز وجل ترا می بیند چون این سوالها را تمام کرد گفت یا رسول
الله دستوری هست تا باز گردم رسول علیه السلام فرمودند بلی اجازت است
باز گرد آن مرد اعرابی همچنان بتعظیم از مسجد بیرون آمد بعد از آن
رسول علیه السلام فرمودند که یک کس بیرون آیید و آن سایل را
طلب کنید یک کس از صحابه بیرون آمدند آن سایل را جست و نیافت
باز آمد و گفت یا رسول الله آن سایل را نمی یابم رسول علیه السلام
گفتند بدانید که آن سایل اعرابی نبود برادرم جبرئیل بود بتعلیم شما آمد

بنا برانک

دران وقت نوعهلان بسیار بودند از عرب که در آمدندی و از رسول علیه السلام
بی ادبانه سوالها کردندی رسول علیه السلام فرمودند که جبرئیل صلوات الله علیه
بتعلیم شما آمده بود تا دانید که سوال را چگونه می باید کردن و اگر طالب علمی
پیش استاد خود نشیند داند که چگونه باید نشستن و اگر کسی از شما سوال
کند که ایمان و اسلام و احسان چیست دانید که جواب چگونه می باید
گفتن مرویست که روزی امیر المؤمنین علی رضی الله عنه نزدیک
رسول علیه السلام رفت تا سوال کند چون نزدیک پیغامبر آمد آن
سوال از وی پوشیده شد رسول علیه السلام پرسیدند که یا علی ترا چه
باعث شد که آمدی گفت یا رسول الله سوالی در خاطرم آمده بود
اما از زمان پوشیده شد بر من رسول علیه السلام پرسیدند که یعنی در
راه از تو چه در وجود آمده بود گفت یا رسول الله از من چیزی در وجود
نیامد رسول علیه السلام فرمودند که ای علی نیک تأمل کن چون زمانی
تفکر کرد گفت یا رسول الله در راه از پیر جهودی مسابقت کردم
رسول علیه السلام فرمودند یا علی بی ادبی کرده برو و از ان پیر جهود بحلی
خواه شاه مردان نزدیک آن جهود آمد و از وی بحلی خواست پیر جهود
گفت تو در حق من چه کرده که از من بحلی میخواهی امیر گفت من از تو در راه
بتعجیل در گذشتم رسول علیه السلام مرا نزدیک تو فرستاده اند تا از تو
بحلی خواهم پیر گفت ترا بحل کردم اما بشرط آنکه مرا نزدیک رسول خدای بری

امیر

امیر او را نزدیک رسول خدای آورد چون دیدار مبارک رسول را مشاهده
کرد در حال ایمان آورد و مسلمان شد روایت میکند عکراش بن
ذویب رضی الله عنه که من خرد بودم رسول علیه السلام مرا با خود بر
ام سلمه برد رضی الله عنها چون طعام آوردند من دست خود را بر
جانبی می بردم رسول علیه السلام مرا ادب آموخت و گفت دست
پیش خود دار که در ترید تفاوت نبود چون از طعام خوردن فارغ
شدند رطب آوردند من همان ادب نگاه میداشتم رسول علیه
السلام فرمودند که اکنون ای کودک بخور از هر کدام که ترا می باید
زیرا که در میوه تفاوت نبود از خالصة الحقایق بعضی از سلف
گفته اند که در بنی اسرائیل قاعده چنان بود که چون صغیری از
پیش کبیری گذشتی یا جاهلی از پیش عالمی بی ادب وار شدی
روی زمین بشکافتی و این صغیر و جاهل را فرو بردی ایضاً
انس ابن مالک رضی الله عنه گفت که پیغامبر علیه السلام فرمودند
هر که کنیزک یا فرزند خود و او را بیند که بازی میکند گوش او را
جهت ادب نمالد خدای تعالی نماز او را تا چهل روز قبول نکند و ملائک
واجب است بر صاحب خانه ادب فرزند و اهل بیت خویش
را کردن جابر انصاری رضی الله عنه روایت کرد از رسول علیه
السلام بدرستی که فرمود خدای تعالی رحمت کند بر آن بنده که آویخته
بود در خانه او تازیانه که ادب کند اهل بیت خود را از خورد و بزرگ

از کفایهٔ شعبی اعرابی آمد بخدمت رسول علیه السلام و گفت یا
رسول الله چگونه روزه داریم رسول علیه السلام در غضب شدند
چنانک اثر غضب در بشرهٔ مبارک او ظاهر شد امیر المؤمنین عمر
رضی الله عنه حاضر بود گفت رَضِينَا بِاللّٰهِ رَبًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا وَنَعُوذُ
بِاللّٰهِ مِنْ غَضَبِ رَسُولِهِ چون عمر رضی الله عنه این گفت غضب رسول
ساکن شد و آن غضب بسبب بی ادبی آن اعرابی بود که آمد و اول
سلام نگفت و سوال کرد زیراکه رسول علیه السلام فرموده است که
السَّلَامُ ثُمَّ الْكَلَامُ پس اعرابی گفت یا رسول الله چه گویی در حق کسی
که دو روز روزه دارد و دو روز افطار کند رسول علیه السلام
فرمودند کیست که این را اختیار کند و طاقت آرد بعد از آن پرسید
که چه گویی در حق کسی که یک روز روزه دارد و یک روز افطار کند
گفت این روزهٔ اخی داود است علیه السلام بعد از آن فرمود چه گویی
در حق کسی که یک روز روزه دارد و دو روز افطار کند رسول علیه
السلام فرمودند کاشکی قدرت یابم برین روزه بعد از آن پرسید که
یا رسول الله چه گویی در حق کسی که سه روز روزه دارد در هر ماهی
سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم رسول علیه السلام فرمودند
که این مرد را ثواب صایم الدهر است امّا تأویل این حدیث که رسول
علیه السلام فرمودند لَا صِيَامَ وَلَا فِطْرَةَ این چنین است که اهل فقه

الله

از در حق کسی که سال تمام روزه دارد اگر در دو عید و سه روز ایام تشریق
درین پنج روز روزه دارد افطار نکند مخالف سنت کرده باشد و در
وعید داخل شده از تنبیه فقیه ابو اللیث رحمة الله علیه آورده است که
نمی شاید مرد عاقل را که آب بینی و دهن را در راه اندازد که تا بقدم
خلق رسد و چشم خلق بروی افتد و مردم را کراهت طبع حاصل شود
در فتاوای سراجی آورده است که بستن تعویذ لا باس است یعنی
باکی نیست اما ترک کردن اولیتر است چون در متوضی رود تعویذ را
از خود دور کند و در حالت قربان نیز با خود ندارد و دیگر مکروه است
که فرزند پدر را و زن شوهر را بنام خوانند در بستان فقیه ابو
اللیث رحمة الله آورده است که اگر مردی در بیرون مسجد است خواهد
که آب دهن اندازد باید که در زیر پای خود اندازد یا جانب خود و لیکن
در مقابلهٔ خود نه اندازد و دیگر نمی شاید جایی که دو کس حکایت کنند
دیگری در میان ایشان در آید و سخن گوید یا خود آنچنان باشد که
سخن ایشان را گوش دارد و ایشان این را مکروه دارند و از شنودن وی
ایشان را خوش نیاید از آن معنی که در خبر است که هر که گوش دارد سخن
قومی را و ایشان از وی در مقام کراهت باشند روز قیامت سرب
داغ کنند و در هر دو گوش وی ریزند و دیگر آنکه در نماز یا در محل
دیگر کسی که ازین کس بزرگتر و مهتر و عالم و پیر باشد در مقابله وی ایستادن

او ایستادن

ازترک ادب است باید که مصلّی خود را در نماز جنان اندازد که دامن مصلّای
خود را در زیر مصلّای آنکس کند و پای راست را اوّل در مصلّی نهد و پای
جب را اول از کفش و نعلین بیرون آرد در نصاب الفقه آورده
است که اگر سابق شد یکی بدر آمدن در مسجد و در صف اول جای
گرفت بعده مردی دیگر مهتر و بزرگتر در کبر سن یا علم در مسجد در آمد
شاید آن مرد سابق را که خود در صف آخر در آید و آن بزرگ را پیش
فرستد در صف اول از برای تعظیم او را در کفایهٔ شعبی آورده است که
امیر المؤمنین عثمان رضی الله عنه گفت که من اندام نهانی خود را
هرگز بدست راست نه بسوده ام از آن روز باز که با رسول الله بیعت
کرده ام آورده اند که یکی بود از متقدمان که نماز میگزارد و جیب
پیراهن او گشاده بود پس هرجگاه این را مشاهده کرد نماز شصت
ساله را اعاده کرد و گفت استخفاف و بی ادبی بود نماز گزاردن چنین
حالت مظفر دریا گفت از مهتر خضر علیه السلام پرسیدم که جگونه است که
هرچه از تو سوال میکنم تو روایت از آنکس میکنی که کف پای تو بهتر
از وی باشد یعنی ابلیس لعین مهتر خضر گفت ای مظفر دریا پیش چنین
مگوی که من شنیده ام از قطب العارفین بایزید بسطامی قدّس الله
روحه العزیز او گفت هر که گمان برد بخود که من از سگ بهترم صحبت
داشتن با او نشاید و دیگر ای مظفر دریا بدانکه من خضرم از رسول علیه

شنیده ام

شنیده ام که هر که حدیثی از بزرگی نقل کند در حال خدای عز و جل او را آمرزد
و من دوست میدارم که خدای تعالی مرا آمرزد و بر من رحمت کند
از قصهٔ یوسف صلوات الله علیه در ادب آموختن یعقوب پیغامبر
علیه السلام مر فرزندان را در آنچه بسوی مصر فرستاد بطلب غله به پیش
عزیز مصر یعنی یوسف پیغامبر علیه السلام مثنوی پس آنکه گفت چون
آنجا رسید ید ٥ جمال با کمالش را ببینید ٥ نکه دارید او را گاه و بیگاه ٥ که آن
بهتر وسیلت شد بر شاه ٥ نباشد بجز را چون جواری ٥ نه سلطان را بود صحبت
بغاری ٥ مگر دو باد هرگز پادشاهی ٥ نباشد عافیت با هم بهایی ٥ بگفتید
ای پدر ما هیچ کاهی ٥ نبوده ستیم بر درگاه شاهی ٥ ندانیم آنکه او شاید بدان خا
بگفتا من بیاموزم ادبها ٥ جو در درگاه او باشید رسیدن ٥ سبک تر راه جو ید ش
بدیدن ٥ و لیکن راه رفتن پیش نتوان ٥ بباید منتظر بودن بفرمان ٥
جو در پیشش رسید و بس نشینید ٥ جنین باید که هر سوی نه بینید ٥
جو ببینیدش ثنا گویید از جان ٥ که این باشد پسند شاه سلطان ٥
جو بنشاند سخن نتوان سر آغاز ٥ و گر پرسند جوابی مختصر ساز ٥
نشاید دیر شستن پیش شاهان ٥ مگر باشد نشستن دیر فرمان ٥
جو هر باز گشتن شد اجازت ٥ نشاید سوی پس دیدن بعادت ٥
جوان پیشش برون آیید از آن پس ٥ نشاید گفتن آن احوال با کس ٥
اینست پندیات و نصایح یعقوب پیغامبر علیه السلام که فرزندان را گفت

باب هشتم در حلم و غضب و عفو و تکبر و تواضع و حرص
و این باب مشتمل است بر پنج فصل فصل اول در فضیلت حلم و عفو
و در مذمت غضب از خالصة الحقایق آورده است که هر که ببلایی
مبتلا شود و دران بلا صبر کند و اگر چیزی از نعمتی یابد و دران شکر
کند و اگر بر کسی ظلم کند و ازان پشیمان شود و توبه کند و اگر کسی بر وی
ظلم کند و از وی عفو کند رسول علیه السلام این مقدار بیان فرمود
و ساکت شد صحابه گفتند یا رسول الله چیست مر آن بنده را از ثواب
رسول علیه السلام فرمودند ایشان آنکسانی باشند که فردای قیامت
مر ایشانرا امن است از عذاب و ایشان راه راست رفتگانند
ایضاً عقبة بن عامر رضی الله عنه گفت من پرسیدم از رسول علیه
السلام که چیست از اعمال که فضیلت دارد گفت آنک عطا دهی کسی را که
ترا محروم کرده است و پیوندی با کسی که از تو بریده است و عفو کنی
از کسی که بر تو ظلم کرده است عبد الله عمر رضی الله عنهما گفت که از
رسول علیه السلام پرسیدم که چیست که دور دارد مرا از غضب خدای
تعالی فرمود که اگر کسی بر تو غضب کند تو بر کسی غضب مکن و فرو خور
که ثواب آن بی قیاس است آورده اند که شخصی دشنام میگفت احنف
بن قیس را رحمة الله علیه چون دشنام بسیار شد احنف برخاست
وگفت ای خواجه آن عیبها که خدای تعالی از من دیده است و بر من پوشیده
است

است آن خود زیادت ازانست که تو میگویی می آرند که پرسیدند
احنف بن قیس را که از که آموختی تو این حلم را گفت از قیس بن
عاصم رحمة الله علیه گفتند حلم او بچه غایت بود گفت روزی جاریه
او میگذشت آتشی از دست او جدا شد و بر فرزند قیس افتاد
وجود فرزندش سوخته شد و جان بداد جاریه چون آن حال را مشاهده
کرد دهشت خورد و ترسید که حال من چه خواهد شد پس قیس گفت ای
جاریه این کار تو کردی من ترا آزاد کردم و گناه ترا عفو کردم و ترا ازین کار
باکی نیست و هیچکس را بر تو تصرف نیست اهل اشارت گفته اند
که حلم بر سه نوع است یکی حلم از ظالمانست که ایشان عفو کنند از گنه کار
و حلم دیگر آنست که اگر کسی بدی کند در حق تو تو آن بدی را مکافات
نیکی کنی و از وی درگذاری و حلم دیگر آنست که با وجود آنک بتو ضرر
رسانیده است او را عطا دهی این از غایت و نهایت حلم است از تفسیر
مغنی رسول علیه السلام فرمودند که چون روز قیامت شود منادی
ندا کند که هر کرا باشد بر من اجر بیا بیاید پس جمع شوند مردم بسیار
پرسیده شود که چیست اجر شما بر من گویند ما آن کسانیم که عفو
کردیم بر کسی که بر ما ظلم کرده است و ضرر رسانیده خطاب رب الارباب
در رسد که ما نیز امروز از تو عفو کردیم و ترا آمرزیدیم از فواید الفواد
می آرند که در میانه صحابه امیر المؤمنین ابو بکر صدیق رضی الله
عنهم

بعلم منسوب بود تا وقتی یکی فاسق با وی چیزی گفت و بعیبی طعن کرد امیر
المؤمنین ابوبکر گفت ای خواجه انچه ند من عیبها که در من است ترا چیزی
سهل روشن شده است با من سخن آن شخص را شرمنده ساخت
رسول علیه السلام فرموده اند هر که سرزنش کند برادر مؤمن را بگناهی
اکنون نمیرد تا آن گناه که سرزنش کرده است از وی در وجود نیاید.
از تفسیر مغنی منیر در خبرست که رسول علیه السلام فرمودند که ای مؤمنان
خود را بخدای تعالی نزدیکی طلبید بدشمن داشتن فاسقان هر که
ظالمی را بزنده کانی دران دعا کند چنانستی که بر مؤمنان ستم میکند
رسول علیه السلام فرموده اند که اگر نماز چندانی گزاردید که گوژ
شوید همچون کمان و روزه چندان دارید که ضعیف شوید همچو تار روده
هیچ نفع نکند شما را تا بر خلق خدای رحمت نکنید از کفایه شعبی
از امیر المؤمنین ابوبکر صدیق رضی الله عنه مرویست که فرمود
ای بندهٔ مؤمن بدان و آگاه باش آن مقدار رحمت و شفقت که تو
داری بر همه‌مان از خدای تعالی طمع رحمت کن و بدان مقدار که متابعت
رسول میکنی و سنتهای او را بجای می آری از وی طمع شفاعت کن
مرویست که امیر المؤمنین عثمان مر غلام خود را کاری فرمود غلام دران
کار تقصیر کرد امیر المؤمنین عثمان گوش غلام را گرفت و در مالید
پس ساعتی گذشت امیر پشیمان شد و گفت آن غلام را که گوش مرا

بگیر

بگیر و بمال غلام تفکر کرد و در اندیشه ماند و گوش او را نگرفت امیر فرمود
اگر تو نخواهی که بر من عاصی نشوی گوش مرا بگیر و بمال چنانکه من
گوش ترا مالیدم غلام دلیری نمیتوانست کردن کرت سیوم فرمود
که آنچه ترا فرمایم من بکن آن غلام آمد و گوش امیر المؤمنین
عثمان را گرفت و بمالید امیر گفت سختتر از آن بمال که من گوش
ترا مالیدم گفت ای خواجهٔ بزرگوار من چنانکه تو میترسی از قصاص
با وجود کمال و بزرگی خود من نیز میترسم از قصاص شما در آخرت
رسول علیه السلام گفتند براستی که خدای تعالی چهار چیز را در چهار
چیز نهاده است فراخی رزق را در بر والدین یعنی نیکویی کردن با پدر
و مادر و برکت علم را در تعظیم استاد و ثبات ایمان را در نگاه داشتن
فرمانهای خدای تعالی و امان یافتن در روز قیامت در ترک کردن ضرر
خلق مهتر خضر علیه السلام گفت ای مظفر دریا رسول علیه السلام
فرموده اند هر که خشمگین شود باید که طهارت سازد و نماز گزارد
و ذکر خدای تعالی را بسیار بازگفتند یا رسول الله درین حکمت چیست
گفتند از برای آنکه خشم و غضب از نشانهٔ آتش دوزخ است چون با آب
طهارت سازد هر اینه آب آتش را کشد و نماز مناجات است
با خدای تعالی چون بنده بخدای تعالی مشغول شود از مخلوق فراموش
کند او را خشم و غضب نماند ای مظفر دریا من که خضرم از محمد مصطفی
صلی الله علیه وسلم شنیده ام که

یکی از عرب را پند میداد و میگفت لَا تَغْضَبْ فَإِنَّ الْجَنَّةَ لَكَ یعنی خشم مران
بد رستی که بهشت تراست **از تفسیر منیر** ابو هریره رضی الله عنه روایت
کرد از رسول علیه السلام که عیسی روح الله مر یحیی را علیهما السلام گفت
که خدای تعالی ترا از گناه پاک کرده است بر تو سلام گفت در حیات و ممات
و در چیز بس خبر ده که از خشم و غضب خدای تعالی چه چیز نجات دهد
یحیی گفت ای عیسی بر خلق خدای تعالی خشم مران عیسی صلوات الله
علیه گفت ای یحیی ابتداء خشم از چه پیدا آید گفت از انک خود را بر
دیگری فضل نهد و آن غرور حشمت و جاهش رنجه دارد تا بر خلق
خدای خشم راند بس عیسی گفت ای یحیی مرد را از آتش چه نجات دهد
گفت آنک زنا نکند گفت زنا از چه حاصل آید گفت از دیدن چشم و
از رویی دل **ایضاً** انس بن مالک رضی الله عنه گفت روزی رسول علیه
السلام ما را خطبه کرد و دران خطبه گفت ای مردمان بدانید که این
خطبه آتشی است افروخته در دل فرزند آدم نه بینی دران وقت که مرد
در خشم شود چگونه چشمهاش سرخ شود و رگهاش آماسد هر که
از شما ازین آتشی اثری در خود ببیند باید که گوید اعوذ بالله السمیع
العلیم من الشیطان الرجیم اگر ایستاده باشد بنشیند و اگر نشسته
باشد بخفتد و دست بر سینه نهد تا آن خشم فرو نشیند و اگر همچنان
غضب و خشم متمکن باشد باید که غسل کند تا فرو نشیند علما گفته اند

این غلطیدن برخاک باید زیرا که آتش را بخاک کشند **از تنبیه فقیه**
ابو اللیث رحمة الله علیه آورده است که دران مدت که عمر بن عبد
العزیز نور الله مرقده خلیفه بود مستی را دید خواست که او را چه فرماید
مست او را دشنام داد خلیفه گفت که او را رها کنید مست را رها کردند
گفتند یا امیر المؤمنین او ترا دشنام داد تو او را گذاشتی گفت از
بهر آن گذاشتم که او مرا در خشم آورد اگر من او را حد زدمی از جهت
دشنام واقع شدی نخواستم که مسلمانی را از بهر حمیت دین خود بزنم
و برنجانم **آورده اند که** میمون بن مهران کنیزکی داشت با کاسهٔ طعام
در دست می آمد چون نزدیک رسید افتاد و کاسه شکست و طعام
بر ریخت میمون بر وی بخشم شد و در کنیزک تیز نگریست گفت ای
خواجه کلام خدای عز و جل را کار بند که وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ
عَنِ النَّاسِ یعنی خشم خود را فرو خور میمون خندید و گفت کار بستم
آنچه حق تعالی بعد ازین فرمود آن را نیز کار بند قوله تعالی وَالْعَافِينَ
عَنِ النَّاسِ **میمون گفت** عفو کردم کنیزک گفت خدای تعالی می فرماید
وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ گفت رو ترا از مال خود آزاد کردم **ابو هریره**
رضی الله عنه روایت کرد که شخصی مر امیر المؤمنین ابو بکر صدیق
را رضی الله عنه دشنام داد و حضرت رسالت علیه السلام خاموش بود و میگریست
صدیق رضی الله عنه سخن آغاز کرد و شکایت کردن گرفت رسول
علیه السلام

برخاست وبرفت صدیق از عقب سید علیه السلام رفت وگفت یا رسول الله
این شخص مرا دشنام داد شما خاموش می بودید چون من سخنی
آغاز کردم شما دوان شدید رسول علیه السلام گفتند یا ابابکر
بدانکه هرچه ترا آن شخص میگفت حق تعالی فرشتۀ را فرستاده بود که او را
جواب باز میداد چون تو سخن آغاز کردی آن فرشته برفت چون
فرجه خالی یافت دیو آمد ونشست جایی که دیو باشد مرا آنجا بودن
کراهیت بود از سلک سلوک وقتی شیخ ابوبکر وراق ترمذی رحمة
الله علیه گفت که امروز خلق چهار چیز می طلبند که یابند وآن محال است
مریدی پرسید که یا شیخ آن چهار چیز کدام است گفت لقمۀ حلال
ویار موافق وطاعت بی ریا وعالم بی طمع مرید گفت یا شیخ
من این هر چهار چیز را یافته ام گفت چگونه گفت لقمۀ حلال خشم
فرو خوردن است ویار موافق قرآن است وطاعت بی ریا تفکر
است وعالم بی طمع علام الغیوب است تعالی وتقدس از خالصة الحقایق
رسول علیه السلام فرمودند که ضعیفان امت من سه طایفه اند
یکی زنان دوم کودکان یتیم وسیوم بنده کان پس هر که اینها را
گرامی کند وعزیز دارد خدای تعالی او را عزیز دارد از تفسیر منیر
رسول علیه السلام فرمودند هر که طپانچه زند بر بنده خود بیگناه
کفارت آن است که او را آزاد کند و بالله التوفیق

فصل

فصل دوم در تکبر از خالصة الحقایق آورده است که
هر که نفس خود را بهتر داند از غیری در فضل وعلم گفته اند متکبر است
متابع شیطان است در رؤیت نفس اهل ریاضت گفته اند هر که
تکبر میکند وی از حق تعالی نمیترسد واز خلق شرم نمیدارد روا
یت کرد ابوهریره رضی الله عنه که رسول علیه السلام فرمودند
که خدای تعالی فرموده است که ای فرزند آدم آفریدیم شما را از خاک
وباز گشت شما بخاک است پس تکبر مکنید بر بنده کان من بحسب و
نسب ودر مال پس اگر شما تکبر کنید باشید شما خوارتر از مورچه
بدرستی که آنکسانی که تکبر کرده اند در دنیا من ایشان را مجسم مانند مورچه
گردانم در روز قیامت تا زیر پای کنند ایشان را مردمان چنانکه
بهایم زیر پای کنند مورچگان را در زمین در حدیث است که هر که
بزرگی وتکبر کند از جهت خدمتکاران وزیردستان خدای تعالی
او را در آخرت خوار کرده اند در خبر است که اگر کسی جامۀ دراز پوشد
چنانکه بر زمین رسد واو را مراد تکبر بود خدای تعالی نظر نکند
سوی او روز قیامت عبد الله عباس رضی الله عنهما گفت که
رسول علیه السلام فرمودند که خبر کنم شما را بچیزی که نوح پیغامبر
علیه السلام فرزندان خود را فرمود وایشان را نهی کرد از کبر وگفت
در نرود در بهشت کسی که در وی بمقدار سپندانه کبر باشد [illegible]

از وهب بن منبه رضی الله عنه که او گفت چون حق تعالی جنت عدن را
آفرید نظر کرد سوی او و گفت تو حرامی بر هر کبر کننده و بر مرائی
شیخ ابو یزید بسطامی قدس الله روحه العزیز گفت مادام که گمان
بنده این باشد که بتر از وی دیگری نیست پس او متکبرست اما بعضی
از اهل طریقت گفته اند که چگونه تکبر کند فرزند آدم که آمدست از
مخرج بول و لوث شیخ سری سقطی رحمة الله علیه گفت معصیتی که از
شهوت داشته شود آمرزش او را اما هر معصیتی که از کبر باشد باشد امید
امید داشته نشود غفران او را از برای آنکه زلت آدم صفی صلوات
الله علیه از سبب شهوت بود که توبه او قبول شد اما معصیت
ابلیس از کبر بود بسبب آن مخذول و مردود شد مرویست که فرعون
خواست که ایمان آرد با هامان مشورت کرد پس هامان گفت
تو دعوی خدایی کرده چگونه روا باشد که بنده شوی و بندگی
کنی این از سبب تکبر بود بشومی تکبر ملعون شد آورده اند که
فخر کردند دو مرد بنسب و حسب و بنزدیک موسی کلیم صلوات الله
علیه آمدند یکی از ایشان گفت من پسر فلانم پدر من فلانست
و جدم فلان بن فلان تا نه کس را بنام برد خدای تعالی وحی کرد
سوی موسی پیغامبر صلوات الله علیه که بگوی مر او را که ایشان
نه کس همه متکبر بودند در آتش رفتند دهم ایشان تویی از تنبیه

فقیه ابو اللیث رحمة الله علیه می آرند که موسی کلیم صلوات الله
علیه ابلیس را گفت مرا خبر کن که کدام گناهست که فرزند آدم
کند تا بر وی دست باشد گفت بدان وقت که بر نفس خود معجب
گردد در کار خویش و کبر آرد آنگاه مرا بر وی دست باشد از خالصة
الحقایق رسول علیه السلام فرمودند که چون حق تعالی خواهد که
بنده را خبر کند باشد در دنیا او را پرهیزگاری دهد و راغب
گرداند در کارهای آخرت و او را بینا گرداند بعیبهای نفس خود
از کفایهٔ شعبی در خبرست که وحی کرد خدای تعالی سوی موسی
پیغامبر علیه السلام که یا موسی شناس مرا و شناس نفس خود را
موسی گفت یا رب شناختم نفس خود را ازین که من عاجزم بر همه
چیز وحی کرد خدای تعالی سوی موسی علیه السلام که اکنون کامل شد
در تو معرفت اهل آسمان و زمین در خبرست که عیسی پیغامبر
صلوات الله علیه در راهی میرفت و اصحاب او از چپ و ریان
پیش او بودند دزدی بدزدی … رون آمده بود چون آن دزد
ایشان را دید از آن کار تایب شد و پشیمان گشت و بخدای تعالی
بازگشت بعد از آن در پی ایشان روان شد بشکستگی و حقارت
پس نظر یکی از اصحاب عیسی بر وی افتاد او را شناخت بعیسی گفت
یا روح الله اینجا برابر ما دزد چه میکند آن کس که نظر بعبادت و زهد

خود کرد

مرین

واورا دزد کفت خطاب آمد از حق تعالی سوی عیسی که یا عیسی بکوی مرین
مرد را که تا عمل خود را از سر کیرد که جملهٔ اعمال او حبط شد بدان
عجب که بنفس خود کرد و بکوی مرین شخص توبه کننده را که از سر
کیرد عمل خود را که ما او را آمرزیدیم بسبب آن شکستکی و حقارت
که نفس خود را دید **نقل از دوازده مسئله مسئلهٔ ششم**
آنست که ابلیس کفت ای مهتر خضر بدانک چون موحد جملهٔ
خیرات وطاعات بجای آرد واز ریا و سمعه صیانت کند واز
صغایر وکبایر دور باشد و یقین واخلاص حاصل کند چنان
پندارد که از شر ابلیس ایمن کشتم ناکاه در دل او درایم ودست
بر موضع تسلیم نهم ودر دماغ او دمم تا عجبی ونخوتی در دماغ او
پدید آید وبر خلقان تکبر وترفع کند واز مردمان تواضع چشم
دارد وبخلق بدکمان شود وخود را بر دیکران تفضیل وترجیح
نهد آنکاه ابلیس کفت هر دماغی که در وی ذرهٔ کبر وعجب باشد
او مطیع ودوست منست وغرض من از وی حاصل هست **جواب**
رسول علیه السلام فرموده‌اند که چون بنده خود را بدین صفت
بیند علاج او آنست که توبه کند از همه کناهان وبخدای عز وجل
باز کردد ومتواضع باشد وکلمهٔ توحید کوید واین دعا را بسیار
خواند که اللّٰهُمَّ اعْصِمْنِي مِنَ الْعُجْبِ وَجَنِّبْنِي مِنَ الْكُفْرِ وَالْفِسْقِ وَ

الزناء

الزِّنَاءِ وَأَكْرِمْنِي بِالْفَضْلِ وَالْعَطَاءِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ **از تفسیر منیر**
در خبرست که در وقت موسی کلیم صلوات الله علیه دو مرد بیکجا فخر
کردند یکی را از یکم جد تا نهم امیر بود اما کافر بود او نسب خود را
بیان کرد اما آن شخص دوم دو پدر را یاد کرد و ساکت شد و
کفت الحمد لله مسلمان نبودندی هم یاد ایشان نکردمی بموسی علیه السلام
وحی رسید که بکوی مران شخص را که بدو پدر مسلمان فخر کرد من
بعنایت خود او را رسانم و پدران او را ببهشت وآن کس را بکوی که
بپدران کافر فخر کرد رسانم او را و پدران او را بدوزخ **از تنبیه فقیه**
ابو اللیث رحمة الله علیه در خبرست که موسی کلیم صلوات الله علیه
در مناجات کفت یا رب از جملهٔ خلایق نزد تو که دشمن ترست ندا
آمد که یا موسی آنکس که در دل او تکبر بود وبزبان درشت کوی بود
وبچشم خیانت کند وبدست بخیل باشد **از فواید الفواد** آورده‌اند
مرد هر کرا بیند باید که از خود بهتر تصور کند اکرچه این کس مطیع باشد
وآن دیکری عاصی زیرا که شاید بود که طاعت این کس آخرین طاعتها
باشد و معصیت او آخرین معصیتها باشد بعد از آن خواجه علیه
الرحمة حکایت فرمودند که شیخ حسن بصری رحمة الله علیه میکفت
که من هر کرا دیدم بهتر از خود تصور کردم مکر آنک یکبار غلط کردم
واز ان کار سزای خود دیدم وآن قصه چنان بود که حبشی را دیدم بر

لب آبی نشسته

بنسبت

و قدا بمرد در پهلوی او بود هر زمان ازان قدا به تجرّع میکرد و عورتی
نزدیک او نشسته بود در خاطر من گذشت که من باری بهتر ازویم
بهر حال که باشد هم درین فکر بودم که کشتی در آب غرق شدن گرفت
هفت تن دران کشتی بودند هر هفت را چون غرق شدن لازم
آمد آن حبشی با لعورت خود را در آب انداخت و شش تن را بیرون
کشید روی سوی من کرد و گفت ای شیخ چون تو از من بهتری
آن یکی را تو بیرون آر شیخ حسن رحمة الله علیه گفت من متحیر
شدم بعد ازان مرا گفت ای شیخ در حق ما گمان بد مبر درین قرابه
آبست خمر نیست و این عورت که در پهلوی منست مادر منست من
از برای امتحان تو اینجا نشسته بودم **مرویست** که از عایشه
صدیقه رضی الله عنها پرسیدند که مرد کی بد شود گفت هرگاه که
خود را از همه نیکو داند **آورده اند که** شیخ حسن بصری رحمة الله علیه
و فرزدق شاعر در میانه جمعی هر دو یکجا افتادند ازان جمع یکی
باواز بلند گفت بهترین مردمان درین جمع حاضرست و بدترین
مردمان هم حاضر درین حال فرزدق گفت روی سوی شیخ حسن
کرد و گفت شنیدی که چه میگوید شیخ حسن رحمة الله علیه گفت
چه معلوم هست که بهتر کیست و بدتر چیست این را خدا داند عز و جل
دانا فرزدق گفت بهترین مردمان تویی و بدترین مردمان منم چون

فرزدق وفات یافت او را در خواب دیدند و از احوال او پرسیدند
گفت مرا چون پیش کردگار قضا بردند من ترسیدن گرفتم فرمان
آمد که ای فرزدق ما ترا همان روز آمرزیدیم که تو خود را بدترین
مردمان دانستی **از تنبیه** فقیه ابو اللیث رحمة الله علیه کعب
احبار رضی الله عنه گفت که متکبرانرا روز قیامت آرند بصورت
مورچه در جایی که ذل و خواری با یشان میرسد و مردمان در زیر
پای ایشانرا می سپرند پس آنگاه رانند ایشانرا سوی دوزخ و
خورانند ایشانرا خون و ریم دوزخیان **در خبر** چنین گویند که
حق تعالی سه گروه را دشمن دارد و سه گروه و یکی را ازان دشمن تر یکی
فاسقانرا دشمن دارد و پیر فاسق را دشمن تر دوم بخیلانرا دشمن
دارد و توانگران بخیل را دشمن تر سیوم متکبرانرا دشمن دارد و درویش
متکبر را دشمن تر نعوذ بالله منها **فصل سیوم در تواضع**
انخالصة الحقایق رسول صلی الله علیه وسلم فرمودند که خدای تعالی
بعث نکرد یعنی نه بر انگیخت هیچ پیغامبر را مگر آنک او متواضع بود
و بهترین مردمان نزدیک خدای تعالی آنست که متواضع باشد **رسول**
علیه السلام فرمودند که سر تواضع آنست که ابتدا بسلام کند با هر که
او را ملاقات شود و جواب سلام گوید هر که او را سلام کند و راضی
باشد در مجلس به فروترین جای نشستن و دوست ندارد این را که کسی
ویرا مدح گوید
و نیکویی بسیار

رسول علیه السلام فرمودند که طعام خوردن با خادم خود از تواضع لله
هر که با خادم خود طعام خورد بهشت مشتاق او باشد وهب بن
منبه رضی الله عنه گفت در بعضی کتب منزل دیدم که حق تعالی بیان
فرموده است این سخن را که بدرستی که بیرون آوردم من ذریات
آدم را از صلب آدم صلوات الله علیه در روز میثاق پس نیافتم
دلی متواضع تر از دل موسی علیه السلام پس او را برگزیدم و با او
سخن گفتم روایت میکند ابن عمر رضی الله عنهما از پیغامبر صلی الله
علیه وسلم بدرستی که هر که شرکت کند با دمی تا تواضع کند او را از
برای چیزی از دنیا وی چون روز قیامت شود خدای تعالی میان این
دو شریک وادیی پر از آتش پیدا کند گفته شود مران شریکی دیگر
را که بگذر از این وادی و بدان جانب رو تا حساب کنند برابر
شریک تو مرویست از امیرالمؤمنین علی رضی الله عنه که رسول
علیه السلام فرمودند هر که تواضع کند از برای رضاء خدای تعالی مرتبه
او را بلند گرداند و هر که تکبر کند مرتبه او را پست گرداند و هر که
قناعت کند خدای تعالی او را غنی گرداند و هر که ذکر خدای تعالی
بسیار گوید حق تعالی او را دوست دارد و رحمت کند مرویست که
ابو هریره رضی الله عنه امیر مدینه بود پشت واره هیزم گرفتی و
درون مدینه درآمدی و خلق را گفتی که راه دهید امیر را این از

برای متواضع بودنست از اصول معتقد در حدیث است که من تواضع
لغنی ذهب ثلثا دینه یعنی هر که تواضع کند توانگری را از برای مالش
دو حصه از دین او برود و این را علماء تأویل بیان کرده اند که مر نفس
مؤمن را سه چیز است دل و زبان و جمله اعضا پس شاید که دل
او مشغول باشد بخدمت حق تعالی هر جا که آید بنده بسوی غیر
حق و طلب کند دنیا را پس زبان وی مشغول بود بمدح و دعاء
او و از حمد و ثناء حق عز و جل باز ماند و تن او نیز بمتابعت زبان
او از ذکر خدای تعالی باز ماند پس زبان و تن او دو حصه نفس او باشد
سیوم حصه باقی ماند و آن دلست مشغول بمحبت حق تعالی پس معنی
این حدیث اینست که دو حصه تن اوست و آن زبانست و سایر جسد
اما دل بذکر حق تعالی باقی ماند اگر رحمت و عنایت از حق تعالی باشد
نگاه دارد او را در طاعت و محبت خود والا جمله تن او از طاعت
خدای تعالی خالی ماند از خالصة الحقایق امیرالمؤمنین علی رضی
الله عنه گفت که رسول علیه السلام فرمودند که چهار خصلت در
هر که باشد وی از متواضعانست یعنی آنکه هر که با خادم خود
طعام خورد دوم آنکه ستور را از خود خدمت کند و سیوم آنکه
بر دراز گوش سوار شود و چهارم آنکه متاع را خود در بازار برد
مظفر دریا گفت من و مهتر خضر علیهما السلام در جزیره جیحون بودیم که

خضر

صو فی ضو بین پیش من آمد من او را دیدم برخاستم کفتم خیر بود مهتر
علیه السلام نیز برخاست من کفتم یا خضر او ترا نه بیند کفت اکر
او نمی بیند خدای تعالی می بیند خضر علیه السلام کفت که از لقمان
حکیم شنیده ام هرکه بندهٔ خدایرا جهت رضاء حق تعالی حرمت دارد
خدای تعالی فرماید آسمان و زمین را تا در موافقت او آن بنده را
حرمت دارند از صلوة مسعودی آورده است که هرکه بدین پنج
خصلت عمل کند با دولت ایمان از دنیا بیرون رود که رسول
علیه السلام فرموده اند که فاضلترین عبادت شما نزدیک حق تبارک
و تعالی آنست که تواضع کنید در وقت قدرت و سخاوت کنید از
چیز اندک و چون عطا دهد بر کسی منت ننهد و چون میان دو کس
عداوتی بود نصیحت کند و صلح انکیزد چون بنده بدین منصب
رسد محسن شود و وعده محسن آنست که حق تعالی در کلام مجید
خود میفرماید إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ فصل چهارم
در حرص از خالصة الحقایق کفته اند که حرص ضد قناعت
است و حسد طلب زوال نعمت غیرست و این هر دو مذموم
است در خبرست که مردی در بنی اسرائیل دایم تن درست بود هیچ
زحمتی در مدت عمر ویرا نشده بود و مال بسیار داشت و
فرزندان نیز بسیار بودند و او دایم از بسیاری حرص در زیادت

شدن

شدن مال کوشیدی روزی این مرد کفت یا رب چند عاصی شوم ترا
و تو مرا عقوبت نمیکنی و مهلت کذاری پس وحی آمد از حق تعالی
به پیغامبر آن زمانه که بکوی آن مرد را که چند عقوبت کنم ترا از ان
جهت که ترا هیچ غیرت نیست صحت تن توان نشانهٔ عقوبت است
اکر ترا رحمتی و المی بودی مغفرت کناهان تو شدی و دیکر این از عقوبت
است که مال بسیار جمع کردی و در زیادت شدن آن میکوشی و هیچ
کم نکردهٔ از حرص ترا مهلت داده ام پس کی بریم ترا بفرصت رسول
علیه السلام فرموده اند که سجده نکرد ابلیس از تکبر و حسد و حریصی
آدم کرد و خورد از درخت کندم رسول علیه السلام فرموده اند که
پیر شود فرزند آدم و جوان باشد به دو چیز یکی حرص بر مال و یکی
حرص بر زیادتی عمر مرویست که نوح پیغامبر علیه السلام در درون
کشتی پیری را دید که پای راست بر زانوی چپ نهاده بود کفت تو کیستی
کفت منم ابلیس کفت ای ملعون ترا اینجا که در آورد کفت آن کو مرا
مهلت داده است تا وقت معلوم پس کفت یا نوح ترا بر من منتی
بزرکست که چندین هزار قوم بدعاء تو غرق شدند و با من در دوزخ
شریک الله از برای مکافات آن امروز ترا نصیحت کنم تا آنرا بشنو
تا ترا فایده کند یا نوح دور باش از حریصی که سبب حرص بود که پدرت
آدم را صلوات الله علیه از بهشت بیرون افکندند و دور باش

از حسد که

سبب حسد بود که مرا لایق دوزخ کردانید اکر این نصیحت نکاه داری
دستی از بلای این جهان و از حساب آن جهان **از تنبیه** فقیه ابو اللیث
رحمة الله علیه می آرند که ابلیس علیه اللعنه مر سلیمان پیغامبر را علیه
السلام پیش آمد بر صورت پیری سلیمان علیه السلام او را بشناخت
کفت خبر کن مرا تا با امت عیسی علیه السلام چه کنی کفت بخوانم ایشان را
تا بغیر خدای تعالی چیز دیکر بخدای کیرند **از خالصة الحقایق** معتمر بن
سلیمان رحمة الله کفت پدر من هرکز عمارت خانه نکرد تا خراب شد
او را کفتند خانه را چرا عمارت نمیکنی کفت عمر من کجا بدان خواهد وفا
کرد که من بعمارت مشغول شوم آورده اند که بعد از آن می سال دیکر
عمر یافت **آورده اند** که خاتون یحیی معاذ رازی رحمة الله علیهما کفت
که مر یحیی را دیدم که کفت عجب می آید مرا ازین دختر من که طلب میکند
از من چیزی را تا بنان خورد و درین کار حرص می ورزد کفتم وی را که از
خدای تعالی خواه کفت شرم می آید مرا که از خدای تعالی چیزی طلبم از
برای خوردن

فصل پنجم در حسد از خالصة الحقایق

اهل حکمت کفته اند که حسد طلب زوال نعمت است از صاحب نعمت
بخلاف منعم یعنی حق عز وجل بخواست خود یکی را نعمت میدهد
و خواست حق عز وجل اینست که آن نعمت بر وی باشد و حاسد
میخواهد تا خدای تعالی وی را نعمت ندهد زوال نعمت شود از وی

رسول

رسول علیه السلام فرموده اند که بر شما وصیت میکنم در تمام کردن کارها
و بر آوردن حاجتها به پنهانی بدرستی که هر نعمتی را حاسدی است
رسول علیه السلام فرموده اند که مومن غبطت کند و منافق حسد کند
از فواید الفواد رسول علیه السلام دعا کرده اند که اللهم اجعلنی محسودا
و لا تجعلنی حاسدا آنکاه فرمود که حسد ست و غبطت اما حسد
حرام است و غبطه حرام نیست بدانک حسد آنست یکی مر یکی را نعمت
بیند و خواهد که نعمت او را باشد کو بیخدا یا نعمت را از وی
زایل کردان اما غبطه آنست که یکی مر یکی را نعمت بیند خواهد
خود را مثل آن کو بیخدا یا آن چیز وی را باش کو مرا هم مثل آن چیز
روزی کردان **عبد الله عمر رضی** الله عنهما کفت خشم کرد خدای تعالی سورة
الفلق را در کلام مجید خود بیان فرمود که وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ
اکر در دنیا شری بدتر از حسد بودی ختم بدان کردی **رسول** علیه السلام
فرموده اند که کبر دردی است و داروی شناختن وی تواضع است و حسد
دردی است و داروی شناختن او علق همت و رفعت درجت است
از تفسیر منیر بدانک حسد بر دو نوع است ستوده و ناستوده اما ستوده
آنست که اکر کسی را در طاعت بیند حسد برد خواهد که وی نیز
همچنان طاعت کند مکر برد و تن یکی بر کسی که قرآن داند و یاد دارد
و عمل کند بقرآن و دیکر بر آن کسی که مال ارد بتوفیق الله بخشش

کند

وحسد قه کند اما ناستوده آنست که چیزیرا بر کسی نتواند دید بر خود جوشد
وغمگین می باشد چنانک جهودان بر رسول علیه السلام حسد می بردند
اما حلیمی گفته است که افعالی که در آدمی مذموم و عیب است کذب است
وحسد وغضب وکبر وبخل وخیانت وبی برکتی از این همه حسد است
زیراک حسد فعل دلست غیر جوارح والله اعلم **باب نهم در حیا**
از کفایهٔ شعبی پیغامبر علیه السلام فرموده اند که حیا از ایمانست و
ثمرهٔ ایمان بهشت است **در خبرست** که خدای تعالی فرمود که انصاف
نگاه داشت با من بندهٔ من چیزی میخواهد از من و من شرم میدارم
از وی که سوال او را رد کنم و او مرا عاصی میشود و بی فرمانی می کند
و از من شرم نمیدارد **رسول** علیه السلام فرموده اند که چهار چیز است
از سنت پیغامبران یکی عطر یعنی بوی خوش دوم نکاح سیوم مسواک
چهارم شرم **رسول** علیه السلام فرموده اند هر دینی را خلقی است و
خلق دین من شرم است **رسول** علیه السلام گفتند اول چیزی که
برداشته شود از امت من شرم است و امانت **روایت**
کرده اند که در زبور داود پیغامبر علیه السلام مذکور است که خدای
تعالی فرموده است بدرستی که شرم میدارم از بندهٔ خود که رد کنم
سوال او را جواب از من میخواهد و چه معنی است که بندهٔ من از من
شرم نمیدارد از آنک او را میخوانم بطاعت خود سخن مرا اجابت نمیکند

وفرمان

وفرمان مرا ترک میکند و با این همه من از کرم خود عیبهای او را می پوشم
بدرستی که من پادشاه کریمم و بحاجت بندگان علیمم **در خبرست** که خدای
تعالی وحی کرد سوی داود پیغامبر علیه السلام که یا داود بگوی بندگان
مرا که روی بگردانند از من بسبب هوای نفس بدرستی که مرا
مثل شما بندگان بسیارند اما نیست شما را مثل من پروردگاری
رسول علیه السلام فرموده اند که کشیده نشود حیا یعنی دور کرده
نشود حیا را مگر از فرزندی که از حیض یا از زنا متولد شده باشد
رسول علیه السلام فرموده اند اگر سیر نکند زنان را خدای تعالی بحیا
نباشد قسمت زن مگر کفی از خاک یعنی همین خاک او را سیر کند و بس
مرویست که وهب بن منبه رضی الله عنه گفت چون در فرزند آدم
دو خلق باشد یعنی حیا و ترس دلیل کند بعقل او و بصلاح دین او
و دیگر گفت هر که نظر کند سوی عورت برادر مسلمان قبول نشود
تا ایمان او تا چهل روز **مرویست** از سعید بن جبیر رضی الله عنه
که دو مرد در مسجدی رسید نزدیکی درون مسجد رفت و آن دیگر
بیرون نشست و اضطراب و زاری کردن گرفت و در خاک افتاد
و از شرم میگریست و میگفت آن مرد که مثل من بود در مسجد در آمد
و من چگونه در آیم که بسیار گناه کرده ام و چند گرت بخدای تعالی
عاصی شده ام این بگفت و بیهوش شد و هم در آن مقام جان داد
او را دفن کردند

خدای تعالی وحی کرد به پیغامبر آن زمان که من برحمت خود نوشته ام نام اولیا
انجمله صدیقان بسبب این شرم که او داشت و بگناه خود معترف
از صلوة مسعودی آورده اند که بر راه گذر مسلمانان بول نشاید
انداختن که بزرگان گفته اند که اینچنین کردن علامت فرزند بی
نکاح است از تفسیر منیر درخبرست از پیغامبر علیه السلام که فرموده اند
که ایمان و حیا هر دو بهم یکجا بسته اند چون یکی رود آن دیگر از پس
او برود نعوذ بالله منها روایت کنند از سلمان فارسی رضی الله
عنه که چون خداوند تعالی خواهد که بنده را هلاک کرد اول نخستین شرم را
از و بستاند و رحم را از و بستاند چون رحم از دل وی رود درشت
خوی و سخت دل کرد و چون بنده بدین مرتبه رسد پیراهن مسلمانی
را از گردن او بیرون کنند آنگاه بر مثال دیوی گردد نعوذ بالله
من ذلک علما گفته اند که علامت نیکبختی در پنج چیزست اول دل
نرم دوم چشم گریان سیوم طبعی زاهد یعنی اعراض کننده از دنیا
چهارم آرزوی کوتاه پنجم شرم بسیار اما علامت بدبختی در
پنج چیزست اول دل سخت بی رحم دوم چشم سخت ناگرینده سیوم طبع
دنیاجوینده چهارم آرزوی بسیار پنجم شرم اندک ایضا درخبرست که
در آخر الزمان ابلیس خود را بو فرزندان آدم شرکت کند و کو فرزند
خود را با فرزندان آدم آمیزد گفتند یا رسول الله فرزندان خود را

از فرزندان

از فرزندان دیو بچه چیز شناسند رسول علیه السلام فرمودند که هرکرا
شرم و رحم نبود آنکس پیش یک بفرزند دیو بود زیرا که دیو را شرم و
رحم نیست از کفایه شعبی درخبرست که موسی کلیم صلوات الله علیه
مناجات کرد و گفت یارب بیان کن که چه نیکوترست مرا از همه چیزها
پس وحی کرد خدای تعالی سوی موسی که یا موسی بدانک بهتر و نیکوتر
این بود که توانی آفریدم پس گفت یارب چون مرا آفریدی بیان کن
که مرا نیکوتر چیست فرمان آمد که یا موسی بهتر مر ترا این بود که
پیش از بلوغ می میرانیدم گفت یارب چون مرا پیش از بلوغ مرگ
ندادی پس بیان کن مرا نیکوتر چیست فرمان آمد که یا موسی اکنون
مر ترا نیکوتر آنست که برسانم بپیری و من خدای کریم شرم دارم
که فرمایم پیری را که در مسلمانی موی روی خود سپید کرده باشد
او را بدوزخ برم از تنبیه فقیه ابو اللیث رحمة الله علیه فقیه گوید
شرم دو نوع است یکی شرمی است که در میان مردمانست و دیگر شرمی است
که در میان بنده و خداوندست عز وجل اما آن شرم که در میان مردمانست
آنست که چشم خود را فروخوابانیده داری اما آن شرم که در میان تو
و خداوندست آنست که نعمتهای خدای تعالی را شکر گویی و شرم داری که
در وی عاصی شوی روایت کنندان امیر المؤمنین عمر رضی الله عنه
که گفت روزی نزدیک رسول علیه السلام آمدم رسول را گریان

یا عمر

گفتم یا رسول الله چه می گریاند شما را فرمودند که جبرئیل علیه السلام مرا خبر کرد
که حق عزوجل شرم دارد از بنده که در اسلام موی روی سفید کرده باشد که
وی را عذاب کند چرا باید که آن پیر نابالغ شرم ندارد از خدای و گناه و عصیان
کند و خود را مستوجب عذاب گرداند فهی سبحی شرم باب دهم
در صدق و کذب و غیبت و ریا و در فضیلت حفظ زبان و این باب
مشتمل هست بر پنج فصل فصل اول در صدق از خلاصة
الحقایق عبد الله عباس رضی الله عنهما گفت که پرسیده شد از
رسول صلی الله علیه وسلم که کمال مرد در چیست فرمودند که کمالیت
مرد گفتن سخن حق هست و عمل کردن بصدق در خبرست که وحی کرد
خدای تعالی سوی داود پیغامبر علیه السلام و گفت که یا داود بدانک
هرکه در نهان و آشکارا راست باشد و بصدق عمل کند من نیز در حق
آنکس در نهان و آشکارا عنایت کننده باشم عیسی پیغامبر صلوات الله علیه
گفته هست که هرکه دوست دارد که عمل او دیگری را معلوم باشد
پس او صادق نیست در عمل خود رسول علیه السلام فرموده اند که سه
شادی بود در آن که دوست دارد وی را خدای تعالی پس بروی باد که راست
گوی باشد هرچه گوید راست گوید و امانتها را خیانت نکند و با
همسایه زندگانی نیکو کند مرویست که رسول علیه السلام این دعا
گفتی که اللّٰهمّ اجعل سریری خیراً من علانیتی صالحةً ای بار
خدای

خدای گردان کارهای نهانی مرا بهتر از کارهای آشکار من و بکن آشکارا
مرا شایسته آورده اند که علامت صدق آنست که در نهان و آشکارا
برابر باشد رسول علیه السلام فرموده اند که سخن راست صدقه هست
شیخ جنید قدس الله روحه العزیز گفت حقیقت ایمان آنست که
مرد صدق گوید در موضعی که نجات نیابد از آن موضع مگر بگفتن
کذب اما این بنده صدق پیش آرد و کذب را ترک کند تا روشنایی
ایمان و آخرت یابد خواجه احمد خضرویه رحمة الله علیه گفت هرکه
دوست دارد که خدای تعالی عنایت کننده وی باشد در جمیع احوال
پس بروی باد که او لازم گیرد صدق را زیراک خدای تعالی در قرآن
مجید فرموده هست که اِنَّ اللّٰهَ مَعَ الصَّادِقِینَ شیخ ذوالنون مصری
رحمة الله علیه گفت بدرستی که صدق تیغ خدای هست عزوجل نهاده
نشود آن بر چیزی الّا البته که ببرد از خیر المجالس خواجه رحمة الله
فرمود که در وقت خرید و فروخت بر زبان مرد مسلمان می باید که
دروغ نبود مثلا کالایی یا ستوری بخرد بایع میگوید که من شش
درم خریده ام و مشتری اگر هفت درم میدهد میخرد و اگر نمی فروشم
در بیع برکتی نباشد بلکه زیان باشد و مال او تلف شود فاما اگر پنج
درم خریده هست و همان پنج درم میگوید لیکن مشتری پنج درم و دانگی
میدهد او را درین دانگی برکتها پدید آید و مال او زیاده شود چنانک
اونیز الله

که از نجا افزود ودرین معنی خواجه علیه الرحمه حکایتی فرمود که در حجة الاسلام
امام محمد غزالی قدس الله روحه العزیز ذکر کرده است حکایت آورده اند که
بزرگی بود اورا محمد منکدر گفتندی واو مردی بزاز بود اورا محمد
منکدر بدان سبب گفتندی که در دکان بزازی نشستی و در هوای
زمستان قباها و لباجه ها دوزانیدی و فروختی و چون خود بکاری
رفتی غلام را گفتی که این جنس لباجه را دو دینار فروشی و این جنس
دیگر را سه دینار فروشی زیاده و کم مفروشی روزی اعرابی آمد
و از ان غلام پرسید که این لباجه را چند میفروشی آن جنس لباجه را
که دو دینار بها کرده بود غلام گفت سه دینار اعرابی سه دینار داد
و لباجه را بستد و بپوشید در راه میرفت محمد منکدر پیش آمد
و لباجه را شناخت از اعرابی پرسید که ای اخی این لباجه را چند
خریدی گفت این جنس لباجه دو دینار بیش نمی ارزد او یک دینار
زیادت گرفته است گفت برو لباجه را باز ده و هیچ اضافت بخود نکرد
که آن دکان منست اعرابیان نازک مزاج باشند در غضب شد
و گفت ای خواجه این لباجه را در ولایت ما بیش از این میخرند چرا در
بیع نقض میکنی میخواهی که من این را بخصم دهم تو بعزی خواجه محمد
چون دید که آن اعرابی مزاح گرم کرد و در تندی شد گفت ای برادر
تو در تشویش مشو که این لباجه از دکان منست من غلام را گفته بودم که

این

این جنس لباجه را به دو دینار فروشی او به سه دینار فروخته است با من
بیا تا یک دینار ترا باز دهم و دیگر لباجه از جنس دیگر بهتر از ین بتو بدهم
اعرابی چون دید که او مردی صادق می نماید بر اثر او برفت خواجه
یک دینار بدو باز داد اعرابی چون باز گشت از مردم پرسید که این مرد
کیست که نیک با دیانت می نماید گفتند او را خواجه محمد منکدر گو
یند اعرابی گفت محمد منکدر اینست گفتند آری گفت ما در چندین
تنگیها و درماندگیها نام او را بشفیع می آریم فتح و نجات می یابیم
ما پنداشتیم که خواجه محمد منکدر بزرگی یا شیخی در ولایت خواهد بود
ما چه دانستیم که او چنین مردی مستور مقبول بوده است مقصود
از ین حکایات صدق و صادقی او بود که مردان راه خدا در راستی
چنین کوشیده اند تا بمرتبه رسیده اند از خالصة الحقایق آورده اند که
خواجه حاتم اصم رحمة الله علیه گفت مر اصحاب خود را که ای یاران
بدانید و بشناسید مرد متقی را که صالح ترین مردمان باشد یاران
گفتند که فلان مرد حاجی است و حج بسیار بجای آورده است حاتم گفت
آن مرد حاجی بیش نیست گفتند فلان مرد چندین غزات کرده است
حاتم گفت غازی بیش نیست گفتند فلان مرد بیست که روز روزه
میدارد و شب را بقیام میگذارد گفت آن عابدی خواهد بود
گفتند فلان مرد هر روز از مال خود چندین دینار بیرون می آرد

و نفقه میکند

گفت آن مرد سخی باشد یاران گفتند یا ابا عبد الرحمن ما نمیدانیم
که تو کرا میطلبی گفت من میخواهم از شما مردی صالح را که دروی این دو سه
خصلت باشد اول آنک نترسد از آسمان و زمین مگر از خدای تعالی
دوم دل او متعلق نباشد بچیزی غیر خدای عز وجل سیوم یار نشود
بکسی که او را شرم و صدق نباشد ایضا خواجه محمد علی حکیم ترمذی
رحمة الله علیه گفت که خدای تعالی مخصوص کردانید مومنانرا از جمیع
آدمیان پس مخصوص کردانید مردانرا از میان همه و در کلام مجید
بیان فرموده قوله تعالی رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللّٰهَ عَلَیْهِ یعنی مردان
بوفا رسانیده اند آنچه را که عهد کرده اند با خدای تعالی پس حقیقت
مردی صدق آمد پس هر که در میدان صدق در نیاید لا رستی که او
بیرون آمده باشد از ختمه دانگی

فصل دوم در کذب

از تفسیر منیر در حدیث آمده است که سوگند دروغ رواج میدهد
کالا را و برکت را از کسب ناچیز میکند رسول علیه السلام فرموده اند
که پناه جویید بخدای تعالی و باز داشت خواهید از سه چیز اول از کفر
و دروغ و وام ازین هر سه چیز رسول علیه السلام دعا کرده اند و استعاذت
خواسته اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِکَ مِنَ الْکُفْرِ وَالْکِذْبِ وَالدَّیْنِ رسول
علیه السلام فرموده اند که مردانرا آنگاه ایمان کامل گردد که دوست
دارد برادر مسلمانرا آنچه که دوست میدارد مر نفس خود را مرویست

از

از ابن مسعود رضی الله عنه که پیغامبر علیه السلام فرموده اند که سه خصلت در هر که
باشد منافقست تا آنرا نگذارد مسلمانی کامل نبود و آن سه خصلت اینست
اول چون سخن گوید دروغ گوید و اگر وعده کند خلاف کند و اگر او را امین
کردانند خیانت کند رسول علیه السلام فرموده اند بر شما باد که دروغ
نگویید زیرا که دروغ دور کننده است ایمانرا از مرد مرویست که نزدیک
رسول علیه السلام مردی آمد و گفت من مبتلا شده ام بسه گناه و هیچ
ازان صبر نمیتوانم کرد یکی از زنا و شرب خمر و دروغ پس رسول علیه
السلام گفتند تو دروغ گفتن را بگذار از جهت رضاء من آن مرد قبول کرد
و رفت در راه او را زنا پیش آمد آن مرد با نفس خود گفت اگر این
کار فاحشه را کنم چون رسول علیه السلام مرا پرسند که تو زنا کردی اگر
گویم کردم مرا حد زنند و رسوا گردانند و اگر گویم نکردم دروغ گفته و
عهد شکسته باشم زنا را ترک کرد و ازان گناه تایب شد بعد ازان
او را خمر پیش آمد مثل این در دل او گذشت آنرا نیز نکرد و توبه
بجای آورد بسبب راستی از همه بلاها ایمن شد رسول علیه السلام
فرموده اند که از همه افتراها سه افترا بزرگترست و معنی افترا دروغ
بر بافتن است یکی آنکه مرد بر سر و چشم خود افترا کند گوید من همچنین
خوابی دیده ام و ندیده باشد و یا آنکه گوید من مرد حاجی ام و خانه
کعبه را دیده ام و ندیده باشد و علی هذا القیاس و دوم افترا کند

بر مادر و پدر خود

یعنی از پدر حقیقی خود ننگ دارد و غیر پدر خود را پدر گوید سیوم گوید من این حدیث را
از رسول شنیده ام و بحقیقت نباشد از من رسول علیه السلام فرمودند که
بر انگیخته شود کسی که گواهی دروغ داده باشد روز قیامت زبان او در
آتش آویخته شده باشد امام جعفر صادق رضی الله عنه گفت که دروغ
مذموم است مگر در دو کار یکی بجهت دفع ظلم ظالم دوم بجهت اصلاح میان
دو کس اما بعضی گفته اند که کذب مذموم است مطلقا مگر در حرب و صلح
رسول علیه السلام فرمودند که در بهشت در نیاید نمام یعنی سخن چین بدبخت
از حکیمی گفته است که پنج چیز با پنج چیز جمع نشود غضب با عقل و شهوت با حاجت
و طاعت با غیبت و سیادت با حسد و کرم با دروغ از کفایهٔ شعبی مرویست که
امیر المؤمنین عمر رضی الله عنه گفت روزی من سوگند بپدر خود خوردم شنیدم
از عقب آوازی که سوگند مخورید بپدران خود هر که از شما سوگند خواهد
خورد سوگند بخدای خورد والا ساکت باشد روی سپس کردم دیدم که
رسول علیه السلام بودند که اینچنین فرمودند بعد از ان سوگند نخوردم
مگر بخدای عز و جل عبد الله عباس رضی الله عنهما گفت اگر کسی سوگند
بخدای تعالی بدروغ خورد دوست تر است نزد من از انکه سوگند راست خورد
بغیر خدای عز و جل عبد الله مسعود رضی الله عنهما گفت شرک بخدای
تعالی سه نوع است یکی آنکه غیر خدای عز و جل را طاعت کند دوم بغیر خدای عز و جل
سوگند خورد سیوم بغیر نام خدای تعالی ذبح کند این سه کار را شرک گویند

عبد الله

عبد الله عمر رضی الله عنهما گفت که سوگند بغیر نام خدای عز و جل خوردن آن شرک هست
و نمی شاید مگر بضرورت خوردن در شرعه آورده است که هر که خواهد که سوگند
خورد بخدای عز و جل خورد یا خاموش باشد و اگر سوگند بغیر خدای عز و جل
خورد آن شرک خفی باشد و باید که مرد سوگند نخورد بپدر و نه بحیات
یکی و نه بکعبه و نه بیزاری از اسلام هر که این چنین سوگند خورد باز گشت
او سوی اسلام بسلامت نباشد و هر که سوگند بدروغ خورد او داخل
کفر باشد رسول علیه السلام فرمودند هر که سوگند راست خورد تنگ کرده
شود گور او را خاصه سوگند دروغ را چه عقوبت بود تا دانی در فتاوی
صغری آورده است که روا باشد دروغ گفتن در سه موضع یکی بجهت اصلاح میان
دو کس دوم در حرب با دشمنان سیوم با زن از برای احتراز کردن از وحشت
و جنگ در بستان فقیه ابو اللیث رحمة الله علیه آورده است که پیغامبر
علیه السلام رخصت داده اند دروغ گفتن را در سه موضع که ذکر کرده شد
از کفایهٔ شعبی در خبر است که هر که یکی دروغ گوید منزله شود بروی هفتاد
هزار لعنت نقل از وصایا رسول علیه السلام فرمودند که یا علی هر که
دروغ بسیار گوید خدای تعالی بدان سبب روشنایی روی او و نور دل
او را ببرد نعوذ بالله من غضب الله

فصل سیوم در غیبت

از تفسیر منیر مرویست که موسی کلیم صلوات الله علیه گفت که هر که
بمیرد تایب از غیبت آنکس آخرین کسی باشد که در بهشت در آید هر که بمیرد
توبه ناکرده

آنکس او کسی باشد که در دوزخ در آید مرویست که عایشه صدیقه رضی الله عنها
عورتی را گفت که کوتاه بالاست رسول علیه السلام گفت یا عایشه غیبت
کردی رسول علیه السلام گفت میگذشتم در شب معراج بقومی که میخراشیدند
روی های خود را بناخن پرسیدم از جبرئیل علیه السلام که اینها کیانند گفت
ایشان کسانی اند که مردمان را غیبت کرده اند در خبرست که وحی کرد خدای
تعالی سوی موسی ابن عمران صلوات الله علیه که یا موسی پاک دار زبان او دل خود
را از غیبت گفتن گفت یا رب چگونه پاک دارم خود را فرمان آمد که چون در
مکانی غیبت شنوی بدل راضی مشو و دور باش ازان مکان عایشه صدیقه
رضی الله عنها گفت که من نزدیک رسول علیه السلام بودم که زنی گذشت من گفتم
که چه درازست دامن او رسول علیه السلام فرمودند که غیبت کردی از
دهان بیرون انداز چون بیرون انداختم دیدم گوشت پاره بود سیاه شده
رسول علیه السلام فرمودند که غیبت سخت ترست از زنا زیرا که اگر زانی
توبه کند حق تعالی توبهء او را قبول کند و گناه او را آمرزد اما اگر غیبت کننده
توبه کند او آمرزیده نشود تا مادام که کسی را که غیبت کرده است آنکس از وی
عفو نکند عایشه رضی الله عنها روایت میکند از پیغامبر علیه السلام
که فرمودند که غیبت ناقض وضو و نماز ست رسول علیه السلام فرمودند
هر که در قفای مسلمانی غیبت کند خدای تعالی او را در پل دوزخ حبس کند
تا مادام که توبه کند ازان چیز که گفته است در خبرست که اگر غیبت کرد کسی مر کسی را

ونزدیک

ونزدیک غیبت کننده یکی مسلمان بود باز داشت آن شخص را از غیبت کردن
خدای تعالی نصرت کند این منع کنندهء غیبت را از جمیع عاهات و آفات
و بلاهای گوناگون رسول علیه السلام فرمودند هر که غیبت کند برادر مسلمان
را خدای تعالی گردانند روی او را سوی پشت او در روز قیامت رسول
علیه السلام فرمودند هر که خورد گوشت برادر مسلمان را در دنیا یعنی غیبت
کند فردای قیامت آن گوشت را در پیش او آرند و گویند بخور این جیفه
را چنانکه خورده در دنیا در احیا آورده اند که سلطان ابراهیم ادهم را رحمة الله
در مجلسی جهت خوردن طعام طلبیده بودند چون دران مجلس حاضر شد و بنشست
یکی ازان حاضران مجلس گفت فلان مرد گران جنب است می آید و از گرانی
نمیتواند که قدم را بتعجیل بردارد ابراهیم ادهم رحمة الله علیه ازمیان آن
جمع بیرون آمد و گفت حاضر نشوم در طعامی که در وی غیبت کنند برادر
مسلمان را فقیه ابو اللیث رحمة الله علیه گوید که غیبت بر چهار وجه است
یک وجه کفرست و یک وجه معصیت و یک وجه نفاق و یک وجه مباح
اما آن وجه که کفرست آنست که شخصی غیبت میکند و آنرا حلال داند اگر منع
کنندش باز نه ایستد این وجه کفرست فاما صاد قم درین معنی که هر که حلال
دانست چیزی را که حرام است وی درین سخن کافر شود اما آنکه معصیت است
آنست که نام آنکس را میگوید و غیبت میکند و میداند که این که میگویم
معصیت است پس او عاصی است و اما آنکه مباح است آنست که غیبت کند فا

سقی را

با صاحب بدعتی را ودرین مأجور است وگناه کار نیست زیراکه رسول علیه السلام فرموده اند
اذکروا الفاجر بما فیه یعنی یاد کنید فاسق را بچیزی که در وی هست تا
که او یاد در کند وازان فسق باز آید ومعنی فاجر وفاسق یکی هست یعنی بی
فرمان ودروغ گوی اما نفاق آنست که شخصی غیبت کند برادر مسلمان را در
قفا وباز در روی سخن پسندیده گوید ودل او را خوش کند بچیزی پس او
منافق هست وقلب ودو روی اما بدانک غیبت ذکر کردن بدیهاست در قفا
در احیا آورده هست که حد غیبت آنست که یاد کند مسلمانی را بچیزی که اگر
آن چیز بدو رسد طبع او را کراهیت آید یعنی او را خوش نیاید برابرست که
تو چیزی یاد کنی که نقصان تن او باشد یا در نسب او نقصان پیدا کنی یا
در خلقت او یا در فعل او یا در قول او یا در دین او یا در دنیای او یا در جامهٔ
او یا در خانهٔ او یا در ستور او یا در خنور او وازین جمله در غیبت داخل هست
در تفسیر درر آورده هست که پرسیده شد رسول را علیه السلام از غیبت گفتند
اگر تو ذکر برادر مسلمان کنی بچیزی که او را کراهیت باشد با وجود آنکه آن چیز
که تو گفتهٔ در وی باشد پس تو او را غیبت کردی واگر آن چیز در وی نباشد
پس تو او را بهتان کردی در خبرست که چون روز قیامت شود غیبت کننده
را حاضر آرند در پیش حضرت عزت وداده شود او را نامهٔ دران نامه بیند که
هیچ حسنه نبود گوید که این نامهٔ من نیست من طاعتها کردم وخیرها پیش
بردم درینجا چیزی نمی بینم پس گویند او را که عملهای تو حبط گشت بسبب غیبتی که

مردمانرا

مردمانرا کفتی وعملهای ایشانرا آزردی بعد ازان دیگریرا پیش آرند ونامهٔ
او را بدو دهند در نامهٔ خود همه طاعتها بیند که هرگز نکرده هست گوید که
این نامهٔ من نیست او را گویند که فلانی ترا غیبت کرده بود پس حسنات
او را بتو داده شد مرویست که شیخ حسن بصری را رحمة الله علیه کسی گفت
که فلانی ترا غیبت کرده هست خواجه حسن رحمة الله نزد وی طبقی خرما فرستاد
وگفت بمن رسید که تو حسنات خود را بسوی من هدیه فرستادی من
خواستم که آنرا مکافات کنم معذور دار که مقدور آن ندارم تمام را مکافات
کنم در کنز العباد آورده هست که غیبت بقول هست بفعل نیز هست وبحرکت
وکنایت وباشارت نیز هست زیراکه عایشه رضی الله عنها بدست اشارت
کرد بسوی زنی که کوتاه بالاست رسول علیه السلام فرمودند که غیبت کردی
فاما شنونده غیبت اگرچه ساکت باشد با غیبت کننده در گناه شریک باشد
ومستمع بیرون نیاید از گناه غیبت مگر وقتی که او را مانع شود بزبان
یعنی او را گوید که ازین سخن خاموش کن وحکایت ما لا یعنی را فراموش
واگر نتواند گفتن باری بدل منکر شود وراضی نباشد واگر تواند قطع
کند آن کلام را بکلام دیگر یا ازانجا برخیزد ودور شود واگر اینچنین نکند
آثم باشد واگر بزبان منع کند ودر دل او را خوش آید اینچنین کردن
عمل منافق هست وبیرون نیاید از گناه تا مادام که در دل کراهت ندارد
این غیبت را در تفسیر زاهدی آورده هست که اگر فاسق معین بود وبی باکی

او ظاهر باشد

آنچه در وی نیست بگویی آن غیبت نبود چنانک پیغامبر علیه السلام فرمود
هر که جادر حیا را از روی خود دور کند در حق او غیبت نباشد و
اگر فاسق مخفی و مستور است پس غیبت او غیبت باشد و اگر آن
غیبت را کسی از وی یاد کند بر وجه تعریف باکی نبود همچنین اگر
گفت مردی را که فلان قصیر است یا طویل یا فلان اعرج است یا
احول است یا مبروص این غیبت باشد یا نی جواب آنست که به
بینیم اگر برای تعریف گفته است یعنی از برای شناسانیدن بدانک
غیبت نباشد چنانک راویان اخبار بیان کنند که مرویست از
حمید طویل و منقولست از کمال اعرج و روایت کرده شده است
از جلال اعمش و مسندست از حاتم اصم و اگر از برای سرزنش و
طعن گفته است غیبت باشد و گوینده آثم شود و از جمله در حق آدمیان
است فاما در حق بهایم غیبت نیست در فتاوی سراجی آورده است که هر که
غیبت کند اهل شهر و قریه را این غیبت نباشد تا نامیده نشود
قومی معروف و معین را و اگر شخصی بیبهای برادر مسلمان را میگوید
از برای اهتمام میگوید یا از برای تیمار داشت لا بأس است و این غیبت نیست
و اگر مراد او از آن سخن دشنام و نقصان اوست غیبت است در احیاء
العلوم آورده است که واجبست بر غیبت کننده که توبه کند و پشیمان شود
و تأسف خورد بر قول خود تا از حق الله بیرون آید پس آنگاه بحلی خواهد

ازان

از آن کس که وی را غیبت کرده است البته باید که مرد غیبت کننده محزون
و متأسف و نادم باشد در کفارت غیبت رسول علیه السلام فرموده اند که
کسی را که غیبت کرده آمرزش خواهد اما بعضی گفته اند که در حق او ثنا گوید
و دعای خیر کند و گوید که من هرچه در حق تو گفته ام دروغ گفته ام ظلم
کرده ام و بد کرده ام اگر خواهی بگیر حق خود را و اگر خواهی عفو کن و هو
الاصح و اگر آن شخص غیبت کرده شده غایب شد یا وفات یافت می
شاید که آمرزش خواهد او را و دعا گوید از فوائد الفواد می آرند که
سخن در بیان توبه افتاده بود خواجه علیه الرحمه فرمود که توبه بر سه
قسم است حال و ماضی و مستقبل اما حال آنست که بنده پشیمان شود
یعنی ندامت آرد از معصیتی که کرده است اما ماضی آنست که خصمان را
خوشنود کند اگر شخصی از یکی ده درم غصب کرده است و همین میگوید
توبه توبه این توبه نباشد لیکن توبه آنست که ده درم او را باز دهد
و او را خوشنود کرداند آنگاه اینچنین توبه توبه باشد و اگر کسی را بد گفته
است بود و او را عذر خواهی کند و بحلی طلبد و او را خوشنود کرداند
و اگر شخصی کسی را کشته است و از وی وارثی نمانده است چه تدبیر کند
گفته اند بنده آزاد کند از برای آن معنی که این کس که بنده آزاد میکند
گویا احیاء مرده میکند و اگر کسی بر منکوحه غیری یا بر مملوکه دیگری
زنا کرده است حکم این چیست اینجا نیامده است که نزدیک او رود و عذر

خواهد

درین مقام بخدای عز وجل گریزد و آمرزش خواهد و اگر شارب خمر تایب شود
چه کند باید که شربتهای لطیف به بندگان خدای تعالی بدهد و آبهای
سرد شیرین سبیل گرداند مقصود ازین جمله آنست که در حال انابت
و توبه عذرخواهی هر معصیت هم از آن سنبت آمده است اما توبه که صفت
مستقبل دارد آنست که نیت کند که بیش بدان گناه باز نگردد و بالله التوفیق

فصل چهارم در حفظ زبان از خالصة الحقایق

سفیان بن عبد الله ثقفی رضی الله عنه گفت که من سوال کردم از
رسول علیه السلام و گفتم یا رسول الله امر کن مرا بکاری در اسلام که
دست زنم بدان کار و آن کار درست گیرم باشد رسول علیه السلام
فرمودند که بگوی ربی الله پس استقامت کن گفتم یا رسول الله
پس چیست این خوف بسیار بر من رسول علیه السلام اشارت بزبان
مبارک خود کردند و گفتند اینست بلا یعنی هرچه واقع میشود از سبب
زبانست رسول علیه السلام فرمودند که بیشتر خطاهای فرزند آدم
از زبان ایشانست رسول علیه السلام فرمودند که فرزند آدم چون
بامداد برخیزد جمله اعضاء او زبان را میگویند پرهیزگاری کن بخدای
تعالی و خود را نگاه دار بدرستی که در سلامتی تو سلامتی ماست و در مضرت
تو مضرت ماست هرکه نگاه دارد زبان خود را از بدی گفتن مردمان
خدای تعالی گناهان او را روز قیامت از گردن او بردارد مرویست که

اعرابی بخدمت رسول علیه السلام آمد و گفت یا رسول الله مرا عملی
رهنمونی کن که بدان عمل در بهشت روم رسول علیه السلام فرمودند که گرسنه
را طعام ده و تشنه را سیراب گردان و امر معروف و نهی منکر بجای آر
و اگر این همه را نتوانی باری زبان را نگاه دار و سخن مگوی مگر بخیر
در خبرست که پرسیده شد از رسول علیه السلام که نجات آدمی در چیست
رسول علیه السلام فرمودند که نجات در آنست که مالک لسان خود باشی
و خانه خود را لازم گیری یعنی قناعت کنی و بطمع بر در خلقان نروی و
بسیار گریی بر گناهان خود در خبرست که رسول علیه السلام فرمودند
نگاه دار زبان را و سخن مگوی مگر بخیر بدرستی که غلبه کردن شیطان بر آدمی
بواسطه زبان اوست رسول علیه السلام فرمودند بدرستی که خدای تعالی
نزدیک زبان هر گوینده ایست پس پرهیز کنید و نگاه دارید زبان خود را
از بد گفتن رسول علیه السلام فرمودند که ویل مر آن کسی را که چون سخنی
گوید دروغ گوید تا مردمان دران خندند و ویل مر او را پس ویل مر او را
مرویست که امیر المومنین ابو بکر صدیق رضی الله عنه سنگ ریزه در
دهان مبارک خود کرده بود و سالها بدان گذشته که آنرا بیرون نیاوردی
مگر بوقت طعام خوردن و نماز گزاردن از خوف آنکه ناگاه سخن مالا یعنی
گفته نشود مرویست که مهتر خضر گفت موسی را علیهما السلام که یا موسی
از سخن بسیار چه پیدا میشود گفت ای خضر بدانکه عیب غافل و بدیهای
جاهل آشکارا میگردد

آورده اند که سلطان ابراهیم ادهم رحمة الله علیه روزی مهمانی داشت طعام پیش
آوردند چون دست بطعام بردند غیبت آغاز کردند پس ابراهیم گفت مردمانی که
پیش از ما بودند ایشان نان را پیش از گوشت میخوردند و شما گوشت را
پیش از نان میخورید آورده اند که روزی شخصی در پیش سلطان ابراهیم
یکی را غیبت میکرد شیخ او را گفت که تو غزات کرده در ملک روم گفت نی
گفت هیچ غزات کرده در ولایت ترک و هند گفت نی گفت سلامت چگونه مانده هست
از تو کفار که برادر مسلمان سلامت نمی ماند آورده اند که سلطان بهرام در
شکارگاهی آواز مرغی شنید تیری در دست داشت طرف مرغ روان کرد
حال آن مرغ در پیش او بر زمین افتاد گفت نیکو چیزیست نگاه داشتن
زبان و شاعر هم درین معنی گفته است نظم تیغ را چون بقصد جان کردند ٥
راست بر صورت زبان کردند آورده اند که یکی روز در منزل قیس ابن
ساعد و اکثم بن صیفی جمع شدند قیس مر اکثم را گفت چند یافته تو از
عیبهای بنی آدم گفت عیبهای بنی آدم بی شمار است ولیکن آنچه من شمرده ام
هشت هزار شده است اما یافته ام در بنی آدم خصلتی که اگر آنرا فرو بندد
جملهٔ عیبها پوشیده شود گفت کدام است آن گفت نگاه داشتن زبان درین
سخن قیس مر اکثم را آفرین خواندند و تحسین بی شمار کرد از فواید الفواد
اگر کسی یکی را بعیبی طعنه زند اول باید که اندیشد که آن عیب در من هست یا نی
و اگر آن عیب در وی باشد او را نباید که با وجود عیبی که او بدان مبتلا
باشد

باشد دیگری را طعنه زند در شعر آورده است که بد مگو بیید زمانه و روزگار را
اگر شما را بلایی یا مکروهی رسد بد رستی که کردانندهٔ احوال و رسانندهٔ بلاها
خدایست عز و جل در خبرست که هر که زبان خود را از بد گفتن مسلمانان
باز دارد ایزد تعالی روز قیامت خطاهای او را بعفو در گذارد از تفسیر منیر
ضحاک رضی الله عنه گفت چون آدم صفی صلوات الله علیه آن امانت را
بپذیرفت خداوند عز و جل گفت یا آدم ترا بدو چیز وصیت میکنم اگر نگاه
داری از فتنهٔ این امانت که بپذیرفتهٔ رسته کردی آدم علیه السلام گفت بار
خدایا آن وصیت کدام است فرمان آمد که در سر تو چشم نهادم و بینایی در وی
نهادم و طبقه در چشم تو تعبیه کردم هر جایگاه ترا حرامی پیش آید طبقه را بر
طبقه نه تا چشم نه بیند دولت بخوید و دیگر در سر تو زبان نهادم زبان را
نگاه داری از گفتن چیزهایی که من دوست ندادم از برای آن معنی که زبان
را از دندانها و دو لب پرده نهادم نگاه دار زبان را و جز بسخن حق مگشای
اما در اندام تو فرجی تعبیه کرده ام و آن برای عورت جامه پوشانیده ام
تا برهنه نکنی جز بحلال خود در خبرست که چون برادران یوسف پیغامبر
صلوات الله علیه گریان نزدیک پدر آمدند و آن گرگ را گرفته آوردند
و دهان او را خون آلود کردند و گفتند که یوسف را این گرگ خورده است
پس برادران یوسف گفتند یکبار دو بار که یوسف را چرا خوردی
گرگ ساکت بود و هیچ نمیگفت یعقوب پیغامبر صلوات الله علیه گفت

مر کرک را که چرا جواب نیکویی گفت ایشان عاصیان اند ومن با عاصیان سخن
نکویم پس یعقوب علیه السلام گفت چرا خوردی فرزند مرا ونور دیده
ودلبند مرا کرک گفت یوسف فرزند ودلبند شماست وجزوی از وجود
مبارک شماست وخدای تعالی حرام کرده است بر ما پوست وکوشت
پیغامبران را اما میدانم که یوسف را در حق او چه کرده اند ولیکن خبر
نمیکنم از قصه او بدرستی که من نخواهم که فضیحت شوند آدمیان از
زبان من وزبان من ایشان را رسد آورده اند که مردی بود طالب علم
تحصیل کردی ولیکن از فحش ومنکرات باز نه ایستادی در خواب دید
که دو فرشته بسوی او آمدند بدست هر یکی طشتی ودر آن طشت در
یکجانب مشک بود ودر یکجانب سرکین پس آن فرشته مر آن دیگر را
میگوید چه نیکوست این مشک آن دیگر میگفت چه بد است این مشک با
این سرکین پس آن مرد دریافت که آنچه ایشان گفتند چه معنی دارد یعنی
چه خوبست این علم لیکن چه زشت است با این علم آن معاصی پس آن مرد
از این سخن متنبه شد وترک عصیان کرد ویکی از زاهدان زمانه گشت
در صلوة آورده است که هر که دشنام گوید مرده را چنانستی که دشنام
داده باشد مر جمله پیغامبران را نقل صحابه سوال کردند که یا رسول الله
علامت اسلام مسلم چیست رسول علیه السلام فرمودند که مسلمان آن
کسی باشد که مسلمانان دیگر از دست وزبان وی سالم باشند یاران

سوال کردند که یا رسول الله علامت محسن چیست رسول علیه السلام فرمودند که محسن
را سه علامت است یکی آنکه پیش دستی کند در طاعتهای خدای تعالی ودوم
پرهیزد از حرامهای خدای تعالی وسیوم نیکویی کند در حق کسی که در حق
وی بدی کرده باشد هر که این سه خصلت را که بنای اسلام است بجای
آرد مسلمان باشد از وصایا رسول علیه السلام فرمودند که یا علی
نیافریده است خدای تعالی در آدمی چیزی بهتر از زبان وی وبنده بدان در
میرود در بهشت وبدان در میرود در دوزخ پس بند کن او را جز نیکو
گفتن بدرستی که او سگی است گزنده از تنبیه فقیه ابو اللیث رحمة الله علیه
روایت کنند از رسول عالم علیه السلام که چون کافران ومنافقان دندان
مبارک او را شکستند در حرب احد وحی آمد بر سید عالم علیه السلام که
یا رسول الله اگر دعا کنی ایشان را که در حق تو چنین بی ادبی کردند من ایشان را
جزا وسزا دهم رسول علیه السلام گفت ای بارخدای تو داناتری که من
برای رحمت ام ومرا رحمة للعالمین خوانده من نه برای لعنت کردن آمده ام
پس گفت ای بارخدای راه راست نمای این قوم را که نمیدانند پس آنگاه
گفت هر که زبان خود را از طعن وغیبت مسلمانان باز دارد خدای تعالی بقیامت
او را عذاب نکند رسول علیه السلام فرمودند هر که بنده خود را بی گناه
طپانچه زند آزاد کردن وی باشد کفارت آن هر که زبان خود را نگاه
دارد از فحش ولغو خدای تعالی او را از عذاب گور نگاه دارد وعورت او را

واز فضیحت شد زعصمت بخشند هر که خشم فرو خورد خدای تعالی او را از عذاب
دوزخ نگاه دارد و بهشت مشرف کرداند هر که بعذر و مدارا سوی برادر
مومن شتابد خدای تعالی برحمت خود ویرا مخصوص کرداند رسول علیه السلام
گفتند هر سخنی که غیر سخن خدای عز و جل است همه لغو است و هر اندیشه
که از برای آخرت نیست همه غفلت است هر نگریستنی که از برای عبرت
نیست آن همه زیانست خوشا مران کسی را که یاد کرد وی نام حق
تعالی است و خاموشی وی همه تفکر آخرتست و نگریستن وی بعبرتست
امام اوزاعی رحمة الله علیه گفت مومن کم سخن بسیار عمل باشد اما
منافق بسیار سخن کم عمل باشد از خالصة الحقایق ابو سلمه روایت کرد
از ابو هریره رضی الله عنهما که گفت از رسول علیه السلام شنیدم که گفتند
بر نفسی نوشته شده است خطی از زنا چشمها زنا کنند و زنای ایشان نگریستن
است بنامحرم و زبان زنا کنند و زنای او کلام لغو است یعنی سخنان فحش
و بد گفتن و دستها زنا کنند و زنای ایشان مر آلات لهو است و لعب و پایها
زنا کنند و زنای ایشان بمقام فسق رفتن است و گوشها زنا کنند
و زنای ایشان سخنان فحش و مالا یعنی و سخنان بی فایده را شنیدن
آورده اند که ربیع ابن خثیم رحمة الله علیه مدام چشم خود را بسته بودی
چنانک بتحقیق مردم گفتندی که او نابیناست آورده اند که مردی از خانه
خود بسفر میرفت زن او و خواهر او گفتند که ما را نیز با خود ببر آن

مرد گفت ممکن نیست که شما را با خود برم باید که در سفر چشم خود را
نگاه داری از حرام تا ما را خدای تعالی نگاه دارد در خانه از فضیحت شدن
آورده اند که عورت حسان بن ابی سفیان گفت مر حسان را که چون
تو از نماز عید باز گشتی چندین از زنان صاحب جمال را نظر کردی گفت
آخر ای ضعیفه گمان بد بر ادر حق من مبر از آن معنی که من نظر خود را از
مقام قدم تجاوز نکرده ام چون بنماز عید رفته ام و باز آمده ام حکیمی را
پرسیدند که فاسق کیست گفت هر که نظر خود را باز ندارد از حرام و از
حرم مسلمانان و بر زن و فرزند مسلمانان بخیانت نظر بکند از خالصة
الحقایق رسول علیه السلام فرموده اند بدرستی که خدای تعالی بموسی کلیم
صلوات الله علیه تورات را داد و ختم کرد بدین پنج کلمه و گفت اگر عمل کنی
بدین پنج کلمه بدرستی که عمل کرده باشی بتمام تورات و اگر عمل نکنی بدین
پنج کلمات پس تورات را زیر خاک کن اول آنک تا مادام که ملک ما را
زوال نه بینی و انتقال نه بینی پس نترسی از پادشاهان دنیا
دوم آنک تا مادام که نه بینی خزانهای ما را خالی طمع مکنی بچیزی که در دست
مردمانست سیوم آنک تا مادام که فارغ نشوی از غیبت نفس خود بعیبهای
مردمان مشغول مگردی چهارم آنک تا مادام که ابلیس را نه بینی باید که البته
قتال و محاربه را با نفس و شیطان ترک نکنی پنجم مادام که هر دو قدم خود را
در ننهی ایمن نباشی از خوف و قهر خدای عز و جل

فصل پنجم

در فسق و معصیت و ارتکاب آن و شومی گناه و عقوبت گناه کاران

درخبرست که هر که در مجلس حاضر شود که دران مجلس حاضر شود که دران مجلس
معصیت کنند و ازان معصیت در دل کراهتی دارد چنان باشد که گویا
وی دران مجلس حاضر نیست و هر که از مجلس معصیت غایب بود
اما آن معصیت را دوست دارد و دل او بدان طرف مشغول بود
چنان باشد که گویا وی دران مجلس حاضرست مرویست که پیغامبر
علیه السلام فرمودند که شنیدن ملاهی یعنی سرود و چنگ و دف
و نی معصیت است و نشستن بدان فسق است و لذت گرفتن کفر است
یعنی اگر مباح و حلال دارد درخبرست که آید بر مردمان زمانه که
نشود زنده گانی مگر بمعصیت یعنی در میان مردم زندگانی نشود و از
ایشان منفعت نباشد تا از برای رضاء ایشان معصیت نکنند و بخدای
تعالی عاصی نشود رسول علیه السلام فرمودند که چون آن زمانه پیدا
شود حلال بود مرد را که زن نخواهد مرویست که سلیمان بن علی گفت
مر حمید طویل را که مرا وعظی بگوی گفت وعظ میگویم اما مختصر
گفت فرمای گفت اگر تو معصیت کنی در خلوت و گمان بری که خدای
تعالی ترا می بیند پس تو دلیری کرده باشی بخدای تعالی و اگر گمان بری که حق
تعالی ترا نمی بیند بدرستی که کافر شوی از تفسیر مغنی درخبرست که روز
قیامت حق تعالی گوید مر بعض عاصیان که چه حال بود شما را که مرا خود

ترین

ترین نظر کننده گان را نشنید اندیدن همسایگان بگناه کردن شرم
داشتید و از بنده گان و خادمان خود شرم داشتید و از من شرم
نداشتید که آفریدگان شما ام و نگفتید که او می بیند و میداند و من
چگونه این گناه کنم همه حیران و مضطر فرو مانند و از جواب عاجز
شوند مرویست که چون آدم صفی صلوات الله علیه سیصد سال
گریست اورا بشارت رسانیدند بعفو زلت و قبول توبه و بعد از
قبول توبه نیز میگریست حق تعالی وحی کرد بسوی آدم که یا آدم هنوز
این گریه چیست گفت یارب اگرچه زلت مرا عفو کردی اما نه تو میدیدی
آن زمان که دست دراز کردم بدان شجره که نهی کرده بودی درخبرست که در آن
هنگام که خدای تعالی مومنان را برؤیت خود مشرف و مکرم کرده اند
مومنی باشد که سرفرو افگنده باشد خدای تعالی فرمان کند ای بنده
من ترا حاجت برؤیت ما نیست و آرزوی لقای ما نداری آن مومن
گوید الها و پروردگارا اگرچه بکریمی و رحیمی خود گناه مرا در گذاشتی
و لیکن نه آنگه آن زمان تو میدیدی که من گناه میکردم پس مرا شرم
مانع میشود که سوی حضرت پاک تو بینم پس بفرمان خدای تعالی باد
لطف در دل آن بنده وزد تا آن بنده محو شود و مشرف کرده برؤیت
و لذت یابد از لقاء خدای تعالی درخبرست که چون اشارت کند مسلمانی
بطعن سوی مسلمان دیگر لعنت کنند مر او را ملایکه اگرچه برادران باشند

از یک مادر و پدر

روایت میکند انس بن مالک رضی الله عنه از رسول علیه السلام که فرمودند
چون بنده بامداد از خواب بیدار می شود روح در تن او در می آید و تن را
میگوید ای جسد مرترا سوگند میدهم بخدای کریم که وی رو نکند سایل
را هرگز البته باید که امروز کار بد نکنی که در آری مرا بدوزخ رسول علیه السلام
فرموده اند هر که فرمان برداری کند مخلوقی را که آن مخلوق در طاعت عاصی
شود مر خالق را بدرستی که او غیر خدای عزوجل را بخدایی گرفته باشد
نعوذ بالله منها رسول علیه السلام فرموده اند مباشید شما بیکجا نزدیک
شخصی که او مظلومی را زند بدرستی که لعنت منزل میشود بر آنکسانی
نزدیک آن ظالم باشند و ملامت او کنند تا آن زمانکه دفع نکنند آن
ظلم را از مظلوم در تفسیر زاهدی آورده است که منهیات کفر است و بدعت
است و معصیت اما بدعت از معصیت بالاترست از تفسیر مغنی رسول
علیه السلام فرموده اند که کسی بود از شما که همه عمر کار بهشتیان کند تا
چندانکه میان بهشت و میان او مقدار بدستی بیش نماند از قضاء
ازلی که در لوح المحفوظ نوشته شده باشد در رسد و بر دستش کاری
دوزخ از کارهای دوزخیان خاتمت کارش بکرده و در دوزخ در آید
نعوذ بالله منه اما کسی باشد از شما که همه عمر کار دوزخیان کند
تا میان او و دوزخ بدستی ماند همچنان قضاء ازلی و حکم لم یزلی در
رسد و او را در بهشت در آرد بعنایت الله تعالی رسول علیه السلام را

پرسیدند

پرسیدند که از گناهان کدام بزرگترست گفت اول آنکه با خدای تعالی
دیگری را شریک گوئی و ترا او آفریده است و دوم آنکه فرزند خود را بکشی
و سیوم آنکه با زن همسایه زنا کنی امام اعظم ابو حنیفهٔ کوفی
رحمة الله علیه گفت هر که دوسترین طاعتها که ایمانست بجای آرد
و از دشمن ترین معصیتها که کفرست دور باشد امید وارم که
حق تعالی این بنده را برحمت خود مخصوص کرد الله از کفایهٔ شعبی در
خبرست که رسول علیه السلام فرموده اند که هر که برنجاند مسلمانی را
بی موجبی چنان باشد که او خانهٔ کعبه را هفتاد بار خراب کرده باشد
گفتند یا رسول الله چیست غایت رنجانیدن گفت اگر برخیزد
و بر دامن او گرد باشد آنرا افشاند از آن غبار بر مسلمانان رسد
این غایت رنجانیدن است چگونه باشد حال کسی که مسلمانی را
بکشد یا بروی ظلم کند آورده اند که شخصی بود فاسق هر روز
در فسق و معصیت مشغول بودی او را غلامی بود صالح و متقی هر
بار خواجه را از فسق مانع شدی گفتی ای خواجه توبه کن و بخدای
تعالی باز گرد و تقوی کن این خواجه گفتی که رحمت خدای تعالی بسیارست
روزی خواجه او این غلام را گفت برو گندم کار در فلان زمین غلام
رفت و در آن زمین همه جو کاشت چون نزدیک درویدن شد
خواجه گفت بروم و غله را ببینم که لایق درودن شده است چون

غلام

آنجا رسید

دید که همه جو بود غلام را گفت ترا گفتم که گندم کار تو چرا همه جو کاشتی گفت ای
خواجه همچنین گمان بردم که از این جو گندم خواهد شد خواجه گفت ای غلام
نبود دیوانه محال است که از جو گندم شود غلام گفت از این تمثیل قصد تو بودم
بدانستی که بسی در کار خویش عاصی می‌شوی و از وی رحمت امید میداری
پس خواجه او تایب شد و بخدای تعالی بازگشت رسول علیه السلام
فرمودند بدانستی که خدای تعالی آمرزد جمله گناهان بنده را مگر کسی که ربوا
خورد و یا غصب کند و نقد اجره اجیر را یا آنکه فروشد مسلم آن آزاد را

نقل از دوازده مسئله مسئلهٔ یازدهم آنست که ابلیس گفت مهتر
خضر را علیه السلام که در نکاح مردم خلل افکنم و حلال را بروی حرام کردانم
چنانکه وی را خبر نباشد زیرا که هر مسلمانی که فرد باشد و نکاح نکرده است
او خود در قبضهٔ فرمان منست باندک میلی او را بجانب خود کشم چون شهوت
بروی غالب باشد او را بدوزخ فرستم دمادم وسوسه حاجت نباشد اما
چون شخصی نکاح کرد نیمهٔ او از دست من در حصار شود نیمهٔ دیگر
در فرمان من باشد اول مال و جمال را در نظر او نمایم تا فریفته شود
و عفیفه و مستوره و اهل صلاح را در دل او دشمن کردانم تا زن با جمال
با مال را در نکاح خود آرد اما بی عفت و بی صلاح باشد و بهوای نفس
مغروری باشد تا میان ایشان خصومتی پیدا آید و عداوتی ظاهر
شود و بد شنام دادن طلاق واقع شود و ایشان را خبر نبود و آن زن

همچنان در خانهٔ وی حرام می‌باشد ایشان چنان پندارند که ما حلال یکدیگریم
و در میان ایشان موافقت فراهم نیاید و هر یکی بفساد و زنا مشغول
گردند و اگر بایکدیگر عقد کنند جایز نباشد از بهر آنکه مطلقهٔ ثلاثه گشته
است و عقد باطل شده است و فرزندان تولد میکنند همه را بدین ترتیب
مستوجب دوزخ کرداند **جواب** رسول علیه السلام فرمودند که یا خضر
علاج آنست که در وقت نکاح کردن نیت بصدق باید کردن و
از حرامها توبه کند و گوید که این عورت میخواهم تا دین من در حصار
در آید و در میان ما حق تعالی فرزندی صالح روزی کند که طاعت و عبادت
بجای آرد و نظر بر مال و جمال ندارد و نسب و حسب را نه بیند و دیگر باید
که مرد مؤمن در وقت نکاح کلمهٔ تمجید را بسیار گوید و آیت الکرسی را
خوانند و چون ضعیفه را در خانه آرد این دعا را بخوانند تا از شر شیطان ایمن
باشد اللّٰهمّ جنّبنا الشّیطان ممّا رزقتنا الحمد للّٰه الّذی احلّ النّکاح
وحرّم السّفاح ورزقنا حلالًا طیّبًا و دو رکعت نماز گذارد و ضعیفه را
نیز فرماید تا دو رکعت نماز گذارد و بعد از آن هر چهار پای ضعیفه را بشوید
و آن آب را بچهار گوشهٔ خانه پاشد خدای تعالی در روزگار ایشان از هفتاد
نوع برکت پدید آرد و ایشان را بایکدیگر موافقت دهد و دایم بصحبت و عافیت
دارد آمین یا رب العالمین **از مشکوة مسعودی** رسول علیه السلام فرمودند
که بدترین و شومترین مردمان آنست که خود را بزنان مانند کند چنانکه جامه

یا جیب دار یا پاچهٔ ایزار فراخ دارد **رسول** علیه السلام فرمودند که خدای تعالی
بر سه گروه لعنت کرده است یکی بر مردی که خود را بر مانند زنان کند و دیگر
بر زنی که خود را بر مانند مردان کند و دیگر بر کسی که زن نخواهد و کنیزک
خرد و عروس سازد با وجود آنکه قدرت بود او را بزن خواستن و لیکن
مراد وی آن بود که فرزند تولد نشود **از خالصة الحقایق** ابن عمر رضی الله عنهما
گفت که رسول علیه السلام فرمودند هر که آرزو برد کلا فی نفخ را برامت
من مقدار یکشبانه روزی خدای تعالی اعمال چهل ساله او را حبط کند
مرویست که ابلیس لعین بخدمت پیغامبر علیه السلام آمد رسول
علیه السلام فرمودند که ای ملعون آرزوی تو چیست و صدیق و
خلیل تو کیست گفت یا رسول الله دوست و خلیل من از امتان تو کسی است
که ربوا میخورد رسول علیه السلام گفتند بچه جهت او دوست تو می
شود گفت یا رسول الله چون بزبان او سوگند بطلاق خوردن عادت
شود وقتی باشد که سوگند دروغ یکبار بر زبان او رود زانی شود و فر
زندان او بزنازاده شوند پس ازین جهت او نور دیده و دوست منست رسول
علیه السلام پرسیدند که ای لعین خوردن تو از کجاست گفت یا محمد آنک
جنان بودی که مردمان راست بپیمودندی و راست وزن کردندی ما از گرسنگی
هلاک می شدیم هر تا انکه بیرا خاذنی است و خاذن ما کسی است که کم بپیماید
و کم وزن کند و دیگر آنکه مردی با زن حلال خود جماع کند و پیش از آن بسم الله

الرحمن الرحیم

الرحمن الرحیم نگوید من با او شریک باشم در جماع کردن و قول خدای عز و جل
بدین دال است وَشَارِكْهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ یعنی چون بنده اعوذ بالله
و بسم الله نگوید نزدیک حاجت ابلیس شریک باشد در اموال و فرزندان
او **آورده اند که** غلامی بود عتبه نام روزی در راهی میگذشت بیهوشی
بروی واقع شد افتاد چون بهوش باز آمد از وی پرسیدند گفت من
دراز گوش خود را اینجا زده بودم از آن یاد کردم که اگر خدای تعالی از من سوال کند که او را
چرا زدی چه جواب دهم اما بدانکه حقوق عباد بسی دشوار ترست از حق خداوند
تعالی بدرستی که حق تعالی رحیم کند و گذارد حق خود را و لیکن ضایع نکند حق
بندگان خود را و دیگر بدانکه حق آدمیان از حق بهایم دشوار ترست زیرا که آدمی
قابل آن هست که خوشنود شود و در گذارد زیرا که عقل و نطق دارد اگر زنده است
و حاضرست تواند که از وی بحلی خواهد یا چیزی بدهد و عذر خواهد و خوشنود
کرد اند و اگر غایب است به نیت او صدقه دهد و نماز گزارد و روزه دارد
امید ست که از وی عفو شود و اگر خصم مرده باشد بروح او چیزی صدقه
کند و بخیر او را یاد کند زیرا که میت محتاج است بدعاء زندگان اما بهایم نه عقل
دارد و نه نطق مر ایشان را زدن ظلم است زیرا که او را تمیز نیست که ترا اطاعت
کنند و بمراد تو باشند پس قابل نبود خوشنود کردن بهایم اگرچه او را
کاه و علف بسیار دهد و بمراد دهد **ذکر شومی گناه و عقوبت گناه کاران**
از خالصة الحقایق رسول علیه السلام فرمودند که زلزلهٔ زمین از سبب سه چیز است

جنبش
یکی آنکه هر جاه که حق تعالی نظر کند بسوی زمین از هیبت برخود لرزد دوم از
گاو و ماهی سیوم از سبب گناه بندگان درخبرست که وحی کرد خدای تعالی
سوی موسی پیغامبر که یا موسی بدان بدرستی که اول کسی که مرد ابلیس هست
زیراکه او عاصی شد بر من بدرستی که من شمرده ام کسی را که بی فرمانی کند از
مردمان درخبرست که در توریت حق تعالی فرموده هست که ای فرزند آدم شرم
دار از گناه کردن که من شرم میدارم که ترا عذاب کنم درخبرست که وحی کرد
الله
خدای تعالی سوی موسی علیه السلام که یا موسی اگر نباشند گوینده گان لا اله الا
البته من مسلط کنم بر بنده که عاصی شدی بر من بچشم زدنی بدرستی که هر که
ایمان آرد بر من پس او بهترین خلق باشد نزد من درخبرست که وحی کرد
خدای تعالی سوی عزیر پیغامبر علیه السلام که یا عزیر اگر رسد ترا معصیت بسیار
از من شکایت مکن که من هیچ شکایت تو نکرده ام بر فرشتگان خود یا عزیر
عاصی مشو بمن اگر شوی بقدر طاقت خود شو بر عذاب من و بخواه از من
حاجتهای خود بمقدار عملی که از برای من میکنی پس عزیر علیه السلام بسیار
گریست و عذر خواهی کرد ابوهریره رضی الله عنه فرمود که شش گروه بسبب
شش چیز در آتش در آیند روز قیامت بی حساب گفتند یا رسول الله ایشان
کیانند فرمود که امیران بسبب جور کردن و عرب بتعصب کردن و دهقانان
بسبب قحط اندیشیدن و خواجگان بسبب کبر و بازرگانان بسبب خیانت
کردن و عالمان بحسد کردن یعنی آن عالمانی که دنیا خواهند بر یکدیگر حسد کنند

گفتند
رسول علیه السلام فرمود مر صحابه را که شما میدانید که مفلس کیست
خدای تعالی و رسول خدای تعالی عالم هست گفت مفلس آن کسی هست که او را
روز قیامت آرند مانند کوهها حسنات باشد و لیکن گویند که این
شخص غیبت کرده هست مر برادر مسلمانرا و گرفته هست مال او را و ریخته
هست خون او را پس آن همه خصمان حسنات او را گیرند هیچ حسنه مر او را
باقی نماند از تفسیر منیر امیر المؤمنین علی رضی الله عنه روایت کرده هست
از پیغامبر صلی الله علیه وسلم که چون امت من پانزده خصلت را عمل کنند
عذاب خدای عز و جل بر ایشان فرود آید اول آنکه هر جاه غنیمتی یابند
بچشم قسمت کنند بیشتر توانگران گیرند و درویشانرا کم دهند و دیگر آنکه
امانتها را خیانت کنند و بغنیمت گیرند و زکوة دادن را چون تاوان شمرند
و فرمان زنان کنند و در مسجدها بسخن دنیا آواز بلند کنند و در شهرها
و ولایتها بی اصلانرا مهتری دهند و بدانرا از بیم بدی ایشان عزت دارند
کنند
و مادر و پدر را آزارند و دوستانرا عزت ندارند و برادران و خواهرانرا جفا
فرستند
و خمر خوردن گیرند و مردانرا دیبا پوشانند و زنانرا در بازارها و کوچها
از برای سوداگری کردن و کنیزکان مطرب دارند و رود و جامها زنند و آخریان
مر اولیانرا لعنت کنند یعنی یاران رسول را دشمن دارند هر جاه این چنین
وقت پیدا گردد چشم دارید آمدن عذابها را یا سرخ باده پیدا شود و هلاکی
ایشان در آن بود یا ایشانرا در زمین فرو برند یا ایشانرا مسخ کنند تا چون

خوک و بوزینه گردند

مرویست که باسناد درست که وقتی باشد که مردان و زنان یکجا نشینند
جز خوردن و رود جامها ننهند چون شب در آید فسق آغاز کنند
چون روز شود همه مسخ شده باشند تا چنان شود که در خانهٔ هر یک
خبر افتد که در فلان خانه پنج تن مسخ شدند و در فلان خانه ده تن
چندو نه شدند انس ابن مالک رضی الله عنه روایت کرد از رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود چون خدای تعالی خواهد که بر بنده نیکی خواهد
پیش از مرگ او بیک سال فرشته بروی گمارد تا همه زشتیها را بر دل
وی سرد کرده اند و چشم او خوار نماید و همه نیکیها را بچشم او خوب
نماید تا همه نیکیها کند و بدیها را گذارد مرویست که مهتر خضر علیه
السلام گفت ای مظفر شبی حضرت رسالت صلی الله علیه وسلم صحابه را
درس میگفتند در میان درس این خبر را از حضرت رسالت صلی الله
علیه وسلم شنیدم که گفت فردای قیامت آرند آنکسی را که ظالمی وی را
بناحق کشته باشد پس حق تعالی گوید آن ظالم را که وی را چرا کشتی گوید
مرا امیر فرمود حق تعالی گوید که من ترا نهی کردم فرمان من که خداوندم
نکردی سخن امیر خود را بجای آوردی ببرید او را بدوزخ نومید و نگونسار
در دوزخ افتد همچنان میرود تا قعر جهنم نعوذ بالله منها از تفسیر منیر
از قصهٔ معراج رسول علیه السلام گفتند دوزخ را پیش من آوردند
دیدم قومی را که لبهای ایشانرا می بریدند گفتم یا اخی جبرئیل اینها کیانند

گفت

گفت اینها دانشمندان امت تواند که مردم را عمل صالح فرمودند و بامر معروف
و نهی منکر امر کردند و دروغ گفتند و خود نکردند امروز جزا یافته اند قومی دیگر
را دیدم که زبانهای ایشانرا می بریدند گفتم اینها کیانند گفت اینها شاعران
هجو گوینده اند قومی دیگر را دیدم آتش در شکمهای ایشان طوف میکرد گفتم
اینها کیانند گفت اینها خورندگان مال یتیمند بظلم قومی دیگر را دیدم که
شکمهای ایشان بزرگ شده بود و هر ساعت می افتادند گفتم اینها کیانند
گفت اینها ربا خوارانند قومی دیگر دیدم که از ایشان بوی گنده و ناخوش
بمن رسید گفتم چه بوی است گفت بوی زانیانست قومی دیگر دیدم که در گوشتها
و چشمهای ایشان میخها فرو کوفته بودند گفتم اینها کیانند گفت اینها سخن
چینانند قومی دیگر دیدم از سر تا پای آتش گرفته گفتم اینها کیانند گفت اینها
طایفه اند که آبدست را تمام نکرده اند قومی دیگر دیدم که همه مویهای ایشان
آتش گرفته گفتم اینها کیانند گفت اینها آن مردم جنب اند که خود را
پاک نکرده اند قومی دیگر دیدم که سرهای ایشانرا بعمودهای آتشین می
کوفتند گفتم اینها کیانند گفت اینها کسانی اند که کم داده اند و بیش گرفته
اند و در کیل و ترازو تزویر کرده اند قومی دیگر دیدم که نیزه های آتشین
در پشتهای ایشان فرو برده ایشان خواهند که دو تاه شوند نتوانند گفتم
اینها کیانند گفت اینها کسانی اند که رکوع و سجود را تمام بجای نیاورده اند
قومی دیگر دیدم که زبانهای ایشان در دهانهای ایشان بیرون آمده و دراز

کشته

کفتم اینها کیا نند کفت اینها غیبت کننده کان اند قومی دیکر دیدیم که لبهای ایشان
را با نبور میکشیدند و قدحهای آتشین بر میکردند از زرد آب دوزخیان
و در کلوی ایشان می ریختند کفتم اینها کیا نند کفت اینها شراب خوار
و خمر نکوسار خورده کانند قومی دیکر دیدیم از عورتان که از پستان فرو
آویخته و ماران همچون شتر بر ایشان کماشته کفتم اینها کیا نند کفت
اینها زنانی اند که پستان خود را بنا محرم نموده اند و دیکر آنک بچکان خود را
شیر نداده اند که از ترس آنک لاغر نشوند قومی دیکر دیدم که فریاد میکردند
و واویلاه میزدند کفتم اینها کیا نند کفت اینها کواهی دروغ دهنده کانند
رسول علیه السلام کفتند بیشتری اهل دوزخ توانکرانرا دیدم که زکوة
مال نداده اند و دیکر زنان و دیکر جهودان و ترسایان بس آنکاه قومی را
دیدم که در روی ایشان نور بود و کردنهای ایشان شکسته کفتم اینها
کیا نند کفت اینها موذنانند که بانک نماز را بی خشیت و ترس کفته اند الله اعلم

ذکر زنا و خمر از تفسیر مغنی در حدیث مذکورست که رسول علیه السلام
فرمودند هرکه یک زنا کند هفتاد ساله طاعتش را حبطه کرده اند اکر شخصی در
قیامت با هفتاد زنا بیاید کار او بدین صعبی و دشواری نباشد که یک شربت
از می خورده باشد **ایضا** در خبرست که رسول علیه السلام فرمودند که
ای مردمان بپرهیزید از زنا که در زنا شش خصلت مذمومست سه در دنیا
و سه در آخرت اما آنک در دنیاست روشنایی و زیبایی از روی او رود

وفقیر

و فقیر شود و در عمر او نقصان شود اما آن سه که در آخرت لعنت حق تعالی بر
وی بخشم باشد و سختی حساب باشد و جاوید در آتش باشد **وهب
ابن منبه** رضی الله عنه کفت که نوشته دیدیم در توریت که مرد زانی نمیرد
تا کور نشود مکر توبه کند که از ین بلا نجات یابد **رسول** علیه السلام
فرمودند که خمرخوار روز قیامت از کور خود بیرون آید و بوی او
کنده تر از مردار باشد و کوزهٔ خمر در کلوی او آویخته باشد و قدح
بر دست او بود و در میان پوست و کوشت او ماران و کژدمان باشند
و از آتش نعلینی در هر دو پای او باشد از کرمی آن نعلین مغز سر او
جون دیک بجوشد و در کور وی دری کشایند از دوزخ و در درون دوزخ
با فرعون و شداد در یکجا باشند نعوذ بالله منها **ذکر شطرنج و لعب
مقامران از تفسیر مغنی** رسول علیه السلام فرمودند بدرستی که خدای
تعالی را هر روزی بر اهل زمین سیصد و شصت نظر رحمت هست بس هیچ
نصیب نیست مر اهل شطرنج را از آن جمله رحمتها رسول علیه السلام فرمودند
آخرین حساب از همه بنده حساب شطرنج کنند و لعنت کند خدای تعالی
مر آن کسی را که شطرنج بازد و هرکه بازی کند بشطرنج بدرستی که او عاصی
شود بخدا و رسول خدای **رسول** علیه السلام فرمودند که روزی جبرئیل
صلوات الله علیه نزد من آمد لون بشرهٔ او متغیر شده کفتم یا اخی
جبرئیل چیست که بشرهٔ تو متغیر می بینم کفت یا رسول الله نظر کردم

در دوزخ

از آتش

وادی دیدم که همچو شید مالک را پرسیدم که این وادی بر هیبت کراست گفت
سه طایفه راست یکی محتکر را دوم خمر خور را سیوم مقامبر را **ذکر عقوبت**
خیانت زنان از تفسیر مغنی رسول علیه السلام فرمودند هر زنی که
خیانت کند شوهر خود را در مال یا در فراش آن زن را نصیبی نباشد
از بهشت و نظر رحمت نکند خدای تعالی سوی او نی در دنیا و نی در آخرت؛
رسول علیه السلام فرمودند که سخت ترین غضب خدای تعالی
بران زنی است که خیانت کند بر مال و تن در رونکار و در بستر بر
شوهر خود **رسول** علیه السلام فرمودند که هر زنی که عبادت کرده
باشد همچون عبادت مریم بنت عمران رضی الله عنها و ما شوهر
از وی خوشنود نبود قبول نکند خدای تعالی عبادت آن زن را و
در ارد او لا با منا فقان در دوزخ در درک اسفل مکر وقتی که توبه کند
و اعتقاد بجای آید آمرزیده کردد **ذکر توبه و ندامت و سبب عفو**
کناه از خالصة الحقایق روایت کند ابو درداء رضی الله عنه از پیغا[مبر]
علیه السلام که فرمودند که خدای تعالی بیان کرده است که چون تو[به]
کند بنده توبه نصوح من بعنایت خود فراموش دهم ملایکه را
تا کواهی نتوانند دادن بر سیات او در روز قیامت و این
فرشتکان محافظت میکنند او را از جمیع بلاها تا روز قیامت
ایضا پیغامبر علیه السلام گفتند خدای تعالی فرمان کند روز قیا[مت]

کد

که بیرون آید از دوزخ کسی را که مرا یاد کرده است یکروزی یا ترسیده است
از غضب من نزدیک معصیت کردن و ترک کرده است آنرا از خوف من
در خبر ستاکه پیغامبر علیه السلام در روز قیامت شنوند آواز قومی
را از امت خود در دوزخ که کویند وا محمداه وا نبیاه وا سیداه پس
پیغامبر علیه السلام کویند یا رب کجاست شفاعت من حق تعالی فرمان
کند که یا محمد ایشان خونیا نند و ظالمانند رسول علیه السلام
کویند یا رب کجاست رحمت تو و فضل و عنایت تو حق تعالی
کوید که ایشان را خصمانند پس رسول علیه السلام کوید یا رب
کجاست خزانه تو پس آنکاه خدای تعالی ایشانرا بیرون آرد از آتش
و خوشنود کند خصمان ایشانرا و بهشت برد **آورده اند که** شیخ عبد
الله مبارک رحمة الله علیه میخواستند انکور را ببها بستانند یک دانه
انکور خورد از برای چشیدن را چنانکه عادت مردمان است بعد از آن
تفکر کرد که یک دانه انکور وی را خورده ام گفت ای برادر با ما صلح
کن بیک دانکی آن مرد قبول نکرد گفت بده درم نقره صلح کن قبول
نکرد گفت به بیست درم نقره صلح کن خصم راضی نشد همچنین تا بصد
درم نقره رسانید گفت بیار صد درم نقره را شیخ رحمة الله نقد را
در پیش ادا کرد انکور فروش خندید و گفت در عوض یک دانه
انکور از تو صد درم ستاندم شیخ عبد الله گفت اگر صلح نمیکردی زیاده

میکردم

تا چندانک پانزده هزار درم میسر شانیدم که این مقدار نقره را مالک آن شد
مرد چون این سخن شنید از همه کارهای بد توبه کرد و یکی از دوستان خدا

فصل سیوم در ربوا از خالصة الحقایق

آورده است که امام اعظم ابوحنیفه کوفی رحمة الله علیه را دیدند که در
آفتاب نشسته بود در روزی که آفتاب سخت گرم بود و در پهلوی او
سایهٔ دیواری بود گفتند مر او را که یا امام المسلمین چرا در سایهٔ دیوار
نمی نشینی گفت صاحب این دیوار وام دار منست بس کراهت می
آید مرا که نفع گیرم بسایهٔ دیوار او روایت کرد ابوهریره از عبد الله عباس
رضی الله عنهما که پیغامبر علیه السلام فرمودند آن شب که مرا
بمعراج بردند در آسمان هفتم رسیدم آوازها شنیدم چون آواز
رعد و دیگر صاعقه و برق دیدیم که میجست و مردمان را دیدم که شکمهای
ایشان آماسیده بود و ماران و کژدمان در ایشان آویخته سوال
کردم که اینها کیانند جبرئیل علیه السلام گفت که اینها ربوا خوارانند و دیگر
کسانی اند که کار حق تعالی را بریا و سمعه کرده اند ایضا امیر المومنین
علی رضی الله عنه گفت که رسول علیه السلام لعنت کرد ربوا خوار
و ربوا ستاننده را و نویسندهٔ قباله را و لعنت کرد بر آنکس که
حلال دارد ربوا خوردن از زن و مرد و آنکس را که زکوة را باز گیرد و
رسول علیه السلام گفتند زمانه آید بر امت من که هیچکس نماند که

ربوا خوار نگردد گفتند که همه خورند گفت هر که خورد عذاب او برسد
و اگر نخورد اما مدد کند یا کسی باشد که یاری کند یا کسی را رهنمونی
کند یا گواه باشد در آن میان سخنی گوید [illegible] رضا دهد بدان با ربوا
خواران در گناه برابر باشد رسول علیه السلام فرمودند که پنج چیز
به پنج چیز موقوفست گفتند یا رسول الله چیست آن فرمودند که
قومی نقض عهد نکنند مگر آنگاه که مسلط کند خدای تعالی بر ایشان
دشمنان را و دیگر حکم نکنند بر خلاف حکم کتاب خدای تعالی مگر آنگاه که مبتلا
کند خدای تعالی بفقر و فاقه و دیگر آنک ظاهر نشود در میان ایشان
فاحشه مگر آنگاه که ظاهر گردد در میان ایشان مرگ مفاجا و دیگر کیل
و ترازو را کم نسنجند مگر آنگاه که بردارد خدای تعالی برکت را از نبات
زمین و دیگر باز ندارند زکوة را و دیگر ظاهر نکنند ربوا خوردن را مگر
آنگاه که برداشته شود از ایشان رحمت حق تعالی را الها و پروردگارا
همه را توفیق توبه روزی گردان یا اله العالمین و یا خیر الناصرین و صلی الله
علی محمد و آله اجمعین

باب یازدهم در صلهٔ رحم

و حقوق مادر و پدر و رفق و مدارا کردن و حسن خلق نمودن با
ایشان و این باب مشتمل است بر سه فصل

فصل اول در صلهٔ رحم

یعنی پیوستن با خویشان و نزدیکان و نگاه داشتن حال ایشان و
پیوستن با یاران و دوستان و همسایگان و در بیان فضیلت صلهٔ رحم

از خالصة الحقایق رسول صلی الله علیه وسلم فرمودند که در بهشت درجه است
که نرسد بدان درجه مگر سه کس اول امام عادل یعنی پادشاه عادل
دوم آنکس که صله رحم بجای آرد و با ذو رحم محرم پیوندد و سیوم
صاحب عیالی که صبور باشد امیر المؤمنین علی رضی الله عنه گفت
یا رسول الله چیست صبر صاحب عیال فرمودند که خدمت کند و منت
ننهد بدانچه نفقه کند ایشانرا اهل تحقیق گفته اند صله رحم چیست
اول سلام گفتن و طعام دادن و در غایبی او نگاه داشتن اهل و اولاد
او کردن و غیبت ناکردن و پرسیدن در حالت رنجوری و زحمت و لهذا
گفته اند که بشفقت و تعاهد بیگانه خویش شود و از ناپرسیدن و نگاه
داشت حال ناکردن خویشان بیگانه شوند آورده اند که خواجه شقیق
بلخی را رحمة الله علیه زنی داشت بدخوی خواجه را گفتند چرا این زن را
رها نمیکنی که ترا ضرر میرساند و دایم میرنجاند گفت اگر طلاق دهم
من مثل او باشم در بدخلقی و بد زندگانی از خالصة الحقایق ابو
هریره رضی الله عنه گفت رسول علیه السلام فرمودند حق مسلمانان بر
مسلمانان شش چیزست اول بپرسیدن بیمار دوم پس روی جنازه
کردن و جواب عطسه دادن و حمد گفتن و سلام کردن هرجاکه ملاقی
شوند و اجابت دعوت کردن و نصیحت را قبول کردن شیخ ذوا
النون مصری رحمة الله علیه گفت علامت اهل بهشت پنج چیزست اول

روی

روی خوب با بشاشت و دیگر خلق خوب و صله رحم کردن و زبان
لطیف و خوش سخن بودن و از حرامها [illegible] و علامت اهل دوزخ
نیز پنج چیزست اول خلق بد و دل سخت و زبان درشت و روی ترش
و ا[illegible] معاصی کردن نعوذ بالله منها ذکر گناه بریدن رحم از خالصة
الحقایق رسول علیه السلام فرمودند که در بهشت نرود کسی که از خویشاوندان
ببرد رسول علیه السلام فرمودند که رحم درختی است که بیخها بیکدیگر
پیوسته دارد است و بدانکه رحم مشتق شده از رحمن هر که آنرا ببرد خدای
تعالی حرام گرداند بهشت را بر وی رسول علیه السلام فرمودند که صحبت
یک روزه دوستی است و صحبت یکماهه قرابت است یعنی خویشاوندی است
و صحبت یکساله رحم است پس هر که پیوندد با دوستان و خویشاوندان
خدای تعالی رحمت خود را قرین وی گرداند و هر که ببرد صله رحم و دوستی
را خدای تعالی عنایت خود را از وی باز گرداند از تنبیه فقیه ابو اللیث
رحمة الله علیه فرمود که وقتی بمکه مردی خراسانی پارسایی بود که مردمان
بدست وی امانتها نهادندی و بر وی اعتماد کردندی وقتی مردی بنزدیک
وی ده هزار درم امانت نهاد و خود بکاری رفت چون بمکه باز آمد مرد
خراسانی وفات یافته بود بپرسید از اهل و اولاد وی گفتند مال ندیدیم
و نمیدانیم آن مرد نزدیک فقهای مکه آمد و گفت من بدست فلان مرد
خراسانی ده هزار درم امانت نهاده بودم اکنون از زن و فرزندان او می پرسیم

میکویند ...

علما اندرین کار چه فرمایند چه کنم و تدبیر چیست فرمودند که امید داریم
که آن خراسانی مرد بهشتی بود از آن معنی که پرهیزکار بود بعد از آن مر مرده
او را که چون نیمهٔ از شب بگذرد سر بچاه زمزم کن و آواز ده که یا فلان
بن فلان من آن خداوند فلان امانتم که نزدیک تو نهاده بودم شاید که
جواب یابی بعد از آن آن خداوند امانت سه شب بدین صفت که فرموده بودند
عمل کرد و نعره زد و سر بچاه زمزم فرو کرد هیچکس او را جواب نداد
پس آن مرد نزدیک فقها باز آمد و از حال خود ایشان را خبر کرد که
هرچه گفته بودید پیش بردم جوابی باز نیامد گفتند اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا
اِلَیْهِ رَاجِعُوْنَ میترسم که این مرد خراسانی ناگاه از اهل دوزخ نشده
باشد پس صاحب امانت را گفتند که اینجا وادی هست که آن را وادی
برهوت میگویند ترا آنجا باید رفت و در آن وادی چاهیست بر سر
آن چاه شو بعد از آن که نیمی از شب گذشته باشد آنگاه آواز ده که
یا فلان بن فلان من خداوند آن امانتم که نزدیک تو ودیعت مانده
بودم ببین که هیچ جوابی می یابی پس صاحب آن امانت بجای آورد
آنچه گفته بودند نخستین گرت که سر بدان چاه کرد و آواز داد جواب
باز داد تعجب کرد و گفت که نیک مرد بودی چه افتاد ترا بدین چاه
فرود آوردند گفت بدان که مرا در خراسان خویشاوندان بودند
و من از ایشان بریده بودم و بمکه نشسته خداوند تعالی مرا بدان سبب

عتاب کرد و از اهل دوزخ کردانید اما آن امانت تو در فلان جای است
من بر فرزندان خود اعتماد نداشتم از آن سبب بدست ایشان ندادم و فلان
جای در زمین دفن کرده ام برو و بگوی فرزندان مرا تا ترا بدان جای برند
که من نشان میدهم آن جای را بکن و آن امانت خویش را بر گیر پس صاحب
امانت همچنان کرد که او فرموده بود و آن امانت خود را بدان جای یافت
ذکر گناه بردن همسایه و حق جوار در خبر است که رسول علیه السلام بغزا
بیرون آمده بودند پس امر کرد که ندا کنند مردمان را تا کسی که همسایهٔ خود را
ضرر رسانیده او مصاحب ما نشود مردی برخاست و گفت یا رسول الله
من همسایهٔ خود را نمی رنجانم و لیکن زیر دیوار همسایه بول میکنم رسول علیه السلام
فرمود او را که تو مصاحب ما نباشی رسول علیه السلام فرمودند که حق تعالی
بقیامت بهفت گروه بنظر رحمت نظر نمی فرماید و گوید ای دوزخیان بسوی
دوزخ شوید اول لوطیان دوم آنکسانی که آب پشت خود را بدست خود بیرون
آرند سیوم آنکسانی را که بجهاد پایان جمع شوند چهارم آنکسانی را که با زنان فعل
لوطیان کنند پنجم آنکسانی را که با دختران زن خود نزدیکی کنند ششم آنکسانی
را که با زن همسایه زنا کنند هفتم آنکسانی را که همسایه را آزار کنند یا همسایه را لعنت کنند
از تنبیه فقیه ابو اللیث رحمة الله علیه مرویست که خوجه ابو القاسم ابن عبد
الرحمن محمد رحمة الله علیه گفت از استاد خویش قطب المحققین سلطان المشایخ
خوجه حسن بصری رحمة الله علیه شنیدم که پیغامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند

که پرسیدم از جبرئیل علیه السلام که حق همسایه چیست گفت آنست که چون چیزی
وام خواهد وام دهی و چون بخواند اجابت کنی و چون بیمار شود بپرسی
و چون در کاری یاری خواهد یاری کنی و چون مصیبت رسدش تعزیت
رسانی و چون در شادی بینی تهنیت مبارک باد کنی و چون وفات یابد
بجنازهٔ او حاضر شوی و چون غایب شود و بسفر رود خانه و اهل و بیت
او را نگاه داری و دیگر آنکه ببوی دیگ او را رنجه نداری هر چه پخته باشی او را
نصیب فرستی اینست حق همسایه **از خالصة الحقایق** پیغامبر صلی الله علیه
وسلم فرمودند هر مومنی که گرویده است بخدای عز و جل و بروز قیامت بروی
باد که عزت دارد و گرامی کند همسایه را اما بدانکه همسایه بر انواع است مومن
و مشرک و منافق پس چگونه اکرام مناسب بود در حق ایشان **جواب** پیغامبر
علیه السلام فرمودند که همسایه بر سه نوع است همسایهٔ ایست که او یک حق دارد
آن همسایه مشرک است و آن حق جوارست و همسایه ایست که دو حق دارد
و همسایهٔ مسلمانست یکی حق جوار دوم حق اسلام و همسایه ایست که سه
حق دارد آن همسایهٔ مسلمان خویشاوندست پس همین قیاس کن در اکرام
ایشان **سوال** چیست حق جوار و چیست حق ضرر رسانیدن همسایه **جواب**
گفته اند که حق جوار ایثار کردن نعمت است و حد ضرر رسانیدن همسایه آنست که
رسول علیه السلام فرمودند چون تو سگ همسایه را از دی خاطر همسایه از آن
در بار شد بدرستی که همسایه را ضرر رسانیدی والله اعلم بالصواب

فصل

فصل دوم در حقوق مادر و پدر و خوشنودی ایشان

از خالصة الحقایق رسول علیه السلام فرمودند هر فرزندی که نظر کند
سوی مادر و پدر بنظر رحمت و شفقت خدای تعالی نویسد بنام او
ثواب حج و عمره **وهب بن منبه** رضی الله عنه گفت باسناد درست بما
رسیده است که خداوند تعالی مر عزیر پیغامبر را گفت یا عزیر نیکویی کن
در حق مادر و پدر که هر که نیکویی کند در حق ایشان من که خداوندم
از وی خوشنود گردم و در عمر و حال وی برکت کنم و رسانم این برکت را
بچهار پشت در نسل او و هر کرت که فرزندی عاصی شود در پدر و
مادر من خشم و غضب کنم و بروی لعنت کنم **در خبرست** که روز
قیامت پرسیده شود فرزند آدم را از نماز بعد از آن از حق مادر
و پدر پرسیده شود زن را از نماز بعد از آن از حق شوهر پرسیده
شود بنده را از نماز بعد از آن از حق مولی **انس بن مالک** رضی الله عنه
گفت مردی بخدمت رسول علیه السلام آمد و گفت یا رسول الله
من مادری دارم بدخلق و زشت زبانست رسول علیه السلام گفتند
چیست بدخلقی او در آن مدتی که ترا در حمل داشت هیچ بدخلقی
نکرد و در آن وقت که ترا بزاد هیچ بدخلقی نمود و در آن وقت که ترا
شیر داد مدت دو سال کامل هیچ بدخلق نبود و در آن وقت که از
جهت تو شبها را بیدار داشت و نخفت و روزها بر تشنگی تحمل

کرد هیچ بدخلق نبود

اکنون بدخلق می نماید پس آن مرد کفت یا رسول الله من اورا بر بالای
مرد و کتف خود سوار کرده ام و در خانهٔ کعبه برده ام و حج بیت الله کزارده ام
پیغامبر علیه السلام فرمودند بدان خدای که مرا براستی بخلق فرستاده
که تو حق کزاری یک ذره رنج او نکرده و حق بیداری یک شبه بسر نبرده
رسول علیه السلام فرمودند چون ترک کند بندهٔ دعای مادر و پدر را
خدای تعالی رزق او را منقطع کرداند رسول علیه السلام فرمودند که
موسی کلیم صلوات الله علیه در زیر عرش مردی را دید کفت یا رب این
کیست خطاب آمد که یا موسی ترا نام این مرد نکویم اما خبر کنم سه
خصلت خوب او را بدانک تا این مرد در دنیا بوده است سخن چینی نکرده است
و بلغجه خدای تعالی از فضل خود او را داده است در حق مادر و پدر
نیکویی کرده است یا موسی به پیوند برحم اکرچه سفر یکساله باشد
و به پرس مریض مسلمان را اکرچه مسافت راه بعید باشد و زیارت
کن برادر مسلمان را و اجابت کن دعوت او را اکرچه مسافت طویل باشد
و مصافحه کن او را اکرچه بزرک منصب باشد در سیر الکبری از
امام محمد حسن شیبانی منقول است که اکر مردی را مادر و پدر کافر
باشند و ندای نفیر عام کردند تا فرض شد خروج بر کل مسلم عاقل
بالغ پس منع کردند مادر و پدر کافر پسر مسلم خود را از خروج نیاید
بینیم اکر منع ایشان از برای شفقت باشد روا باشد او را که بیرون

و اکر

و اکر بیرون آید عاصی شود در ایشان و اکر او را منع کنند از برای عزت داشتن
کفر و خوریِ اسلام اکنون روا باشد او را که بیرون آید بغیر رضای
ایشان این حال کسی است که پدر و مادر او کافر باشند پس معلوم تو باد را
که چکونه باشد حال کسی که مادر و پدر او مسلمان باشند در خبر است که
موسی کلیم صلوات الله علیه در مقبرهٔ میکذشت نوری دید که از آن قبر
تا بهوا مانند ستون بر می شد موسی علیه السلام دو رکعت نماز کزارد
و از حق تعالی خواست تا از حال آن مرده خبر دهد حق تعالی فرمود موسی را
که برو سوی آن قبر و سوال کن از آن میت پس موسی علیه السلام آمد بر سر
آن قبر بفرمان خدای تعالی قبر از میان شکافته شد دید موسی علیه السلام آن
میت را که پیش او خوان زرین نهاده بودند و در وی طعامی از نور آن بنده
از آن تناول میکرد موسی علیه السلام پرسید که ترا این مرتبه از کجاست و بچه
چیز و چه عمل این سعادت را حاصل کردی آن میت کفت بدان بدرستی که مرا
فرزند صالحست در دنیا و او دعا کرده است پس موسی علیه السلام کفت او را که
شما فخر میکنید بفرزندان صالح کفت ای پیغامبر خدای بدان بدرستی که
ما فخر میکنیم بفرزندان صالح چنانک شما فخر میکنید بنبوت و پیغامبری
بر جملهٔ خلقان آورده اند که مردی مادر خود را در خواب دید و مادر او را هبه
نام بود روزی پسرش مادر را کفت هیچ حاجتی داری کفت همین حاجت
دارم که زیارت ما را نکذاری و ما را بدعا یاد کنی بدرستی که بآمدن تو در روز

آدینه مرا بشارت میدهند

جون سوی قبر من می آیی فرشتگان مرا میگویند یا راهبه این پسر تست پیش منند
تو آمده است پس من شاد می شوم و شاد می شوند مومنانی که در حوالی
ازکفایۀ شعبی امیر المومنین عمر خطاب رضی الله عنه روزی بیرون
رفته بود و یاران برا ثرا و بودند زنی را دیدند که پسر ضعیفی را بر پشت خود
نشانده آمد امیر المومنین عمر آن زن را گفت از برای چه این مشقت می
بینی آن عورت گفت ای امیر المومنین بدانک این پسر پسر منست و مزاج
او جون مزاج بچگان خورد شده است هر جگاه چیزی آرزو میکند گاهی
طعام گاهی آب میخورد محتاجست به پرورش چنانک بچۀ خورد هر جگاه
که غایب میشوم میگرید و مرا میجوید پس از برای ضرورت هر جگاه
که میروم او را با خود می برم و از خود جدا نمیکنم تا هر ساعت که چیزی
خواهد من حاضر باشم امیر المومنین رضی الله عنه در تعجب شد و یاران را ندا
گفت که چه میگویید که این عورت تمام حق پدر را ادا کرده باشد یاران
گفتند بلی ادا کرده باشد امیر المومنین گفت من نیز میگویم که ادا کرده
باشد این عورت حق پدر و مادر را پس آن عورت گفت یا امیر غلط گفتی
من حق او را ادا نکرده ام بدرستی که پرورش او در حق من بهتر ازین بوده
زیرا که در آن وقت که من طفل بوده ام او مرا پرورده است و بحاجات من
قیام نموده و در مهیا داشتن اسباب رنج من کشیده و تمنا برده حیات
من و ناخوش بوده است بموت من اگرچه من خدمت میکنم اما مرگ او را

آرزو

آرزو می برم پس امیر المومنین گفت راست گفتی ای ضعیفۀ صالحه
مرویست که روزی رسول علیه السلام در گورستان بقیع میگذشتند
آوازی شنیدند که کسی در گورستان میگفت یا اُمّاهُ فَوقِی نارٌ وَتَحتِی
نارٌ وَیَمِینِی نارٌ وَیَسارِی نارٌ یعنی ای مادر من بدانک بالای من آتش
است و فرود من آتش است و بر دست راست من آتش است و بر دست
چپ من آتش است رسول علیه السلام گفتند ای مرد تو کیستی گفت یا
رسول الله من مردی ام از امت تو از انصاریان دوازده سالست که خدای تعالی
مرا بدین نوع عقوبت میکند گفتند سبب چیست آن مرد گفت نمیدانم
گفت مادر مرا طلب کنید و از وی سوال کنید مگر در ایام کودکی تقصیری
کرده باشم و من از آن بیخبر باشم رسول علیه السلام گفتند مادر تو کجاست
گفت در خانۀ امیر المومنین ابو بکر صدیق است رضی الله عنه دو سالست که
عایشۀ صدیقه را رضی الله عنها دایگی میکند و این ساعت سر مبارک او را شانه
میکند رسول علیه السلام گفتند مادر ترا چه نام است گفت جمیله پس رسول علیه
السلام از صحابه یک کس را فرمودند که برو و او را بخوان و بگوی که رسول ترا
می طلبد و اگر نی من برهم آن شخص میت گفت یا رسول الله شما از اینجا مروید
که از برکت قدم شما این ساعت مرا عذاب نمیکنند آن صحابه بخانۀ
امیر المومنین ابو بکر صدیق رفت و گفت برخیز که پسر ترا عذاب
میکنند گفت تا خدمت صدیقه را تمام نکنم نروم صد هزار فرزند فدای تار

موی صدیقه باد

چون خدمت را تمام کرد بخدمت مهتر عالم صلی الله علیه وسلم آمد رسول علیه السلام خود
احوال فرزندش را با او گفت دید که حضرت رسالت علیه السلام ردای مبارک
خود را بر قبر او پوشیده بود فریاد بر آورد و گفت یا رب من ازین پس خود
خوشنودم انچه سبب او را عقوبت میکنند هاتفی آواز داد که ای عورت
نمیدانی که چه جرم کرده است بعد از ان جبرئیل علیه السلام آمد و گفت یا محمد
حق تعالی میفرماید که این جوان در حق مادر خود عاصی شده است یکشب و آن
حال چنان بود که در ماه رمضان بوقت افطار قدحی آب بود میخواست
تا بخورد مادرش گفت بخور که هنوز بکاهست گفت فرمان صاحب
شرع چنین است که باید خورد ان بگفت و در حق مادر عاصی شد
آن ضعیفه گفت بار خدایا من از و عفو کردم حق تعالی فرمود که من بنیز
او را گذاشتم آورده اند که امیری بود در خراسان نام او نوح بن سامان
بعد از نقل او پسرش او را در خواب دید پدر را گفت ای امیر پدرش
گفت ای پسر ما را امیر مگوی که امیری ما هم رفت گناهان و خطاها ان
ماند اکنون ای پسر پند میدهم ترا هر جاه که گوشت خوری ما را با استخوا
و نان ریزه که در پیش کربه و سگ اندازی و بثواب آن تقصیر مکن که ما

مقدار چیزی

بدان محتاجیم از خیر المجالس آورده اند که رسول علیه السلام فرموده اندکه
لَا بُدَّ لَکُمْ مِنْ جَزَاءِ عَمَلِهِ یعنی چاره نیست مردم را از جزاء عمل ایشان
اگر عمل نیک کرده اند جزاء نیکی یابند و اگر عمل بد کرده جزا بدی یابند

بعد

بعد از ان خواجه قدس الله روحه العزیز فرمود که عورتی بخدمت ام المؤمنین
عایشه صدیقه رضی الله عنها آمد و گفت ای خاتون قیامت امشب
خواب دیده ام که محشر اکبر ظاهر شده است و من در راهی میروم در پیش
دورا هست من از جانب راست شدم پدر خود را دیدم بر لب جوی
ایستاده آب میخورد و خلق را آب میداد بهشتی شدم گفتم یا اَبَتِ
اَیْنَ اُمِّیْ یعنی ای پدر من مادر من کجا ست گفت مادر تو نزدیک من
نرسیده است از پیش پدر بیرون آمدم و راه دست چپ گرفتم مادر
خود را دیدم بر لب حوضی ایستاده و فریاد میکند که واعطشاه من در
پیش او رفتم و گفتم ای مادر حوضی چنین در پیش تست چرا آب نمی
خوری گفت چکنم که دست نمیرسد من قدری آب بر گرفتم و در حلق
مادر خود ریختم آوازی شنیدم که تَبَّتْ یَدُ مَنْ سَقِیَتْ یعنی خشک شده
باد دست کسی که این زن را آب داد چون بیدار شدم دست من خشک شده
بود عایشه رضی الله عنها خواب آن عورت را پیش رسول علیه السلام تقریر کرد
حضرت رسالت صلی الله علیه وسلم مر عایشه را فرمودند که بپرس ازین عورت
که پدر تو چگونه مردی بود و مادر تو چگونه عورتی بود آن ضعیفه گفت پدر
من مردی صالح بود خیرات و صدقات بسیار کردی اما مادرم بر عکس او
بود بخیلی ورزیدی و هیچ صدقه ندادی عایشه این سخن رسول را علیه
السلام خبر کرد رسول علیه السلام این حدیث را فرمودند که لَا بُدَّ لَکُمْ مِنْ جَزَاءِ

عَمَلِهِ

ایضاً انس ابن مالک رضی الله عنه گفت در عهد پیغامبر ما صلی الله علیه وسلم
جوانی بود او را علقمه گفتندی حریص بود بر طاعتها و بغایت سخی بود وقتی
بیمار شد سخت خاتون ابن علقمه بخدمت پیغامبر صلی الله علیه وسلم آمد
و گفت یا رسول الله علقمه در حالت نزع است پیغامبر علیه السلام امیر
المؤمنین عثمان را و سلمان فارسی و بلال را رضی الله عنهم بسوی علقمه
فرستادند یاران رفتند علقمه را دیدند حال دیگرگون شده گفتند یا علقمه
بگوی اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً عبده و رسوله لا
اله الا الله محمد رسول الله هیچ زبانش کار نکرد بلال رضی الله عنه پیش
رسول علیه السلام آمد و رسول را علیه السلام از حال او خبر کرد رسول
علیه السلام فرمودند که مادر و پدر او زنده هست گفتند یا رسول الله زنده
بلال را گفتند یا بلال برو سوی مادر او و از من سلام رسان و بگوی که
اگر توانی بحضرت رسول علیه السلام حاضر شو و اگر نتوانی همانجا باش
تا رسول علیه السلام نزدیک تو آید بلال رفت و خبر کرد مادر علقمه گفت
هزار جان من فدای قدم مبارک رسول باد من بروم عصا بر دست گرفت
و آمد نزدیک سید عالم علیه السلام سلام کرد و بنشست پیغامبر صلی الله
علیه وسلم گفت یا مادر علقمه راست گوی که حال او با تو چون بوده است
پیره زن گفت یا رسول الله علقمه مردی نماز گزار و روزه دار بود و صدقه
را نیکو دادی لیکن من با وی خشم بودم چرا که او زن خود را بر من گزیده بود

وهرچه

وهرچه آن زن گفتی آن کردی و هرچه من فرمودمی نکردی پس رسول
علیه السلام فرمودند بسبب اینست که لسان او از شهادت گفتن در
حالت نزع فرو مانده است پیغامبر علیه السلام بلال را فرمودند که برو
و هیزم جمع کن و آتش بیافروز تا او را بسوزم مادرش گفت یا پیغامبر
ای برگزیده عالمیان او فرزند و میوه دل منست تو او را بسوزی دل
بیچاره من بسوزد پیغامبر علیه السلام گفتند یا مادر علقمه بدانک
عذاب آن جهان بصد مرتبه سخت تر از عذاب این جهانست اگر
خواهی که خدای تعالی جمیع کردارهای بد وی را از وی درگذرد و او را
بیامرزد تو از وی خوشنود شو بدان خدایی که جان من بامر اوست که
نماز و روزه هیچ سود ندارد تا تو از وی خوشنود نشوی پس آنگاه
مادر او دست برداشت و گفت یا رب من تو خداوند بر حقی گواه باش که
من از علقمه خوشنود شدم پس پیغامبر علیه السلام گفتند یا بلال سوی
علقمه رو و بنگر تا حالش چگونه است بلال نزدیک او آمد آوازی شنید که
از سر صدق میگفت لا اله الا الله محمد رسول پس علقمه در حال فرمان
یافت رسول علیه السلام آمدند و فرمودند تا او را بشستند و کفن
کردند و بر وی نماز کردند و بخاک دفن کردند رسول علیه السلام بر سر
قبر او بایستادند و گفتند یا جماعت مسلمانان هر که زن را بر مادر و پدر
خود گزیند بعذاب خدای تعالی گرفتار شود نه فریضها را از وی قبول

کنند

في تطوع را وحق سبحانه وتعالی در کلام مجید خود فرموده است ان اشکر لی
ولوالدیک شکر کنا رمرا ومر مادر و پدر خود را فرمان بری کن شکر گزاردن
حق تعالی آنست که در شبانروزی پنج بار نماز گزاری وشکر گزاری مادر
وپدر آنست که در شبانروزی پنج بار دعا کنی علما گفته اند که پدر را بر فرزند
ده حق است یکی آنست که چون او را طعام باید طعام دهد دوم آنک
در پیش پدر کاری بی ادب وان نکند سیوم آنک چون او را بخواند اجابت
کند وزود حاضر شود چهارم آنک هرجا که محتاج شود خدمت
خدمتش کند پنجم آنک با او سخن را نرم گوید چون کاری فرمایدش
زود کند مگر معصیتی فرمایدش در انجا تاخیر کند ششم آنک با او
مواسا کند و دوجوی پیش آرد هفتم آنک پدر را بنام نخواند هشتم آنک
در پس او چون بنده کان درم خریده رود نهم آنچه خود را بپسندد پدر را
همان بپسندد دهم آنک پدر را دعای نیک کند چنانک خود را دعا کند
علما گفته اند اگر مادر و پدر کسی مرده باشد خوشنود کردن ایشان بعد
از مرگ بسه چیز بود یکی آنک فرزند بنفس خود صالح بود زیرا که هیچ
چیز بسوی پدر و مادر بهتر از نیکمردی نباشد دوم آنک با خویشان مادر
و پدر پیوند دهد و دوستان او را عزت دارد وان برای ایشان صدقه دهد
آورده اند که سهل یمانی رحمة الله علیه روزی از مادر خود پرسید که
ای مادر هیچ آرزو داری از دنیا گفت ای پسر آرزوی حج بیت الله دارم

شیخ

شیخ گفت ای مادر والله که با حیله بید انکنم برای تو مگر پشت و گردن خود را
چنانک تو در شکم مرا بر داشته و بار من کشیده با وجود ضعیفی و بی قوتی
پس مادرش را برگرفت و بر گردن خود نشاند و بسوی حج روان شد
بعد از چهار سال بخانه کعبه رسید حج گزارد و آستان کعبه را گرفت و گفت
یا رب بار مادر کشیدم و از مکان بعید بدین مکان قریب آوردم
و بمشقت شدید مدتی مدید بایست تا در خانه کعبه رسانیدم نمی
دانم که حق مادر را گزارده ام یا نی چون شب در آمد بخواب دید که او را
گفتند بدان بدرستی که تو ادا نکرده از حق مادر مگر آن مقدار که مادر تو
از گنار خود ترا از پهلو بپهلو گردانیده است فصل سیوم در
حسن خلق مرویست از امیر المومنین علی رضی الله عنه که رسول
علیه السلام فرموده اند بر شما باد بحسن خلق بدرستی که مرد نیک خلق
در بهشت باشد لا محاله و بر شما باد که پرهیز کنید از خلق بد بدرستی که
بدخلق در دوزخ باشد از فواید الفواد خواجه رحمه الله فرموده اند که
معامله خلق با خلق بر سه قسم است اول آنک از ین کس منفعت بدیگری
رسد نه مضرت ورنج و قسم دوم آنست که اگر منفعت نتواند رسانیدن
باری مضرت هم نرساند این قسم بهترست از اول قسم سیوم از ین
بهترست وآن آنست که اگر این کس را مضرت رسانید او مکافات
نکند و تحمل کند از کار صدیقانست در فتاوی کبری آورده است که

لا بأس است که

غلام برانند مولی رود و مولی سوار باشد اگر غلام را طاقت راه رفتن باشد
و اگر نباشد مکروه است **مرویست که** امیر المؤمنین عثمان رضی الله
عنه نزدیک رسول علیه السلام سوار آمد رسول را خوش نیامد فرمود
که چرا چنین کردی که غلام را طاقت نبود **از کفایهٔ شعبی** از امیر المؤمنین
عمر رضی الله عنه پرسیده شد که نیکوکار کیست گفت آنک خوشنود باشند
از واهل او و دیگر آنک همسایگان راضی باشند از نعمت او و خویشاوندان
شاکر باشند از قرابت او و یاران شاد باشند از صحبت او **مرویست که**
در وقت امیر المؤمنین عمر رضی الله عنه کنده پیری بود ضعیف از
کار فرو مانده هیچکس نداشت امیر المؤمنین هر شبی در کلبهٔ او
آمدی و در خانهٔ او را جاروب زدی و آب آوردی و از برای او دست شستی
کشیدی و آنچه حاجت او بودی مهیا کردی یکشبی عمر رضی الله عنه
برسم قدیم آمد و در بزد کنده پیر گفت تو کیستی گفت منم عمر گفت
کجا آمدی گفت آمده ام تا کاری و حاجتی که باشد کفایت کنم گفت
پیش از تو پیری آمد و همه کارها را مهیا کرد و رفت عمر رضی الله
عنه بازگشت و رفت شب دیگر بتعجیل آمد از کنده پیر همین
جواب شنید بازگشت چند شب متواتر امیر می آمد همین
جواب می شنید که پیری پیش از تو می آید و حاجتی که باشد تمام
میکند و میرود امیر المؤمنین عمر رضی الله عنه در تعجب شد که این

پیر

پیر که خواهد بود که هر کرت می آید یکشبی عمر رضی الله عنه کمین کرد تا در باید
که آن پیر چه کس است نگاه کرد دید که امیر المؤمنین ابو بکر صدیق
بود رضی الله عنه آمد و گفت یا صدیق اکبر من چند بن تأسف
میخوردم بدین دولت که تو یافتی که مسابقت میکردی در خیرات
آورده اند که سلطان بایزید بسطامی قدس الله روحه العزیز بشهر همدان
رفته بود از بقال او را زحمت واقع شد جهت تداوی تخم معصفر بها
خرید پارهٔ از آن بخورد و آنچه ماند در گوشهٔ فوطه بست و بشهر بسطام
آمد چون بخانه رسید آنرا کشاد در میان آن تخمها یک مورچه یافت
گفت این مورچه اینجا غریب است نیک نباشد از وطن خود او را دور
گردانیدن باز همدان رفتم آنگاه سفر کرد و بهمدان آمد از برای
یک مورچهٔ ضعیف **از تفسیر مغنی** رسول علیه السلام فرمودند که لعنت کند
خدای تعالی درماندگان را سه کرت از چنین فرمودند گفتند یا رسول الله
درماندگان کیانند گفتند آنکسانی که بندگان خدای را از لطف و رحمت
او نومید کرده اند **باب دوازدهم در شکر از خالصة الحقایق**
ابن عباس رضی الله عنهما گفت که رسول صلی الله علیه و سلم فرمودند که
سه چیز در هر که باشد خدای تعالی او را در پناه خود جای دهد و نثار کند
بروی رحمت خود را و راه دهد او را در محبت خود گفتند یا رسول الله آن
سه چیز کدام است فرمودند که یکی آنک چون مرد را چیزی داده شود شکر آنرا

گذارد

وچون بر کسی قادر شود از وی عفو کند و چون خشمگین شود تحمل کند و خشم
را فرو خورد مرویست که پیغامبر علیه السلام فرمود نه هر نعمتی را که شکر
کرده نشود گناهیست که آمرزیده نشود در خبرست که داود پیغامبر
صلوات الله علیه گفت که الهی چگونه شکر گویم ترا و شکر گفتن من نعمتی است
از حضرت تو مرا یعنی توفیق شکر گفتن تو داده و این نعمتی عظیم است
پس وحی کرد خدای تعالی سوی او و گفت یا داود اکنون که تو خود را مقصر
دیدی تو مرا شکر گفتی مرویست که چون نوح پیغامبر علیه السلام چیزی
خوردی گفتی الحمد لله و چون از خواب بیدار شدی گفتی الحمد لله و چون
جامه پوشیدی گفتی الحمد لله پس خواند خدای تعالی او را عبداً شکورا
اما بروایتی آمده است که این دعا را خواندی که الحمد لله الذی جعل لنا
اهلا لحمد ما یوکل و لا کل ما یحمد فرب آکل لم یحمد و رب حامد
لم یاکل پس خداوند عز و جل خواند او را عبداً شکورا آورده اند که مردی
بود نابینا روزی از خانه بیرون آمد و گفت اگرچه چشم ندارم و لی
هر دو دست و هر دو پای من سلامتست بروم و در مسجد نماز گزارم
و شکر دست و پای خود ادا کنم چون از مسجد بخانه آمد و شب بخفت
بوقت سحر بیدار شد خود را دید که هر دو چشم او بینا شده است گفت
نیکو پروردگاریست خدای من که چون شکر کردم او را جزا داد مرا بشکر من
حکیمی گفته است هر که در دیگ طعامی پزد و گمان او اینچنین باشد که این یک نعمت است

خطا کرده است بدرستی که آب نعمتی است و نمک نعمتی است و لذت که در خوردن است
نعمتیست مرویست که مردی آمد بخدمت موسی کلیم صلوات الله علیه
و گفت یا نبی الله دعا کن تا روزی کند مرا خدای تعالی نعمتهای دنیا و آخرتی
موسی علیه السلام دعا کرد فرمان آمد که یا موسی روزی کرده ام او را نعمتهای
بسیار اما او نمیداند بدرستی که داده ام او را عیال موافق و تن او را در صحت
داشته ام و دل او را از غمها فارغ گردانیده ام او شکر نعمت من نمیداند
آورده اند که عورتی بود عابده صایم الدهر حمزة بن محمد بلخی و حاتم اصم رحمهما الله
بزیارت او رفتند چون نزد وی در آمدند سلام کردند چون آن ضعیفه
جواب سلام گفت نوری از دهان وی مثل شعاع آفتاب ظاهر شد ایشان
ازین حال در تعجب شدند گفتند ای مستوره از شغلها چه داری گفت دو شکر و دو
یقین و دو خوف گفتند اینها را بیان کن گفت از دو شکر یکی آنکه خدای تعالی
اسلام عطا کرد در سابق علم خود و دوم اینکه اختیار کرد مرا از جمیع امت
و از امت محمد صلی الله علیه و سلم گردانید دیگر از دو یقین یکی یقین این که
مؤمنه ام درین شکی نیست و دوم یقین این که خدای تعالی وعده کرده است
جنت مر مؤمنین و مؤمنات را و من بدان گرویده و یقین درست دارم
و از دو خوف یکی آنکه آنچه گذشته است از گناهان از من تجاوز کنند یا نی و
دوم خوف عاقبت و خاتمت دارم و خوف بقاء ایمان که با من باشد یا نه
گفتند خوشا مر ترا که حال تو بهترست از حال عابدان این زمانه در خبرست که

رسول علیه السلام فرموده اند که جاهلان امت من شکر گویند بر توحید و معرفت که
عطا کرده است خدای تعالی ایشانرا از برای رزق شکر نگویند و گویند رزق
کافرانرا نیز میدهد این چنین گفتن خطای محض است لیکن چنین
باید که گوید پروردگار ما برگزید ما را از جمیع مخلوقات با ایمان و معرفت
از خیر المجالس خواجه رحمة الله علیه حکایت فرموده اند که کوهی است
در زمین شام که آن کوه را بنام لکام گویند و درویشی دران کوه بودی
دست و پای مجروح و جمیع اعضاء او آماس کرفته و مگسان بروی
غلبه کرده و آن درویش را قوت و طاقت آن نبود که مگسانرا راند
اما یک زمان زبان او از ذکر حق تعالی خالی نبود همین میگفت الله
الله بزرگی نزدیک او رفت و گفت ای درویش این چه حالت است
گفت شکر مر خدایرا عز و جل آنکس گفتش که ای درویش بر کدام
نعمت شکر میگوئی اگر صحت تن است نداری و اگر مراد دست نداری
اعضا همه مجروح و با جفاء مگسان درمانده گفت ای شیخ بدانک بر
ایمان شکر میگویم نعمت ایمان نعمتی است که اگر هر موی من هزار
زبان شود شکر نعمت ایمانرا نتوانم گفت بعد ازان فرمود که بهشت
بواسطه ایمان خواهد بود و رویت حق تعالی بواسطه ایمان خواهد بود
از تفسیر منیر قال الله تعالی وَقَلِيلٌ مِنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ خداوند
عز و جل در کلام مجید خود میفرماید که اندکی اند از بنده کان من که شکر

نعمتهای مرا گویند اما داود و سلیمان علیهما السلام از جمله شاکران
بودند که خود نان جوین خوردندی و مردمانرا نان گندم دادندی و یتیمان
و بیوه کانرا نوا ختندی **آورده اند که** شیخ جنید قدس الله سره العزیز
هفت ساله بود و شیخ سری سقطی رحمة الله علیه خال او بود جنید
را با خویشتن بحج برده در مسجد حرام سخن در مسئله شکر میرفت در
میان چهارصد پیر در شرح و بیان شکر مباحثه رفت خال جنید
روی سوی جنید کرد و گفت ای پسر تو نیز چیزی بگوی جنید
ساعتی سر در پیش افکند بعد ازان سر بر آورد و گفت الشکر
أَنْ لَا تَعْصِيَ اللّٰهَ بِنِعَمِهِ گفت شکر آنست که آنچه خدای تعالی ترا داده است
از نعمت در وی عاصی نشوی و نعمت او را سرمایه معصیت نسازی
چون جنید قدس الله سره این جواب داد چهارصد پیر نعره بر آوردند
احسنت یا قرة العین نیکو گفتی **از تنبیه** فقیه ابو اللیث رحمة الله
علیه روایت کرد سعید بن جبیر رضی الله عنه از عبد الله عباس
رضی الله عنهما و او روایت کرد از پیغامبر علیه السلام که چنین فرمودند
که اول گروه را که ببهشت خوانند شاکران باشند یعنی آنان که در غم
و شادی مر خدای را عز و جل شکر گویند پس واجبست بر بنده کان
که بهمه حال خدای عز و جل را شکر گویند بدانچه بایشان رسد از بلا
و محنت و باید که مومن اقتدا به پیغامبران کند خاصه به پیغامبر ما
صلی الله علیه وسلم

که صبر کردند بر آزار کافران **ایضاً** اسماء بنت یزید گفت چون حق تعالی
خلق اولین و آخرین را جمع کند در محشر اکبر منادی ندا کند که چنانک
همه خلق بشنوند گوید بدانید که امروز اهل نواخت و عطا کیانند
گوید برخیزید آنکسانی که پهلو را از بستر خواب برداشته اید و نماز
گزارده اید پس برخیزند آنکسان بعد ازان کرت دیگر باز ندا کنند که
برخیزید آنکسانی که دنیا شما را مشغول نگردانید و باز نداشت از ذکر
خدای تعالی پس برخیزند ایشان کرت سیوم باز ندا براید که برخیزید
آنکسانی که در دنیا مر خدای تعالی را شکر کردید در نهان و آشکارا ایشان
نیز برخیزند پس حق تعالی خطاب کند این سه گروه را بهشت برند
آنگاه با همه خلق حساب کنند **رسول** علیه السلام گفتند هر کرا دو
خصلت بود او نزدیک خدای تعالی از شاکران بود و از صابران اول
آنک بسبب دین مسلمانی شکر گوید دوم آنک هر که در کار دین بزرگتر
بود از وی پس این بنده او را عزت دارد **فقیه** رحمة الله علیه گوید
که تمامی شکر در سه چیزست اول آنست که چون کسی ترا چیزی دهد
بنگری که آن چه شخص بود که ترا چیزی داد شکر کنی مران منعم را
دوم آنچ رسد از بلا و رنج رضا دهی تا منفعت آن بتو رسد سیوم
آنک نیکو تا حمل کنی تا در وی عاصی نشوی **باب سیزدهم**
در صبر و رضا از کفایه شعبی آورده اند که یکی مردی بود از صلحا

که

که سه روز طعام نیافت طاقتش طاق شد قصد کرد و رفت بر دری
از درهای اغنیا تا طعام سوال کند چون نزدیک رسید سگی بروی
بانگ زد آن مرد گفت او را که بانگ مکن اگر چیزی حاصل شود حیات
من و تو شریکی باشد سگ خاموش شد و دم زد آن درویش
سوالی کرد از درون خانه یکتا نانی آوردند و بدرویش دادند
سایل نیمه نانرا به پیش سگ نهاد و نیمه نانرا برای خود باز داشت
تا آنرا خورد هاتفی آواز داد که ای ناجوانمرد شرم نداری که سه
روز گرسنه بودی نتوانستی بکس سنگی صبر کردن و این سگ
ده روز باز گرسنه هست و صبر میکند و بر در غیری نمیرود و نمی
نالد **از تفسیر مغنی** در حدیث آمده هست که نصب کند خدای تعالی
میزانرا در قیامت بیارند اهل نماز را و بدهند اجر ایشانرا
بوزن و بعد ازان بیارند اهل بلا را پس نصب کرده شود از برای
ایشان میزانی و داده شود مر ایشانرا اجری بی حساب تا آرزو
برند اهل دنیا ای کاشکی تن ما را بمقراض می بریدندی و ما از
اهل بلا می بودیم تا امروز باین کرامتها مشرف میشدیم **مرویست که**
وزیری بود مر عیسی را علیه السلام او را درنده خورد عیسی گفت
یا رب برگماشتی بر وزیر من سگی را تا او را بخورد خدای تعالی وحی کرد
بسوی عیسی که یا عیسی بدانک او را نزدیک ما منزلتی و درجه رفیع بود

اما او کار را بعمل نمیرسانید پس مبتلا کردم او را بدان درد تا برسد
بمنزلت خود **از تفسیر مغنی** رسول علیه السلام فرمودند بلا رسیدن که
خدای تعالی دفع میکند بلا را از تارک نماز بسبب نماز گزارنده و بسبب
صایم دفع میکند بلا را از غیر صایم و از برکت زکوة دهنده دفع میکند
بلا را از زکوة نادهنده و از برکت غازی دفع میکند بلا را از غیر غازی
و از برکت حاجی دفع میکند بلا را از غیر حاجی همچنین از بنده که
عمل صالح میکند دفع میکند بلا را از بدان و فاسقان و اگر همه اتفاق
کنند بر ترک کردن خیرها و عملها خدای تعالی ایشانرا مهلت ندهد تا
چشم بر هم زنند **از تفسیر منیر** در خبر است که صبر بر سه نوع است
یکی در وقت مصیبت دوم در گزاردن طاعت سیوم در معصیت هر که
در مصیبت صبر کند از جزع و فزع و جامه دریدن و موی کندن و
دست بر روی زدن خدای تعالی او را سیصد درجه در بهشت دهد
از هر درجه تا درجه مقدار آسمان تا زمین و هر که در گزاردن طاعتها
صبر کند از ریا و عجب احتراز نماید و التفات بغیر نکند و از خیال دیدن
تن و جامه راست کردن اجتناب نماید و روزه دار از لهو و لعب
و غیبت و دروغ و از حرام نگاه دارد و طاعتهای دیگر را بر همین قیاس
عمل کند خدای تعالی این بنده را درجه از عرش تا ثری بدهد و هر که
صبر کند از معصیت کردن از زنا و خمر و از ربوا خوردن و سخن چینی کردن

و امثال

و امثال اینها خدای تعالی این بنده را ششصد درجه از عرش تا ثری دهد
در جامع الفقه آورده است که مشایخ بخارا رحمهم الله گفته اند که تعزیت
حاضر سه روز است و تعزیت غایب یکروز **در ترغیب الصلوة**
و در کافی هم آورده است که بر مردان حداد واجب نیست یعنی سوک
داشتن زیرا که حداد واجب نشده است مگر تبعا للعدة و عدت
بر زنانست نه بر مردان **شیخ حسن بصری** رحمة الله علیه گفت یوسف
صدیق را صلوات الله علیه وحی آمد در چاه آن روز که او هفت ساله
بود و از پدر هشتاد ساعت غایب شد و از بعد آنکه پدر را در یافت
و جمال مبارک او را دید بیست و سه سال دیگر بزیست جبرئیل علیه السلام
نزدیک یوسف پیغامبر صلوات الله علیه در زندان رسید یوسف
پرسید که یا جبرئیل خبر پدر بزرگوار من یعقوب نبی چه داری گفت
چندان غم دارد از برای تو که صد مادر فرزند از دست داده را
نباشد اما حق تعالی بسبب آنکه صبر کرد در آن فراق جانسوز تن
گداز او را ثواب صد شهید داده است باین قصه دلیل است که اگر
کسی برای عزیزی که از جهان رفته باشد یا غایب باشد غم
خورد یا بگرید بی صبری نباشد ~~اما حق تعالی بسبب آنکه~~ بی
صبری آن باشد که بدل از خدای تعالی ناپسند باشد و بزبان
شکایت کند و فریاد و جزع کند **از تنبیه فقیه** ابو اللیث رحمة الله
علیه

روایت میکنند عبد الله حارث از عبد الله مسعود رضی الله عنهما که انبیا
علیهم السلام در حضرت عزت نالیدند و گفتند الهی و پروردگارا بندهٔ
مؤمن ترا طاعت دارد و از معاصی باز ایستد تو دنیا را از وی باز داری
و بلا را بر وی گماری و با بندهٔ کافر ترا طاعت ندارد بر معاصی دلیری
کند تو بلا را از وی باز داری و دنیا را بر وی گسترانی ایزد تعالی وحی کرد
و گفت بلا مراست و بنده مراست و همه مرا بوجه نیت شناخت
مؤمن گناه دارد دنیا را از وی باز دارم و بلا را بر وی گمارم تا گناهان
گناهان وی شود چون نزدیک من آید بیگناه آید آنگاه نیکیهای
وی را ثواب دهم یعنی بهشت اما کافر از دنیاست درهای روزی
بر وی گشایم و بلا را از وی دور دارم تا جزای نیکیهای او کرده در
دنیا چون پیش من آید بدیهای او را جزا دهم یعنی دوزخ **روایت**
کنند از رسول صلی الله علیه وسلم که فرمودند که چون یکی از شما را
بند نعلین بگسلد گوید انا لله و انا الیه راجعون از برای آنکه این هم
از مصیبتهاست **درخبرست که** موسی کلیم صلوات الله علیه مناجات
کرد و گفت الهی چه مزد و ثواب باشد آنکس را که بیماری را پرسد فرمان
آمد که هر که بیماری را پرسد او را همچنان از گناه بیرون آرم که گویا
آن روز از مادر زاده است پس گفت یا رب چه مزد و ثواب باشد
آنکس را که از پس جنازه رود فرمان آمد که فرشتگان فرستم

در وقتی

در وقتی که این بنده از جهان بیرون رود تا بر سر قبر او روند و او را
تا قیامت آمرزش خواهند گفت یا رب چه مزد و ثواب باشد مر
تعزیت رساننده را بر آن کسی که مصیبت رسیده باشد فرمان آمد که
سایهٔ عرش مر ویرا باشد **مرویست که** سلیمان پیغامبر را صلوات
الله علیه پسری در گذشت سلیمان علیه السلام سخت تنگ دل شد حق
تعالی دو فرشته را امر کرد تا بصورت آدمیان پیش سلیمان علیه
السلام آمدند بر مثال دو خصم بر یکدیگر دعوی کردند یکی از آن
دو کس گفت که بر زمینی تخم افکنده بودم هنوز آن کشت نا رسیده
بود که آن مرد بدین زمین گذشت و غله را تباه کرد دیگری گفت
تخم بر راه افکنده بودی ندانستی که مردم را از راه رفتن چاره نیست
سلیمان علیه السلام چون این سخن شنید جزع نکرد و صبر کرد
مرویست از ابن مبارک رحمة الله علیه که گفت مصیبت یکی است
چون جزع کردی دو گردد یکی خود نفس مصیبت است و دیگر آن
دست دادن ثواب است و این مصیبت بزرگتر از مصیبت اول
مرویست که در بعضی کتب منزل نوشته شده است شش خط
اول نوشته است که هر که بامداد برخیزد و بر دنیا حریص بود
خدای تعالی بر وی بخشم و غضب بود و خط دوم نوشته است که هر کرا
مصیبتی رسد و گله کند چنان باشد که از خدای تعالی گله کرده باشد

وخط سیوم نوشته است هرکه باک ندارد و نترسد از گناه مهرحیم باید کند
خدای تعالی ویرا در آتش اندازد واوی کوید هیچ سود ندارد وخط چهارم
نوشته است که هرکرا بیشتر قصد وی شهوت بود خدای تعالی ترس و
خوف از دل وی ببرد واو دلیر شود بر معاصی وخط پنجم نوشته است
که هرکه معصیت بسیار کند واز خدای تعالی شرم ندارد خدای تعالی
اورا عتاب کند وخط ششم نوشته است که هرکه کافر را تواضع کند
از برای مال وی چون بامداد برخیزد بفقر و فاقه مبتلا گردد و برکت
در کسب و روزکار خود نیابد نعوذ بالله منها

باب چهاردهم

در مناجات و دعا و اوقات استجابت دعا و این باب مشتمل است بر هفت
فصل چند کود

فصل اول در مناجات

از خالصة الحقایق رسول علیه السلام فرموده اند بدرستی که خدای تعالی را فرشته
موکل بدعاها پس هرکه کوید مرا و را که دعاء مرا واسطه شو کوید بدرستی که
خدای تعالی ارحم الراحمین است واو بتو نزدیک ترست پس بخواه از وی

درخبرست که پیغامبری از پیغامبران مرکبی داشت شخصی آنرا
دزدید آن پیغامبر کفت الهی من پیغامبر توام مرکب مرا دزد ید بر
اطلاع ده مرا بر آنکس که دزدیده است خطاب رب الارباب در رسید که
ای پیغامبر زمانه او از من میخواهد که او را بر تو مستر کنم من روا
ندارم که او فضیحت شود من سوال ترا اینچنین رد نکنم بکیر مرکبی دیکر

آورده اند که چون شیخ جنید رحمة الله علیه این آیت را خواندی که فنادی
فِي الظُّلُمٰتِ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّيْ كُنْتُ مِنَ الظّٰلِمِيْنَ کفتی
الهی یونس پیغامبر علیه السلام دعا کرد در درکاه تو او را اجابت کردی
و از تاریکی شکم ماهی نجات بخشیدی و من این دعا را میکویم برآمرزیدن
کناهان خود پس دعای مرا اجابت کن و چون این آیت را بخواندی
که رَبِّ اَرِنِيْ كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتٰى کفتی الهی ابراهیم خلیل صلوات
الرحمن علیه از تو خواست زنده کردن مرده تو دعای او را اجابت
کردی و من میخواهم از تو زنده کردن دل پس زنده کردان دل مرا

درخبرست که موسی کلیم صلوات الله علیه چون از فرعون کریخت
آمد بسوی مدین پس او را از شکستکی احوال خود کریه آمد مناجات
کرد در حضرت عزت و کفت بار خدایا من غریبم و مریضم و من فقیرم
خطاب مستطاب رب الارباب در رسید که یا موسی کفتی که غریبم
غریب کسی باشد که نباشد میان من و میان او آشنایی و دیکر کفتی
که مریضم مریض کسی است که نباشد او را طبیبی مثل من و دیکر کفتی که
فقیرم فقیر کسی است که نباشد او را پادشاهی مثل من

مناجات منظومه

این مناجات ابونواس شاعرست خواجه اسحاق بن همام
میکوید که من او را بخواب دیدم بعد از موت او هم در شب اول احوال
او بغایت نیکو بود پرسیدم که ای ابونواس این درجه را بکدام وسیلت

گفت بابیات گفتم آن ابیات کدام است گفت در رقعهٔ نوشته ام و در زیر
بالین خود گذاشته چون بیدار شدم بامداد بخانهٔ او رفتم و این حال را
با پسر او گفتم او مرا درون برد و از زیر بالین او همین رقعه را بخط ابو
نواس بیرون آورد و بمن داد چنانک او نشان داده بود و در وی
این ابیات نوشته بود **مناجات ابیست** یا رب ان عظمت ذنوبی
کثیرة ٥ فلقد علمت بان عفوک اعظم ٥ ان کان لا یرجوک الا
محسن ٥ فمن ذا الذی یرجوا ویدعوا المجرم ٥ مالی الیک وسیلة الا
الرجا وجمیل ظنی ثم انی مسلم ٥ ادعوا الیک کما امرت تضرعا ٥
فاذا رددت یدی فمن ذا یرحم ٥ **مناجات رسول** صلی الله علیه
وسلم الهی بحرمت طه ومن تلاها وبحرمت یس ومن قراها و
بحرمت مکة ومن بناها وبحرمت العصر ومن صلاها بلغ نفسی
الی مناها **از کفایهٔ شعبی** موسی کلیم صلوات الله علیه مناجات کرد و گفت
یا رب من بندهٔ ضعیف و تو پروردگار لطیف چون ترا میخوانم لبیک
عبدی اجابت میکنی پس حق تعالی فرمود که یا موسی بدرستی که
من سوگند یاد کرده ام هر که مرا باخلاص خواند اجابت کنم او را
لبیک عبدی والله الهادی **فصل دوم در فضیلت دعا**
از خالصة الحقایق علما گفته اند باید که مؤمن هیچ وجه دعا را
ترک نکند و از دعا کردن روی نگرداند که دعا در نفس خود عبادت است

چنانک در خبر است که الدعاء مخ العبادة **علما** گفته اند هر که چهار چیز را ترک
کند چهار چیز را از وی باز گیرند هر که زکوة را ترک کند خدای تعالی برکت و نگاه
داشت مال را از وی باز گیرد و هر که صدقه را ترک کند خدای تعالی شفاعت
محمد مصطفی را صلی الله علیه وسلم از وی باز گیرد و هر که در قرآن خواندن
اخلاص را ترک گیرد حق تعالی در وقت مردن ایمان از وی باز گیرد و هر که
بندگی حق عز وجل را ترک گیرد خدای تعالی رحمت خود را از وی باز گیرد
رسول علیه السلام فرموده اند که دعا کننده و آمین گوینده هر دو در اجر
و ثواب شریکند و دیگر آنک قرآن میخواند و آنک می شنود در اجر
و ثواب شریکند و دیگر استاد و شاگرد در علم گفتن و شنیدن
در اجر و ثواب شریکند **از تفسیر مغنی** پیغامبر علیه السلام فرموده اند
هر که دعا نکند و بی نیازی نماید خدای تعالی او را دشمن دارد **از
حقایق** اگر دعا کننده سزای استجابت دعا باشد از سه چیز بیرون
نماند یکی آنک چون تضرع و زاری کند حق تعالی ثواب آنرا نویسد و در
ترازوی اعمال او نهد دوم آنک اگر حق تعالی مستجاب نکند باری می شنود
تضرع و زاری کردن او را هر که رحمت او را بسیار گوید آخر با گاه عنایت
رسد و باز کند چنانک رسول علیه السلام فرموده اند قال النبی علیه
السلام من طلب شیئا وجد وجد ومن قرع بابا ولج ولج صدق
رسول الله سیوم بدعا کردن شرم این دعا کننده زیادت شود و معصیت

زیراکه هرکه از کسی طمع نیکویی کند پیش آید که در وی معاصی شود امّا بدانک حق
سبحانه و تعالی بدعا کردن توفیق ندهد تا نخست پذیرفتن توبه را تقدیر
نکرده باشد در تفسیر خانی آورده است که اگر کسی دعا میکند و دل او بدعا
حاضر نباشد پس دعا ناکردن او از آن دعا کردن بهتر باشد از تفسیر مغنی
پیغامبر علیه السلام فرموده‌اند هرکرا حق تعالی شکر گفتن روزی میکند
او را از اجابت دعا محروم نکند آمین یا رب العالمین فصل
سیوم در آداب دعا از فواید الفؤاد سخن در دعا افتاده بود خواجه
علیه الرحمه فرموده‌اند که بنده در وقت دعا می باید که هر گناهی که کرده باشد
پیش خاطر نیارد و نه هیچ طاعتی زیراکه اگر طاعت را در پیش دل آرد
آن عجب باشد و دعا مستجاب نشود و اگر معصیت را در پیش دل آرد در
اتقاء دعا شیئی آورده باشد پس در وقت دعا نظر خاص برحمت حق تعالی
می باید داشت و متوقع باید بودن که البته این دعا مستجاب است انشاء الله
تعالی والله الهادی از خالصة الحقایق رسول علیه السلام فرموده‌اند که
چون سوال کنید کفهای هر دو دست را کشاده دارید و چون فارغ شوید
از دعا هر دو دست را بر روی فرود آرید در حقایق از آداب دعا بیان کرده
است اینست چون دست بدعا برداشته باشی در آن زمان هوش بخود داری
و چپ و راست ننگری و یاد غیر حق در دل نگذرانی و کار بیهوده در دل
نیندیشی و بدست بازی نکنی و جای دیگر نظر نکنی و چشم در پیش داری

وهردو

بوقت

و هر دو دست را برهنه داری و آواز بلند نکنی و به آواز پست زاری کنی که
دعا بآواز بلند برداشتن مصیبت است و در دعا الحاح کنی و تضرع و زاری بسیار
حضرتی را
کنی که خدای تعالی زاری کردن را دوست میدارد پس ای بنده تو کجا یابی
دوست میداری بی طلب کردن و جدّ و جهد بسیار کردن در خبرست که
هرکه این دعا را پیوسته بخواند خدای تعالی او را در دنیا در عافیت دارد و در گور
عنایت کند و همچنان برحمت خود در بهشت برد و این در قرآن مذکورست
رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ
رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ وهم در آیات
وعده استجابت دعا کرده است دیگر و چیز در دعا میخواه و بگوی که الهی آن
چیزی که میخواهم به در عافیت و در رضای خود زیراکه هر زحمتی و رنجی که ترا دهد
اگر در آن عافیت نباشد تو طاقت بلا نداری اگر عافیت باشد امّا رضای
حق تعالی در او نباشد آن نعمت و عافیت نیز بلاست و آفت نعوذ بالله منها
فصل چهارم در سرایت استجابت دعا از تفسیر مغنی
بدانک اجابت دعا دیگرست و قضاء حاجت دیگرست اجابت دعوت آنست که
اگر بنده گوید که یا رب حق تعالی گوید که لبیک عبدی و این وعده کرده شده است و
موجودست هر مومن موحّد را امّا قضاء حاجت دادن مرادست و این
بعد از مدتی باشد یا در آخرت باشد زیراکه خدای تعالی نیک میداند صلاح
بنده کاندر چیست آورده‌اند که سلطان ابراهیم ادهم رحمة الله علیه در بازار

بصره میگذشت

خلق بروی جمع شدند و گفتند یا شیخ حق تعالی در کلام مجید خود فرموده است که
ادعونی استجب لکم و ما دعا میکنیم لیکن مستجاب نمیشود جواب
گفت از برای ده خصلت ناپسندیده که در شماست دعا مستجاب نمی
شود یکی آنکه خدای تعالی را می شناسید و در حق او اینها میکنید دوم آنکه
میخوانید کتاب او را اما عمل نمیکنید بدان سیوم نعمتهای او را میخورید
و شکر نمیگویید چهارم محبت رسول خدا را دعوی میکنید و سنتهای
او را ترک میکنید و بجای نمی آرید پنجم دعوی میکنید عداوت با شیطان
و با او موافقت میکنید ششم دعوی میکنید محبت بهشت را و عمل صالح
نمیکنید هفتم دعوی میکنید خوف از آتش دوزخ و آموخته کرده نفسهای
خود را بکار بد و معصیت کردن هشتم اقرار میکنید که موت حق است و او را
ساختگی نمیکنید نهم مشغول شده اید بعیبت دیگران و از عیب خود یاد
نمیکنید دهم دفن میکنید مرده کان را و شما بدان اعتبار و انتباه نیست
این اعمال بد در شماست چگونه دعا مستجاب شود از تفسیر مغنی آورده اند که
مردی از حق تعالی فرزندی خواست مطلقا و صفت نکرد که چگونه فرزند
حق تعالی او را فرزندی مخنث داد آن مرد گفت یا رب من از حضرت تو
فرزندی خواستم تو مرا فرزندی مخنث دادی آوازی شنید که ما سوال
ترا اجابت کردیم تو از ما مطلق فرزندی خواستی فرزندی دادیم شرایط
دعا را ندانستی شرایط دعا این بود می بایست گفتن که مرا فرزندی بده شایسته

خدمت

خدمت تو بود و فرزندی صالح و ولی که نسل او مبارک باشد چنانکه زکریا
پیغامبر علیه السلام خواست از حضرت ما یافت همچنان فرزند صالح یعنی
یحیی پیغامبر علیه السلام از ترغیب الصلوة هر که خواهد که دعای
او مستجاب شود باید که دو چیز را نگاه دارد یکی در وقت دعا دل را حاضر دارد
دیگر لقمه و کسوت را از وجه حلال پیدا کند تا دعای او را اجابت پدید آرد
در خانه خود منی که رشته تابی از حرام باشد اهل آن خانه را هیچ دعا مستجاب
نشود از خالصة الحقایق آورده اند که مردی پرسید عالمی را که چه کنم
تا دعای من مستجاب شود آن عالم گفت لقمه حلال خور و لباس حلال پوش
بعد از آن دعا کن تا اجابت ببینی آن مرد گفت درین وقت کجاست اینها
که تو ذکر میکنی عالم گفت او را که برو و بر کناره آب پاک جامه را بیرون کن
و درون آب درآی و پاره از آن آب بجو و آب را ستر خود کن پس حلال
خورده باشی و حلال پوشیده پس در آن محل بخواه از حق تعالی هر چه خواهی تا
اجابت شود از ملفوظ شیخ الاسلام فریدالدین قدس الله روحه العزیز
بر لفظ مبارک خود رانده که شرایط دعا کردن بسیار است آنچه ما گوییم دراز
گردد شرط اول آنست که آغاز دعا را بنام پروردگار عالم کند جل جلاله
نخست بسم الله الرحمن الرحیم گوید بعد از آن دعا کند تا اجابت شود
شرط دوم آنست که اهل و بیت خود را از حرام منع کند شرط سیوم
آنست که در آغاز دعا و در اتمام او صدقه دهد تا پسندیده آید مرویست که

امام متقی امام شافعی را رحمة الله علیه حاجتی بود که پیش پادشاهی رود
دران حال درویشی را صدقه داد وگفت دعا کن تا حاجتم روا شود زیرا که
شرط است که هرکه نزد پادشاهی رود ودربان را چیزی دهد پس درویش
دربان خدا یست عز وجل بعد ازانک رفت حاجت او تمام برآورده شد
باز آمد وصدقه دیگر داد از برای اتمام حاجت فصل پنجم در اوقات
استجابت دعا از تفسیر مغنی امیر المؤمنین علی رضی الله عنه
گفت که از اسباب دعا یکی آنست که دعا کند از پس هر عبادتی که
خالص باشد مر خدایرا عز وجل ودر عقب آن صدقه دهد به نیت
صادق و باید که در دعا بخواهد ستری که در خاطر دارد زیرا که این حکم کردن
میان حکم و دعا فرق است رسول علیه السلام فرموده اند که موسی کلیم
صلوات الله علیه بخواست از پروردگار عالم وگفت کدام ساعت است که
من ترا بخوانم و تو مرا اجابت کنی فرمان شد از حضرت عزت که تو بنده
مایی وما خدای توییم هرگاه که مرا بخوانی ترا اجابت کنم پس آنگاه چند
وقت موسی همین درخواست کرد پس خطاب آمد که یا موسی بخوان مرا
در نیم شب بدرستی که دران وقت دعاها را اجابت کنم نقل از تفسیر
مغنی و از مشارق درخبرست که جوف نیم شب شود یا ثلثان شب بگذرد
ندا رسد از حضرت حق جل جلاله سوی زمین تا آن زمان که صبح صادق
ندمیده است هست هیچ سایلی که داده شود سوال او را وهست هیچ

دعا

دعا کننده که اجابت کرده شود دعای او را درخبرست که مردی بخدمت
رسول الله علیه السلام آمد وگفت کدام ساعت است ازان ساعتها که قبول
را امیدوارتر جهت استجابت دعا رسول صلی الله علیه وسلم فرموده اند که
میانه شب ودر آخر پنجم حصه شب است از شش حصه شب یعنی شب را
شش جزو کند سه جزو و نصف شب باشد ایضا اوقات استجابت
دعا اینهاست دعا از دیدن ماه نو دیدن ودعا در شب قدر ودعا کردن
نزدیک آنکه دو سیاه روی بروی آرد ودعا بوقت قامت آوردن ودعا
بوقت باریدن باران رسول علیه السلام گفتند در ماه ذوالقعده شبی است
وآن شب شب دهم است خدای تعالی بمؤمنان بنظر رحمت بنگرد ودعای
شب عرفه ودعای روزه داران ودعا در آخر هر نماز فریضه ودعا در عقب
صدقه که به نیت صادق بود ودران وقت که موذن از اذان گفتن
فارغ شود یا خود مرد جواب بانگ نماز گفته باشد چون دل حاضر
باشد ودعا در وقت نماز دیگر روز آدینه درین اوقات دعا مستجاب
است حاجات برآورده گردد ان شاء الله تعالی از تنبیه فقیه ابو اللیث
رحمة الله علیه فقیه فرموده است که هرکه هر نمازی که بگزارد او فریضه سنت
است زود دست بدعا برداشتن سنت است کما قال الله تعالی فاذا
فرغت فانصب رسول علیه السلام فرموده اند که غنیمت دارید دعا را
بوقت آنکه در مسجد ساکن شده اید بدرستی که وقت شما خوش شود و دل

شما روشن گردد و آب
در چشم شما آید که

آن نشان اجابت دعاست درخبرست که پنج شب است که دران پنج شب هیچ
دعا رد نیست یکی شب آدینه دوم شب اول ماه رجب سیوم شب
براة یعنی شب پانزدهم ماه شعبان چهارم شب قدر پنجم شب عید
والله اعلم فصل ششم در دعای کسانی که دعاء ایشان مستجاب است

درخبرست که دعای برادر مر برادر را در غایبی رد نشود و دیگر دعاء
بیمار و دیگر دعاء مادر و پدر مر فرزند را و دعای فرزند مر مادر و پدر را
و دیگر دعاء معتمر یعنی کسی که عمره آورد و دیگر دعاء آن کسی که عمر
دراز دارد و دیگر مسافر اما نه سفر معصیت و دیگر دعاء ستم رسیده
مظلوم و دیگر دعاء کسی که او را خدای عز وجل دوست گیرد و دیگر
دعاء بیچارگان و مسکینان و دعاء بندگان رسول علیه السلام
فرموده اند بپرهیزید از دعاء کسی که وی را فریادرسی نباشد غیر خدای
تعالی نقل امیر المؤمنین علی رضی الله عنه گفت چون مؤمن
دوست دار و سنت و جماعت را خدای تعالی مستجاب کند دعاء
او را و روا کند حاجت او را و عفو کند گناهان او را و بدهد مر او را
براتی از آتش و براتی از نفاق و بالله التوفیق فصل هفتم
در آنچه مانع اجابت دعاست در حدیث آمده است که خدای تعالی
فرموده است که مستجاب نکنم دعاء قومی را که راضی باشند از زنان
خود بپوشیدن و در دست کردن خلخال و دست برنجن باواز و

مستجاب

مستجاب نشود دعاء کسی که نماز را بجماعت نگزارد و اگر ناگاه نماز
بجماعت او را فوت شود باید که تأسف خورد تا مسلمانان باشد شود
درخبرست که دعاء سه کس مستجاب نشود یکی دعاء کسی که دزد متاع
وی فام مسلمانی باشد و با وجود قدرت و قوت فام را ندهد
و دیگر قبول نکند دعاء کسی را که مال را بنادانان دهد و اسراف
مال کند حق تعالی از آن منع کرده است و در کلام مجید خود گفته
و لا تؤتوا السفهاء اموالکم و دیگر کسی که او را زن بدخلق و بد
کاره باشد و از فاحشه توبه نکند با وجود آن او را طلاق ندهد
درخبرست که نه درآیند فرشتگان در خانه که خمر باشد یا دف یا طنبور
یا نرد و مستجاب نشود دعاء ایشان و بردارد خدای تعالی برکت را از مال
ایشان درخبرست که هر که خنده کند در عقب جنازه خدای تعالی او را
خوار کرداند روز قیامت در نظر خلایق و مستجاب نشود دعاء او
درخبرست که بر هر کسی که زکوة واجب است و ندهد دعاء او مستجاب
نشود و بر هر کسی که صدقه واجبست و ندهد دعاء او مستجاب نشود
درخبرست که هر که یک لقمه از حرام خورد چهل روز دعاء او مستجاب
نشود و هر که خمر را بر کف دست خود نهد دعاء او قبول نشود و هر که
مادر و پدر را آزارد دعاء او مستجاب نشود و هر که همسایه مؤمن را
بی موجبی آزارد دعاء او مستجاب نشود والله اعلم باب

پانزدهم

در بیان نماز و ادعیه جهت قضاء حاجات و کفایت مهمات و خلاص محبوس
و ادعیه که از برای پیش رفتن بزرگان و دوستی پادشاهان عمل کرده
شود و این باب مشتمل است بر پنج فصل مذکور فصل اول
در نماز قضاء حاجات و نماز کن فیکون از کفایهٔ شعبی هر کرا
غمی و اندوهی پیش آید یا از سلطانی و ظالمی ترسد یا مهمی پیش
آمده باشد این نماز را گزارد تا قدرت خدای تعالی را ببیند و مشتاق
البته شب نکند که از آن غم نجات یابد و فرح حاصل کند و درین
باب باید که شک نیارد اگر کسی شک آرد کافر گشتد نعوذ بالله منها
باید که نخست غسل کند و جامهٔ پاک پوشد بعد از آن چهار رکعت
نماز گزارد در اول شب آدینه برین نوع در رکعت اول بعد از
فاتحه صد بار گوید وَأُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ و در رکعت دوم بعد از
فاتحه صد بار گوید أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ و در رکعت سیوم
بعد از فاتحه صد بار گوید نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ
و در رکعت چهارم بعد از فاتحه صد بار گوید إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا
چون سلام دهد صد بار گوید أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ هنوز
سر از سجده بر نداشته باشد که خدای تعالی حاجت او را روا گرداند
بفضله و کرمه و هذه الصلوة المجربة و در کتاب دلیل الحاج
هم آورده است جهت بر آمدن حاجات و کفایت مهمات ایضاً

اگر کسی چیزی دارد از نفایس و جواهر و مال و اسباب و زمین و دابّه
و غیر آن با خود در ولایتی و مملکتی حاکم است و میترسد که ناگاه از
دست او بیرون رود این دعا را برین ترتیب که یاد کرده خواهد شد
بخواند خدای تعالی آن اشیا را بفضل خود نگاه دارد و از دست او بیرون
نرود اول باید که غسل کند و دو رکعت نماز گزارد آنچه خواهد از
قرآن چون از نماز فارغ شود صد بار این کلمات را باخلاص درست
و اعتقاد تمام بخواند مرادها بر آورده گردد کلمات اینست اللّهمّ
إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ وَقُوَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ وَسُلْطَانِكَ وَمَا أَحَاطَ
بِهِ عِلْمُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَنْ تَحْفَظَ عَلَيَّ كَذَا بعد از
خواندن دعا یاد کند که این دعا را از برای چه میخواند اگر مال باشد
گوید أَنْ تَحْفَظَ أَمْوَالِي كُلَّهَا و اگر ولایت باشد گوید وِلَايَتِي
هٰذِهِ آنچه باشد بنام یاد کند تا مقصود حاصل گردد و بالله
التوفیق فصل دوم در ادعیهٔ قضاء حاجات
از فوائد الفؤاد اگر کسی برنجی و بلایی گرفتار شده باشد چنانک
هیچ علاجی به نگردد باید که روز آدینه بعد از نماز دیگر تا وقت
غروب شمس بهیچ چیز مشغول نگردد مگر بذکر این سه نام بزرگ
یا الله یا رحمن یا رحیم از آن رنج و زحمت بعنایت حق تعالی خلاص
یابد آمین یا رب العالمین از ملفوظ شیخ الاسلام فرید الدین
قدس الله روحه العزیز

بر لفظ مبارک خود راند که در روضهٔ مطهر امام محمد حسن شیبانی رحمة الله علیه
نوشته دیدم بروایت امام جعفر صادق رضی الله عنه مروی است از رسول
صلی الله علیه وسلم هر کرا غمی یا مهمی پیش آید یا کاری که قابل اصلاح
نباشد واقع شود باید که چون نماز بامداد گزارد صد بار گوید
لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم یا قدیم یا قیوم یا فرد یا وتر
یا احد یا صمد پس هر که باعتقاد پاک خواند و حاجت خواهد
اگر روا نشود بر راوی لعنت کند اما لعنت بر آن منافق باد که
او را با سما و کلام خداوندی اعتقاد نباشد بعد از آن شیخ فرید
الدین رحمة الله علیه هم درین محل فرمود هر که در وقت درماندگی
و عاجزی این نامها را هزار بار بخواند آن مهم بالقطع کفایت گردد
نامها اینست اَقوَی مُعِینٍ وَاَهدَی دَلِیلٍ بحق اِیَّاکَ نَعبُدُ وَاِیَّاکَ
نَستَعِینُ **در کتاب الفرج** مذکورست که چون کاری سخت و
هایل به بنده رسد و به بلیتی درماند باید که شب آبدست پاک سازد
و در بستر در آید و سورهٔ والشمس و واللیل را هر یکی را هفت بار
خواند بعد از آن گوید اَللّٰهُمَّ اجعَل لِی فَرَجًا مِن اَمرِی البتة در شب
اول یا دوم یا سیوم یا پنجم یا چهارم در خواب فرشته آید و او را خبر کند
که سبب خلاص او چه باشد و این بیمار را چه علاج باشد آورده اند که
بسیار محبوسان و درماندگان و بیماران این را تجربه کرده اند و بمقصود رسیده

اما شرط آنست که در وقت خواندن عورتی نباشد ناپاک که ضرر کننده است
و تأخیر اجابت دعاست و دیگر بدانک از حال غایب و مرده و اندوه رسیده
و سبب آفت مال و اموال دفن کرده گم شده ازین جمله چیزها
بسبب این عمل حاصل گردد **در خبر دیگر** مذکورست که هر که
سورهٔ والشمس واخلاص را هفت بار بخواند و جامهٔ پاک پوشد
و مستقبل قبله بر پهلوی راست خفتد بر بستری که در شب اول یا دوم
یا پنجم یا هفتم ببیند حضرت رسالت را صلی الله علیه وسلم و آنچه
درخواب
مقصود دارد حاصل گردد و اگر نه ببیند او را نقصانی شده باشد
در وضو یا در قراءت یا در جامه **از صلوة مسعودی** خواجه امام زاهد
فخر با شیخ برهان الدین رحمهما الله بعیادت خواجه ابو بکر عماری رفتند
او حدیثی روایت کرد که هر کرا مهمی پیش آید در گوش راست وی بانگ
نماز گویند و در گوش چپ وی قامت آرند خدای عز و جل آن مهم را
کفایت گرداند بفضل و کرم خویش **در خبرست که** هر کرا حاجتی و
کاری که زود بر نیاید باید که هزار بار قل هو الله احد را خوانند در حال
مقصود بر آید و مهم کفایت گردد مجرب است و هر علتی و بیماری که
دیر کشیده باشد و دارو بروی کار نکند و یا مرضی و دردی حادث شده
باشد که درمان آن ندانند سورهٔ قل یا ایها الکافرون را هزار بار بخوانند
و بر وی بدمد البته صحت یابد **منقولست** از شیخ الاسلام نظام الدین
رحمة الله علیه

خواهد

که هرکه بعد از نماز چاشت سه بار سورهٔ یس را بخواند آنگاه حاجت
زود اجابت یابد هرکه سورهٔ قل یا ایها الکافرون را در وقت طلوع
آفتاب که در آغاز طلوع باشد ده بار بخواند هر حاجتی که خواهد زود
باجابت مقرون گردد بفضل الله وکرمه

فصل سیوم

در ادعیهٔ حزن و غم فقیه ابو اللیث سمرقندی رحمة الله علیه در
کتاب خود آورده گفت که عجب دارم از آن گروه که بغم گرفتار باشند
و از حق تعالی استعانت نمی طلبند و نمیگویند که لا اله الا انت
سبحانک انی کنت من الظالمین زیرا که حق تعالی در کلام مجید خود فرموده
گفت فاستجبنا له ونجیناه من الغم وکذلک ننجی المؤمنین از [illegible]
مولانا علاء الدین مفسر رحمة الله علیه میگوید که هرکه روز آدینه در آن وقت که خطیب
از منبر فرود می آید این دعا بخواند حق تعالی او را از جمیع غمها و اندوهها
خلاصی بخشد و حاجتهاء او روا گرداند دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم
سبحان الله الواحد الاحد سبحان الله الفرد الصمد سبحان من
رفع السماء بغیر عمد المتفرد بلا صاحبة ولا ولد لم یلد ولم
یولد ولم یکن له کفوا احد ربنا امتنا اثنتین واحییتنا اثنتین
فاعترفنا بذنوبنا فهل الی خروج من سبیل روایت میکند
عبد الله عباس رضی الله عنهما از پیغامبر صلی الله علیه وسلم که فرمود
یا علی میخواهی که آموزم ترا چیزی که خبر کرد مرا جبرئیل علیه السلام

که

که گفت یا محمد ارمغان هدیه ای است مر ترا از خدای تعالی و گرامی کرده گفت ترا
بدان و آن چهارده کلمه گفت هرکه بخواند این کلمات را حق سبحانه وتعالی
او را فتح دهد و نجات بخشد از همه اندوهها و غمها و از خوفها
و از ترس سلطان و از شر شیطان و از آفت دزدان و از غرق
شدن و سوختن و دیگر حق تعالی او را ایمن گرداند از آنچه میترسد
و دیگر پیغامبر علیه السلام فرمود که چهار کلمه از آن نوشته شده است
بر پیشانی اسرافیل علیه السلام و چهار کلمه بر پیشانی میکائیل
علیه السلام و چهار کلمه بر عرش عظیم گفت و سه کلمه در علم حق تعالی است
کلمات اینست بسم الله الرحمن الرحیم یا عماد من لا عماد له
ویا ذخر من لا ذخر له ویا سند من لا سند له ویا غیاث
من لا غیاث له ویا حرز من لا حرز له ویا کریم العفو ویا
حسن التجاوز ویا عظیم الرجاء ویا منقذ الغرقی ویا منجی الهلکی
یا محسن یا منعم یا مفضل انت الذی سجد لک سواد اللیل و
بیاض النهار وضوء القمر وشعاع الشمس ودوی الماء
وحفیف الشجر یا الله یا الله لا شریک لک یا رب پس آنگاه
رسول علیه السلام فرمود که یا علی حاجات خود بدرستی که از جای
برخاسته باشی که دعا مستجاب شود و حاجات برآید و حق عز وجل
از برکت این دعا ترا مزد دهد بر جمیع شغلها را ببینی نادانان و خیره کاننا

از وسیلة القلوب اسماء بنت اعمش رضی الله عنها گفت که از رسول
صلی الله علیه وسلم شنیدم هر که غمی یا اندوهی یا بیماری رسد یا بلای
درمانده باشد یا زحمتی و دردی بر وی مستولی شده باشد یا در
رنج درویشی و بی برکتی مبتلا شده باشد سه بار این کلمه را به نیت
خلاص خود بخواند حق تعالی آن رنج را از وی دفع کند و آن بلا را از
وی باز گرداند و از آن زحمت خلاصی بخشد بفضل و عنایت خویش
کلمه اینست اَللّٰهُ رَبِّي لَا شَرِیکَ بِهِ شَیْئًا

فصل چهارم

در خلاص شدن محبوس روایت است که در وقت خلافت امیرالمؤمنین
معتصم شخصی را حبس کرده بودند آن مرد را در خواب نمودند که
این آیتهای کلام مجید را بخوان تا خلاص یابی آن مرد از خواب
بیدار شد و این آیات کلام ربانی را خواند باعتقاد و اخلاص تمام
بعد از آن امیرالمؤمنین معتصم کس فرستاد که او را از زندان بیرون
آرید و خلعت و نعمت دادش هر محبوسی که این کلام ربانی و
تنزیل سبحانی را باعتقاد و اخلاص درست خواند حق تعالی او را
از جمیع غمها نجات بخشد **آیات اینست** اعوذ بالله من الشیطان
الرجیم قُلْ مَنْ يُنَجِّيكُمْ مِنْ ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا
وَخُفْيَةً لَئِنْ أَنْجَيْتَنَا مِنْ هَٰذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ قُلِ اللَّهُ
يُنَجِّيكُمْ مِنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنْتُمْ تُشْرِكُونَ **ایضا** هر که دو

رکعت

رکعت نماز گزارد و این دعا را به نیت خلاصی از حبس و زندان هزار و دویست
بار بخواند خدای تعالی او را نجات دهد دعا اینست اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ الْحَسَنِ وَ
أَخِيهِ وَأَبِيهِ وَجَدِّهِ وَبَنِيهِ فَرِّجْ عَنِّي مِمَّا أَنَا فِيهِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
ایضا خواجه امام یونس سکاوندی رحمة الله علیه میگوید هر که گرفتار
دشوار شود یا محبوس در حبس مانده باشد و خلاص نیابد این
کلمات را بر کاغذ نویسد و تا هفت روز هیچ ترک نکند و اگر ترک
شود باز از سر نوشتن گیرد تا یک هفته متواتر متوالی تمام شود
و اگر در آن هفته تمام نشود در هفتهٔ دوم نویسد اگر غرض و مقصود
او حاصل نگردد فردای قیامت چنگ او و دامن من و هر روز که
می نویسد در آب روان اندازد و اگر آب روان نباشد در چاه که چشمه
دارد اندازد و اگر محبوس آنجا نتواند رفت دو رکعت نماز گزارد
و بدست مردی نمازگزار آن کاغذ را فرستد و آن زمان که در آب
روان اندازد باید که باوضو باشد از برای آنکه دو رکعت نماز
برکنار آب روان گزارد و اگر در چاه چشمه دار اندازد نماز را در خانه
گزارد و چون در آب اندازد بوقت باز گشتن روی سپس نکند
و نه بیند تا بخانه رسد باخلاص نویسد و عمل کند و شک
نیارد تا مقصود حاصل شود **دعا اینست** بسم الله الرحمن الرحیم
لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم بسم الله الملك الحق المبين

المولی

من العبد الذليل الى الرب الجليل رب انی مسنی الخوف وانت
ارحم الراحمين بحق محمد وآل محمد ان تكشف كل همّ وحزن وتفرج
عنّي والحمد لله وسلام على رسوله محمد وآله اجمعين واين حجت
بر آمدن كل مهمات نيز آمده است وبالله التوفيق **فصل**
پنجم در ادعيهٔ پيش رفتن بزرگان وحصول عز وجاه ومنزلت
هركه اين نامها را باخود دارد بنزديك همه خلق دوست باشد اگر
خوانندهٔ اين دعا را دشمنان باشند جمله دوست ومهربان گردند
وبنزديك همه كس اورا عز وجاه ومنزلت باشد **آيات اينست**
بسم الله الرحمن الرحيم وتوكلت على الله الله لا اله الا هو الحي
القيوم وهو يدرك الابصار وهو اللطيف الخبير وعلى الله
فليتوكل المؤمنون وفي السماء رزقكم وما توعدون وان
تعدوا نعمة الله لا تحصوها تنزيل من رب العالمين يا الله
برحمتك يا ارحم الراحمين **ايضا** اگر كسی از سلطانی یا از ظالمی
ترسد اين دعا را نويسد وباخود دارد يا خواند ودر آب روان دمد
وازان آب روی خودرا شويد وروی را پاك ناكرده پيش
سلطان رود چون نظر سلطان بروی افتد خدای تعالی محبت
ويرا در دل سلطان افكند چنانك يكساعت ازوی نشكيبد و
اورا بچشم احترام عزت دارد واگر صفت اين دعا را بتمامی كرده شود

بتطويل

بتطويل انجامد اختصار كرديم **دعا اينست** بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الامان الامان يا برهان الامان الامان يا حنّان الامان
الامان يا منّان الامان الامان من فتنة الزمان وجفاء الاخوان
ومن شر الشيطان وظلم السلطان بفضلك يا رحيم يا رحمن يا
ذا الجلال والاكرام يا ارحم الراحمين وصلى الله على رسوله محمد
وآله اجمعين **هركه** سورهٔ فلق را نويسد در روز آدينه در ساعت
اول روز در طشت پاكيزه بمشك وكافور بقلم زر نويسد وبشويد
بگلاب ودر شيشه كند ونگاه دارد بوقت حاجت روی خودرا
بدان بشويد وپيش سلطان رود اگرچه خايف باشد چون نظر
سلطان بروی افتد مهربان گردد واو در نظر پادشاه مقبول نمايد
وايمن گردد وازشر دشمنان وازشر مار وكژدم **ايضا** ديگر
هركه از كسی خايف باشد اين آيت را بخواند وپيش آن كسی رود وان
دست وزبان او سالم ماند وهيچ آفتی بروی نرسد **آيت اينست**
اعوذ بالله من الشيطان الرجيم عسى الله ان يجعل بينكم وبين الذين
عاديتم منهم مودة والله قدير والله غفور رحيم **باب**
شانزدهم در ادعيهٔ عصمت وعافيت وظفر يافتن بردشمنان و
اين باب مشتمل است بر هشت فصل **فصل اول**
در ادعيهٔ كه هر روز در بامداد وشبانگاه خوانند **روايت** كرده اند
از ابن عباس رضی الله عنهما

که گفت ما برادران پیغامبر علیه السلام می رفتیم گذشتیم بر قومی که مجذوم بودند
گفتیم یا رسول الله چه بد بلایی است این پیغمبر رسول علیه السلام فرمودند
که اینها در اصل و صلب پدر و مادر بوده اند که از خدای تعالی عافیت
نخواسته اند مرویست که مردی بنزدیک رسول علیه السلام آمد
و گفت یا رسول الله کدام دعاست افضل رسول علیه السلام فرمودند
که بخواه از حق تعالی عفو و عافیت را در دنیا و آخرت روز دوم
باز آمد باز همین سوال کرد رسول علیه السلام فرمودند از خدای
تعالی بخواه عفو و عافیت را اگر ترا داده شود عافیت در دنیا سبب
آن سبب رحمت شود در آخرت بعد از آن حضرت علیه السلام
فرمودند که از برای عفو و عافیت نیست هیچ دعایی بهتر
ازین دعا این دعا جامع است همه چیز را پیوسته باید که خوانند
تا مقصود بر آید و این دعا را از شیخ الشیوخ آمده است
دعا اینست اللّهمّ انّی اسألک العفو والمعافاة والمعافات فی الدنیا
والآخرة در حکایت آمده است که خلیفه هرون الرشید نور الله مرقده
فرمود که امام شافعی رحمة الله علیه حاضر کردانید بغرضی که اورا
بود و سخنی که بوی رسانیده بودند میخواست که امام را قتل کند
سیاف را حاضر آوردند گفت چون من دست بر سر نهم سرش
بیندازند چون چشم هرون الرشید بر امام افتاد برپای خواست

واورا در کنار

واو را در کنار خود گرفت و در جای خود بنشاند و چهار هزار دینار
تشریف کرد و باعزاز و اکرام بسیار باز گردانید می آرند که امام
شافعی رحمة الله علیه همین دعا را که ذکر کرده شد پیوسته
میخواند چون پیش خلیفه در آمد حق تعالی خلیفه را بر وی مشفق
و مهربان گردانید تا از سر خون او در گذشت و بتشریفها مشرف
گردانید و رسول علیه السلام در وقت جنگ همین دعا را خواند
کافران گریختند روایت میکند مقاتل بن سلیمان علیه السلام
که رسول صلی الله علیه وسلم وصیت کرد باین دعا امیر المؤمنین
علی را رضی الله عنه گفت یا علی هر که این دعا را خواند و بر خود
دمد یا توفیق یابد باید که با خود دارد در امان و حفظ و عصمت
حق تعالی باشد همیشه از جمیع بلاها و آفتها و امراض و از شر
شیطان و از جور سلطان و از غرق شدن دریا و از سوختن
آتش و از کید کایدان و از مکر ماکران و از حسد حاسدان نجات
یابد از دعا را خوانند دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم انی اسألک بحق لا اله الا الله محمد رسول الله اسألک بحق
هذه الاسماء والفرقان العظیم واسألک بحق هذه الکلمات وحملة
العرش والکروبین اسألک برب جبرئیل ومیکائیل واسرافیل وعزرائیل
واسألک بحق خاتم النبی واسألک بحق خاتم سلیمان ابن داود علیهما
السلام

واسالک بحق آدم صفی الله و نوح نجی الله و ابراهیم خلیل الله و موسی
کلیم الله و عیسی روح الله و محمد حبیب الله والله غالب علی امره
ولکن اکثر النّاس لا یعلمون قلنا یا نار کونی بردًا و سلامًا علی ابراهیم
وارادوا به کیدًا فجعلناهم الاخسرین ما جئتم به السّحر انّ الله
سیبطله انّ الله لا یصلح عمل المفسدین برحمتک یا ارحم الراحمین
عبد الله مسعود رضی الله عنهما گفت که من روزی بیرون آمدم
بر اثر رسول علیه السلام دیدم که موزه ها را از پای مبارک خود بیرون
آوردند و بر زمین نهادند کلاغی آمد و یک موزه را در منقار گرفت
و بر هوا برید و از ان موزه ماری سیاه بر زمین افتاد پیغامبر را
گفتم یا رسول الله اگر این موزه را می پوشیدید مار زخم میزد پیغامبر
علیه السلام گفتند مارا ماری نیست و انیست کن بیف بدرستی که من هر
روز سه بار این دعا را میخوانم که اللّهمّ انّی اعوذ بک من شرّ
من یمشی علی بطنه ومن شرّ من یمشی علی رجلین ومن شرّ من یمشی
علی خلق الله ما یشاء انّ الله علی کل شیء قدیر و این دعا نیز در
مشارق مذکورست از ملفوظ شیخ الاسلام فرید الدین نوّر الله
تربته بر لفظ مبارک خود چنین راندکه حق تعالی هر روز تا شب
سیصد هزار بلا را منزل میکرداند بر هر یکی از فرزندان آدم و
جز آن بس هرکه در نماز و دعا و تسبیح و قرآن خواندن می باشد

البته

البته آن دعا و قرآن بلا را دفع میکند زیرا که در خبرست که چون بلاها
از آسمان شود بر هر کسی که دعا میکند هیچ ضرر نمیرساند و بلا رد
میشود و اگر دران دعا اخلاص و صدق نمی باشد آن بلا آفت
میرساند اما مصنّف رحمة الله گوید که چون از زبان شیخ الاسلام
قطب الدین بختیار نوّر الله مرقده شنیده ام که گفت آنکس که دعا
میکند باید که بر حال خالی نباشد از صدق و نیاز مندی و شکستگی
تا حق تعالی دعاء او را بزودی اجابت کرداند وبالله التوفیق والعصمة
فصل دوم در ادعیهٔ که با خود دارند از تفسیر منیر
عبد الله عباس رضی الله عنهما گفت بر عصاء موسی کلیم صلوات
الله علیه این کلمات نوشته بود که هی مه اه یه آهیا شرا هیا
معنی این کلمات چنین باشد که انا الاول وانا الآخر وانا الحی
الذی لا یموت ابدًا از ملفوظ شیخ الاسلام فرید الدین طیّب
الله مضجعه فرمود این حکایت که وقتی مردی را در بغداد پیش هفت
شیر انداختند بقصد هلاک کشتن و هفت روز آن مرد در
پیش شیران بود او را هلاک نکردند و فرمان حق تعالی نبود
که او را هلاک کنند از انجا بسلامت بیرون آمد و سبب سلامتی
او این اسم اعظم است که با وی بود دعا اینست یا دایم بلا فناء
و یا قایم بلا زوال و یا مشیر بلا وزیر بعد ازان شیخ الاسلام بر زبان

مبارک چنین راندکه

هرکه خواهد که دشمن خود را دفع کند باید که این دعا را پیوسته خواند تا کار
بمقصود شود **هرکه** این چهار نام بزرگ را بخط باریک در کاغذ تنک
نویسد و در موم گیرد آنگاه بنقره غلاف کند و باخود دارد آن
بنده هرگز باب غرق نشود و بآتش نسوزد و از جمیع بلاها
ایمن باشد اگر کسی این نامهای بزرگ را در زیر زبان گیرد تیغ بروی
کار نکند اگر نعوذ بالله شخصی را یکشبانه روز آویزند نمیرد باذن
الله تعالی و عنایته هرکه شک آرد کافر شود **نامها اینست**
بسم الله الرحمن الرحیم یا ابثوثا شبوثا شعثثا اختوثا
از منافع قرآن هرکه سوره سبحان را نویسد و در حریر سبز
پیچد و باخود دارد هر تیری که انداز خطا شود باذن الله تعالی
و عصمته **فصل سیوم در ادعیه که بوقت سوار شدن**
مرکب خوانند از تفسیر **منیر** در حدیث است که چون کسی خواهد که
بر مرکب سوار شود پای راست را در رکاب نهد و گوید بسم الله
الرحمن الرحیم الحمد لله علی کل حال سبحان الذی سخر لنا هذا وما
کنا له مقرنین وانا الی ربنا لمنقلبون و بعد از آن سه بار تکبیر
گوید و سه بار تهلیل گوید و اگر از ستور فرود آید گوید رب انزلنی
منزلا مبارکا و انت خیر المنزلین **آورده اند که** قومی بودند در سفر
چون بر مرکب سوار میشدند این آیت را میخواندند که سبحان الذی

سَخَّرَ لَنَا هٰذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَاِنَّا اِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ شخصی
در میان ایشان ماده شتر لاغر داشت تکبر و تساهل ورزید
و این آیت را نخواند و گفت این مضبوط منست و بآن التفات
نکرد و آن شتر لاغر رمید و نادان مسکین از پشت او افتاد
و مهره گردنش بشکست **در حدیث** آمده است که پیغامبر علیه
السلام فرموده اند هرگاه یکی از امت من بر پشت مرکب سوار
شود و این آیت را نخواند خدای تعالی اولا آمرزد و از آفات
نگاه دارد و بالله التوفیق آمین یا رب العالمین
فصل چهارم در ادعیه که بوقت سفر و حضر خوانند
از تفسیر مغنی **دعاء رعد** هرکه بانگ رعد شنود گوید که سبحان
مَنْ يُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
قدیر حق تعالی آن بنده را در عافیت دارد اما آفت رعد و این
مجرب است **از وسیلة القلوب** روایت میکند انس بن مالک
رضی الله عنه مردی گفت یا رسول الله من بسفر میروم وصیت
نامه نوشته ام کرا پدر خود را یا پسر یا برادر را که خانه مرا نگاه
دارد رسول علیه السلام فرموده اند مر او را که هیچ خلیفتی در
خانه بهتر از چهار رکعت نماز نیست که گزاری در آن ساعت
که بسفر خواهی رفت بخوان در هر رکعتی فاتحه یکبار و قل هو الله احد

وچون سلام دهد این دعا را بخواند که اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَتَقَرَّبُ بِهِنَّ اِلَیْکَ
فَاجْعَلْهُنَّ خَلِیْفَتِیْ فِیْ اَهْلِیْ وَمَالِیْ رسول علیه السلام فرموده‌اند که
این نماز ودعا خلیفهٔ تو باشد در اهل تو ومال تو وولد تو ودر خانها
که گرد بر گرد نشست پاسبان باشد تا آنگاه که تو از سفر باز آیی در
فضیلت سی وسه آیت کلام الله مرویست که ابن سیرین رحمة الله
علیه گفت وقتی با قافله نزول کردیم بر لب جوی آبی که نزدیک دیهی
بود از نواحی اهوان اهل آن قریه آمدند ومارا گفتند از اینجا زود
روان شوید که هرکه درین منزل نزول میکند جملهٔ رخت وقماش او
بغارت میرود هم صحبتان ویاران من از آنجا روان کوچ کردند من
تنها ماندم واعتماد کردم بحدیثی که عبد الله عمر رضی الله عنهما روایت
کرده است از رسول صلی الله علیه وسلم که فرموده‌اند هرکه خواند این سی و
سه آیت را در شبی یا در روزی آن بنده را زیان نرسانند دران شب
یا دران روز هیچ جانور درنده وگزنده وهیچ بدی وفاسقی ودزدی او
را ضرر نرسانند ودر عافیت وعصمت حق تعالی باشد نفس او ومال او
تا بامداد چون شب شد خواب نکردم دیدم قطّاع طریق را که
تیغها برکشیده آمدند زیادت از سی کرت قصد من کردند هیچ ظفر
نیافتند چون بامداد شد قصد روان شدن کردم مردی را
دیدم که بر اسب تازی سوار شده مرا گفت ای خواجه تو آدمی یا پری

چه چیزی نمیدانم گفتم من از بنی آدمم گفت ما آمدیم درین شب زیادت
از هفتاد کس هرچند قصد کردیم تا در رانیم وتو را غارت کنیم ممکن
نشد میان ما ومیان تو حصاری آهنین حایل شد گفتم حدیثی
روایت کرده است عبد الله عمر رضی الله عنهما از رسول صلی الله
علیه وسلم که هرکه این سی وسه آیت را از کلام ربانی خواند در شب
یا در روز هیچ دزدی وآفتی وبلایی بدان کس مضرت نرسانند ونفس
او ومال واهل واولاد او در عصمت خدای تعالی باشد پس آن مرد
از اسب فرود آمد وعهدی کرد با خدای تعالی که دیگر قطع طریق نکند
وتوبه کرد واز مقبولان شد اما بدانک درین آیتها شفاست از صد
نوع درد وعلت که خدای تعالی تقدیر کرده از جذام وبرص وقولنج وخوره
این سی وسه آیت را خدای تعالی از جملهٔ علتها نگاه دارد رسول
علیه السلام فرموده‌اند که هرکه توفیق یابد که این سی وسه آیت را
خواند خدای تعالی حاجات ویرا روا کند ونگاه دارد او را از جمیع بلاها
وخوانندهٔ این آیات ربانی اگر فقیر باشد توانگر گردد واگر مریض
باشد شفا یابد واگر محبوس باشد یا در تنگی درمانده باشد این
آیات را خواند حق تعالی او را از حبس وشدت نجات دهد واز
غم ورنج دلش را بی غم گرداند واین آیات کلام مجید شفاست
مر جملهٔ رنجها وعلتها را چون استسقا وباد وصرع وسرخ باد

وبواسیر ولقوه وفالج ودفع کننده است مرچشم زخم را وخوانندهٔ
این آیات را خدای تعالی امان دهد از شر پریان ودیوان وآدمیان
واز شر منافقان وکافران وجادوان واز شر جملهٔ موذیات
چون شیر وپلنگ وامثال اینها هرکه خواند وملازمت کند این
سی وسه آیت را ایمن باشد از شر حاسدان ومکاران وظالمان
وجباران وستمکاران وحق تعالی فراخ کرداند روزی آن بنده را
الذائن آیات کلام مجید در خانهٔ باشد آن خانه را آب غرق نکند
وآتش نسوزد واز دست دزد وحرام زاده در امان باشد و
آن خانه مزار ملایکه شود وبرکت وعافیت وصلاح در آن
خانه ظاهر گردد واهل آن خانه در امان حق تعالی باشند انشاء
الله تعالی بعونه وعصمته سی وسه آیت اینست اول فاتحة الکتاب
بخوانند واز اول سورهٔ بقره بخوانند تا آنجا که واولئک هم المفلحون
اول سوره تا اینجا چهار آیت است وآیت الکرسی خوانند تا آنجا که
هم فیها خالدون سه آیت است إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ تا آنجا که قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ سه آیت
از سورهٔ اعراف واز آخر سورهٔ سبحان قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوِ ادْعُوا
الرَّحْمَٰنَ تا آخر سوره دو آیت است وسورهٔ وَالصَّافَّاتِ صَفًّا
تا آنجا که مِنْ طِينٍ لَازِبٍ ده آیت است ودر سورهٔ الرحمن

سوره
يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ تا آنجا که فَلَا تَنْتَصِرَانِ سه آیت است ودر
الحشر لَوْ أَنْزَلْنَا هَٰذَا الْقُرْآنَ تا آخر سوره چهار آیت است وسورهٔ
قل اوحی تا آنجا که شططا چهار آیت است وسورهٔ قل یا ایها الکافرون
وقل هو الله احد وقل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب الناس
تمام می شود هرکه توفیق یابد تا این سی وسه آیت را ملازمت
کند ومداومت نماید حق تعالی جمیع مرادات او را محصل کرداند
وبشفاعت رسول الله صلی الله علیه وسلم مخصوص کرداند وبلقاء
بیچون وبیچگونهٔ خود مشرف ومکرم کرداند آمین رب العالمین

فصل پنجم در ظفر یافتن ونصرت بر دشمنان از منافع قرآن

هرکه سورهٔ هود را نویسد در پوست آهو وبا
خود دارد خدای تعالی او را قوت ونصرت بسیار دهد واگر صد مرد
با او در جنگ وحرب مقابل شوند بر همه نصرت وظفر یابد وهمه
از وی بترسند وهیبت خورند ودست وپای همه بجز دد بند او
سست شود وکارزار نتوانند که کنند واگر بر جماعتی نعره زنند
همه بگریزند از صلابت او هرکه سورهٔ انا فتحنا را تا آنجا که وَكَانَ
اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا این آیات را نقش کند در تیغ در روز سه شنبه که
ماه در برج حمل باشد ونقاش باید که با طهارت باشد تا خاصیت
او را مطالعه کنند اگر کسی آن تیغ را بر روی دشمن وقاطع طریق

عاجز شوند و حرکتهای او باطل شود و هرکه بدان بریده شود زود به شود
و بر دست هرکه آن تیغ باشد او مظفر و منصور بود همیشه و اگر مردی
این آیتها را نقش کند بر تختهٔ توز کمان در روز آدینه در ماهی که آفتاب
در برج حمل باشد همان خاصیت دارد که در تیغ گفته شد پس هرکه
این آیات را با خود دارد ایمن باشد از نیش پریان و سحر جادوان
و این آیات حرز است مر اطفال را از جمیع بلاها و آفتها آیات اینست
وانزلنا الحدید فیه بأس شدید ومنافع للناس ولیعلم الله
من ینصره ورسله بالغیب ان الله قوی عزیز نصر من الله وفتح
قریب وبشر المؤمنین ایضاً هرکه بوقت آنک اسب در مصاف
رانده شود در میان دو گوش اسب بسر تازیانه نویسد چنانک
بقلم نویسند این آیت را که بسم الله الرحمن الرحیم لا تخاف
درکا ولا تخشی هیچ دشمن بکروا نرسد و اگر کسی از دشمنان
ترسد یا گریزان باشد همین آیت را خواند و بر خود دمد از شر
دشمنان ایمن شود و هیچ دشمن او را نه بیند فصل ششم
در ادعیه سوار شدن بجهاز و کشتی خوانند نقل از دلیل الحاج
عبد الله عباس رضی الله عنهما گفت هرکه خواند این آیت کلام ربانی
و این دعا را که در آخر اوست بوقت سوار شدن بر ستور یا بر کشتی
اگر آنکس هلاک شود یا غرق گردد روز قیامت دیت او بر من
باشد

بسم الله الرحمن الرحیم ...

باشد و این دعا را در دریاها تجربه کرده اند و از آفت دریا سلامت گذشته اند
آیات و دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم وما قدروا
الله حق قدره والارض جمیعاً قبضته یوم القیامة والسموات
مطویات بیمینه سبحانه وتعالی عما یشرکون وقال ارکبوا فیها
بسم الله مجریها ومرسیها ان ربی لغفور رحیم ومن آیاته
ان یرسل الریاح مبشرات ولیذیقکم من رحمته ولتجری
الفلک بامره ولتبتغوا من فضله ولعلکم تشکرون اللهم
رب السموات السبع وما اظللن ورب الارضین السبع وما اقللن
ورب الجبال وما ارسین ورب البحار وما اجرین ورب السحاب
وما سخرن ان تسخر لنا هذا البحر کما سخرت لموسی علیه السلام
انک علی کل شیء قدیر هرکه این آیت را خواند در وقت سوار شدن
کشتی ایمن شود از غرق شدن هرگاه باد سخت برخیزد و آب
موج زند چنانک نزدیک بود که کشتی غرق شود البته باید که این آیت
را بر هفت ورق کاغذ نویسد و در آب اندازد بطرف مشرق یکان
یکان ورق را حق تعالی دریا را ساکن گرداند بعون الله وقوته
آیات اینست بسم الله الرحمن الرحیم الم تر ان الفلک تجری
فی البحر بنعمة الله لیریکم من آیاته ان فی ذلک لآیات لکل
صبار شکور واذا غشیهم موج کالظلل دعوا الله مخلصین
له الدین

فلما نجیهم الی البر فمنهم مقتصد وما یجحد بآیاتنا الا کل ختار
کفور **از تفسیر مغنی** هرکه در وقت سوار شدن کشتی کوید بسم
الله مجریها ومرسیها ان ربی لغفور رحیم وچون از کشتی فرود
آید کوید رب انزلنی منزلا مبارکا وانت خیر المنزلین حق تعالی
آن بنده را دایم در عصمت وعنایت خود دارد واز غرق شدن
در امان دارد

فصل هفتم

در ادعیه که در میان رخت وقماش
نهند **از منافع قرآن** امام جعفر صادق رضی الله عنه کفت هرکه
این آیت سورهٔ مایده را نویسد بر پوست آهو ودر صندوق
نهد در میان رخت وخزینه ایمن شود آن متاع وقماش از دزد
خدای تعالی برکت دهد دران مال ونکاه دارد از جملهٔ بلاها وآفتها
آیت اینست بسم الله الرحمن الرحیم ذلک فضل الله یؤتیه من
یشاء والله ذو الفضل العظیم **هرکه** سورهٔ والعصر را بر مال یا بر چیزی
که دفن کرده باشد بخواند خدای تعالی آنرا نکاه دارد از جملهٔ بلاها و
موکل کند فرشته را بدان مدفون که آنرا نکاه دارد تا آن زمان
دفینه را بیرون آرد هرکه اسامی اصحاب کهف را نویسد ودر میان
رخت نهد آن رخت ایمن باشد از دزدیدن وغرق شدن وسوختن
مجربست والله اعلم

فصل هشتم

در فضیلت
وخاصیت اسامی اصحاب کهف روایت میکند امیر المؤمنین

علی رضی الله عنه که از رسول صلی الله علیه وسلم شنیدم که کفتند هرکه این اسامی
اصحاب کهف را در سفر وحضر بخواند در ضمان وامان حق تعالی باشد وهرکه
پیوسته بخواند حق تعالی پدر ومادر وخویشاوندان او را آمرزد واکر کسی این
نامها را باخود دارد اکر در میان نیزه وتیغ رود او را زیان ندارد واز هفتاد
نوع بلا در امان حق تعالی باشد واز هفتاد نوع زحمت ورنج حق عز وجل او را
شفا بخشند دیکر چند چیز را از اسامی اصحاب کهف لایق وشایسته است
اول آنکه اکر کسی در کشتی باشد وخواهد که از موج دریا ایمن شود این
نامها را بخواند وبر خود دمد یا باخود دارد حق تعالی او را از غرق شدن
نکاه دارد سیوم آنکه جایی را آتش کرفته باشد این نامها را در جام سفید
نویسد ودر سنک ریزه بندد ودر آتش اندازد آتش فرو نشیند چهارم
آنکه اکر کسی این نامها را نویسد ودر میان خزینه نهد از دزدیدن وغرق
شدن سلامت ماند پنجم اکر کسی این نامها را نویسد وبر ران چپ بندد
هرچند رود مانده نشود ششم اکر ملخ در کشت زار افتاده باشد این
نامها را نویسد ودر میان غله وکشت زار نهد ملخ زیان نرساند هفتم هر
زنی که در وقت زادن زحمت بیند این نامها را نویسد وبر ران چپ
آن عورت بندد در حال باسانی بار نهد خاصیت این نامها بسیارست
بر هرچه کار بندی فایده دهد واثر کند **نامها اینست** یملیخا مکسلمینا کشفوططا
بتیونس کشا فطیونس یوانس یوس واسم کلبهم قطمیر ودر آخر

این آیت را بخواند که بسم الله الرحمن الرحیم وَعَلَى اللّٰهِ قَصْدُ السَّبِيلِ وَمِنْهَا
جَائِرٌ وَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ کارهایش راست گردد و حاجات بر آورده
شود بعون الله و توفیقه والله الهادی الی الرشاد **باب هفدهم**
در دفع رنجها و علتها و در دفع موذیات و باز یافتن گم شده و این باب
مشتمل است بر یازده فصل **فصل اول** در دفع جمله دردها
از منافع قرآن هرکه سوره فاتحه را در جای پاک بگلاب و زعفران نویسد
و بآب بشوید و باز از آن آب بیمار روی خود را بشوید البته صحت یابد
بعنایت حق تعالی و اگر از آن آب بخورد کسی که او را طپیدن دل باشد و گرفته
شدن دل باشد بفرمان خدای تعالی طپیدن دل ساکن شود و درد
از وی رود **هرکه** سوره اعراف را بگلاب و زعفران نویسد و با خود
دارد ایمن گردد از رنجها و از آفتها و دل او از رنج و درد نجات یابد
هرکه سوره تبت را بخواند یا بر خود دمد جایی نویسد و خورد پیچیدگی
شکم نیکو شود **دفع دردها** هرکه این آیات را نویسد در شب چهاردهم ماه
رمضان در جام سفید بمشک و زعفران کافور و گلاب و در جایی گیرد
و نگاه دارد هرگاه دردی باشد از هر نوع مثل تب گرم یا تب لرزه یا چشم
بدرد آید یا بادی باشد که در اعضا عمل کرده باشد یا درد دل یا درد جگر یا درد سر
یا درد دندان چون از آن آب خورد و اعتقاد کند صحت یابد هرکه این آیات را
نویسد و با خود دارد حق تعالی آن بنده را در طاعات قوت دهد و هرکه

سختی

و محنت
سختی نه بیند و از بلاها در امان باشد و برکت در روزگار او پیدا گردد
و حق تعالی او را از جمیع علتها و آفتها نگاه دارد آیات اینست
اعوذ بالله من الشیطان الرجیم مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ
أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ تا آخر سوره **فصل دوم**
در دفع جمله رنجها و آفتها و علتها **از منافع قرآن** امام جعفر
صادق رضی الله عنه گفت هرکه سوره فاتحه را نویسد بمشک و زعفران
در جام آبگینه و بشوید بآب باران و در مقابل ماه نهد در وقتی که
ماه در برج جدی باشد و این ماه شمسی را بزبان رومی کانون ثانی
گویند و از این آب که شسته است بسرمه سفاهانی سحق کند و در چشم
کند منظور نظر بزرگان گردد و چشم او روشن شود و خدای تعالی
نگاه دارد چشم او را از جمله رنجها و علتها که در چشم حادث میشود
و اگر درین سرمه پاره زهره خروس سفید با زهره ماکیان سیاه
ضم کند و در چشم کشد نظر او بدان نوع تیز گردد که [illegible] را
مشاهده کند **دفع تب لرزه** هرکه این آیت را بر نان نویسد و خورد
نافع باشد و تب لرزه را دفع کند **آیت اینست** بسم الله الرحمن الرحیم
فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا **دفع دیوانگی** هرکه
سوره یس را نویسد و با خود دارد از دیوانگی ایمن شود **هرکه**
سوره ق را نویسد و بشکر خورد صرع و دیوانگی و ترس جنیان و رنج

دیگر از وی دفع شود

دفع زخ هرکه این آیت را سه بار بخواند و بر کلوخی دمد و آن کلوخ را
گرد بر گرد زخ گرداند و در آب روان اندازد چنانکه کلوخ گدازد آن
علتش وی هم گدازد آیت اینست بسم الله الرحمن الرحیم وَيَسْأَلُونَكَ
عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا لَا تَرَى
فِيهَا عِوَجًا وَلَا أَمْتًا دفع ضعیفی نفس هرکه این آیت را از برای
ضعیفی نفس که ذکر کرده شد سه بار بخواند و مداومت نماید نفس
او قوی گردد و تنش در صحت باشد دفع سرفه هرکه این آیت
را بخواند و بر آب دمد و خورد صحت یابد آیت اینست بسم الله
الرحمن الرحیم أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ
فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ
فصل سیوم در دفع ریشی که او را دمل و جراحت
آماس خوانند هرکه سوره قصص را نویسد و بندد بر کسی که او را
ریش دمل باشد صحت یابد هرکه سوره حدید را نویسد و با خود
دارد اگر دشمنی در جنگ او را زخم زند هیچ آهن وجود او را خلل
و سوراخ نکند و اگر پیکان یا غیر آن در وجود او خلیده در کرده ن
از اعضاء او بیرون آید و اگر کسی این سوره را نویسد در جای
پاکیزه و بشوید در آب پاک و بآن آب آن جراحتها را شوید زود
نیکو شود و اگر بر دمل بندد زود صحت یابد بفرمان خدای تعالی جل جلاله

فصل چهارم در دفع بلاها هرکه سوره فاتحه را در جای پاک
نویسد و بشوید بروغن و بخواند برین روغن هفتاد بار سوره
فاتحه را و ازین روغن در تن و اندام خود مالد باد فالج و درد پشت
و عرق النسا و باد قولنج دفع شود دفع زحمت صرع هرکه سوره
سجده را نویسد و با خود دارد از زحمت صرع ایمن شود دفع یرقان
هرکه سوره سبا را نویسد در جای پاک و بشوید بآب و ازان آب
بخورد و روی خود را شوید یرقان دفع شود باذن الله تعالی
دفع سرخ باده هرکه سوره اذا السماء انفطرت را نویسد بر جای
پاکیزه و بشوید و ازان آب بخورد سرخ باده دفع شود دفع لقوه
هرکه سوره اذا زلزلت را نویسد در طشت آهن و نظر کند دران
طشت صاحب لقوه علت او دفع شود و صحت یابد چنانکه
در اول بوده باشد دفع ناسور هرکه سوره سبح اسم ربك الاعلی
را بر ناسور خواند بفرمان خدای تعالی دفع شود فصل پنجم
در دفع علتها دفع خنزیر هرکرا علت خنزیر یا تخم آماس گلو
باشد بیارد دوالی باریک برابر قد صاحب مرض و بروی چهل و یک بار
این دعا را بخواند و چهل و یک گره زند و بر وجود صاحب علت
بندد شفا یابد دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم اعوذ
بِعِزَّةِ اللهِ وَقُدْرَةِ اللهِ وَعَظَمَةِ اللهِ وَبُرْهَانِ اللهِ وَكَنَفِ اللهِ

وَجَوَارِ اللهِ وَاَمَانِ اللهِ وَحِرْزِ اللهِ وَلُطْفِ اللهِ وَبَهَاءِ اللهِ وَجَلَالِ اللهِ
وَكَمَالِ اللهِ مِنْ شَرِّ مَا اَجِدُ دفع خون شکم اگر از شکم خون رود
این دعا را هر روز بر نان نویسد و بناشتا خورد تا یک هفته و ابتدا
از روز یکشنبه کند تا زود صحت یابد دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم
لِكَيْلَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا اِنَّ اللهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللهُ
وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَاِيَّاكَ نَسْتَعِينُ بسم الله
اَشْفِيكَ بِاللهِ اَرْقِيكَ مِنْ دَاءٍ يُؤْذِيكَ دفع سپرز هر که سورهٔ
ممتحنه را سه روز متواتر بنویسد و بشوید و بخورد اگر چه سپرز
دیرینه باشد و درد کهنه شده باشد دفع شود دفع علت استسقا
هر که سورهٔ قصص را نویسد و بشوید بآب باران و بخورد علت
استسقا و جملهٔ دردها دفع شود دفع کدو دانه هر که این آیت را
بر سه پارهٔ تسکو خلوند و بر سه پارهٔ دیگر نویسد و هر روز یک پاره را
بناشتا خورد صحت یابد و دیگر بعد از آن او را علت کدو دانه شود
آیت اینست بسم الله الرحمن الرحیم يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا
بَنُونَ اِلَّا مَنْ اَتَى اللهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ دفع سنگ مثانه هر که سورهٔ
الم نشرح را نویسد و بشوید و بخورد سنگ مثانه دفع شود
دفع نارو هر که این دعا را نویسد و بر نارو بندد زود صحت
یابد و اگر کسی با خود دارد هرگز او را نارو نشود باذن الله تعالی

دعا

دعا اینست اللهُ اَكْبَرُ اَنْتَ يَا نَارُو وَلِمَا تَكْبُرُ فَمَاتَ محمد صلی الله
علیه وسلم فَمِتْ بِاِذْنِ اللهِ عز وجل اَنْتَ دفع علت برص هر که
سورهٔ لم یکن را نویسد و بر صاحب برص بندد نیکو شود باذن
الله تعالی جل جلاله فصل ششم در حمل گرفتن
از منافع قرآن اگر کسی فرزند ندارد و زنش عقیمه است این آیت
را بگلاب و زعفران نویسد بر پارهٔ تسکو در شب آدینه در نیم شب
چنانکه کسی نه بیند نزدیکی و آن تسکو را مرد خورد و ان بلای زن
علیحده نویسد و او را دهد تا بخورد دو سه بار همچنین بکند بفرمان
خدای تعالی ضعیفه بار گیرد و فرزند شود آیت اینست بسم الله
الرحمن الرحیم يَا اَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ
نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً
وَاتَّقُوا اللهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْاَرْحَامَ اِنَّ اللهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا
زیادت شدن شیر را هر که سورهٔ حجر را بزعفران نویسد و بشوید
و بخورد عورتی را دهد که او را شیر کم شده باشد تا بخورد شیر او
بسیار شود بفرمان خدای تعالی والله الهادی فصل هفتم در
علاج طفلان در سلامتی فرزند حمل اگر سورهٔ حجرات را زن حامله
با خود دارد خدای تعالی حمل او را از جملهٔ خوفها نگاه دارد علاج بر
آمدن دندان هر که سورهٔ ق را نویسد و بشوید بآب پاک و از آن

آب دهان طفل را شوید دندان او بآسانی بی هیچ زحمت براید از برای
شیر باز کردن را هرکه سورهٔ والسماء ذات البروج را نوسید بزعفران
و بر طفل که از شیر باز کرده باشند او را گذاشتن شیر آسان کردد
بیرون آمدن سخن را هرکه سورهٔ بنی اسرائیل را بزعفران نویسد
و بشوید باب و طفل را دهد تا اکرچه سخن درست نمیتواند کفتن
سخن کویان شود بفرمان خدای تعالی سلامتی بچه را هرکه سورهٔ
لا اقسم بهذا البلد را نویسد و بر طفل بندد که نوزاده باشد آن
بچه ایمن بود از همه آفتها و نقصانها و اکر بشوید و آب را در بینی بچه
چکاند دفع تب پیوسته شود و هرچه خورد کوارنده شود دفع آبله را
اکر کسی خواهد که بچه را آبلهٔ اندک براید و از چند دانه معدود نکذرد
این تعویذ را باین نوع نقش کند و بر بازوی وی نهد حق تعالی بفضل
و کرم خود او را بزودی شفا دهد تعویذ اینست جهت دفع آبله

الحمد لله نوزده	رب العالمین ده	الرحمن الرحیم سه	مالک یوم الدین سیزده
ایاک نعبد ده	و ایاک نستعین هژده	اهدنا الصراط سیزده	المستقیم هفت
صراط الذین هژده	انعمت علیهم دوازده	غیر المغضوب چهار	علیهم دو
و لا الضالین یازده	آمین پانزده	بسم الله هفت	الرحمن الرحیم پنج

تعویذ از برای کشایش بخت دختران هرکه سورهٔ احزاب را در پوست
آهو یا در کاغذ تنک به نیت بخت دختران نویسد و در خانه نکاه دارد
حق سبحانه و تعالی بخت آن دختر را کشاده کرداند تا مردم بخواستکاری
آیند و مال صرف کنند و او را باعزاز تمام قبول کنند فصل هشتم
در دفع مضرتها و فسقها و فتنها هرکه سورهٔ اعراف را نویسد بکلاب و زعفران
و با خود دارد ایمن شود از کزیدن مار و از کژدم و از شر دشمنان و راه
راست اسلام را هرکز کم نکند دفع کرم غله هرکه آیة الکرسی را بر سفال
نو آب نارسیده نویسد و در انبار غله نهد کرم در ان غله نیفتد و برکت
در ان غله پیدا شود دفع شراب خوار هرکه سورهٔ حم المؤمن را نویسد
بر جام سفید و بر کردن کسی که شراب خوار باشد بندد بعد از ان چنان
شود که هرکز شراب نخورد و اکر شراب خورد یا شراب خوار را ببیند
دشمن دارد دفع سرقه و زنا و اباق هرکه سورهٔ قصص را نویسد
در پوست آهو و بر کردن بندهٔ که زناکار باشد بندد یا بر کردن بندهٔ که
کریزپا بود یا دزد بود بنده خدای تعالی او را توبه دهد و این خصلتهای
بد ناشایست از وی دفع شود دفع احتلام هرکه سورهٔ یس را هر شبی
خواند در ان شب تا صبح از شر شیطان و اتباع او ایمن بود فصل
نهم در دفع موذیات هرکه خواهد که دفع موش کند بیارد دو شرابه و
این دعا را درمیان شرابه نویسد و شرابهٔ دیکر را سرپوش او نهد و در

یا چهار گوشهٔ خانه دفن کند موشان دفع شوند دعا اینست عقدتُ اَسنانَ
الفأر الصّغارِ والکبار من الدیار والزروع والثمار وورقِ الاشجار
وصلی الله علی النبی المختار وعلی اصحابه الابرار وائمته الاخیار ویا من
هو هو ویا من لیس له الا هو وصلی الله علی خیر خلقه محمد وآله اجمعین
دفع پشه وغسق بیار پارهٔ ریگ دریا واین آیت را بر خوانند و بر ریگ را
گرد بر گرد خود انداز همهٔ پشه وغسق از آن موضع دور شوند و ناپدید
کردند آیت اینست بسم الله الرحمن الرحیم فالله خیرٌ حافظاً وهو
ارحم الراحمین فتبارک الله احسن الخالقین استودع الله دینک
ومالک وزوجک از تفسیر مغنی در حدیث گفت که اگر کسی را پشه و مگس
زیان رساند بگیرد قدحی از آب وبروی هفت بار این آیت را بخواند
که بسم الله الرحمن الرحیم وما لنا الا نتوکل علی الله وقد هدینا
سُبُلَنا ولنصبرنّ علی ما آذیتمونا وعلی الله فلیتوکل المؤمنون
فان کنتم آمنتم بالله فتوکلوا عنا شرّکم واذاکم پس این آیت را
گرد بر گرد فراش خود زند بدرستی که شب این خسبد از شر ایشان
دفع زنبور هر که قدری نمک آب کند و در خانهٔ زنبور ریزد واین
دعا را سه بار بخوانند وسه بار گوید که از اینجا بروید در یک هفته همه بروند
و ناپدید شوند دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم بحق آهیا
شراهیا آذونی اصباوت بحق وعنت الوجوه للحی القیوم دفع مورچه

هر که

هر که این آیت را بر آب خوانند و در خانهٔ مورچه ریزند همه از آنجا بروند
آیت اینست حتّی اذا اتوا علی وادِ النمل قالت نملةٌ یا ایّها النمل
ادخلوا مساکنکم لا یحطمنّکم سلیمان وجنوده وهم لا یشعرون
افسون کژدم هر که نمک آب کند وبر آن موضع که گزیده کی کژدم
باشد سورهٔ اخلاص و معوذتین خوانند صحت یابد از تفسیر مغنی
در بیان ثواب کشتن موذیات عایشهٔ صدیقه رضی الله عنها و
عن ابیها گفت از پیغامبر صلی الله علیه وسلم شنیدم که گفتند هر که
کشد گروش وکژدم وغنده را خدای تعالی از صحیفه اعمال او هفت
گناه را محو کرد اند عبد الله مسعود رضی الله عنه گفت از پیغامبر علیه
السلام شنیدم که گفت هر که بکشد زنبور را نوشته شود مر او را سه نیکی
و پاک کرده شود از دیوان اعمال وی هفت بدی والله اعلم
فصل دهم در عصمت چهارپایان امام جعفر صادق رضی الله عنه
گفت هر که سورهٔ الحمد انعام را بنویسد وبر گردن چهارپایان بندد آن
ستور سلامت بود از جملهٔ بلاها و آفتها بعون الله تعالی فصل
یازدهم در یافتن دزد دیده وگم شده در حدیث آمده گفت که هر کرا چیزی
گم شده باشد ویا آنکه دزد دیده باشند پس بروی باید که آبدست پاک
کند و دو رکعت نماز گزارد در رکعت اول بعد از فاتحه سورهٔ والضحی
خوانند و در رکعت دوم سورهٔ الم نشرح خوانند بعد از سلام دست بر آرد

وكلويد اللهم يا هادي الضال والضلالة اردد ضالتي بعزتك وسلطانك
فانها من فضلك خدای تعالی بکیم و کمال خود آن چین کم شده و دزد
را روزی کرده اند دیگر جهت برده گریخته و کم شده بگیرد قفل را
و هفت بار سوره یس را بخواند تا آنجا که و جعلنی من المکرمین
و در آخر نام گریخته را یاد کند و قفل را ببندد و در میان سبوی آب
اندازد غلام سرگردان شود و نتواند گریختن و زود باز آید
دیگر هر کرا برده گریخته باشد نویسد سوره والضحی را بر کاغذ حلقه در
با بسم الله الرحمن الرحیم چنانک دایره در میان چهار کنج کاغذ
باشد در هر یکی کنج نام یکی از صحابه معظم را نویسد اول نام امیر
المؤمنین ابو بکر صدیق رضی الله عنه و دوم نام امیر المؤمنین
عمر خطاب رضی الله عنه و سیوم نام [امیر المؤمنین] عثمان رضی الله عنه و چهارم
نام امیر المؤمنین علی رضی الله عنه و در میان کاغذ عدلی سفید
شهر را بپچد و در میان مصحف نهد یا در جایی که خوابگاه برده گریخته
باشد در زیر بالین کردان بنهد امیدست که همان روز بنده گریخته
پیدا شود

باب هژدهم در زیادت شدن حفظ

نقل از وصایای رسول صلی الله علیه وسلم فرموده اند که یا علی بدانک پنج
چیز فراموشی آرد یکی خوردن سؤر موش و دوم مستقبل قبله بول
کردن و سیوم در آب ایستاده بول کردن و چهارم بر خاکستر بول کردن

و پنجم

و پنجم خوردن حرام از خالصة الحقایق رسول علیه السلام فرموده اند که
شستن سر حفظ را زیادت کند و سر نا شستن و ریم گذاشتن حفظ
را نقصان کند از احیاء العلوم امیر المؤمنین علی رضی الله عنه گفت
سه چیز حفظ را زیادت کند و بلغم را کم کند و غم را از دل ببرد اول
تلاوت قرآن دوم روزه داشتن سیوم مسواک کردن دعاء حفظ
مرویست از پیغامبر صلی الله علیه وسلم هر که این دعا را بزعفران در
جای پاک نویسد مثل طشت و طبق و رو پینه بعد ازان در شب
بنهد در جایی که بلندی باشد تا ستاره بروی تابد چنانک میان ستاره
و طشت هیچ حایل نباشد بعد ازان بآب باران بشوید و سه شبانه روز سه
مثقال انگبین بناشتا بخورد حفظ وی چنان شود که هر چه را که خواند و شنود
یاد ماند بقدرة الله تعالی دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی
اسألك ولا اسأل غيرك وارغب اليك ولا ارغب الى غيرك يا معطي السائلين
ومنتهى الراغبين ومأمن الخائفين وجار المستجيرين يا فتاح الخيرات
يا مقيل العثرات يا ماحي السيئات يا كاتب الحسنات يا رفيع الدرجات
و اسألك بافضل اسمائك كلها واعظمها وانجحها الذي لا ينبغي للعباد ان
يسألونك الا بها يا الله يا رحمن وباسمائك الحسنى كلها وباسمائك العلى واحسنها
واشرفها عندك منزلة واقربها منك وسيلة واجزلها منك اجابة وباسمك
المخزون المكنون الجليل الاجل العظيم الذي تحبه وترضيه وترضى عمن

دعاک به و یستجیب له دعاوه حقاً علیک ان لا تحرمه به السائلین و بحق کل اسم
جملة عرشک و ملائکتک و اصفیائک من خلقک و بحق الداعین الیک و
المتعوذین بک المتضرعین لدیک و بحق کل عبد فی بر او بحر او سهل او
جبل دعاک به و ادعوک دعاء من قد اشتدت فاقته و عظم جرمه
و ضعفت قوته و اشرفت علی الهلکة نفسه یا الله یا رحمن یا رحیم الهی
انت ربی و انا العبد الهی انت الملک و انا المملوک و انت القوی و انا
الضعیف انت العزیز و انا الذلیل انت الغنی و انا الفقیر انت الرحیم
و انا الخاطی انت المحسن و انا المسیء انت الکریم و انا اللئیم انت
الغفور و انا المذنب انت الحق اللهم اشکو و استعین الیه و ارجوه
و اساله الکریم فکم من مذنب قد غفرت له و کم من مسیء قد جاوزت
عنه من وضیع قد شرفته و کم من طرید قد اویته و کم من بلاء قد
دفعته فانا عبدک الهی فارزقنی حفظ کتابک فی قلبی کما انک اتخذت
ابراهیم خلیلاً و کلمت موسی تکلیماً و ایدت روح القدس و کان تبرئ
الاکمه و الابرص و یحیی الموتی باذنک یا الهی اسالک بحق صلواتک
علی رسولک و خیرتک من خلقک ان ترزقنی حفظ کتابک یا مجیب
دعوة المضطرین یا معطی السائلین انک نعم المولی و نعم النصیر
برحمتک یا ارحم الراحمین امیر المومنین علی رضی الله عنه
میگوید که چون من این دعا را مجنین که مسطور است عمل کردم حفظ من

بجدی رسید که هرچه شنیدمی یاد کرفتمی و همچنان یاد ماندی و هرگز
فراموش نشدی اکر ناگاه صوت مغنیانرا یا نوحه نوحه کرانرا شنیدمی
انکشت در گوش کردمی تا آنجمله ایشان میگویند یاد نماند و عبد الله عمر
و انس ابن مالک رضی الله عنهما همچنین نقل کرده اند ایضاً مروی است
از برای حفظ از خواجه محمد هیثم رضی الله عنه از کتاب القنوت
بغایت مجرب است هرکه این دعا را نویسد بزبان تنک و سه روز بنا
بخورد حفظ او زیاد کردد دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم انی اسالک بحق کتابک الذی جعلت فی صدر نبیک محمد علیه
السلام ان علینا جمعه و قرآنه یمحوا الله ما یشاء و یثبت و عنده
ام الکتاب اسالک ان تمحوا السهو من قلبی و ان تطهره من کل
دنس و همه حتی اوعی کتابک و ما ترضی به عنا فانک تهدی من
هدیت من نفسک یا جابر من جبرت یا نورا ملاء جوفنا بنورک یا
ملک یا مقتدر اشهد انک علی ما تشاء قدیر و صلی الله علی محمد و آله اجمعین
دیگر اکر کودکی را در سخن کفتن زبان نمیگردد باید که سوره بنی اسرائیل
را بمشک و زعفران نویسد و بشوید و او را بدهد تا بخورد کودک فصیح کردد
بقدرة الله تعالی معاذ جبل رضی الله عنه کفت که پیغامبر علیه السلام
فرمودند که هرکه نویسد برکف دست خود آیة الکرسی را هفت بار و آنگاه
بلیسد حق تعالی حفظ او را کشاید که هرچیزیرا که یاد کرفته باشد هرکز فراموش

مرویست از پیغامبر صلی الله علیه وسلم باسناد درست هرکه نویسد
بمشک وزعفران فاتحة الکتاب وچهار قل وسورة الحشر وسورهٔ تبارک
الذی بیده الملک وسورة القارعة چون این سورها نوشته شود بآب
پاک بشوید وبخورد بوقت سحرگاه شش مثقال مستکی وده درم شکر
وده مثقال انگبین سفید وآن روز روزه دارد وچون زوال کردد
دو رکعت نماز گزارد در هر رکعتی یکبار فاتحه وسورهٔ اخلاص پنجاه
بار چهل روز نگذشته باشد که بعنایت حق تعالی حفظ بر کمال شده
باشد **دعای حفظ** هرکه چهل صباح پیش از بلند شدن آفتاب برین
ترتیب بخواند اول فاتحه سه بار وسه بار سبحان الله والحمد لله تا
آخر گوید وسه بار درود فرستد واین آیت را ده بار خواند که بسم الله الرحمن
فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَكُلًّا آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَسَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ
يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ وَكُنَّا فَاعِلِينَ ویکبار این آیت را بخواند که اَللّٰهُمَّ
یَا رَبَّ مُوسَى وَهَارُونَ وَیَا رَبَّ عِیسَى وَاِبْرَاهِیمَ وَیَا رَبَّ مُحَمَّدٍ
صلوات الله علیهم اجمعین اکرمنی بِالْفَهْمِ وَالْحِفْظِ وَارْزُقْنِي
العلم والحکمة وتلاوة القرآن یا قاضی الحاجات اقض حاجتی
واکرمنی بانواع الخیرات یا قریبًا غیر بعید برحمتک یا ارحم الراحمین
بجهت حفظ هرکه این دعا را که ذکر کرده شد برکف دست خود نویسد
واگر بر کاغذ نویسد باید که در شب آدینه نویسد ودر آب روان

یا در چاه آب باز اندازد ویکبار فاتحه وآیت الکرسی وچهار قل را بخواند
ودر آب اندازد ودیگر باید که با آبدست باشد بر نیتی که انداز(د)
مقصود حاصل گردد بفرمان خدای تعالی **مرویست** از امام
جعفر صادق رضی الله عنه هرکه سورهٔ یس را سه روز بگلاب وزعفران
نویسد وبشوید وبخورد حفظ او چنان شود که هرچه شنود
یاد گیرد وهمچنان یاد ماند وبا هرکه مناظره کند غالب آید ودر نظر
مردمان عزیز ومکرم نماید **ایضًا** هرکه سورهٔ فاتحه را بمشک وزعفران در
جام آبگینه نویسد وبگلاب بشوید وبخورد هفت روز بناشتا بخورد
تیز طبع گردد وهرچه شنود یاد گیرد وخاصیت این سوره آنست که
حفظ را زیادت کند ویقین را قوی گرداند وعلم را در دل ثابت دارد
ومعرفت را زیاده کند **ایضًا** هرکه این آیات کلام مجید را نویسد روز
پنجشنبه در اول ماه اول ساعت از روز در جام پاک بمشک وزعفران
وبشوید بآب صافی وبخورد اما باید که در آن روز روزه دار بود تا سه
روز همچنین کند بمطلوب خود رسد وحفظ او غالب گردد **آیت اینست**
بسم الله الرحمن الرحیم الم ذلک الکتاب لا ریب فیه تا آنجا که اولئک
هم المفلحون **ایضًا** هرکه این آیت را نویسد وبا خود دارد اگرچه فراموش
کننده باشد بعده فراموش نباشد بعنایت حق تعالی **آیت اینست**
بسم الله الرحمن الرحیم وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا

مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقٰى
وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلٰوةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ
نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوٰى از ملفوظ شيخ الاسلام فريد الدين
نور الله مرقده هر كه قرآن ياد كرفتن آرزو بودى پيش ايشان آمدى
خواجه عليه الرحمة فرمودى تا نخست سورهٔ يوسف را ياد كرفتى
از بركت آن حق تعالی او را ياد كرفتن تمام قرآن روزى كردانيدى
و بدين درجهٔ عالى مشرف شدى اللهم ارزقنا بلطفك باب
نوزدهم در فضايل متفرقه مرويست كه انس ابن مالك رضي الله عنه
سوكند ياد كرد و كفت بالله العظيم بدرستى كه رسول صلى الله عليه
وسلم سوكند ياد كرد و كفت بالله العظيم حديث كرد مرا جبرئيل عليه
السلام و كفت بدرستى كه خبر كرد مرا بالله العظيم رب العالمين
يعنى اسرافيل و كفت بالله العظيم كه از حضرت عزت اين ندا
شنيدم كه يا اسرافيل بعزت و جلال من كه خداوندم هر موء منى و
موء منه كه سورهٔ فاتحه را متصل به بسم الله الرحمن الرحيم
خواند شما كواه باشيد كه من تمام كناه او را آمرزيدم و از سختئ
حساب نجات دادم و كذشتن پل صراط را بروى آسان كردانيدم
و اين بنده فرداى قيامت مرا پيش از انبيا و اوليا بيند و منشد
امان از قطيعت بدست او دهم سوال بدانك در حديث چند

اشكال

اشكالست مراد ازين اتصال چه ميخواهد لفظ الرحيم را بلام الحمد
پيوستن يا معنى ديكر ميخواهد جواب مصنف رحمه الله
ميكويد كه از استاد خود امام عميد مجد الدين قدوة المحققين
عثمان بن عمر كاتب طيب الله ثراه شنيدم در معنئ اين حديث
بزركوار مراد ازين اتصال آن اتصال است كه در ميان تسميه و
خواندن فاتحه هيچ عملى از اعمال دنيا خاطر و ضمير را مشغول
نكرده اند و هيچ انديشهٔ باطل باطن را مستغرق نسازد تا ثواب اتصال
حاصل آيد اكرچه لفظ الرحيم را بلام الحمد پيوندد سوال بمجرد
خواندن فاتحه حق تعالی را آمرزيدن كافران چكونه درست آيد جواب
ميكوييم كه اصل كفر در لغت عرب سترست يعنى پوشيدن و عرب شب
تاريك را كافر خوانند يعنى كه جملهٔ اشيا را به ظلمت خود مى پوشد و ديكر مردى
كه زير پيراهن زره دارد او را نيز كافر خوانند چون درست شد كه
معنئ كفر در لغت پوشيدن است و تاريكى معنئ حديث چنان باشد كه
حق تعالی هر خواننده فاتحه را متصل به بسم الله الرحمن الرحيم بيامرزد
اكرچه آنكس حقى را پوشيده باشد يا در تاريكئ معصيت مانده باشد
سوال تاويل اين حديث چكونه درست آيد كه پيش از انبيا و اوليا
مرا بيند جواب اينجا كلمه مضاف را مقدم داريم اى پيش ثوابى چنانكه
در قرآن آمده است قوله تعالى وَاسْأَلِ الْقَرْيَةَ الَّتِي يعنى بيند ثواب

رحمت مرا که بسته بشفاعت یعنی محمد رسول الله در عرصات میکرد
و گناه کاران را شفاعت میکند و از دست زبانیه خلاص میدهد
و پیش از خود ببهشت میفرستد این معنی بدین تأویل درست آید
از تفسیر منیر در حدیث آمده است از پیغامبر علیه السلام که خدای
عز وجل را بنده باشد که او را در عافیت زنده دارد و در عافیت ممات
دهد و در عافیت بگور در آرد و بعافیت در روز قیامت در بهشت
جای دهد گفتند یا رسول الله چه سبب فرمود بدان سبب که
این بنده بسیار خواند این آیت را که بسم الله الرحمن الرحیم
رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ
از ملفوظ شیخ الاسلام فریدالدین قدس الله سره العزیز شیخ
فرمودند که در تفسیر امام ضحاک رضی الله عنه نوشته دیدیم که هر که خواهد
که اعمال او بشرف قبول حق عز وجل آراسته گردد باید که این آیت
را بسیار خواند که بسم الله الرحمن الرحیم رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ
أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ اگر کسی خواهد که در همه احوال صابر باشد
و قدمش در کارها ثابت بود و دشمنان بروی ظفر نیابند این آیت
را بسیار خواند که بسم الله الرحمن الرحیم رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا
وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ جون که بعد
حق عز وجل جمع شود این آیت را بسیار خواند که بسم الله الرحمن

[illegible]

ربنا

رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ
بعد از آن بلفظ مبارک خود راندند که چون بنده در ملازمت و مداومت
کردن این آیات ربانی و کلام سبحانی با دوستان خدای تعالی جمع شود
چرا باید که خود را از این سعادت محروم دارد و نخواند بعد از آن
حضرت شیخ فرمود که چون کسی را چیزی غایب شود یا بوده که
گم گشته باشد و بزودی خواهد که حاصل شود یا خواهد که فرزند عزیز
شایسته پارسا عالم عامل خدای تعالی وی را روزی کند این آیت را
بسیار خواند که بسم الله الرحمن الرحیم رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ
ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ مرویست که زکریا پیغامبر علیه
السلام در مناجات همین دعا خوانده بود که حق تعالی دعاء وی را اجابت
کرد و فرزندی صالح همچنین یحیی پیغامبر علیه السلام روزی کرد
آورده اند که مردی بخدمت خواجه محمد سیوستانی رحمة الله علیه
آمد به نیت فرزند و روی نیاز بر زمین آورد و خدمت و خاکبوسی
کرد شیخ از ضمیر خود فرمود مر او را که این آیت را بملازمت و مداومت غایت [?]
حق تعالی ترا فرزند شایسته صالح روزی خواهد کرد آن مرد همچنان ملازمت
و مداومت نمود حق تعالی او را پسری داد که صاحب سجاده شد که
هفتاد حج پیاده آورد جون مردمان خواهند که در وعده های
نیک مردان رسند و رنج عرصات قیامت را نه بینند باید که این

آیت را بسیار خوانند که

بسم الله الرحمن الرحیم رَبَّنا وَآتِنا ما وَعَدْتَنا عَلی رُسُلِکَ وَلا تُخْزِنا یَوْمَ
الْقِیامَةِ اِنَّکَ لا تُخْلِفُ الْمِیعادَ می آرند که مردی در بخارا در فسق از
حد مشهور بود چون او از دنیا نقل کرد مسلمانی او را در خواب دید که
در میان اولیا و دوستان خدای عز و جل ایستاده گفت درین مرد حیرتی
و تعجبی پدید آمد گفت این دولت را از کجا یافتی گفت در تفسیر کشاف
نوشته دیده بودم که هر که این آیت را که ذکر کرده شد بسیار خواند
حق تعالی او را با نیک مردان دارد اکنون من مصدق خوانده ام خدای
تعالی اندک پذیر بسیار بخشش گفت از من آن طاعت را قبول کرد و افعال
زشت و کردارهای بد مرا آمرزید و مرا در کار این آیت کرد و در میان
نیک مردان جای داد چون مردمان خواهند که از صحبت ظالمان
نجات یابند این آیت را بسیار خوانند که بسم الله الرحمن الرحیم
رَبَّنا اَخْرِجْنا مِنْ هٰذِهِ الْقَرْیَةِ الظّالِمِ اَهْلُها وَاجْعَلْ لَنا مِنْ لَدُنْکَ
وَلِیًّا وَاجْعَلْ لَنا مِنْ لَدُنْکَ نَصِیرًا پس حق تعالی خواننده این آیت را
بصحبت دوستان خود رساند و مظفر و منصور گرداند و از صحبت
ظالمان و بدکرداران دور دارد چون مردمان خواهند که با ظلمه و
فسقه جمع نشوند در دنیا و آخرت این آیت را بسیار خوانند که
بسم الله الرحمن الرحیم رَبَّنا لا تَجْعَلْنا فِتْنَةً لِلْقَوْمِ الظّالِمِینَ چون
مردمان خواهند که از شر شیطان و از شر ظالمان ایمن باشد حق

تعالی

تعالی ایشان را و اولاد ایشان را به بت پرستی مبتلا نگرداند این آیت را بسیار
خوانند که بسم الله الرحمن الرحیم وَاِذْ قالَ اِبْراهِیمُ رَبِّ اجْعَلْ هٰذَا الْبَلَدَ
آمِنًا وَاجْنُبْنِی وَبَنِیَّ اَنْ نَعْبُدَ الْاَصْنامَ چون مردمان خواهند که
کافران بر ایشان مشغول نشوند این آیت را بسیار خوانند که بسم الله
الرحمن الرحیم رَبَّنا لا تَجْعَلْنا فِتْنَةً لِلَّذِینَ کَفَرُوا وَاغْفِرْ لَنا رَبَّنا اِنَّکَ
اَنْتَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ

در فضیلت سورهٔ اخلاص از وسیلة القلوب

روایت کرده اند از صحابه رضوان الله تعالی علیهم اجمعین که رسول علیه
السلام فرمود هر که یکبار سورهٔ اخلاص را خواند برکت داده شود بروی
و بر اهل بیت و بر همسایگان و هر که دوازده بار خواند دوازده قصر بنا کرده
شود برای او در بهشت و هر که بیست بار خواند فردای قیامت با پیغامبران
علیهم السلام چنانه نزدیک شود که انگشت شهادت با انگشت میانه و هر که
صد بار خواند گناه بیست و پنج ساله او را آمرزیده شود و هر که چهارصد
بار خواند ثواب چهارصد شهید که در راه رضای حق تعالی خون ریخته باشند
و اسبان کشته باشند در نامهٔ او نویسند و هر که هزار بار خواند نمیرد
تا جای خود را در بهشت نه بیند از کفایهٔ شعبی مرویست که هر که قل هو
الله احد را مدام خواند امر کند خدای تعالی ملایکه را تا از برای او در بهشت
کوشکی بنا کنند خشتی از زر و خشتی از نقره و چون از خواندن قل هو الله
احد ساکن شود ملایکه نیز از عمارت ساکن شوند پس ملایکهٔ دیگر

بدان کوشکها گذر کنند

کو ینده جرا عمارت را در توقف داشته اید ایشان کویند صاحب عمارت
در نفقه توقف داشته است ما هم عمارت او را در توقف داشته ایم چون
نفقه بما رسد بعمارت مشغول شویم از تفسیر منیر قوله تعالی وَقَدِّمُوا
لِأَنْفُسِكُمْ عبد الله عباس و مجاهد رضی الله عنهما کفتند که پیغامبر علیه
فرموده اند که پیش فرستید در حالت مجامعت کردن با عیالان خود از
برای روز بیچارکی را ثوابی و آن ثواب آنست که پیش از انک بنده
نزدیکی کند مر حق تعالی را عز و جل یاد کند در کتب جنان آمده است که پیش
از انک دست فرا زن خواهی که کنی باید که تسمیه و اخلاص خوانی پس بکویی
که اَللّٰهُمَّ جَنِّبْنِی الشَّیْطَانَ مِمَّا رَزَقْتَنِی و دران میان هیچ سخن ما لا یعنی
نکوید و از دست راست براید و از دست چپ فرود آید و باخود نرم نرم
کوید که اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی اَحَلَّ النِّکَاحَ وَحَرَّمَ السِّفَاحَ وَارْزُقْنِی
حَلَالًا طَیِّبًا مقاتل بن سلیمان رحمة الله کفت هیچکس نباشد که از جنین
مجامعت فرزندی آید اکر پیش از شما بمیرد شفیع باشد و اکر بعد از
شما ماند دعا کوی شما بود خواجه امام رحمة الله کفت که این نیت نیکو است
که مومن کند و آن بر چهار وجه است یکی آنک نیت کند که بدان حلال
خویشتن را از شهوت فارغ کنم تا بحرام نیفتم دوم آنک حق تعالی فرزندی
دهد که او را بوحدانیت و پاکی یاد کند سیوم آنک دل مرا از حرام فارغ
کرداند چهارم آنک اکر باین سبب مرا غسل واجب می شود ثوابی حاصل آید

و کناه

و کناه من آمرزیده شود و الله الهادی

باب بیستم

در سبب زوال ایمان و عذاب دوزخ و عصمت از عذاب کور و این
باب مشتمل است بر شش فصل

فصل اول

در عصمت
از عذاب کور و سبب زوال ایمان روایت میکنند از امیر المومنین علی
رضی الله عنه که پیغامبر علیه السلام فرموده اند مر جبرئیل را صلوات الله
علیه که یا روح الامین مرا رهنمونی کن بچیزی که چون امت من آن عمل
را کنند مر ایشانرا عذاب کور نباشد جبرئیل کفت یا رسول الله بدان
بدرستی که خدای تعالی فرستاده است از برای امت تو هدیه کفتم یا اخی
جبرئیل آن هدیه کدام است کفت دو رکعت نماز است در شب جمعه در هر
رکعتی فاتحه یکبار و آیة الکرسی یکبار و اذا زلزلت سه بار هر که این
نماز را کزارد البته او را عذاب کور نباشد از ملفوظ شیخ الاسلام
فرید الدین نور الله مرقده فرموده که وقتی حضرت امیر المومنین
عبد الله عباس را رضی الله عنهما پرسیدند که هست خبری و حدیثی
نزدیک شما که صفت ضغطه کور را فرموده که در شب جمعه دو رکعت نماز کزارید
بجا آنید در هر رکعتی بعد از فاتحه سوره اذا زلزلت پانزده بار این نماز
سبب امان شما باشد از ضغطه کور یعنی از فشردن کور و دیکر فرموده اند
که هر که این نماز را کزارد چنان باشد که پانزده بار قرآن را ختم کرده باشد
و او را از فشردن کور امان باشد در وصیة القلوب آورده است که هر که

خواند

بر سر قبری که رسد بسم الله ربنا وعلی ملة رسول الله بردارد خدای تعالی عذاب
گور و تنگی و تاریکی گور را از صاحب گور چهل سال در اصول صفار
آورده است که پرسیده شد از خواجه ابو القاسم حکیم سمرقندی رحمة الله
علیه که هست گناهی که زوال یابد ایمان از سبب شومی آن گناه فرمود
که هست گفتند کدامها ست گفت یکی آنکه حق تعالی نعمت ایمان و مسلمانی
بنده را عطا کرده باشد او شکر نگوید و تارک صلوٰة باشد روایت میکند
شمس الائمه عثمان ابن امام احمد حنبل رحمة الله علیه که هر که خواهد
ایمان وی بسلامت ماند سه چیز را بجای آرد اول آنکه در همه حال
شکر اسلام گوید دوم آنکه ترسد از زوال ایمان سیوم آنکه رحمت و
شفقت کند بر مسلمانان اما عذاب گور بعضی مومنان را است از
سبب خباثت بول و تاخیر داشتن نماز و فراموش کردن مو ک
فقیه ابو اللیث رحمة الله علیه گفت عذاب گور از پنج چیز است
از بول و جنابت و ترک نماز و غیبت و سخن چینی فراخی و روشنایی
گور از پنج چیز است از طهارت پاک و گزاردن نماز و خواندن قرآن و
تسبیح گفتن و صدقه دادن از ملفوظ شیخ الاسلام فرید الدین رحمة
الله علیه فرمود که شنیدم از زبان خواجه قطب الدین بختیار قدس الله
روحه العزیز گفت که در خبر آمده است که از رسول علیه السلام که گفت
هر که سورة تبارک الذی بیده الملک را خواند نزدیک میت در وقت دفن

کردن

کردن سه بار این دعا را خواند که اللهم انی اسالک بحق محمد صلی الله علیه وسلم
ان لا تعذب هذا المیت خدای تعالی از وی عذاب را بردارد تا آن زمان
که صور دمیده شود از کفایهٔ شعبی مرویست از انس بن مالک رضی
الله عنه که پیغامبر علیه السلام فرمود که وزیدن بادها و قطرات باران
بر قبر مومن کفارت گناهان اوست مظفر دریا گفت از مهتر خضر
علیه السلام پرسیدم که هر که در روز آدینه میرود یا در ماه رمضان
میرد و از دنیا با توبه رود او را عذاب گور باشد یا نی گفت از مهتر
عالم صلی الله علیه وسلم شنیدم که گفت دو گروه را عذاب گور نکنند
یکی آنکه روز آدینه میرود و دوم آنکه در ماه رمضان میرود
از تفسیر مغنی پیغامبر علیه السلام فرموده اند که خدای تعالی عذاب گور را
نکند در گور مر موذن را و مر شهید را و مر کسی را که در شب جمعه یا در
روز جمعه مرده باشد رسول علیه السلام فرموده اند که هیچ شبی نمی
آید بر میت سخت تر از شب اول گور و رحمت کنید بر مرده کان خود
بچیزی از صدقه و اگر صدقه نتوانید کردن دو رکعت نماز گزارید بخوانید
در هر رکعتی بعد از فاتحه آیت الکرسی یکبار و قل هو الله احد یکبار و سورة
الهیکم التکاثر ده بار چون سلام نماز دهید بگویید ای بار خدای
ثواب این نماز بروح فلان میت برسان خدای تعالی فرستد در قبر آن
میت هزار فرشته را با نورها و هدیه دهد مر او را خدای تعالی ثواب هزار
شهید

رسول علیه السلام فرمودند هرکه خواهد که نجات یابد از عذاب گور بدوی
باد که ملازمت کند چهار چیز را اول ملازمت کند پنج نماز را و صدقه
دادن و قرآن خواندن و تسبیح بسیار گفتن و از چهار چیز احتراز
کند اول از بول و از جنابت و بی طهارت در مسجد درآمدن و در
مسجد سخن دنیا گفتن رسول علیه السلام فرمودند که پاک دارید
خود را از بول بدرستی که عامهٔ عذاب گور از بول است نقل از اربعین
احادیث سلمان فارسی رضی الله عنه روایت میکند که پیغامبر علیه السلام
فرمودند که ده چیزست که آن سبب درآمدن دوزخ است یکی خوار
داشتن فرمانهای خدای تعالی دوم دوستی کردن با بدکرداران و سیوم
سختی کردن با ضعیفان و چهارم حق وا داشتن بزرگان و پنجم
عزت نا داشتن سادات و ششم روی ترش کردن با سایل و هفتم
جواب سلام نا گفتن و هشتم مردمان را سخره کردن و نهم همسایه را
رنجانیدن و دهم غلام و کنیزک را بی هیچ گناهی آزردن از صلوة مسعودی
رسول علیه السلام فرمودند هرکه توفیق یابد که مرده را کفن کند
خود را حلهٔ آماده کرده باشد در بهشت و هرکه میت را جهت رضاء
حق تعالی بشوید حق عز و جل وی را از گناهان پاک کرده اند هرکه توفیق
یابد که چون مرده را در خاک نهند مشتی خاک بردارد و بر آن خاک دعا
خواند یا کلام الله خواند و بر آن قبر میت اندازد بعدد هر ذرهٔ در آن

خاک

خاک باشد خدای تعالی در دیوان وی ثبت کرده اند و میت را آسایش دهد
تا روز قیامت روایت میکند ثوبان رضی الله عنه که رسول علیه السلام
بگورستانی برگذشت دو شاخ تر را بشکست و بدو خاک فرو برد سوال
کردم که یا رسول الله سبب چه بود فرمودند که صاحب این هر دو گور
مستحق عذاب بودند و اکنون ایشان را عذاب میکنند چون این هر دو
شاخ تر را بدانجا خلانیدم عذاب بر ایشان سهل گشت چراکه هر گیاهی
که تر باشد بزبان حق تعالی را تسبیح و ثنا میگوید ثوبان رضی الله عنه
میگوید که من سوال کردم که یا رسول الله بچه خصلت بدین عذاب گرفتار
شده اند رسول علیه السلام فرمودند که یکی سخن چین بوده است و دوم
جامهٔ خود را از بول نگاه نداشته است آنگاه رسول علیه السلام فرمودند
که اگر در مدت عمر خود یکبار از ماه رجب روزه داشتندی ایشان را عذاب
گور نبودی از خالصة الحقایق آورده اند که شیخ ابوبکر وراق ترمذی
رحمة الله علیه چون وفات یافت بعضی از صلحا او را بخواب دیدند بغایت
اندوهگین ازوی سوال کردند که چرا غمگینی شیخ گفت چون غمگین نباشم که
از ده جنازه که نزدیک ما می آید یکی مسلمان بیش نیست گفتند یا امام المسلمین
هیچ تدبیری هست شیخ فرمودند که هر که در بامداد و شبانگاه این دعا را
خواند خدای تعالی او را از زوال ایمان نگاه دارد دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم
اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أُشْرِكَ بِكَ شَيْئًا وَأَنَا أَعْلَمُ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِمَا لَا
أَعْلَمُ

أَنَّکَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُیُوبِ **فصل دوم** در بیان امان از
منکر و نکیر و سبب عقوبت ایشان و سوال و صفت ایشان **از ملفوظ**
شیخ الاسلام نور الله مرقده سخن در ترسیدن از منکر و نکیر و از تنگیء
گور و از هیبت آن افتاده بود خواجه علیه الرحمه بر لفظ مبارک خود راندکه
مردی از عبد الله عباس رضی الله عنهما پرسید که من قوی می ترسم
از منکر و نکیر عبد الله عباس رضی الله عنهما گفت که من ترا چیزی آموزم
که اگر عمل کنی از ایشان هیچ نترسی آن مرد گفت آن کدام است گفت عبد
الله عباس رضی الله عنهما گفت در هر شب جمعه دو رکعت نماز گزارد در هر
رکعتی بعد از فاتحه صد بار سورهء اخلاص بخواند این نماز مر ترا سبب
امانست از منکر و نکیر بعد از آن شیخ الاسلام فرید الدین قدس الله
سره بر لفظ مبارک خود راندکه چون آن مرد از دنیا نقل کرد او را در خواب
دیدند پرسیدند که خدای تعالی با تو چه کرد و از منکر و نکیر چگونه امان
یافتی گفت ایشان بنزدیک من بدان هیبت و عظمت که مشهور است و
چند گور آمدند و از من سوال کردند من از ایشان عاجز شدم خواستند که
آن عمود را بر سر من زنند درین حالت فرمان رب العزت در رسید که
دست از وی باز دارید که ما او را آمرزیدیم بسبب آن نماز که در شب
جمعه گزارده است آنگاه دست از من باز داشتند **از صلوة مسعودی**
رسول علیه السلام فرموده اند هر که موی لب را دراز دارد و کوتاه نکند

آنکس

آنکس عقوبت کرده شود بسه چیز یکی شفاعت مرا که محمدم صلی الله علیه وسلم
امید ندارد و دیگر آب از حوض کوثر نخورد و سیوم آنکه خدای عز
و جل منکر و نکیر را بخشم و غضب بروی گمارد **از تفسیر مغنی**
در حدیث است که چون بنده را در گور می نهند و روح او را باز
در جسد می درارند دو فرشته با هیبت می آیند که منکر و نکیر
نام ایشانست او را در گور می نشانند و از وی سوال میکنند که مَنْ
رَبُّکَ وَمَا دِینُکَ وَمَنْ نَبِیُّکَ وَمَا قِبْلَتُکَ وَمَا کِتَابُکَ پس بندهء
مومن جواب گوید که رَبِّیَ اللهُ ودِینِیَ الاسلام و نبیّی محمد رسول
الله ایشان گویند خدای تعالی ترا در گور ثابت دارد چنانک ثابت
بودی در حیات خود و در دنیا اقرار بوحدانیت حق تعالی و بکتابهای
وی و برسولان وی و بفرشتگان وی و بروز قیامت کردی آنگاه منادی
ندا کند از آسمان که صدق راست گفتی ای بندهء مومن و گویند
رستی و نجات یافتی ای نیکبخت و شهید مردی و گور او را فراخ
گردانند تا آنجا که نظر او کار کند **آورده اندکه** یزید بن هارون را بعد از
نقل او بخواب دیدند گفتند که خدای تعالی با تو چه کرد گفت حق عز و جل
مرا آمرزید و لیکن در گور من دو فرشتهء عظیم با هیبت در آمدند و سوال
کردند از من که مَن رَبُّکَ وَمَا دِینُکَ وَمَن نَبِیُّکَ پس آنگاه موی سفید خود را
بدست گرفتم و گفتم که از همچو منی این سوال میکنید بدرستی که تعلیم کرده ام

مسلمانان از هشتاد سال چگونه جواب شما را نگویم پس آنگاه آن دو فرشته
در یکدیگر نگاه کردند و از پیش من رفتند **از وسیلة القلوب** در
حدیث آمده است از رسول صلی الله علیه وسلم که فرمودند آنکس که
در مرض موت باشد بگویید او را برفق و آهستگی چنانک او در یابد
و فهم کند که شما چه میگویید و شما این کلمه را میگویید که اشهد ان
لا اله الا الله و اشهد ان محمدا عبده و رسوله لا اله الا الله محمد رسول الله
سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر ولا حول ولا قوة الا بالله
العلی العظیم هرکه در وقت مردن این کلمهٔ شهادت را گوید حق تعالی او را
آمرزد و منکر و نکیر از وی راضی باشند چنانک هیچ رنجی از ایشان بوی
نرسد **از صلوة مسعودی** در حدیث است که هرکه در مرض موت قل هو الله
احد را بخواند در آن حال که وفات نزدیک شده باشد یا پیش از آن بعد از آن
سخن دنیا نگفته باشد این بنده در دست منکر و نکیر در نماند و از فشار
گور ایمن باشد **از تفسیر منیر** در صفت منکر و نکیر عبد الله عباس
رضی الله عنهما فرمود که پیغامبر صلی الله علیه وسلم حدیث منکر و نکیر
چنین بیان کردند که دندانهای ایشان از آهن باشد و بیرون آمده چون
شاخهای چارپایان و از چشمهای ایشان آتش میجهد چون برق و آواز ایشان
چون رعد باشد مویهای ایشان چون بیخ درختان خرما باشد و
دستهای ایشان آهنین بود و بدست هر یکی عمودی بود از آتش آهن

که اگر همهٔ اهل دنیا جمع شوند نتوانند که بردارند این چنین فرشتگان
با هیبت جمع در آیند در گور بنده مؤمن بانگ بروی زنند و گویند که
من ربک اگر مؤمن بود جواب دهد که ربی الله باز بانگ زنند که وما دینک
گوید دین من اسلام است پس گویند ومن نبیک جواب دهد که پیغامبر
من محمد مصطفی است صلی الله علیه وسلم گویند انچه دانستی که محمد مصطفی
صلی الله علیه وسلم پیغامبر است گوید در قرآن که کلام خدای تعالی است در
وی مسطور است که محمد رسول خدای است جل جلاله امیر المؤمنین عمر
رضی الله عنه گفت که یا رسول الله در آن ساعت با هول و خوف که توان
که جواب ایشان گوید حق تعالی این آیت را فرستاد که يُثَبِّتُ اللّٰهُ الَّذِينَ
آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ و اگر نعوذ بالله بنده
کافر بود گوید که آه آه نداند پس بدان عمودها بر سرش زنند که اگر بر کوه
زنند در حال خاکستر گردد و بیک زخم زدن گورش پر آتش شود نعوذ بالله
منها **فصل سیوم** در آسانی سکرات موت و آمدن
ملایکه با ملک الموت علیهم السلام **در خبر است** که هرکه سورهٔ عم یتساءلون
را بعد از نماز دیگر بخواند خدای تعالی آسان گرداند بروی سختیهای موت را
از تفسیر منیر ابی کعب رضی الله عنه گفت که پیغامبر علیه السلام فرمودند
هرکه سورهٔ ق را بخواند خدای عز وجل سکرات موت را بروی آسان گرداند
در خبر است که بر درهای بهشت این کلمات طیبه نوشته است که هرکه در وقت

این کلمات را کو یحق تعالی اورا از زوال ایمان نگاه دارد و از آتش دوزخ نجات
دهد کلمات اینست لا اله الا الله وحده لا شریک له لا اله الا الله له الملک
وله الحمد لا اله الا الله والله اکبر لا اله الا الله ولا حول ولا قوة الا بالله
لا اله الا الله محمد رسول الله **از تفسیر زاهدی** اگر کسی سورهٔ یس را
نزدیک بیماری خواند در حالت موت چون ملک الموت بقبض جان او آید
بعدد هر حرفی که درین سوره هست فرشته منزل شود از جهت کرامت او را
وگروهی صف زنند و دعا گویند و این بنده را آمرزش خواهند وبوقت غسل او
حاضر باشند و دنبال جنازهٔ او روند و نماز گزارند و بر سر قبر او حاضر شوند
و ملک الموت جان او را قبض نکند تا رضوان که خازن بهشت است قدحی
شربت بهشتی نزد وی نیارد از جهت آنک این بنده در وقت قبض روح سیراب
رود و بجنان در بهشت سیراب در آید بفضل الله تعالی **از خالصة الحقایق**
مرویست که داود پیغامبر علیه السلام ایام عمر خود را چند قسم کرده بود
سه روز حکم کردی در میان مردمان و عدل کردی و دو روز تعهد خدمتکاران
و اتباع خود کردی و دو روز در صومعه عبادت کردی چون اجلش نزدیک
رسید هنگام آن شد که دنیا را گذارد روزی در صومعهٔ خود بود که عزرائیل
علیه السلام در آمد چون داود صلوات الله علیه ملک الموت را دید بلرزید
گفت یا اخی بچه کار آمدهٔ گفت آمده ام تا جان ترا قبض کنم داود علیه السلام گفت
عهد ما چون بود نه تو مرا گفته بودی که پیش از موت بچند روز ترا خبر

خواهم

خواهم کرد تو مرا خبر نکردی گفت ای داود ترا رسولان من خبر کردند تو خبر
ایشان را استوار نداشتی داود گفت آن خبر کننده کان کدام اند مرا معلوم
نیست گفت اول پیری که آن نشان مرگ است و دیگر نرم شدن استخوانها
و ضعیف شدن تن و خمیدن پشت و سست شدن اعضا و درد کردن
مفاصل و تیره شدن نظر و کم شدن اشتها و کلان شدن فرزندان
و بالغ شدن نارسیده کان و مردن یاران و دوستان و رحلت کردن
همسایگان داود نبی علیه السلام گفت راست گفتی اما ساعتی مرا مهلت ده
تا بروم و اهل و بیت خود را ببینم و وداع کنم ملک الموت گفت فرمان نیست
گفت بگذار تا سجده کنم پروردگار خود را و بیرون آیم اند نیا در سجده ملک الموت
روح مطهر او را قبض کرد چون چند روز گذشت داود علیه السلام از صومعه
بیرون نیامد فرزندان در طلب او شدند دیدند در صومعه افتاده و جان بفرمان
حق عز وجل داده و از دار فنا رخت بدار بقا کشیده انا لله وانا الیه راجعون
ایضا در خبرست که چون بندهٔ مومن را وفات نزدیک شود هفت صف
از ملایکه پیدا شوند و صفی نزدیک سر میت ایستند و گویند مر او را که لا تخف
ولا تحزن و یک صف دیگر نزدیک دست راست میت برابر او ایستند و گویند
مر او را که وَاَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ و یک صف دیگر نزدیک دست
راست میت ایستند و گویند مر او را که نَحْنُ اَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا
وَفِي الْآخِرَةِ و صف پنجم در هوا ایستند بالای سر میت و گویند مر او را که

نزلاً من غفورٍ رحیم وصف ششم در آسمان دنیا باشند وگویند مر او را که وتلذّ الأعین وانتم فیها خالدون وصف هفتم بشارت دهند که برحمت حق تعالی قریب گشتی وگویند مر او را که یا مؤمن لک البشارة بالبقاء و الخلود فی الجنة و این چنین عنایت والطاف در حق کسی کند فرمانهای خدای تعالی را طاعت کرده است و بدان مستقیم بوده **وهب بن منبه** رضی الله عنه گفت که چون نزع حاضر میشود ملک الموت بقبض روح بنی آدم برآید او سه فرشته دیگر می آیند ملک الانفاس وملک الارزاق وملک الآثار آنگاه ملک الموت میگوید ملک الارزاق را که هیچ چیزی باقی هست از رزق این بنده گوید هست لقمهٔ طعامی او وشربت آشامی بعد از آن ملک الآثار را گوید که هیچ چیزی باقی هست از اثر گوید هست برگشتنی ازین پهلو بدان پهلو بعد از آن ملک الموت پرسد فرشتهٔ رزق را که هیچ از رزق او باقی ماند گوید تمام شد رزق او آنگاه ملک الآثار را پرسد او نیز همین جواب گوید آنگاه ملک الانفاس را پرسد که هیچ باقی هست از نفس او گوید چیزی باقی نیست مگر همین ساعت که دم آخرین اوست که استیفا میشود از دمها که مر او را که در دنیا بود پس آنگاه ملک الموت علیه السلام بیرون آرد طبقی از نور در وی نوشته بود که بسم الله الرحمن الرحیم پس ملک الموت علیه السلام جان را گوید که اجابت کن فرمان حق عز وجل را پس روح از تن بیرون آید سبکتر از چشم زدنی و بجوار رحمت حق عز وجل پیوندد والله الهادی **در حدیث** آمده است که چون عاصیان این امت را طرف

دوزخ روان کنند چون به دوزخ رسند مالک را گویند که یا مالک ما را اجازت ده تا ساعتی بر خود از دست این آتش گریه کنیم مالک ایشان را اجازت دهند پس بگریند بسیار بزاری زار پس مالک گوید مر ایشان را که اگر در دنیا شما میگریستید از خوف این آتش این ساعت ایمن می بودید والله اعلم **فصل چهارم در ثواب زیارت قبور** در خبر است که در روز پنجشنبه در وقت بامداد یا روز آدینه بعد از نماز آدینه یا روز شنبه پیش از طلوع آفتاب بزیارت باید رفتن که ارواح مؤمنان در ان روز و در ان ساعت حاضر باشند چون زیارت کننده بر سر قبر رسد باید که از جانب قبله در آید وگوید که السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ كَيْفَ وَجَدْتُمْ قَوْلَ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَلِمَنْ قَالَ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَةِ مَنْ قَالَ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ پس برابر روی قبر میت نشیند سورهٔ فاتحه واذا زلزلت خوانند وآیت شهد الله خوانند **از کفایة الاسلام** اگر کسی خواهد که در گورستان بزیارت خویشان یا از آن مؤمن دیگری رود باید که دو رکعت نماز یا چهار رکعت نماز در خانه گزارد بخوانند در هر رکعتی فاتحه یکبار وآیت الکرسی یکبار وسورهٔ اخلاص سه بار پس سر بسجده نهد وثواب این نماز را باهل قبور بخشد که بزیارت او رفتن اختیار کرده باشد فاما باید که اول صلوات بر پیغامبر علیه السلام فرستد تا نماز او قبول شود **از مفاتیح المسایل** پیغامبر علیه السلام فرموده اند که هر که خواهد که زیارت قبور کند

دو رکعت نماز گزارد در خانه بخوانند بعد از فاتحه آیت الکرسی یکبار و اخلاص
سه بار و ببخشند ثواب این نماز را بدان میت که خواسته باشد خدای تعالی
منور گرداند قبر آن بنده را بنور خود و بدهد مرین مصلی را ثواب حج و عمره
ایضاً رسول علیه السلام فرمودند هر آن بندهٔ که بایستد بر سر قبر مؤمنی
و این دعا را بخواند حق تعالی آمرزد مر آن میت را گناه پنجاه سالهٔ او را و نویسد
مر او را چهل و پنج هزار نیکی دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله
الذی لا یبقی الا وجهه ولا یدوم الا ملکه واشهد ان لا اله الا الله
وحده لا شریک له الها واحدا احدا صمدا فردا وترا لم یتخذ صاحبة ولا
ولدا واشهد ان محمدا عبده ورسوله جزی الله محمدا النبی عنا ما
هو اهله ومستحقه ومستوجبه وبلغ روحه منا فی هذه الساعة تحیة و
سلاما ایضاً شیخ حسن بصری رحمة الله علیه گفت که افضل زیارتها زیارت
والدین است و افضل ایام زیارت روز جمعه است و روز عیدین و آن
زیارت کردن زندگان درین ایام متبرک که اهل قبور خوشحال و آسوده
میشوند و از زیارت نارفتن غمگین و اندوهگین میشوند از ریاحین رسول
علیه السلام فرمودند هر که زیارت کند قبر مادر و پدر خود را یا یکی از ایشانرا
در روز جمعه خدای تعالی آمرزد او را و نویسد نام او را از نیکوکاران رسول
علیه السلام فرمودند هر که زیارت کند قبر مادر و پدر خود را یا یکی از ایشانرا
در روز آدینه و بخواند بر سر قبر ایشان سورهٔ یس را این بنده آمرزیده شود

آیتی

عز و جل

آیتی و حرفی که خوانده است و آن مادر و پدر او مغفور کردند بعنایت حق
انس ابن مالک رضی الله عنه این تحمید را از پیغامبر علیه السلام روایت میکند که
که رسول علیه السلام فرمودند که هر که آیت آیت الکرسی را یکبار بخواند
و ببخشند ثواب این تحمید را بروح مادر و پدر خود یا بلفظ عربی گوید که
اللهم اجعل ثوابها لوالدی این بنده حق مادر و پدر را ادا کرده باشد و اگر کسی
این تحمید را سه بار بخواند و ثواب او را بروح مومنین و مومنات
بخشند خدای تعالی در آرد بفضل و رحمت خود در هر قبر مؤمنی از مغرب
تا مشرق روشنائیها و فراخ گرداند قبرهای ایشانرا بنور و رحمت خود
تحمید اینست بسم الله الرحمن الرحیم فلله الحمد رب السموات ورب
الارض رب العالمین وله الکبریاء فی السموات والارض وهو العزیز
فلله الحمد رب السموات ورب الارض رب العالمین وله العظمة فی
السموات والارض وهو العزیز الحکیم فلله الحمد رب السموات ورب
الارض رب العالمین وله النور فی السموات والارض وهو العزیز
الحکیم ایضاً انس ابن مالک رضی الله عنه گفت که پیغامبر علیه السلام
فرمودند که چون بخواند بندهٔ مومن آیت الکرسی را و ببخشند ثواب آنرا مر
اهل قبور را خدای تعالی در آرد در هر قبر مومنی از مشرق تا بمغرب
چهل نور و حق تعالی فراخ گرداند قبرهای ایشانرا و بر آرد از برای هر مومنی
درجه و حق عز و جل بدهد مر خوانندهٔ آیت الکرسی را ثواب شصت پیغامبر

وخدای تعالی از هر حرفی فرشته آفریند این فرشتگان تسبیح گویند و آمرزش
خواهند مر او را تا روز قیامت از وسیلة القلوب مذکور است که هر که این آیت
الکرسی را در گورستان خواند حق عز وجل آمرزد اهل آن گورستان را و این خواننده
را نیز برحمت خود مخصوص گرداند آیت اینست اعوذ بالله من الشیطان
الرجیم زَعَمَ الَّذِینَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ یُبْعَثُوا قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّی لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ
بِمَا عَمِلْتُمْ وَذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ یَسِیرٌ فصل پنجم در سلامتی ایمان
و دخول بهشت از فواید الفواد خواجه علیه الرحمة بر لفظ مبارک خود
راندند که علامت بنده مومن در وقت رحلت از دنیا آنست که روی او زرد
شود و جبین او عرق کند از ملفوظ شیخ فرید الدین و از تفسیر منیر
و از وسیلة القلوب هر که خواهد که زندگانیش بخیر باشد و موتش
با سلام این آیت را بسیار خواند که بسم الله الرحمن الرحیم رَبَّنَا أَفْرِغْ
عَلَیْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِینَ هر که خواهد که
حق تعالی او را مسلمان میراند و با صالحانش برانگیزاند این آیت را بسیار
خواند که بسم الله الرحمن الرحیم رَبِّ قَدْ آتَیْتَنِی مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِی
مِنْ تَأْوِیلِ الْأَحَادِیثِ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَلِیِّی فِی الدُّنْیَا
وَالْآخِرَةِ تَوَفَّنِی مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِی بِالصَّالِحِینَ هر که خواهد که نور ایمان
در دل او کامل شود این آیت را بسیار خواند که بسم الله الرحمن الرحیم
رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَاغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ هر که خواهد که دلش

از ایمان ایمن گردد و رحمت حق تعالی نثار او گردد این آیت را بسیار خوانده که
بسم الله الرحمن الرحیم رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَیْتَنَا وَهَبْ لَنَا
مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ اسناد سید الاستغفار روایت
کرده اند که وقتی رسول علیه السلام در مسجد نشسته بودند و صحابهٔ
کرام بر گرد ایشان حاضر بودند رسول علیه السلام قصهٔ پیغامبران ماضی
را بیان میفرمودند درین میان صحابه برخواست و روی نیاز بر زمین
و عرضه داشت کرد که یا رسول الله دلم از ایمان چگونه ایمن شود که با
ایمان خواهم رفت و بچه چیز سکونت و قرار ایمان در دلها حاصل گردد
رسول علیه السلام ازین سخن اندیشه مند شدند جبرئیل علیه السلام
آمد و گفت یا محمد این دعا و استغفار را آورده ام از حضرت رب العالمین
بستان و امتان را خبر کن هر که با این دعا ملازمت نماید حق تعالی دل او را
از ایمان ایمن گرداند و امید بود که از دنیا با ایمان رود و نزول این دعا و
استغفار دران روز بود که اصحابی التماس کرده بود بعد ازان حضرت
رسالت علیه السلام بر لفظ مبارک خود راندند که هر که این استغفار را در روز
یکبار خواند اگر دران روز بمیرد از اهل بهشت باشد و اگر دران شب بمیرد
که این استغفار را خوانده باشد بعنایت حق عز وجل در بهشت در آید
استغفار اینست بسم الله الرحمن الرحیم اللّٰهُمَّ أَنْتَ رَبِّی لَا إِلٰهَ
إِلَّا أَنْتَ خَلَقْتَنِی وَأَنَا عَبْدُكَ وَأَنَا عَلَىٰ عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ

وَاَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ اَبُوْءُ لَکَ بِنِعْمَتِکَ عَلَيَّ وَاَبُوْءُ لَکَ بِذَنْبِي فَاغْفِرْ لِي
فَاِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوْبَ اِلَّا اَنْتَ عبد الله عباس رضی الله عنهما گفت که
چون این استغفار را از زبان مبارک رسول علیه السلام شنیدم در عقب
هر نماز فریضه ترک نکردم و این دعا را ورد خود ساختم بعد از نقل او را
بخواب دیدند پرسیدند که یا امیر المؤمنین خدای تعالی با تو چه کرد فرمود که
حق عز و جل مرا آمرزید و بهشت روزی کردانید از برکت این دعا که رسول
علیه السلام فرموده اند و این دعا را سید الاستغفار گویند از اوراد شیخ
الشیوخ و از تفسیر مغنی در حدیث آمده است که هر که توفیق یابد که در
روز یا در شب این کلمات را گوید در بهشت در آید بعنایت حق تعالی کلمات
اینست اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمداً
عبده و رسوله و ان عیسی عبد الله و ابن اَمَتِهِ وَکَلِمَتُهُ اَلْقٰیهَا اِلٰی مَرْیَمَ وَ
رُوْحٌ مِنْهُ اِنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَالنَّارُ حَقٌّ وَالْمِیزَانُ حَقٌّ وَالْحِسَابُ حَقٌّ
وَالشَّفَاعَةُ حَقٌّ وَاَنَّ السَّاعَةَ آتِیَةٌ لَا رَیْبَ فِیهَا وَاَنَّ اللهَ یَبْعَثُ
مَنْ فِی الْقُبُوْرِ ایضاً از اوراد و از وسیلة القلوب در حدیث آمده است
که هر که در عقب هر نماز فریضه این ده کلمه را بخواند پنج از برای آخرت و پنج
از برای دنیا در هر حالی که ماند رحمت خدای تعالی دستگیر او باشد و حق
عز و جل او را جزا و لقاء خود را عطا کند و بدرجات عالیه رساند چون
بنده با عتقاد درست و صدق ایمان این کلمات را گوید حق تعالی در وقت

ده مهمش را کفایت کند کلمات اینست بسم الله الرحمن الرحیم حسبی الله
الْهَادِی لِدِینِی حَسْبِیَ اللهُ الْمُعِیْنُ لِدُنْیَایَ حَسْبِیَ اللهُ الْکَافِی لِمَا اَهَمَّنِی
حَسْبِیَ اللهُ الْحَلِیْمُ الْقَوِیُّ لِمَنْ بَغٰی عَلَیَّ حَسْبِیَ اللهُ الشَّدِیْدُ لِمَنْ کَادَنِی بِسُوْءٍ
حَسْبِیَ اللهُ الرَّحِیْمُ عِنْدَ الْمَوْتِ حَسْبِیَ اللهُ الرَّؤُوْفُ عِنْدَ الْمَسْأَلَةِ فِی الْقَبْرِ
حسبی الله الکریم عِنْدَ الْحَسَنَاتِ حَسْبِیَ اللهُ اللَّطِیْفُ عِنْدَ الْمِیْزَانِ حسبی الله
العزیز عِنْدَ الصِّرَاطِ حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش
العظیم از مضمرات و از تفسیر مغنی در خبرست که هر که در روز جمعه چهار رکعت
نماز گذارد بخواند در هر رکعتی فاتحه یکبار و سوره اخلاص پانزده بار بعد از
سلام صد بار گوید لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم خدای تعالی ایمان
را در وقت نزع بروی نگاه دارد از تفسیر منیر در خبر آمده است که مردی گفت یا
رسول الله مرا چیزی آموز که در بهشت روم پیغامبر علیه السلام گفتند رقبه
آزاد کن یا عتق رقبه کن یعنی بنده را از ذل بندگی برهان گفت یا رسول الله
هر دو یکی است اما رقبه آن باشد که در بهای او یاری دهی رسول علیه السلام
فرموده اند که گذشتن از عقبه صراط باسانی بدین سبب است که مؤمنی
بنده آزاد کند از تفسیر مغنی روایت است که اعرابی شنید از رسول علیه
السلام این آیت را در صفت دوزخ لِکُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ
مقسوم اعرابی گفت یا رسول الله چه عمل کنم تا از این آتش دوزخ
نجات یابم حضرت رسالت علیه السلام گفتند بنده آزاد کن پس اعرابی

گفت یا رسول الله

هفت بندهٔ خود را آزاد کند تا این بندکان آزاد باشند همچو آزادان دیگر
تا بسبب آن باشد که خدای تعالی آزاد کرداند هفت اعضاء مرا ان هفت
درکه دوزخ پس جبرئیل علیه السلام آمد و پیغامبر را خبر کرد که بشارت
رسان مر اعرابی را بدرستی که خدای تعالی حرام کردانید بر تو آتش دوزخ
را و بسته کردانید بر تو درهای دوزخ را و کشاده کردانید بر تو درهای
بهشت را **ازکفایهٔ شعبی** در خبرست که پیغامبر علیه السلام فرموده اند که
اکر مسلمانی وفات یابد و نماز کزارند بروی صد کس از مؤمنان و
اورا آمرزش خواهند خدای تعالی آمرزد اورا **درخبر دیگر** هم رویست از
پیغامبر علیه السلام که هر که بمیرد و نماز کزارند بروی سه صف از مؤمنان
و آمرزش خواهند اورا خدای تعالی اورا آمرزد **درخبرست** از رسول
علیه السلام که چون بندهٔ مؤمن بمیرد و کواهی دهند سه کس از
همسایکان او که از متوقی از اهل خیر بود و مرد نیک بود خدای تعالی
اورا از اهل بهشت کرداند **مسئلهٔ شانزدهم** مهتر خضر علیه السلام
کفت ای مظفر دریا کوش دار بدین سخن که حضرت محمد مصطفی صلی الله
علیه وسلم بر براق نشسته بودند تازیانه را بر در بهشت مالیدند تا در
راست ایستد چون خوجهٔ عالم علیه السلام در بهشت در آمدند رضوان
در تحیر ماند جبرئیل علیه السلام آمد و کفت ای رضوان جهد مکن و خود
را رنجه مدار که نتوانی این در را پوشیدن اینجا تا ای بنده بشارتی کفت

دری که محمد رسول الله کشاده کفت رضوان نه اینست پیش کردن تا بقیامت
همچنان کشاده باشد تا امت محمد علیه السلام در آیند دری که خدای تعالی
برحمت خود کشاید که أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ ابلیس بیکانه
آن در را کی تواند بستن اکنون بدانکه آن تازیانه مالیدن بر در سنت شد
تا هر سواری که بشهرستانی درون رود و بیرون آید باید که آن تازیانه
را بر در مالد و این آیت کلام خداوندی بخوانند که رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ
صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا
هر که این سنت را نکاه دارد و این کلام مجید را خواند فردای قیامت از آن
دری که محمد رسول الله در بهشت کشاده کفت در آید **نقل از اربعین احادیث**
مرویست از سلمان فارسی رضی الله عنه که پیغامبر صلی الله علیه وسلم فرموده اند
ده حدیث کفت که عمل کردن بدان احادیث سبب در آمدن در بهشت کفت
اول کرامی کردن و عزیز داشتن مهمان دوم نکاه داشتن راز سیوم پیوستن
خویشان چهارم کارهای نیک کردن پنجم نیکویی کردن در حق کسی که بجای تو
بدی کرده کفت ششم دوست داشتن درویشان هفتم نکاه داشتن اندام نهانی
هشتم نکاه داشتن پنج وقت نماز نهم دل جستن و پرسیدن مر همسایه را دهم
پرسیدن بیمار و نشستن با برادران **آورده اند که** مولانای اعظم قدوة العلماء
العالم کامل الدرایه صاحب الهدایه مولانا برهان الدین مرغینانی رحمه الله
در شهر سمرقند در سال سنه ثمان وتسعین وخمسمائه پیغامبر را صلی الله علیه وسلم

می آمدند و صحابهٔ کرام عظام و چون امیر المؤمنین ابوبکر و عمر و عثمان و علی رضی الله عنهم اجمعین در حضرت پیغامبر هر یک دستار بسته بتواضع می آمدند شیخ الاسلام پیش رفته بود سلام گفت رسول علیه السلام جواب سلام باز داد اما بسی متفکر بود شیخ پرسید که یا رسول الله واقعه چیست پیغامبر علیه السلام گفتند هر روز چندین هزار کس از امت من بآخرت می آیند از ایشان کسی باخود ایمان نمی آرد چگونه متفکر نباشم شیخ الاسلام در پای مبارک مهتر عالم علیه السلام افتاد و گفت یا رسول الله تدبیر چیست مهتر عالم علیه السلام گفت تدبیر آنست که ترا وصیت میکنم که تا نشر و اعلام کنی مر امتان مرا که این دعا را آموزند و شب و روز خوانند تا از برکت این دعا خدای تعالی ایمان را بایشان نگاه دارد این دعا فرمودند و کاغذ بدست شیخ الاسلام دادند چون از خواب بیدار شدند این دعا را بخط سبز نوشته دیدند **دعا اینست** بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی اسألک بعزتک یا عزیز وبقدرتک یا قدیر وبحمدک یا حمید وبحکمتک یا حکیم وبرحمتک یا رحیم وبعظمتک یا عظیم وبعفوک یا عفو وبفضلک یا رحمن وبمنک یا منان ان تحفظنی علی الایمان فی آناء اللیل واطراف النهار قائما وقاعدا وراکعا وساجدا ویقظانا ونائما وحیا ومیتا علی کل حال برحمتک یا ارحم الراحمین **مرویست که** سعید رضی الله عنه گفت که بعیادت سلمان فارسی رضی الله عنه رفته بودم مبطون بود یعنی وی را زحمت شکم واقع شده بود

گفت

گفت از پیغامبر علیه السلام شنیدم که گفت علامتی که چشم داشت باید میت را در حالت مردن بسه چیز یکی آنکه هر گاه که عرق کند پیشانی او و آب دیدهٔ او روان بود و هر دو سوراخ بینی او منتشر بود پس این علامت دلیل کند که برین بندهٔ خدای تعالی رحمت است که بروی نازل شده است و اگر نعوذ بالله که چون اشتر جوان که حلق او را خفه کرده باشند بانگ کند و یا چون مردم که در حالت خواب بانگ کند و لون بشرهٔ او سرخ و لبهای او خاکستر رنگ باشد و کفک از گلوی او بر آید چنانکه از گلوی اشتر بر آید پس این علامات عذاب خدای است عز و جل نعوذ بالله من غضب الله

فصل ششم در بیان دعاهایی که در کفن پیچند

عبد الله عباس رضی الله عنهما گفت که رسول علیه السلام فرمودند که هر که این آیتها و دعاها را بر کاغذ نویسید یا بر کتان و بر سینهٔ مرده نهد حق سبحانه و تعالی ببرکت این دعا بران بنده رحمت کند و بر گور او فرشتهٔ رحمت آید با سندس و استبرق و فراشهای بهشتی و با طبقهای نور و رحمت و دری از درهای بهشت بر قبر او کشایند و این میت را عذاب گور نباشد و الله اعلم **دعا اینست** بسم الله الرحمن الرحیم اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده و رسوله واشهد ان الجنة حق والنار حق والصراط

حَقٌّ وَالْمِيزَانُ حَقٌّ وَالْحِسَابُ حَقٌّ وَالْبَعْثُ حَقٌّ وَالشَّفَاعَةُ حَقٌّ وَالرُّؤْيَةُ
حَقٌّ فَأَنْتَ حَقٌّ وَقَوْلُكَ حَقٌّ وَلِقَاؤُكَ حَقٌّ فِي الْجَنَّةِ وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ
لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللّٰهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ وَأَقِمِ الصَّلٰوةَ
طَرَفَيِ النَّهَارِ وَزُلَفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ
ذٰلِكَ ذِكْرَىٰ لِلذَّاكِرِينَ أَفَمَنْ شَرَحَ اللّٰهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَىٰ
نُورٍ مِنْ رَبِّهِ وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللّٰهُ
يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ وَاصْبِرْ فَإِنَّ اللّٰهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ أَقِمِ
الصَّلٰوةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَىٰ غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ
قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا
هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ إِلَىٰ آخِرِ السُّورَةِ در خبرست از رسول
علیه السلام که هرکه این دعا را نویسد و بر سینهٔ میت نهد حق تعالی عذاب
گور را از آن میت دفع کند بفضل و عنایت خویش دعا اینست سبحان
أَنْتَ رَبِّي وَأَنَا عَبْدُكَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
از کفایهٔ شعبی در خبرست که مردی در حالت مرض پسر خود را
وصیت کرد که چون من از دار فنا بدار بقا رحلت کنم و غسل کرده شوم
باید که در پیشانی و سینهٔ من بسم الله الرحمن الرحیم نویسی پسر
وصیت پدر را بجای آورد بعد از نقل پدرش را بخواب دید

پرسید که حال تو چگونه است گفت آن زمان که مرا در گور نهادند ملائکهٔ
عذاب در آمدند چون در پیشانی و سینهٔ من تسمیه را نوشته دیدند
باز گشتند و گفتند تو ایمن شدی از عذاب ایضاً در مناجات موسی
کلیم صلوات الله علیه مذکورست که هرکه این دعا را در کفن میت
نویسد خدای تعالی آن بنده را تا حشر از سؤال و عذاب نکند دعا اینست
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي هُوَ قِوَامُ الدِّينِ
وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَرْزُقُ بِهِ الْعَالَمِينَ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي
يُحْيِي بِهِ الْمَوْتَىٰ وَيُمِيتُ بِهِ الْأَحْيَا وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ
جَبْرَئِيلُ وَمِيكَائِيلُ وَإِسْرَافِيلُ وَعَزْرَائِيلُ يَا بَدِيعَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ
يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ برحمتك یا ارحم الراحمین می آرند که وقتی آتشی در
جایی افتاده بود و مصحفی در میان آتش سوخته شده بود مگر این آیت کلام
ربانی سوخته نشده و سلامت ماند أَلَا إِلَى اللّٰهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ باب
بیست و یکم در اسباب غنا و فقر و قضای دین و این باب مشتمل است بر سه فصل
فصل اول در اسباب غنا و ذکر نماز و دعا در طلب رزق
اگر کسی خواهد که رزق او بروی فراخ گردد دو رکعت نماز گزارد بخواند
در هر رکعتی فاتحه یکبار و سوره إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ سه بار و اخلاص
و معوذتین هر یکی سه بار و چون سلام نماز دهد این دعا را سه بار بخواند
که اللّٰهُمَّ يَا رَازِقَ الْمُقِلِّينَ وَيَا رَاحِمَ الْمَسَاكِينِ وَيَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ وَيَا

الْمُسْتَغِيثِينَ اغْفِرْ لِي وَارْزُقْنِي وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ اَللّٰهُمَّ إِنْ كَانَ رِزْقِي
فِي السَّمَاءِ فَأَنْزِلْهُ وَإِنْ كَانَ فِي الْأَرْضِ فَأَخْرِجْهُ وَإِنْ كَانَ بَعِيدًا فَقَرِّبْهُ
وَإِنْ كَانَ قَرِيبًا فَيَسِّرْهُ وَإِنْ كَانَ يَسِيرًا فَكَثِّرْهُ وَإِنْ كَانَ كَثِيرًا فَبَارِكْ
لِي إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ دیکر هر کرا تنکی روزی
پیش آید هر روز بهر وقت که خواهد در اوقات خمسه وغیر آن دو رکعت
نماز کزارد بخوانند در رکعت اول فاتحه یکبار و قل یا ایها الکفرون سه
بار و در رکعت دوم فاتحه یکبار و سوره اخلاص سه بار بعد از ان سر بسجده
نهد و این دعا را خوانند که بسم الله الرحمن الرحیم یَا مَنْ يَدَاكَ مَبْسُوطَتَانِ
تُنْفِقُ كَيْفَ تَشَاءُ ابْسُطْ عَلَيْنَا بِفَضْلِكَ الْوَاسِعِ يَا مَنْ لَيْسَ لِغِنَاكَ غَايَةٌ
ارْحَمْ مَنْ لَيْسَ لِفَقْرِهِ نِهَايَةٌ برحمتک یا ارحم الراحمین خدای عز وجل
بفضل وکرم خویش فراخی وعیش در روزکار او پدید آرد نقل از کافی
و کفایه شعبی در خبرست که هر که سنت نماز بامداد را در خانه کزارد خدای
تعالی رزق را بر وی فراخ کرداند دیکر ادعیه که می بایدخواندن از ملفوظ شیخ
الاسلام فرید الدین نور الله مرقده فرمود که شنیدم از شیخ الاسلام
قطب الدین بختیار طیب الله مضجعه که هر کرا تنکی معاش شود از برای
کشایش تنکیها و فتح روزیها این دعا را بخوانند که بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
يَا دَائِمَ الْعِزِّ وَالْبَقَاءِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْجُودِ وَالْعَطَاءِ يَا وَدُودُ يَا ذَا الْعَرْشِ
الْمَجِيدُ فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ دیکر جون مردم خواهند که برکت و رحمت بر ایشان

نازل شود و روزی بر ایشان فراخ کردد این آیت را بسیار خوانند که
بسم الله الرحمن الرحیم رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا
عِيدًا لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِنْكَ وَارْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ از منافع
قرآن هر که آیت الکرسی را و دو آیت دیکر بعد از وی تا آنجا که هم فیها
خالدون بعد از فریضه هر نمازی بخواند خدای تعالی او را غنی کرداند و از
فقر و فاقه نکاه دارد و روزی او را رساند بیحساب هر که آیت الکرسی را نوسید
و بنهد در خانه که می باشد رزق بر وی فراخ شود جنانک هرکز قحطی و تنکی
نبیند از خالصة الحقایق رسول علیه السلام فرمودند هر که هر روزی
صد بار کوید که لا اله الا الله الملک الحق المبین مر او را امان باشد از درویشی
و فقر و فاقه یعنی خدای تعالی این بنده را از ان نوع درویشی و دست تنکی
نکاه دارد که در وی مضرت دین باشد آن جنان درویشی ذل است و خوارمندی
نعوذ بالله منها جنانک توانکری ذل سودمندست درویشی ذل زیان کارست
و نشان آن حرص است و حرص آتش دوزخ را ماند بدان معنی که جنان سوزد
که هیجکس نبیند و دیکر آنک هر جند بیشتر یابد لش دیکر خواهد جنانک آتش را
هر جند بیشتر دهی سوزد ایضا در حدیث آمده است که مردی سوال کرد از
رسول علیه السلام که یا رسول الله مرا بسیار مصیبت واقع میشود در جاه
و مال و اهل و اولاد رسول علیه السلام فرمودند که هر که روز بکوی بسم الله
علی نفسی وَمَالِي وَأَهْلِي اللّٰهُمَّ بَارِكْ لِي فِي رِزْقِي ورضینی بما قضیت حتی لا احب

تَعْجِيلَ شَيْءٍ أَخَّرْتَهُ وَلَا تَأْخِيرَ شَيْءٍ عَجَّلْتَهُ آن مرد گفت یا رسول از خواندن
این دعا حق تعالی مرا از همه تفرقها و مصیبتها نجات دهد فرمودند که بلی
بعد از آن آن مرد ملازمت و مداومت کرد بخواندن این دعا حق تعالی همه
کارهای دشوار او را سهل کردانید و از وسواس شیطان برهانید و روز
و بیا فزا هم آورد آورده اند که مردی را فام بر آمده بود پیش رسول علیه السلام
نالید حضرت رسالت صلی الله علیه وسلم فرمودند مر او را که هر روز بخوان
این دعا را که ذکر کرده شد و آن مرد ملازمت کرد بخواندن این دعا حق تعالی
فام او را گزارده کردانید از خالصة الحقایق هر که هر روزی صد بار گوید
لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم آن بنده هرگز فقیر نشود و محتاج نگردد
و هفتاد نوع بلا را خدای عز وجل از وی دفع کند که کمترین او درویشی و
حیزنی و غم باشد نقل از کتاب اقدام الاسلام هر که هر روزی گوید که
لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم و بیا غنی و بی نیاز کرداند از فواید قرآن
پیغامبر علیه السلام فرمودند که هر که میان سنت و فریضهٔ نماز بامداد
این آیت را که مذکور است هفتاد بار بخواند حق تعالی تنگیء روزگار را از وی بر گیرد
آیت اینست بسم الله الرحمن الرحیم وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا
تُحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ هر که سوره ارایت را چهل و
یکبار بخواند به نیت آنکه حق تعالی او را و فرزندان او را از بلاها و
محنتها و از محتاج شدن نگاه دارد و کار برآید و مقصود رسد از تفسیر معنی

در خبر است که هر که در وقت در آمدن به خانه سورهٔ اخلاص را بخواند
حق تعالی او را و همسایگان او را غنی کرداند ایضا رسول علیه السلام
فرمودند هر که سورهٔ الواقعه را هر شبی بخواند هرگز او را فاقه و
زحمت نشود و در روزگار رنج نه بیند ایضا مرویست از
رسول علیه السلام که هر که ملازمت کند بر خواندن این چهار
سوره یکی سورهٔ اذا وقعت الواقعة و دوم سورهٔ یا ایها المزمل
سیوم سورهٔ واللیل چهارم الم نشرح ایمن شود از فقر و فاقه
ایضا منقولست از شیخ الاسلام شیخ صدر الدین محمد زکریا رحمة الله
علیه که هر که بعد از نماز شام و نماز خفتن این چهار سوره را که گفته شد
بخواند حق تعالی آن بنده را از عذاب گور و از فقر و فاقه ایمن کرداند و
بعد باید که این دعا را بخواند دعا اینست يَا مُسَبِّبَ الْأَسْبَابِ وَيَا مُفَتِّحَ
الْأَبْوَابِ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ يَا دَلِيلَ الْمُتَحَيِّرِينَ أَرْشِدْنِي
وَيَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ أَغِثْنِي تَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ يَا
رَبِّ ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم از تفسیر زاهدی انس
ابن مالک رضی الله عنه روایت کرد از رسول علیه السلام که هر که هر
روز آدینه بگوید هفتاد بار اللَّهُمَّ أَغْنِنِي بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَبِفَضْلِكَ
عَمَّنْ سِوَاكَ دو جمعه نگذرد که او را غنی کرداند خدای تعالی آورده اند که
مردی گفت من این را تجربه کرده ام و یافته چنانکه فرموده الله مرویست

که بر رسول علیه السلام مردی بیامد و از فقر بنالید رسول علیه السلام
فرمودند که آموزم ترا چیزی که برود فقر از تو و فاقه و محنت در
روزگار تو نماند گفت بلی یا رسول الله رسول علیه السلام فرمودند
که بخوان این آیت را در بامداد و شبانگاه تا کار بمراد شود **آیت**
اینست توکلت علی الحی الذی لا یموت وقل الحمد لله الذی لم یتخذ
ولدا ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی من الذل
وکبره تکبیرا پس آن مرد در خانه آمد و این آیت را مدام میخواند
بعد از چند روز حق عز وجل فقر و فاقه را از وی دور کرد و رنج
و زحمت از وی دفع شد و توانگر گشت **مرویست که** روزی اعرابی
بخدمت رسول علیه السلام آمد و از دست فقر بنالید رسول علیه السلام
فرمودند که بعد از هر فریضه ده بار سوره انا انزلناه فی لیلة القدر
بخوان و بروز جمعه ناخن باز کن اعرابی همچنان کرد چندان مال جمع شد
که از محنت کار آخرت باز ماندن گرفت بترسید و بنزدیک رسول
علیه السلام آمد رسول علیه السلام فرمودند که ناخن بدندان باز کن
یا بدامن کرته و با یزار پاچه روی پاک کن همچنان کرد فقیر گشت **دعاء ثعلبه**
می آرند که ثعلبه یکی از صحابه بود و او فقیر بود چنانکه از غایت فقر خاکستر
بستر او بود از این دعا که رسول علیه السلام بروی آموختند غنی شد
دعا اینست اللهم انی اسالک یا عالم السر والخفیة ویا من السموات

بعظمته مبنیة ویا من الارض بعزة جلاله ملکته ومن الانوار من حسن
نوره مضیئة ویا من الریاح **دیگر** در خبر ست که هر که بخواند سوره یا ایها
المزمل را خدای تعالی برهاند از وی نامرادی و دست تنگی در آخرت **ایضا**
از ملفوظ شیخ الاسلام فرید الدین قدس سره در حدیث گفت که هر که
بخواهد عز و جاه و مال پس بخواند سوره اخلاص را سه بار و سه بار
بر رسول علیه السلام درود فرستد و این آیت را بخواند که ومن یتق الله
یجعل له مخرجا و بسوی خود بد مدغی گردد و خدای تعالی او را نگاه دارد
هرگز فقیر و محتاج نشود و عزیز و مکرم باشد میان مردمان **از فواید**
الفواد مصنف فرمود که شبی شیخ الاسلام شیخ فرید الدین را قدس
الله سره در خواب دیدم که مرا گفت باید که هر روز صد بار این دعا را بخوانی
که لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی و یمیت وهو
حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر چون بیدار شدم این
دعا را ملازمت کردم با خود گفتم که درین فرمان غرضی و مقصودی خواهد
بود بعد از آن در کتب مشایخ رحمهم الله نوشته دیدم که هر که هر روز این
دعا را بخواند بی شک خوش وقت گردد و در خوش دلی و شادکامی
عمر وی گذرد دانستم که مقصود شیخ رحمة الله این بوده است **نقل**
دیگر آورده اند که قبیصه گفت یا رسول الله من ضعیف و نابینا شده ام
و محنت دنیا گرفتار شده و بجهت عیال خوار گشته ام راوی گوید که صحابه رسول

علیه السلام شکوه کند یاد کرد که همه سنگ و کلوخ بزاری بر احوال قبیصه همی
گریستند پس رسول علیه السلام فرمودند بر تو باد که هر بامداد
و شبانگاه این تسبیح بالجلوتی تا درهای روزی بر تو گشاده گردد چون
سال تمام شد قبیصه رضی الله عنه از همه مردمان توانگرتر شد و بجمله
مراد و مقصود رسید تسبیح اینست سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللهِ
العظیم وبحمده أَسْتَغْفِرُ اللهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ
العلی العظیم ما شاء الله کان وما لم یشأ لم یکن از فواید الفواد مصنف
رحمة الله علیه گوید که روزی دولت دست بوس میسر شد یکی آمد و
از برای انتظام احوال خویش استمدادی طلب کرد و استعانتی خواست
خواجه علیه الرحمة فرمود که از برای دفع تنگی معیشت هر شبی سورهٔ
جمعه را باید خواند تا گشادها پیدا شود و روشناییها از غیب حاصل آید
و اگر نتواند باری هر شب آدینه بخواند تا کار بمراد دل شود و مقصود
حاصل گردد نقل از خالصة الحقایق جهت غنا در حدیث آمده است که
چهار چیز سبب غناست اول شکر گفتن دوم کلمهٔ تمجید بسیار گفتن
و سیوم استغفار گفتن و چهارم تکبیر گفتن رسول علیه السلام
فرمودند که هر که چهار چیز را لازم گیرد صد کس او و عیال او محتاج نشوند
اول برخاستن از خواب پیش از صبح دوم وضو کردن پیش از وقت
نماز سیوم در آمدن در مسجد پیش از بانگ نماز چهارم سخن دنیا ناگفتن

بعد از

[margin: العلی]

بعد از گذاردن نماز وتر از منافع قرآن امام جعفر صادق رضی الله عنه
گفت که هر که سورهٔ کهف را در جای پاک نویسد و بشوید و در شیشه کند
و در خانه دارد ایمن شود از فقر و از دین و در عصمت حق تعالی بود او
و اهل او از ضرر مردمان و هرگز محتاج کسی نگردد مرویست از سلمان
فارسی رضی الله عنه که روایت کرد از رسول صلی الله علیه وسلم که فرمودند
که ده چیز است که آن سبب توانگریست اول نیکویی کردن در حق مادر
و پدر دوم انگشتری عقیق در دست کردن سیوم مر خدای عز وجل را شکر
بسیار گفتن چهارم بریدن ناخن در روز پنجشنبه پنجم گرفتن دست نا
بینا و رهبری کردن ششم پوشیدن نعلین هفتم جاروب زدن مسجد را
هشتم گذاردن حج وقتی که فریضه شده باشد نهم راستی کردن در تجارت و در معاملات
دهم تعاهد نیکو کردن در زراعت در حدیث است که هر که انگشتری زمرد در دست
کند هرگز فقیر و محتاج نشود نقل از رسالهٔ عجوز در حدیث است که هر که انگشتری
عقیق با خود دارد همیشه غنی و خوش دل باشد هر که آیت وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي
الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ را روز جمعه نویسد
بعد از نماز جمعه و با خود دارد خدای تعالی خیر و برکت و رزق بسیار در
روزگار او پدید آرد هر که این آیت را با آب کسنی و صبر سقوطری نویسد
و زعفران در وضم کند و در پوست بزغالهٔ سفید ذبح کرده و دباغت داده نویسد
بعد از نوشتن بپیچد چنانک تعویذ را بپیچند بعده در صوف سرخ بپیچد و در کردن

خروسی که تاج دار و سبز چشم باشد بندد و رها کند خروس را در خانه یا در بیابان
یا در کوه در روز سه شنبه اول ساعت از روز آن خروس برود هر کجا که دفینه
مالی و گنجی و کانی بود و یا چیز پنهانی که در زمین بود آنجا ایستد و بپای یا
بمنقار آن مکان را کاویدن گیرد یکبار یا دو بار هر کرت که خروس را رها
کنند باز همانجا رود و وا ایستد چون آن موضع را کاوند مالی و گنجی و دفینه
پیدا شود والله اعلم آیات اینست بسم الله الرحمن الرحیم لَهُ مَقَالِيدُ
السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ
شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا
بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى
الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ
يُنِيبُ مرویست که عبد الله عمر رضی الله عنهما گفت پیغامبر صلی الله علیه
وسلم فرمودند که در خانه که مرد حبشی یا زن حبشی در اید خدای تعالی در آن خانه
خیر و برکت پیدا آرد از خالصة الحقایق پیغامبر علیه السلام احادیث بیان
کرده است از برای اسباب غنا و توانگری و خوش معیشتی اول آنکه اهل و بیت
خود را باید یکی پیوستن اسباب توانگریست و دیگر در راه خدای تعالی
غزات کردن و بعد از نماز بامداد خواب ناکردن و اختیار کردن آخرت
بر دنیا و بامداد و شبانگاه در مسجد ساکن شدن و اهل و بیت خود را امر
کردن بنماز گزاردن و مداومت نمودن بعبادت خدای عز وجل و در روز

پنج

پنج شنبه و آدینه دعا کردن از برای توسیع رزق و امانت گزاردن و
خیانت ناکردن و در طلب رزق صبر کردن و توکل کردن و تعجیل نا
کردن و تقوی ورزیدن و پیش آستانه در را رفتن و نان ریزه را
از راه برچیدن و خوردن و اوامر و نواهی خدای عز وجل را بجای آوردن
و مادر و پدر را دعا کردن و پیش از صبح برخاستن و در صدقه و نفقه افزودن
و قرآن خواننده را عزت داشتن و علما را گرامی کردن و دعا کردن در شب
براة و فراخ کردن نفقه در روز عاشورا بر عیال خود و رحم پیوستن و نیکویی
کردن در حق مادر و پدر و خویشاوندان و خوف خدای عز وجل را در دل
گرفتن و سخاوت کردن و باز بودن از گناه و معاصی و احتراز کردن از دروغ
و گواهی دروغ و ترک زنا و در متوضی سخن ناگفتن و ترک حرص کردن و شکر منعم
گفتن و پیش از طعام و بعد از طعام دستها شستن و نماز خفتن بجماعت
گزاردن و سرکه در خانه داشتن و در حق خادمان انعام کردن و حق استاد
نگاه داشتن و علما و فقها را عزت داشتن و در حق پادشاه سخن بد ناگفتن
و امر و فرمان او را انقیاد کردن و بر رسول علیه السلام صلوات گفتن این
جمله اسباب توانگریست وبالله التوفیق فصل دوم در اسباب فقر
از خالصة الحقایق مرویست که پیغامبر علیه السلام فرمودند که هر که شانه
زند موی را و ریش را ایستاده فام زده شود و بغایت غمگین گردد هر که در طعام
بدمد برکت از آن طعام برود و هر که ترک کند دعای مادر و پدر را خدای تعالی منقطع
گرداند از وی رزق را در دنیا

مرویست که سلیمان پیغامبر علیه السلام گفت در خانهٔ که سه چیز باشد دران خانه
برکت نباشد یکی خیانت دوم زنا سیوم دزدی کردن نقل امیر المومنین
علی رضی الله عنه گفت مر اصحاب خود را که خبر کنم شما را بچیزی که آن فقر
و فاقه را باز آرد و شما را ازان احتراز کردن واجب بود گفتند یا ولی الله
بگوی گفت تنیدهٔ عنکبوت را در خانه گذاشتن و ریش را ایستاده شانه
کردن و روفته را در خانه گذاشتن و سوگند در فروغ خوردن و زنا کردن و
حرص ورزیدن و خواب رفتن میان نماز شام و نماز خفتن و سرود
بسیار شنیدن و رد کردن سایل و ترک معیشت و مواسا با اهل ناکردن
و بریدن رحم ازین جمله اسباب فقر و فاقه است والله اعلم از کفایهٔ شعبی
انس بن مالک رضی الله عنه گفت که رسول علیه السلام فرمودند که دعای بد مکنید
فرزندان را بدرستی که هر که دعای بد کند فرزندان را فقر و فاقه میراث یابد
و عیش او بتلخی گذرد نقل از اربعین احادیث مرویست از سلمان فارسی رضی
الله عنه که گفت رسول علیه السلام ده حدیث فرمودند که آن سبب دست
تنگی و فقر است اول خوردن طعام نزدیک مرده و ایزار را ایستاده پوشیدن
و دستار را نشسته بستن و شبش را زنده گذاشتن و بریدن موی سر بمقراض
و خوردن آب از آفتابه و در تنگ موزه و کفش و نعلین نظر کردن و در نماز
کاهلی کردن و ننگ داشتن از مردمان و بدروغ عادت کردن در خبرست که
در خانهٔ که خمر باشد یا دف و طنبور و نرد دعای اهل آن خانه مستجاب نشود

و ملایکه

و ملایکه دران خانه در نیایند و حق تعالی برکت را ازین خانه بردارد در خبرست که
سه کس را بهشت روزی نباشد اول فرزندی که مادر و پدر آزار را دوم زن خیانت
کننده را سیوم همسایهٔ بدکار را در فواید الفواد و در مشارق این حدیث
را آورده است که لَا یَدْخُلُ هٰذَا بَیْتَ قَوْمٍ اِلَّا دَخَلَهُ الذُّلُّ این حدیث در
باب جوبهای زراعت است یعنی این جوبها در خانهٔ که در آید ذل و خواری دران
خانه در آید و این حدیث را پیغامبر علیه السلام در حلی فرموده اند که آن
چنان بود که وقتی رسول علیه السلام در خانهٔ یکی در آمد دران خانه دو چوب
نهاده بودند از جوبهای زراعت رسول علیه السلام چون دیدند این حدیث
فرمودند که ذکر کرده شد رسول علیه السلام فرمودند که چند چیزست که موجب
فقرست و دست تنگی و تلخی عیش و فاقه در وی مندرج است اول زنا کردن
و دروغ و نان ریزه در زمین افکندن و روی را باستین و دامن پاک کردن
و خانه را ناروفته ماندن و تنیدهٔ عنکبوت را در سقف خانه گذاشتن و مادر و
پدر را آزردن و استاد را استخفاف کردن و نماز را خوار داشتن و بوقت صبح
خفتن و در اول شب بگاه خفتن و بیگاه خاستن و روفته را در گوشهٔ خانه گذاشتن
و در شب خانه را روفتن و جنب بودن زیادت از یک وقت نماز و در حالت
جنابت چیزی خوردن مگر آنکه دست و دهان را بشوید آنگاه طعام خورد و در آستانه
در نشستن و کاسه و دیگ را از طعام ناشسته گذاشتن و دست ناشسته
طعام خوردن و فرزندان را خوار داشتن و سوال کردن و از مردم چیزی خواستن

اثناء
با وجود استظهار و توانائی و به جنبی خلال کردن و سوگند دروغ خوردن و در
وضو سخن گفتن و در جای وضو بول کردن و قرآن را بی وضو خواندن و پوست
سیر و پیاز را سوختن و بتعجیل از مسجد بیرون آمدن و خاک و گل دست
شستن و بد بازوی در تکیه کردن و مادر و پدر را بنام خواندن و جامه بر تن
دوختن و نان و طعام از گدایان خریدن و چراغ را بدم کشتن و بگاه به بازار رفتن
و بیگاه آمدن و تراش قلم را زیر پای انداختن و بقلم گره بسته نوشتن و
بشانهٔ شکسته سر و ریش را شانه کردن و ناخن را بدندان بریدن و ان پیش
کسی که بزرگ باشد بی ادب وار گذشتن و سجدهٔ تلاوه را تاخیر کردن این جمله
فقر و فاقه آرد والله اعلم **فصل سیوم در قضاء دین** از تفسیر مغنی
مرویست که معاذ جبل رضی الله عنه چند روز در مسجد حاضر نشد رسول علیه
السلام تفحص حال او فرمود معاذ رضی الله عنه عرض داشت کرد که یا رسول الله
عَلَیَّ دَیْنٌ یعنی وام بسیار در ذمهٔ منست از ترس آن بیرون نمیتوانم آمدن
رسول علیه السلام فرمودند که این آیت را و این دعا را ملازمت نمای عن
قریب توانگر شوی معاذ جبل رضی الله عنه فرمان رسول را پیش برد در اندک
فرصت غنی شد و جملهٔ وامها را ادا نمود در تفسیر است که اگر وام این بنده
مقدار کوهها روی زمین باشد حق تعالی از خزانهٔ کرم خویش دوخته کرداند
آیت اینست قُلِ اللّٰهُمَّ مَالِکَ الْمُلْکِ تا آنجا که بغیر حساب دعا اینست
اللهم یا فَارِجَ الْهَمِّ وَیَا کَاشِفَ الْغَمِّ وَیَا مُجِیبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّینَ

تعطی

مِنْ عَرْشِکَ وَمُنْتَهَی الرَّحْمَةِ مِنْ کِتَابِکَ وَبِاسْمِکَ الْأَعْظَمِ وَکَلِمَاتِکَ التَّامَّاتِ
أَنْ تُصَلِّيَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَعَلَی آلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَقْضِيَ دَیْنِي یَا حَيُّ یَا قَیُّومُ اعرابی گفته
من آنچنانک مهتر عالم علیه السلام فرموده بود چند گاه ملازمت کردم روزی
در بستانی در آمدم دیدم ده گنج در هر گنجی مالی عظیم بعد از ان جبرئیل علیه السلام
پیش پیغامبر صلی الله علیه وسلم آمد و گفت که بگوی مر آن اعرابی را که
این مال و منزلت که ترا حاصل شد در دنیاست اما در آخرت مر ترا
ازین بهتر درجه و مرتبهٔ اعلاست از وصایا رسول علیه السلام فرمودند
که یا علی موی را تعجیل کردن زود پیر سازد و دیگر وام بسیار و خواب
کردن با زن در یک فراش و عطر بسیار بکار بستن و کثرت بلغم این جمله
مرد را زود پیر کند و از عیش باز دارد و عمر را کاهد والله اعلم
باب بیست و دوم در فضیلت حلوا و در فضیلت
هر چیزی از خوردنیها و میوه ها و شربتها از تفسیر زاهدی پیغامبر علیه
السلام فرمودند که چون عرضه کرده شود حلوا را بر شما پس آنرا رد
مکنید و دیگر فرمودند که هر که برادر مسلمانرا لقمهٔ حلوا دهد خدای تعالی
او را از طعامهای بهشتی روزی کند و از تلخی جان کندن و از هیبت روز
عرصات او را در امان دارد ایضاً پیغامبر علیه السلام گفتند هر که لقمهٔ
از حلوا مر برادر مسلمانرا دهد از برای رضاء حق تعالی چون این بنده از
گور بر خیزد بی حساب در بهشت رود والله الهادی در فضیلت کدو از
تفسیر مغنی

ام المؤمنین عایشه صدیقه رضی الله عنها گفت که رسول علیه السلام مرا گفت که
یا عایشه بیشتری در دیگ کدو انداختن و چون کدو با شیر بپزی آنرا نیک بخورید
بدرستی که هر که کدو با شیر خورد دل او و هکین آو خوش شود و بینایی
چشم او زیادت شود و دماغ او قوی گردد و حفظ او زیادت گردد
و آب پشت را افزاید و تن را پاکیزه گرداند یا عایشه هر که از مسلمانان از
زن و مرد کدو را بخورد نوشته شود مر او را بهر لقمهٔ هفتاد هزار نیکی و محو
کرده شود هفتاد هزار بدی و بردارند برای این بنده هزار درجه در بهشت یا
عایشه هر که کدو را بناشتا بخورد نباشد او را دران روز در تن وی دردی
از جمیع دردها مثل درد سر و چشم و گوش و حلق و دل و جگر و نه درد پشت
و شکم و نه درد دستها و پایها و نه درد سینه و پهلو و هر که کدو را در شب
خورد نرسد او را دران شب هیچ آفتی و حق عز و جل او را نگاه دارد از
دیوانگی و جذام و برص و قولنج و یرقان و استسقا و از جمیع آفتها در فضیلت
خرما پیغامبر علیه السلام فرمودند بخورید خرما را بناشتا بدرستی که بکشد
کرمانرا در شکم رسول علیه السلام فرمودند که خدای تعالی دوست دارد خرما را
و دیگر فرمود که بهترین طعام سحر خرما ست و دیگر فرمود که در شکم فرزند
آدم ناویه ایست که نرود دران ناویه مگر خرما و دیگر فرمود که ما تریانیم و
اعدای ما نبیذیان اند یعنی اهل خمر اند و دیگر فرمود که در حالت نفاس زنانرا
خرما دهید زیرا که هر زنی که در حالت نفاس طعام او خرما باشد فرزند او حکیم

وزیرک

و زیرک ناید زیرا که خرما طعام مریم است رضی الله عنها مرویست که چون
عیسی علیه السلام متولد شد پیش او خرما بود که اگر غیر ازین طعام دیگر بهتر
و صالح بودی خدای تعالی مریم را آن دادی رسول علیه السلام فرمودند که اگر
دانند مردمان که خرما را چه منفعت است البته در نایافتن او ماتم دارند
والله اعلم در فضیلت مویز رسول علیه السلام فرمودند که نیکو طعام است
مویز از برای آن معنی که فرو نشاند غضب پروردگار را و راضی گرداند
خدای عز و جل را و سخت گرداند پیه دندانرا و رنج را از تن دور کند و خشم را
کم کند و بوی دهانرا خوش کند و بلغم را دفع کند و رنگ روی و اندام را ملون
گرداند و سینه را صاف کند رسول علیه السلام فرمودند هر که دوست دارد
که او را فرزند صاحب جمال خوش طبع خوب روی زاده شود باید که نزدیک
جماع مویز خورد در فضیلت انار پیغامبر علیه السلام فرمودند که بخورید
انار را از برای آنکه هر دانه که از وی در معده می افتد دل را روشن میگرداند
و این بنده را خدای تعالی از شر شیطان نگاه دارد تا چهل روز رسول علیه السلام
فرمودند که در انار قطره ایست از آب بهشت هر که انار خورد وجود او صحت
یابد در فضیلت سفرجل مرویست که نزدیک رسول علیه السلام از طایف سفرجل
نوباوه هدیه آورده بودند پیغامبر علیه السلام آنرا بر هر دو چشم و رخ مبارک
خود نهاد و گفت ای بار خدای چنانک این را در دنیا روزی ما کردی در آخرت
نیز روزی ما گردان رسول علیه السلام فرمودند که بخورید سفرجل را بدرستی که

نام او

بفارسی به است خاصیت او آنست که دل را پاک کند وتن را صافی کرداند و در دل قوت پیدا شود و شجاعت و دلیری پیدا کند و فرزند با حسن و جمال زاده شود و دیگر فرمود که زنان حامله را سفرجل دهید تا بخورند بدرستی که فرزندان با جمال زاده شوند **در فضیلت عناب** پیغامبر علیه السلام فرموده اند که هر کرا از شما تب کرم زحمت دهد پس بخورید عناب را بدرستی که دفع کند حرارت تب را و دیگر فرمود که چون یکی از شما را بلغم زحمت دهد صفت عناب خورید بدرستی که خون را کم کند و زرده را فرو نشاند و بلغم را پاک کند **در فضیلت انگور** پیغامبر علیه السلام فرموده اند که خدای تعالی روح هیچ پیغامبر مرسل را قبض نکرد الا آنک اورا اشتهای انگور بوده است دیگر فرمود که بخورید انگور را یکان یکان بدرستی که آن گوارنده است و لذت دهنده و تن را آسایش رساننده **در فضیلت خربزه** پیغامبر علیه السلام فرموده اند که خربزه چهار صفت دارد شیرین و میانه و ترش و بی مزه فاما آنک شیرینست شحم را می رویاند و آنک ترش است کرمان درون شکم را میکشد و آنک میانه است معده را قوی کرداند و آنک زردی است بواسیر را دفع کند **مرویست که** رسول علیه السلام خرما ترا بدست راست کرفتی و خربزه را بدست چپ و بخوردی خرما را با خربزه و این هر دو میوه از همه میوه ها نزدیک رسول علیه السلام دوست تر بود **رسول** علیه السلام فرموده اند که بخورید خرما را و خربزه را و تعظیم کنید او را بدرستی که آب او از جنت و حلاوت او

از بهشت است **در فضیلت شهد** در حدیث آمده است که خدای تعالی در شهد برکت نهاده است و صحت از جمله بیماریها و هر که در هر ماهی سه روز شربت شهد بخورد خدای تعالی اورا از هفتاد نوع علت فرحمت در عصمت خود دارد کرد و از آن علتها فالج و جذام است عایشه رضی الله عنها روایت کرده که رسول علیه السلام عسل و حلوا را دوست داشتی **در فضیلت شیر** رسول علیه السلام فرموده اند که بر شما باد بخوردن شیر گوسفند و بقر از آن معنی که در شب معراج مرا قدح آب صافی و خمر و شهد و شیر آوردند من شیر را اختیار کردم **رسول** علیه السلام فرموده اند هر که شیر خورد و این دعا را خواند که اَللّٰهُمَّ بَارِکْ لَنَا فِیهِ وَزِدْنَا فِیهِ خداوند تعالی برکت در روزگار او پدید آرد **در فضیلت سرکا** در حدیث آمده است که خدای تعالی را دو فرشته است موکل بر کسی که سرکا خورد آن دو فرشته آمرزش خواهند مر اورا در آن روز **رسول** علیه السلام فرموده اند که فقیر نشود و فاقه نکشند اهل آن خانه که در آن خانه سرکا خورند خدای تعالی بیرون آرد از دل او غل و غش و شک و شرک و حسد و عداوت و نفاق را **در فضیلت هریسه** پیغامبر علیه السلام فرموده اند که جبرئیل صلوات الله علیه و سلامه آمد و گفت یا محمد بخور هریسه را تا پشت تو قوی کردد و ترا قوت پیدا شود بر عبادت حق عز و جل **در فضیلت گوشت** پیغامبر علیه السلام فرموده اند که هر که چهل روز گوشت نخورد بدرستی که خلق و فعل او بد شود و **در حدیث** دیگر فرموده اند که بخورید

گوشت را

بدرستی که از گوشت قوت بصر و شنوایی زیاده گردد رسول علیه السلام
فرموده اند هر که ترک آرد گوشت را و بر نفس خود حرام کرد اند پس او از من
نیست یعنی از امت من نیست و دیگر فرموده اند که سید طعام در دنیا گوشت
هر بار که رسول را علیه السلام بجهت گوشت خوردن دعوت کردندی اجابت
کردندی و هر وقتی که گوشت هدیه آوردندی قبول کردندی در فضیلت شحم
رسول علیه السلام فرموده اند هر پاره که از پیه در معده می افتد می رویاند
در آن مکان شفا را و بیرون می آرد از آن مکان درد را در صفت گوشت بریان
بدانک دوسترین طعامها نزدیک رسول علیه السلام گوشت بریان بود
می آرند که روزی ام سلمه رضی الله عنها گوشت پهلو را بریان کرد و پیش
رسول علیه السلام آورد رسول علیه السلام آنرا خورد و بنماز مشغول شد
در فضیلت گوشت قاق انس بن مالک رضی الله عنه گفت دیدم رسول را
علیه السلام که گوشت قاق را در طبق نهاده بود و میخورد در فضیلت
روغن و شیر رسول علیه السلام فرموده اند که در شیر غنم و بقر و ابل
شفاست و دوسترین طعامها نزدیک رسول علیه السلام روغن و شیر
بود در فضیلت سیاه دانه رسول علیه السلام گفتند یا علی ملایکه استغفار
میکویند مر آن کسی را که در خانهٔ او سیاه دانه و عسل باشد و دیگر فرموده اند
که سیاه دانه داروی جملهٔ دردهاست و شفاء جملهٔ علتهاست در فضیلت
خیار رسول علیه السلام فرموده اند که بخورید خیار را بدرستی که در وی شفاست

و دیگر فرموده اند که هر که خیار را بنمک خورد خدای تعالی او را از علت جذام و فالج
نگاه دارد در فضیلت عدس رسول علیه السلام فرموده اند که بر شما باد که
بخورید عدس را بدرستی که او مبارک است و دل را رقیق کرداند و آب دیده را
زیاده کند و بدرستی که گفته اند در وی برکت هفتاد پیغامبرست علیهم السلام
در حدیث است که در هر طعامی که مثقالی از عدس باشد در وی مثقالی از بوی
بهشت است و دعا کرده اند ابراهیم خلیل و محمد حبیب صلوات الله علیهما در
حق عدس که در وی شفا و برکت است در فضیلت پیاز در خبرست که
مردی پیش رسول علیه السلام آمد و شکایت کرد از قلت فرزند رسول
علیه السلام وی را امر کرد بخوردن پیاز پخته ایضاً رسول علیه السلام
فرموده اند که چون شما در دیاری و شهری در آیید و ترسید از زحمت و آفت
آن دیار پس بر شما باد که پیاز خورید در طعام بدرستی که پیاز روشن کند
روشنایی چشم را و پاکیزه کند موی را و زیادت کند آب پشت را آورده اند که
سفیان ثوری را رحمة الله علیه زحمت شده بود عبد الله مبارک رحمة
الله علیه بعیادت آمد پیاز طلبید و آن را پاره کرد و سفیان را داد و
گفت بوی کن پس آنرا بوی کرد و عطسه زد و گفت الحمد لله رب العلمین
بدرستی که ساکن شد زحمت او و سبب شکر گفتن از خالصة الحقایق
انس ابن مالک رضی الله عنه گفت که پیغامبر علیه السلام فرموده اند که ده
چیز ست که از آن فراموشی آرد اول خوردن سوءر موش و دوم

وسیوم خوردن کبجید وکشنیز خشک وجهارم حجامت کردن بر مغاکی قفا
وپنجم کذشتن میان دو زن وششم نظر کردن بسوی مصلوب وهفتم
بول کردن در آب ایستاده وهشتم رها کردن شبش زنده ونهم خواندن
شعر در مقبره ودهم خوردن بیاز خام عبد الله عباس رضی الله
عنهما کفت که پیغامبر علیه السلام فرمودند که جون ترب خورید وخواهید که
بوی او نیاید در وقت کزیدن ترب بر من که رسول م درود فرستید
تا از بوی خلاص یابید و صحت در وجود شما پیدا آید وملایکه از شما
احتراز نکنند ودل شما غمکین واندوهکین نشود والله اعلم

باب بیست وسیوم در بیان بعضی از خلفا وملوک ماضیه

نقل از تفسیر مغنی واز کفایهٔ شعبی واز تنبیه فقیه ابو اللیث واز خالصة
الحقایق می ویست که سلیمان پیغامبر علیه السلام آنجنان مملکت وسلطنت
که او داشت هیچکس نداشت ضحاک رضی الله عنه کفت که خدمتکاران که
پیش سلیمان پیغامبر علیه السلام بودند جهار صد هزار مرد بودند وجملهٔ
وحوش وطیور در تحت فرمان او بودند دیکها داشت جون حوضها و
کاسها داشت بس بزرک جاشت وشام جملهٔ خلایق را در آن کاسها
طعام دادندی وهر دیکی ببزرکی جنان بود که هزار کاو وکوسفند
در وی فرو شدی در تفاسیر آمده است که لشکر کاه او صد فرسنک
بود بیست و پنج فرسنک آدمیان بودند وبیست و پنج فرسنک پریان ودیو

بودند

بودند وبیست پنج فرسنک مرغان بودند وبیست وپنج فرسنک جانوران پرنده
وچرنده بودند جون سلیمان علیه السلام بر تخت نشستی دو بیست هزار
کرسی زرین بر دست راست او جهت آدمیان نهادند ودو بیست هزار
کرسی سیمین بدست جپ جهت پریان نهادندی وسی وپنج منبر از زر
بر میمنه ومیسره جهت پیغامبر زادکان ودانشمندان نهادندی ودر پیش
وپس وی دیوان مین فتند وکاری که فرمودی میکردند وسلیمان علیه
السلام وعیال او باوجود این کمال وعظمت نان خشک جوین خوردندی
وسلیمان علیه السلام هرکز نان سیر نخوردی تا ناکاه فقیران ومسکینان
وکرسنکانرا فراموش نکند همچنین یوسف پیغامبر صلوات الله علیه
در سال قحط خلق را طعام وغله دادی وخود کرسنه بودی تا خلق را
فراموش نکند وموافقت ایشان کرده باشد در خبرست که جون
آدم صفی را صلوات الله علیه زراعت کردن فرمودند روزی زراعت
میکرد وجفت میراند ستوری را در زمین راندن کاهلی کرد آدم علیه السلام
آن کاو را جوبی زد کاو بسخن آمد وکفت یا آدم در آن وقت که تو عاصی
شدی بر پروردکار عالمیان هیچ زده نشدی اکنون مرا بجوب میزنی
آدم علیه السلام جون این سخن شنید بیهوش افتاد جون بهوش
باز آمد کفت راست میکویی ترا سرزنش میرسد بعصیان من
بعد از آن توبه کرد وعذر خواست مناقب امیر المؤمنین ابو بکر
صدیق رضی الله عنه

آورده اند که چون امیر المؤمنین ابو بکر صدیق رضی الله عنه خلیفه شد
جامه را از خانه بازار برد تا فروشد گفتند یا امیر المؤمنین این جامه
را چرا میفروشی گفت تا آن زمان که خلیفه نبودم کسب میکردم جهت
نفقه عیال این زمان از کسب باز مانده‌ام از برای آن جامه را میفروشم
تا نفقه اهل و اولاد دهم آنگاه صحابه جمع شدند و وظیفه از بیت
المال تعیین کردند هر روز یکدرم و ثلثان درم ازین مقدار هر روز از
بیت المال گرفتی و در حق خود و عیال خود صرف کردی چون امیر المؤمنین
نقل کرد چیزی از درم وظیفه در خانه باقی مانده بود عایشه صدیقه را
رضی الله عنها وصیت کرد که آنرا تسلیم امیر المؤمنین عمر کن عمر رضی الله عنه
بگریست و گفت رحمت خدای عز و جل بر امیر المؤمنین ابو بکر باد
بدرستی که کار را نیک کرد و تعلیم کرد بر کسی که بعد از وی است روایت کرد
یکی از صحابه که دران وقت که امیر المؤمنین ابو بکر خلیفه شد بود
دوازده پیوند در پیراهن مبارک او بوده است مناقب
امیر المؤمنین عمر خطاب رضی الله عنه آورده اند که
عورتی چیزی هدیه فرستاد بسوی خاتون امیر المؤمنین عمر رضی الله عنه
در وقت خلافت او عمر رضی الله عنه آنرا از دست خاتون خود
بستاند و در بیت المال جمع کرد و گفت که من کار گزار مسلمانانم
و این در حق بیت المال اولیتر است و فاضلتر مرویست که

امیر المؤمنین عمر رضی الله عنه در بازار میگذشت شتری را دید بغایت
فربه پرسید که شتر از آن کیست گفتند از آن پسر تو عبد الله است
پسر را گفت این شتر را از کجا گرفتی گفت از نجاشیان میفروختند بسی
لاغر بس من او را بها خریدم امیر المؤمنین گفت از کجا فربه کردی
گفت از بیت المال گفت ای فرزند دلبند بیت المال را از برای تو
نهاده نشده است اکنون از دو کار یکی را اختیار کن این شتر را در کار
مسلمانان استعمال کن تا لاغر شود چنانکه در اصل بود یا خود بهای
این شتر را بگیر بلاغر خریده و او را رد کن در بیت المال عبد الله
همچنان کرد که امیر المؤمنین عمر رضی الله عنه فرموده امیر المؤمنین
عمر رضی الله عنه هر شبی با نفس خود محاسبه کردی اگر حسنات خود را
بر سیئات راجح دیدی بحضرت عزت جل و علا تضرع و زاری کردی و
استغفار بجای آوردی و اگر سیئات را بر حسنات راجح دیدی نفس خود
را چند زدی و گفتی ای بی ادب چرا چنین کردی آورده اند که در وقت
خلافت امیر المؤمنین عمر رضی الله عنه در رود نیل آب کم شد زمین را
زلزله واقع شد امیر بیرون آمد با پالان آن دره را بر زمین زد
و گفت ساکن شو بفرمان خدای تعالی ساکن شد مرویست که در عهد
امیر المؤمنین عمر رضی الله عنه در رود نیل آب کم شد امیر را خبر کردند
گفت پیش ازین در وقت جاهلیت این چنین بود گفتند آری بود

بپرسید که چه میکردند گفتند دختری را بپیرایه می پوشانیدند و در رود نیل
می انداختند آب روان می شد امیر المومنین عمر رضی الله عنه کاغذی
طلبید و در آن کاغذ نوشت که من عبد الله امیر المومنین عمر إلى وادي
النیل أما بعد فإنّا لا نشتغل برسوم الجاهلیة ولکن سیری بإذن الله
عز وجل این رقعه نوشته شد از بنده خدای تعالی امیر المومنین عمر
بسوی رود نیل اما بدانک من مشغول نخواهم شد برسوم جاهلیت
و لیکن تو روان شو بفرمان الله تعالی آنگاه گفت ببرید این رقعه را و
در رود نیل اندازید همچنان کردند آب روان شد از برکت نفس امیر
المومنین عمر رضی الله عنه و هنوز روانست تا بقیامت روان خواهد بود
روایت کنند که نزدیک امیر المومنین عمر رضی الله عنه از شام روغن زیت
آوردند و این روغن در کاسها بود امیر المومنین رضی الله عنه قسمت
میکرد میان مردمان و بنزدیک امیر فرزندانش سینه او حاضر بود و بر
سر آن فرزند موی ها بود و آن پسر در روغن می نگریست اما زهره
آن نداشت که سر خویش را چرب کردی چون کاسه از روغن فارغ شد
کودک دست دراز کرد در آن کاسه روغنی را که باقی مانده بود سر خویش
چرب کرد امیر المومنین عمر بسوی او نگریست و گفت ای فرزند
سخت راغب می بینم ترا بچیز مردمان آنگاه دست او را بگرفت و بسوی
آورد و پیش حلاق برد و موی سرش را تراشید و گفت ای فرزند

این

این ترا آسان ترست از حساب قیامت مرویست که امیر المومنین عمر رضی الله عنه
هرگز آرام نگرفتی و شب و روز خواب نرفتی او را گفتند یا امیر المومنین
چرا زمانی آسایش نگیری گفت اگر در روز خفتم رعیت را ضایع کرده باشم
و اگر بشب خفتم نفس خود را ضایع کرده باشم پس با وجود این دو مقام
چگونه خواب توان رفت مرویست که امیر المومنین عمر سلمان فارسی را
رضی الله عنهما امیر ولایتی کرده بود سلمان فارسی رضی الله عنه آنجا رفت
و مدتی ساکن شد و او را در آن ولایت آن مقدار وجه کاغذ حاصل
نمی شد که کیفیت ولایت را بر امیر المومنین نویسد پس کس فرستاد
که من محتاجم در امیری ببهای کاغذ تا احوال خود را پیش شما عرضه
دادم امیر المومنین در جواب نوشت که یا اخی سلمان قلم را باریک
تراش و سخن را مختصر ساز اندکی کاغذ ترا کافی هست آورده اند که بعضی
از تابعین گفتند که دیدیم که بر پشت مبارک امیر المومنین عمر رضی الله عنه
اثر تازیانه بود عبد الله گفت سبحان الله او خلیفه بر حق است او را تازیانه
که تواند زد اما او را رسم بود که هر شب جمعه تازیانه بر نفس خود زدی و نفس
خود را گوید تو درین هفته خطاها کردی ترا چه می باید خوردن مرویست که
چون امیر المومنین عمر رضی الله عنه از دنیا رحلت کرد آسمان و زمین
بروی چهل روز گریستند مرویست که امیر المومنین عمر رضی الله عنه
انا بولؤلؤ در زمان زخم خورد بعد از آن سه روز بزیست امیر المومنین

علی رضی الله عنه

وعبد الله عباس رضی الله عنه بعیادت او آمدند عمر رضی الله عنه میگریست ایشان
گفتند چرا میگریی گفت گریهٔ من از این نیست که دنیا را میگذارم ولیکن گریهٔ
من از آن جهت است که خدای تعالی مرا امیر کردانید بر امت محمد صلی الله علیه
وسلم من می ترسم از آنکه از من سوال کنند که در حق بنده کان ما چه کردی
من چه جواب کویم ایشان گفتند مر او را که مترس که تو عدل کردهٔ میان
خلق خدای عز وجل پس عمر گفت اگر شما این چنین گواهی دهید نیکو با
عبد الله عباس ساکت شد امیر المومنین علی گفت ای شاه مفتران
ساکت مشو که من گواهی میدهم بر عدل عمر در حضرت حق عز وجل پس
عمر گفت پسر را که یا عبد الله دوات و قلم و کاغذ بیار و بنویس آنچه
گواهی دهند بدرستی که رسول علیه السلام قبول کرده است گواهی این دو
مرد را آورده اند که وصیت کرد مر پسر خود را که زینهار این خط را در میان
کفن من نهی تا فردا مرا حجت باشد نزد خدای تعالی چون امیر المومنین
عمر رضی الله عنه از دار فنا رحلت کرد پسرش عبد الله او را بخواب دید
بعد از یکسال و در دست او آن خط بود پرسید مر او را که یا امیر المومنین
خدای تعالی با تو چه کرد گفت بدرستی که خدای تعالی با من حساب کرد پس یافت
از من تقصیر در کارهای مسلمانان بعده حق تعالی فرمود که من شرم میدارم که
گواهی این دو کس را از یاران رسول رد کنم پس آمرزید مرا عبد الله گفت
ای پدر بکدام تقصیر ترا مواخذه کردند گفت شتران بیت المال که بودند
زانو

زانو بند ایشان هر سال کهنه میشد کهنه را دور میکردند و بجای وی نو میکردند
شتربانان آن را نو بند کهنه را می بردند و در مصرف خود خرج میکردند مرا
از این سبب عتاب کردند که چرا کهنه را ضایع کردی و جمع نکردی تا آن را می
فروختی و شتران را نو بند نو میخریدی یکسال دیگر بدان نوا بند حاجت نبودی
از مقدار از بیت المال ضایع کردی و مساهلت نمودی مناقب امیر
المومنین عثمان بن عفان رضی الله عنه در حدیث مصابیح
مرویست از عایشه صدیقه رضی الله عنها که روزی رسول علیه السلام در خانه
تکیه زده بودند و ساق مبارک رسول علیه السلام کشاده بود امیر المومنین ابو
بکر رضی الله عنه اجازت خواست و در آمد بعد از آن امیر المومنین عمر رضی
الله عنه در آمد ایشان سخن گفتند رسول علیه السلام ساق مبارک خود را نپوشید
بعد از آن امیر المومنین عثمان رضی الله عنه در آمد همین که نشست حضرت رسالت
علیه السلام جامها را راست کرد و ساق را پوشید بعد از آن همه بیرون آمدند
عایشه رضی الله عنها گفت من سوال کردم که یا رسول الله امیر المومنین ابو بکر
در آمد شما هیچ حجاب نکردید و همچنان با بشارت و خرمی سخن گفتید بعد از آن
امیر المومنین عمر در آمد همچنان خوش محاوره بودید و چون امیر المومنین
عثمان در آمد برخاستید و جامه را راست کردید و از وی حجاب کردید رسول
علیه السلام گفتند یا عایشه من چگونه شرم ندارم از مردی که ملایکه از وی
شرم میدارند مرویست که طلحه بن عبید الله رضی الله عنه گفت که پیغامبر
علیه السلام فرمودند که

اجازت خواست

پیغامبر را رفیقی هست و رفیق من در بهشت امیر المؤمنین عثمان است رضی الله عنه

مرویست که روزی پیغامبر علیه السلام جد و جهد می نمودند در اسباب غزات

صحابه را میفرمودند که در کار غزات مدد کنید امیر المؤمنین عثمان رضی الله عنه

برخاست و گفت یا رسول الله من صد شتر بدهم بجمیع اسباب او از پلاس

و قتب و ریسمان در راه رضای خدای تعالی گرفت دوم رسول علیه السلام گفتند

کیست که در کار غزات مدد کند که امسال سال عسرتست و سال دشواریست باز

امیر المؤمنین عثمان برخاست و گفت یا رسول الله من دویست شتر بدهم

با جمیع اسباب او از اجلاس و اقتاب بعد از آن رسول علیه السلام این

حدیث را فرمودند که مَا عَلَى عُثْمَانَ مَا عَمِلَ بَعْدَ هٰذِهِ یعنی ای عثمان ترا هیچ

باکی نیست بعد از آن که اینچنین عمل صالح کردی و این هدیه و عطا احسان کردی

خدای تعالی ترا آمرزید **مناقب امیر المؤمنین علی رضی ابن ابی**

طالب کرم الله وجهه و رضی عنه نقل از مصابیح سعید بن ابی وقاص

رضی الله عنه روایت میکند از رسول صلی الله علیه و سلم که بلفظ دُربار

شکرنثار خود چنین فرمودند که یا علی تو مرا بمنزله هرونی از موسی یعنی

همچنان که هارون برادر موسی بود تو برادر منی اِلّا آنکه هرون پیغامبر بود و

بعد از من پیغامبر نخواهد بود و دیگر فرمود که بدان خدایی که آفرید جمیع

مخلوقات را و رویانید جمیع نباتات را بدرستی که هر که دوست دارد امیر المؤمنین

علی را بدرستی که او مؤمن است و هر که او را دشمن گیرد دارد بدرستی که او منافق است

از مصابیح مرویست که سهل بن سعد رضی الله عنه روایت کرد که رسول صلی الله علیه وسلم

در روز خیبر فرمودند که امروز علم را بدست کسی خواهم داد که فتح و ظفر در دست

وی باشد خدای و رسول خدای آنکس را دوست دارد چون بامداد شد

رسول علیه السلام امیر المؤمنین علی را رضی الله عنه جویان شد گفتند

یا رسول الله امیر را چشم درد میکند رسول علیه السلام نزدیک او کس فرستاد

چون حاضر شد مهتر عالم علیه السلام آب دهان مبارک خود را بر چشم علی مالید

در حال بفرمان خدای تعالی نیکو شد چنانکه گویا هرگز درد نبود بعد از آن

علم را در دست امیر المؤمنین علی نهاد و بجهاد مشغول شدند خدا و رسول تعالی

رسول را علیه السلام نصرت داد کافران خیبر منهزم شدند **در خبر است** که

رسول علیه السلام فرمودند بدرستی که من از علی ام و علی از منست و این علی

دوست و محب مؤمنانست **از مصابیح** عبد الله عمر رضی الله عنهما روایت کرد

که رسول علیه السلام با صحابه عهد برادری بستند امیر المؤمنین علی رضی الله عنه حاضر

نبود بعد از آن امیر آمد و گریان شد و گفت یا رسول الله شما با صحابه کرام

عهد مودّت و اخوت بستید مرا با هیچکس عهد برادری نیست رسول علیه

السلام فرمودند که یا علی اَنْتَ اَخِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ یعنی تو برادر منی در

دنیا و آخرت **قصهٔ خاتون قیامت فاطمهٔ زهرا رضی الله عنها**

آورده اند که فاطمهٔ زهرا رضی الله عنها در مرض موت بود امیر المؤمنین

علی را رضی الله عنه وصیت کرد که یا علی بدانکه چهار وصیت دارم بعد از من بالله

یکی آنکه چون من از جهان فنا بدار بقا رحلت کنم باید که مرا بدست خود در خاک دفن
کنی دوم آنکه جنازهٔ مرا در شب بیرون آری تا نظر کسی بر جنازهٔ من نیفتد
سیوم آنکه در آن طاق شیشه ایست پر آب که از ترس حق عز وجل شبها از دیده
باریده ام آنرا با من بخاک دفن کنی تا فردای قیامت مرا در عرصات آبروی
باشد چهارم آنکه بعد از من حسن و حسین را نیکو داری و در حق
ایشان شفقت و مرحمت بجای آری که ایشان دل شکسته خواهند شد
چون فاطمه رضی الله عنها رحلت کرد بعد از آن شاه مردان او را بخواب
دید پرسید که یا خاتون قیامت حال تو چگونه است گفت یا علی بدانکه حال
من بغایت نیکوست اما کار مرا موقوف داشته اند بسبب اندک چیزی
امیر گفت آن چه چیز است فاطمه رضی الله عنها فرمود که روزی من
از زن همسایه سوزن عاریت گرفته بودم فراموش کردم و بصاحب او نرسانیدم
اکنون آن سوزن در خانه است بفلان جای آنرا بصاحب او بده تا من
بمقام خود برسم علی رضی الله عنه همچنان کرد و سوزن را بخصم داد و خاتون
قیامت از عهده بیرون آمد و بدرجات عالیه برسید مناقب
امیر المؤمنین عمر عبد العزیز رضی الله عنه آورده اند که در آن
روز که عمر عبد العزیز رضی الله عنه خلیفه شد شبانی دید که گرگ در
مقابلهٔ میش آب میخورد در تعجب ماند و گفت مگر عمر عبد العزیز
خلیفه شده است و فی الواقع همچنین بود می آرند که تا آن زمان که او در خلافت

بود

بود هیچ شبانی نگفت که گرگ میش را خورد از هیبت خلافت او مرویست که
چون عمر عبد العزیز خلیفه شد روزی بر تخت عزت نشسته بود پسرش
گریان در آمد که یا پدر بزرگوار من دیگر بمکتب نمیروم پرسید که بچه سبب
گفت کودکان مرا سرزنش میکنند و میگویند که پسر خلیفه جامهٔ
درست ندارد جامهای کهنه و پاره پاره پوشیده است خلیفه گفت ای فرزند
در دست من و در ملک من چیزی نیست که ترا از آن جامه سازم پیش خازن
بیت المال نوشت که مرا این چنین حال پیش آمده است من چند درم
قرض بده تا او را جامه سازم تو در وظیفهٔ من در ماه آینده حساب کنی خازن
جواب نوشت که ای خلیفه من این کار را کنم اما ترا اعتماد هست که در ماه
آینده زنده مانی و خلیفه باشی تا مستحق وظیفه گردی چون این جواب
بخلیفه رسید گریان شد و گفت راست میگوید من قوت آن ندارم
که برای تو جامه سازم آنگاه پسر را گفت ای فرزند صبر کن و تحمل
بجای آر و بگذار تا جهان ترا سرزنش کنند باشد که خدای تعالی ترا بلباس
مغفرت روزی کند و بسبب تو پدر فقیر ترا آمرزد منقولست که عمر
عبد العزیز نور الله مرقده پیش از خلافت جامها خریده بچهار صد دینار
زر چون خلیفه شد آنرا باز گردانید و گفت این جامها نیکست اما شایستهٔ من
نیست چهار درم داد و پیراهنی خرید چون پیش آورد گفت این نیز لایق
من نیست زیرا که نرم است مرا پلاس درشت باید آورده اند که عمر عبد العزیز
شبی نشسته بود

ودر دفاتر بیت المال نظر میکرد و چراغ نزدیک بود که بمیرد برخاست و چراغ
را روشن کرد و بنشست و غلام او آنجا خفته بود گفتند او را که چرا غلام را
نفرمودی تا چراغ را روشن کند گفت بسبب آنکه رسول علیه السلام فرموده
اند که چون آفتاب غروب کند خواجه را بر غلام دست نماند از برای آن
معنی خود چراغ را روشن کردم مرویست که عمر عبد العزیز شبی نشسته
بود پیش او شمع افروخته بودند و او در دفاتر بیت المال نظر میکرد ضعیفهٔ
نزدیک وی آمد و از وی چیزی پرسید خلیفه شمع را فرونشاند و چراغ
دیگر افروخت بعد سوال آن ضعیفه را جواب گفت او را گفتند که چرا
همچنین کردی گفت این شمع از بیت المال بود و من در کار عامهٔ مسلمانان
بودم اما سوال این ضعیفه از کار عامهٔ مسلمانان نبود مرا نرسد که
نفع بمال مسلمانان گیرم و سوال او را جواب گویم منقولست که هرگاه که
پیش عمر عبد العزیز مشک آوردندی از غنیمت آنرا در میان مردمان قسمت
میکرد و خود دست بر بینی نهادی تا بوی مشک بدماغ او نرود گفتند
یا امیر المؤمنین چرا چنین میکنی گفت بدانید که در مشک منفعت نیست
غیر از بوی پس چه دشوار می آید که بوی او در بینی من در آید تا بباید که
روز قیامت جملهٔ مسلمانان با من خصومت کنند آورده اند که فاطمه
خاتون که عیال عمر عبد العزیز بود و خواهر عبد الملک بن مروان بود
و این فاطمه خاتون یکی جاریهٔ جمیله داشت و عمر عبد العزیز را پیش از آن

خلافت

خلافت بآن جاریه میل خاطر بود و کرات از خاتون خود بلطف و مردی بقیمت
می طلبید خاتون نمیداد چون خلیفه شد آن خاتون تفکر کرد که مدت مدید
خلیفه را با این کنیزک میل خاطر بود این زمان از دنیا اعراض کرده است و
بخدمت و طاعت خدای تعالی مشغول شده اکنون او را آزمایم که در کار دین
صادق هست یا نی فاطمه خاتون جاریه را بخلیفه هبه کرد خلیفه بآن خوش
دل شد شبی آن جاریه را بخلوت طلبید و از وی پرسید که تو پیش از این از آن
که بودی جاریه گفت من از آن فلان مردی بودم که در کوفه حجاج خواجهٔ مرا
مصادره کرد بعوض مصادرهٔ خواجهٔ من مرا بحجاج داد پس حجاج مرا بسوی
عبد الملک بن مروان فرستاد و او بخواهر خود فاطمه خاتون بخشید خلیفه
گفت از خواجهٔ تو هیچکس مانده است گفت پسری هست پس خلیفه بکوفه کس
فرستاد و بر والی کوفه نوشت که البته فلان بن فلان را طلب کن و او را
بسوی من فرست پس والی کوفه پسر آن مرد را بنزد خلیفه فرستاد خلیفه
از آن مرد پرسید که تو یاد داری که حجاج از پدر تو چه گرفت گفت چندین
هزار دینار بناحق ستاند خلیفه آن مقدار مال با او داد باز پرسید که غیر
از این چیزی دیگر ستانیده است گفت مرا وقوف نیست امیر المؤمنین فرمود که
آن کنیزک را بیارید آوردند گفت این جاریه ملک پدر تست حجاج او را
بظلم گرفته بود آن مرد گفت من نمی دانستم اما ترا امتحان میکردم که تو زاهد
شوی یا نی و اگر من ذکر میکردم تو ناچار بمن رد میکردی خلیفه گفت اکنون جاریه

ازان تست

بکیر ورفتی گفت ای خلیفه بتو بیع میکنم بهر بهایی که خواهی خلیفه گفت اگر من
این جاریه را میگیرم هوای نفس و شهوت من غالب میگردد نمیگیرم تا مخالفت
نفس کرده باشم این بگفت و جاریه را بخرید و نقدش باز داد مرویست که عمر
عبد العزیز شبی خفته بود در خواب بترسید و لون او متغیر شد وان
جامه خواب برجست و بیدار شد ازوی پرسیدند که یا خلیفه چه دیدی
در خواب که بترسیدی و لون بشره تو متغیر شد گفت چنان دیدم که قیامت
قایم شده است و منادی ندا میکند که امیر المؤمنین ابو بکر صدیق را پیش
آرید او را حاضر کردند با او بآسانی حساب کردند و بسوی بهشت فرستادند
بعد از آن ندا کردند که عمر خطاب را پیش آرید او را حاضر کردند همچنان با او
حساب کردند سخت تر از آن که با ابو بکر صدیق کردند و او را بسوی بهشت
فرستادند و همچنین با امیر المؤمنین عثمان حساب کردند و او را نیز بسوی
بهشت بردند و همچنین با امیر المؤمنین علی حساب کردند پس او را به بهشت
بردند پس خلفاء دیگر را بهمین طریق حساب کردند چون نوبت من آمد
مرا پیش بردند حضرت حق جل وعلا با من خطاب کرد و مرا پرسید از قلیل
و کثیر اگر فضل خدای تعالی نبودی هلاک میشدم پس مرا بسوی بهشت بردند
در راه مرداری دیدم افتاده بپای جنبانیدم گفت آه واویلاه پرسیدم که
تو کیستی گفت منم حجاج گفتم اینجا چه میکنی گفت امید میدارم که رحمت
خدای تعالی بمن رسد آورده اند که در آن عصر که عمر عبد العزیز را زهر دادند

غلامی

غلامی بود که بسبب حطام دنیاوی او را زهر داد و آن حرکت ناپسندیده کرد خلیفه
او را خواند و گفت این کار را تو کردی گفت آری فلان وزیر طمع جاه و منزلت تو
کرد از سبب وسوسه آن دیو مردم این کبیره را ارتکاب کردم عمر عبد العزیز
گفت این زهر مرا بغایت کاری افتاده است من امید زیستن ندارم این سخن
زهر خوردن من بهر کسی رسیده است اکنون من ترا بحل کردم خون خود را تو
باری گریز و برو تا نباید که از سبب من ترا کشند ای عزیز من بزرگان دین
با خود چنین الطافها کرده اند هم درین عصر مردم این زمانه طریق و سلوک آن
پادشاهان را برطرف کرده اند و در غرور دنیا غرق شده الها و پادشاها بکمال
کرمت همه را طریق صلاح و مذهب فلاح روزی گردان و همه را هم عنان بصدق
جنان برسان یا اکرم العالمین و یا خیر الناصرین برحمتک یا ارحم الراحمین

مناقب خلیفه هارون الرشید انار الله برهانه آورده اند که

در عهد خلافت او در بغداد ظلمت واقع شد چنانکه هوا بغایت تاریک شد همچون
شب هارون از تخت بر زمین فرود آمد در سجده افتاد و می نالید و میگفت الهی
اگر خشم تو برین خلق از سبب گناهان ایشانست آنرا عفو کن از ایشان مرا هر چه
خواهی بکن و خلق را خلاص ده چون این تضرع و زاری را بصدق کرد بفرمان
خدای تعالی ظلمت رفت و تاریکی ناپیدا شد آورده اند که هارون الرشید را وزیری
بود معروف و مشهور وقتی بگواهی دادن نزدیک امام قاضی ابو یوسف القاضی
رحمة الله علیه آمد گواهی او را رد کرد و آن وزیر نزدیک خلیفه آمد و شکایت کرد و گفت

کاهست
من ترا جندین

که خدمت میکنم باین امید که شرف و عزت من زیاده شود کی دانستم که مرا خدمت تو حاصل خواهد شد خلیفه پرسید که تراجم شد گفت که ابو یوسف القاضی شهادت مرا رد کرد خلیفه نزدیک امام کس فرستاد و گفت چرا گواهی او را رد کردی گفت بدرستی که من از وی روزی شنیده بودم که گفت من بندهٔ خلیفه ام اگر درین سخن او صادق است پس گواهی نیست بنده را و اگر او کاذب است من قبول نکنم گواهی کاذب را و دیگر فرمود که بنده قبول نکنم گواهی خلیفه را هارون الرشید گفت چرا قبول نمیکنی گفت ازان که تو کوتاهی میکنی در طاعت خدای عز و جل پس خلیفه بترسید و جملهٔ اعضای او لرزید و بزانوی ادب نشست و سوال کرد که یا امام المسلمین چگونه است این کار امام ابو یوسف رحمة الله علیه گفت که خدای تعالی فریضه کرده است بر مسلمانان پنج نماز را در هر روز و شبی فرموده است که ادا کنید نماز را بجماعت اکنون برابر است در ان امر و فرمان حق تعالی ضعیف و قوی غنی و فقیر و تو از خانه هرگز بیرون نمی آیی بسوی مسجد و این عمل از تو که خلیفهٔ عیبی عظیم است بعد ازان خلیفه فرمود تا مسجد را در کوی چهار در کشادند و مردمان را فرمود تا ازان در ها در آیند و نماز گزارند بعده هارون الرشید در مسجد حاضر شدی و پنج وقت نماز را بجماعت گزاردی از نفس امام ابو یوسف القاضی رحمة الله علیه **مناقب سلطان محمود غازی نور الله مرقده آورده اند که** چون سلطان محمود غازی از دنیا رحلت کرد او را در خواب دیدند گفتند یا سلطان خدای تعالی با تو چه کرد گفت ای مردمان مرا سلطان

مگویید

مگویید اسیر گویید که آنجا بارگاه سلطان سلاطین است محمود سبکتکین را چه قدر باشد **مروی است که** سلطان محمود را بعد از وفات او بخواب دیدند از وی پرسیدند که خدای تعالی با تو چه کرد گفت حق عز و جل مرا بخشید گفتند بچه سبب فرمود که شبی من در خانهٔ مردی مهمان بودم آنجا در طاقی مصحفی نهاده بودند با خود گفتم که مصحف اینجا باشد من چگونه خفتم و اگر مصحف را بیرون فرستم از برای آسایش خود بی ادبی کرده باشم القصه آن شب همچنان بیدار نشستم تا روز چون وقت نقل من شد از دنیای فانی کار بر من تنگ شد هاتفی آواز داد که ای محمود تو کلام ما را عزت داشتی ما گناهان ترا بخشیدیم و برحمت خود آمرزیدیم **از ملفوظ خیر المجالس** آورده اند که در وقت خلافت سلطان محمود طیب الله مضجعه والیی از ولایت سرکشی کرد و مال نفرستاد سلطان لشکر کشید و آن والی را اسیر کرد دران وقت او را پیش سلطان محمود آوردند دست و پای زنجیر کرده محمود گفت اگر تو همچنانکه در قدیم مال می فرستادی و عمل میکردی اکنون اگر همان عمل بجای می آوردی پس لشکر نکشیدمی و ترا اسیر نکردمی و این حال بر تو واقع نشدی که فضیحت و رسوا خود را بند و غل نهاده در میان خلق می بینی اکنون بیا و عهد کن با خدای عز و جل که دیگر مال فرستی و کردن کشی نکنی تا ولایت را بتو باز دهم گفت عهد با خدای عز و جل میکنم اما ولایت را قبول نمیکنم سلطان گفت تو فرزندان و خدمتکاران و لشکر بسیار داری حال ایشان چگونه شود اکنون بیا و ولایت را بستان گفت ای سلطان مرا بگذار و اگر چنانست که

مرا نخواهی گذاشت

بادي يكی ده خراب را بمن ده تا من آن را خود ملازمت کنم وعمارت کنم وآبادان
سازم سلطان کفت دیه آبادان بستانی کفت نستانم سلطان فرمود که باختیار
وی روید ویکی دیه خراب را از ولایت با و سپاریت کسان سلطان محمود رفتند
ودر تمام ولایت او تفحص کردند دیهی خراب نیافتند سلطانرا کفتند که در تمام
ولایت او بکشتیم دیهی خراب نیافتیم سلطان محمود او را پیش خود طلبید وقصه را
با او عرض کرد والی کفت مقصود من همین بود تا سلطان داند که من ولایت را
همچنین آبادان باقی سپارم ورنج ومشقت را بر خود روا میدارم اکر بعد
ازین خراب شود در عهده قیامت سلطان در آید ای عزیز بدانک پادشاهان
پیشین در کار دین چنین رعایتها کرده اند ورعیت را نیازرده از خوف خدای
عزوجل وامید از رحمت او داشته اند **مناقب ملکشاه بن الب ارسلان**
نور الله مرقده نقل از ذخیر المجالس خواجه علیه الرحمه فرمودند که در شهر
صفاهان پادشاهی بود که او را ملکشاه بن الب ارسلان کفتندی روزی به
شکار بیرون آمده بود بیکاه شد شب در دیهی نزول کرد دران دیه کنده
پیری ماده کاوی داشت در کشت زار میچرید غلامان ملکشاه ماده کاو را
کرفتند وکشتند وخوردند خبر به زال رسید زال کفت مرا بر سر پل برید
آنجا پلی بود که آنرا پل زنده رود کفتندی کذر ملکشاه بران پل بود کنده پیر
را آنجا بردند وبر سر پل نشاندند کوکبه ملکشاه پیدا شد چون نزدیک زال رسید
زال فریاد برآورد که ای پسر الب ارسلان امروز بر سر پل زنده رود داد من بده

واکر

واکرنه فردای قیامت انصاف داد خود را بر سر پل صراط از تو بستانم ملکشاه
فرمود تا آمدند وبساط کستردند بر سر پل زنده رود بنشست با کنده پیر کفت
که بر تو چه ظلم رفته است کفت مرا ماده کاوی بود امشب در کشت زار میچرید
غلامان تو کشتند وخوردند سلطان فرمود تا تفحص کردند حال همچنان بود که زال
کفته بود غلامانرا فرمود تا ادب بلیغ کردند بعد ازان فرمود تا هشتاد ماده کاو
در عوض یک ماده کاو فرمود تا آوردند ملکشاه زال را کفت ای مادر بدانک این یک
ماده کاو در عوض ماده کاو نشست ودیکرها را عدل کردم بتو می سپارم بعد ازان
از جمعیت اقرباء واحوال پرسید که چکونه است وفرزندان چند اند هر یکی را ادراری
معین کرد وکنده پیر را بقدر کفاف غنی کردانید چنانک زال خوش خاطر بر کشت
بعد ازان چند کاه کذشت ملکشاه از دنیا رحلت کرد خبر بزال رسید که ملکشاه
نقل کرد برخاست وسر را برهنه کرد وسر بسجده نهاد وکفت خداوندا پادشاهی
کریمی ورحیمی بر علم قدیم تو پوشیده نیست میدانی که پسر الب ارسلان بر من عدل
کرد وهم فضل کرد تو پادشاه کریمی بر وی فضل کن دران شب اهل صفاهان ملکشاه
را در خواب دیدند که حلهاء بهشتی پوشیده در بهشت میخرامید پرسیدند که این مقام
عالی را از چه یافتی کفت این همه عنایت از برکت دعاء آن کنده پیر حاصل شد که بر سر
پل زنده رود بروی عدل کردم خدای تعالی در حق من هم فضل کرد **از تفسیر منیر**
پیغامبر علیه السلام فرمودند امیری که عادل بود هر روز چندان طاعت او را بر آسمان
برارند که اکر همه رعیت او طاعت کنند بمقدار طاعت او نشود ویک پادشاه عادل را
ثواب هفتاد غازی دهند

از خالصة الحقایق پیغامبر علیه السلام فرموده‌اند که عدل یکساعت بهتر از عبادت
شصت ساله است در خبر است که موسی کلیم الله صلوات الله علیه گفت الهی فرمودی
مرا که با فرعون سخن نرم گوی درین چه حکمت است خطاب آمد که یا موسی فرعون
در عمر خود زنا نکرده است و مظلومانرا انصاف داده است و راهها را از راه
زنان ایمن کرده است با این خصلتها منکه خداوندم شرم داشتم که او را عذاب کنم
مرویست که موسی کلیم صلوات الله علیه دعا کرد بر هلاک فرعون خدای تعالی وحی
کرد سوی موسی و گفت یا موسی بدانک کفر او مرا زیان نمیدارد اما بندگان مرا
از عدل او نفع است پس هرجاه که در مقام کفر ظلم آغاز کرد خدای تعالی او را غرق کردانیدند
و هلاک شد قصهٔ انوشیروان عادل آورده اند که روزی انوشروان با
لشکر خود بیرون آمده بود کنده پیری پیش وی استعانت کرد و گفت یکی از
لشکریان تو در حق من ظلم کرده است و یک گوسفند مرا بناحق خورده انوشروان
گفت بعوض آن ترا گوسفند دیگر دهم کنده پیر گفت قبول نمیکنم ده کان زیاده
میکردند تا صد میش شد زال قبول نمیکرد بعد از آن نوشیروان گفت وای بر تو
ای کنده پیر من ترا صد گوسفند میدهم بعوض یک گوسفند راضی نمیشوی کنده
پیر گفت ای نوشیروان بدانک مرا این چندین میش بکار نمی آید اما تفکر می
کنم و میگویم با وجود اینچنین پادشاه عادل چگونه است که لشکر او مال مردمانرا
بناحق میگیرند نوشیروانرا ازین سخن غیرت آمد همان دم فرمود تا تحقیق
کردند آنکس را که گوسفند او را بناحق گرفته بود آوردند و گردن زدند مرویست که

وقتی

وقتی انوشیروان رنجور شد اطبا جمع شدند و گفتند که او را بنج دل بیوه زنی
گرفته است و حق تعالی فرموده است که من انصاف مظلومانرا از ظالمان
میرانیم بستانم نوشروان درین تحیر فرو ماند و گفت سالها است که من
ظلم نکرده ام و در مملکت من کسی ظلم نکرده است بعده انوشیروان گفت اکنون
علاج من چیست گفتند این زحمت ترا خاکی باید که آبادان بوده باشد
و در روزگار تو خراب گشته بود آن خاک را بیارند و از آن صفه سازند تا تو
آنجا بخفتی نیکو شوی کرد تمام مملکت او برآمدند هیچ جای خراب نیافتند
تا رسیدند بشهری که نام او دامیان بود در آنجا خانهٔ یافتند سقف آن
خانه فرود آمده خاک آنرا آوردند و صفه ساختند نوشروان در آنجا خفت
و نیکو شد بعد از آن نوشروان فرمود تا رئیس آن شهر را آوردند گفت
چرا باید که در روزگار عدل من خانهٔ خراب باشد رئیس گفت ای سلطان
بدان این هم از عدل تست که آن خانه همچنان عمارت ناکرده مانده است
و آن قصه چنان بود که بازرگانی درین شهر رسید و خانهٔ گرفت سی سال است که
او مرده است و رخت ازین جهان بعالم عقبی برده کسی را زهرهٔ آن نبود که درین
مدت در آن خانه را باز کند از ترس تو تا بام آن خانه فرود آمد و خراب شد
این نیز از سبب عدل تست نه از ظلم نوشروان او را خلعت بخشید و نواخت
کرد آورده اند که انوشروان عادل وفات یافته وصیت کرد که تابوت او را در
مملکت بگردانند و ندا کنند که هرکرا حقی باشد بیاید و حق خود را طلب کند

همچنان کردند هیچکس پیدا نشد تا حق طلب کند و بگیرد مرویست که در انگشترین انوشیروان نوشته بود که ندامت بر عفو کردن نزدیکتر و دوست‌تر است از ندامت بر عقوبت والله اعلم بالصواب

باب بیست و چهارم در علامات قیامت نقل از تفسیر و از کتب اخبار وغیر آن

از کفایهٔ شعبی بعضی از متقدمان گفته‌اند که چون برداشته شود ازین امت دوازده خصلت دلیل رفتن خیرها و سعادتها باشد و آن از علامات قیامت بود اول آنکه هرجاه عدل از امرا برداشته شود دوم علم از علما سیوم اخلاص و صدق از غازیان چهارم ورع و تقوی از زاهدان پنجم امانت از بازرگانان ششم نصیحت از نیکوکاران هفتم سخاوت از اغنیا هشتم صبر از فقرا نهم عقل از زیرکان دهم حرمت از فرزندان یازدهم شرم از زنان دوازدهم سکن از مزارعان از تفسیر منیر در خبرست که زمانه آید بر امت من که مردان و زنان جمله بیکجا نشینند و صف زنند و رودها زنند چون روز شود همه مسخ شده باشند خبر آید که در فلان خانه دو تن یا سه تن مسخ شده‌اند صحابه رضی الله عنهم پرسیدند از پیغامبر علیه السلام که هیچ نشانی باشد وقت مسخ ایشان را و بیرون آمدن دجال لعین را رسول علیه السلام گفت زمانه آید که پنجاه زن مهری را بخود خوانند نه مرد از زن سیر شود و نه زن از مرد رسول علیه السلام فرمودند که در آخر الزمان پیشوا و رئیس قوم ناکسان و خسیسان و کم اصلان باشند

از مشارق مرویست که جبرئیل علیه السلام پرسید از رسول علیه السلام پرسید از رسول ما که خبر کن مرا از روز قیامت که کی خواهد آمد رسول علیه السلام گفت که جواب دهنده از پرسنده درین مسئله عالم‌تر نیست یعنی همچنان که تو که جبرئیلی نمیدانی که قیامت کی خواهد بود من که محمدم نیز نمیدانم که قیامت کی خواهد بود پس جبرئیل علیه السلام گفت خبر کن ما را از علامات قیامت رسول علیه السلام فرمودند یکی از علامات قیامت آن باشد که کنیزک خواجه زادهٔ خود را بزاید یعنی از کنیزک مر خواجهانرا فرزندان زایند و دیگر از علامات قیامت آن باشد که تن برهنگان و گرسنگان و بی اصلان و شبانان و گلهبانان حاکم مردان کردند و عمارتهای رفیع کنند و بدان فخر کنند و مهتر و سرور قوم شوند خواجه ابو علی ثقفی رحمة الله علیه گفت آید برین امت زمانه که عیش خوش نباشد مومن را مگر آنکه خدمت کند منافق را رسول علیه السلام فرمودند که زمانه آید بر امت من که شناخته نشوند عالمان ایشان مگر بجامهای خوب و شناخته نشوند قاریان ایشان مگر با لحانهای خوش و آن قوم خدای تعالی را عبادت نکنند مگر در ماه رمضان حق عز و جل گمارد بر ایشان کسی را که هیچ رحم نکند بر خوردان ایشان و حرمت ندارد بزرگان ایشان را رسول علیه السلام فرمودند که زمانه آید بر امت من که مهمان جاهل تکلم کنند

وعالمان ساکت باشند

ودروغ کوی را راست کوی دارند ومرد امین را دروغ کوی بندارند وبرادر از برادر
بیزار شود رسول علیه السلام فرمودند که قیامت قایم نشود مکر وقتی که
جمع شود بر یکی مرد سی زن و همه کویند که ما را بخواه رسول علیه السلام فرمودند
که بناه جویید وباز داشته خواهید از جملهٔ بلاها از حق تبارک وتعالی بعد از
هفتصد وهفتاد سال از تفسیر مغنی رسول علیه السلام فرمودند که چون
آید بعد از من بر امت من هفتصد وهشتاد سال بدرستی که حلال مرایشان را که
زن نخواهند وبر سر کوهها خلوت وعزلت کیرند رسول علیه السلام کفتند
زمانهٔ آید بر امت من که دوست دارند بنج چیز را و فراموش کنند بنج چیز را
ودوست دارند کناه را و فراموش کنند توبه را ودوست دارند حیات
را و فراموش کنند ممات را ودوست دارند دنیا را و فراموش کنند
عقبی را ودوست دارند مال و فراموش کنند زکوة را ودوست دارند
جاه را و فراموش کنند چاه را یعنی قبر را از تنبیه فقیه ابو اللیث رحمه الله علیه
مرویست که چون قیامت نزدیک آید این خصلتها بدیدا شود اول مردان
بمردان بسنده کنند دوم زنان بزنان بسنده کنند سیوم دعوی کنند وآن
چنان نباشد یعنی کویند ما سیدیم یا از نسل فلان بزرکیم ولیکن غیر آن باشد
جهارم بزرکان بر خوردان رحمت نکنند بنجم خردان بزرکان را حرمت
نداند ششم امر معروف را باز دارند هفتم از نهی منکر دست فرو کذارند
هشتم علم از بهر جمع کردن درم ودنیا آموزند نهم بناهاء قوی برارند دهم

متابع

متابع هوا وهوس کردند یازدهم دین را بدنیا فروشند دوازدهم خون ریختن
را خوار دارند سیزدهم صلهٔ رحم را ببرند جهاردهم ناخنها را دراز کنند بانزدهم
مصحفها را در سیم کیرند شانزدهم مسجدها را نقش و نکار کنند هفدهم رشوتها را
آشکارا شود هژدهم سرود کفتن را عزیز دارند نوزدهم زنان را بر اسبان
نشانند بیستم رباخوردن کیرند از خالصة الحقایق ابو هریره رضی الله عنه
کفت که بیغامبر علیه السلام فرمودند که هرجاه که امراء شما عادل باشند
وعالمان شما عامل باشند وتوانکران شما جوانمرد باشند بس روی زمین
مر شما را بهتر از شکم زمین وجون امراء شما ظالم باشند وتوانکران شما
بخیل باشند وعالمان شما بی عمل باشند وکارهاء شما بدست زنان شما
باشد بس زیر زمین مر شما را بهتر از روی زمین عبد الله عباس رضی الله
عنهما کفت که بیغامبر علیه السلام فرمودند که در آخر الزمان قومی باشند که
ترغیب کنند مردمان را در کارهاء آخرت وخود نکنند ومردمان را زهد وورع
آموزند وخود برهیزکار نباشند وتوانکرانرا فراخ دستی وجوانمردی نمایند
وبر فقیران تنک دستی وبخیلی کنند ایشان دشمنان خدای تعالی باشند
نعوذ بالله من ذلک عبد الله عمر رضی الله عنهما کفت که رسول علیه السلام
فرمودند که زمانهٔ آید بر امت من که نماز را کزارند در مسجد هزار مرد ویکی
از ایشان مومن نباشد نعوذ بالله منها ابو هریره رضی الله عنه کفت که
بیغامبر علیه السلام فرمودند که چون قیامت نزدیک آید زمانه چنان باشد که

سال بمقدار یکماه باشد و ماه بمقدار یک هفته و یک هفته بمقدار یک روز
و روز بمقدار یک شاخ درخت خرمای خشکی که بسوزند رسول علیه السلام
فرمودند که زمانه آید بر امت من که مردمان از علما گریزند چنانک گوسفند
از گرگ گریزد خدای تعالی مبتلا کند ایشانرا ببلاها اول بر ایشان پادشاهان
ظالم را گمارد دوم برکت را از رزق ایشان بردارد سیوم ایشانرا از دنیا
بی ایمان بیرون آرد نعوذ بالله منها رسول علیه السلام فرمودند که زمانه
آید بمردمان که عالمان همچون گرگ درنده گردند و امیران و فرمان دهان
چون شیر غرنده شوند و بازرگانان چون روباه شوند و مومنان
همچون گوسفندان باشند پس چگونه باشد حال مومنان چون گوسفند
درمیان گرگ و شیر درنده در خبرست که اعرابی از رسول صلی الله علیه وسلم
پرسید که قیامت کی باشد رسول علیه السلام گفتند که پرسنده و جواب
دهنده درین مسئله یکسا نست اما علامتهاء او بی شمارست اول کاسدی
بازارها دیگر باران بسیار بی وقت آید و دیگر بی برکتی در کسب و روزگار
پدید آید و دیگر ربا خوردن آشکارا شود و دیگر مالداران خود را
از همه برتر شرف نهند و دیگر بچگان ناپاک بسیار زایند و دیگر در مسجدها
آواز فاسقان برآید و دیگر اهل باطل بر اهل خیر غالب شوند این جمله
نشانی دور آخر الزمانست و علامت قیامت بود از تفسیر مغنی عبدالله
عباس رضی الله عنهما فرمود بدرستی که خدای تعالی را پنج دریاست از بهشت

که روان شست آنرا در زمین بر جناح جبرئیل صلوات الله علیه یکی جیحون دوم سیحون
سیوم فرات چهارم دجله پنجم رود نیل اما سیحون بخجند و جیحون
بخوارزم و فرات ببلخ و دجله ببغداد و نیل بمصر چون آخر الزمان شود
خدای تعالی جبرئیل را فرستد تا پنج چیز نفیس شایسته را از روی زمین بردارد
اول قرآن دوم علم سیوم رکن یمانی چهارم مقام ابراهیم پنجم تابوت
موسی علیه السلام و دیگر این پنج دریا را از روی زمین بردارد جیحون و
سیحون و فرات و دجله و نیل از شرح القدوری و کتاب فرایض روایت
کرده است عبد الله مسعود رضی الله عنهما از رسول صلی الله علیه وسلم که فرمودند
بدرستی که آموزید علم فرایض را از جهت آنک در آخر الزمان از میان امت من
اول علم فرایض برداشته شود چنانک دو مرد از سبب مال میراث منازعت
کنند کسی را نیابند که مال ایشانرا قسمت کند و خصومت را از میان ایشان
بردارد از تنبیه فقیه ابو اللیث رحمة الله علیه روایت میکنند از امیر المومنین
حسین بن علی رضی الله عنهما که گفت رسول صلی الله علیه وسلم فرمودند پیش از انک
قیامت شود در دنیا فتنها و آفتهاء قوی پدید گردد که دلهاء مومنان فرو میرد
و تنهاء ایشان در رنج و زحمت گداخته گردد چنانکه باشد که بامداد برخیزد مومن
بود و شبانگاه کافر گردد و شبانگاه مومن بود و بامداد کافر برخیزد و گروهی
دین خود را فروشند باندک چیز از دنیا نعوذ بالله منها از فواید الفواد سخن در
بیان فضیلت کعبه و عمارت و خرابی او افتاده بود خواجه علیه الرحمه فرمودند که
کعبه را دو کرت خراب کرده اند

بانعمارت یافته هست کرّت سیوم بر آسمان برآرند علامت در آخر الزمان باشد که
چون قیامت نزدیک آید کافران و بی دینان بتان را بیارند و در کعبه نهند و زنان
آیند و در پیش آن بتان پای کوبند آنگاه کعبه را به آسمان برآرند والله اعلم
بالصواب **در صفت طلوع آفتاب از مغرب** از تفسیر **منیر** روایت کرد
ابی وقّاص رضی الله عنه از رسول صلی الله علیه وسلم که فرمودند در آخر الزمان
شبی آید بر امتان من که چون شبهای دیگر نشناسند آن شب را مگر زاهدان
و عابدان و شب خیزان و مردان پاکیزه روزگار در آن شب تار بخدمت
پروردگار برخیزند و وظیفه و ورد خود را پیش برند تا بامداد چون بامداد شود
آفتاب از سوی مغرب بر آید تا میانهٔ آسمان رسد و بایستد و هم از آنجا باز گردد
و هم بمغرب فرو شود آنگاه از سوی مشرق بر آید و آن روز که آفتاب از سوی
مغرب بر آید هیچ توبه را قبول نکنند و اگر کسی پیش از بر آمدن آفتاب از سوی
مغرب ایمان باخلاص نیاورده باشد و عمل صالحات نکرده اگر در آن وقت
اخلاص آرد یا کاری نیک کند در آن روز از وی نپذیرند زیرا که در آن روز از
هیچ کافری ایمان پذیرفته نشود چرا که آن کافر بعد از دیدن علامات قیامت
ایمان آورده است امّا آن کسی که پیش از آن روز یا در آن روز با ایمان اخلاص
ورزیده باشد از آتش نجات یابد **از تفسیر منیر** مرویست از پیغامبر علیه السلام
اول علامت قیامت بیرون آمدن دجّال است پس از آن علامت یأجوج و مأجوج
پس از آن علامت دابّة الارض است پس از آن طلوع آفتاب بمغرب **عبدالله عباس رضی الله عنه**

نماند
گفت که پیغامبر علیه السلام فرموده اند که چون در آخر الزمان امر معروف و نهی منکر باقی نماند
و آفتاب و ماه را تغیّر کرده شود و آفتاب و ماه از مغرب طلوع کند و هر دو را نور نباشد
تا میانهٔ آسمان رسانند و باز گردانند بعد از آن درهای توبه بسته شود **در خبرست** که
دریست در آسمان از جانب مغرب که آن در دایم گشاده است آن را باب التوبه گویند چون
آفتاب هم از آن در طلوع کند و هم بدان در باز گردد آن در بسته شود ایمان کافر
و اخلاص منافق قبول نشود امّا توبهٔ عامهٔ مؤمنان قبول باشد **علامت
دجّال** قوله تعالی یَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُبِينٍ یعنی روزی که از آسمان دودی پدید آید
و کافران را فرو گیرد امّا مؤمنان را نجات و درجات باشد **قصهٔ یأجوج و مأجوج**
بدانکه قد ایشان پنج بدست بود و همیشه ایشان برهنه باشند و موی یک گوش
ایشان مانند پشم بزست و مانند یک گوش دیگر مانند پشم گوسفند و شترست چون
خفتند یک گوش را در زیر خود در ارند بر مثال بستر و یک گوش را بر زبر خود پوشانند
بر مثال قزاکند و بجای ناخن ایشان را چنگالها بود مانند جانوران درنده **ابو سعید**
خدری رضی الله عنه گفت از رسول علیه السلام شنیدم که چون سدّ یأجوج و مأجوج
گشاده شود و ایشان بیرون آیند خلق جمله گریزند و ایشان در میان خلایق
افتند از بسیاری که باشند اولین قوم ایشان که از دجله گذرند آب دجله را بخورند
و دجله خشک گردد قوم دیگر رسند گویند اینجا وقتی آب بوده است بعد از آن قصد
اهل زمین کنند هیچکس نماند مگر آنکسانی که در مسجدها و حصارها باشند آنگاه
گویند از اهل زمین فارغ شدیم قصد آسمان کنند چوبها سوی آسمان اندازند

خوف آلوده باز آید از برای فتنهٔ ایشان آن قوم کویند که ای اهل آسمان راهم کشتیم
خدای تعالی کودکان را بر ایشان کمارد تا همه بیکبار بمیرند مومنان در مسجدها و حصارها
خروش ایشان را نشنوند کویند کسی هست که خود را سبیل راه خدای تعالی کند و بیرون
رود و خبر ایشان آرد بعد از آن مومنان خبر شود که ایشان بفرمان خدای
تعالی هلاک شدند پس جمله خلایق بیرون آیند در زمین کیاه نیابند مستوران
کوشتهاء یاجوج و ماجوج را بخورند و فربه شوند چنانک از کیاه خوردن فربه
شوند **ایضا** روایت کرد زینب بنت جحش از پیغامبر علیه السلام که روزی ردای
مبارک را بر کتف انداخته و رخان منور رش سرخ کشته و آواز بر داشته که آمد بلا
و فتنه وای بر کسی که این چنین شر و فتنه بوی نزدیک باشد و آن کشاده شدن
سد یاجوج و ماجوج است باین مقدار و بدو انکشت مبارک خود حلقه کرد
زینب کفت یا رسول الله مکر مرد مان در میان هلاک شوند کفت بلی یا زینب چون
پلیدیها بسیار کردد عذاب نازل شود کفتم یا رسول الله پلیدی چه چیزهاست
کفتند زنا و رود زدن و می خوردن و ترازوها کم سنجیدن و پیمانها کم پیمودن بعد
از آن پیغامبر علیه السلام فرمود ندکه یاجوج قوم جداکانه است و ماجوج قوم جدا
کانه است این جمله چهار صد هزار قوم است و یکی از میان ایشان نمیرد تا هزار نزاید
و بر هر چیزی که کذر ایشان افتد همه را بخورند مثل فیل و خنزیر و جانوران وحشی
درنده و ایشان هر دو پسران یافث بن نوح پیغامبر اند علیه السلام و ایشان هر روز آن
سد را میکاوند تا بدان چندی رسانند که شعاع آفتاب نموده شود بعد از آن باز میکردند

و میکویند که فردا تمام کنیم و بیرون آییم چون بامداد میشود بفرمان خدای تعالی
همچنان استوار میشود که در اصل بود از برای آنک انشاء الله نمیکویند حق
تعالی بر دل ایشان فراموش میکرداند چون وقت آن رسد که ایشان در
جهان بیرون آیند و در جهان منتشر شوند **در کشاف** آورده است که یکی
از میان آن کروه مسلمان شود و انشاء الله کوید روز دیکر سد را همچنان
کشاده یابند بیرون آیند چون بدریا رسند تمام آب و جانوران که در
دریاست همه را بخورند بعد از آن برک درختان را بخورند هر چه در زمین است
از تر و خشک همه را بخورند و مردم از ایشان بکریزند هر که را بکیرند بکشند
مکر در چهار مسجد که نتوانند در آیند یکی در مسجد حرام دیکر در مسجد مدینه
و در مسجد بیت المقدس و در مسجد طور سینا **قصهٔ دابة الارض**
از تفسیر منیر قوله تعالی وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِنَ
الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ الآیه حق تعالی میفرماید در کلام مجید خود که بیرون آریم
دابة از زمین و این دابة خلقی باشد که از زیر کوه صفا و مروه بر آید بالای او
از زمین تا آسمان باشد و عصاء موسی و انکشترین سلیمان علیهما السلام
در دست او باشد و بآن عصا رویهای کافران را داغ کند تا رویهای ایشان
سیاه کردد و بآن انکشترین رویهای مومنان را مهر کند تا رویهای ایشان
سفید کردد بعد از آن همه کس را بنام نخوانند بعد از آن این طایفه آن طایفه
را کویند یا کافر و ایشان آن طایفه را کویند یا مومن و این دابة سه کرت

یکبار از میان صفا و مروه و دو بار دیگر از جمیع دنیا و با خلق سخن گوید که مردمان
بدانید که من بفرمان خدای تعالی بیرون آمده ام مقاتل بن سلیمان رحمه الله علیه
گفت که در آخر الزمان شری و فتنهٔ پدید آید که آوازهٔ او از مشرق تا بمغرب فرو
گیرد و زمین بزلزله در آید تا شش ساعت آن شب همه در بیم و ترس باشند
تا آنگاه که روز شود و بعد از آن بانگ برخیزد که دجال آمده نعوذ بالله من فتنهٔ
دجال لعین بدانک دجال یکی شخصی باشد دراز بالا و یک چشم وی کور بود و
دعوی خدایی کند نعوذ بالله با او دو کوه روان باشد یک کوه با گیاهها و سبزی
و چشمهای روان آن لعین گوید بهشت منست و کوه دیگر سیاه باشد و آتش
از وی میجهد گوید این دوزخ منست هرکه بمن گرود و اقرار کند او را به
بهشت برم و هرکه نگرود او را بدوزخ برم رسول علیه السلام فرمودند که از
برای فتنهٔ خلق را این کوهها در جهان روان شود و هفتاد هزار جهود علیهم اللعنه
بوی گروند و زمین در نوشته شود تا چهل روز همهٔ جهان را گرد جز بمکه
و مدینه رسد فرشتگان او را بزخم عمودها باز گردانند همچنین در بیت
المقدس آید راه نیابد آنگاه عیسی پیغامبر علیه السلام از آسمان فرود
آید حربه بدست او باشد بیک زخم دجال را بکشد آنگاه میان کافران و
مؤمنان جنگی قوی واقع شود تا کار بدانجا رسد که درختان و سنگ بسخن
آیند و مؤمنان را آواز دهند که این فلان کافرست بکش بعد از آن عیسی
پیغامبر را علیه السلام خبر آرند که حبشیان آمدند تا خانهٔ کعبه را ویران کنند

عیسی

عیسی علیه السلام رسولی فرستد با لشکر بسیار آن حبشیان منهزم شوند تا آن
رسول باز آید عیسی علیه السلام وفات کرده باشد آنگاه چند وقتی گذرد
یأجوج و مأجوج بیرون آید و بر خلق غلبه کنند آنگاه آفتاب از سوی
مغرب بیرون آید از تفسیر معنی و از تفسیر منیر خواجه امام علیه الرحمه
گفت که باسناد درست بما رسیده است از ابو امامهٔ باهلی رضی الله عنه
که پیغامبر علیه السلام روزی خطبه گفتند و در وی بیشتری حدیث
دجال را یاد کردند و گفتند هیچ پیغامبری نگذشت بعد از نوح پیغامبر علیه
السلام که البته امت خود را از فتنهٔ دجال خبر داد و از شر او حذر کردن فرمود
رسول علیه السلام فرمودند که من پیغامبر آخر الزمانم و شما نیز آخرین
امتانید اگر وقتی دجال بیرون آید و من زنده باشم دفع شر وی بکنم و اگر
من از دنیا رحلت کرده باشم هرکه از شما دریابد باید که خود را نگاه دارید از شر
و فتنهٔ او و خدای تعالی حافظ و ناصرست بر همه مسلمانان از قبل من و دیگر
گفتند بدانید که دجال بیرون آید میان عراق و شام و نخست دعوی
پیغامبری کند شما بدانید که از پس من پیغامبر نخواهد بود و بعد از آن
آن لعین دعوی خدایی کند بدانید که هیچکس را ازین دعوی نرسد و هیچکس
خدای عز و جل را در دنیا نتواند دید و آن دجال لعین را یک چشم وی کور باشد
و در میان پیشانی وی نوشته باشد که این شخص کافرست بخدای تعالی اما از
آفتهای وی یکی آن بود که شخصی را گوید که اگر من پدر و مادر ترا زنده گردانم بمن

گروی

گوید بلی آن سگ نابکار مردان در وقت دو دیو لعین را بمانند مادر و پدر او با و
نماید این هر دو دیو بگویند که ای پسر ما بگروی بوی که او خدای تست بغوذ
باشد منها و بهشت و دوزخ را ببر وغ از جب و راست خود نماید رسول
علیه السلام فرمودند هر که خواهد که از شر دجال ایمن باشد در هر جمعه
سورهٔ کهف را بخواند خدای تعالی آن بنده را از شر وی در امان دارد و آن آتش را
بروی سرد گرداند چنانک بر ابراهیم صلوات الله علیه سرد گردانید آورده اند که
دجال لعین دست دراز کند و مرغان پرنده را در هوا گیرد هر کرا خدای تعالی نگاه
ندارد زود بود که دین خود را بباد دهد و این دجال همهٔ روی زمین را در اندک
روزگار در گردد و در همه شهرها در آید مگر در مکه و مدینه نتواند در آمدن که
فرشتگان او را بجهانند و بیرون کنند چون بمدینه نزدیک رسد که در
آید مدینه بجنبد سه بار چنانک هر چه در وی منافق بود از زن و مرد همه را
بیرون اندازد و مدینه از منافقان پاک گردد و دیگر از شر و فتنهٔ وی آن
بود که مؤمن را گیرد و گوید که بمن بگرو از آنجهت که من خدای توام تعالی الله
عَنْ ذَلِكَ عُلُوًّا كَبِيرًا مؤمن گوید دروغ میگویی تو خدای من نیستی آن لعین
حکم کند که او را پاره و دو نیمه کنند حق تعالی باز این بنده را زنده گرداند آنگاه گوید
خدای تو کیست مؤمن گوید خدای من الله است عز و جل و حق تعالی این را
و زمین را فرمان بردار او کرده باشد و چون به بیت المقدس آید سه بار
بانگ کند چنانک از مشرق تا بمغرب شنیده شود آنگاه عیسی علیه السلام از

آسمان

آسمان فرود آید دجال را ببیند با هفتاد هزار جهود شمشیر حمایل کرده چون دجال
عیسی را ببیند بر خود بلرزد و از هیبت گداز چون موم از پیش عیسی گریزد
عیسی علیه السلام او را در یابد بر دری از درهای بیت المقدس که آنرا باب
الشرقی خوانند بیک ضربت که زند بکشدش پس جهودان گریزند و در کوهها
و در پس دیوارها و در پس دیوارها و در پس درختان گریزند و پنهان شوند
خدای تعالی درخت و سنگ و دیوارها را در سخن آرد که ای مسلمانان این
فلانه جهود ست بکشید مگر گیاه غرقد که آنرا بپارسی برغند خوانند او
گواهی ندهد بعد از آن عیسی علیه السلام در میان قوم عدل گسترد و چلیپا را
بدرآند و بتان را شکند و کینها و عداوتها را از دل مؤمنان بیرون آرد
و زهر از مار و کژدمان بیرون برد چنانک طفلان گیرند هیچ ضرر بایشان
نرسد و گرگ با گوسفند آمیخته گردد و جهان سراسر عدل و انصاف گرفته
باشد همه بر وحدانیت حق تعالی اقرار کرده باشند و همه در دین موافق
باشند هیچکس منافق نبود و در جهان گیاهها همچنان بر آید که در وقت
آدم صفی صلوات الله علیه بر آمده بود و در طعامها و میوه ها برکت
پدید آید چنانک یک خوشهٔ انگور را چند کس خورند و سیر شوند نعمت
در عالم بسیار شود زیراک در آن وقت حرب و جنگ نباشد همه خلق بکسب
و زراعت مشغول شوند از همچنین تا چهل سال بعد از دجال باشد
نخستین سال او مقدار نیمهٔ سال باشد و سال دیگر مقدار یکماه و همچنین
قیاس میکن

شد که

ساطها دیگر را مردی از خانه بیرون آید هنوز نرسیده و آوازهٔ شهر نرسیده با
شب شود گفتند یا رسول الله در آن روز نماز را چگونه گزارند و مومنان
در نمازها چه خوانند گفت ایشان را حق تعالی به تسبیح و تهلیل زنده دارد ضحاک
رضی الله عنه گفت در تفسیر چنین ذکر کرده است که عیسی پیغامبر صلوات الله علیه
بر صخرهٔ بیت المقدس فرود آید و دجال با هفتاد هزار جهود باشد و یک
چشم او را کور کرده اند و آن چشم دیگرش همچون سرخ باشد و کوههای
بصره با وی سخن آیند و دیوان مانند آدمیان متابع او باشند عبد الله
عباس رضی الله عنهما پرسیدند که این آدمیان کیان باشند گفت آنکسانی
که تقدیر نیکی و بدی را از خدای عز و جل ندانند دلیل برین چیز دیگرست از
پیغامبر صلی الله علیه وسلم که فرموده اند إِنَّ الْقَدَرِيَّةَ مَجُوسُ هٰذِهِ الْأُمَّةِ
وَهُمْ شِيعَةُ دَجَّالٍ والله اعلم **قصهٔ نفخ صور از تفسیر منیر** در خبر آمده
است از عائشه صدیقه رضی الله عنها و عن ابیها پیغامبر علیه السلام فرموده
که چون قیامت نزدیک شود حق تعالی اسرافیل را فرمان دهد که در صور
بدم و آنرا نفخهٔ فزع گویند اسرافیل علیه السلام بفرمان خدای تعالی بدمیدن
گیرد چند سال که هیچ سستی و ضعف در وی پیدا نشود و هم انقطاع
نباشد چون خلق کمترت اول شنوند متحیر شوند و در یکدیگر بشورند و مردمان
در بازارها و خانها تحمل نکنند و خود را به بیابان افکنند و مردم بیابان
خود را در شهرها افکنند آشوبی و شورشی در میان مردمان پیدا کرده

بعد

بعد از آن هر روز بانگ زیادت میگردد و صعقهٔ عظیم تر میشود چنانک مردمان
از هیبت بر خود بگدازند و خود را در شهرهای بزرگ اندازند اشتران و
گوسفندان را در بیابان گذارند چون برین مثال بانگ صور زیادت گردد و
آفتاب و ماه تیره شود و دریاها درهم شوند و کوهها در زلزله در آید
و جزیرها از میان برخیزد بعد از آن حق تعالی این جهان را باخر آرد اَلْعِلْمُ
عِنْدَ اللهِ لَا يَعْلَمُ الْغَيْبَ إِلَّا اللهُ این شش علامت قیامت در دنیا باشد
الهی و پروردگارا جمیع مومنان را از شر دجال و از فتنهای آخر الزمان
در عصمت خود دار بحق النبي و آله اجمعین **باب بیست و پنجم**
در نماز و دعا در مواسم و شهور متبرکه **نقل** از اولیاء و مشایخ کبار و از
کتب اخبار و از دعوات بزرگوار نامدار **دعاء ماه نو** هر که ماه نو بیند این
دعا را سه بار خواند که رَبِّي وَرَبُّكَ اللهُ و یکبار گوید الله اکبر الله اکبر الی آخره
و یکبار این دعا را بخواند که اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي خَلَقَنِي وَخَلَقَكَ وَصَوَّرَنِي وَصَوَّرَكَ
وَقَدَّرَكَ مَنَازِلَ وَجَعَلَكَ آيَةً لِلْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ أَهِلَّهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ
وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ وَالتَّقْوَى وَالْمَغْفِرَةِ وَالتَّوْفِيقِ لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى
وَالْحِفْظِ فِيمَا يَسْخَطُ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لَنَا شَهْرَ بَرَكَةٍ وَأَجْرٍ وَنُورٍ وَرُوحٍ وَمُعَافَاةٍ
اَللّٰهُمَّ يَا قَاسِمَ الْخَيْرِ بَيْنَ عِبَادِكَ اقْسِمْ لَنَا مِنْ خَيْرِ مَا تَقْسِمُ لِعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ
خداوند تعالی آن ماه را بران بنده بسلامتی و خیر و عافیت گذرانند و او را بیامرزد
ایضا و این دعا را بخوانند که اللهم اجعل لنا هذا الشهر شَهْرَ رَحْمَةٍ وَشَهْرَ مَغْفِرَةٍ
وَشَهْرَ بَرَكَةٍ

وَشَهْرُ سَعَادَةٍ وَشَهْرُ سَلَامَةٍ وَشَهْرُ اِنَابَةٍ وَشَهْرُ الْغَايَةِ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِين
خدای تعالی آن بنده را در عصمت خود دارد از جمیع بلاها **ایضاً** هر که ماه نو بیند
در اول شب سی کرّت فاتحه خوانند دران ماه در امان خدای تعالی باشد **ماه محرّم**
مشتمل است بر پنج فصل **فصل اول** در نماز و دعاء شب اول ماه و
روز اول ماه و در بیان دعاء آخر سال و سر سال نو و روزهٔ عشر اول
نماز شب اول ماه محرّم هر که توفیق یابد که در شب اول ماه محرّم شش
رکعت نماز گزارد بسه سلام در هر رکعتی بعد از فاتحه پانزده بار سورهٔ اخلاص
بخوانند و این کلمات را در هر رکعتی سه بار بخوانند که سبحان الله الملک القدّوس
سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلٰئِكَةِ وَالرُّوحِ از گناهان آمرزیده گردد و مهمات
کفایت شود **نماز و روزه و دعاء آخر سال از ریاحین** عبد الله عباس رضی الله عنهما
گفت که پیغامبر علیه السلام فرمودند هر که روزه دارد در روز آخرین از ماه
ذی الحجه و روز اول از ماه محرّم بدرستی که سال گذشته را بروزه ختم کرده باشد
و بدهد خدای تعالی مرا و را ثواب پنجاه ساله نماز که در راه حق تعالی گذارده باشد
و کفارت گناهان پنجاه ساله او باشد **از کفایهٔ شعبی مرویست** از پیغامبر
علیه السلام که فرمودند که هر که در روز آخرین از ماه ذی الحجه دو رکعت نماز
گزارد بخوانند در هر رکعتی بعد از فاتحه صد آیت از قرآن و بعد از آن این دعا را
بخوانند که اَللّٰهُمَّ مَا عَمِلْتُ مِنْ عَمَلٍ فِي هٰذِهِ السَّنَةِ مِمَّا نَهَيْتَنِي عَنْهُ وَلَمْ تَرْضَهُ
وَنَسِيتُهُ وَلَمْ تَنْسَهُ وَعَفَوْتَ عَنِّي بَعْدَ قُدْرَتِكَ عَلٰى عُقُوبَتِكَ وَدَعَوْتَنِي

الى

اِلَى التَّوْبَةِ بَعْدَ جُرْأَتِي عَلَيْكَ فَاِنِّي اَسْتَغْفِرُكَ مِنْهُ يَا غَفُورُ فَاغْفِرْ لِي
وَمَا عَمِلْتُ مِنْ عَمَلٍ تَرْضَيْتُهُ وَوَعَدْتَنِي عَلَيْهِ الثَّوَابَ فَتَقَبَّلْهُ مِنِّي وَلَا
تَقْطَعْ رَجَائِي يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِين **نماز و دعای
اول سال** رسول علیه السلام فرمودند هر که در روز اول ماه محرّم دو
رکعت نماز گزارد و هر چه خواهد از قرآن بخوانند بعد از سلام هفت بار
این دعا را بخوانند دو فرشته تا سال دیگر این بنده را از جمیع بلاها نگاه دارند
دعا اینست بسم الله الرحمن الرحيم اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اللّٰهُ الْاَبَدُ الْقَدِيمُ وَهٰذِهِ
سَنَةٌ جَدِيدَةٌ اَسْاَلُكَ فِيهَا الْعِصْمَةَ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي
شَرٍّ وَمِنَ الْبَلَايَا وَالْآفَاتِ وَاَسْاَلُكَ الْعَوْنَ وَالْعَدْلَ عَلٰى هٰذِهِ النَّفْسِ
الْاَمَّارَةِ بِالسُّوءِ وَالْاِشْتِغَالَ بِمَا يُقَرِّبُنِي اِلَيْكَ يَا بَرُّ يَا رَؤُوفُ يَا رَحِيمُ
يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ **مرویست** از عبد الله عباس رضی الله عنهما که پیغامبر
صلی الله علیه وسلم فرمودند هر که در روز اول این دعا را بخوانند نویسد حق تعالی
او را هزار نیکی و بر دارد در بهشت از برای او هزار درجه و خدای تعالی فرماید
ملائکه را تا برای او استغفار گویند و آمرزش خواهند تا سال دیگر **دعا
اینست** اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اسْتَسْلَمَ كُلُّ شَيْءٍ بِقُدْرَتِهِ اَسْاَلُهُ بِعِزَّتِهِ وَعَظَمَتِهِ
وَمُلْكِهِ وَقُدْرَتِهِ فِي هٰذِهِ السَّنَةِ الْجَدِيدَةِ الْاَمْنَ وَالْاِيمَانَ وَالْعَافِيَةَ وَ
الْغُفْرَانَ وَالْعِصْمَةَ مِنَ الشَّيْطَانِ **دعاء دیگر** در سر سال هر که این دعا را
دوازده بار خوانند و بر آب دمد و آب را بر خود ریزد حق تعالی او را از همه رنجها

و بلاها و آفتها در حفظ
خود دارد

دعا اینست سُبْحَانَ اللّٰهِ مِلْأَ الْمِیزَانِ وَمُنْتَهَى الْعِلْمِ وَمَبْلَغَ الرِّضَا وَزِنَةَ الْعَرْشِ
وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِیمِ از اوراد و از ملفوظ شیخ الاسلام
فرید الدین نور الله مرقده گفت هر که هر روز یا هر شب از ماه محرم صد بار
این کلمات را گوید حق تعالی این بنده را از آتش دوزخ آزاد کرداند کلمات
اینست لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ یُحْیِی وَیُمِیتُ
وَهُوَ حَيٌّ لَا یَمُوتُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ بِیَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
قَدِیرٌ اَللّٰهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَیْتَ وَلَا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ وَلَا رَادَّ لِمَا قَضَیْتَ
وَلَا یَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ

فصل دوم در نماز و دعاء شب عاشورا

رسول علیه السلام فرمودند هر که زنده دارد شب عاشورا را بدرستی که
او عبادت کرده باشد مثل عبادت اهل هفت آسمان نقل از اوراد هر که
در شب عاشورا صد رکعت نماز گزارد بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه سورهٔ
اخلاص سه بار و بعد از فارغ شدن نماز هفتاد بار گوید سبحان الله
والحمد لله تا آخر خدای تعالی گناهان این بنده را آمرزد و بهشت
مشرف کرداند در خبرست که هر که در شب عاشورا هشت رکعت نماز گزارد بخواند
در هر رکعتی بعد از فاتحه سورهٔ اخلاص پانزده بار و بعد از نماز هفتاد بار
سبحان الله والحمد لله بخواند تا آخر و هفتاد بار درود فرستد از گناهان پاک
کرد و ثواب بی شمار بحاصل آید در خبرست که هر که گزارد در شب عاشورا
چهار رکعت نماز بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه پنجاه بار سورهٔ اخلاص خدای

تعالی بیامرزد گناهان پنجاه سالهٔ گذشتهٔ او را و پنجاه ساله گناه آیندهٔ او را و
خدای تعالی در ملأ اعلی از برای او هزار منبر بنا کند در خبرست که هر که چهار رکعت
نماز گزارد در شب عاشورا و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه آیت الکرسی ده
بار و سورهٔ اخلاص ده بار و معوذتین ده بار بعد از سلام قل هو الله احد
را صد بار بخوانند خدای تعالی این بنده را بیامرزد و گناهان گذشتهٔ او را عفو کند

فصل سیوم در بیان روزه و دعا و شرایط روز عاشورا

از فضائل الاخبار رسول علیه السلام گفته اند که هر که در روز عاشورا روزه
دارد داده شود او را ثواب هزار حج و عمره و ثواب ده هزار شهید و هر که
مومنی را در شب عاشورا روزه کشاید از روی ثواب چنان باشد که
جمیع امت محمد را صلی الله علیه وسلم طعام داده است و سیراب کردانیده از
اوراد هر که روزه دارد در روز عاشورا چنانستی که همه سال روزه داشته
باشد علما گفته اند که روزهٔ عاشورا فرد داشتن مکروه هست زیرا که مشابهت
بیهود میشود در ملفوظ و در شرعه آورده است که سه روز متصل دارد
نهم و دهم و یازدهم از برای مخالفت اهل کتاب را و دیگر باید که درین ایام
مذکوره چون آفتاب بلند شود دو رکعت نماز گزارد بخواند در رکعت اول
بعد از فاتحه آیت الکرسی یکبار و در رکعت دوم آخر سورة الحشر بخواند
یعنی آیت لَوْ أَنْزَلْنَا هٰذَا الْقُرْآنَ إلی آخره و بعد از سلام صلوات فرستد
و این دعا را بخوانند که بسم الله الرحمن الرحیم یَا أَوَّلَ الْأَوَّلِینَ وَیَا آخِرَ الْآ

لا اله الا انت خلقت اوّل ما خلقت في هذا الیوم اعطنی فیه خیر ما اعطیت
فیه انبیاءک واصفیاءک من الثواب والنجاة واعطنی ما اعطیتهم من
الکرامة بحق محمد علیه السلام حق تعالی این بنده را بفضل خود بیامرزد و در
روزگار او و کسب او و کار او برکت دهد و از بلاها بعصمت خود نگاه دارد
ایضاً در روایت آمده است که هر که شش رکعت نماز در روز عاشورا گزارد
بخواند در رکعت اول سوره الم نشرح و در رکعت دوم انا انزلناه و در رکعت
سیوم سوره اذا زلزلت و در رکعت چهارم سوره اخلاص و در رکعت پنجم
سوره الفلق و در رکعت ششم سوره الناس بعد الفراغ عن الصلوة
بسجده رود و هفت بار قل یا ایها الکافرون را خواند و حاجت خواهد بیشک
روا شود والله الهادي الصلوة لدفع الخصماء هر که در روز عاشورا
چهار رکعت نماز گزارد به نیت خوشنودی خصمان بخواند در رکعت اول بعد
از فاتحه سوره اذا زلزلت یکبار و سوره اخلاص پانزده بار و در رکعت
دوم سوره الهیکم یکبار و سوره اخلاص پانزده بار و در رکعت سیوم
قل یا ایها الکافرون سه بار و اخلاص پانزده بار و در رکعت چهارم
آیت الکرسی سه بار و سوره اخلاص بیست و پنج بار خداوند تعالی این بنده
را از عذاب گور نجات دهد و بفضل و کرم خویش خصمان او را خوشنود
کرداند اما باید که بعد از نماز این دعا را بخواند که اللهم اکسر شهوتی عن
کل محرم واحرسنی عن کل مأثم وامنعنی عن کل اذی کل مسلم ومسلمة

برحمتک یا ارحم الراحمین این نماز را در وظایف ایام متبرکه باید گزاردن
مثل روز عاشورا یا روز برات پانزدهم ماه شعبان یا در روز آدینه آخرین
ماه رمضان یا در روز ترویه یعنی هشتم ماه ذي الحجه یا در روز عرفه
یا در روز عید اضحی ایضاً در خبرست که هر که گزارد در روز عاشورا چهار
رکعت نماز قیام و رکوع و سجود تمام آرد و بخشوع و خضوع و بحضور
دل گزارد خدای عز وجل فرماید که ای فرشتگان نویسید از برای این
بنده هزار نیکی و گشایند از برای این بنده هزار هزار در دار الجلال که هرگز
بسته نشود آن درها بروی والله الهادي شرایط روز عاشورا بدانک
جمله شرایط روز عاشورا اسیح پنج نوع است که امام متقی تقی النقی جمع
کرده هست همه مرویست از رسول علیه السلام اما اسناد را حذف کرده
شده است تا بتطویل نه انجامد اول بزرگ داشتن روز عاشورا و روزه
داشتن و خاموش بودن از گفتن لغو و فحش و فراخ گردانیدن نفقه
بر عیال خویش و با برادران رحم پیوستن و صدقه دادن و بزیارت
رفتن و بر مسلمانان سلام گفتن و برده کس مصافحه کردن و برادر مسلمان را
اکرام کردن و بگل و گلاب خوش بوی کردن و لقمه حلوا بدهان مسلمانان
رسانیدن و با کسی که سخن گفتن را بریده باشد سخن گفتن و کرسنه را سیر کردن
و بیمار را پرسیدن و در پس جنازه رفتن و برهنه را پوشانید و تشنه را سیراب
گردانیدن و موی سر را حلق فرمودن و کسی را بر سفره خود افطار فرمودن

و کم شده را راه نمودن و آیتی چند از قرآن خواندن و تسبیح گفتن و هفتاد بار
حسبی الله و نعم الوکیل خواندن و دست شفقت بر سر یتیمان فرود آوردن
و چشمها را سرمه کشیدن و اصلاح مسلمانان کردن و فراش بیمار
را راست کردن و رضای ایشان جستن و بدیدار عالمی که عامل باشد
رفتن و از خوف خدای تعالی گریستن و خصمان را خوشنود کردن و عمل
صالح کردن و در میان مسلمانان صلح بجای آوردن و از رنجانیدن غیر ساکن
شدن و در مجلس عالم حاضر شدن و از فحش و فجور و غیبت خاموش بودن
و دعای این روز را خواندن و نماز این روز را گزاردن و روزهٔ این روز را
داشتن این جمله شرایط روز عاشورا است والله اعلم **دعاء روز عاشورا**
هرکه این دعا را در روز عاشورا خواند ثواب بی شمار یابد والله اعلم بسم الله الرحمن الرحیم
اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِی مِمَّنْ دَعَاکَ فَاَجَبْتَهُ وَآمَنَ بِکَ فَهَدَیْتَهُ وَرَغِبَ اِلَیْکَ فَاَعْطَیْتَهُ
وَتَوَکَّلَ عَلَیْکَ فَکَفَیْتَهُ وَتَقَرَّبَ مِنْکَ فَاَدْنَیْتَهُ اَللّٰهُمَّ امْدُدْ بِعَیْشِی مَدًّا وَاجْعَلْنِی
فِی قُلُوبِ الْمُؤْمِنِینَ وُدًّا اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْأَلُکَ الْاِیمَانَ بِکَ وَاَسْأَلُکَ الْفَضْلَ
مِنَ الرِّزْقِ وَاَسْأَلُکَ الْعَافِیَةَ مِنَ الْبَلَاءِ وَاَسْأَلُکَ حُسْنَ الْعَافِیَةِ فِی
الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ یَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ **ایضاً** هرکه در روز عاشورا این دعا را
بخواند خدای تعالی او را نوری دهد و جملهٔ غمها را از پیش سینهٔ او بردارد
و جملهٔ مهمات او را کفایت کند و از همه نامرادیها او را نگاه دارد تا سال دیگر
در امان خدای تعالی باشد و حق تعالی او را ثواب هزار شهید دهد و او را

بحضرت

بحضرت عزت عهد باشد که فردای قیامت با وی حساب آسان کند **دعا** اینست
بسم الله الرحمن الرحیم قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَمِنْ شَرِّ کُلِّ
شَیْطَانٍ مَارِدٍ وَعَدُوٍّ حَاسِدٍ وَلِصٍّ قَاهِرٍ وَسُلْطَانٍ جَائِرٍ بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ

فصل چهارم در فضیلت روزه داشتن از ماه محرّم

نقل از امالی انس بن مالک رضی الله عنه روایت کرد از رسول صلی الله علیه وسلم
و سوگند یاد کرد که شنیدم که گفتند هرکه روزه دارد از ماه محرّم سه روز یا
پنجشنبه و آدینه و شنبه نوشته شود مر این بنده را عبادت هفتصد ساله **اما** بدانکه
ماههای حرام چهار است ذوالقعده ذوالحجه و محرّم و رجب زیرا که رسول علیه السلام
چنین فرموده اند که ثَلَاثَةٌ سَرْدٌ وَوَاحِدٌ فَرْدٌ **فصل پنجم** در فضیلت
روز عاشورا **رسول** علیه السلام فرموده اند هرکه فراخ گرداند نفقه را بر عیال خود
و بر برادران و فرزندان خود در روز عاشورا در آن روز قیامت با هیبت من باشم
و علی و سلمان نزدیک حوض کوثر و بدست ما قدحهای زر باشد که بآن خلق را
آب دهیم چهارم ما آنکس باشد که این عمل مذکور را در روز عاشورا بجای
آورده باشد **رسول** علیه السلام فرموده اند هرکه فراخ کند علوفه و طعام را در روز
عاشورا بر عیال و ستوران خود خدای تعالی در سال تمام او را فراخی دهد که روز گار او
بعیش گذرد **شعبه** رضی الله عنه گفت ما این را تجربه کردیم و همچنین یافتیم
ابو الفتح رحمة الله علیه گفت من در روز عاشورا نان می شکستم و مورچگان را
میدادم نان نمی خوردند از برای موافقت خاندان رسول صلی الله علیه وسلم

در نقل درست آمده است که حق تعالی جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل را علیهم السلام
و عرش و کرسی و لوح و قلم و آسمانها و زمینها و بهشت و دوزخ را در روز عاشورا
آفرید و روز عاشورا باشد که قیامت قایم شود و حق عز و جل آدم صفی را
در روز عاشورا آفرید و ابراهیم خلیل را در روز عاشورا از آتش نمرود نجات
داد والله اعلم **ماه صفر** مشتمل است بر چهار فصل **فصل اول**
در نماز و دعا که در شب اول ماه صفر و هر روز بخوانند **در خبر است که** رسول
صلی الله علیه وسلم ماه صفر را دیدی این دعا را خواندی که اَللّٰهُمَّ فَرِّجْنَا بِدُخُولِ
الصَّفَرِ وَاخْتِمْهُ بِالْخَيْرِ وَالظَّفَرِ وَاصْرِفْ شَرَّهُ عَنَّا وَعَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ
بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **از ملفوظ شیخ** الاسلام فرید الدین قدس الله
روحه العزیز فرمود که حق تعالی هشتاد هزار بلا از آسمان منزل میکرداند اما در ماه
صفر بیست هزار بلا را نامزد میکرداند بس هرکه درین ماه بدعا و طاعت مشغول
نیست بآن بلاها مبتلا گردد بعد از آن هم درین مجلس فرمودند که شنیده ام
از بزرگی که هرکه خواهد که ازین بلاها ایمن بود بر وی باد که این دعا را بعد
هر فریضه بسیار خواند **دعا اینست** بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اَعُوذُ بِاللهِ
مِنْ شَرِّ هٰذَا الزَّمَانِ وَنَسْتَعِيذُ بِهِ مِنْ شُرُورِ الزَّمَانِ وَاَعُوذُ بِجَلَالِ
وَجْهِكَ وَبِكَمَالِ قُدْرَتِكَ اَنْ تُجِيرَنِي فِي هٰذِهِ السَّنَةِ وَقِنِي شَرَّ مَا قَضَيْتَ
فِيهَا وَاَكْرِمْنِي فِي الصَّفَرِ بِاَكْرَمِ النَّظَرِ وَاخْتِمْهُ بِالسَّلَامَةِ وَالسَّعَادَةِ لِي
وَاَهْلِي وَاَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ **فصل دوم** در نماز و دعاء روز پنج‌شنبه

آخرین

آخرین ماه صفر و فی بعض الکتب روز چهارشنبه آخرین ماه صفر **رسول**
علیه السلام فرمودند که چون سال از چهار صد و پنجاه و پنج درگذرد خیری و راحتی
در جهان نماند هر که عزلت گرفتن و در کوهها ساکن شدن صحابه گفتند یا رسول
الله مر اهل زمانه را هیچ تدبیری هست گفتند هست صحابه گفتند کدام است
فرمودند هر جا که ماه صفر در آید روز پنجشنبه آخرین که باشد باید که روزه
دارد و با تسبیح و تهلیل باشد و غسل پاک کند و چهار رکعت نماز گزارد
و با خضوع و خشوع تمام در هر رکعتی فاتحه یکبار و انا اعطینا هفده بار و اخلاص
بار چون سلام دهد سر بسجده نهد و این دعاء استعاذه را که بیان کرده شد
بخوانند یعنی اعوذ بالله من شر هذا الزمان تا آخر بخوانند والله اعلم خداوند
تعالی این بنده را آمرزد و بر پدر و مادر وی رحمت کند و مراد دو جهانی
وی را برآورده گرداند بفضل و کرم خویش والله اعلم **فصل سیوم**
در نماز و دعا از برای درازی عمر در آخر ماه صفر **از اوراد** هر که در آخر ماه صفر
هشت رکعت نماز گزارد بدو سلام بخوانند در هر رکعتی بعد از فاتحه سوره اخلاص
پانزده بار و بعد از سلام سه بار درود فرستد و سه بار این دعا را بخوانند اَللّٰهُمَّ
لَكَ الْحَمْدُ شُكْرًا وَلَكَ الْمَنُّ فَضْلًا وَاَنَا عَبْدُكَ رِقًّا وَاَنْتَ اِلٰهِي اَهْلٌ اَسْتَوْدِعُكَ
نَفْسِي وَدِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي وَخَوَاتِيمَ عُمْرِي وَعَمَلِي وَاَسْتَوْدِعُكَ عِزَّ فِي
وَعِزَّتِي فِي خَلْقِكَ مِنْ فَضْلِكَ وَاَسْتَوْدِعُكَ فِي جَمِيعِ اُمَّةِ مُحَمَّدٍ عليه السلام
لِشِدَّةِ حَوْلِكَ وَبَطْشِكَ وَقُوَّتِكَ فَاِنَّ مُسْتَوْدِعَكَ مَصُونٌ وَحُكْمُكَ نَافِذٌ وَقَضَاؤُكَ

غالب

یا احکم الحاکمین و یا اسرع الحاسبین یا اکرم مأمول و یا اجود مسئول یا حی
یا قیوم یا دایم یا فرد یا وتر یا من لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد
یا عزیز یا وهاب و صلی الله علی محمد و آله اجمعین ابوهریره رضی الله عنه
روایت کرد از رسول علیه السلام که فرمودند هرکه بگذشتن ماه صفر این
دعا را بخواند حق تعالی عزرائیل را علیه السلام فرماید که تا صفر دیگر جان این بنده
را قبض نکند عزرائیل گوید یا رب عمر این بنده تمام شده است فرمان آید که
من حکم کرده ام و حکم من نافذ است اما این بنده نامی از نامهای بزرگ مرا
یاد کرده است من بنده خود را نومید نکنم تا مادام که باین نامها مرا یاد
کند من بر عمرش برکت میکنم و از آفتها و فتنها نگاه میدارم فصل
چهارم در صفت گرانی و صعوبت ماه صفر نقل از ملفوظ شیخ الاسلام
فرید الدین نور الله مرقده روزی در پیش شیخ حکایت ماه صفر میگفتند بر لفظ
مبارک خود راندند که ماه صفر گران ماهیست و صعب و دشوار ماهیست زیرا که
چون ماه صفر آمدی رسول علیه السلام تنگدل شدندی و چون بیرون
آمدی شاد شدندی و این تغییرات خاطر حضرت رسالت علیه التحیة والسلام
از سبب گرانی او بودی بعد از آن هم درین محل فرمود که انبیا علیهم السلام
که ببلا مبتلا شدند هم درین ماه صفر بود چنانک آورده اند که آدم صفی صلوات
الله علیه گندم خورد در ماه صفر بود و از بهشت بیرون افتاد و سیصد
سال گریست بسبب آن یک ذلت که از او در وجود آمد یک ذره از هستی او نماند

همه گوشت و پوست او از جهت تابش آفتاب فرو ریخت فرمان آمد که
یا آدم توبه ترا قبول کردیم و این همه از گرانی ماه صفر بود که چندین زحمت
و بلا بر آدم نازل شد بعد از آن شیخ الاسلام چشم پر آب کرد و گریست و نعره
زد و بیهوش شد چون بهوش باز آمد فرمود که سلطان انبیا محمد مصطفی
علیه السلام که زحمت شد در آخر ماه صفر بود هم بآن زحمت برحمت حق تعالی
پیوست آنگاه خواجه علیه الرحمه فرمود که مثل این بر جمله انبیا علیهم السلام
هر بلایی که منزل شده است در ماه صفر بود که از ماه صفر از چه بیرون
گذاشت الهی پادشاها بفضل و کرم خود ما را و کافه مسلمانان را از
گرانی ماه صفر در عصمت خود دار بحق النبی و آله الطاهرین ماه رجب
مشتمل است بر نه فصل فصل اول در نماز و روزه و
دعای روز اول از ماه رجب از اوراد هرکه روز اول از ماه رجب روزه دارد
و بعد از نماز بامداد هر روز سوره یس را بخواند ثواب بیشمار یابد چون
آفتاب برآید گوید لا اله الا الله حقا حقا لا اله الا الله ایمانا و صدقا لا
اله الا الله وحده لا شریک له لا اله الا الله محمد رسول الله رسول علیه السلام
فرمودند هرکه توفیق یابد که در روز اول ماه رجب روزه دارد از گناهان
چنان پاک شود که گویا آن روز از مادر زاده بود فصل دوم
در نماز و روزه و دعای روز اول و هر روز از ماه رجب از ریاحین عبد الله
عباس رضی الله عنهما گفت که پیغامبر علیه السلام فرمودند هرکه روزه دارد

در روز اول
از ماه رجب

ركعت
به نيت خالص ببرستى كه روزه داشته باشد هزار سال وهركه نزديك افطار دو
نماز كزارد بخوانند در ركعت اول بعد از فاتحه آية الكرسى يكبار واخلاص
وسورة الفلق يكبار ودر ركعت دوم بعد از فاتحه آية الكرسى يكبار
وسورة الناس يكبار خوانند خداى تعالى در نامهٔ اعمال اين بنده ثواب عبادت
شصت ساله نويسد وفرستد هزار فرشته كه مر اورا تا سال ديكر آمرزش
خواهند **فصل سيوم** در فضيلت روزهٔ ماه رجب **نقل**
از امالي رسول عليه السلام فرمود هركه يك روز از ماه رجب روزه دارد به
نيت خالص واعتقاد پاك واميد ثواب از حق تعالى دارد اين بنده مستحق رحمت
وخوشنودى خداى باشد وفرو نشاند اين روزهٔ او غضب خداوند تعالى را
وبندد بروى درهاى دوزخ را وبدهد خداوند تعالى بپرى زمين ثواب
صدقه كرد نزر وچون نماز شام شود ده دعاى او مستجاب شود **هركه**
دو روز از ماه رجب روزه دارد ميان اين بنده وميان دوزخ حق تعالى حجابى
وخندقى آفريند **هركه** سه روز از ماه رجب روزه دارد مستوجب رضوان
اكبر شود يعنى مستوجب ديدار پروردكار كردد **هركه** چهار روز از ماه رجب
روزه دارد انبيا شفيع او باشند **هركه** شش روز از ماه رجب روزه دارد
حق تعالى شش جهت او را از بلاها نكاه دارد **هركه** هفت روز روزه دارد هفت
در دوزخ بر او بسته كردد **هركه** هشت روز روزه دارد هشت در بهشت بروى
كشاده باشد **هركه** نه روز روزه دارد ثواب روزهٔ سال تمام يابد **هركه**

ده روز از ماه رجب روزه دارد خداى تعالى از وى حساب نكند واو را ثواب
جزيل عطا كند وهركه زيادت ازين روزه دارد ثواب بمثل آن زيادت شود
رسول عليه السلام فرمودند كه در بهشت قصرهاست نه درآيد دران قصرها
مكر روزه داران ماه رجب **فصل چهارم در نماز ليلة الرغايب**
بدانكه رغيبه عطاء كثير را كويند ورغايب جمع رغيبه است **رسول** عليه السلام
فرمودند كه غافل مباشيد از شب آدينهٔ اول كه در ماه رجب آيد بدرستى كه
فرشتكان آن شب را بنام ليلة الرغايب خوانند وچون ثلث شب كذرد
فرشتكان همه در حوالى كعبهٔ معظمه جمع شوند پس فرمان شود از حضرت
عزت كه اى فرشتكان من بخواهيد از من هر حاجتى كه داريد فرشتكان كويند
اى پروردكار ما حاجات ما از تو آنست كه روزه داران ماه رجب را آمرزى
خطاب آيد كه بدرستى كه آمرزيدم هرجكاه بندهٔ مؤمن توفيق يابد كه در روز پنجشنبه
اين ماه رجب روزه دارد وشب آدينه بعد از كزاردن فريضه وسنت نماز شام
شش ركعت نماز اوابين كزارد بخوانند در هر ركعتى بعد از فاتحه سورهٔ اخلاص
سه بار بعد از آن نماز ليلة الرغايب را كزارد دوازده ركعت نماز بشش سلام بخواند
در هر ركعتى بعد از فاتحه سورهٔ انا انزلناه سه بار وسورهٔ اخلاص دوازده بار
بعد الفراغ من الصلوة هفتاد بار كويد رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ
فَاِنَّكَ اَنْتَ الْعَلِيُّ الْاَعْظَمُ وكرت دوم سجده كند وهفتاد بار كويد سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ
رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ در سجده رود وحاجت خواهد حق تعالى حاجات او را بر آورده
كرداند

خواهد که
ومقصود ومهمات تش براورده کردد وبعد از کزاردن این نماز جون خو[اهد که]
نماز خفتن کزارد افطار کند ده رکعت نماز کزارد بخواند در هر رکعتی بعد از
فاتحه آیت الکرسی ومعوذتین بجان باد ثواب بی شمار بجا صلی آید واین
بنده از کناهان آمرزیده کردد بفضل وعنایت حق تعالی **فصل پنجم**
در بیان استغفار ها که درماه رجب مسطور هست **از اوراد** در بیان استغفار
ماه رجب هر که هر روز صد بار بکوید که أَسْتَغْفِرُ اللهَ لِذُنُوبِي كُلِّهَا وَسِرِّهَا
وَجَهْرِهَا صَغِيرِهَا وَكَبِيرِهَا ظَاهِرِهَا وَبَاطِنِهَا قَدِيمِهَا وَجَدِيدِهَا أَوَّلِهَا
وَآخِرِهَا وَأَتُوبُ إِلَيْهِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ بِرَحْمَتِكَ خدای تعالی این بنده را آمرزد
بفضل خویش **رسول** علیه السلام فرموده اند هر که در ماه رجب هر روز صد بار
استغفار کوید نویسد خدای تعالی برای او هزار نیکی و محو کند از وی هزار بدی
رسول علیه السلام فرموده اند هر که سه بار استغفار کوید در روز آخرین ماه رجب
در هر وقت که اختیار کند سیصد بار البته خدای عز وجل او را آمرزد **خبر**
صحیح جمال مجیری رحمة الله علیه کوید از کلمات قدسی **در خبر است که** حق تعالی
فرموده هر که در ماه رجب هزار بار این استغفار را کوید که أَسْتَغْفِرُ اللهَ
يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ مِنْ جَمِيعِ الذُّنُوبِ وَالْآثَامِ من که خداوند البته آن
بنده را بیامرزم واکر او را نیامرزم من پروردکار او نباشم تعالی الله عن
ذَلِكَ عُلُوًّا كَبِيرًا حق سبحانه وتعالی سه کرت تکرار کرده است وچنین فرموده
فصل ششم در بیان نماز خواجه اویس قرنی رحمة الله علیه **در فواید**

الفواد

الفواد واز شرح اوراد سخن در نماز خواجه ویس قرنی افتاد شیخ الاسلام
رحمة الله علیه فرموده که این نماز را در روز سیوم وچهارم وپنجم ماه رجب است
وبعضی در سیزدهم وچهاردهم وپانزدهم کزارده اند بعد از آن در فضیلت او
مبالغه وبسیار فرموده وبروایتی است که روز بیست وچهارم وبیست وپنجم
کزارد واکر در اول ماه یا در میانهٔ ماه کزارد اولیتر باشد **نماز خواجه اویس**
قرنی اینست هر که خواهد که این نماز را کزارد باید که در وقت چاشت غسل
کند دوازده رکعت نماز کزارد بسه سلام وهر چه از قرآن آسان تر باشد آنرا
بخواند اول چهار رکعت نماز کزارد هر چه خواهد خواند بعد از سلام هفتاد
بار کوید لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ
بعد از آن چهار رکعت دیکر کزارد بخواند در هر رکعتی فاتحه یکبار وسوره اذا جاء
نصر الله یکبار وبعد از سلام هفتاد بار کوید أَنْكَ أَقْوَى مُعِينٍ وَأَهْدَى دَلِيلٍ
إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ بعد از آن چهار رکعت نماز دیکر کزارد بخواند در هر رکعتی
بعد از فاتحه سوره اخلاص سه بار بعد از سلام هفتاد بار سوره الم نشرح بخواند
ودست بر سینه فرود آرد وروی و هر حاجتی که دارد بخواهد حق تعالی اجابت کند البته
باید که سه روز دایم غسل کند واین نماز را کزارد وسخن دنیایی نکوید تا آنکاه
که از غسل ونماز فارغ شود بعده عنایت والطاف الهی را مشاهده کند واز اندک
مدت بجمیع مرادها رسد وآمرزیده کردد آمین رب العالمین **فصل**
هفتم در نماز ودعای روز پانزدهم ماه رجب از اوراد **هر که** روز پانزدهم ماه

رجب

رکعتی
بعد از برآمدن آفتاب پنجاه رکعت نماز گذارد به بیست و پنج سلام در هر
بعد از فاتحه یکبار سورهٔ اخلاص و معوذتین بخوانند و در روز پانزدهم
ماه رمضان اگر همین نماز گذارد آمرزیده گردد و ثواب بی‌شمار بحاصل
آید در ریاحین مذکور است در فضیلت این نماز آورده است حدیث
صحیح مرویست از عبد الله مسعود رضی الله عنهما که پیغامبر علیه السلام
فرموده‌اند هر که گذارد در پانزدهم ماه رجب پنجاه رکعت نماز نزدیک بلند
شدن آفتاب و همین نماز را در پانزدهم ماه مبارک رمضان گذارد
بخوانند در هر رکعتی فاتحه و اخلاص و معوذتین یکبار باز این بنده بیرون
آید از گناهان چنانکه گویی امروز از مادر زاده است و حشر کرده شود این
بنده را از گور در مرتبه و منزلهٔ شهیدان برابر پیغامبران و خدای تعالی
او را بدهد ثواب کسی که روزه داشته باشد تمام ماه رجب و شعبان و
رمضان و نویسد خدای تعالی مر او را بهر رکعتی ثواب آزاد کردن بنده و نویسد
مر او را بهر موی که بر تن اوست ثواب حج و عمره و نوشته نشود بر وی گناه
و رد کرده نشود دعاء او و نباشد ضغطه و عذاب در گور او و برداشته
شود تنگی و تاریکی را از گور او و هرجاگاه این بنده از گور بیرون آید
روی او تابان باشد بنور و رحمت حق تعالی عکرمه رضی الله عنه گوید
که من از خواجهٔ عالم صلی الله علیه وسلم شنیده‌ام هر که در روز استفتاح این
دعا را بخواند هفتاد در از رحمت بر وی گشاده گردد دعا اینست بسم الله
الرحمن الرحیم

یا

یا مفتح الابواب یا مسبب الاسباب یا مقلب القلوب والابصار یا دائم
الثبات یا مخرج النبات اللهم افتح علی ابواب فضلک و رحمتک یا
ارحم الراحمین فصل هشتم در نماز و دعاء شب معراج و در
فضیلت روزهٔ سه روز آخرین ماه رجب نقل از امالی رسول علیه السلام
فرموده‌اند هر که در شب بیست و هفتم ماه رجب شش رکعت نماز گذارد
بخواند در هر رکعتی فاتحه یکبار و سورهٔ اخلاص هشت بار و بعد از سلام
از حق تعالی حاجت خواهد هنوز از جای نماز برنخواسته باشد که حق تعالی
حاجت او را روا کرده‌اند و از روی ثواب چنان باشد که بیست و پنج حج گذارده
باشد و سی بنده آزاد کرده باشد و کوه زر صدقه داده باشد و روز
قیامت از جملهٔ رستگاران و ایمن شدگان باشد از فوائد الفواد
شیخ الاسلام علیه الرحمه فرمود که در اوراد شیخ معین الدین سجزی
رحمة الله علیه نوشته دیدم که امشب شب رحمت است یعنی شب بیست و
هفتم ماه رجب هر که این شب را زنده دارد امید است که از رحمت و نعمت
حق عز و جل بی نصیب نماند بعد از آن خواجه علیه الرحمه فرمود که در خبرست
که رسول علیه السلام بیان کرده‌اند که از آسمان هفتاد هزار فرشتهٔ مقرب
با طبقهای نور در شب فرود آیند و در خانها در روند کسانی که امشب را
زنده داشته باشند و از معاصی دور بوده فرمان شود که این طبقهای نور
را بر سرهای ایشان ایثار کنید آنگاه شیخ الاسلام قدس الله روحه چشم
پر آب کرد و گفت

چرا باید که مرد خود را ازین نعمت و دولت محروم کرداند و در کار خدای عز و جل
غفلت ورزد **فصل نهم** در نماز و دعا از برای درازی عمر در
آخر ماه رجب **در خبر صحیح** چنین آمده است باسناد درست از سلمان
فارسی رضی الله عنه که چون اسلام آورد سیصد ساله بود حضرت رسالت
را صلی الله علیه و سلم گفت یا رسول الله دعا کن تا مرا حق تعالی صد سال دیگر
در اسلام عمر دهد جبرئیل علیه السلام نزدیک رسول صلی الله علیه و سلم آمد
و گفت یا رسول الله سلمان را بگوی تا در آخر ماه مبارک رجب عظم الله
حرمته این نماز را گزارد حق سبحانه و تعالی او را بیشک مستجاب کردانند
هر که توفیق رفیق وی شود تا در آخر ماه رجب این نماز را گزارد هم
چندانک از عمر او باقی مانده باشد حق عز و جل همان مقدار عمر وی
بران افزاید و در زندگانیش راحت و در طاعتش لذت بارزانی دارد
و از معصیت معصوم ماند و ختم کار او بسعادت و شهادت بود این
نماز و دعا را فضیلت بسیار است اختصار کرده شد **هر که** در روز آخرین
از ماه رجب هر وقت که تواند دوازده رکعت نماز بسه سلام گزارد بخواند
در رکعت اول بعد از فاتحه آیت الکرسی سه بار و قل یا ایها الکافرون
سه بار و اخلاص سه بار و هر گاه که سلام دهد این دعا را ده بار بخواند
چون سلام داده باشد سی کرت این دعا را بخوانده باشد سی بار دیگر
صلوات گوید و سی بار استغفار فرستد وسیله یقین است که دعا مستجاب

شود

شود که بزرگان دین و امامان گزین این نماز را گزارده اند و اثر برکت این
دعا را دیده اند **دعا اینست** بسم الله الرحمن الرحیم یا اکرم من کل کریم
و یا اعز من کل عزیز و یا خیر من کل احد انت ربی لا رب لی غیرک
یا غیاث المستغیثین اغثنی بفضلک و رحمتک مد عمری وهب لی
من لدنک رحمة و حیوة برحمتک یا ارحم الراحمین **ماه شعبان** مشتمل
است بر شش فصل **فصل اول** در نماز و دعاء شب اول از ماه
شعبان **نقل از اوراد** هر که در شب اول از ماه شعبان در وقت سحر دو
رکعت نماز گزارد بخواند بعد از فاتحه سوره اخلاص پانزده بار و صد بار
در رکوع و سجود گوید که سبوح قدوس رب الملائکة والروح سبحان
خالق النور سبحان من هو قائم علی کل نفس بما کسبت خدای تعالی
این بنده را برحمت خود مخصوص گرداند و گور او را پر نور کرد اند و او را
بهشت روزی کرد اند **ایضا** هر که در شب اول ماه شعبان دوازده رکعت
نماز گزارد بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه سوره اخلاص پانزده بار ثواب
بیشمار بجا حاصل آید **فصل دوم** در فضیلت روزه ماه شعبان و درود
بر رسول علیه السلام **از ریاحین** جابر بن عبد الله انصاری رضی الله عنه
گفت که رسول علیه السلام فرمودند هر که روزه دارد یک روز از ماه شعبان
آن بنده از گناه بیرون آید چنانک گویی آن روز از مادر زاده است و بنویسید
مر او را خدای تعالی ثواب عبادت یکساله پذیرفته و اگر سه روز روزه دارد

گشاده شود

مرا و را هشت در بهشت تا در آید از هر دری که خواهد و اگر زیادت از این روزه
دارد بدهد خدای تعالی او را به هر روزی ثواب صد شهید و برآرد برای او صد
درجه از شهاب الاخبار رسول علیه السلام فرموده که بگویید در ماه شعبان
صلوات بر من بدرستی که هر که درود گوید بر من در ماه شعبان چنانستی که
درود گفته باشد ده بار بغیر ماه شعبان و روزی کند خدای تعالی مر این بنده را
شفاعت من که محمدم علیه السلام **فصل سیوم** در فضیلت اعمال صالحه
و خیرات در شب براة **در روایت** آمده است که هر که در شب براة در وقت
فرو رفتن آفتاب چهل بار بخواند که لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم حق تعالی
چهل ساله گناه او را بیامرزد و چهل حور را جفت او کرداند و چهل کس را
از آتش دوزخ خلاصی بخشد و بهشت فرستد **نقل** علما گفته اند که در شب
براة بیست و یک خصلت پسندیده آمده است هر که توفیق یابد که عمل کند
درجات عالیه یابد اول آنچه تواند که اندک و بسیار صدقه کند از درم و دینار
و غله و جامه و غیر آن حق تعالی بر مال وی و بر عمر وی برکت کند و روزی
وی را فراخ کرداند دوم باید که خلق را از جمیع منکرات منع کند که رسول علیه
السلام فرموده اند که وَانْهَوْا عَنِ الْمُنْکَرِ وَاِنْ لَمْ تَنْتَهُوا عَنْهُ سیوم خود را از
منکرات و بدعتها دور دارد که رسول علیه السلام از آن منع کرده اند چهارم
نماز بسیار گزارد صد رکعت یا بیشتر چندانکه تواند پنجم سوره اخلاص را
ده هزار بار بخواند و اگر نتواند باری هزار بار بخواند ششم آب دیده بسیار کند

که

که وعده مغفرتست از حق تعالی هر گناهان گوینده هفتم غسل کند و نیت روزه
کند هشتم از آزردن مادر و پدر توبه کند که عقوق والدین بدکاریست
و آزارنده ایشان را درین شب بهره و نصیب نیست نهم صله رحم بجای آرد
دهم ذکر بسیار گوید یازدهم با کسی که از برای دنیا جنگ کرده باشد
صلح کند دوازدهم از غیبت و نمامی و صورت گری و شراب خوردن و
جادوی و مکاری و کینه و عداوت توبه کند سیزدهم درین شب دعا
بسیار خواند و آمرزش خواهد چهاردهم در یک چشم سه بار سرمه کشد
و در چشم دیگر دو بار تا سال دیگر دو فایده دهد یکی آنکه درد نکند دوم در
عبادت کاهلی نکند پانزدهم درین شب کاسها و کوزه ها و قدحها را بشوید
تا برکتی پیدا آید شانزدهم تا تواند درین شب از گوشت بپرهیزد هفدهم
اگر عیال دارد از عیال خود دستوری خواهد زیرا که رسول علیه السلام
از عایشه رضی الله عنها دستوری خواسته اند هژدهم چون نماز گزارد در
هر رکوع و سجود تسبیح بسیار گوید نوزدهم در جایی نماز گزارد که خالی باشد
بیستم در سجده این کلمات را گوید که سَجَدَ لَکَ بَیَاضِی وَسَوَادِی وَخَیَالِی وَآمَنَ
بِکَ فُؤَادِی وَاَقَرَّ بِکَ لِسَانِی وَهَا اَنَا ذَا بَیْنَ یَدَیْکَ یَا عَظِیم بیست و یکم امشب را
زنده دارد تا دل او هرگز نمیرد و سعادت دو جهانی یابد والله الهادی
الی الرشاد **فصل چهارم** در نماز و دعای شب براة **از اوراد**
درین شب صد رکعت نماز آمده است به پنجاه سلام سی و سه کس از صحابه
رضی الله عنهم

انحضرت رسالت علیه السلام روایت کرده اند واین نماز را صلوة الخیر کویند
بخوانند در هر رکعتی بعد از فاتحه سوره اخلاص ده بار رسول علیه السلام فرمودند
که هر که این نماز را کزارد واین دعا را بخواند در شب براة خطاب مستطاب رب
الارباب در رسد که بعظمت وجلال من که خداوندم بدرستی که آمرزیدم ترا
وعطا کردم آنچه را که خواستی تو ودر عصمت خود دارم تا سال دیکر ودر باقی
عمر تو برکت کنم پس آنکاه خدای تعالی فرماید فرشتکان را که نویسید از برای
این بنده من ثواب کسی که غزات کرده باشد وثواب کسی که رباطها عمارت کرده
باشد وثواب کسی که تمام سال نماز کزارده باشد وروزه داشته وخدای عز وجل
فرماید فرشتکان حفظه اورا تا از برای او آمرزش خواهند تا روز قیامت
ونه نویسند بنام او هیچ کناه تا آنکاه که بمیرد وبنا کنند از برای او هفتاد
هزار قصر زر ودرها ودیوارهای او همه از زر باشد وبرای این بنده بنا کنند
هفتاد هزار قصر از نور وزمین آن قصرها از نور باشد ودیوارهای وسقفها
ودرها از یاقوت سرخ باشد ودر هر قصری هزار سرای باشد ودر هر سرایی
هفتاد هزار خانه ودر هر خانه هفتاد هزار تخت وبر بالای آن تختها فرش افکنده
باشند از سندس واستبرق وحوران بر بالای آن تختها جای کرفته باشند
که هر یکی بجمال ثریا جنان باشند که همه بهشت از نور ایشان منور کردد
وجمال باکمال ایشان بدان درجه باشد که هیچ چشمی مثل آن ندیده باشد
وصفت آن نشنیده باشد ونه در دل هیچ بشر نکذشته وحق تعالی بنظر عنایت

سوی این بنده نظر کند وفرستد سوی او هزار فرشته بر دست هر فرشته
دسته ریحان باشد بر هر برکی نوشته بود که طوبی لولی الله عنه پس در آیند
نزدیک وی هزار فرشته دیکر بر دست هر فرشته کاسه بزرک از زر بود ودرین
کاسها طعامها باشد که دست هیچ آفریده بدان طعامها نرسیده باشد وآن
ملایکه بوین بنده از پروردکار سلام وتحیت رسانند وکویند السلام علیک
من رب العالمین **فصل پنجم** در فضیلت شب براة از تفسیر
مغنی ابو هریره رضی الله عنه روایت میکند که آمد نزد من جبرئیل صلوات الله علیه
در شب براة وکفت یا محمد امشب شبی است که کشاده هست درین شب درهای رحمت
حق تعالی پس برخیز ونماز کزار ونیاز عرضه دار ودستها بدعا بردار سوی
آسمان کفتم یا اخی جبرئیل چیست فضیلت امشب کفت یا محمد درین شب کشاده
میشود سیصد دراز درهای رحمت پس بیامرزد خدای تعالی مومنی را که شرک
نیاورده باشد بخدای تعالی چیزی را واما بدان یا محمد که خدای تعالی نیامرزد کسی را
که ساحر باشد یا کاهن یا کینه دار یا اختر کوی یا مدمن خمر یا آنکه بر زنا
مصر باشد بدرستی که این طایفه آمرزیده نمیشوند درین شب تا ازین افعال شنیع
توبه نکنند ودرهای توبه بر ایشان کشاده باشد تا آن زمانکه توبه کنند بعد از آن
رسول علیه السلام سوی کورستان بقیع بیرون آمدند واین بقیع نام مقبره
غریبانست در مدینه وحضرت رسالت صلی الله علیه وسلم آنجا نماز کزاردند و
سر بسجده نهادند ودر سجده میکفتند ومیکریستند اعوذ بعفوک من عقابک

وَاَعُوذُ بِرِضَاءِكَ مِنْ سَخَطِكَ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْكَ وَسَخَطِكَ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ وَلَا اِلَهَ
غَيْرُكَ وَلَا اُبْلِغُ الثَّنَاءَ عَلَيْكَ اَنْتَ كَمَا تَفْعَلُ وَكَمَا اَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ چون
ربعی از شب گذشت جبرئیل علیه السلام آمد وگفت یا محمد سران سجده
بردار بدرستی که بر تو درهای رحمت کشاده است بعد ازان جبرئیل علیه
السلام گفت یا محمد بگوی مر امت خود را که امشب را زنده دارند زیرا که درهای
آسمان کشاده میکردد درین شب بر در اول فرشته ندا میکند که خوشا مر ان
کسی را که رکوع کرده است درین شب و بر در دوم نوشته است که خوشا مر ان
کسی را سجده کرده است درین شب و بر در سیوم فرشته ندا میکند خوشا
مر ان کسی را که ذکر گفته است درین شب و بر در چهارم فرشته ندا میکند که خوشا
مر ان کسی را که از خوف خدای تعالی گریسته است درین شب و بر در پنجم فرشته
ندا میکند که هست خواهنده وخواهنده که داده شود سوال او وهست دعا
کننده که مستجاب شود بر در ششم فرشته ندا میکند که خوشا مر ان کسی را که عمل
خیر کند درین شب بر در هفتم فرشته ندا میکند که هست توبه کننده که پذیرفته
شود توبه او وهست استغفار کننده که آمرزیده شود گناهان او پس آنگاه
رسول علیه السلام گفتند یا جبرئیل برامت من درهای رحمت کشاده است گفت
بلی یا رسول الله کشاده است تا طلوع فجر اما بدانک پانزدهم ماه شعبان را براة
ازان جهت گویند که مردمان را درین شب براة داده میشوند نیکبختان را ونکو
کاران را براة از آتش دوزخ میدهند وبیزاری از کفر ونفاق وامان

از عذاب

جنت

از عذاب وجواز از پل صراط اما بدبختان ومنافقان وکافران را براة ان
داده میشود یعنی بیزاری از بهشت ودیگر جبرئیل علیه السلام گفت که درین شب
کشاده میشود لوح محفوظ پس نظر میکند دروی اسرافیل علیه السلام
پس نسخه میکند از لوح المحفوظ آنچه که دران سال خواهد بود از اول تا آخر
پس آنگاه اسرافیل علیه السلام نسخه ارزاق را بمیکائیل صلوات الله علیه
میدهد که صاحب آسمان دنیاست ونسخه اعمال را باسرافیل علیه السلام
میدهد که خازن بهشت است ونسخه خسف وصاعقه وزلازل را بجبرئیل
علیه السلام میدهد ونسخه ارواح را بملک الموت علیه السلام میدهد که
نام او عزرائیل است دران نسخه نوشته باشد که از مادر در وجود آید وکه از
دنیا نقل کند وکدام شخص سعید کردد وکدام شخص شقی کردد والله تعالی اعلم

فصل ششم در بیان روزه شک **در فتاوی سراجی** آورده است که
مکروه است روزه شک اگر به نیت فرض یا واجبی دیگر دارد اما اگر به
نیت نفل دارد مکروه نیست بلکه افضل اینست که روزه دارد پس نزدیک
علماء ما رحمهم الله **ماه رمضان** مشتمل است بر پنج فصل **فصل اول**
در نماز ودعاء شب اول وهر شب از ماه رمضان ودعاء روزه کشادن
نقل از اولاد چون کسی ماه مبارک رمضان را بیند گوید که اَللّٰهُمَّ
هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ فَادْخِلْهُ عَلَيْنَا بِالْاَمْنِ وَالْاَمَانِ وَصِحَّةٍ مِنَ السَّقَمِ
وَفَرَاغٍ مِنَ الشُّغْلِ وَاَعِنَّا عَلَى الصِّيَامِ وَالْقِيَامِ وَتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ حَتَّى

يَنْقَضِي عَلَيْنَا وَقَدْ عَرَفْتَ لَنَا وَرَضِيتَ عَنَّا اَللّٰهُمَّ هٰذَا شَهْرُ رَمَضَانَ قَدْ حَضَرَ
فَسَلِّمْهُ لَنَا وَسَلِّمْنَا لَهُ وَتَسَلَّمْهُ فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
ايضاً هر كه هر شب ماه رمضان اين دعا را بخوانند از بلاها در امان باشد
و از آتش دوزخ نجات يابد دعا اينست اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ بِكَرَمِكَ وَجْهَكَ
الْجَنَّةَ وَاَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ فصل دوم در فضيلت دهٔ آخرين
ماه رمضان و در بيان شب قدر علما گفته اند مرد بايد كه در دههٔ آخر ماه
رمضان اهل و بيت خود را بيدار كند يعنى در طاعت آرد و از زنان خود را
نگاه دارد يعنى معتكف شود كه پيغامبر عليه السلام چنين كرده اند امام
جعفر صادق رضى الله عنه گفت هر كه بخوانند در شب بيست و سيوم ماه رمضان
سورهٔ عنكبوت و سورهٔ الم غلبت الروم را سوگند خورد بخداى كه او
از اهل بهشت باشد بعد از آن گفت بدانيد كه من در اين سوگند نزد خداى
تعالى در شك نيستم و هيچ آخذ نيستم از عظمت و بزرگى قرآن از اوراد هر كه
در شب بيست و هفتم ماه رمضان صد ركعت نماز گزارد بخوانند در هر ركعتى
بعد از فاتحه سورهٔ انا انزلناه سه بار و اخلاص ده بار بعد از گزاردن
ده ركعت نماز تسبيحات تراويح را بخوانند خداى تعالى او را ثواب شب قدر كرامت
كند بروايت ديگر آمده است كه دوازده ركعت نماز گزارد به شش سلام
بخوانند در هر ركعتى بعد از فاتحه انا انزلناه سه بار و اخلاص ده بار و كلمهٔ
سبحان الله و الحمد لله را تا آخر صد بار گويد ايضاً پيغامبر عليه السلام

فرمودند

فرمودند هر كه گزارد در روز بيست و هفتم از ماه رمضان دو ركعت نماز بخوانند
در هر ركعتى بعد از فاتحه انا انزلناه يكبار و اخلاص بيست و پنج بار بعد از
سلام صد بار استغفار گويد و صد بار درود گويد بدرستى كه او شب قدر را
دريافته باشد و قبول كند خداى تعالى ازين بنده نماز و روزهٔ او را و بدهد
او را ثواب بسيار چنانكه هيچ صفت كنندهٔ آنرا صفت نتواند كرد رسول
عليه السلام فرمودند كه درين شب بايد كه اين دعا را بسيار خوانند كه اَللّٰهُمَّ
اِنَّا نَسْاَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ وَالْمُعَافَاةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اَللّٰهُمَّ
اِنَّكَ عَفُوٌّ تُحِبُّ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فَاعْفُ عَنَّا يَا عَفُوُّ يَا غَفُورُ فصل
سيوم در بيان سحر و سحرى خوردن رسول عليه السلام فرمودند هر كه
سحرى خورد بدرستى كه او بيرون آمده باشد از دين يهود و نصارى
از هدايه پيغامبر عليه السلام فرمودند كه سحر خوريد بدرستى كه در سحر خوردن
بركت است و تاخير داشتن سحرى و زنده داشتن سحر مستحب است و وقت
سحرى خوردن تا آن زمان كه باقى است كه صبح صادق ندميده است از رياحين
انس بن مالك رضى الله عنه گفت كه پيغامبر عليه السلام فرموده اند چهار نفقه
است كه بنده حساب كرده نشود بدان نفقات يكى آنكه نفقه بر مادر و پدر خود
كند و ديگر نفقهٔ كه بر عيال خود كند و سيوم طعامى كه با آن روزه دار افطار كند
و چهارم طعام سحر خوردن فصل چهارم در نماز و دعاء شب آخرين
ماه رمضان و شب عيد و روز عيد نقل از اوراد هر كه در شب آخرين
ماه رمضان

سلام ازان

ده رکعت نماز گزارد به پنج سلام هر چه خواهد از قرآن بخوانند بعد [ازان]
در سجده رود واین دعا را بخوانند که بسم الله الرحمن الرحیم یا حی
یا قیوم یا ذو الجلال والاکرام یا رحمن الدنیا ورحیم الآخرة
یا ارحم الراحمین یا اله الاولین والآخرین اغفر لی ذنوبی
وتقبل صلوتی وصیامی وقیامی پیغامبر علیه السلام فرمودند
بدان خدایی که مرا براستی بخلق فرستاده است که هنوز سر از سجده
بر نداشته باشد که آمرزیده شود از تفسیر مغنی پیغمبر رسول
علیه السلام فرمودند هر که گزارد در شب آخرین از ماه رمضان
چهار رکعت نماز در هر رکعتی بعد از فاتحه اخلاص ده بار بخواند
فرستد خدای تعالی صد فرشته سی فرشته بشارت دهند او را
بهشت و سی فرشته امان دهند از آتش و سی فرشته نگاه دارند
او را از خطا کردن و ده فرشته قصد دشمنان او کنند تا هیچ دشمن
بروی دست نیابد والله اعلم

فصل پنجم در بیان صدقه فطر از شرح اوراد و از مضمرات

بدانک علما استخراج کرده اند
صاع را بوزن درمی که سی و دو حبه است یکهزار و صد و سی و هفت و نیم
درم شود از برای احتیاط و نفع فقیر شانزده سیر راست گیریم پس
نصف صاع هشت سیر باشد بفقیر دهد و اگر شعیر یا آرد شعیر
یا خرما دهد یک صاع شانزده سیر باشد بفقیر دهد و اگر طعام

مخلوط

١

مخلوط بود یعنی جو و گندم در آمیخته باشد و اگر گندم غالب نباشد حکم
جو دارد یک صاع دهد و دیگر بدانک آرد او بیشترست از گندم و درم او بیشترست
از آرد که بیشتر غرض فقیر از درم حاصل گشت واین مسئله در طحاوی
و کفایه شعبی و در هدایه مذکورست عشر ذی الحجه مشتملست بر هشت [فصل]

فصل اول در نماز دهه شب اول از دهه ذی الحجه از ملفوظ

شیخ الاسلام فرید الدین قدس الله روحه العزیز بلفظ مبارک خود رانده که در
اوراد شیخ قطب الدین بختیار نور الله مرقده بروایت ابوهریره رضی الله عنه
نوشته دیدم که هر که دو رکعت نماز گزارد در شب اول از ماه ذی الحجه بخوانند
در هر رکعتی بعد از فاتحه سه آیت از اول سوره انعام و در رکعت دوم بعد از فاتحه
اخلاص خوانند یکبار حق تعالی ثواب حاجیان را در نامه اعمال او نویسد بعد ازان شیخ
الاسلام بلفظ مبارک خود راند که وقتی جوانی فاسق گناه کاری بدکرداری از
دنیا نقل کرد خلق از سبب او تأسف خوردند که حال آن جوان در تنگنای لحد
چگونه خواهد بود هم دران وقت بزرگی از بزرگان دین او را بخواب دید پرسید که
خدای تعالی با تو چه کرد گفت آن زمان که مرا در گور ماندند و خلق جمله باز گشتند [ملائکه]
عذاب در آمدند با عمود های آتشین خواستند که بر من زنند و مرا عذاب کنند
فرمان آمد از حضرت پادشاه قدیم و سلطان کریم که دست ازین بنده باز دارید
که ما او را آمرزیدیم و جای او در بهشت دادیم و او یکی از حج کنندگانست فرشتگان
عذاب دست از من بداشتند و در حضرت بی نیاز عرضه داشتند که الهی این جوان

در مدت حیوة

خود فاسق و بی باک بود چیزیکی از وی در وجود آمد که او را آمرزیدی فرمان
آمد که ای ملایکه همچنانست که شما میگوئید ولیکن این جوان در شب
اول از ذی الحجه هر سالی دو رکعت نماز گزاردی ما او را بسبب آن آمرزیدیم
والله الهادی **فصل دوم** در فضیلت روزهٔ عشر ذی الحجه
از روضة العلما صاحب کتاب رحمة الله علیه گفت شنیدم از ابو نصر
احمد بن ابو الفضل نور الله مرقده که او چنین گفت که هر که در دههٔ ذی
الحجه روزه دارد حق تعالی او را ده چیز کرامت کند اول آنکه در عمر وی برکت
کند دوم مال او را زیاده گرداند سیوم عیال او را در حفظ خود دارد چهارم گناه
او را عفو کند پنجم حسنات او را تضعیف گرداند ششم آنکه سکرات موت
را بروی آسان گرداند هفتم قبر او را منور گرداند هشتم میزان خیرات
او را گران گرداند نهم از درکات دوزخ او را نجات دهد دهم درجات او را بلند
گرداند **ابوذر غفاری** رضی الله عنه گفت که پیغامبر علیه السلام فرمود که
هر که روزه دارد در روز ترویه یعنی روز هشتم ماه ذی الحجه چنانستی که خدای
تعالی را عبادت کرده باشد هزار سال و هر که روزه دارد در روز عرفه حق تعالی
این بنده را ثواب حاجیان روزی گرداند و طاعاتش مقبول باشد و هر که
روزه دارد در روز عید اضحی تا وقتی که از نماز عید باز گردد چنانستی که
خدای تعالی را شصت هزار سال عبادت کرده باشد **فصل سیوم**
در ورد عشر **از تفسیر منیر و از ملفوظ** شیخ الاسلام فرید الدین نور الله

مرقده

مرقده فرمود که در اوراد شیخ معین الدین سجزی قدس الله روحه العزیز نوشته
دیدم که رسول صلی الله علیه وسلم فرموده که هر که سورهٔ والفجر را در ایام عشر
ذی الحجه بخواند حضرت حق جل و علا آن بنده را آمرزد و از آتش دوزخ
نجات دهد آنگاه هم درین محل فرمود که بعد از نقل شیخ معین الدین او را
بخواب دیدند پرسیدند که حال موت و جواب منکر و نکیر چگونه بود فرمود
همه بفضل خدای تعالی آسان شد اما چون مرا در زیر عرش بردند ندا آمد که
یا معین الدین سر بالا کن سر بالا کردم فرمان شد مرا که چندین چرا
ترسیدی گفتم از جباری و قهاری تو فرمان آمد که ای معین الدین اکنون ترا
در دههٔ ذی الحجه سورهٔ والفجر خوانده باشد او را با ترس چکار بیا که ما ترا
آمرزیدیم و از واصلان حضرت گردانیدیم ولله الفضل والمنة **فصل**
چهارم در نمازهای شب و روز عشر ذی الحجه **از ملفوظ** شیخ الاسلام فرید الدین
طیب الله مضجعه فرمودند که هر که در شب عشر ذی الحجه دو رکعت نماز گزارد
بعد از وتر پیش از خواب رفتن بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه و اخلاص
وانا اعطینا یکبار حق تعالی او را چندان ثواب دهد که حساب او را دیگری
نداند و گزارندهٔ این نماز از دنیا بیرون نرود تا جای خود را در بهشت نه بیند
بعد از آن موافق و مناسب این کلام فرمود که شیخ سعد الدین حموی را
قدس الله روحه العزیز بخواب گفتند که یا شیخ کیف حالک فرمود که حق تعالی
مرا آمرزید بعوض هر طاعتی و عبادتی که در دنیا کرده بودم ثواب باندازهٔ
آن

ارزانی شد اما بسبب این دو رکعت نماز که هر شب عشر ذی الحجه گزارده بودم چندان ثواب عطا شد که آنرا جز خدای تعالی دیگری نداند بعد ازان هم درین محل بر لفظ مبارک خود راند که هر که در شب جمعه که داخل ایام عشر هست یا در روز جمعه شش رکعت نماز گزارد بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه سوره اخلاص پانزده بار و بعد از نماز ده بار صلوات گوید و بعد از صلوات این کلمات را گوید که لا اله الا الله الملک الحق المبین خدای تعالی او را عنایت بی شمار ارزانی کند و او را چندان ثواب دهد که آنرا نهایت نباشد دیگر و بمقدار صد و بیست و چهار هزار پیغامبر او را ثواب دهند و تا سال بر وی هیچ گناه نه نویسند **فصل پنجم** در نماز و دعای شب عرفه **رسول** علیه السلام فرموده اند هر که زنده دارد پنج شب را واجب شود او را بهشت اول شب ترویه دوم شب قدر چهارم شب برات پنجم شب عید اضحی **از اوراد** هر که در شب عرفه صد رکعت نماز گزارد در هر رکعتی فاتحه را بخواند با تسمیه و آمین سه بار و قل یا ایها الکافرون را بخواند با تسمیه سه بار و اخلاص با تسمیه سه بار هر چه از حق تعالی طلبد بیابد **رسول** علیه السلام فرموده اند هر که روز عرفه هزار بار سوره اخلاص را بخواند هر مرادی که خواهد یابد **رسول** علیه السلام فرموده اند هر که نگاه دارد در روز عرفه گوش و چشم و زبان خود را از غیبت و فحش و لهو و لعب و نظر حرام خدای تعالی او را بیامرزد **فصل ششم** در نماز و دعای شب عید و روز عید

عرفه سوم

ونماز شب اضحی **نقل از اوراد** هر که در شب عید قربان چهار رکعت نماز گزارد بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه اخلاص و معوذتین صد بار بعد از سلام هفتاد بار گوید که سبحان الله و الحمد لله تا آخر بعد ازان این دعا را بخواند که اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له الها واحدا احدا صمدا فردا وترا الذی لم یتخذ صاحبة ولا ولدا لا اله الا الله و لا حول و لا قوة الا بالله لا اله الا الله و لا نعبد الا ایاه مخلصین له الدین و لو کره الکافرون **از ملفوظ** شیخ الاسلام فرید الدین قدس الله سره العزیز آورده اند که هر که در شب عید اضحی پنج بار بخواند این دعا را ثواب بی حد بحاصل آید نماز روز عید اضحی **نقل از اوراد** هر که چهار رکعت نماز گزارد بعد از نماز عید و خطبه بخواند بعد از فاتحه سوره سبح اسم ربک الاعلی و در رکعت دوم سوره والشمس و در رکعت سیوم والضحی و در چهارم اخلاص ثواب بی شمار بحاصل آید **فصل هفتم در قربانی** اگر بنده درویش باشد و او چیزی ندارد دو رکعت نماز گزارد بعد از نماز عید بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه انا اعطینا سه بار ثواب قربانی یابد **نقل از اوراد** چون شخصی قربانی تمام کند گوید بسم الله و الله اکبر اللهم هذا فدائی بلحمی و دمها بدمی و عظمها بعظمی اللهم ان صلوتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین لا شریک له و بذلک امرت و انا اول المسلمین اللهم تقبل منی کما تقبلت من خلیلک ابراهیم

از فوائد الاسلام بدانک قربانی واجب است بر هر مسلم توانگر در روز عید اضحی
و بر مسافر و درویش واجب نیست و قربانی کند در نفس خویش و فرزند
خود از هر یک یک گوسفند یا آنک هفت کس جمع شوند و یک شتر یا یک گاو
و هرچه فربه‌تر باشد و بهاء او بیشتر باشد آنرا اختیار کند لاغر نشاید
و نابینا و یک چشم کور هم نشاید و لنگ آنچنان که تا جای ذبح نتواند رفت
و بریده گوش و بریده دم نشاید و اگر اندکی از گوش و دم بریده باشد
چنانک بیشتری باقی بود روا باشد و بی دندان چنانک علف نتواند
خوردن روا نباشد و هرچه از شتر جدا کنند آنرا نیز صدقه کنند
و قربانی را بدست خود ذبح کند که افضل است و اگر نتواند کسی را فرماید و او
بر سر پا ایستد تا او ذبح کند والله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب

تم

شکر لله که بعون خالق هر دو جهان — بندهٔ مسکین کتابت کرد مفتاح الجنان
نهصد و سه و نود بود از وفات مصطفی — روز اول بد ز ماه صوم سه شنبه بدان
کاتب او را محمد دوست نام الله — بعضی گویند حافظ ابن حسین پهلوان
ای خوش آن مؤمن که خواند آرد این را در عمل — باشد اندر حفظ حق و از نفس و شیطان امان
این کتابت شد بدور خسرو گردون سریر — صاحب فتح و ظفر یعنی که عبدالله خان
رحمت ایزد نثار آن کسی باد که او — فاتحه سازد مع اخلاص بهر روحش روان
عمر آن بیچاره در پنجاه کم دو سال بود — که بخاطر او فتادش این کتابت در میان